

کودکان و ادبیات رسمی ایران



تهیه و تنظیم
صدیقه هاشمی نسب

Children and Classical Persian Literature

Compiled and Arranged
by Sadiqeh Hāshemi-nasab

بها: ...

شیر
انشارات صدوق سیماي جمهوری اسلامی ایران

کودکان و ادبیات رسمی ایران

تهیه و تنظیم صدیقه هاشمی نسب

۱۳/۱

۱۳/۱





کودکان و ادبیات رسمی ایران



کودکان و ادبیات رسمی ایران

بررسی جنبه‌های مختلف باز نویسی از ادبیات کلاسیک ایران
برای کودکان و نوجوانان

تألیف صدیقه هاشمی نسب

سروش
تهران ۱۳۷۱

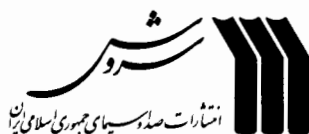
هاشمی نسب ، صدیقه
 کودکان و ادبیات رسمی ایران : بررسی جنبه‌های مختلف بازنویسی
 از ادبیات کلاسیک ایران برای کودکان و نوجوانان / تألیف صدیقه
 هاشمی نسب . - تهران : سروش ، ۱۳۷۱ .
 هجده ، ۳۵۱ ص. : جدول ، نمودار .

کتابنامه : ص. ۳۳۴ - ۳۴۵ ؛ همچنین بصورت زیر نویس .
 ۱. ادبیات کودکان و نوجوانان - تاریخ و نقد . ۲. ادبیات
 فارسی - اقتباسها . ۳. کتاب و مواد خواندنی برای کودکان .
 الف . عنوان .

A 6۵/۹۹۲۸۲

PN1۰۰۹

واحد تولید اطلاعات آرشیوها و کتابخانه‌های صدا و سیما



تهران، خیابان استاد مطهری، تقاطع خیابان دکتر مفتاح، ساختمان جام جم

چاپ اول: ۱۳۷۱

ویراستار: مریم حسینی‌زاد

پانچیسیت: سهیلا آبگینه

نمونه‌خوان: بهتاز کوشا

صفحه‌آرا و طراح روی جلد: علیرضا فتورچه

ناظر چاپ: امیررضا کرداری

لیتوگرافی: مردمک

حروفچینی: لاینوترون انتشارات سروش

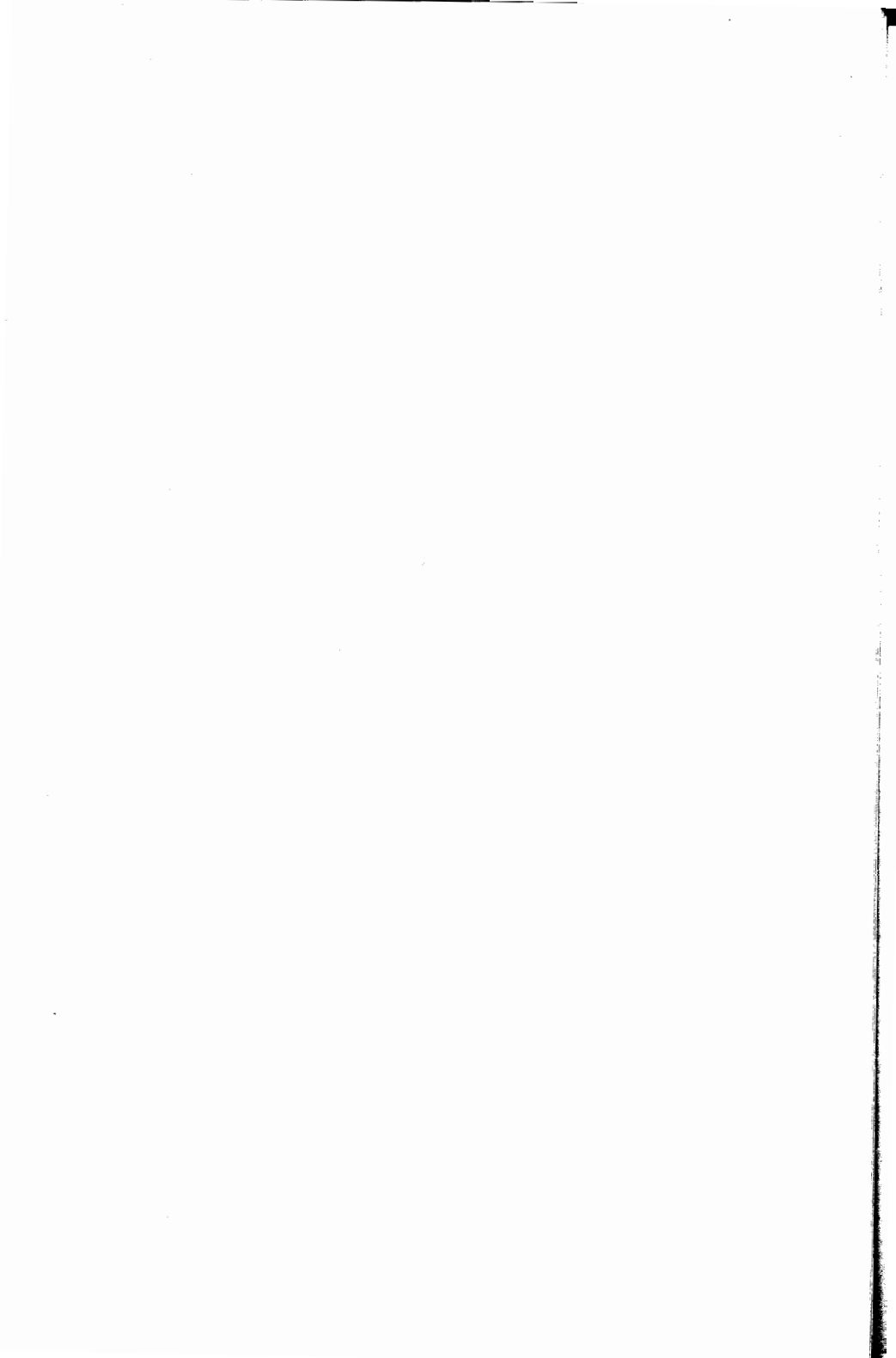
این کتاب در پنج هزار نسخه در چاپخانه ۱۱۰ چاپ و در صحافی صحافکار تهران

صحافی شد.

بها: ۲۰۰۰ ریال

تقدیم به:

همسرم که به یادش و هدفش برای کودکان تمامی راه را پیمودم و تقدیم به مادرم که در تمامی مراحل در کنار، نیروبخش و یاورم بود. و تقدیم به آقای نصرتا... سیدهاشمی که در تنظیم کارهای آماری آموزگارم شد. تقدیم به فرزندانم آناهیتا و آرش که به عشق آنان و فرزندان این مرزوبوم تحقیق به نوشته آمد. و با تشکر از استادم که در طی طریق راهنمایم بودند.



فهرست مطالب

یازده	مقدمه
	فصل اول
۱	کلیات
۳	فرهنگ چیست ؟
۴	تعریف ادبیات از دیدگاههای مختلف
۹	انواع ادبیات
۱۰	تطور نثر فارسی در ادبیات ایران
۱۵	تطور نظم فارسی در ادبیات ایران
	فصل دوم
۱۹	ادبیات کودکان و نوجوانان
۲۱	تاریخچه ادبیات کودکان در ایران
۲۳	انواع ادبیات کودکان
۳۶	عوامل مؤثر در شناخت توانائیهای کودکان و نوجوانان
	فصل سوم
۴۱	بازنویسی و بازآفرینی
۴۲	تعریف بازنویسی و بازآفرینی و گنری بر آن
۴۷	شرایط بازنویسی و بازنویس
۵۰	شیوه‌های بازنویسی و بازآفرینی
۵۱	تاریخچه بازنویسی از ادبیات رسمی برای کودکان
هفت	

- ۵۴ چکیده يك مقاله در طرح بازنویسی و بازآفرینی از استفاده متون گذشته
- ۵۵ ادبیات پیش از اسلام
- ۵۷ ادبیات پس از اسلام
- موضوعها و داستانهای مطرح در ادب رسمی که می‌تواند در بازنویسی مورد استفاده قرار گیرد
- ۶۴
- ۶۵ بررسی، نقد و داوری کردن در باب ارزشها
- فصل چهارم**
- ۶۷ بررسی بازنوشته‌هایی که از روی آثار ادب رسمی صورت گرفته است
- مقایسه بازنوشته‌ها با آثار ادب رسمی در روایات و اساطیر کهن و حماسه در ایران تا
- ۶۹ اوایل قرن پنجم
- ۷۰ داستانهای اساطیری و حماسی
- ۷۴ آرش کمانگیر، افسانه اوستایی
- ۸۱ افسانه‌های کهن ایرانی، آثار فلسفی و اساطیری متأثر از تشرشیت
- ۸۶ جمشیدشاه در آثار اساطیری کهن و شاهنامه
- گزیده‌ای از يك مقاله در رابطه با وصف حال ما و روزگار ما با کتاب شریف شاهنامه پیش
- ۱۱۱ از انقلاب و پس از انقلاب
- ۱۱۵ بازنویسی در نثر فارسی قرن پنجم
- ۱۲۶ بازنویسی در نثر فارسی قرن ششم هجری
- ۱۴۹ بازنویسی در شعر فارسی قرن ششم
- ۱۵۸ بازنویسی از نثر فارسی قرن هفتم
- ۱۶۹ نثر فارسی نیمه دوم قرن هفتم
- ۱۸۹ بازنویسی از نظم فارسی قرن هفتم
- ۱۹۳ بازنویسی از آثار عرفانی و متون متصوفه
- ۲۴۰ شمس و مقالات شمس
- ۲۴۷ بازنویسی در شعر فارسی قرن نهم
- ۲۵۱ بازنویسی از نثر فارسی قرن دهم
- ۲۵۴ بازنویسی از آثار دو قرن دهم و یازدهم
- ۲۵۸ بازنویسی از نظیره‌گوییها بر گلستان سعدی (از قرن هشتم تا پایان قرن سیزدهم)
- هشت

۲۶۷	بازنویسی در نظم قرن سیزدهم
۲۷۰	بازنویسی در نظم قرن چهاردهم
۲۷۴	تحلیل آماری
۳۲۷ تا ۳۱۲	نمودارها
۳۲۸	نظرات و پیشنهادات
۳۳۴	فهرست بازنوشته‌ها
۳۴۰	فهرست متون ادب رسمی
۳۴۳	فهرست منابع و مأخذ
۳۴۷	فهرست جدولها

فهرست جدولها

۸۰	جدول تکرار اثر بازنوشته‌ها از آرش کمانگیر
۸۴	جدول تکرار اثر از ادبیات اساطیری، دینی و فلسفی
۸۵	جدول تکرار و برگردان و بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات فارسی باستان و پهلوی
۸۹	جدول تکرار انتخاب داستانها در بازنوشته‌ها
۱۲۰	جدول آثار و تکرار از قابوسنامه
۱۲۵	جدول تکرار آثار فصلهای سیاستنامه
۱۴۴	جدول تکرار آثار درازنویسی از کلیله و دمنه
۱۵۷	جدول تکرار آثار در بازنویسی از آثار نظامی
۱۶۸	جدول تکرار آثار در بازنویسی مرزبان‌نامه
۱۷۴	جدول تکرار آثار بازنویسی‌ها از فرج بعد از شدت
۱۸۹	جدول تکرار آثار بازنویسی از باب‌های گلستان
۲۰۶	جدول تکرار در بازنویسی از آثار عطار
۲۳۹ و ۲۳۸	جدول تکرار گزینش داستانها در مثنوی
	جدول شماره (۱. الف)
۲۷۸	تعداد و کیفیت بازنوشته‌ها براساس متون ادبیات رسمی و تاریخ نشر
	جدول شماره (۱. ب)
۲۷۹	تعداد و کیفیت بازنوشته‌ها براساس دوره موضوعها با تجدیدچاپ

جدول شماره (۲)

۲۸۰ تعداد بازنوشته‌ها براساس زبان متن اصلی

جدول شماره (۳)

۲۸۱ تعداد و کیفیت بازنوشته‌ها براساس نویسنده متن اصلی

جدول شماره (۴. الف)

تعداد و کیفیت بازنویسی از متون ادبیات رسمی براساس دوران و قرون مربوط با ذکر

۲۸۲ عنوان متن رسمی

جدول شماره (۴. ب)

تعداد و کیفیت بازنویس از متون ادبیات رسمی براساس دوران و قرون مربوط به آنها

۲۸۳

۲۸۵ جدول شماره (۵ - الف) جدول کلی بازنوشته‌ها از شاهنامه

جدول شماره (۵ - ب)

۲۸۶ تعداد و کیفیت کار هر بازنویس براساس موضوعات متون ادب رسمی

جدول شماره (۵ - پ)

۲۸۸ و ۲۸۷ کار بازنویسان براساس تعداد آثارشان

۲۸۹ جدول شماره (۶) تعداد و کیفیت کار ناشرین

جدول شماره (۷)

تعداد و کیفیت بازنویسی براساس هریک از متون ادبیات رسمی و تاریخ نشر

۲۹۰ الی ۳۰۹

۳۱۰ جدول شماره (۸) تعداد کار مصوران

جدول شماره (۹) تعداد و کیفیت بازنوشته‌ها براساس گروه‌های سنی مخاطب و تاریخ

۳۱۱ نشر

۳۴۷ جدول مادر

مقدمه

چون به سرزمینی بیگانه پای می‌نهد شما را به وسیلهٔ زیاتان به ملیتی نسبت می‌دهند و جلوه‌های فرهنگتان را که با آن زبان بیان شده به یاد می‌آورند. زبان هر ملتی آینهٔ فرهنگ اوست و ملیت يك فرد را به زبانش بازمی‌شناسند. ابعاد و آثار مختلف فرهنگی يك قوم را به زبانش بازنویسند. گذشتهٔ فرهنگی يك ملت را به زبانش منتقل می‌سازند و بزرگ‌ترین رشتهٔ همبستگی را بین يك قوم به زبانشان استوار می‌سازند. گویند چون خداوند بزرگ بر قومی خشم گیرد زبانشان را از ایشان بازستاند. پس بقای يك ملت بر فرهنگش استوار است و مظهر فرهنگش زبانش می‌باشد. اولین تحول انسانی يك نوزاد آویختن به زبان است. حفظ يك ملت و فرهنگ، وابسته به میزان سرمایه‌گذاری است که برای انتقال زبانش از پدران به فرزندان می‌نمایند. اگر به کودکی ارزش زبانش را بازشناسند حرکت تمامی ابعاد فرهنگی را به آینده آسان نموده‌اند. یکی از مهم‌ترین وسایل این انتقال ادبیات هر ملت است که زبان وسیلهٔ آن است. زبان و ادبیات چنان آمیخته‌اند که معمولاً جایگاه وسیله و هدف فراموش می‌گردد.

زبان و ادب پervasالت است و كودك و نوجوان لطیف. چگونه باید آشنا کرد شیشه و سنگ را تا یکی نشکند و دیگری نیز ناشناخته نماند و در اثر برخوردی نابجای پیاپی، هريك از هویت خود خارج نشود.

این، موضوع تحقیقی بود که با آن روبه‌رو بودم. دو دریا را می‌پیمودم تا به اقیانوس راه یابم. پیمودن عرض اقیانوس ادب رسمی و دریای ادب کودکان به هدف یافتن سرچشمهٔ اتصال و اتحادشان دشوار بود و کاری بس خطیر. اگر در راه ماندیم غر ما را بپذیرید.

سخن از فرهنگ بود. باید گفت انسان در فرهنگ زاده می‌شود، در فرهنگ می‌زید و در فرهنگ می‌میرد. آنچه دریافت می‌کند میراث فرهنگی است برای بهتر زیستن و آگاهانه هنر زیستن را تجربه کردن. گفتن، نوشتن، اندیشیدن، دین، آیین، شعر، ادبیات، موسیقی، تئاتر، هنر، سیاست و قانونگذاری همه و همه از ارکان و اجزای فرهنگ يك قوم است که از طرفی نیز میراث فرهنگی اجتماع می‌باشد.

انسان میراث فرهنگی را بهجا می‌گذارد و اندیشه خود را در برداشت از آن به ادبیات می‌سپارد و می‌خوانند آنها که باید بدانند. پس چگونه تمامی این غنیمت فرهنگی را تقدیم نسل دیگر داریم تا هم مبانی ملیت در آنها تقویت شود و هم اطلاعات عمومی و درك و سواد کلی در ایشان افزوده گردد و هم سبب گردیم که لطایف و دقایق ادب فارسی را زودتر بفهمند؟ این رسالت بر دوش هر مدعی فرهنگی سنگینی می‌کند. سخن بر چگونگی و چرایی انتقال بسیار است و داوری دشوار. درست آن است که از معلول بر علت و از موجود بر آنچه باید بشود نتیجه گیریم و از واقعیت به حقیقت برسیم. بنابراین سوآلی مطرح می‌شود که آیا بازنوشته‌ها و بازآفرینیهای موجود، در مقایسه با آثار ادب رسمی موفق به انتقال درونمایه فرهنگی و ادبی اثر شده‌اند. پیامها در ساده‌شدن و بازآفرینی کمرنگ و محو نگشته است، زبان و بیان و درونمایه فلسفی و عرفانی اثر که مجموعاً آن متن را رسمیت بخشیده است در بازنویسی بهجامانده، آثار گزیده‌شده قابلیت بازنویسی و بازآفرینی را داشته‌اند؟ بازنوشته‌ها در معرفی میراثهای فرهنگی و ادبی این قوم آنچه رسالت و تعهد بوده است بهجای آورده‌اند؟ آن‌چنانکه هدف ادبیات کودکان است در شناساندن زبان و ادبیات ملی، که معیار آن همین کتب نظم و نثر سخنوران بزرگ و بلندپایه است بر سیل توفیق رفته‌اند، این آثار ارزش و قدرت ارائه مقدمات فنون ادب رسمی را در ایجاد مهارتهای ادبی دارد تا به جوانان فردا که کودکان امروزند در استفاده از آثار جاویدان نظم و نثر فارسی یاری نمایند که ضمن رشد حس تشخیص زیبایی و هنر دوستی در ایشان، شاهکارهای ذوق و هنر کشور خود را بشناسند و در هر زمینه که متخصص شوند نتیجه مطالعات خود را به فارسی (دری) بنویسند و بگویند مردم سرزمینشان بفهمند. آیا با این آثار می‌توان رغبت و علاقه کودکان و نوجوانان را به مطالعه آثار گذشتگان جلب کرد و اندیشه‌های ارزنده و سازنده بزرگان ادب را در اختیارشان گذاشت؟ پاسخ این مسائل را در بررسی بازنوشته‌ها می‌یابیم.

سابقه پژوهش

شورای کتاب کودک در رابطه با بازنویسی از آثار ادب رسمی در آبان ماه ۱۳۴۵ جلسهٔ سخنرانی تشکیل داد و آقای دکتر محمدجعفر محجوب به بیان ارزشهای استفاده از منابع پربار گذشتهٔ ادب فارسی پرداختند. متن این سخنرانی تحت عنوان «انتخاب و انطباق منابع ادب فارسی برای تدوین کتابهای کودکان و نوجوانان» توسط شورا در بهمن ماه ۱۳۵۶ منتشر شد.

در سال ۱۳۶۴ یک بار دیگر شورا با توجه به اهمیت ویژهٔ بازنویسی در تحول ادبیات کودکان و نوجوانان و نیز آشنفگی بازار بازنویسیها در دفاع از میراث فرهنگی ایران (تا بر دامن آن گردی ننشیند)، سمیناری با شرکت بازنویسان، محققین، ادبا، متخصصین تعلیم و تربیت، ترتیب داد که هنوز ممتد است. شورا همواره کار بازنویسان را با علاقه مورد مطالعه قرار می‌دهد.

در جست‌وجوی متون و مرور بر مدارك گذشته به مقالهٔ بازآفرینی در ادبیات کودکان^۱ و نیز مقالهٔ سهم کودکان در ادبیات گذشته ایران^۲ باید اشاره نمایم.

تفاوت کار شورا در زمینهٔ بررسی جنبه‌های مختلف بازنویسی، عملکرد از طریق گردآوری اطلاعات به‌وسیلهٔ توزیع پرسشنامه بین بازنویسان و متخصصین تعلیم و تربیت می‌باشد، تا با تشکیل جلسات بحث و مشاوره ابعاد مسئله را روشن نموده بر اطلاعات به‌دست آمده نتیجه‌گیری نمایند. یعنی مستقیماً بر معلول کار که خود بازنویشته‌ها باشد حرکتی انجام نداده است. در واقع جامعهٔ مورد مطالعهٔ ایشان بازنویسان و ادیبان و... کودکان می‌باشند و کار نگارنده بر مرور متون بازنویشته و مقایسه و انطباق آنها با متون اصلی است تا بازنویشته‌ها خود پاسخگو باشند. کار آنها بر آنچه باید بشود استوار است و کار ما نتیجه‌گیری بر آنچه شده است.

مقالهٔ آقای مشرف آزاد تهرانی در زمینهٔ بازآفرینی، بیشتر بر تعریف بازآفرینی دور می‌زند و استفاده از متون ادبی کهن در بازآفرین بدلیل درونمایه و مفاهیم مطرح در آنها که عشق به بشریت، عشق به صلح و برادری و اعتقاد به نیکی و زیبایی، پیشنهاد می‌شود. کاری بر تحلیل متون بازآفرینی شده ندارد و تعاریف کلی ارائه می‌دهد و به مسائل تجربی کمتر می‌پردازد.

۱. محمود مشرف آزاد تهرانی. بازآفرینی در ادبیات کودکان فصلنامهٔ کانون. دوره اول (۳ و ۴) زمستان ۵۴.

۲. قلمعلی سرامی. سهم کودکان در ادبیات گذشته ایران؛ فصلنامهٔ کانون. دوره اول (۲) تابستان ۵۲.

چنین است کار آقای دکتر محمدجعفر محبوب که نگرش عمیق بر معرفی و انتخاب و انطباق منابع ادب فارسی (عامیانه و رسمی) دارد. بنیاد را ایشان محکم نهاده‌اند. و رهنمودهای ایشان بهترین شروع برای هر مطالعه‌ای در بازنویسی می‌باشد. این اثر از معرفی آثار باارزش جهت بازنویسی و انطباق فراتر نمی‌رود. ارزش متون ادب‌کهن را بر ارزش درونمایه آنها در خلق بازنوشتها مطرح می‌نمایند.

«سهم کودکان در ادبیات گذشته ایران» در واقع بررسی متونی است که می‌تواند مورد بازنویسی قرار گیرد و ادای این مسأله که چه آثاری مخاطبش کودکان بوده‌اند در واقع تاریخیچه و کتابشناسی متون مناسب کودکان است و طرحی تجربی برای استفاده این متون در بازنویسی است، بی‌شبهت به اثر آقای دکتر محمدجعفر محبوب نیست.

دامنه کار

در بررسی جنبه‌های مختلف بازنویسی از ادب رسمی، تمامی بازنوشتها از شروع تا سال ۶۶ مدنظر بوده است.

چگونگی کار بازنویسان و بازآفرینان در مقایسه با متون ادب رسمی از قدیم‌ترین عهد تاریخی ایران (روایات پیش از اوستا) تا قرن ۱۴، در ادبیات فارسی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

روش پژوهش یا شیوه‌گزینی

برای به‌دست آوردن اطلاعات لازم در طرح مسائل و جنبه‌های مختلف بازنویسی از ادبیات رسمی برای کودکان و نوجوانان، که منجر به ایجاد آثار منطبق با ضوابط بازنویسی و غیر منطبق با ملاکهای ارزشیابی ادبیات کودکان در بازنویسی می‌گردد، از روش تحلیل متن استفاده شده است.

دو متغیر، بازنوشتها و متون ادب رسمی «مورد بازنویسی قرار گرفته، طبق ضوابط» ارزشیابی در ادبیات کودکان با توجه به ابعاد مطرح در شکستن هویت متون ادب رسمی در دید کودکان و نوجوانان، به بررسی و مقایسه گرفته شده است.

۱۳۷ اثر بازنوشته، با ۳۱ اثر ادب رسمی، در چگونگی انطباق پیامها و محتوای اثر اصلی در چگونگی ساخت و پرداخت و شیوه زبان و بیان در تناسب با گروه سنی مخاطب مورد بحث، مقایسه، انطباق و بررسی قرار گرفته است. نتیجه بر ارزش‌گذاری آثار از

بسیار ضعیف تا عالی گردیده است. نقاط قوت و ضعف بازنویسیها و بازآفرینیهای موجود بهدست آمده، نظرات و نتایج بر آنها اعلام و راهحلهای مناسب ارائه گردیده و نتایج آماری داده شده است.

مراحل انجام کار

گردآوری و سندگزینی

- متون بازنوشته و متون ادب رسمی مورد بازنویسی قرار گرفته و نیز منابعی که بهطور مستقیم یا غیرمستقیم در این باره نوشته شده است، از طریق کتابنامه و کتابشناسیهای مربوط به کودکان لیست گردیده است.

- با مراجعه به کتابخانهها لیستها کامل گردید.

- طبق فهرست بهدست آمده متون ادب رسمی و بازنوشتهها و منابع و مأخذ مربوط گردآوری گردید.

روش تنظیم و ارائه یافتهها

- اولین فصل به تعاریف مفاهیم کلی که در مسأله و عنوان و متن با آن روبهرو می شدیم اختصاص داده شد. مفاهیم فرهنگ، زبان و ادب فارسی و سیر و تطور نظم و نثر ادب فارسی به عنوان بنیاد و پایه های این بررسی ضرورت طرح و بحث داشت.

- فصل بعدی نگاهی بود به ادبیات کودکان و نوجوانان از تاریخچه تا انواع ادبیات کودکان و شناخت عوامل مؤثر در شناخت تواناییهای کودکان و نوجوانان.

- تمامی مطالب، مباحث، مقالات و نوشته های مربوط به بازنویسی و بازآفرینی نیز گردآوری و به مطالعه قرار گرفت.

- کار اصلی، مطالعه دقیق بازنوشتهها و یافتن مأخذشان در متون ادب رسمی بود. بازنوشتهها براساس دوران و زمان خلق متون ادب رسمی و سپس به ترتیب تاریخ انتشار خودشان بررسی شده اند. یعنی با سیر تطور متون نظم و نثر فارسی از ادوار کهن شروع و به قرن ۱۴ پایان می یابند.

- قبل از بررسی و مقایسه بازنوشته و متن اصلی، مأخذ در حد لازم معرفی و بازنوشته با ارجاع کامل به متن اصلی مستند می گردد. معرفی اثر اصلی این حسن را دارد که خواننده خود متوجه قابلیت بازنویسی یا عدم قابلیت بازنویسی از آن اثر می گردد.

پانزده

۵ - خلاصه و چکیده‌ای از داستان در ابتدا آورده می‌شود.

- بازنویسته براساس ضوابط بازنویسی از ادب رسمی، در انتقال اهداف و مفاهیم آن ارزشیابی می‌گردد. جهت ارزشیابی هر اثر به ارزشیابی محتوای بازنویسته، ساخت و پرداخت، شیوه زبان و بیان و داشتن حواشی و توضیحات لازم از بسیار ضعیف تا عالی، نمرات (۰ تا ۵) داده می‌شود. معدل نمرات موارد فوق حساب و پس از گردشدن به جدول مادر منتقل می‌گردد. (یعنی معدل کیفی يك اثر در ارزیابی آماری از بسیار ضعیف (۰) تا عالی (۵) بوده است).

- گاه نمونه‌ای از متن اصلی و بازنویسته شاهد آورده می‌شود.

- داستانهای مشابه يك دوران یکجا بررسی می‌گردند. مانند داستان آرش کمانگیر. - ادوار ادبی سبك و موضوع خاص خودشان را دارند. بنابراین هر گاه آثاری در سبکی خاص می‌نشسته از آن سبك و موضوع سخن رفته است و آثار از آن دیدگاه نیز مشاهده شده‌اند. مانند حماسه‌سرایی در ایران یا تصوف و عرفان در ایران. - بازنویسته‌هایی که مجموعه چند داستان از يك اثر ادب رسمی بوده‌اند، به‌صورت يك داستان برای بررسی انتخاب شده‌اند. بقیه داستانها در موارد مشابه به مقایسه و طرح آمده‌اند.

- خصوصیات هر اثر ادب رسمی، خود تعیین‌کننده نوع مقایسه و اختصار و تفصیل درصد کار و نوع رویارویی بوده است. مثلاً يك دستی مثنوی در بیان يك هدف متعالی و نیات عرفانی و تفاوت شاهنامه در گزینش داستان بازنویسته، از سه دوره اساطیری، پهلوانی و تاریخی؛ انتخاب و بررسی را بر يك داستان یا بر چند داستان از يك اثر استوار می‌ساخت. مثال: داستانی از داستانهای ایران باستان یارشاطر، گاه از جنبه آثار اساطیری شاهنامه بررسی گردید و گاه به‌دلیل ارتباطش با دوران پهلوانی. - در پایان بررسی و ارزشیابی بازنویسته‌ها با متن اصلی جدولی براساس تکرار بازنویسی از يك متن اصلی یا فصول و با بهای مختلف آن ارائه می‌گردد. - پس از این جدول، از کل بررسی بازنویسته‌ها با متن اصلی نتیجه‌گیری گردیده پیشنهاد یا پیشنهاداتی داده می‌شود.

- تمامی اطلاعات توصیفی و مقایسه‌ای و ارزشیابی اثر وارد جدولی جامع به نام مادر یا بانک اطلاعاتی، می‌گردد (در پیوست اثر آمده است).

- از جدول مادر جداول کوچک‌تر متزعم گشته است و ذیل هر جدول اطلاعات لازم

شانزده

آورده شده است.

- براساس جداول از روش منحنی و نمودار به صورت هیستوگرام برای نشان دادن نتایج مطالعات خود استفاده شده است.

- در انتهای متن در فصل تحلیل یافته‌ها و نظرات و پیشنهادات از نتایج فصلی نتیجه‌گیری و نظرات کلی ایراد گشته، پیشنهاداتی ارائه شده است.

- در مجموع ۱۳۰ اثر بازنویسته بدون در نظر گرفتن تجدیدچاپ بازنویسته با ۳۱ اثر ادب رسمی مقایسه و به بررسی از جنبه‌های مختلف کشیده شد و ارزشیابی گردید. در اینجا منظور از اثر، تعداد عناوین و تعدد داستانها شرط نبوده که صرفاً خلق يك بازنویسته براساس یکی از متون ادب رسمی موردنظر بوده است. مثال: قصه‌های سندبادنامه و قابوسنامه آقای آذر یزدی، شامل ۲۴ داستان می‌باشد که ۱۳ داستان به سندبادنامه و ۱۱ داستان به قابوسنامه اختصاص داده شده است.

محدودیتها و مشکلات

گردآوری متون:

- اکثر متون بازنویسته در کتابشناسیها منعکس نبوده است. تنظیم لیستی از بازنویسته‌ها از طریق جست‌وجو در فیشیه کتابخانه‌ها و مراجعه به کتابفروشیها و کتابخانه‌های خصوصی امکان یافت.

- کتابشناسی موضوعی در این زمینه وجود نداشت. کتابخانه‌ها با توجه به ارزشی که برای مجموعه‌سازی خود قائل هستند، مایل به انباشتن بسیاری از بازنویسته‌های بی‌محتوا در کتابخانه خود نمی‌باشند. بنابراین دستیابی به اکثر این آثار از طریق مراجعه مکرر مقدور شد. بازنویسته‌های باارزش تجدیدچاپ نشده و در دسترس همگان قرار نداشت.

در استفاده و استناد به متون ادب رسمی

- بازنویسان به صفحه، باب، فصل و داستان موردنظر منبع اصلی ارجاع نداده برای یافتن ردپای يك اثر در مآخذ، گاه تمامی يك متن را جست‌وجو کرده‌ام. بدون اغراق جز تعداد انگشت‌شمار، تمامی بازنویسته‌ها در این نقصان مشترك بوده‌اند. گویا رسم ندادن ارجاع و اطلاعات لازم از خصوصیات کار بازنویسی برای کودکان و نوجوانان است. شاید به این دلیل که این امر گریزی برای عدم مقایسه يك محقق یا مربی می‌باشد. جالب اینکه اکثر

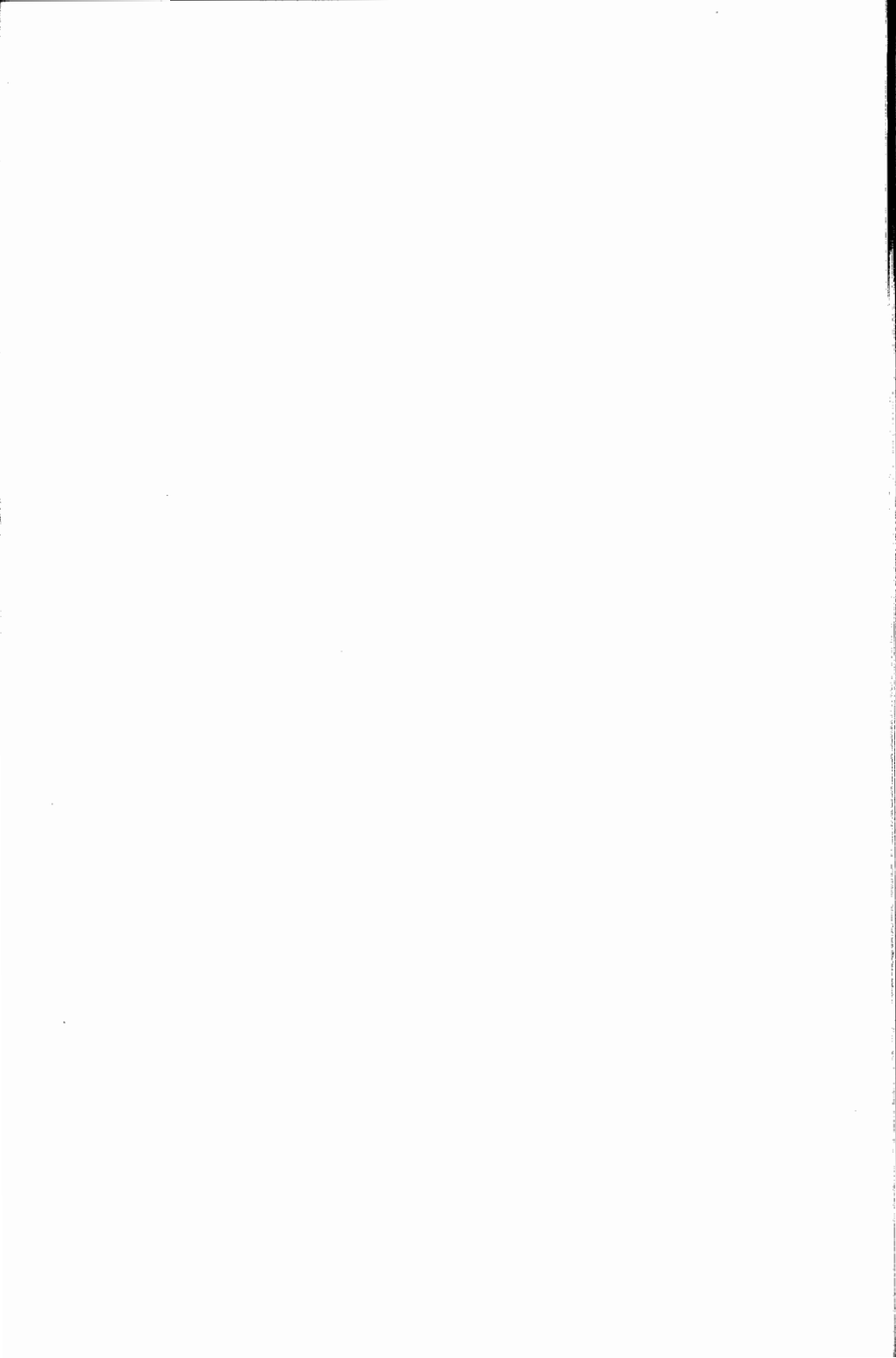
بازنویسان سخنی با بزرگ‌ترها دارند، ولی می‌اندیشند بزرگ‌ترها بی‌نیاز از کار تحقیق و مقایسهٔ اثر در صحت کار بازنویس هستند.

در استفاده از متون مربوط به متن اصلی

- کاربرد این موضوع مطالعهٔ وسیعی را در حوزهٔ ادبیات فارسی و باستانی ایران می‌طلبد. در نتیجه تنظیم مقدمات تحقیق کم از متن تحقیق نبود. پیشتر از آنکه کار عرضه گردد حدود دو سال مطالعهٔ تحقیقی صورت گرفته است. به آن دلیل که بحث بر ادب فارسی دامنه‌اش بحث دیگری را می‌طلبد که به دور و تسلسل می‌انجامد. خاصه که ادب کودکان با رسالت خاصش مَدَن‌نظر باشد.

فصل اول

کلیات



فرهنگ چیست؟

فرهنگ از دو جزء «فر» پیشوند به معنی بالا، بیرون و پیش و «هنگ» به معنی کشیدن است که بر روی هم به معنی پیش کشیدن (پیش بردن)، بیرون کشیدن و بالا کشیدن استعدادهای ذاتی نهفته در نهاد فرد و اجتماع است.

«بنیاد تملن هر جامعه‌ای فرهنگ آن جامعه است، و پژوهندگان مسائل اجتماعی برآنند که «جامعه‌شناسی» بررسی فرهنگ ملت‌هاست. واژه فرهنگ (کولتور) به معنی کشت و پرورش به کار رفته.... مجموعه سنن و آداب، اسطوره‌ها، شناختها، دانشها، هنرها اعم از رسمی یا فولکلوریک و آنچه که به کمک انسان معنوی پیدا کرده باشد. «کولتور» یا فرهنگ خوانده می‌شود.... بعضیها مقصود از فرهنگ را مجموعه دانشها، آیینها، هنرها و آداب و رسوم و سنن، اخلاق، قوانین و تمامی تمایلات و قابلیتها و عادات مکتسبه‌ای که انسان در اجتماع به دست می‌آورد دانسته‌اند. پاره‌ای فرهنگ را ابزار پدیده‌های معنوی يك جامعه در طول تاریخ می‌دانند و بسیاری هم فرهنگ را پاسخهایی تعریف کرده‌اند که به نیازهای معنوی افراد يك جامعه داده می‌شود.

مدنیت، صورت مادی و خارجی پیشرفت انسان است در حالی که فرهنگ، تحقق باطنی و درونی ارزش حقیقی اشیاء و درك حقیقت است. فرهنگ بررسی کمال است و منشأ آن عشق به زیبایی و راستی و نیکویی است^۱.

۱. سامی، علی، نقش ایران در فرهنگ اسلامی. تهران: نوید، ۱۳۶۵، ص ۱۲-۱۸.

تعریف ادبیات از دیدگاههای مختلف

واژه ادبیات، چون واژه‌های تمن و فرهنگ هنوز نتوانسته است تعریفی را که مورد اتفاق همه صاحب‌نظران باشد بیابد، عده‌ای می‌گویند «ادبیات پدیده‌ای اجتماعی است و از پدیده‌های اجتماعی نمی‌بایست و نمی‌شود تعریف به‌دست داد». شاید بهتر باشد بگوییم «ادبیات مجموعه تظاهرات هنری هر قوم است که در قالب کلام ریخته شده باشد» یا به تعریفی دیگر «ادبیات مجموعه بازتابهای آدمیان است در مقابل عوامل درونی و بیرونی که به‌صورت کلام همراه با تخیل و عاطفه درآمده و هدفش سعادت آدمی است.»

از دیدگاهی دیگر و در متنی دیگر می‌خوانیم که «ادبیات مجموعه آثار مكتوب يك ملت یا مملکت، یا يك دوره یا يك زبان است». یعنی آثار مكتوب فارسی اعم از ادبی یا علمی. این تعریف يك اشكال شمول آثار علمی و فنی و تاریخی دانشمندان را دارد. گرچه گاه این آثار علاوه بر رساندن مفهوم علمی خود از هر اثر ادبی غنی‌ترند. دوم آنکه در دنیا ادبیات شفاهی نیز وجود دارد مانند: قصه‌ها، متلها، و اسطوره‌هایی که در گذشته و حال سینه به سینه نقل شده‌اند. یا می‌شنویم که «ادبیات عبارت است از مجموعه آثار ادبی يك ملت یا يك کشور، يك زبان یا يك دوره». و این تعریف تنها درباره ادب کلاسیک صادق است.

ادبیات را فن و فن ادبیات را فن انتقال تجربیات صرف بشر به‌وسیله الفاظ به دیگران می‌دانند که این آزمایشها باید به‌نفسه دارای ارزش و بها و تنها از نظر صرف آزمایش قابل تمتع و التذاذ باشد. تنها ذکر موضوع آزمایش یا هدف و منظور آن برای آنکه آزمایشی موجد ادبیات باشد کافی نیست، بلکه تمام آزمایش اعم از منظور مادی و معنوی و موضوع و آنچه در جهان عمل صورت وقوع یافته با آنچه در ذهن ما شکل یافته به ذهن دیگری انتقال یابد و از آنجا که آزمایشهای ما در جهان الفاظ پیش نیامده، بنابراین ارزش الفاظ در حد اشارات و علاماتی برای آزمایشهای ذوقی ما هستند. پس نیرو و ارزش الفاظ در حد دادن تمامی آن تصور به خواننده و شنونده باید باشد. فن ادب از هر نیرویی که در زبان هست باید کمک بگیرد چه معنی لغوی و چه بار پنهانی که در طول زمان یافته است. و نیز نیروی آهنگ الفاظ، از حاصل وحدت تمامی این امور و در تجزیه و رسیدن تدریجی‌اش به خواننده، مقصود ادبیات حاصل می‌آید.

اما واقعاً ادبیات چیست؟ مجموع همه آنچه گفتیم و خواهند گفت و نوشت و دریافتی که هر انسان صاحب ذوقی از آن خواهد داشت. و نیز جنسیت و جوهر واقعی ادب برای

کسانی که با آثار ادبی شاعران و نویسندگان خویش، یا با زبانهای دیگر آشنایی دارند پوشیده نیست، به تعریف جامع و مانع و منطقی چه حاجت.

زبان وسیله ادبیات: پارسی دری و ادبیات فارسی

زبان وسیله بیان ادبیات است، به ادبیات شکل می‌دهد و به عکس ادبیات شکل زبان را تعیین می‌کند. خواننده باید با اصول زبان آشنا باشد و درک نماید که چگونه زبان به ایجاد مفاهیم و معانی کمک می‌کند.

می‌گویند ادبیات بخشی است از زبان که در آدمی موجب انفعال می‌شود و خواسته و احساسات ادب‌آفرین را به دیگران منتقل می‌کند، زبان نیز که وسیله ادبیات است عامل پیام و افکار و احساسات آدمی به دیگران است. به تعبیری، زبان نیز بر دو نوع است: زبان ادبی که ایجاد انفعال و هیجان می‌کند. و زبان غیرادبی که بیان امور عادی و علمی و فنی می‌نماید. گاه پیش آمده است که يك بحث علمی را کسی به زبان ادبی بیان نموده است.

بین زبان و ادبیات رابطه عموم و خصوص مطلق وجود دارد. هر ادبیاتی زبان هم هست اما هر زبانی ادبیات نیست.

زبان پارسی و ادبیات عهد متقدم (کلاسیک): مفهوم ادبیات متقدم به آثاری اطلاق می‌شود که از پایان قرن نهم میلادی شروع و تا قرن شانزدهم به وجود آمده است. در طی دوران مزبور زبان پارسی با قدرت زبان زنده محاوره‌ای، در سرزمینهای پهناور ایران و آسیای میانه رایج بوده است. زبان پارسی در آن دوره به عنوان زبان ادبیات مکتوب انتشار بیشتری یافت.

ادبیات کلاسیک فارسی طی قرنهای متمادی در سرزمینهای پهناور خاور نزدیک و میانه پدید آمد و تکامل یافت. گروه بسیاری از شاعران بزرگ در سراسر جهان مشهور و نماینده تاریخ ادبیات مزبور می‌باشند.

از مجموع مدارك تاریخی و فرهنگی موجود چنین برمی‌آید که زبان ادبی پارسی بر پایه لهجه‌های خراسان و سیستان و ماوراءالنهر پدید آمده و چون مفهوم زبان ادبی، زبان عامه مردم است که توسط استادان سخن به هنر و ادب آراسته گشته می‌توان گفت در این مورد استادان مزبور که موازین ادبی زبان پارسی جدید را مدون و منتظم ساختند، درجه اول شاعران و نویسندگان خراسان و سیستان و ماوراءالنهر بوده‌اند.

رونق عظیم ادبیات فارسی در عهد سامانیان در ماوراءالنهر و خراسان و اعتبار و نفوذی که زبان پارسی به عنوان زبان رسمی کسب کرد، موجب گشت که آن زبان در ادبیات مکتوب استوار گردد.

زبان‌شناسان در تحول زبانهای ایرانی در درازای تمام تاریخ سه مرحله تشخیص داده و آنها را به باستانی، میانه، نوین، تقسیم نموده‌اند. در میان همه زبانهای ایرانی تنها يك زبان از آثار فرهنگی برخوردار بوده است و آن پارسی است. بقیه زبانها را در يك مرحله و يك دوره کوتاه می‌یابیم و می‌شناسیم.

فرهنگ هر ملت نتیجه اندیشه آنان و به کار بستن آن در زندگانی است. زبان وسیله بیان اندیشه است. پس هر زبانی آئینه فرهنگ مردمی است که به آن سخن می‌گویند. فرهنگ عالی بدون زبان پرورش نمی‌یابد و تجلی نمی‌کند. زبان نیز جدا از فرهنگ به وجود نمی‌آید. بنابراین زبان پارسی آئینه فرهنگ ایرانی است. ایرانیان زبان پارسی را از میان گویشها و زبانهای بسیار گزیدند، حال زبان است که پاسخگو و نشان‌دهنده هوش و هنر و علم و عمل آنان است. زبان پارسی چون با فرهنگ گسترده ایرانیان و شایستگی آنها به خود نگریست، عنوان ملی را برای خویشتن سزاوار ندانست و در راه جهانی شدن قدم برداشت. باتوجه به زبان غیر صرفی بودن می‌تواند نمونه‌ای عالی برای زبان کمکی جهانی محسوب گردد. به نظر زبان‌شناسان ایرانی بلکه به نظر زبان‌شناسان بیگانه، آمادگی جهانی شدن دارد.

زبان يك ملت به زبان عامیانه و زبان ادبی تقسیم می‌گردد:

۱. زبان عامیانه

زبان عامیانه زبان بیان احساسات و ادراکات ساده و مطالب روزانه و مورد نیاز فردی و اجتماعی است که مشتمل است بر گفت‌وگوهای مردم روستایی و شهری از بازاری و پیشه‌ور و کارگر و همچنین شعرها و مثلها و نوحه‌ها و ترانه‌ها و مثلها و مصطلحات عامیانه عیارانه و واژه‌های محاوراتی خاص آنان.

۲. زبان ادبی

زبان ادبی زبان خواص قوم است که برای بیان مطالب علمی و ادبی و نقل تفکرات درست و بخردانه و بیان عواطف عمیق آمادگی دارد. مشتمل است: بر آثار منظوم و منثور شاعران و نویسندگان، حکم و امثال و لغات و اصطلاحات ادبی، خطابه‌ها.

زبان خواص و زبان عامیانه هر يك دارای ادبیاتی است که در عین وابستگیهای معنوی

از یکدیگر تمایز نیز دارند. گرچه ادبیات به معنای اخص به ادبیات زبان خواص اطلاق می‌شده است ولی به معنای اعم شامل ادبیات عامیانه نیز می‌باشد.

جدول زبان در صفحه بعد مربوط است به:

ژیرار، دنی Denis Girard، مترجم، گیتی دیهیم زبانشناسی کاربردی و علم آموزش زبان، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵، ص ۸۴.

زبان به عنوان تکیه گاه فرهنگی پیوندهای زبان و ادبیات

گونه های زبان

- گفتاری | نوع نوشتاری
- دوران (تحول تاریخی)
 - سطح (در ارتباط با طبقه اجتماعی - فرهنگی و موقعیت)
 - گویش (منطقه ای)
 - زبان تخصصی (فنی، علمی)
 - گویش فردی (در ارتباط با فرد)
 - سبک (در ارتباط با هدف: ممکن است جنبه گویایی و یا زیبایی شناختی مدنظر باشد)

ایجاد ارتباط

- رمزگان گفتاری: تک گوئی، گفتگو
- رمزگان نوشتاری: میادلات گفتاری به نوشته درآمده
- نامنه نگاری
- هر نوع پیام نوشتاری (اعلان دیواری، بروشور، مقاله و غیره)

زبان

گفتاری

- محتوای زبانی
- پیامهای گفتاری با محتوای زبانی
- ادبیات گفتاری خالص
- ادبیات نوشتاری که به صورت گفتاری ارائه شده است
- رادیو و تلویزیون
- سینما

تکیه گاه فرهنگی

نوشتاری

- اطلاع: مطبوعات
- رپرتاژ
- نوشته های علمی و فنی
- تقد ادبی و هنری
- زیبایی شناسی: انواع مختلف ادبیات نوشتاری

انواع ادبیات

ادبیات دامنه وسیع و شاخه‌های متعدد دارد:

ادبیات شفاهی، قصه‌ها، متل‌ها و افسانه‌های نانوشته را که سینه به سینه نقل می‌شوند شامل می‌گردد. پیش از اختراع خط ادبیات به صورت شفاهی بوده و سپس مکتوب شده است، مانند قصه‌های عامیانه قدیم که امروز گردآوری و مکتوب شده است.

ادبیات ملی، **ادبیات ناحیه‌ای** و **ادبیات جهانی**: ادبیات ملی یا رسمی آن است که متعلق به تمامی يك ملت باشد مانند ادبیات فارسی. ادبیات ناحیه‌ای بخش کوچکی از ادبیات يك کشور است، مانند ادبیات کردی، بلوچی، گیلکی و ادبیات جهانی مشترك بین الملل می‌باشد.

ادبیات رسمی و ادبیات غیررسمی و ادبیات عامیانه: ادبیات رسمی تا حدودی همان ادبیات ملی است. ادبیات عامیانه متل‌ها و افسانه‌ها، لالایی‌ها و ترانه‌هایی است که از دهان مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها به گوش نوه‌ها رسیده است. ادبیات عوام و غیررسمی نیز نوعی از ادبیات ناحیه‌ای است. اما ادبیات ناحیه‌ای همیشه عامیانه نیست مانند بسیاری از آثار ادبی کردی.

ادبیات نو و ادبیات کلاسیک: ادبیات نو شامل قسمت مهمی از ادبیات صد سال اخیر اروپاست. ادبیات قبل از ادبیات نو را ادبیات کلاسیک می‌گویند. بنابراین ادبیات یونان و روم قدیم و ادب دوره کلاسیک نو و فلسفی و رمانتیک، همه بخشهایی از ادبیات کلاسیک به‌شمار می‌روند. ادبیات کلاسیک را با ادب دوره کلاسیک نباید اشتباه کرد. ادب دوره کلاسیک یکی از مکتب‌های ادبی است که خود بخش کوچکی از ادبیات کلاسیک است. در معنای وسیع و عام به ادبیاتی گفته می‌شود که از مفاخر ادبی کشوری مانند ادبیات کهن فارسی اعم از نظم و نثر باشد.

ادبیات کلاسیک در ایران: همه ادبیات گذشته و بخشی از ادبیات معاصر فارسی را می‌توان ادبیات کلاسیک فارسی نامید و تنها بخش کوچکی از شعر آزاد و نو امروز را می‌توان شعر نو و ادبیات نو به مفهوم غربی کلاسیک دانست.

ادبیات تطبیقی و ادبیات مقابله‌ای: ادبیات تطبیقی آن است که تحت تأثیر فرهنگ و ادبیات ملتی دیگر به وجود آید و شباهت‌های ادبی را ایجاد کند. ادبیات مقابله‌ای، آن بخش از ادبیات ملتی است که بدون ارتباط و تأثیر و تأثر شبیه به ادبیات ملت دیگر باشد. در هر صورت در دانشگاه‌های ما ادبیات کودکان، عوام، ناحیه‌ای هنوز به عنوان يك

واحد درسی مشخص جا نیفتاده است. در مراکز پژوهشی ما نیز تحقیق واقعی درباره ادبیات رسمی صورت نمی‌گیرد و کاری که در ادبیات به تکرار صورت می‌گیرد کارهای لغوی، دستوری و زبانشناسی است.

ادبیات کودکان: ادبیات کودکان مجموعه نوشته‌ها و سروده‌ها و گفتارهایی است که از طرف بزرگسالان جامعه برای استفاده خردسالان فراهم آمده است.

از لحاظ موضوع فرقی بین ادبیات کودکان و ادبیات بزرگسالان نیست و هرچه خارج از برنامه درسی و آموزشی مستقیم هنرمندانه نوشته و تنظیم گردد ادبیات کودکان خواننده می‌شود.

تفاوت ادبیات کودکان و بزرگسالان در تفاوت نیازها و امکانات کودکان و بزرگسالان است. تمامی آثاری که در تمام حوزه‌های دانش بشری برای کودکان نوشته می‌شود و در آن خلاقیت هست ادبیات کودکان می‌باشد.

ادبیات به‌طور کلی بر دو اصل استوار است:

۱. اصالت موضوع، یعنی بکر بودن مطلب یا داشتن دیدی تازه نسبت به موضوعی کهنه. و نیز پروردن يك موضوع در حد مشخص تر نمودن.

۲. تناسب قالب با محتوا، یعنی هماهنگی محتوا با سبك نگارش و موضوع موردبحث این دو اصل در ادبیات از یکدیگر جداشدنی نیستند و هر يك بدون دیگری فاقد ارزش ادبی هستند. به ادبیات کودکان اصل دیگری افزوده می‌شود و آن خوانندگان اثرند که چون مراحل رشد فکری و عاطفی را می‌گذرانند، خالق اثر باید یا پیام خود بدین رشد کمک کند. این اصل سنگین‌تر بودن تعهد نویسنده خاص کودکان را می‌رساند.

تطور نثر فارسی در ادبیات ایران

برای ایرانیان که از زمان نوشته شدن کتیبه‌ها دارای آثاری از نظم و نثر بوده‌اند، آغاز کار ادبی در زبان رسمی تازه و ناآشنا نبود، به همین جهت نظم و نثر بعد از شروع کار خود در زبان و خط فارسی به سرعت راه کمال پیمود و در دوران حکومت سلسله سامانی پیشرفت چشمگیری یافت. در این عصر کتابهای گوناگون و مفیدی به نثر پارسی دری نوشته شد. دوره سامانیان برای شعر و نثر پارسی دوران شکوفایی بود و این تکامل موجب گردید که در دوره‌های بعد با وجود دگرگونیهای اجتماعی ایران، شعر و نثر پارسی بارورتر گردد. در این زمان نثر فارسی با زبان ساده محاوره شروع شد و با وجود تنوعی که بعضی در آن

بوجود آوردند در همه دوران ادبی حفظ گردید.

در نیمه دوم قرن پنجم نثر پارسی به دوره بلوغ و کمال رسید و در قرن ششم و اوایل قرن هفتم پختگی قابل ملاحظه‌ای یافت. نکته مهم اینکه در همین زمان دیوانها و نامه‌های دیوانی (رسائل سلطانی) به فارسی برگردانده شد و ضمن تدوین قواعد و قوانینی برای نوشتن نامه‌ها، شرایطی برای نویسندگان ملحوظ گردید.

ذکر این نکته ضروری است که با گسترش حیطه فرمانروایی سلجوقیان و غزنویان، زبان پارسی به عنوان زبان رسمی و ادبی در گستره بزرگی از قاره آسیا متداول شد و این امر به رونق هرچه بیشتر نثر فارسی کمک نمود.

از نویسندگان این دوره آثار متنوعی در مسایل گوناگون باقی مانده که با وجود حمله مغول و از بین رفتن بسیاری از این آثار باز تعدادی به ما رسیده است.

در این دوران به موازات سیر تکاملی نثر ساده، نثر ترسل نیز مراحل کمال را می‌پیمود و نثر مصنوع مزین که با عربی آمیخته بود متداول گردید. پیدایش این نثر را می‌توان به دلیل نفوذ دین اسلام و توسعه و گسترش مدارس دینی در سراسر کشور دانست که چون زبان عربی پایه و اساس سایر دروس در این مدارس به‌شمار می‌رفت، در نتیجه طبقه باسواد با ادبیات عرب آشنا و ورود لغات عربی در نثر فارسی روزبه‌روز بیشتر می‌شد و توسعه ادب اسلامی موجب تنوع در آثار ادبی و تغییر از ایجاز به اطناب می‌گردید.

از دسته آثار مرسل تاریخ بیهقی، سیاستنامه و آثار ناصر خسرو را باید نام برد. نخستین اثر مصنوع پارسی در اواسط نیمه اول قرن ششم کلیله و دمنه از ابوالمعالی نصرالله بن محمد است که در حدود ۵۳۶ هجری تألیف شد. کلیله و دمنه نثر کاملاً مصنوع نیست، بلکه از حیث شیوه نگارش باید آن را مقدمه سبک مصنوع به حساب آورد. نمونه بارز نثر مصنوع را در مرزبان‌نامه می‌توان یافت که در اوایل قرن هفتم میان سالهای ۶۰۷-۶۲۲ هجری نوشته شده است.

نثر موزون حدفاصلی بین مرسل و مصنوع است و به دلیل داشتن نوعی وزن، نزدیک به نظم (شعر) می‌باشد. مانند آثار ابوسعید ابوالخیر (اسرار التوحید) و خواجه عبدالله انصاری که به‌وسیله این عارف بزرگ کمال تمام می‌یابد.

نثر فارسی در کمال اعتلا بود که ایران دچار حمله ویرانگر مغول شد و این حمله که در همه شئون اجتماعی ایران اثر نامطلوب داشت، در زبان فارسی نیز اثر سوء گذاشت و حوادث بعدی نیز موجب شد که این وضع تا تشکیل دولت صفوی ادامه یابد. خوشبختانه

با وجود نابسامانیهای ناشی از حمله مغول و عواقب آن، وجود پناهگاههایی برای عده‌ای از علما و ادبای پیشین فرصت نسبتاً مناسبی بود که روشهای علمی و ادبی ایرانیان پیش از این (غائله) حفظ شود و ادبا و دانشمندانی مانند خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲ هـ . ق = ۱۲۷۳ م) و عطاملک جوینی (۶۸۱ هـ . ق = ۱۲۸۲ م) و سعدی شیرازی (۶۹۱ هـ . ق = ۱۲۹۱ م) و نظایر آنان ارزشهای گذشته را تجدید نمایند تا آنجا که از نظر زبان و سبک نگارش در قرنهای بعد نیز مانند آنان نداشته‌ایم.

در فاصله زمانی بین حمله مغول و تشکیل دولت صفوی علی‌رغم اغتشاشات موجود، نثر فارسی رونق داشت و چون در این عهد نفوذ سیاسی خلفا از بین رفت و بغداد مرکزیت علمی و ادبی خود را از دست داد، رابطه ایرانیان با دیگر کشورهای اسلامی که زبان عربی را پذیرفته بودند، قطع شد و در نتیجه نگارش کتب علمی به زبان پارسی معمول گردید و فقط عده‌ای به منظور اظهار فضل یا تفنن به نثر عربی تألیفاتی نمودند. از عوامل مؤثر در پیشرفت و رواج نثر فارسی در این عصر تاریخ‌نویسی می‌باشد.

در دوران حکومت صفویان زبان و ادب پارسی از جهت ضعف و سستی با پیش از آن تفاوتی نداشت و توجه خاص صفویان به زبان ترکی بر ضعف آن می‌افزود. خوشبختانه در همین دوران هندوستان، مرکزی برای زبان و ادب پارسی شده بود که عقب‌ماندگی نظم و نثر زبان ما را جبران می‌کرد، همچنین قلمرو حکومت سلاطین عثمانی مرکز بزرگ دیگری برای ادبیات فارسی مخصوصاً نسخ مهم فارسی درآمده بود.

در این دوره کتابهایی در ایران و هند نوشته شد و ترسل و تاریخ‌نویسی هم در تمام قلمرو زبان فارسی از موضوعات مهم نثر بود ولی با وجود موضوعات گوناگون در نثر به‌دلیل عدم رعایت موازین ادبی، نمی‌توان این دوره را از لحاظ نثر فارسی دوره ممتازی به‌شمار آورد.

در میان آثاری که در این عصر رواج داشت تعدادی کتب تاریخی و داستانی دور از تکلفات و یا ترکیبات عامیانه با رعایت حدوسط، نگارش یافته بود که چون در اساس زبان فارسی آن زمان ضعف وجود داشت، این نثرهای ساده هم از آن ضعف برکنار نماند. دوره‌ای که شعرا و نویسندگان بر آن شدند تا به تتبع آثار ارزنده گذشته پرداخته و شیوه بیان آنان را تجدید کنند، دوره بازگشت ادبی نامیده می‌شود. در این دوره زبان و آثار نویسندگان و شعرا به فصاحت گرایید و کم‌کم از ضعف و سستی دور شد و در عهد قاجاریه روشی نزدیک به روش پیشینیان به‌وجود آمد.

تحولات سیاسی و اجتماعی ایران بعد از اعلان مشروطیت و ارتباط میان ایران و اروپا تغییراتی در شیوه تفکر و در نتیجه در نظم و نثر فارسی به وجود آورد و گذشته از اقتباس بعضی فنون علمی و نظامی اروپاییان، آثاری از زبانهای اروپایی به زبان ما برگردانده شد و به دنبال تأسیس مدارس جدید و مراکز مهم ادبی مانند فرهنگستان، کتابخانه‌های عمومی و مانند آن، در اندیشه و آگاهی ایرانیان تحولی بزرگ پیش آورد و مردم ایران را با دنیای جدید آشنا نمود.

از طرفی ادبیات نیز از دایره‌های محدود و محصور به میان عامه مردم راه پیدا کرد و باتوجه به آزادی قلم و بیان امکان بروز استعداد در همه طبقات فراهم آمد. نتیجه اینکه زبان ادبی باتوجه به بیان حواشی عمومی تغییر نمود و روش نویسندگی و سبک نگارش ساده گردید. در عین حال که زبان نویسندگان به زبان گفت‌وگو نزدیک شد ترکیبات و لغات جدیدی نیز در زبان فارسی وارد شد و نثر فارسی آماده پذیرش بیان اندیشه‌های گوناگون گردید. البته این دگرگونی به مرور و به یاری نویسندگان متعدد صورت پذیرفت. از وقتی که در مدارس جدید زبان فارسی به عنوان زبان درسی تدریس شد، آشنایی طبقات مختلف درس خوانده با شعرا و نویسندگان بزرگ ایران بیشتر شد و مطالعه و تحقیق در آثار ارزنده گذشته، همچنین توجه به پیراستن زبان فارسی از نفوذ اجنبی موجب رهایی این زبان از ضعفها گردید.

تأثیر ترجمه آثار خارجی و تالیف کتب سودمند فارسی در شیوه ساده و درست نویسی نثر این زمان، حتمی و بسیار است.

بعد از شیوع روزنامه‌نگاری در عهد مشروطیت، ساده‌نویسی به حد اعلی رسید. نخستین روزنامه فارسی نتیجه ابتکار و تلاش و کوشش بزرگ مرد ایران میرزا تقی‌خان امیرکبیر است. انتشار روزنامه‌ها و مجلات متعدد از زمان مشروطیت به بعد با بیان افکار و عقاید و نظرات گوناگون در اذهان مؤثر شد و موجب گردید تا نویسندگان جوانی ظهور یابند.

در حال حاضر زبان و ادب فارسی گذشته از آنکه در بیان همه مفاهیم قدیم ادبی خود تواناست، در بیان افکار علمی و ادبی تمدن جدید نیز توانایی دارد.

نثر ادبی فارسی از نظر موضوع

نثر ادبی فارسی از نظر موضوع به حماسی، عشقی و غنایی و تعلیمی تقسیم می‌شود.

نثر حماسی: این نثر مربوط به ادبیات گذشته و معمولاً حماسه در قالب شعری است که در مبحث شاهنامه از آن سخن به میان آوردم.

نثر عاشقانه و غنایی: این نوع نثر بیشتر به صورت داستان، رمان، حکایت و نمایشنامه است. سمک عیار، هزار و یکشب، بختیارنامه (قرن نهم) بوستان خیال (قرن دوازدهم) از این نوع نثر به شمار می‌روند. حکایات و قصه‌های غنایی در نثر پارسی کم نیست مانند حکایات باب پنجم گلستان در عشق و جوانی، حکایات پرشور صوفیانه در تذکرةالاولیا و اسرارالتوحید. این حکایات را از آثار تعلیمی نیز می‌توان به‌شمار آورد.

نثر تعلیمی: نثر تعلیمی خود شامل مباحث روانشناسی، اجتماعی و انتقادی است. نثر ادبی تعلیمی در زبان فارسی: این نوع نثر در آثار ادب فارسی فراوان است، چه حکایت در فارسی و بسیاری از زبانها به جهت آموزش به کار می‌رود. حکایات فارسی که اخلاق، حکمت، سیاست و تدبیر منزل می‌آموزند از این جمله‌اند و بر چند قسم تقسیم می‌شوند. گاه از زبان حیوانات به تعلیم می‌پردازد. مانند کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه. گاه از زبان طنز که باز هم در قالب حیوانات است، نظیر اثر عبید و دیگر آنکه از زبان عالم و عارفی است نظاره‌گر، مانند گلستان و خلاصه آنها که ارزش تاریخی‌شان بیشتر است مانند قابوسنامه، سندبادنامه، لطائف‌الطوائف، الفرج بعد الشده، که این رده شامل تاریخ و حکایتند. در نتیجه حکایات یا واقعی است که جنبه تاریخی دارد یا ساختگی که زاده نیروی تخیل است... و نیمه تاریخی و نیمه واقعی مانند حکایات چهارمقاله عروضی. بعضی از حکایات دارای اصل خارجی‌اند و جنبه ترجمه دارند مانند حکایات کلیله و دمنه که از سانسکریت به پهلوی و از پهلوی به عربی و از عربی به فارسی درآمده است.

نثر ادبی تعلیمی صوفیانه: یکی دیگر از انواع نثرها، نثر ادبی تعلیمی صوفیانه است که نمونه آن نوشته‌های خواجه عبدالله می‌باشد.

نثرهای طنزآمیز: این نثر جنبه انتقادی، اجتماعی و اخلاقی دارد. طنز به معنای واقعی آن در ادبیات قدیم ما فراوان نیست جز در بعضی آثار حافظ، سعدی، مولوی و عطار که برای بیان مباحث انتقادی و اجتماعی است.

نثرهای غیرادبی فارسی

منظور از این نثرها آنهایی است که برای آموختن علوم و فنون مختلف مانند فلسفه، دین، ریاضیات، طب، هنر، موسیقی و مانند آن بکار می‌رود و بیشتر جنبه آموزشی دارد، اقسام

مختلف آن عبارتند از:

۱. نثر علمی و فنی محض، مانند کتب مربوط به داروسازی، زراعت، ریاضیات و...
۲. نثر تاریخی، مانند تذکره‌ها، زندگینامه‌ها و... این گونه نثرها در ایران و اروپا گاهی جنبه ادبی دارند.
۳. نثر علوم زبانی و فنون ادبی، مانند بدیع، قافیه، شعر و...
۴. نثر دینی، مانند آثار فقهی و تفاسیر و...
۵. نثر فلسفی و حکمتی (حکمی) مانند آثار مربوط به فلسفه و حکمت و...
۶. نثر مربوط به آداب و رسوم و فنون مانند آداب شطرنج، ازدواج و...
۷. نثر نامه‌نگاری و کتابت یعنی نثری که برای نوشتن نامه‌ها به اشخاص بکار می‌رفته است و در گذشته اقسامی داشته مانند عهدنامه‌ها، فتحنامه‌ها و...

نثر شبه ادبی

این نثر به سبب کثرت تکلف و صنایع به صورت پیچیده‌ای درآمده است که موجب ملال خواننده می‌شود. مانند تاریخ و صاف و جهانگشا.

تطور نظم فارسی در ادبیات ایران

تاریخ شعر در ایران باستان با اوستا به خصوص گائاثا شروع می‌گردد و بعد از گائاثا در قسمتهای دیگری از اوستا که بیشتر در یشتهاست، قطعات منظوم یافت می‌شود و چون در این اشعار قالبهای منظم شعر فارسی وجود نداشته است، ناقدان ادبی ایران در عهد اسلامی معمولاً تاریخ شعر ما را بعد از اسلام می‌دانند و معتقدند که قبل از اسلام شعر ایرانی سرود و یا نثری بوده که با آهنگهای موسیقی همراه بوده است.

اینک نمونه‌ای از معنای يك شعر اوستایی:

این تورا می‌پرسم، راست به من بگو، اهورا
کدام نیکوکنش روشنایی را و تاریکی را آفرید؟
کدام نیکوکنش خواب را و تاریکی را آفرید؟
که بامداد، نیمروز و شب را آفرید؟

که به یادآورنده‌اند به فرزندگان پیمان را

بعد از اسلام با اینکه دیگر زبان پهلوی زبان رسمی کشور نبود، مع الوصف تا اواخر

قرن چهارم به بعد تألیفاتی به خط پهلوی صورت گرفت و اشعاری به لهجه‌های محلی سروده شد که البته تحول شعر از قدیم به جدید در این اشعار دیده می‌شود و طبعاً این تحول با نفوذ روزافزون زبان عربی بیشتر شد و در عین تکامل شکل تازه‌ای یافت. نخستین شاعر بزرگ ایران رودکی سمرقندی (۳۲۹ هـ . ق = ۹۴۰ م) است که در عهد سامانیان یعنی دورهٔ ترویج زبان فارسی دری ظهور کرد. رودکی شعر پارسی را از حالت ابتدایی و ساده بیرون آورد و در انواع مختلف شعر وارد شد و کتاب کلیله و دمنه را به نظم آورد و به حق لقب پدر شعر فارسی گرفت.

حماسه‌سرای بزرگ ایران فردوسی (۳۲۹-۴۱۱ هـ . ق = ۹۴۰-۱۰۲۰ م) از دیگر شعرای نامدار این مرز و بوم است. شاهنامهٔ فردوسی طوسی نمونهٔ کامل شعر حماسی در ایران است و ترجمهٔ آن به زبانهای دیگر اهمیت جهانی آن را بمخوبی نشان می‌دهد. به شاهنامه تنها از نظر يك حماسه نباید نگریست، چه شاهنامه مظهر ایستادگی و جاودانگی ملت ایران است. نفوذ شدیدی که فردوسی از اواخر قرن پنجم هجری به بعد در ادبیات فارسی به‌دست آورد تا روزگار ما ادامه یافته است.

از اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری در آثار شعرایی مانند سنایی به غزلهای فراوان برمی‌خوریم. توجه به غزلسرایی از اواسط قرن ششم بیشتر می‌شود که در اشعار بعضی چاشنی عرفان نیز محسوس است و عده‌ای از صوفیه نیز غزلهایی بر مشرب خویش گفتند. سنایی از مهم‌ترین کسانی است که در این راه توفیق بسیار داشته است. در پایان قرن ششم هجری نظم داستانها به‌وسیله نظامی گنجه‌ای به حد اعلای کمال رسید. این شاعر بزرگ با تکامل شعر تمثیلی، در قرنهای بعد نیز از خود تأثیر بسیار گذاشت و منظومه‌های وی که خمسه نامیده می‌شود مورد تقلید قرار گرفت. از مقلدین بزرگ نظامی، امیرخسرو دهلوی است (۷۲۵ هـ . ق = ۳۲۴ م).

در اوایل قرن هفتم فریدالدین عطار نیشابوری (۶۲۷ هـ . ق = ۱۲۲۹ م) غزلهای عرفانی را تکامل بخشید و بعد از او جلال‌الدین محمد مولوی بلخی رومی (۶۷۲ هـ . ق = ۲۷۳ م) با دیوان معروف شمس تبریزی این روش را دنبال کرد.

از دیگر شعرای نامدار قرن هفتم سعدی شیرازی است که در غزلهای خود با زبان شیرین و بیان شیوا کاری را که از زمان رودکی شروع شده بود به نهایت رساند. به دلیل نفوذ بسیار شدیدی که مولوی و سعدی در ادب فارسی به‌دست آورده بودند و به دلیل گسترش مشرب عرفان در ادب فارسی غزلهای عاشقانه و عارفانه با هم در آمیخت و

روشی نو در غزل پیدا شد که ترکیبی بدیع به وجود آورد و این نکته در اشعار حافظ و شماری از شعرای قرنهای هفتم، هشتم و نهم مانند عراقی و خواجه ملاحظه می شود. خواجه کرمانی (۷۵۳ ه. ق = ۱۳۵۲ م) از شعرای مشهور قرن هشتم دارای آثاری مانند کمال نامه، گل و نوروز، گوهرنامه و همای و همایون است. هرچه از زمان حافظ دور شویم ملاحظه می کنیم که زبان شعر و مخصوصاً غزل ساده و نزدیک به زبان متداول مردم می شود و در عوض بر دقت خیال و عمق احساسات و عواطف در آنها افزوده می گردد.

مهم ترین داستانگوی ایران بعد از شعرای قرن ششم و هفتم، بی تردید عبدالرحمن جامی (۸۹۸-۸۱۷ ه. ق = ۱۴۹۲-۱۴۱۴ م) است که منظومه های مجموعاً هفت اورنگ نام دارد. از منظومه های زیبای عاشقانه این شاعر سلامان و ابسال، یوسف و زلیخا، و لیلی و مجنون را می توان نام برد. ذکر این نکته ضروری است که با درگذشت جامی دوره زرین شعر کلاسیک ایران که با رودکی آغاز شده بود پایان یافت.

در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم لفظ در شعر به نهایت سادگی می رسد و تلاش برای پیدا کردن مضمونهای تازه بیشتر می شود. این وضع مقدمه پیدایش سبک خاصی در شعر فارسی مخصوصاً غزل می گردد. که سبک هندی نامیده می شود.

در این سبک توجه به اندیشه های مبهم پیش از توجه به زبان و متانت کلام است. و همین مسئله موجب می شود که از اواخر قرن دوازدهم با آن مخالفت گردد. در این عصر گویندگان خوش ذوق معتقد بودند که باید شیوه سخن شاعران فصیح قدیم چون سعدی و حافظ مورد توجه قرار گیرد. در نتیجه از این پس دوره خاصی در شعر فارسی شروع شد که آن را «دوره بازگشت» گفته اند و شعرایی توانستند شیوه شاعران قدیم را تجدید کنند. این بازگشت با اینکه در آغاز موفق نبود ولی بعداً شعرایی مانند فروغی بسطامی (۱۲۷۴ ه. ق = ۱۸۵۷ م) توانستند غزلهای زیبا و نو پدید آورند.

در عهد سلطنت قاجاریه شعرای بسیار به تقلید از متقدمین اشعار خود را با مثنوی الفاظ و عبارات در قالبهایی که از پیش آماده داشتند می ریختند، بدون آنکه به معانی آن توجه داشته باشند و در نتیجه محلی برای ابداع و ابتکار شاعر نبود و به وضع زمان و حوادث ملی و اجتماعی کمتر توجه می رفت.

در نیم قرن اخیر و پس از اعلان مشروطیت با توجه به آزادی بیان، گروهی از شعرا به انتقاد از مسائل سیاسی و اجتماعی پرداختند و طبعاً اشعارشان در اصلاحاتی که به تدریج

در ایران صورت گرفت مؤثر واقع شد.

از این میان می‌توان شعرا و سخنورانی مانند ادیب الممالك فراهانی، میرزاده عشقی، ملك الشعراء بهار، وحید دستگردی و پروین اعتصامی را نام برد که از میانشان افرادی مانند ادیب الممالك، بهار، وحید و پروین درباره انواع شعر به مرتبه استادان قدیم نزدیک شده‌اند.

انواع شعر: انواع مستقل و اصلی شعر

۱. شعر تمثیلی: در این شعر مقصود اصلی و اساسی شاعر نمایش زندگی و مظاهر مختلف آن است. شاعر با ساختن شعر تمثیلی يك ماجرا یا حقیقت را از زندگی عادی بشری و از يك یا چند فرد مشخص می‌گیرد و با مقاصد فلسفی، اخلاقی و اجتماعی و یا با تخیلات شعری پیوند داده و بعد دوباره با حیات و حرکت همراه می‌نماید و برابر دیده بیننده تجسم می‌بخشد. وصف تنها و آرزو و آرمان مجرد در شعر تمثیلی نیست.

۲. شعر غنایی: با عالم معنی که مدار آن روح شاعر است سروکار دارد. از عالم خارج تنها در حد طرح عواطف خویش یا دیگران صحبت می‌کند. منظومه غنایی همراه با عواطف شخصی و تأثرات و آلام یا لذات يك فرد و يك روح سروکار دارد. غایت شعر غنایی توصیف عواطف و نفسانیات فرد است و تمام عواطف نفسانی بشر از هر نوع که باشد موضوع آن است.

۳. شعر حماسی یا حماسه: حماسه گونه‌ای از اشعار وصفی است که کردار پهلوانی، مردمیها، مردانگیها و سرفرازیها و بزرگیها و افتخارات قومی یا فردی را توصیف می‌نماید.

فصل دوم

ادبیات کودکان و نوجوانان

تاریخچه ادبیات کودکان در ایران

تاریخچه مختصر در ادبیات کودکان را در قیاس با عظمت ادبیات فارسی باید در تاریخچهٔ تعلیم و تربیت جست‌وجو نمود. پدر و مادر، مربیان تعلیم و تربیت و نویسندگان و محققین ایران با وجود اهمیتی که برای تربیت کودک قائل بودند، به دوران کودکی به عنوان زمان آموزندگی و نقش‌پذیری نگریسته‌اند اما آن را مورد مشاهدهٔ علمی قرار نداده‌اند. کودکی را گنری برای رسیدن به بزرگسالی می‌دانند. کودک را همان بزرگسال می‌بینند با قدرت آموزندگی بیشتر. پس در این حافظه تا می‌توان باید اطلاعات ذخیره نمود و بس. به همین دلیل آن‌چه برای کودک و نوجوان به‌وجود می‌آوردند تجانس با روحیه و طرز فکر او نداشت و باتوجه به ظن خودشان به کودک نزدیک می‌شدند.

در زمینهٔ افسانه‌ها، متلها، داستانهای عامیانه که به‌طور طبیعی به‌وسیلهٔ مادران و پدران بازگو می‌شد این نقص دیده نمی‌شد.

ادبیات عامیانه مانند ادبیات مردم در هر نقطهٔ دیگر آینه‌ای است از خصوصیات خلقی و مسائل آن قوم. در لاییه‌ها غم‌تنهایی مادران دیده می‌شود. در متلها شوخ‌طبعی و رندی هوشیارانه و طبع طنزپسند ایرانی، در افسانه‌های حماسی روح بلند و آزادی‌طلب مردمی دیده می‌شود که همواره کوشیده‌اند تسلیم ستم نشده، موجودیت خود را به اثبات برسانند. گنجینهٔ ادبیات عامیانه قرن‌ها سینه به سینه از دهان مادر بزرگ‌ها به گوش نوه‌ها رسیده است و گاه نویسنده‌ای شنیده‌ها را با فکر خود درآمیخته و آثاری نظیر شاهنامه به‌وجود

آورده است.

کسی که اولین بار داستانهای عامیانه ایرانی را برای کودکان گردآوری نمود صبحی مهتدی بود که فعالیت‌های خود را از سالهای قبل از شهریور ۱۳۲۰ شروع نمود. او از طریق رادیو بچه‌ها گفت‌وگو و قصه‌گویی داشت و از آنها می‌خواست که در راه گردآوری داستانها او را یاری نمایند و به این ترتیب سیل داستانها، متلها و ترانه‌ها به‌سویش روانه شد. صبحی نیز این افسانه‌ها را در کتابهای افسانه، افسانه‌های کهن و عمونوروز به ثبت رسانید. قبل از او هدایت به این کار دست زده بود. اما نه برای بچه‌ها. کار صبحی را می‌توان کاری درحد برادران گریم در آلمان و شارل پرو در فرانسه دانست. کار صبحی را نمی‌توان بهترین بازنویسی از ادبیات عامیانه ایرانی دانست، چیزی است بین اثر عامیانه و يك بازنویسی خلاق. بیشتر آنچه را برایش فرستاده‌اند بدون گزینش چاپ نموده است. در هر صورت جای خاص خود را در تاریخچه ادبیات کودکان دارد.

جنبش مشروطیت آن‌چنان که در ادبیات فارسی مؤثر بود طبعاً راهگشای ادبیات کودکان نیز بود. گروهی از نویسندگان که با ادبیات غرب در ارتباط بودند گرچه منظورشان کودکان نبود و رسالتی دیگر داشتند اما از ادبیات کودکان نیز غافل نماندند. کارشان گرچه برای اطفال تفتنی بود ولی به‌مرحال امروز اشعاری از ایرج میرزا، عشقی و بهار برای سنین دبستانی و نوجوانی بجا مانده است. این دوران، ارتباط ادبیات و مردم است.

پایه‌گذاران ادبیات نوین کودکان

در حدود سالهای ۱۳۰۰ جبار عسگرزاده (باغچه‌بان) که نمونه يك معلم واقعی بود به خلق خواندنیهای خاص کودکان می‌پردازد برای آنها شعر می‌گوید و نمایشنامه می‌نویسد او کودکان را خوب می‌شناخت و با زبان و رفتار آنها آشنا بود. گرچه در زمان زندگیش بسیاری از آثارش به طبع رسید اما پس از وفاتش مجموعه اشعارش به‌نام من هم در دنیا آرزو دارم و افسانه بابابرفی با برخورداری از فنون چاپ جدید منتشر شد.

در فاصله سالهای سیصد و سیصد و بیست، نویسندگان و شعرائی به خلق آثاری دست زدند مانند یحیی دولت‌آبادی مؤلف کتاب شهرناز و صنعتی‌زاده کرمانی مؤلف کتاب رستم در قرن بیست و دوم دیگر عباس یمنی شریف که به سرودن شعر برای کودکان دست زد. او مجله‌ای نیز برای کودکان منتشر کرد.

در همین زمان ترجمانی چون علینقی وزیری و مهری آهی، افسانه‌های عامیانه ملل

و افسانه‌های اندرسن را به زبان فارسی ترجمه کردند. مجله‌ها و روزنامه‌ها نیز صفحاتی به کودکان اختصاص دادند. از سال ۱۳۳۲ گروهی به انتشار مجله‌ی پرارزش سپیده‌فردا همت گماشتند. ضمن آشناساختن مربیان با اصول تربیت نوین مساله ادبیات کودکان را مطرح ساختند. در سال ۱۳۳۸ همین مجله فهرست کتابهای مناسب کودکان و نوجوانان را برای اولین بار منتشر نمود. در سال ۱۳۳۵ نمایشگاهی تشکیل دادند و دکتر هوشیار درباره افسانه‌ی کودکان سخنرانی کرد.

سیل ترجمه از ادبیات کودکان جهان به‌سوی کودکان ایران در این سالها سرازیر می‌شود. هریک از ناشرین در راه ایجاد نگرش به يك سوی جهان به انتشار کتب مربوط به فرهنگ آن سرزمین دست می‌زنند.

کتابهای علمی ترجمه شده نیز متناسب با موقعیت زبانی و سنی کودکان نیست. البته ترجمه را به‌عنوان يك مرحله از تحول و حرکت و جنبش در خلق آثار برای کودکان مفید باید دانست.

به همت گروهی که مجله‌ی سپیده‌فردا را پی‌افکنده بودند «ادبیات کودکان» از جمله‌ی دروس یا مواد درسی کلاسهای تربیت معلم يك‌ساله شد و به‌طور رسمی آن‌را تدریس می‌کردند. نخستین کتاب مدون زیر عنوان ادبیات کودکان در سال ۱۳۴۰ چاپ شد. در نظام جدید آموزش و پرورش این درس در برنامه‌های درسی مراکز تربیت معلم گنجانیده شد و در این مدت کتابهای مختلفی برای کودکان منتشر گردید.

شورای کتاب کودک از سال ۱۳۴۱ کار خود را شروع می‌کند و عاملی مؤثر در ترویج ادبیات کودکان می‌گردد. این شورا به بررسی و انتخاب کتابهای مناسب کودکان، جلسات بحث، نمایشگاههای کتاب، برگزاری هفته‌های کتاب کودکان و انتشار فهرستهایی از کتابهای مناسب برای کودکان و نوجوانان می‌پردازد. برگزیدن کتابهای خوب در هر سال بر کیفیت کتابهای کودکان اثر می‌گذارد و نقش فعال به دنیای کودکان ایران می‌دهد. در سال ۱۳۴۵ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شروع به کار می‌کند و با در اختیار گرفتن نیروی فعالی از نویسندگان و مترجمان و نقاشان کتابهای مناسب و زیبایی به تعداد زیاد در اختیار کودکان و نوجوانان می‌گذارد. کتابخانه‌های عمومی در گوشه و کنار ایجاد می‌کند.

گرایش به ادبیات عامیانه و واقع‌گرایی با کارهای «صمد» به‌جا و خوب شروع شد ولی با حفظ ارزشهای لازم پیش نرفت.

شعر نو نیز در قلمرو ادبیات کودکان، با وجود افرادی مانند محمود کیانوش، پروین دولت‌آبادی و م. آزاد، مفاهیم جدیدی را به کودکان عرضه کرد.

انواع ادبیات کودکان

کتابهای داستانی، به نوشته‌ای گفته می‌شود که در آن نویسنده فکر و هدف اصلی خود را در قالب حکایت و ماجرای به خواننده ارائه می‌دهد. خواه این داستان کاملاً جنبه تخیلی و غیرواقعی داشته باشد و خواه واقعیات زندگی در آن با پرداخت خاص نویسنده آرایش یابد.

هدف داستان: آشنا کردن خوانندگان خردسال و نوجوان با زندگی و مسائل آن، رساشدن پیامهای سازنده در قالبی پذیرفتنی و برانگیزاننده به‌طور غیرمستقیم. - آشنا کردن کودکان و نوجوانان با ارزشهای اخلاقی، انسانی و اجتماعی به‌طور غیرمستقیم.

- خواننده را با مسائل و مشکلات و مصائب زندگی و چگونگی چیره‌شدن بر آنها آشنا می‌کند.

داستانها از لحاظ موضوع و چگونگی پروراندن به چند دسته تقسیم می‌شوند:

الف. داستانهای واقعی

این داستانها گرچه ساخته تخیل زنده و بیدار نویسنده است ولی در اجزای سازنده آن و در حرکت ماجرا غیرممکنی وجود ندارد. حوادث آن باورکردنی و قابل تکرار و شخصیتها واقعی هستند. این داستانها با توجه به اینکه می‌توانند درباره هر کس و هر جا و همه چیز سخن گویند مختلف و بسیارند.

داستانهای صحنه‌های زندگی اطفال

در این داستانها از حوادث زندگی بچه‌ها مانند دنیا آمدن خواهر یا برادر صحبت می‌شود. این داستانها در طرح مسائل خانوادگی می‌توانند قدرت خواننده را در برخورد با مشکلات بالا ببرند.

داستانهای حیوانی

در این داستانها حیوانات برای داستانهای واقعی بازیگران محبوبي هستند احساسات انسانی را ندارند، به زبان انسانها سخن نمی‌گویند. ماجراهایی است که بر يك حیوان می‌گذرد. این داستانها برای اطفال چهار یا پنج ساله مناسب است.

داستانهای ماجرای

در این داستانها ماجراهایی نقل می‌شود که هنگام خواندن آن هیجان طفل و نوجوان به اوج می‌رسد. برای تشویق به مطالعه و ایجاد عادت به مطالعه مفید است. برای کودکان سالهای آخر دبستان یا دوره راهنمایی جالب است. داستانهای ماجرای می‌توانند زمینه تاریخی داشته باشند.

داستانهای تاریخی

در این داستانها شخصیت‌های شناخته شده تاریخی و وقایع بزرگ و مهم گذشته نقش اصلی را دارند. ممکن است داستانها شخصیتها و وقایع غیرحقیقی باشند ولی چنان ماهرانه و با دقت ساخته شود که خواننده به تخیلی بودن آنها به‌ندرت پی ببرد. این داستانها باید دور از تعصبات و تلقین نفرت باشد. این داستانها باید ضمن تحلیل حوادث تاریخی آگاهی و بینش اجتماعی و تاریخی برای جوان ایجاد کند. داستانهای تاریخی بهترین وسیله عمق بخشیدن به دانستیهای تاریخی اطفال و رنگ و بو دادن به درسهای خشک تاریخ است.

داستانهای طنزآمیز

به کودکان و نوجوانان می‌آموزد ضمن اینکه از کوچک شمردن و مسخره کردن دیگران لذت نبرند، به نکات طنزآمیز و حوادث خنده‌دار بخندند و طبع طنز نقادانه را به‌تدریج بیاموزند. طنز در ادبیات ایران تیزهوشی قهرمان داستان و نکته‌سنجی او را می‌رساند.

داستانهای عاشقانه

داستانهای عاشقانه و واقعی خوب آنهایی هستند که بدون پرداختن به صحنه‌های عشقبازی ترتیب یافته‌اند. نوجوان با مطالعه داستانهای خوب عاشقانه به احساس طبیعی عشق پی برده و از آن شرمگین نیست. ضمن آنکه به این نتیجه می‌رسد که گلهای زیبای بهاری هرچه پررنگ و بوترنده زودتر پرپر می‌شوند. پایان چنین داستانهایی به صحنه‌های اتفاقی ازدواج و مرگ نیست. می‌تواند بیان خاطرات يك نوجوان در پایان تابستان و یا بیان عواطف کودکی از تغییر خانه و مدرسه‌اش باشد.

ب. افسانه‌ها

افسانه‌ها را مجموعه حوادث و وقایعی دانسته‌اند که پی‌درپی اتفاق افتاده و به نتیجه یا نتایجی منتج می‌گردند. یا به نوعی دیگر داستانهایی که دارای عوامل تخیلی بسیار هستند

و امکان وقوع ماجراهای آنها بسیار و در واقع غیرممکن است، افسانه نامیده می‌شود. فرق افسانه با داستان، تحقق داستان در عالم خارج از ذهن و تحقق نیافتن افسانه در عالم خارج از ذهن می‌باشد. مانند قالیچهٔ پرنده یا سیمرغ و سواری بر آن، که در عالم خارج از ذهن واقعیت ندارد. در ساخت و پرداخت افسانه‌ها عوامل تخیلی بکار گرفته شده‌اند چنان‌که در زندگی واقعی امکان بهره‌گیری از آنها و وقوع چنین ماجراهایی بسیار بعید و غیرممکن است. اما در مجموع حکمتی واقعی را بیان می‌کند.

انواع افسانه‌ها

افسانه را به‌طور کلی می‌توان به دو دسته عامیانه و جدید تقسیم کرد: **افسانه‌های عامیانه:** از زمانهای بسیار قدیم میان مردم افسانه‌های بسیار نقل شده است. این افسانه‌ها سینه به سینه نسل به نسل منتقل شده‌اند تا به ما رسیده‌اند. افسانه‌های عامیانه به گفتار عادی نزدیک است. زیرا قرن‌ها پیش از چاپ و حتی قبل از وجود خط و فن کتابت وجود داشته‌اند این قصه‌ها نه فقط در طول زمان سفر کرده‌اند بلکه به کمک نقالان و فروشندگان دوره‌گرد و همراه کاروانیان از دیاری به دیار دیگر رفته‌اند. در طول این سفر از صورت ابتدایی خود درآمده و در هر زمان و مکانی مطابق نیازهای روانی و اجتماعی تغییر شکل یافته‌اند. اما مایه و ساخت آنها دست‌نخورده باقی‌مانده است. طبقه‌بندی افسانه‌های عامیانه کار آسانی نیست، اما از آنجا که شناختن مهم‌ترین انواع آنها برای کسانی که می‌خواهند از افسانه‌های عامیانه برای اطفال استفاده کنند ضروری است به چنین تقسیمی می‌توان دست زد.

۱. افسانه‌های توأم با تکرار

این افسانه‌ها از نظر مفهوم و از نظر زبان ساده‌ترین و کوتاه‌ترین انواع افسانه‌های عامیانه هستند. معروف‌ترین و زیباترین افسانه‌های عامیانهٔ ایرانی که برای کودکان خردسال کاملاً قابل استفاده است بیشتر از این نوعند. مانند موش دم‌بریده در افسانه‌های کهن صبحی.

۲. افسانه‌های حیوانات سخنگو

در این افسانه‌ها حیوانات ظاهر حیوانی دارند اما مانند انسانها فکر می‌کنند، احساس دارند، حرف می‌زنند، به تحلیل اجتماعی و سیاسی می‌پردازند. مانند شخصیت‌های حیوانی در کلیله و دمنه.

حیطهٔ این افسانه‌ها بسیار وسیع است و تمامی انواع افسانه را می‌تواند دربر گیرد.

یعنی می‌تواند ضمناً افسانه جادویی یا فکاهی یا تخیلی باشد. این افسانه‌ها برای اطفال خردسال بسیار محبوب هستند.

۳. افسانه‌های جادویی یا افسانه‌های کهن

در این افسانه‌ها همیشه يك عامل غیرواقعی و جادویی وجود دارد. این عامل می‌تواند حیوانی مافوق‌الطبیعه باشد مثل اژدها، یا سیمرغ یا يك شیء جادویی، مثل قالیچه. در این افسانه‌ها قهرمان همیشه با عوامل غیرواقعی درگیری دارد یا به کمک آنها موفق می‌شود، مانند حکایات سندبادنامه. این افسانه‌ها گاه بسیار وحشتناک هستند مانند ماه‌پیشانی، افسانه‌های کهن صبحی استفاده از این افسانه‌ها فقط با احتیاط و دقت برای اطفال بزرگ‌تر که می‌توانند غیرواقعی بودن آن عوامل خاص را احساس کنند شایسته است. برای خردسالان علاوه بر ایجاد ترس ایجاد افکار درهم و مشوش می‌نماید.

۴. افسانه‌های فکاهی

در این نوع افسانه‌ها شوخ‌طبعی خاص ملل به‌چشم می‌خورد. نکته خنده‌دار در حماقت قهرمان داستان یا در هوشیاری و سرعت انتقال اوست. در ادبیات فارسی شخصیت ملانصرالدین و در ادبیات عامیانه عرب خواجه ساده‌لوح در این نقش‌سنجی سیاسی قرار دارند.

۵. افسانه‌های حماسی قهرمانی

انسان در هر موقعیت زمانی و مکانی شیفته رفتارهای قهرمانی شجاعانه بوده است. بخصوص وقتی که این رفتار در راه رسیدن به هدفی عالی و بزرگ از انسان سربرزند. مردم اقوام مختلف تاریخ قوم خود را با عوامل افسانه‌ای می‌آمیزند و برای پرورش روح قهرمانی جوانان استفاده می‌کنند. داستانهای شاهنامه فردوسی، افسانه‌های ایلید و اودیسه از هومر شاعر یونانی و گیلگمش نمونه برجسته این نوع افسانه‌ها هستند. از افسانه‌های حماسی ایران داستانهای شاهنامه از احسان یارشاطر و بستور از مهرداد بهار را برای استفاده کودکان و نوجوانان می‌توان نام برد. افسانه‌های حماسی را اطفال سنین دبستانی درک می‌کنند. این افسانه‌ها قدمتشان به پای افسانه‌های جادویی یا کهن نمی‌رسد ولی بافت منطقی‌تری دارند. از هدف یا هدفهای خاص پیروی می‌کند. برای ما افسانه‌های شاهنامه، مباحث اسکندرنامه و نزد اعراب فتوحات سیف بن ذی یزن جزء این دسته آثارند.

۶. افسانه‌های فلسفی و دینی

بشر همیشه درباره آنچه در اطرافش می‌گذشت می‌اندیشیده و سعی بر یافتن دلیلی برای آن داشته است. و چون نمی‌توانست از طریق توجیه منطقی، دلایل را پیدا کند، دست به دامان عوامل غیرطبیعی و عجیب می‌زده. مثلاً چون علت باریدن باران یا خشکسالی را نمی‌دانست یکی را از اقدامات فرشته رحمت و دیگری را نتیجه رفتار دیوی بدسرشت می‌پنداشت و صدای رعد درخشش برق را از اثرات جنگ میان این دو می‌دانسته است. افسانه باران از مهدخت کشکولی نمونه مشخص چنین افسانه‌ای است. از آنجا که سرزمین ایران همیشه با کمبود باران روبه‌رو بوده است، افسانه‌های ایرانی نیز از مبارزه مردم این سرزمین با خشکسالی گفت‌وگو می‌کنند. در افسانه‌های اساطیری قهرمان اصلی داستان، خدایان یا نیمه خدایان هستند، گرچه این خدایان دارای قدرت مافوق طبیعی می‌باشند ولی بسیاری از خصوصیات انسانی را نیز دارا هستند. عشق می‌ورزند، حسادت می‌کنند، به جنگ و ستیز برمی‌خیزند.

داستانهای جمشیدشاه و آرش کمانگیر که برای نوجوانان بازنویسی شده‌اند از این‌رده هستند. مطالعه این گونه آثار را به سنین آخر دبستان که طفل مبانی ابتدایی علوم و عقاید مذهبی را به‌دست آورده است توصیه می‌کنند.

۷. افسانه‌های عاشقانه

عشق عالی‌ترین خصیصه بشری و طبیعی‌ترین و زیباترین احساس انسانی و بهانه بسیاری از خلاقیت‌های هنری است. در افسانه‌های عاشقانه عامیانه فقط عاشق جوانمرد و بردبار پیروز است. خواندن این قبیل افسانه‌ها برای اطفال و نوجوانان نه فقط مضر نیست بلکه در تلطیف عواطف آنها و تحکیم ارزشهای انسانی نقش فراوان دارد. داستان افسانه محبت از صمد بهرنگی و گل ارغوانی از روحی ارباب و گل بلور و خورشید از این نوعند. افسانه‌های عامیانه از غنی‌ترین منابع ادبیات هستند به‌شرط رعایت انتخاب سنی باید این افسانه‌ها را به‌عنوان نمونه‌ای از ادبیات اصیل به اطفال دبستانی شناساند. و به مطالعه افسانه‌های ملل تشویق کرد، تا از این راه به حکمت زندگی و عقاید و خلق و خوی مردم جهان پی ببرند. متخصصان فن، این نوع مطالعه را بهترین وسیله برای برقراری تفاهم بین‌المللی دانسته‌اند.

افسانه‌های جدید

لطافت و زیبایی افسانه‌های عامیانه در نویسندگان و شعرای خوش‌ذوق موجب شد که خود به تجاربی تازه از روی نمونه‌های کهن دست بزنند. موضوع و عوامل افسانه‌ای تابع

احتیاجات زمان می‌شود و نویسنده نه فقط از وسایل موجود در زمان استفاده می‌کند، بلکه عقاید و آداب زمان را نیز منعکس می‌کند.

تنوع افسانه‌های جدید کمتر از افسانه‌های قدیم نیست. در زمان ما افسانه‌های علمی جایگزین بسیاری از افسانه‌ها شده است. برای مثال در افسانه‌های حیوانی به جانورانی از کرات دیگر برمی‌خوریم یا در افسانه‌های فلسفی سازده کوچولو از سنت اگزوپری و ماهی سیاه کوچولو از صمد بهرنگی را می‌بینیم.

ویژگیهای افسانه‌های عامیانه

محققان ادبی ویژگیهای مشخصی را بدین‌گونه برای افسانه‌ها نقل کرده‌اند:

- افسانه‌های عامیانه نمایشگر عقاید و آداب و رسوم هر قوم و مبین احساسات و دید مردم آن نسبت به مسائل زندگی است. از آنجا که این افسانه‌ها در بین مردم محبوبیت دارند، نقش سازنده آن قابل مطالعه است.

- خصایل نیک انسانی نظیر فروتنی، جوانمردی، سخاوت، شجاعت و محبت در این افسانه‌ها مورد ستایش است. خواننده به کرات می‌بیند با آنکه این خصوصیات مشکلاتی را سبب می‌شود ولی همواره در پایان پیروزی را سبب می‌آید. در افسانه عامیانه هیچ ملتی دیده نشده که ظالمی زورگو پیروز گردد.

- شیوه بیان در این افسانه‌ها بسیار به گفتار مردم نزدیک است زیرا اصولاً زمانی به‌وجود آمده‌اند که نگارش وجود نداشته است.

- افسانه‌های عامیانه از طرح خاصی پیروی می‌کنند، شروع و پایان مخصوص به خود دارند. شخصیتهای اصلی داستان اغلب در همان چند جمله اول معرفی می‌شوند و پس از آن شخصیتها با گره اصلی مواجه شده و طی ماجرای پر حادثه این گره سریعاً به‌دست محبوب‌ترین قهرمان افسانه گشوده می‌گردد.

- ماجرا در افسانه‌های عامیانه نقش بسیار مهمی را بر عهده دارد. وقایع مانند دانه‌های زنجیر پشت هم قرار می‌گیرند و خواننده یا شنونده با توضیحات و جمله‌سازیهایی طولانی معطل نمی‌شود.

- قهرمانهای اصلی شخصیتهای روشن و مشخصی دارند و اغلب به‌هم شبیه‌اند. فقرا نیک نفس و مهربانند و ثروتمندان سنگدل و ظالم. خصوصیات افرادی که ماجراها را پیش می‌کشند و در همان ابتدای افسانه مطرح می‌شود.

- افسانه‌های ملل نویسنده خاصی ندارند زیرا سالها بلکه قرن‌ها پس از به‌وجود آمدن جمع‌آوری و نگاشته شده‌اند.

هدف از بکار بردن افسانه‌های عامیانه و جدید برای کودکان

افسانه‌ها به علل مختلف و برای برآوردن نیازهای گوناگون مردم خلق شده‌اند.

- برای سرگرم کردن خردسالان و یا برای پندآموزی آنها.
- پرورش نیروی تخیل و تصور و قدرت ذهنی کودکان و نوجوانان.
- کمک به آشنایی با میراث گذشته و تکوین هویت فرهنگی خوانندگان.
- گسترش دید و تخیل و آماده کردن کودک برای شناختن، دوست داشتن و ساختن محیط.

- ارزش نهادن بر قهرمانان نیک و راندن نمونه‌های زشتی و بدی ایجاد احترام به اصالت انسانی و میل به اعتلای مداوم کردن.

- برآورد نیازهای روانی.

- سرگرم کننده و لذتبخش بودن.

- علاقه‌مند کردن کودک به مطالعه و ایجاد عادت به آن از طریق سهل‌ترین و شیرین‌ترین نوع ادبیات یعنی افسانه‌ها.

- آشنایی با سبک زبان، چه افسانه‌ها سرشار از ترکیبات زیبا و تعبیرهای لطیف هر زبان است.

- ترجمه افسانه‌های عامیانه و جدید کشورهای دیگر روابط فرهنگی و آشنایی با سنتها و فرهنگهای مختلف را برای فرزندان ما به ارمغان آورده و از جداییهای غیرانسانی بین ملتها می‌کاهد.

در هدف پندآموزی همین بس که در جوامع تحت سلطه، خوانندگان جوان از هر جهت آمادگی بیشتری دارند برای همانند ساختن خود با ماجراجویان و کسانی که برای عدالت و بر علیه همه اشکال ستم می‌جنگند. اکثر این قهرمانان، دیگر يك فرد عادی نیستند، بلکه به سبلمهایی بدل شده‌اند که بازتابی هستند از امیدها و نگرانیهای يك گروه اجتماعی در جامعه خود.

هدف قصه‌های تخیلی و جوهر افسانه‌ها، دادن عشق به استقلال، دلیری و گذشت است. افسانه‌ها از سرگشتگی و جستوجوی انسان و ایمان او به خود و نوع بشر و

هرآنچه در او انسانی است سخن می‌گوید.

هدف دیگر آنکه روح از خلال افسانه‌ها سفرو با آنها خطر می‌کند. خود را متعهد می‌سازد دوباره متولد می‌شود. کودکان و نوجوانان تحت تاثیر روایتهای احساس می‌کنند که می‌توان در مقابل آنچه غیر قابل اجتناب و انمود شده مقاومت کرد و هر غیرممکنی را ممکن نمود. بچه‌ها به انواع تجربه‌ها نیازمندند و افسانه‌ها زمینه مناسبی برای تجربه‌های عاطفی هستند.

یکی از صاحب نظران ادبیات کودکان می‌گوید: انواع افسانه‌ها در مجموعه سنتها از دیدگاه روانشناسی، تعلیم و تربیت و جامعه‌شناسی وظایف خاص خود را دارند. گاه این وظایف با هم ترکیب می‌شوند. مهم‌ترین خاصیت افسانه‌ها این است که به شنوندگان و خوانندگان خود این امکان را بدهد تا از بحر آنها و مشکلات خود بگذرند و پرواز مستقل را آغاز کنند.

کودک به معنای اعم، مفهومی است انتزاعی، کودکان بسیار متفاوتند و اختلاف فردی میان آنها باید همه جا در نظر گرفته شود و در انتخاب انواع افسانه و انطباق با گروههای سنی و محیطهای مختلف تفاوت ملحوظ گردد.

با توجه به اهمیتی که این نوع ادبیات دارا می‌باشد باید به منظور حفظ دقت در انتخاب آن جهت کودکان که استفاده کننده خاص آن هستند ملاکها و ضوابط مشخص تجربه شده‌ای به تناسب گروه خوانندگان و هدف و موضوع بکار گرفته شود و پرورش نیروی تخیل و آشنایی با میراث گذشته و تکوین هویت فرهنگی در سن ۸ تا ۱۲ سالگی که سن افسانه‌خوانی است (گرچه برای خواندن افسانه سن خاصی مطرح نیست. آنچه مطرح است امکان درک ظرایف افسانه توسط کودکان، نوجوانان و حتی بزرگسالان است) مورد توجه قرار گیرد و بدین نیاز پاسخ داده شود که: بچه‌ها به انواع تجربه‌ها نیازمندند و افسانه‌ها زمینه مناسبی برای تجربه‌های عاطفی هستند.

۱. کتابهای غیرداستانی

زمانی بود که مربیان و منتقدان، کتابها و نوشته‌های غیرداستانی را جزیی از ادبیات کودکان نمی‌شناختند اما امروزه نه تنها کتب غیرداستانی را جزء ادبیات کودکان می‌شمارند بلکه از لحاظ نحوه نگارش مطالب نیز ارزش هنری برای آن قائلند. (تمامی مطالبی که طفل می‌خواند در حوزه ادبیات کودکان قرار می‌گیرد.)

الف. مطالب علمی

این نوشته‌ها ممکن است به مسائل بسیار کلی علوم و معرفی آنها بپردازد. استفاده از کتب علمی سن معینی ندارد. برای کودکانی نیز که خود نمی‌توانند بخوانند می‌توان از مطالب علمی استفاده کرد.

ب. کتابهای مربوط به اجتماع و محیط

این کتب دربارهٔ سرزمینها و مردم مختلف بحث می‌کند، آداب و رسوم ملل را معرفی می‌نماید و مسائل اجتماعی را چنان که هست از دید عینی و تا حد امکان بی‌طرف مورد بحث قرار می‌دهد. اطفال از سنین بسیار پایین می‌توانند از چنین نوشته‌هایی استفاده کنند. سفرنامه‌ها — برای شناخت زندگی مردم جهان — از سالهای آخر دبستان مفید و جالب است. به تدریج که اطفال بزرگ‌تر می‌شوند مسائل مختلف اجتماعی توجه آنها را به خود جلب می‌کند. آنها در این سنین به مطالعهٔ مسائل اجتماعی نیازمندند.

ج. مطالبی دربارهٔ اختراعات و اکتشافات

تلاش انسان برای رفع مشکلات و اختراع در مقابل نیاز، داستان آموزنده‌ای برای نوجوانان است و به آنها دیدی وسیع می‌دهد. ایشان را یاری می‌کند تا به ارزش وسایل و امکانات مورد استفاده پی ببرند و خود به هنگام نیاز به اختراع و اکتشاف بپردازند.

د. کتابهایی دربارهٔ فعالیتها و سرگرمیها

این کتابها را مدام مطالعه نمی‌کنند بلکه از آنها برای سرگرم شدن یا آموختن فن خاصی استفاده می‌نمایند. چنین کتابهایی از لحاظ موضوع بسیار متفاوتند؛ مثلاً در کتابهای بازیها و ورزشها، بچه‌ها با انواع بازیهای گروهی و انفرادی آشنا می‌شوند. مهم‌ترین ضابطه برای این قبیل کتب این است که دستورهایش ساده و روشن و قابل اجرا باشد.

ه. زندگینامه‌ها و شرح‌حالتها

اجتماعی بودن و اجتماعی شدن یکی از نشانه‌های رشد است. اطفال معمولاً چندان رغبتی به شناختن مردم بیگانه ندارند. اما موقعی می‌رسد که مایلند به گروهی از مردم بپیوندند. در این سنین می‌توان آنها را با مردمانی که در پیشرفت فرهنگ سهم داشته‌اند آشنا کرد.

و. کتابهای مرجع

کتابهای مرجع را یکسره و یکباره نمی‌توان خواند. چنین کتابهایی عمدتاً پاسخگوی سؤالی در زمینه‌ای خاص هستند. استفاده از کتب مرجع را از کودکی باید آموخت، از

پیدا کردن مترادفات و معانی يك واژه تا یافتن پاسخ پرسشی جغرافیایی و تاریخی.

۲. شعر

شعر قالبی است لطیف که می‌توان مطالب داستانی و غیرداستانی را در آن عرضه کرد. در این زمینه گفته‌اند: شعر هنر است و در هنر شاعری واژه‌ها همان وظیفه را دارند که اصوات در موسیقی و خط و رنگ در نقاشی. زبان شعر، زبانی عاطفی است. نخستین تعریفی که از شعر کرده‌اند این است که شعر سخنی خیال‌انگیز است که برای بیان مقصود از آن استفاده می‌شود، شاعر از همه وسایلی که در اختیار دارد برای این منظور یاری می‌جوید: وزن، قافیه، هجاهای کوتاه، بلند، شدید و خفیف و انواع دقایق صنایع بدیعی. در هر صورت تعریف شعر مهم نیست تأثیر شعر اصل است. تأثیر شعر به دلایلی بیشتر از نثر است. وزن، قافیه، آهنگ خاص، نوعی ایهام، ایجاز، همه این عوامل شعر را بهترین وسیله تأثیرگذارنده در استفاده از آموزش قرار می‌دهند.

خصوصیات شعر

- مفهوم و مضمونی را باید به شعر داد که متناسب قالب لطیف آن باشد و ارزش برابری را داشته باشد. شعر باید از اصالت برخوردار باشد.
- مضمون شعر باید درخور رشد فکری خواننده آن باشد. در صورتی که قابل درک نباشد، اگر عالی‌ترین مفاهیم را داشته باشد، مورد قبول خواننده واقع نمی‌شود.
- شعر باید روان خوانده شود. عبارات و وزن، متناسب با مفهوم آن باشد.
- اگر شعری در آهنگ و وزن و قالب بهترین باشد ولی حرفی برای گفتن نداشته باشد ارزشی ندارد.
- شعر باید جوهر و اصالت داشته باشد، هدفش مشخص و معین و زبان آن قابل درک و فهم باشد.
- باتوجه به تفاوت ذهنی بزرگسالان و خردسالان نکاتی را در گزینش شعر برای آنها باید در نظر گرفت عبارتند از:

الف. مضامین شعر

موضوع شعر باید مربوط به دنیای کودک و نوجوان باشد. مفاهیم شعر را از تاروپود آشنای آنها باید گرفت. کودکان هرچه خردسالند انتزاع کمتر در زندگی آنها جای دارد. برای آنها

همچیز همان است که می‌بینند و احساس می‌کنند. دورهٔ مشاهده و تحقیق و شناخت را می‌گذرانند. شور و شوقشان شناختن دنیای اطراف آنهاست. در انتخاب مضامین برای کودک باید به دنیای کودکی برگشت و پرده‌های تجربه را از جلو چشم کنار زد. با تربیت صحیح، ذوق شعری کودک از مسائل صدمه‌رصد حسی در نوجوانی به مسائل انتزاعی می‌رسد.

ب. روانی عبارات

در شعر کودکان باید به روانی عبارات و دوری از استعاره‌ها توجه شود. آنچه کودک را به‌طرف شعر می‌کشد، وزن و آهنگ آن است. مثلاً شعر عامیانه عناصر اصلی شعر کودک را به فراوانی در خود دارد. که موسیقی وزن، و موسیقی قافیه است. و این يك موسیقی پر جنبش و پر شور می‌باشد.

ج. وزن و قافیه

کودک پیش از آنکه در موسیقی کلامی یا شعر به اوزان یا بحور شعری دست یابد، موسیقی قافیه را می‌شناسد. شعر فقط به‌خاطر قافیه داشتن برایش مشخص می‌شود. شعر عامیانه که اوزان آن هجایی و ترانه‌ای است، به‌ندرت به اوزان عروضی می‌رسد و بر پایهٔ موسیقی قافیه استوار است. کودکان به قافیه در مقام وزن و موسیقی توجه دارند. و در بازیهای خود نیز قافیه‌سازی می‌کنند. در شعرهای ویژهٔ کودکان شاعر می‌تواند وزنهای هجایی یا ترانه‌ای به‌کار گیرد و در يك شعر وزنهای متفاوت اما همساز بیاورد. از اوزان عروضی وزنهای را برگزیند که به وزنهای هجایی و ترانه‌ای نزدیک‌تر است.

د. صنایع بدیعی

بسیاری از صنایع لفظی و معنوی بر قدرت و زیبایی شعر می‌افزاید. اگر آوردن آنها در شعر به معنی مطلوب صدمه نزند و کلام را متنعن نسازد کاربرد آنها نه تنها رواست بلکه ضرورت دارد.

در شعر کودک از صنایع لفظی و معنوی می‌توان به تناسب موضوع و بنابر نیاز موسیقی شعر استفاده کرد. مانند: صنعت تکرار که مراد تکرار مطلوب و مطبوع الفاظ در مصراع یا بیت است. کودکان گاه با تکرار يك کلمه یا يك عبارت خود این گونه موسیقی را به‌وجود می‌آورند.

ه. مفاهیم

شعر نباید وسیلهٔ آموزش مستقیم قرار گیرد. مفاهیم شعر باید در پرورش ذوق و عواطف

کودکان مؤثر باشد. شعر نه تنها کمک می‌کند که کودک زیبایی صحنه‌ای را بهتر درک کند بلکه درک او نسبت به احساس یا حالتی عمیق‌تر می‌شود. هر شعر باید مقدمه‌ای در مشتاق کردن کودکان برای خواندن اشعار عمیق‌تر با مفاهیم عالی‌تر باشد.

و. تکامل فکر

شعر کودک باید با تحول و تکامل فکر کودکان گام بردارد. شعر خوب یکی از انگیزه‌های اصلی کودکان به خواندن آثار ادبی است. و یک نوع تمرین و ممارست است برای درک عمیق او از ادب رسمی کشورش.

شاعر کودکان و گزیننده شعر برای کودکان باید تسلط به فن و هنر شاعری داشته در ضمن مراحل رشد تکوینی اطفال را بشناسد. گزینش شعرهای دشوار در کتب درسی برای آموزش مستقیم یا دادن دستورهای اخلاقی و مجبور نمودن آنها به حفظ این نوع اشعار، یا خواندن شعری بر مقوله دادن پند و اندرز، موجب گریزان شدن کودکان از شعر می‌گردد. برای دوری از این سخت‌جانی رعایت چند نکته ضروری است:

- مربی (پدر، مادر، معلم) شعر را نباید وسیله آموزش قرار دهد.
- مربی خود از خواندن شعر لذت ببرد و کودکان را در لذتش سهیم نماید.
- گزینش به‌موقع و به‌کار بردن به‌موقع یک شعر، مهم است.
- تجربیات و شناخت قبلی کودکان را به شعر باید در نظر گرفت. در کودکان کم‌سن بهتر است با متلها و اشعار عامیانه، تمرین ذوقی را شروع نمود.
- در پسند شعر باتوجه به تفاوت سلیقه‌ها باید به کودکان آزادی انتخاب داد.
- نباید اطفال را محدود و مقید به اشعار خودشان نمود. می‌توان اشعار ساده شعرارا در اختیارشان قرار داد تا بدین‌وسیله در نوجوانی به خواندن اشعار ادب رسمی توجه و گرایش یابند.
- اولیاء و مربیان شعر مناسبی را بارها به صدای بلند بخوانند تا ذوق شعر در کودک بیدار شود.

شرایط داستان خوب

عوامل بوجود آورنده داستان خوب عبارتند از: هدف نویسنده، ماجرا، محیط، شخصیتها و نگارش داستان.

الف. هدف

نویسنده باید از بیان انواع افکار آنهایی را برگزیند که گذشته از تناسبشان با نیاز خواننده، در میان خود نیز تجانس داشته باشند. فکرها را خوب پیردازند نه آنکه همه افکار را یکجا و شکل نگرفته به ماجرا بسپارند.

ب. ماجرا

داستان، شروع و نقطه اوج و پایانی دارد. پیوستگی درست این سه مرحله در گرایش بیشتر خواننده مؤثر است. ماجرای داستان باید به نظر قابل قبول بیاید، حوادث بی دلیل و بی ربط پیش نیایند. ماجرا دارای اصالت باشد. خواننده در نیمه راه خسته نشود و ماجرا او را با خود ببرد، نه او ماجرا را به جلو بکشد. شروع، نقطه اوج و نتیجه چنان به هم آمیخته باشند که هیچ حادثه‌ای جدا از این سه نیفتد.

ج. محیط

موقعیت داستان رابطه مستقیم با محیط مناسب برای جریان ماجرای داستان دارد. مهم نیست محیط مربوط به گذشته، حال یا آینده باشد. دور یا نزدیک، شناخته یا ناشناخته. ماجرا و محیط از يك سنخ باشند.

د. شخصیتها

شخصیتها باید چون شخصیتهای واقعی باشند. بسیاری از شخصیتهای افسانه‌ای چنان شکل می گیرند و زندگی می کنند که همیشه ملموس تر از انسانهایی هستند که زندگی می کنند، تصور غیرواقعی بودن آنها مشکل است. شخصیت باید نمونه خاص نبوده و قابل تقلید باشد.

ه. سبك نگارش

گزینش سبکی مناسب در رساندن فکر اصلی داستان و درست جلوه دادن شخصیتها از نکاتی است که باید بر آن دقیق بود. سبك نگارش مکمل اساسی فکر و هدف اصلی داستان و ماجراست. واژه‌ها، جملات، آهنگ کلام، فلسفه خاص ارائه شده در آن همه به هنرمندی نویسنده ارتباط دارد.

عوامل مؤثر در شناخت تواناییهای کودکان و نوجوانان

در شناخت توانمندیهای کودکان و نوجوانان در ارتباط با گزینش متون برای گروههای سنی مورد مطالعه روانشناسان، جامعه‌شناسان و مربیان تعلیم و تربیت عوامل تعیین کننده‌ای در اختیار افراد می گذارند مانند:

۱. خصوصیات رشد جسمی و روانی

الف. دوره قبل از دبستان: یعنی تا شش سالگی این دوره را سریع‌ترین مرحله رشد جسمی و روانی کودک دریافته‌اند. کودک شدیداً کنجکاو است، به لفظ و کلمه به سرعت مسلط می‌شود. ولی توجه و تمرکز کم است. بین تخیل و واقعیت در نوسان است. کتابهایی را دوست دارد که از محیط گیاهان، حیوانات، فضای زندگی آشنایش حرف بزنند. سخن گفتن حیوانات و گیاهان را می‌پذیرد. خودآموزها و حرف‌آموزها ضمن دنبال کردن يك داستان، آموزش مفیدی برای اوست.

ب. سالهای اول دبستان: مشخصه این سالها این است که فکر کودک نظم منطقی پیدا می‌کند. طرز تفکر بچه‌ها به‌سوی بزرگ‌ترها کمی نزدیک می‌شود. پایه‌های وجدان منطقی گذاشته می‌شود. اعتماد به نفس او بیشتر شده کمتر متکی به بزرگ‌ترها است. بین کنجکاویها و چراها و تقلید و خیالبافی و داستان‌پردازی در تردد است. از طنز در حد درکش لذت می‌برد. لذت خواندن را درمی‌یابد و تجربه می‌کند. با یاری واژه‌ها، خواندن داستانهای کوتاه، مجموعه داستانها یا کتابهاییکه هر فصل آن يك مطلب را دربرمی‌گیرد، برای او دلپذیر است. از عدم عدالت و نرسیدن حق به حقدار رنج می‌برد. بهر مطلب خواندنی کشش دارد. اسرار نوشته‌ها را می‌خواهد دریابد. با گسترش شناخت و کنجکاوی نیاز به انواع نوشته‌ها در این سنین زیاد می‌شود. بنابراین بیشتر در معرض خطر خواندنیهای بد قرار می‌گیرد. داستانها باید از لطف و گرمای خانوادگی برخوردار باشد. مقدمات فکر انتقادی پیدا می‌کند. کتابهای آموزش ریاضی تاریخی و جغرافیایی می‌تواند سازنده باشد. از گردآوری اشیاء لذت می‌برد، دوست دارد مجموعه‌هایی با عکس و برگ و اشکال بسازد. کتبى در این زمینه می‌توان به او داد.

ج. سالهای میانه دبستان (هشت و نه سالگی): تمرکز و توجه در این سنین افزایش می‌یابد به‌طوری که کودک می‌تواند يك تا دو ساعت به کاری سرگرم شود. در زمینه‌های علم و فن علاقه‌مندی‌هایی پیدا می‌کند. بین پسران و دختران تفاوت‌هایی ایجاد می‌شود. گروه همسالان به‌عنوان تعیین‌کننده سلیقه‌ها و رفتارها نقش می‌یابند. در این سنین کودک داستانهای بلند، کتابهای تله‌داستانی، ماجراهای گروههای مختلف کودکان و کتابهای علمی و تاریخی را دوست دارد.

د. سالهای آخر دبستان (ده، یازده سالگی): دوران بلوغ کودکی است، فرارسیدن دوره عقل و دانایی است، استعداد او در آموزش زبان زیاد می‌شود. استعداد موسیقی از خود

نشان می‌دهد. به کتابهای هنری علاقه‌مند می‌شود. جای خانه و مدرسه عوض می‌شود. مدرسه بالاتر از محیط خانه قرار می‌گیرد. برای جلب محبت همسالان به هرکاری دست می‌زنند. فرق بین واقعیت و خیال را خوب درک می‌کند. افسانه‌های تخیلی علمی را می‌خواند. برای خود قهرمانان خاصی برمی‌گزیند. و تخیل بیشتر در زمینه‌های علمی و فلسفی برایش مطرح می‌شود ولی در زمینه واقعیات و زندگی اجتماعی کشش بی‌سابقه‌ای می‌یابد. به افسانه کم توجه می‌شود. مگر نکته‌ای خاص دربر داشته باشد. در جزئیات خلقی شخصیتها دقیق‌تر می‌شود. به مباحث علمی و تاریخی کشانده می‌گردد. از کتب مرجع می‌تواند مطالبی را جست‌وجو نماید. به دنبال مطلب جدید و یافتن پاسخ به پرسشهایش می‌باشد. راهنمایی او به‌سوی ادبیات واقعی و دور کردن او از آثار مبتذل کار دشواری است. او در صورت تحت هدایت نبودن مطالعه‌اش بهترین مصرف‌کننده مجلات مبتذل، وسایل ارتباط جمعی بی‌محتوا می‌باشد. می‌باید از این حالت او برای گرایش به‌سوی ادبیات بزرگسالان استفاده نمود.

هـ . سالهای نوجوانی (دوازده تا پانزده سالگی): دوره بلوغ، دومین دوران بحرانی، با تغییرات جسمی عواطف شدید می‌شود و به‌صورت سرگردانیها، طغیانها، تقلیدها بروز می‌کند. به دنبال جهان‌بینی و فلسفه خاص می‌باشد. به دنیای بزرگ‌ترها معترض است. دوره پر مخاطره‌ای است. يك مرتبه وجودش دچار تحولات سریعی شده که با آن تحولات آشنایی ندارد. نیاز به کمک شدید دارد. هیچ نوع کنترل بر عواطف و احساساتش ندارد به آسمان بهاری می‌ماند. از نظر فرهنگی تحت تأثیر محیط است. در هر شرایطی رنگ محیط را می‌گیرد. تصاویر تخیلی و ایده‌آل برای خود از زندگی ترسیم می‌کند. تأثیر گروه همسالان به شدیدترین درجه می‌رسد. مربیان و پدر و مادر در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرند.

کتابهای مناسب در این دوره بهترین و مؤثرترین وسیله برای حفظ افکار و عواطف اوست. کتابهای مناسب او را در مسیر سازنده قرار می‌دهد. شرح‌حالها، ماجراهای واقعی از زندگی مردم و مردان بزرگ تاریخ، مبارزات اجتماعی تاریخچهٔ اکتشافات و اختراعات، به او کمک می‌کند که بر ضعفهای خود چیره شود و صفات واقعی بزرگسالان را بشناسد. داستانهای واقعی و اصیل عشقی به او خواهد آموخت که عمر بر هوسهای زودگذر نبازد. تجربه لحظات عاطفی نخستین عشقها در این سنین است. داستانهایی در مورد روابط خانوادگی برای نوجوانان مطرح است، داستانهای واقعی در این زمینه می‌خواند تا

۲. نیازمندیها، نیاز به امنیت خاطر (مادی و معنوی)

در هر سن و سالی نیاز به: تعلق داشتن به گروه، محبت دیدن، مورد احترام بودن به‌سازی محیط، لذت بردن از زیباییها را روانشناسان و دانشمندان تعلیم و تربیت از اساسی‌ترین و بالاترین نیازها می‌دانند.

باتوجه به تفاوت سن و سال، محتوای این نیاز متفاوت است. تعلق داشتن، محبت دیدن، از پدر و مادر، خواهر و محبت ورزیدن به گله‌ها و حیوانات کوچک دست‌آموز، درختان، خورشید محتوای داستانهای می‌توانند باشند که این نیاز را در کودک برآورده نماید. این نیاز کم‌کم تغییر می‌کند دوستی بین همسالان و فداکاری، انجام کارهای مهم، دوست داشتن حیوانات بزرگ‌تر بر احساس قبلی افزوده می‌شود. محبت بین بزرگ‌ترها که در کتب مطرح شده باشد تجربیات تازه‌ای در اختیار نوجوان می‌گذارد و کم‌کم او را برای احساس بزرگ و سازنده آماده می‌نماید. اگر بتوان نوجوانان را از نوشته‌ها، فیلمها و تصاویر مبتذل دور نگهداشت تا به غنای محبت برسند و پیش از رسیدن به مرحله احترام به خود، از کارهای دوران نوجوانی احساس سرافکندگی نکنند مفید است.

شناخت این نیازها برای تعیین سن حداکثر استفاده از يك کتاب ضرورت دارد.

۳. تواناییهای خواندن و تسلط بر زبان

تا پیش از ۶ سالگی کتابها برای بچه‌ها خوانده می‌شود. خواننده باید بر میزان توانایی کودک و حدود واژگان او مطلع باشد، از تشبیهات دور از ذهن پرهیزد، اصطلاحات و استعاره و مجاز تا می‌تواند به‌کار نبرد. کار اصلی توصیف بر عهده تصویر باشد. از شش هفت سالگی تا حدودی قدرت خواندن مستقل را می‌یابد در این مرحله کتب باید با دقت فراوان نوشته شود. تشبیهات عامیانه، اصطلاحات نامفهوم، توصیفات طولانی و کلمات دشوار در متن نباشد. منظور آن نیست که سادگی کلام آن قدر شود که فاقد ارزش هنری باشد. منظور گزینش واژه‌های ساده و دلنشین و هنرمندانه است در حدود فهم کودک. نوشته‌ها در عین سادگی باید غنی‌کننده واژگان و شناخت کودک در زبان مادریش باشد.

بین نه تا ده سالگی سرعت و مهارت خواندن بیشتر می‌شود. دروس دبستان، کودک را با واژه‌های متداول در رشته‌ها آشنا می‌سازد. کودک به بعضی صنایع شعری و ادبی آگاهی می‌یابد. و تا حدودی انواع نوشته‌ها و سبکها برایش معنا پیدا می‌کند. به کیفیت نوشته‌ها توجه می‌کند و نسبت به آنها دیدی انتقادی می‌یابد. خواندن کلمات شکسته برایش دشوار و غیرقابل درک است. آهنگ و خصوصیات چنین ترکیباتی را نمی‌تواند کشف کند. در ده و یازده سالگی واژه‌های بیشتری را می‌شناسد به‌خصوص اگر علاقه‌مند به خواندن باشد، عادت به مطالعه در او ایجاد می‌گردد. اصطلاحات ساده، ضرب‌المثلها، استعارات و تشبیهات ادبی اولیه را درمی‌یابد. بسیاری از اشعار بزرگان را هنوز باید برایش معنا کرد. شعرهای ساده در محدوده زندگی و تجربه خود را می‌فهمد. نسبت به نوشته‌های عمیق هنرمندانه توجه می‌کند. سبکهای ادبی را تا اندازه‌ای باز می‌شناسد. واژه‌های شکسته محاوره‌ای در خواندن او وقفه ایجاد می‌کند. از نوشته ساده و روان با رسم‌الخط خوانا استفاده می‌کند.

در نوجوانی قدرت خواندن به‌حدی می‌رسد که می‌تواند از ادبیات ساده کلاسیک بزرگسالان استفاده کند. این استفاده در کنار بحث با بزرگ‌ترها بر مطلب خواننده شده و ضمن ایجاد فرصت تعمق، مطلوب است. به‌تدریج توجه نوجوانان به صنایع ادبی از نظم و نثر بیشتر می‌شود به‌طوری که در نوشته‌های خود نیز به‌تدریج آنها را به‌کار می‌برند. به‌کار بردن پارسی سره برای کودکان و نوجوانان ساده نیست. بسیاری از واژه‌های عربی، ترکیبات، اصطلاحات این زبان را باید بیاموزند. منطقی‌ترین راه درست نوشتن برای کودک و نوجوان استفاده از زبان روز قابل فهم اما ادیبانه و هنرمندانه است. بعد از واژه‌شماری زبان فارسی بسیاری از مشکلات در زمینه نوشته‌های خاص کودکان و نوجوانان حل خواهد شد.

۴. محیط زندگی و تجربیات و شناخته‌هایی که ایجاد می‌کند

نوجوان و کودک خواستار داستانهای واقعی از زندگی و زمان خودش می‌شود، در شناخت واقعیات زندگی مستقیم شرکت می‌کند. حدود جغرافیایی و زمانی را کودکان خواهند شکست تا با قهرمان مورد علاقه خود بیامیزند. ادبیات جهانی به از میان رفتن تفاوت‌های جغرافیایی و ظاهری کمک می‌کند و کودک از خلال آن دنیا را می‌شناسد و محیط بزرگ زندگی را درمی‌یابد.

فصل سوم

بازنویسی و بازآفرینی

تعریف بازنویسی و بازآفرینی و گنری بر آن

نگارش مجدد تمام یا سهمی از يك اثر با استفاده از فن تلخیص و ساده‌نویسی به‌طریق: بازنویسی، ساده‌نویسی، بازآفرینی بدون تغییر درونمایه و محتوا بازنویسی نامیده می‌شود. بازنویسی: بازگویی و بازنوشتن اثری است با حفظ ویژگیهای اثر بدون اندك دخل و تصرف در آن. فقط زبان را ساده‌تر کرده و آن را متناسب توان خواننده می‌نمایند. ساده‌نویسی: ادب رسمی است به نثر ساده و شیوا، که برای کودکان و نوجوانان قابل درك و فهم و گیرا و باارزش و مفید باشد. شاید بتوان آن را براساس تعریف خلاصه‌نویسی ارائه نمود بدین معنا که: يك نوع خلاصه‌نویسی است، در بیان پیام یا پیامهای اصلی يك متن به کوتاهترین شكل ممكن، با بیانی ساده و قابل فهم برای مخاطبان.

اگر داستان و متن اصلی به نوعی است که تلخیص آن به ساخت و بافت پیام آسیب می‌رساند باید از این کار پرهیز کرد.

بازآفرینی: نوعی بازنویسی است براساس آفرینشی مجدد بر اثری کهن بدون دخل و تصرف در چارچوب و خطوط اصلی اثر، درونمایه با نگرش و پرداختی نو عرضه شود. به تعریف لغوی بازنویسی می‌پردازم: دهخدا «بازنوشتن» را در لغت‌نامه‌اش مصدر مرکبی دانسته که به معنای تحریر کردن، و ثبت کردن است. مثال می‌آورد که «پس حامد پس از روزگاری به مصر آمد و این حکایت با مردم گفت و از وی بازنوشتند». مجمل‌التواریخ و القصص.

در واژه‌نامه‌های دیگر بدین ترکیب برنمی‌خوریم و این نشانه آن است که در زمان

تألیف آن کتب، چندان توجهی بدین مهم نبوده است. گرچه در ادب رسمی ما بازنویسی و بازآفرینی سنتی آفرینشگر بوده چنان که به تقلید از *خمسۀ نظامی*، شاید حدود صد شاعر *خمسۀ (پنج منظومه)* سروده‌اند. اما بدین تبعیت، اقتباس و تقلید، نام بازآفرینی یا بازنویسی نداده‌اند.

در سی سال اخیر، ادبیات کودکان و نوجوانان یکی از هدفها و وظایف خویش را به بازنویسی از منابع گذشته فرهنگ ایرانی در رده منابع ادب رسمی (آثار ادب و فرهنگ ایرانی به زبانهای باستانی، فارسی دری و عربی) و نیز در رده فرهنگ و ادب عامیانه یا فولکلور، معطوف داشته است. بازنویسی از منابع گذشته فرهنگ ایرانی وسیله پیوند دادن کودک با ادب و فرهنگ گذشته ایران است و هسته اولیه آگاهی او را در باب اطلاعاتی که بعداً باید در تحصیلات عالیه و شناخت علمی و ادبیش با آن روبه‌رو شود تشکیل می‌دهد.

در ضرورت آشنایی کودک و نوجوان به هر دو شاخه ادب کهن یعنی رسمی و عامیانه تردیدی نیست، بدان سبب که هر دو در شکل دادن به هویت فرهنگی کودک در مراحل رشدش مؤثرند. خاصه که ادبیات عامیانه در خمیره خود عناصری از ادبیات کودکان را دارا می‌باشد. اما حدود کار ما بر ادب رسمی است که بی‌اغراق باید بگویم در جایی هر دو به هم می‌پیوندند و نقش این يك مکتوب نمودن ادبیانه آن دیگر است.

آشنایی با ادب عوام که سرشار از لطف و زیبایی است سابقه طولانی دارد. اما استفاده از منابع ادب رسمی کاری است بدیع و تازه، و ضروری. وقتی که در مقابل ته‌اجم فرهنگها قرار می‌گیریم. ترجمه امری است نیکو و باید بدان پرداخت. اما نه چنان که، چون عمری پشت‌سر می‌گذاریم عنوان آثار کلاسیک خارجی را در مقوله خواننده‌ها می‌شناسیم اما نام آثار ادب رسمی که آینه فرهنگ و تاریخ و نگرش فرهنگی و اجتماعی ماست بگوشتان نخورده است.

راز غنای میراث ادبی کهن ما در همین بازآفرینی و نوساختن است. چنان که سیمرغ در آثار بوعلی، فردوسی، ناصرخسرو، غزالی و مولوی هربار به شکلی نو بازآفریده شده است.

ادبیات کودکان و نوجوانان ما با پشتوانه ادبیات رسمی می‌تواند راه به کمال برده و مقدمه توجه و نگرش عمیق را در بزرگسالی به ادبیات رسمی فراهم نماید.

باید در نظر داشت تمامی آثاری که مربوط به گذشته‌های دور هستند کلاسیک و رسمی

محسوب نمی‌گردند. آثاری که با زندگی مردم پیوند بیشتری داشته باشد، به نحوی که خواص آن را بستانند و عوام، اندیشه و احساس خود را در زبان آن بیابند، به ادامه حیات ادبی توفیق یافته و باتوجه به ویژگی و راز ماندگاری، که همان پرداختن به پایدارترین، مفصل‌ترین و برجسته‌ترین ارزشهای زندگی انسانی است، به عنوان آثار رسمی يك ملت، شناسنامه فرهنگ قوم و سرزمین خود شده‌اند. با وجود داشتن سبکی آراسته به سجع، مجاز، ایهام تصویرپردازی، تلمیح، نمادسازی و تمثیل، ویژگیهای نحوی و آهنگ کلام و زیبایی زبان و بیان و تعلقات زمانی و مکانی، می‌توانند فراتر از زمان و مکان خویش حرکت کرده از زمان و محیط خویش جدا شده و نسل اندر نسل خوانده و شنیده و درك شوند. و در حد توان يك كودك بازنوشته گردند، اما بر پایه ضوابط عشق‌آفرینی به اصل اثر، نه بیزارکنندگی در رویارویی با خود اثر. و نیز می‌توانند بازآفرینی شوند. چنان که كودك در نوجوانی اندیشه نماید که آنچه را خوانده‌ام با اثر اصلی که در کتاب درسی می‌باشد، چه تفاوتی دارد؟ و خود به مقایسه و خلاقیت بنشیند.

با توجه به خصوصیات سبکی آثار ادب رسمی گفته‌اند:

«خواننده باریک‌بین آثار ادبی نسبت به ریتم و زیبایی زبان حساس است. چنین خواننده‌ای متنهای ادبی کلاسیک را که ساده شده باشد نخواهد پذیرفت. چنین خواننده‌ای می‌داند تحریف زبان آثار ادبی، اصالت و واقعیت این آثار را از بین می‌برد. کلمات و عباراتی که با قصدی معین در ذهن نویسنده انتخاب شده و ترتیب یافته‌اند باید از دخالت نویسندگان صاحب حسن نیت مصون بمانند.»^۱

یا شنیده‌ایم که:

«گذشته از درونمایه و پیام، کلاسیکها عمدتاً از ساختی برخوردارند که غیرقابل تفکیک از درونمایه و پیام بنظر می‌رسد. انتخاب واژه‌ها، نظم جزییات، استفاده از سمبلها چنان با درونمایه همخوانی دارد که گویی بهتر از آن امکان در کنار هم قرار گرفتن آنها وجود ندارد.»^۲

نویسنده اول جواب منفی به بازنویسی می‌دهد و نویسنده دوم ضمن تعریف دقیق از کلاسیکها امکان حرکت و انتقال را مسدود نمی‌سازد و بر پایه ضوابط و گزینش قابلیت

۱. فصلنامه کانون. نشریه سه ماهه کتابشناسی و ادبیات کانون. دوره اول (شماره دوم) تابستان ۱۳۵۳.

مقاله «سبك ادبی در قصه‌های روایتی برنس کالنین، Bernice E. Cullinan

۲. سخنرانی سرکار خانم قزل‌ایاغ در شورای کتاب كودك.

بازآفرینی و بازنویسی آنها را مطرح می‌نماید.

چنین است مقولهٔ بازنویسی، گذر کردن بر لبهٔ تیغ است و «بر لبهٔ تیغ گذر کردن دشوار است، هم آن‌گونه که دانایان گویند راه رستگاری دشوار است.»^۳ اما امر دشوار را کنار نباید نهاد، که باید رفت و تجربه کرد و آموخت اما متعهدانه.

هدف بازنویسی

آیا هدف از بازنویسی صرفاً انتقال ماجرا یا داستانی از يك اثر ادبیات رسمی است؟ این که زحمتی ندارد. از هر کجای دنیا می‌توان داستان وارد کرد. هر روز زندگی داستان تازه‌ای می‌آفریند و از این رو بشر را هرگز کمبود ماجرا نخواهد بود. اما اگر شاهنامه، مثنوی و منطق‌الطیر را برمی‌گزینیم دردمند خواسته‌ای بوده‌ایم، تعهدی ما را بدین کار واداشته است. درد ما آشنا نمودن کودک به راهی است که باید برود، با يك بازآفرینی یا ساده‌نویسی دستش را گرفته‌ایم و پایه‌پای می‌بریم تا شیوهٔ «شاهنامه‌خوانی» یا «حافظ‌خوانی» نشانش دهیم. اگر اثری را از شاهنامه انتخاب کرده‌ایم بهتر است بسیار ساده و قابل فهم بنویسیم: شاهنامه چگونه اثری است، فردوسی کیست؟ برای اینکه از هر کس که نداند پرسند بازنویسی از شاهنامه یعنی چه؟ شما در حد توان او مفهوم را برسانید.

اگر هدف همهٔ بازنویسان در بازنویسی از ادب رسمی، آشنا نمودن کودک و نوجوان با فرهنگ غنی این ملت، به درازنای تاریخی است که پشت‌سر گذاشته‌ایم بحث و اختلافی نیست؛ در محل اعتراض آنهایی هستند که چنین هدفی ندارند یا ناآگاهند و فکر می‌کنند از ابیات فردوسی بیتی (خانه‌ای) برای خود می‌توانند درست کنند یا از شال مولوی تشریفی به بالای خود، سکوت نیز در این مورد روا نیست که دو امانت در خطر است امانت فرهنگی و امانت انسانی و واسطهٔ انتقال فرهنگی که کودکان و نوجوانان ما باشند. بنابراین هدف از بازنویسی از ادب رسمی:

- ایجاد رابطهٔ کودک و نوجوان است با محیط تاریخی و فرهنگی، از طریق درک ادب رسمی در تمامی ابعاد. که بتواند بین فرهنگ دیرین و پرازش خود و فرهنگ امروزی پیوندی برقرار نماید و تا بدین مهم نرسد هویت ملی و واقعی خود را به‌دست نخواهد

آورد.

- تلطیف ذوق ادبی کودکان و نوجوانان و بالابردن درك کلی آنها در مسائل دینی، اخلاقی، تاریخی، حماسی و تمامی جنبه‌های فرهنگی و علوم و فنون از گذشته.
- تبحر در زبان و ادب پارسی، تا بتوانند در نوجوانی و جوانی به راحتی آثار رسمی را بخوانند و هر اثر علمی و فنی را به زبان سره پارسی بازنویسند.
- یافتن اطلاعات عمومی و پایه‌ای در مذهب، تاریخ، زبان، تاریخ تطور ادب رسمی که به‌عنوان سواد اساسی و پایه‌ای زیربنای تخصص‌های بعدی آنها قرار گیرد.
- آشنا کردن کودکان با تجارب مختلف زندگی از گذشته و حال برای رویارویی با مسائل آتی.
- استفاده از جنبه‌های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی متون کهن در راستای اهداف ادبیات کودکان.

شرایط بازنویسی و بازنویس

۱. شرایط بازنویسی

الف. کیفیت محتوا

- بازنویسی بتواند به‌کل محتوای اثر اصلی دست یابد و منظور و مفاهیم اثر را خود، درك کرده تا بتواند پیام را به تمامی منتقل نماید.
- مفهوم و هدف متن اصلی در بازنویس دیده شود.
- تحریف صورت نگیرد، تغییر مفید ممکن گردد، اگر در اثر اصلی باید تجدیدنظر شود.
- بازنوشته حس کنجکاوی خواننده را به شناخت متن اصلی در زمان ممکن، مقدمه گردد.
- کل مضمون بازنویسی شود نه سطر به‌سطر.
- به مسائل عاطفی، فرهنگی و زبانی و ذهنی کودکان و نوجوانان توجه شود.
- امانت و صداقت ممکن در ارائه متن اصلی مناسب گزینش حفظ شود.

ب. کیفیت ساخت و پرداخت

- پراکندگی در ساخت و پرداخت نباشد و مطلب به‌گونه‌ای باشد که خواننده را به نتیجه لازم برساند.
- هماهنگی محتوا و ساخت حفظ شود و با متن اصلی انطباق و هماهنگی داشته باشد.

ج. کیفیت زبان و شیوه نگارش

- اصول زبان و ادب فارسی رعایت شود.
- فارسی سره و زبان روشن، شیوا و مطلوب به کار برود.
- اصل مهم ساده‌نویسی برای کودکان رعایت شود.
- از طرفی به ظرافت و نکات ادبی توجه گردد، از طرف دیگر متن متناسب با دانش و معلومات گروه سنی مخاطب باشد.
- از استخوانبندی و سبک نوشته اصلی عدول نشود.

د. در کیفیت ارائه. ترجیح دارد:

- برای سنین مختلف درجه‌بندی و مشخص شود.
 - ارائه کتاب با محتوای آن متناسب باشد.
 - جلد، صحافی، کاغذ و ظاهر کتاب هم‌شان متن رسمی باشد.
 - اجزاء تکمیلی: شرح و توضیح و واژه‌نامه و تصویر.
 - شرح و توضیح و واژه‌نامه = در حرکت از بازنویسی به‌سوی متن اصلی باید به توضیحات، حواشی، واژه‌نامه، معرفی کتاب و نویسنده افزوده گردد. در گزیده‌ها برای نوجوانان و جوانان افزودن توضیحات ضروری است.
 - تصویر = در سنینی که لازم است.
 - حال و هوای زمان ماجرای کتاب را منعکس ساخته، الهام گرفته از اثر باشد و صرفاً جنبه تزیینی نداشته باشد.
 - تصویر قادر باشد به فهم مطلب و تأثیر در خواننده یاری کند.
 - چهره و شخصیت، لباس و سایر ویژگیهای تصویر مربوط به فرهنگ داستان باشد.
 - با واقعیت سازگار باشد. تصاویر تجریدی نباشد.
- در مجموع: بازنوشته ضمن سادگی روانی نثر خصوصیات بیان شاعر و نویسنده اصلی را نشان دهد. تشبیهات، استعارات، تعبیرات خاص هر داستان در صورت امکان به تناسب فهم و درک گروه سنی آورده شود به‌شرطی که از روانی زبان متن نکاهد و در حوصله خواننده باشد و این حرکت به تکلیف منتهی نشود. کودک و نوجوان ضمن خواندن داستان بدون آنکه متوجه گردد کمی با سبک نویسنده و شخصیت و زبان او آشنایی یابد.

۲. شرایط بازنویسی

الف. احاطه کافی بر زبان و ادب پارسی (در حوزه ادب کودکان و ادب رسمی)

- داشتن اطلاع لازم بر ادب فارسی و سیر تطور زبان و تاریخ ادب فارسی.

- آشنایی با سبک‌شناسی و نقد ادب.

- قدرت درک و ارائه ظرائف و دقائق متون ادب رسمی.

- شناخت عمیق ادب کودکان، تاریخ و تطورش. موقعیت و نیازش در شرایط زمانی و مکانی.

- آشنایی با تعبیرات و اصطلاحات و اطلاعات جنبی و پایه‌ای هر سبک که در آن کار می‌گردد.

- مطالعه مقالات، اخبار درباره کودکان و برای کودکان.

- مطالعه بازنوشت‌های قبلی در متن و سبکی که می‌خواهند بازنویسی نمایند.

ب. شناخت همه‌جانبه گروه سنی مخاطب

- در صورت محدودیت شناخت، از همکاری متخصصین تعلیم و تربیت و روانشناسی کودک و اساتید ادبیات کودکان استفاده کنند.

- بازنویس به مسائل ذهنی و عاطفی کودکان و نوجوانان و انتظاری که از این آثار دارند پاسخ گوید.

- شناخت توانمندیهای گروه سنی مخاطب بر زبان و ادبیات فارسی.

ج. دارا بودن ذوق و تخصص و توان نویسندگی جهت کودکان و نوجوانان

- داشتن هنر نویسندگی برای کودکان و نوجوانان.

- ضمن آشنا نمودن مطالعه‌کنندگان با ادب رسمی اثری مستقل و قابل اعتماد در ادب کودکان بیافریند.

انواع بازنویسی

هر اثر ادبی به دلیل سبک مختص به خود، نوع روایت از خویش را برای کودک و نوجوان تعیین می‌کند. کتبی هستند که ماهیتشان در خلاصه نمودن است، کتبی در ساده‌نوشتن، کتبی در بازنویسی نزدیک به سبک اصلی و کتبی در برگردان و بازآفرینی، که بر کل این حرکت نام بازنویسی می‌گذاریم. همیشه سبک اثر خود تعیین‌کننده بوده است.

بنابراین انواع بازنویسی را چنین تقسیم می‌کنیم

۱. بازنویسی متأثر از سبك اصلی نویسنده با اشعاری از متن.
۲. بازنویسی و ساده‌نویسی به روایت آزاد ضمن تغییر و تفاوتی اندك نسبت به متن اصلی.

۳. بازآفرینی يك داستان با استفاده از طرح اصلی به زبان ساده.
۴. خلاصه‌نویسی اثر: بیان پیام یا پیامهای اصلی يك متن به کوتاه‌ترین شكل ممكن با بیانی ساده و قابل فهم برای مخاطبان.
۵. برگردان و بازنویسی یا بازآفرینی، کاری است که بر آثار اوستایی مانوی و پهلوی انجام می‌گیرد.

در تمام انواع بازنویسی اصل تلخیص و فایده و مهارت و هنر در آن و نیز قدرت ساده‌نویسی اعمال می‌شود. مثلاً در مهارت‌های تلخیص در بیان نتیجه یا سرنوشت داستان می‌خوانیم که:

«این قسمت از تلخیص آن‌چنان باید با مهارت و ظرافت انجام گیرد که خود انگیزه شود تا خواننده به کتاب اصلی مراجعه نماید، پایان داستان باید محکم و مستدل باشد تا بیشترین تأثیر را در خواننده بگذارد. از طرف دیگر تلخیص باید پایانی طبیعی و عادی داشته باشد و ارتباط مطالب یکباره قطع نگردد.»^۴

در بازنویسی نیز ضمن اینکه باید اثری کاملاً مستقل آفریده شود، چنان اثری نیز باید در ذهن خواننده بگذارد که در شرایط سنی ممكن مایل به خواندن اصل اثر باشند.

الف. بازنویسی متأثر از سبك اصلی

اثر اصلی با حفظ خصوصیات سبکی و واژگانش ساده‌نویسی و تلخیص می‌گردد. تقریباً خود اثر است با ساده‌تر بودن زبانش که برای قابل فهم نمودن خواندگانش انجام می‌شود. معمولاً این نوع بازنویسی برای نوجوانان صورت می‌گیرد تا راهنمای آنها به خواندن متن اصلی باشد. در این نوع بازنویسی اکثراً آثار، منظوم منشور می‌شود.

ب. بازنویسی به روایت آزاد

آزادبودن بازنویس است در ایجاد تغییرات مختصر نسبت به متن اصلی، به منظور تطبیق اثر با خواندگانش از جهت نتایج اخلاقی. این نوع بازنویسی به ساده‌نویسی توجه بسیار

۴. یغما عادل. فن تلخیص کتاب (تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۶۱ ص ۱۹).

دارد حتی اگر نشانه‌ای از زبان و سبک نوشته اصلی در بازنویسته مشهود نباشد. معمولاً چندان با اثر اصلی متفاوت نیستند مگر در زبان ثبت و نگارش.

ج. بازآفرینی

با الهام از اثر اصلی و بدون دخل و تصرف در خطوط کلی اثر، درونمایه با نگرش و پرداختی نو عرضه می‌شود. چه بهتر بازآفرینان به ذکر منبع و چگونگی و استفاده از آن مبادرت ورزند.

د. خلاصه‌نویسی

بیان پیام یا پیامهای اصلی يك متن به کوتاهترین شکل ممکن با سبک نگارش قابل فهم مخاطبان سنی.

ه. برگردان و بازنویسی یا بازآفرینی

کاری است که بر آثار زبانهای باستانی ایران در برگردان زبان پارسی و سپس بازنویسی و یا بازآفرینی انجام می‌گیرد.

شیوه‌های بازنویسی و بازآفرینی

همان‌طور که در آفرینش يك اثر راههای ارائه کار متنوع است، بازنویسی و بازآفرینی نیز به شیوه‌های گوناگون می‌تواند انجام پذیرد.

۱. بازنویسی به نثر از متن منظوم.

۲. بازنویسی به نظم از متن مثنوی.

۳. بازنویسی به طریق نمایشنامه.

۴. بازنویسی به طریق فیلمنامه.

۵. کار تصویری باارزش یا فیلمهای سینمایی، انیمیشن. (نقاشی متحرك)

۶. ارائه متن بازنویسی بر کتاب و نوار.

۷. برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و خلاصه، استفاده از تکنولوژی و وسایل کمک آموزشی در راه ارائه ادب رسمی و هنر کهن قصه‌گویی.

تاریخچه بازنویسی از ادبیات رسمی برای کودکان

سالها آثار باارزش ادب رسمی نظیر گلستان، بوستان، مرزبان‌نامه، کلیله دمنه، مثنوی، شاهنامه و خمسة نظامی برای کودکان خوانده می‌شد. حفظ کردن مقدمه گلستان یا

داستانهای منظوم شاهنامه و مثنوی از سرگرمیهای ادبی اطفال و نوجوانان به حساب می‌آمد. گرچه این سرگرمی را خود انتخاب نمی‌کردند، اما گاه دلبستگی به ادب رسمی و گاه اصرار والدین یا مربیان این گرایش را سبب می‌شد. مردی به نام شیخ محمد علی تهرانی (کاتوزیان) از مجاهدان صدر مشروطه و نماینده قدیم مجلس شورای ملی کتابهایی به نام اخلاق اساسی برای کودکان نوشت و در آن قصه‌های کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه و انوار سهیلی... را به زبانی ساده برای کودکان بازنوشت. ایرج میرزا یکی از گویندگانی بود که بدین کار توجه فراوان داشت و هر قصه و تمثیلی را که می‌یافت برای کودکان به زبان ساده و روان به‌نظم می‌آورد.

کار انتخاب به تنهایی از ادب فارسی مانند تهیه خلاصه شاهنامه فردوسی برای دبیرستانها، یا گزیده گلستان و بوستان مخصوص دانش‌آموزان دبیرستانها (۱۳۱۹). یا سخنان شیوا، برگزیده تعدادی از متون رسمی (۱۳۱۷) برای نوجوانان و جوانان به وسیله مرحوم محمدعلی فروغی حرکت به سوی انتخاب، انطباق و بازنویسی از ادب رسمی را پی افکند.

در گزینش و انطباق از ادبیات رسمی فارسی برای کودکان و نوجوانان می‌باید به کارهای احسان یارشاطر داستانهای شاهنامه و داستانهای ایران باستان (۱۳۴۴ ه. ش.) و مهدی آفریزی مجموعه قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب (از ۱۳۳۶ ه. ش. به بعد) و ممارست و پی‌گیری او را در گسترش این حرکت و نیز به کارهای زهرا خانلری داستانهای دل‌انگیز ادبیات فارسی (۱۳۴۶ ه. ش.) و مهرداد بهار جمشیدشاه و بستور (۱۳۴۶ ه. ش.) اشاره کرد.

سبک این نویسندگان در بازنویسی و انطباق متفاوت بوده و به عنوان بانیان مستقیم بازنویسی از ادب رسمی به سه سبک مشخص باید اشاره نمود.

الف. بازنویسی نزدیک به سبک اصلی نویسنده با اشعاری از متن اصلی مانند کار خانلری و یارشاطر است.

ب. بازنویسی به روایت آزاد داستان، با تغییرات مختصر در اصل داستان مانند کار آفریزی.

ج. بازآفرینی يك داستان با استفاده از طرح اصلی به زبانی ساده مانند کار مهرداد بهار و م. آزاد.

آفریزی در بازنویسی، بیشتر جنبه اخلاقی و اجتماعی کار را مدنظر دارد. آثار زهرا

خانلری و احسان یارشاطر و مهرداد بهار بیشتر نشان‌دهنده ارزش هنری آثار ادبی کلاسیک ایران است.

از سال ۱۳۴۵ به بعد توجهٔ بازنویسان به بازنویسی و بازآفرینی از ادب رسمی سیر صعودی را می‌پیماید و تمامی آثار بسیار معروف ادب رسمی بارها بدون ضابطه‌ای مورد بازنویسی قرار می‌گیرد، به‌طوری که در سالهای ۶۱ تا ۶۵ بازنویسی بالاترین نشر را نسبت به تمامی سالهای گذشته به خود اختصاص می‌دهد. اکثر آثار آنریزدی تجدید چاپ و پیرایش می‌گردد و از استقبال لازمهٔ خود برخوردار است. بازآفرینان و بازنویسان متعهدی نیز کارهای بارز ارز را می‌دهند. مانند کار خانم مهدخت کشکولی افسانهٔ باران در ایران (۱۳۵۵ ه. ش.) و کار مشرف آزاد تهرانی درخت زندگی (۱۳۶۵ ه. ش.). در سالهای اخیر بازنویسی از ادب رسمی با رشد سرطانی به نشر و تکثیر و تقلید بازنویسی از بازنویسی می‌پردازد. هر روز ناشر و نویسنده‌ای دست به بدنویسی از روی شاهنامه، کلیله، مثنوی و بقیهٔ آثار می‌زند. و در واقع به کار تخریب این فن شریف پرداخته‌اند.

امید که بازنویسان بتوانند با استفاده از گنجینه‌های ارزندهٔ ادب رسمی ایران پلی بین تخیل، تصور و واقعیاتِ حال کودک و گذشتهٔ تاریخی و فرهنگی و غنای ادبی کشورش بزنند.

ضرورت بازنویسی از ادب رسمی

«یکی از انواع خاص کتاب کودک هم کتابهایی است که در حقیقت وسیلهٔ پیوند دادن او با ادب و فرهنگ گذشته ایران است و هستهٔ مرکزی اطلاعات او را در باب فارسی و فرهنگ ایرانی تشکیل می‌دهد. اطلاعاتی که در طی تحصیلات بعدی ان شاءالله به آن روز به‌روز افزوده خواهد شد. مراد ما بحث در طرز تهیهٔ این گونه کتابهاست که گویا در لزوم و مفید بودن آن هیچ تردیدی نیست و به همین مناسبت در باب اثبات این نکته هم هیچ بحث و گفت‌وگویی ضرورت ندارد.»^۵

«کودک به دلیل محدودیت در قدرت درک و خواندن قادر نیست مستقیماً از این

۵. محمدجعفر محبوب، انتخاب و انطباق منابع ادب رسمی برای تلویین کتابهای کودکان و نوجوانان. (تهران: شورای کتاب کودک، ۱۳۵۶) ص ۹.

گنجینه ادب کهن و کلاسیک بهره‌مند شود. در این میان تلاش‌هایی باید صورت بگیرد، تا این گونه آثار با حفظ اصالت‌هایشان بی‌آنکه خدشه‌ای بر ساخت و درونمایه آنها به وجود آید به گونه‌ای بازپرداخت شود که درخور فهم و درک و تواناییهای کودکان باشند. در اینجا است که بازنویسی و بازآفرینی به عنوان راه‌حلهایی برای ایجاد این ارتباط مورد توجه قرار می‌گیرد.^۶

گروهی معتقدند که آشنایی پیش از موقع با متن اصلی ادب رسمی ممکن است برای همیشه لذتی را که خود کودکان بعدها از آن ببرند از میان ببرد. و گروهی بر این فکرند که می‌توان آثار کلاسیک را در کودکی در اختیار کودکان نهاد. در این زمان نگاهی سطحی به آن می‌افکنند. ولی سالها بعد که اثر برایشان مفهوم می‌یابد با علاقه آن‌را خواهند خواند. بهتر است که این کتب در انتظار خواندن بمانند، تا با دستکاری، آثار کلاسیک آنها را برای کودک و نوجوان بی‌ارزش نماییم. گروهی دیگر این عقیده را از طرفداران لفظ قلم می‌دانند و متون کوتاه و بازنویسی شده را در جهت ترغیب به ادب رسمی می‌پسندند و می‌گویند کودکان در آثار کلاسیک فشرده مطلب و داستان و مضمون کلی آن را می‌پسندند پس موانع بیهوده زبانشناسی و معانی بیان و ظرایف ادبی را نباید سد راه مطالعه‌شان نمود. داستان را باید جدا نموده و بازنویسی کرد.

حقیقت مطلب بین این دو نظر قرار دارد. درک زبان شکل گرفته، مشخصه اولیه زبان نویسی است. صنایع ادبی چون قافیه، سجع، تجنیس مایه اصلی لایه‌ها و زبان بازیهای کودکان هستند. باید تمایل به این گونه کشف و لذت را در زبان کودکان تمرین نمود. حداقل در این زمینه حق با مدافعین عدم دست بردن به آثار ادب رسمی است که شاید با انتقال خصوصیات سبکی و ظرایف زبانی متن اصلی به متن بازنوشته، ضمن حفظ سادگی و روانی کلام در دریافت مخاطبش به نوعی بتوان هر دو کار را یکباره انجام داد (باتوجه به قدرت دریافت گروه سنی مخاطب).

مشکل بتوان اصرار ورزید که هر نوع بازنویسی از اثر، مخرب است چه در این صورت هرگز نمی‌باید اثری را ترجمه نمود و به صورت فیلم درآورد و یا برنامه رادیویی از آن ساخت. گاه يك فیلم مردم را راغب به خواندن اثر اصلی می‌کند و نقش معرفی برای يك کتاب را دارد. نتیجه بازنویسی در ایجاد جاذبه و کشش به سوی متن اصلی، بستگی به هنر

۶. ثریا قزل‌ایاغ سخنرانی «مشکلات بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات کودکان و نوجوانان» (تهران: شورای کتاب کودک، فروردین ۱۳۶۶).

بازنویس دارد. ارزشیابی ساده‌نویسی و خلاصه‌نویسی را، بازآفرینی پاسخ می‌دهد، نه پیشداوری نسبت به این مهم.

بازنویسی يك ضرورت است. بحث ما نیز صرفاً بر چگونگی گزینش، با رعایت کدامین اصول و ضوابط و به‌وسیله چه کسانی برای چه گروه سنی دور می‌زند. این پاسخ در انتهای کار ضمن نتیجه‌ای که از مقایسه متون بازنوشته با متون اصلی دریافت داشته‌ایم معلوم می‌گردد.

چکیده يك مقاله در طرح بازنویسی و بازآفرینی از استفاده متون گذشته

در اینجا ۷زم است چکیده‌ای از مقاله سهم کودکان در ادبیات گذشته ایران^۷ با توجه به طرح تجربی بودن در استفاده بازنویسان ارائه شود.

با آنکه درخشش ادبیات فارسی مورد پذیرش همگان است در نگرش نخستین چنین می‌نماید که کودکان ایرانی در سده‌های پیشین در ادبیات ایران انباز نبوده‌اند. این نشان می‌دهد که نگارنده به چگونگی موقعیت ادبیات در روزگاران گذشته آشنایی نداشته و از سویی مفهومی که از کودک در ذهن دارد، با مفهوم کودک در زمان ما یکی شده است. سخن بر سر ادبیات کودکان از عهده باستان تا جنبش مشروطیت است که در این سده‌ها ساخت اقتصادی خاص ایران برو ساخت فرهنگی خاصی را نیز می‌طلبد. و این دو به‌ناچار هماهنگ بوده‌اند. همین واقعیت به ما می‌فهماند که ادبیات کودکان گذشته با ادبیات کودکان حال یکی نیست. جستجوی آثار ادبی نظیر آنچه امروز آفریده شده با آنچه در گذشته بوده، بی‌نتیجه خواهد بود. ابتدا باید کودک و کودکی را در روزگاران گذشته شناخت و سپس ادبیات کودکان را متناسب با این گروه سنی و مقامشان در جامعه جست‌وجو نمود. این مقوله با آموزش و پرورش ایران نیز پیوند دارد. چرا که کودک هم از راه آموزش و هم از طریق پرورش با ادبیات خو می‌گیرد. رابطه‌ای ناگسستنی بین ادبیات و آموزش و پرورش در کار است.

آیا کودکان ایران ادبیاتی ویژه خویش داشته‌اند؟

۷. قلمعلی سرامی سهم کودکان در ادبیات گذشته ایران نشریه سه ماهه کتابشناسی و ادبیات کودکان دوره اول (۲) تابستان ۱۳۵۳ (۲۱-۴۳).

کودکان ایرانی نمی‌توانسته‌اند از گنجینه سرشار ادبیات میهنشان چندان بی‌بهره باشند. می‌گویند ادبیات کودکان از هدایای باختریان است، گرچه بعد از آشنایی با فرهنگ غرب این پرداخت اوج گرفت و ادبیات رسمی خردسالان به‌صورت مستقل درآمد اما درست نیست تصور کنیم کودکان ایرانی در ادوار پیشین از ادبیات خاص خویش بی‌بهره بوده‌اند، چنان‌که اگر از ادبیات فولکلوریک ایران، دوبیتیهای عاشقانه، سرودواره‌ها، بعضی اشعار و روایات دینی و پاره‌یی قصه‌های پهلوانی را جدا کنیم، جز ادبیات کودکان باز نخواهد ماند. تقریباً تمامی قصه‌ها و افسانه‌های شایع میان مردم مانند مثلها، ۷۷۷یها، معماها، چیستانها، گویه‌های بازی و قافیه‌پردازیهای عامیانه برای کودکان ایجاد شده است. اگر ادبیات رسمی بیشتر از آن بزرگ‌ترها هست، ادبیات توده بیشتر به کوچک‌ترها تعلق دارد.

ادبیات پیش از اسلام

آنچه از ادبیات رسمی قبل از اسلام بازمانده در مقایسه با ادبیات پس از اسلام اندک و ناچیز است.

از ادبیات مادی اطلاع چندانی در دست نیست. از ادبیات فارسی باستان جز متون سنگنبشته‌های گذشته آثاری برجای نمانده است. در مورد داستانهای مشهور دوره هخامنشی روایاتی به‌جا مانده است. از دوره پارتها جز پاره‌یی متون و چند کتیبه و بن‌چاق و سکه تقریباً چیزی باز نمانده است. پس در این مورد پژوهش باستان‌شناسان و زبان‌شناسان ممکن است در آینده پاسخگو باشد. اما تمامی افسانه‌ها و اساطیر کهن و داستانهای حماسی و پهلوانی ایرانی پیش از این دوره‌ها یا در خلال آنها پیدا شده است. و جنبه فولکلوریک این اساطیر و افسانه‌ها و داستانهای پهلوانی، ما را به اینکه کودکان ایرانی از ادبیات بهره‌مند بوده‌اند رهبری می‌کند. می‌دانیم که اساطیر و افسانه‌ها از میان مردم برخاسته و در ابتدا به‌صورت شفاهی و در میان آنان پراکنده بوده و در دوره سامانی و قرون نخستین هجری به نیشه درآمده و به گونه بخشی انبوه از ادبیات رسمی خودنمایی کرده است. پاره‌یی از این اساطیر و داستانهای پهلوانی به نام مقدس ایرانیان باستان اوستای زردشت راه یافته است. مانند داستانهای کیومرث، جمشید، فریدون، اسفندیار، ضحاک و... پاره‌یی دیگر از این گونه اساطیر در متون پهلوی از قبیل خداینامکها، ایاتکار زریران، بندهشن و دینکرت و اردی ویرافنامه منعکس است و بسیاری دیگر در

مجموعه‌های حماسی و داستانی منظوم و منثور بعد از اسلام مانند گشت‌اسب‌نامه دقایقی طوسی، گرشاسب‌نامه اسدی طوسی شاه‌نامه ابومنصوری، شاه‌نامه ابوالمؤید بلخی، شهریارنامه عثمان مختاری، ویس و رامین، فخرالدین اسعد گرگانی، هفت پیکر نظامی گنجوی، داراب‌نامه بیغمی، داراب‌نامه طرسوسی، سمک عیار، بختیارنامه دقایقی و بیش از همه در شاه‌نامه فردوسی داخل شده است. بخش بزرگی از این اسطوره‌ها از طرف محققان در آثار تحقیقی نظیر مجمل التواریخ والقصص وارد شده است.

بسیاری از این روایات و افسانه‌ها با زندگی کودکان پیوند دارد و می‌تواند برای کودکان روزگار ما بازآفریده شود. تا حال نیز پاره‌ای بازسازی شده است. يك بخش از ادبیات باستانی ایران ادبیات اوستایی است. آثار فراوانی در گذشته به این زبان بوده است که امروزه چند نساخ از نسکهای بیستویک‌گانه اوستا به ما رسیده است.

اوستا ضمن نامه دینی بودن مجموعه‌ای از فرهنگ گذشته ایران بوده است در آن نه تنها از مسائل دینی که از پزشکی، گیاه‌شناسی، نجوم، تاریخ و جغرافیا هنر و ادبیات و آداب و رسوم مردم ایران سخن رفته است. اجمالاً مطالبی نیز داشته که کودکان از آن بهره‌مند بوده‌اند و مهم‌ترین آنها همان روایات افسانه‌ای و اساطیری است.

در ادبیات پارسیک میزان ادبیات داستانی در مقایسه با ادبیات دینی اندک است. در میان متون بازمانده از ادبیات پارسیک صرفنظر از روایات و افسانه‌ها و اساطیری که در ادبیات مانوی موجود است و گذشته از کتابهایی مانند خداینامه و ایاتکار زیریران و داستان پیران ویسه‌ودارا و بت زرین باز هم آثار دیگری هست که می‌تواند در اثبات این نظر که کودکان ایرانی در دوران پیشین از ادبیات بی‌بهره نبوده‌اند کمک کند. در میان متون پارسیک تعدادی اندرزنامه است که بسیاری از اندرزنامه‌های مندرج در آنها مربوط به خردسالان است. و کتابهای دیگر نیز نظیر اندرز پیشینگان، اندرز آفریاد مهر اسپندان و خسرو گواتان وریته که در این کتاب آخر، کودکی پا در میان دارد و نمودار هوشیاری پاره‌ای از خردسالان ایرانی در آن روزگاران است.

در دوره ساسانیان کتبی از متون سانسکریت مانند پنجانترا به پهلوی ترجمه شد. همین کتاب بعدها به عربی و فارسی دری برگردانده می‌شود و کلیله و دمنه نام می‌گیرد. این کتاب حاوی پاره‌ای از قصه‌های فولکلوریک هندی است و با خویشاوندی فرهنگ ایران و هندی يك اثر نیمه ایرانی محسوب می‌شود.

يك دسته از متون پهلوی عهدهای پادشاهان به فرزندانشان است مانند كسری به پسرش هرمز.

ادبیات پس از اسلام

دولتشاه می گوید:

«يعقوب ليث را پسری بود که او را بسیار دوست می داشت روز عيد اين پسرک با بچه های دیگر در کوی جوزبازی می کرد. اتفاقاً يعقوب از آنجا می گذشت پسر خود را دید که وقتی جوزهایش را به طرف گو پرتاپ کرد و هفت تا در گو جا گرفت و یکی شان بیرون جست اما اتفاقاً برگشت و داخل گو شد. پسرک از این اتفاق خوشحال شد و این مصراع بر زبانش رفت: غلتان غلتان همی رود تا لب گو»

نوعی که دولتشاه می گوید باید باور داشت که شعر فارسی اصلاً در پی همین مصراع کودکانه به وجود آمده است. البته این ادعاها مربوط به مؤلف هفت اقلیم است. اما می توان تصور کرد که کودکان ایرانی با نوعی از ادبیات در ارتباط بوده اند. ادبیات رسمی ایران همیشه از ادبیات توده تأثیر پذیرفته است. در هیچ دوره ای شعر و نثر فارسی تماماً در خدمت کارگزاران حکومت نبوده است و ادبیات حماسی، دینی، عرفانی و اخلاقی ایران همواره رنگ و آهنگی مردمی داشته و با ادبیات فولکلوریک خویشاوند بوده است. در این راه بین ادب خواص و ادب عوام ارتباط دائم برقرار بوده است. ادبیات عامیانه ایران حتی بعد از پیدایش شعر و نثر دری باز در نواحی مختلف به زندگی خود ادامه می داده. مانند مرزبان پسر رستم که مرزبان نامه را به گویش طبری نوشته با آنکه مرزبان نامه سعدالدین وراوینی تحریر دیگری از اثر مرزبان پسر رستم است اما اگر متن طبری بود به گنجینه بزرگی از ادب عامیانه دست می یافتیم.

از آثاری که مؤلفان مستقیماً هنگام نوشتن به کودکان و نوجوانان نظر داشته اند و برای آنها رهنمود بوده اند قابوس نامه عنصر المعالی است که در راهنمای فرزندش نوشته است. عبید شاعر قرن هشتم علاوه بر حکایات منثور متعدد در رسالاتش، منظومه موش و گربه را ظاهراً برای کودکان ولی در حقیقت برای همگان پرداخته است. عبید در پایان داستان خطاب به خواننده اثر خویش می گوید:

غرض از موش و گربه بر خواندن مدعا فهم کن پسر جانا

این منظومه کوتاه شاید در ادب کلاسیک تنها اثری باشد که سراینده از زبان کودکان استفاده کرده است. البته مولانا پیش از عبید گفته بود:

چونکه با کودک سروکارت فتاد هم زبان کودکی باید گشاد
موش و گربه عبید به دلیل نزدیکی زبانش با زبان کودکی، از چند صد سال پیش تاکنون مورد توجه کودکان بوده است و تا حال بارها به گونه‌های مختلف چاپ و نشر شده است. در میان آثار تعلیمی کلاسیک کتابهایی می‌بینیم که برای کودکان و نوجوانان تألیف شده است. یا باید بگوییم مؤلفان کتب درسی سه گونه کتاب می‌نوشته‌اند: یکی با زبان ساده و با رعایت اختصار که برای استفاده نوآموزان بوده است. دیگری کتب متوسط که از کتابهای مختصر تفصیل بیشتری داشته و در مراحل میانگین تعلیم از آنها سود می‌جسته‌اند و سومی، طولانی، که محصلان مراکز آموزش عالی و خواص آن‌را بکار می‌گرفته‌اند. از جمله مشهورترین این آثار نصاب الصبیان ابونصر فراهی بوده است. ابونصر فراهی شاعری نابینا بود که مقارن حمله مغول در سیستان می‌زیست. کتاب او منظومه‌ای دویست بیتی شامل واژه‌ها و مترادفات تازی و برابرهای فارسی و پاره‌یی اطلاعات عمومی و دینی بوده و از قرن هفتم به بعد همواره جزو کتابهای درسی قرار گرفته است. از آن تقلیدهایی شده مانند زهره‌الادب.

با این همه در ادبیات رسمی کلاسیک کتابهایی که صرفاً برای کودکان و نوجوانان نوشته شده و جنبه ادبی محض داشته باشد نمی‌شناسیم. اما چون ادبیات رسمی ایران همواره با ادب عوام دادوستد داشته است جست‌وجو در آثار مکتوب ادبیات دری، ما را به انبوهی از آثار ادبی رهنمون می‌سازد که درونه آنها با عوالم خردی بیگانگی نمی‌کند.

متون حماسی

آثار حماسی ایرانی چندین سده پیش از اسلام پدیدآمده و در دوره‌های تاریخی در ارتباط با اساطیر و تاریخ، بالیدن گرفته است و در همان دوره‌های پیش از اسلام بخشهایی از آن تدوین یافته است. پس از اسلام این آثار حماسی به زبان دری گاه به نثر و گاه به نظم برگردانده شده. در شاهنامه استاد طوس، گرشاسب‌نامه اسدی، شهریارنامه عثمان مختاری، اسکندرنامه نظامی گنجوی، سام‌نامه خواجو، آیین سکنری امیر خسرو دهلوی، خردنامه اسکندر نورالدین عبدالرحمن جامی، و نیز در منظومه‌هایی همچون بهمن‌نامه، فرامرزنامه، سوسن‌نامه، لهراسب‌نامه.... و همچنین در داستانهایی از دست داستان جمشید، داستان کک کوهزاد و داستان شیرنگ باید به جست‌وجو و کاوش

پرداخت.

بررسیهایی که تاکنون در پاره‌یی از این آثار انجام پذیرفته گویای این واقعیت است که ادبیات حماسی ایران از مطالب و قصه‌هایی که کودکان و نوجوانان را به کار آید آکنده است.

متون داستانی

در میان آثار ادبی پس از اسلام به‌شمار انبوهی از متون داستانی نظم و نثر برمی‌خوریم که سیر و سفر در درون آنها بسا ره‌آورد خواهد داشت. رودکی که نخستین شاعر بلندآوازه زبان دری است به‌جز کلیله و دمنه منظومه‌هایی داشته است.

یکی از مهم‌ترین داستانهای منظوم ادب فارسی ویس و رامین اسعد گرگانی می‌باشد که از پهلوی به زبان دری برگردانده شده است. این اثر را می‌توان با حذف پاره‌یی از بخشهای آن به نثر ساده امروزی بازنوشت و در اختیار نوجوانان گذاشت.

در سده‌های ششم و هفتم نظامی و عطار آثار فناناپذیری به‌وجود آوردند. خمسه نظامی بارها پس از او مورد تقلید قرار گرفت. خمسه‌های امیر خسرو، خواجه، هفت اورنگ جامی و هفت منظر هاتفی و منظومه‌های مکتبی شیرازی و وحشی بافقی از همه مشهورتر هستند که در این داستانهای منظوم قصه‌های کوتاهی نیز گنجانده شده است. داستانهای منثور نیز در ادبیات دری کم نیست. که از زبان افراد عامی روایت شده مانند سمک عیار و داراب‌نامه. این داستانها را با تصرف در درونه و بیرونه آنها ضمن خلاصیت می‌توان بازشان آفرید.

مجموعه‌های حکایات

اگر کسی بخواهد میزان علاقه‌مندی مردم ایران را نسبت به قصه و حکایت بداند کافی است تحولاتی را که کتاب کلیله و دمنه در طول تاریخ پذیرفته است بررسی کند و بداند بعد از خمسه نظامی بیش از هر اثر دیگری مورد توجه بوده. مسلماً کودکان ایرانی نیز به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از مندرجات این کتاب بهره گرفته‌اند. این سخن را مقدمه شاهنامه ابومنصوری تأکید می‌کند که:

«این نامه (کلیله و دمنه) به‌دست مردمان اندر افتاد و هر کسی دست بنو اندر زدند... اندر زبان خرد و بزرگ افتاد.»

در مقدمه شاهنامه ابومنصوری صراحت بر بهره‌یاب شدن کودکان از آن است.

فراهم آوردن مجموعه‌های حکایات، خدمتی فرهنگی و سیاسی در ایران بوده است. افسانه‌گویی برای کودکان در دوره بعد از اسلام نیز رواج داشته. و بزرگتران خانه برای بچه‌ها افسانه می‌گفته‌اند. افسانه‌های اطفال در نخستین قرون هجری صورت اصطلاح به‌خود گرفته است:

گذاشتیم و گذشتیم و بودنی همه بود شدیم و شد سخن ما فسانه اطفال و همین افسانه‌های اطفال بعدها مثنوی مولوی را غنا می‌بخشد.

شدت علاقه‌مندی خاص و عام به افسانه‌ها تا حدی بود که یکی از دانشمندان بزرگ قرن چهارم ابوعبدالله جهشیاری به گردآوری آنها پرداخت و نزدیک پانصد قصه و افسانه فراهم آورد. ادبیات عرفانی ایران هم در فراهم آوردن آنها سهم بزرگی داشت. آثاری همانند قابوسنامه عنصرالمعالی، سیاستنامه خواجه نظام‌الملک طوسی، چهار مقاله نظامی، مقامات حمیدی، کلیله و دمنه بهرامشاهی، نوروزنامه عمر خیام، نصیحة‌الملوک امام محمد غزالی، بختیارنامه، راحه الارواح دقایقی، سندبادنامه ظهیری، جوامع‌الحکایات محمد عوفی، طوطی‌نامه ضیاء نخشی، مرزبان‌نامه سعدالدین وراوینی، گلستان سعدی، رسالات عبیدزاکانی، روضه خلد مجد خوافی، نگارستان معین‌الدین پروانه، بهارستان جامی، پریشان‌قانی، ترجمه فرج بعد از الشده دهستانی، انوار سهیلی ملاحسین واعظ کاشفی، لطائف الطوائف فخرالدین علی صفی، هزار و یکشب و دهها مجموعه قصه و حکایت دیگر می‌توانند برای قصه‌های کودکان مورد استفاده قرار گیرند. و نیز آثار منظوم عرفانی مانند کارنامه بلخ فنایی، مخزن الاسرار نظامی گنجوی و بیشتر منظومه‌هایی که به تقلید از آن پرداخته‌اند و بوستان سعدی از مهم‌ترین نمونه‌های این‌گونه آثار برای بازنویسی است.

دواوین بیشتر شاعران ایران حاوی داستانهای کوتاه و آموزنده است که بسیاری از آنها می‌تواند در فراهم آوردن آثار ادبی برای کودکان و بازآفرینی مفید باشد.

متون دینی

قسمتهایی از اوستا، آثار مانوی و ادبیات دینی پهلوی برای کودکان مطالب خواندنی و آموزنده‌ای دارد. متون دینی بعد از اسلام ایران می‌تواند ما را در گسترش بیش از پیش ادبیات کودکان یاری کند.

دین اسلام در تمام زمینه‌های ادب فارسی از نظم و نثر تأثیر گذاشته و آثار انبوهی به‌وجود آورده است.

حماسه‌های دینی

این حماسه‌ها شرح قسمتهایی از تاریخ اسلام، فداکاریهای بزرگان دین و آمیزه‌یی است از تاریخ و زندگینامه و افسانه و عواطف مذهبی. مانند منظومه‌های جاودان‌نامه، صاحبقران‌نامه، حمله حیلری مختارنامه و...

قصص

بخش بزرگی از قرآن مجید به نقل قصص اختصاص یافته به همین دلیل قصص دینی موردتوجه خواص و عام مسلمانان بوده است. تمام قصص قرآن سرگذشت پیامبران گذشته است و به همین دلیل علمای دینی کتابهای متعددی در سرگذشت انبیاء تألیف نموده‌اند که یکی از قدیم‌ترین آنها قصص الانبیاء نیشابوری متعلق به قرن پنجم است. تواریخ ما نیز در گذشته خالی از این قصص نیست مانند تاریخ الرسل والملوک محمدبن جریر طبری.

سخنان قصار

از سخنان بزرگان می‌تواند گزینه‌هایی فراهم شود. بعضی از شاعران نیز سخنانی از بزرگان دین به رشته نظم کشیده‌اند مانند رشید و طواط که قسمتی از سخنان حضرت علی(ع) را به نظم کشیده است.

متون عرفانی

عرفان و تصوف اسلامی - ایرانی از میان مردم عادی برخاست و به نیروی آنان بالیدن گرفت. به همین دلیل ادبیات عرفانی ما با فرهنگ عوام خاصه ادبیات آنان پیوند داشت. بزرگان عرفان ایرانی اندیشه و زبان مردم، منطق و شیوه استدلال، افسانه‌ها و قصه‌های آنها را در آثار خود به کار گرفتند. تاریخ فرهنگ مردم ایران را پس از اسلام در همین منابع باید پژوهش و مطالعه نمود. استفاده از ادبیات عامیانه بهره‌گیری از ادبیات کودکان گذشته را نیز همراه داشته است. به همین جهت امروز لطیف‌ترین قصه‌های کودکان را از میان همین‌گونه آثار می‌توان بیرون کشید. بعضی از عارفان بزرگ ایران به اینکه ادب خاص کودکان موردتوجه آنها بوده اشاره کرده‌اند. مولوی می‌گوید:

کودکان افسانه‌ها می‌آورند درج‌در افسانه‌شان بس‌سر و پند
هزلها گویند در افسانه‌ها گنج می‌جو در همه ویرانه‌ها
مثنویهای سنائی غزنوی، حدیقه‌الحقیقه، کارنامه بلخ و... مثنویهای شیخ فریدالدین عطار نیشابوری مانند منطق‌الطیر، مصیبت‌نامه، الهی‌نامه، اسرارنامه، خسرونامه... و مثنوی

مولانا جلال‌الدین (در این شاهکار بالغ بر سیصد قصه و حکایت گنج‌انیده است که بسیاری از آنها را می‌توان برای کودکان بازآفرید). پاره‌یی از مثنویهای مولانا عبدالرحمن جامی مانند *سبحه‌الابرار* و *تحفة‌الاحرار* و بسیاری از آثار منظوم دیگر عرفانی سرشار از قصه‌ها و مطالب متنوع دیگری است که استفاده از آنها در غنی‌تر ساختن ادبیات کودکان روزگار ما مؤثر خواهد بود.

همچنین است رسالات و کتبی که عارفان بزرگ نوشته‌اند مانند *کشف‌المحجوب* هجویری، ترجمه *رساله قشریه*، *اسرارالتوحید* محمد بن منور، آثار شیخ احمد غزالی از قبیل *سوانح العشاق*، آثار عین‌القضاة همدانی مانند *لوايح*، *المعارف* بهاء ولد، *فيه مافیه* مولوی، مقالات شمس‌الدین تبریزی تذکره عرفا نیز نظیر *تذکره‌الاولیاء عطار*، *نفحات‌الانس* جامی انباشته از لطایف و ظرایفی است که در بازنویسی و بازآفرینی بکار آید. در تفاسیر عرفانی به‌ویژه از تفسیر *کشف‌الاسرار* میدی به‌هیچ‌وجه نمی‌توان غافل ماند. دانشمندان ایرانی نیز کتابهای متعددی در این زمینه پرداخته‌اند مانند *اخلاق ناصری*، اثر خواجه نصیر طوسی و *اخلاق محسنی* و *اخلاق محتشمی*.

بعضی از دانشمندان اسلامی کتابهای مستقلی در روش تربیت کودک نوشته‌اند مانند طریق تربیه الاولاد اثر جلال‌الدین دوانی. این مسکویه معتقد بوده است باید در مکتب به کودک داستانهای شیرین اخلاقی و اشعار آموزنده یاد داد و از این طریق خویهای نیکو را در او نیرومند ساخت. امام محمد غزالی و خواجه نصیر طوسی نیز باوری چنین داشته‌اند.

کتابهایی موجود است که جهت راهنمایی شاهان و وزیران به وسیله علما نوشته شده و به آنان آداب سلطنت و وزارت را یادآور شده‌اند. نظیر *دستورالوزراء*، در این آثار از داستانهای عبرت‌آموز یاری گرفته‌اند که در تهیه آثار ادبی برای کودکان می‌توان از آنها سود جست.

علاوه بر اینها برای فراهم کردن آثار ادبی کودکان می‌توان از متون تاریخی، فلسفی، سیر و تذکره‌ها، تراجم، کتب عجایب، سفرنامه‌ها و دواوین شعرا بهره گرفت.

متون تاریخی

ثبت تاریخ همیشه با افسانه و داستان آمیزش داشته است. بنابراین از تواریخ کهن می‌توانیم به دوگونه استفاده کنیم. یکی در فراهم آوردن داستانهای تاریخی و دیگر در تهیه کتابهای قصه محض مانند تاریخ برامکه، تاریخ بیهقی، تاریخ سیستان، تاریخ

جهانگشا، زبدۃ التواریخ... که از این مقوله‌اند. و حماسه‌های تاریخی نظیر سالنامه سیفی، بهمن‌نامه آنری نیز برای تهیه آثار ادبی کودکان مفیدند.

تذکره‌ها

شمار این کتب بسیار بالا است. اهمیت این آثار به دلیل فراوانی و تعددشان کم از آثار دیگر نیست. خاصه که درباره گروههای مختلف فرهنگی، علما، شعرا، فلاسفه و اطباء آثار متعددی داریم.

آثار فلسفی

فلاسفه اسلامی گاهگاه برای بیان مقاصد خویش دست به دامن قصه و داستان زده‌اند مانند رساله‌ی *حی بن یقطان* و *عقل سرخ* که می‌توان برای کودکان بازآفرینی کرد.

عجایب و سفرنامه‌ها

علاقه به آگاهی داشتن از عجایب و غرائب جهان در میان همه ملل بوده است. و ایرانیان نیز چنین تعلقاتی داشته‌اند. مانند *عجایب‌الهند* رامهرمزی و *عجایب المخلوقات* ذکریای قزوینی. مطالب این کتب می‌تواند روح کنجکاو کودکان را راضی نماید و این مقوله، خاصه در مورد *سفرنامه ناصرخسرو* و *رحله ابن بطوطه* نیز صدق می‌کند.

دیوانهای شعرا

در دواوین بسیاری از شاعران شعرهایی می‌توان یافت که یا برای کودکان و نوجوانان سروده شده یا آنکه زبان و بیان و محتوای آنها در حدی است که برای کودکان و نوجوانان قابل فهم و استفاده است.

تمثیلهای، داستانهای کوتاه منظوم، پندها و اندرزهای حکیمانه، اوصاف شیرین طبیعت همه از مطالبی است که در این زمینه می‌توان از آنها بهره گرفت. باید از دواوین شاعران بزرگ گزینه‌یی برای کودکان و نوجوانان ترتیب داد.

موضوعها و داستانهای مطرح در ادب رسمی که می‌تواند در بازنویسی مورد استفاده قرار گیرد

۱. منظومه‌های حماسی شامل: حماسه دینی، حماسه ملی، حماسه تاریخی، که از آنها می‌توان بازآفرینی و بازنویسیهای باارزشی برای کودکان به تناسب گروه سنی مورد مطالعه و اطلاعاتشان ایجاد کرد.

۲. داستانهای دینی و قصه‌های پیامبران علاوه بر آنکه بر اطلاعات دینی کودکان و

نوجوانان می‌افزاید، بدون آگاهی بر این حوزه به‌طور قطع بسیاری از تمثیلات ادب پارسی و دقایق و نکات ظریفی را که به تلمیح این داستانها می‌رساند درک نخواهیم کرد. مانند قصهٔ کنعان، یونس اندر دهان ماهی شد، یار غار.

۳. افسانه‌های غیرواقعی برای راهنمایی در مسائل زندگی از آنها یاری گرفته‌اند. رسم اقوام هند و اروپایی بوده که مسائل جدی حکمت عملی (اخلاق، سیاست و تدبیر منزل) را در حریر قصه می‌پیچیدند. مانند کلیله و دمنه که قدیم‌ترین کتاب علوم سیاسی است و آیین کشورداری، دادگستری و حکمرانی را در لباس قصه بیان کرده است.

۴. داستانهای واقعی که آنها را «سیر» می‌نامیدند. مانند جوامع/الحکایات، سیرالملوک یا سیاستنامه، تاریخ بیهقی، تذکرةالاولیاء، سرگذشت بزرگان، پادشاهان، سرداران، رجال، دبیران و صوفیان بزرگ...

ادب فارسی از این حیث بسیار غنی است. این حکایتها وقتی «به‌دست یک کارشناس داستانهای کودکان بیفتند، ممکن است از آن داستانهایی بسازد که هر یک از آنها مسیر زندگی دهها کودک را تغییر دهد و از یک بچهٔ باهوش و مستعد یک نابغه بسازد و یک کودک کم‌هوش و بی‌استعداد را به دانشمندی بزرگ مبدل کند»^۸. هدف پاره‌یی از کتب «سیر» صرفاً داستانسرایی بوده است مانند جوامع/الحکایات عوفی که حکایات منجمان، ندیمان، شاعران... را دارد.

۵. داستانهای منظوم (منظومه‌های عشقی) به تقلید از نظامی، شاید بیش از صد شاعر خنمه (پنج منظومه) سروده‌اند. مانند هفت اورنگ جامی، هفت پیکر نظامی، هشت بهشت امیرخسرو دهلوی.

بررسی یا نقد و داوری کردن در باب ارزشها

نقد و نقادی که عبارت از سنجش و ارزیابی و حکم و داوری دربارهٔ امور است، اختصاص به ادبیات ندارد و در همهٔ امور مورد استفاده است.

نقد ادبی یا سخن‌سنجی، توصیف و ارزیابی آثار ادبی و تعیین درجهٔ خوبی و بدی، سره ناسرهٔ آنهاست. هدف منتقد آن نیست که چیز تازه‌ای به‌وجود آورد بلکه می‌خواهد موجود را توصیف نماید. نقد ادبی که وظیفه‌اش شناخت بی‌طرفانه و منصفانهٔ شعر و ادب

۸. محمدجعفر محجوب، انتخاب و انطباق منابع ادب فارسی. تهران، شورای کتاب کودک، ۱۳۵۶. ص

است در عمل و داوری با دشواریهای بسیار سروکار پیدا می‌کند که باید محدودیت توانایی بشری منتقد را سرمنشاء این دشواریها شمرد. اگر هدف منتقد به‌کار گرفتن تمامی اندیشه و دانشش در شناخت متن مورد مطالعه باشد، ناچار از ارزیابی و داوری است. بنابراین برای داوری باید معیار و ملاکی داشت و با بودن معیارهای قابل قبول، داوری يك نقاد نیز مقبول تلقی می‌شود. در باب چنین مقیاس و معیاری بحث و اختلاف نظر فراوان است. تاریخ نقد ادبی آکنده از این‌گونه داوریهاست که دست یافتن به مقیاس واحد را دشوار نموده. ارزش نقد به دلیل تأثیر در هدایت ذوق مردم است. در هر صورت اثر آن بحث و توجه دادن و پرداختن به موضوعی است که ممکن است از آن غافل بوده‌اند. با توجه به این تأثیر بعضی از منتقدان توقع دارند تا جامعه را تهذیب نمایند و ذوق را تربیت و اصلاح کنند. می‌گویند به‌وسیله نقد مردم درمی‌یابند کدام اثر ادبی عالی و درخشان و کدام متوسط یا ضعیف است. برای نقد لااقل سه شرط ضروری است: ذوق، اطلاعات وسیع ادبی و تجربه و ممارست بسیار.

از مهم‌ترین اقسام نقد ادبی، نقد صورت و دیگر نقد معنی و ماده آن است. نقد ماده و معنی بدین معناست که در يك شعر یا داستان چه موضوعات و مطالبی مطرح شده. و منظور از نقد صورت دانستن چگونگی بیان این موضوعات و معانی است. اگر موضوع شعر حماسه است برای بیان آن چه تشبیهات و شیوه‌های بیانی به‌کار رفته. رابطه وزن و موسیقی کلام با موضوعات یاد شده چیست و تأثیر مجموع اینها در زیبایی اثر ادبی تا چه میزان است؟

فصل چهارم

بررسی بازنوشته‌هایی که از روی آثار ادب
رسمی صورت گرفته است

مقایسه باز نوشته‌ها با آثار ادب رسمی در روایات و اساطیر کهن و حماسه در ایران تا اوایل قرن پنجم

شعر حماسی یا حماسه

حماسه، گونه‌ای از اشعار وصفی است که کرداری از پهلوانیها، مردمیها، مردانگیها، سرفرازیها، بزرگیها و افتخارات قومی یا فردی را توصیف نماید.

منظومه‌های حماسی به دو نوع تقسیم می‌شود:

اول، منظومه‌های حماسی طبیعی و ملی، که حاصل افکار و عواطف و قریاح يك ملت است و سرشار از ذکر جنگها، پهلوانیها، جانفشانیها، فداکاریها، آثار تمدن و مظاهر روح و فکر مردم يك کشور در قرون معینی از ادوار حیات ایشان می‌باشد. مانند ایللیاد و ادیسه هم، مهابهارات هندوان قطعات مختلفی از یشتها و منظومه ایتکار زریران، شاهنامه ابوالقاسم فردوسی، گرشاسب‌نامه اسدی طوسی، برزنامه و جهانگیرنامه... در این حماسه‌ها شاعر به ابداع و خلق توجهی ندارد بلکه داستانهای مدون کتبی یا شفاهی را که متأثر از وقایعی بوده با مهارت و استادی به هم می‌پیوندد.

دوم، منظومه‌های حماسی مصنوع. در این منظومه‌ها شاعر با داستانهای پهلوانی از پیش پرداخته سروکار ندارد. بلکه خود به خلق می‌پردازد. این نوع خود بر دو دسته تقسیم می‌شود:

۱. حماسه‌های اساطیری و پهلوانی، که متعلق به ایام پیش از تاریخ با موارد مهم فلسفی و مذهبی است مانند: رامایانا، مهابهارات و منظومه ایتکار زریران و قسمت بزرگی از شاهنامه، گرشاسب‌نامه، برزنامه، بهمن‌نامه، ایللیاد و ادیسه و بهشت گمشده میلتن.

۲. منظومه‌های حماسی تاریخی، مانند: کمدی الهی اثر دانته ظفرنامه اثر حمدالله

مستوفی و شهنشاہنامہ اثر ملک الشعراء صبا.

ممکن است موضوع حماسه تاریخی، زندگی يك یا چند تن از قهرمانان دینی باشد که آنها را منظومه حماسی دینی می‌نامیم. مانند خاوران نامه ابن حسام و حمله حیلری باذل. خصایص منظومه‌های حماسی: منظومه‌های حماسی پهلوانی هیچ‌گاه در حین جریان حوادث پهلوانی پدید نمی‌آید. دوره ظهور و درخشش آنها قرن‌ها پس از روی دادن حوادث است. و دیگر آنکه وقایع به یکبار ابداع نمی‌شوند، يك موضوع تاریخی است که روزگاری حقیقت خارجی داشته که حال نیروی زندگی یافته، با اساطیر مذهبی و خوارق عادات آمیخته و طبع هنرمندی بر آن دست بقاء کشیده است.

دیگر ویژگی منظومه‌های حماسی ابهام زمان و مکان و تضاد در آنهاست. منشاء حماسه ملی: هیچ ملتی به وجود نیامده و مبانی ملیت خود را تحکیم نبخشیده مگر آنکه دوره‌های سخت را با یاری پهلوانان خود پشت سر گذاشته باشد. از این مبارزه روایاتی بهجا می‌ماند که دهان به دهان، سینه به سینه نقل شده تا از گردآوری و تدوینش، تاریخ مدون ملل به وجود آید.

داستانهای اساطیری و حماسی

الف. روایات و اساطیر کهن: چون قوم ایرانی به این سرزمین آمد داستانها و روایات و اساطیری از نیاکان خود که با آریاهای هند یکجا زندگی می‌کردند همراه آورد. داستان اساطیری جمشید که در میان ایرانیان صورت دیگری گرفت از آن گونه است. مقایسه ودا و اوستا نشان می‌دهد دولت در سرزمین مشترک هند و ایرانی می‌زیسته‌اند و پهلوانان مشترکی مانند جم (ر و دایم^۱ و اوستاییم^۲) داشته‌اند.

حداصل یشتها و منظومه‌های حماسی ایران در عهد اسلامی، کتب حماسی ادبیات پهلوی است مانند یادگار زریر.

ب. روایات کهن ایرانی در اوستا و ارزش داستانی آن: اوستا کتاب مقدس زرتشتیان است که امروز پنج نسک (باب یا کتاب) دارد: ۱. وندیداد ۲. یسناها ۳. یشتها ۴. خرده اوستا ۵. ویسپرد.

اوستا پیش از حمله اسکندر کتابی عظیم بوده است. مهم‌ترین بخش اوستا به دلیل

حفظ روایات ملی و اساطیر مذهبی یشتها می‌باشد که مأخذ بسیاری از روایات ملی و حماسی شده است، مانند «آبان یشت» در ستایش فرشته آب «اردویسور اناهیتا»^۳ یا یشت هشتم موسوم به تیریشت یا تشریشت که اشاره کوتاهی به داستان «آرش شواتیر»^۴ دارد.

ج. روایات ملی و داستانهای حماسی در ادبیات پهلوی با شاهنامه: داستانها و روایاتی در اواخر عهد ساسانیان تا حدود قرن دوم و سوم هجری تألیف شده مانند ایتکار زیریران یا یادگار زریر که منظومه‌ای مذهبی و در عین حال قهرمانی و پهلوانی است که وصف میدان جنگ در آن نظیر شاهنامه و سایر منظومه‌های حماسی قرن پنجم است. موضوع آن جنگ میان ایرانیان و تورانیان بر سر آیین زرتشت است. جنگ گشتاسب با ارجاسب در شاهنامه تحت تأثیر این داستان است. اثر حماسی معروف دیگر، کارنامه اردشیر بابکان است که در شاهنامه از آن استفاده شده است.

از کتب متفرقه زبان پهلوی می‌گیریم و به چند کتاب مذهبی که روایات قدیم در آنها محفوظ است اشاره می‌کنیم:

دینکرت مهم‌ترین و مفصل‌ترین کتاب پهلوی است که در دست داریم این کتاب مجموعه بزرگی از اطلاعات دینی و عادات و عقاید و روایات و تاریخ و ادبیات مزدیسناست. در جلد سوم آن علاوه بر مطالب تاریخی از احوال جمشید و قیام ضحاک سخن به میان آمده است. در جلد هفتم آن از خلقت کیومرث و داستان سیامک و هوشنگ تهمورث تا گشتاسب سخن رفته است.

دیگر بند هشن است که دومین کتاب مهم و معروف پهلوی است که مطالبی راجع به خلقت و مسائل دیگر دینی و تاریخ و جغرافیا دارد. چون خلاصه‌یی از تاریخ داستانی ایران را تا پایان دوره ساسانی دربردارد دارای ارزشی در این زمینه است.

ارداویرافنامه یکی دیگر از کتب مذهبی است که مهم‌ترین اشاره تاریخی آن داستان حمله اسکندر است از جانب اهریمن به ایران، این کتاب در قرن هفتم هجری به وسیله زرتشت بهرام پژدو به شعر فارسی ترجمه و بازنویسی شد. و دیگر *خداینامه*^۵ اثر تاریخی و داستانی عهد ساسانی است که مبنای کار *سیرالملوک* بوده است.

3. Ardivisura-Anahita

۴. در باب معنی و اصل صفت (شواتیر) رجوع شود به داستان آرش در همین فصل.

5. Xvatainamag

د. روایات و حماسه‌های ملی به زبان فارسی

۱. نخستین کسی که روایات حماسی ایرانیان را به نظم کشید مسعودی مروزی است که از شاهنامه وی اطلاع زیادی در دست نیست.

نخستین کیومرث آمد به شاهی به گیتی در گرفتش پیش گاهی
۲. و دیگر گشتاسپنامه دقیق است هزار بیت از این شاهنامه به دست فردوسی رسیده است که آن را کامل نموده. این هزار بیت داستان گشتاسب و جنگهای مذهبی او با ارجاسب است (۳۶۵ هـ. ق - ۴۰۰ هـ. ق).

۳. شاهنامه فردوسی: که موضوع اصلی سخن ما در این فصل است. از زندگی این سراینده و کهن معمار کاخ نظم نخواهم نوشت، که اگر شاهنامه را نیک بنگریم و ارج نهم زندگی وی را خوانده و رنج سی یا سی و پنج ساله اش را در ایجاد «قباله و سند نجابت ملیت ایران»^۶ قهر دانسته‌ایم.

شاهنامه فردوسی برخلاف تصور ناآگاهان داستان جنگها، پیروزیهای قهرمانان ایران نیست بلکه سرگذشت و فرهنگ ملتی کهنسال در درازنای قرون است. حماسه‌سرای بلندپایه آن، مردمی را نشان داده که در راه آزادی و شرافت و فضیلت و رهایی از هر نوع ستمشاهی خود با بیگانه پیکار و تلاش داشته‌اند تا پیروز بوده‌اند و چون شکستی یافته‌اند با مرگشان آرزوی آزادمنشی و رهایی نموده‌اند. همین روح آزادی‌خواهی رشته مؤثری برای ایجاد وحدت ملی قومی ایرانی در برابر نفوذ خلفا گردید که منجر به پرورش قهرمانان و سرداران بزرگ ملی و مذهبی شد.

اهمیت فردوسی برای زبان و ادبیات فارسی، تاریخ و فرهنگ، سنت و ملیت ایرانی بدان حد است که همزمانان و شخصیت‌های ادبی پس از او بدان بالیده‌اند و اعتراف بدین تأثیر نموده‌اند. فردوسی عمر، هنر، نبوغ، کارایی، قدرت گردآوری و تحقیق خود را در خدمت يك آرمان ملی گذاشت. وقتی هم‌عصران او آداب و رسوم ملی را تحقیر و سلطان ترك را می‌ستودند، فردوسی دری زنده نگاه‌داشتن تعلقات قومی و هویت فرهنگی، شبانه‌روزش را صرف ایجاد و خلق شاهنامه می‌کرد.

شاهنامه نه تنها یکی از آثار جاویدان زبان پارسی است بلکه یکی از سه حماسه پهلوانی بزرگ دنیاست که هر سه آریایی می‌باشد. ایلید و اودیسه مربوط به یونان،

۶. محمدعلی فروغی، مقلعه منتخب شاهنامه.

مهابهارات حماسه هندوان، و سومین به گفته اکثر محققین بزرگ‌ترین اثر حماسی دنیا شاهنامه فردوسی است. شاهنامه در بسیاری از زبانهای جهان مانند گرجی، ارمنی، ترکی، انگلیسی، روسی، دانمارکی، آلمانی، فرانسوی، عربی، مجارستانی، سوئدی، ترجمه‌های منثور و منظومی دارد. تأثیر آن در ادبیات فارسی به حدی است که تعدادی از نویسندگان معتقدند که اگر فردوسی نبود در ایران به سختی می‌توانستیم حافظ، مولوی و خیام داشته باشیم. اینان بدون تأثیرپذیری از آن نمی‌توانستند مسائل فکری خود را بال و پر دهند. در ظاهر دنیای حماسه و عرفان به دلیل تفاوت قلمروشان جداست. یکی از میدان جنگ و مبارزه و خونریزی و دیگری از آرامش صلح و وحدت دم می‌زند اما هر دو در یکجا بهم می‌رسند و آن یافتن زندگی بهتر، برقراری صلح و عدالت است. بنابراین هر دو در جوشش و حرکتند و شباهت و تأثیرشان غیرقابل رد است.

یکی از شاخص‌ترین جنبه‌های شاهنامه پیوندی بوده که بین فرهنگ ایران پیش از اسلام با فرهنگ ایران بعد از پذیرش دین مبین اسلام زده است. شاهنامه در ادبیات بعد از اسلام ایران، به صورت دریچه‌ای گشوده به سوی ایران پیش از اسلام است و این راه را تداوم و ادامه فرهنگی يك ملت می‌گویند. فردوسی در دهه دوم نیمه قرن چهارم هجری گشتاسبنامه دقیقی را به‌دست می‌آورد. او که تا آن زمان طبع خود را در داستانهای کهن آزموده بود به فکر افتاد کار شاعر دربار سامانی را به پایان برد.

اصالت روایات و امانت فردوسی در حماسه‌سرایی:

گاه سخنانی از زبان شخصیت‌های داستانها گفته می‌شود که به عقاید اونسبت می‌دهند. پیرو تحقیقاتی که شده فردوسی مرد دانشمند بی‌غرض شیعه مذهب معتقد و بسیار وطن‌دوست بوده که خود به زنده کردن آثار ایرانی مباحثات می‌کند. در نظم شاهنامه به میل و نظر شخصی خود کار نکرده، شخصیت پهلوانان و سخنان ایشان منقول از يك متن یا روایات است.

موضوع شاهنامه: موضوع شاهنامه تاریخ ایران قدیم از آغاز تمدن نژاد ایرانی تا انقراض حکومت به دست اعراب است و دارای سه دوره: اساطیری، عهد پهلوانی و دوران تاریخی است.

دوره اساطیری: به عهد کیومرث، هوشنگ، طهمورث، جمشید تا ظهور فریدون و به پیدا شدن تمدن و صنعت و حکومت مربوط است.

عهد پهلوانی: این دوره با ستیز مدام خیر و شر مانند قیام کاوه آهنگر و ضحاک

رو به رو است.

دوران تاریخی: در این دوره تصورات پهلوانی، افراد خارق عادت و اعمال غیرعادی از میان رفته، اشخاص و اعمال تاریخی جایگزین می‌شود.

زبان و اسلوب بیان: آن چنان که شاهنامه در ادبیات عمومی جهان مؤثر افتاده است نمی‌تواند در زبان و ادبیات فارسی تأثیری آشکار نداشته باشد. شاهنامه از نظر مفردات و ترکیبات فارسی، سبک سخن‌سرایی، مضامین و نکات حماسی و غنایی و حکمی، ایجاد نهضت در نظم داستانهای حماسی، در ادبیات فارسی تأثیری شایان داشته است.

فصاحت فردوسی و توانایی او در بیان افکار و انتقال معانی از نثر به نظم و سادگی فکر و زبان و صراحت و روشنی و انسجام و استحکام و متانت سخن به حدی است که بسیاری از ناقدان در حماسه‌سرایی برای او نظیری نداشته‌اند.

زبان فردوسی در بیان افکار مختلف ساده و روان و در عین حال به نهایت متین است. در کلام فردوسی اصطلاحات علمی و فلسفی کمتر به کار رفته است زیرا سبک سخن او سادگی است. مفردات شاهنامه هر یک در حد کمال فصاحت است. جمل و عبارات شاهنامه در نهایت سادگی بوده. تعهدی در به کار نبردن مفردات عربی ندارد. تشبیهات و استعارات فردوسی از نوع تشبیهات و استعارات دوره سامانی است. در اوج قوت خیال مقرون به کمال سادگی و سازش با طبیعت و ذوق اهل زبان است.

آرش کمانگیر، افسانه اوستایی در آثار بازنویسان و مترجمین این متون

آرش شواتیر: تیری که آرش برای تعیین مرز ایران و توران افکند:

«روز سیزدهم ماه تیر یعنی تیر روز بود و از این جهت آن را جشن گرفتند. روز انداختن تیر همین روز که تیرگان کوچک است و روز چهاردهم (کوش‌روز) تیرگان بزرگ است و در این روز خبر اصابت تیر به هدف خود به اهل ایرانشهر رسید.»^۷

داستان آرش دارای اصل اوستاییست. در یشت ۸ (تیشتر یشت فقرات ۶-۷) چنین آمده: «ما تیشتریه (Tishtrya) ستاره زیبا و فرهمند را می‌ستاییم که به جانب دریای

۷. ذبیح‌الله صفا، حماسه‌سرایی در ایران. تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳ ص ۵۸۸ تا ۵۹۰.

ووروش به همان تندی حرکت می‌کند که تیر از کمان اِرخش سخت کمان، آن آریایی که از همه آریاییان سخت کماتر بود».

اِرخش در اوستا با صفت خشویوی ایشو^۸ (سخت کمان، دارنده تیر تیزرو) ذکر شده، در ادبیات فارسی به آرش شواتیر^۹ موسوم است که صفت کمانگیر نیز دارد.

آرش، پهلوان اساطیری

اکنون با پنج آرش روبه‌رو هستیم که مأخذ هر پنج افسانه اوستایی است. دو تن از مترجمان و بازنویسان آرش ادعای بازنویسی‌اش را برای کودکان نکرده‌اند، چه خواسته‌اند آرش را که باید همه بخوانند نیز بدانند، لیکن چنین داستان پهلوانی را نوجوانان می‌خوانند پس اندیشه بر آن باید نهاد.

پوریا، ارسلان، آرش تیرانداز. افسانه اوستایی. داستانی در دو چهره گوناگون. تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۸. ۶۱ ص (گروه سنی نوجوانان).

دو داستان با دو فرم نمایشنامه‌ای و دیگر ساده در يك کتاب آمده است آغاز سخن با:
دفتر سربسته‌ای را ماند این گردان جهان برگ برکش رازگاه و رازش اندر دل نهان
ماندن این ملت از فکر بزرگان وی است نی ز محمود دغل‌باز و ایاز بد نشان
از منوچهری و فردوسی سخن باید گرفت آن چنان کاندر بهاران شاخ گل از باغبان
مردم نمایش: شخصیت‌های داستان، جای نمایش: زمینی در دامنه کوه رویان.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- داستانی برگزیده شده که برای ارائه به نوجوانان ارزش ویژه‌ای دارد.
- هیچ گونه تحریفی صورت نگرفته مفهوم و هدف اصلی حفظ شده.
- کیفیت ساخت و پرداخت
- از کیفیت خوبی در ساخت و پرداخت برای رسیدن به نتیجه برخوردار است.
- پراکندگی در ساخت و پرداخت نیست.
- هماهنگی محتوا و ساخت حفظ شده و با محتوای متن اصلی نیز هماهنگی نیز دارد.

8. Xshwivi-ishu

9. Skepuk-Tir

کیفیت زبان و شیوه بیان

- زبان با روح متون اوستایی و شاهنامه نزدیک است. ضمن حفظ گویایی و روانی. - واژه‌ها و اصطلاحات منتخب متن اصلی است. نمونه:

«زندگی بدان‌گاه که نیازمند جنبشی باشد خود فرزندان می‌زاید که راه تازه را بیابند. سالها پیش از این نیز یکبار ایران و بیج را بدبختی فراگرفت. ضحاک ماردوش ما را به چنگ گرفته بود و آنگاه کاوه آهنگر پدر همین قارن از بازار به راه افتاد و سخنانی گفت همو ضحاک را درهم شکست و فریدون نیای مرا به تخت آورد این آرش هم کاوه دیگری است».

اجزاء تکمیلی

- تصویر، شرح و توضیح ندارد.

یارشاطر، احسان. *داستانهای ایران باستان*، مبتنی بر آثار اوستایی، فارسی باستان، پهلوی، پارتی، سغدی. (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴، ۱۳۳۶).

در این اثر آرش کمانگیر بسیار مختصر آمده است. با اصالت اوستایی و با ذکر مأخذ و مقدمات توضیحی:

«فرشته زمین اسفندارمذ پدیدار شد و فرمان داد تا تیر و کمان آورند و آرش را حاضر کردند. آرش در میان ایرانیان بزرگ‌ترین کماندار بود. به نیروی بی‌مانندش تیر را زودتر از همه پرتاب کرد. «هرمزه» خدای بزرگ به فرشته باد فرمان داد تا تیر را نگهبان باشد، تیر از بامداد تا نیمروز در آسمان می‌رفت.»

از آنجا که در بحث کلی از آثار آقای یارشاطر به تفصیل، اثر ارزیابی می‌گردد در اینجا به ذکر نوع کار در زمینه آرش اشاره‌ای رفته است و بس.

بیضائی، بهرام. *آرش*. (روایت) تهران: نیلوفر، ۱۳۵۶-۱۳۴۲. ۵۳ ص بدون تصویر.

«اجرای این آرش در سال ۱۳۴۶ به دلیل آشنایی کم بازیگران با زبان فارسی دشوار شد و ماند.» تمامی آرش‌ها بر لفظ و فرم جداست و در محتوا یکی، این يك هم در لفظ جداست و هم در محتوا.

این آرش سپهسالار، سردار، تیرانداز نیست که ستوریانی است پاك و ساده، جنگاوری است که سخت‌ترین جنگ‌افزار او و چوبدست چوپانان، مرز نشینی است نادان، راه‌نشینی

از آن سان که رمه‌شان به تاراج می‌رود. خم کرده پشتی که بر او بار بسیار نهاده‌اند. سحرگاه نادانکی است آزاد، اینک چیزها می‌داند چه او را به عنوان پیک نزد تورانیان فرستاده‌اند و تورانیان هم او را که نادان و غیر تیرافکن است سزاوار تیراندازی برای تعیین مرز دانسته‌اند. شاهان و سرداران که همیشه او ایشان را دشمن دانسته، حال دشمن اویند و مردم، دوستان واقعی او نیز چنین‌اند. دنیا او را برگزیده تا به شوخی گیرد، حال اگر تیری بیفکند خرد، تیری ننگ همه مردان و اگر همه کیهان بر او زار بخندند ننگین‌تر از آنی که هست نخواهد بود. می‌خواهد این تیر با دل خود بیندازد نه به بازوی ناتوان. چنین می‌کند پس از گفت‌وگوها و ماجراها که با خود دارد. تیر می‌رود روزها، روزها تا کیهان بود این تیر رفته‌است. تیره به تیره سینه به سینه و آرش هرگز از جنگ با دشمن بازنگشت که ساده و نیک و مهربان و نماینده تمامی آنان که چون اویند. آرش هرگز بازنگشت و مردمانی را می‌شناسیم که می‌گویند بازخواهد گشت.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- کاری است فوق‌العاده بالارزش. بازآفرینی دلپذیری است که در عین حال چندان از متن اصلی دور نمانده و در کثرت تکرارها این ابداع امیدبخش است. در محتوای ایستایی آرش با مأخذ انطباق دارد. و در اینکه هر انسانی می‌تواند آرش باشد هدفی بوده که آرش کمانگیر بر آن آموزش، نهاده شده است.

کیفیت ساخت و پرداخت

- هماهنگی محتوا و ساخت حفظ شده.

- استواری ساخت و پرداخت نتیجه را زیباتر ارائه می‌دهد.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- از استخوان‌بندی و اسلوب و روح اثر اصلی در کسب بازآفرینی استفاده شده. اما بدون تکلف.

اجزاء تکمیلی

- تصویر ندارد. لزومی هم نیست جملات مصور خوبی است.

- شرح و تفسیر و تعریف را خود اثر با جانش ارائه می‌دهد.

کسرائی، سیاوش، آرش کمانگیر. نقاشی از فرشید مثقالی، تهران: کانون پرورش فکری، ۱۳۵۰ (سالهای پایان دبستان و دوره راهنمایی).
این اثر بازنویسی بالارزشی است و به شعر درآمده. «منم آرش، سپاهی مرد آزاده. برای آزمون سخت دشمن اینک آماده.»

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- محتوای تمامی آرشها را با صلابت دارد.
- بازنوشته در خواننده ایجاد کشش به خواندن و اطلاع از ریشه افسانه را می‌نماید.
- نکته بسیار مثبت آن عدم تکرار است و ابداع، که به شعر سروده شده است.

کیفیت ساخت و پرداخت

- از ساخت محکمی در بیان نتیجه، برخوردار است.

کیفیت زبان و شیوه بیان

- شعری روان و پرصلابت و آراسته بر محتوای آرش است.
- گرچه شعری است نو، اما مایه در اسلوب نوشته اصلی دارد.

اجزاء تکمیلی

- تصاویر خوبی دارد. شرح توضیح ندارد.
- افهمی، سیروس. آرش کمانگیر. داستانی برای کودکان و نوجوانان. برداشت آزاد سیروس افهمی، تهران: جوانه، ۱۳۵۷ به بعد. ۳۲ ص.
- به نظر می‌آید این کتاب که با فرم نمایشنامه بر روی نوار رفته است از آرش تیرانداز ارسالن پوریا دوباره‌نویسی شده است. اما کوتاه‌تر و ساده‌تر.

کیفیت محتوا

- محتوا منطبق با محتوای آرشهایست که از اوستا گرفته شده است.
- چون محتوا از طریق نوار ارائه می‌گردد بر کودکان تأثیر خوبی می‌گذارد.

کیفیت ساخت و پرداخت

- پراکندگی در ساخت و پرداخت نیست و مطلب به گونه‌ای تنظیم شده که خواننده را درست به نتیجه می‌رساند.

کیفیت زبان و شیوه بیان

- فارسی سره می‌باشد.

- روح نوشته اصلی در واژه‌های آن می‌باشد.

اجزاء تکمیلی

- با شعر «انسان پرارزش‌ترین سرمایه» که در آرش تیرانداز ارسالن پوریا آمده شروع می‌کند. و این خود شرحی است بر حماسه‌سرایی و تعریف افسانه‌آرش در ایران دوستی ایرانیان.

- مجریان نمایشنامه با قدرت و احساسات آن‌را اجرا کرده‌اند.

جدول تکرار بازنوشته‌ها از آرش کمانگیر

عنوان داستان	عنوان کتاب	بازنویس	سال نشر	ماخذ	نوع بازنویسی	کیفیت
آرش کمانگیر	داستانهای ایران باستان	پارشاطر، احسان	۱۳۳۶	اوستا	برگردان، ساده‌نویسی	بسیار خوب
آرش تیرانداز	آرش تیرانداز کتاب مستقل	پوریا ارسلان	۱۳۳۸	اوستا	برگردان نمایشنامه	بسیار خوب
آرش روایت	آرش	بیضائی، بهرام	۱۳۴۲-۱۳۵۶	روایت اوستا	بازآفرینی نمایشنامه	عالی
آرش کمانگیر	آرش کمانگیر	کسرائی، سیاوش	۱۳۵۰	اوستا	به‌نظم درآورده	بسیار خوب
آرش کمانگیر	آرش کمانگیر	افهمی، سیروس	۱۳۵۷	افسانه‌های کهن اوستا	بازنویسی نمایشنامه	خوب

توضیح:

منظور اصلی از جداول تکرار نشان دادن تعداد گزینش از يك متن رسمی بوده است. کیفیت بازنوشته‌ها از ارزشیابی متن و در جداول بخش یافته‌ها و جدول مادر آمده است. سه جدول از ذکر کیفیت بر خوردار است که در واقع نتیجه‌گیری بر مباحث مطرح شده آن فصل بوده است. ذکر کیفیت برای بقیه جداول به دلیل تعدد بازنوشته‌ها و بازنویسها امکان‌پذیر نبوده؛ سبب طولانی‌شدن جدول و فراموش شدن مقصود اصلی که تکرار انتخاب است می‌گردد.

افسانه‌های کهن ایرانی

آثار فلسفی و دینی و اساطیری متأثر از تشریشت

کشکولی، مهدخت. *افسانه باران در ایران*. نقاشی از حسین مججویی. اسلایدهای رنگی از ناصر براهمی. صفحه‌آرایی از آفر آزنوش. تهران: انتشارات رادیو تلویزیون آموزشی ۱۳۵۵ (ویژه نوجوانان).

متن این کتاب متأثر از تشریشت و بندهشن است. نبردی است میان دیو خشکی و فرشته باران که با پیروزی فرشته باران به پایان می‌رسد. برگردان اندیشه بنیادی، نبرد بین زشتی و زیبایی، نیکی و بدی می‌باشد. این نبرد همواره با پیروزی نیکی و زیبایی به پایان می‌رسد.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- این اثر حس کنجکاو خواننده و علاقه او را به شناخت متن اصلی و تاریخ و فرهنگ وراث آن برمی‌انگیزد.

- در این اثر به مسائل ذهنی - عاطفی کودکان و نوجوانان توجه شده است (پیروزی نعمت بر بدی) مفهوم و هدف اصلی را رسانده است.

کیفیت ساخت و پرداخت

- ساخت و پرداخت داستان محکم، پرلطف و منطقی است.

- هماهنگی محتوا و ساخت حفظ شده.

کیفیت زبان و شیوه بیان

- نثر زیبا، دل‌انگیز، روان و به‌فارسی سره است.

- برای گروه سنی‌اش بسیار گویاست.

- از استخوان‌بندی و روح نوشته اصلی عدول نشده است.

اجزاء تکمیلی

- مقدمه کوتاه و آگاه‌کننده‌ای دارد.

- ویژگی کار کشکولی آوردن بخش توضیحات و چاپ قسمتی از متن اصلی در یشت‌ها و

بندهشن است. این امر نوجوانان را به خطوط و زبان باستانی ایشان آشنا می‌کند.

- تصاویر از کیفیت تجسم‌بخشی بالایی برخوردار است. رنگها سحرکننده می‌باشد.

در مجموع کتاب برای بازنویسی افسانه‌های کهن ایرانی متأثر از ادبیات رسمی راهگشای امیدبخشی است.

یارشاطر نیز در داستانهای ایران باستان فرشته باران را با مقدمات توضیحی «فرشتگان نگاهبانان کارهای عالم» به ستاره تشتر (ستاره سهیل) یعنی فرشته باران و آپوش (دیو خشکی) اشاره تشریحی دارد. آنگاه داستان را می‌آورد. تشبیهات زیبایی دارد. محتوا، فرم، ساخت و پرداخت، زبان و شیوه بیان آن برای نوجوانان و جوانان پرلطف است.

یارشاطر و کشکولی در ارائه این اثر به گروه سنی موردنظر خود موفق بوده‌اند.

یارشاطر، احسان. داستانهای ایران باستان مبتنی بر... تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴. ۱۳۳۶ (گروه سنی نوجوانان و جوانان).

اولین داستان مطرح، آرش کمانگیر است که به دلیل تعدد و تکرار این داستان و داستان جمشید و فرشته باران و دیو خشکی یکجا مطرح می‌شود.

دومین داستان هرمزد و اهریمن، مقدمه‌ای دارد که روشنگر عقاید خاص فلسفی کیش زرتشت است. داستان با تصویر زیبایی از جنگ هرمزد با اهریمن ختم می‌شود.

این داستان از بند هشن می‌باشد که دومین کتاب معروف پهلوی است و ذکر آن در ابتدای فصل گذشته است. در تاریخ سیستان از این کتاب اثری به‌جا مانده. مضمون داستان نبرد میان اهریمن و هرمزد و پیروزی هرمزد پس از ۹۰ روز است. داستان آفرینش جهان، ماههای سال، روزهای هفته و امشاسپندان را دربر دارد.

«هرمزد به خواندن سرودی مقدس آغاز کرد چون ثلث اول آن را خواند اهریمن خمیده شد، چون ثلث دوم را سرود اهریمن از ناتوانی به زانو افتاد، چون جزء آخر را سرود اهریمن در مانده شد و به جهان دوزخی خویش پناه برد و مدت سه‌هزار سال در قعر تاریکی مدهوش افتاد.»^{۱۰}

داستان دیگر فره‌ایزدی است که یارشاطر در مقدمه فره را چنین تعریف می‌کند: «فروغی که هرمزد به برگزیدگان خود می‌بخشد». و مثال می‌زند به کدام پادشاهی فره‌ایزدی داده شد و با چه خلاقی بازپس گرفته شد. تلاش افراسیاب برای کسب فره و ناامیدی او. داستان دیگر زادن زرتشت: «دغدوا مادر زرتشت: که فره‌ایزدی دارد با پور و شسب

۱۰. قسمتی از داستان هرمز و اهریمن.

زناشویی و فره خاندان او فراهمیم به پدر زرتشت منتقل می‌شود.»
داستان آفرینش را از متون پهلوی و پارتی و مانوی می‌گیرد و در این داستان اساس عقاید مانویان را برمی‌شمارد.

«ما از آمیزش نیک و بد یا تاریکی و روشنایی به وجود آمده و باید روزی برسد که تاریکی و روشنایی از یکدیگر جدا شوند و به صورت اول بازگردند... و جهان ما نیز که از آمیزش این دو گوهر به وجود آمده پایان پذیرد^{۱۱}».

جنگ رستم و دیوان از زبان سغدی برگردان و بازنویسی شده. از داستان رستم در شاهنامه افسانه‌ای‌تر است.

زریرو ارجاسب: مأخذ کتاب زبان پهلوی است و جنگ گشتاسب‌وار جاسب بر مذهب زرتشت است و کشته شدن زریرو و مبارزه بستور فرزند او و پیروزی.

داریوش و گوماتا: با تصویری از کتیبه‌ای به خط فارسی باستان و بابلی و عیلامی به اطلاعات نوجوانان می‌افزاید. زندگی داریوش و بردیا و کمبوجیه می‌باشد. مأخذ این داستان را کتیبه بیستون می‌داند.

سرگذشت اردشیر بابکان: از کارنامه اردشیر بابکان به زبان پهلوی گرفته شده است. پاپک که از طرف اردوان پادشاه پارس بود دختر خود را متعاقب خوابی که می‌فهمد ساسان از نژاد داراست به او می‌دهد و اردشیر به دنیا می‌آید داستان در ادامه همان است که در تاریخ می‌خوانیم.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- مفهوم و هدف اصلی در آشنا نمودن نوجوانان و جوانان با فرهنگ گذشته حفظ شده.
- این ترجمه و بازنویسی، حس کنجکاوی خواننده را به خواندن فرهنگ گذشته ترغیب می‌کند.

کیفیت ساخت و پرداخت

- امانت در ارائه پیام متن اصلی حفظ شده و صادقانه با متون برخورد شده است.
- محتوا و ساخت هماهنگ است.
- به سادگی خواننده طی گرفتن اطلاعات لازم به نتیجه داستانی نیز می‌رسد.

۱۱. قسمتی از داستان آفرینش، از کتاب داستانهای ایران باستان.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- بازنویس، خود پیروی از متن اصلی و آوردن عبارات فارسی را چنان که شیوه زبان باستانی را نشان دهد یادآوری می‌کند.

- فارسی سره با حفظ استخوان‌بندی و اسلوب و روح نوشته بکار برده شده است.

اجزاء تکمیلی

- تصاویر متین و متناسب با زبان و مکان و ماجراهای متن است.

- چهره‌ها شخصیت زمانی خودشان را نشان می‌دهند.

- از اثر الهام گرفته به فهم داستان کمک می‌کند.

واژه‌نامه و شرح و توضیح

این اثر با فهرست مندرجات مدون، مقدمه تفصیلی از منابع داستان و اعتقادات دینی قوی، بیان تجارب گذشته به افسانه و مقدمه‌های کوتاه تفسیری در ابتدای هر داستان، امری را فروگذار نکرده. این اثر از نظر فرم کار و پرورش محتوا و چگونگی برگردان و بازنویسی و ساده‌نویسی و انطباق می‌باید مورد مطالعه و دقت بازنویسان کشور قرار گیرد.

داستانهای ایران باستان در واقع دایرةالمعارف فلسفی و دینی ایران باستان برای جوانان و نوجوانان است، تا تاریخ‌گونه سیر گذرایی بر آن داشته باشند.

جدول تکرار آثار: از ادبیات اساطیری، دینی و فلسفی

عنوان کتاب	عنوان داستان	متن اصلی	زبان	سال نشر	کیفیت فراوانی
داستانهای ایران	فره ایزدی...	زامیاد یشت...	اوستایی	۱۳۳۶	بسیار خوب ۱
داستانهای ایران	فرشته باران...	تشریشت	»	۱۳۳۶	بسیار خوب ۲
افسانه باران...	افسانه باران...	»	»	۱۳۵۵	عالی
آرش کمانگیر	آرش کمانگیر	متن اوستایی	»	۱۳۳۶	بسیار خوب ۵
آرش تیرانداز	آرش تیرانداز	»	»	۱۳۳۸	بسیار خوب
آرش کمانگیر	آرش کمانگیر	»	»	۱۳۵۰	بسیار خوب
آرش	آرش	»	»	۱۳۵۶	عالی
آرش کمانگیر	آرش کمانگیر	»	»	۱۳۵۷	خوب
جمشیدشاه	جمشیدشاه	»	»	۵۲-۴۶	بسیار خوب ۲

جدول تکرار آثار: برگردان و بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات فارسی باستان و پهلوی

عنوان کتاب	عنوان داستان	متن اصلی	زبان	سال نشر فراوانی
داستانهای ایران باستان	داریوش بزرگ و گوماتا	کتیبه داریوش و بیستون	فارسی باستان	۱۳۳۶ ۱
داستانهای ایران باستان	زریر و ارجاسب	یادگار زریران	پهلوی	۱۳۳۶ ۲
داستانهای ایران باستان*	داستان آفرینش	متون پهلوی متون مانوی	پهلوی اشکانی پهلوی ساسانی	۱۳۳۶ ۲
داستانهای ایران باستان	هرمزد و اهریمن (مکرر با ردیف ۳)	بندهشن بزرگ	پهلوی	۱۳۳۶
داستانهای ایران باستان	فرشته باران	بندهشن بزرگ	پهلوی	۱۳۳۶ ۲
داستانهای ایران باستان	زادن زرتشت	دینکرت	پهلوی	۱۳۳۶ ۱
داستانهای ایران باستان	اردشیر بابکان	کارنامه اردشیر بابکان	پهلوی	۱۳۳۶ ۱
بستور	بستور (مکرر با ردیف ۲)	ایاتکار زریران	فارسی دری پهلوی	۱۳۵۴
افسانه باران	افسانه باران (مکرر با ردیف ۵)	بندهشن	پهلوی	۱۳۵۵

* براساس داستان آفرینش بندهشن، بهجز دو بازنوشته داستان آفرینش و هرمزد و اهریمن. اثری از خانم مهدخت کشکولی، با عنوان افسانه آفرینش در ایران برای نوجوانان در سال ۱۳۵۶ بهوسیله تلویزیون آموزشی منتشر شده است. این اثر بعد از پایان این کتاب و بعدست آملن نتایج آماری دریافت شد و کیفیت و مشخصات افسانه باران را دارد.

جمشید شاه در آثار اساطیری کهن و شاهنامه

بهار، مهرداد. *جمشیدشاه*. نقاشی فرشید مثقالی. تهران: کانون پرورش فکری، ۱۳۵۲-۱۳۴۶. ۳۰ ص. (سالهای اول و دوم دبستان).

در شاهنامه جمشید یکی از پادشاهان ایران شمرده شده، ولی در *اوستا* جمشید نخستین کسی است که نگاهبانی جهانی را که هر مزد خدای بزرگ ایرانیان قدیم ساخته بود به عهده گرفت و در پرورش آدمیان و جانوران و گیاهان کوشید. در روزگار او بیماری و مرگ و پیری وجود نداشت. پس از رواج آیین زرتشت این داستان با عقاید دین سازگار شد. چنانکه هر مزد نگاهبانی آیین خود را به جمشید می سپارد، او نمی پذیرد پس او را نگاهدار جهان می کند. بهار، جمشیدشاه خود را بیشتر از *اوستا* و کمی از شاهنامه می گیرد. اما جمشید مهربانی و ایثار شخصیت *اوستایی* اش را دارد. برای آنکه جای بیشتری به مردم و حیوانات و جنبندگان دهد مرتب زمین را فرمان به گسترش می دهد تا آنجا که آنها زیاد و زیاد، دور و دورتر می شوند. تا در تمام زمین پراکنده گردند. او تنها می ماند و هر نوروز چلچله ها خبر شادی و رفاه مردم را به او می رسانند. این کتاب يك بازآفرینی است از دو شخصیت متناسب دنیای شاد کودکان.

یارشاطر در *داستانهای ایران باستان*، جمشید را از *اوستا* می گیرد و در مقدمه مبسوطی مأخذ را تعریف کرده داستان را چنین می آورد که:

«جمشید زمین را گسترده می سازد تا مردم نیک زندگی کنند ليک زمستان سختی فرامی رسد او از هر رده جفتی برمی گزیند تا در دژی برای رهانیدن گروهی از مرگ نگهداری کند. افراد علیل و ناقص جزء این افراد نیستند.»

«در دژ جمشید هر سال یکبار آفتاب و ماه و ستارگان برمی خاستند و غروب می کردند یکسال در نظر ساکنان دژ يك روز می نمود^{۱۲}».

کار یارشاطر استوار بر *اوستا* می باشد و کار بهار يك بازآفرینی دلپذیر است. گروه سنی کتاب جمشیدشاه بهار کودکان می باشند بنابراین بازآفرینی روا بوده است. گروه سنی جمشیدشاه *داستانهای ایران باستان* نوجوانان هستند در نتیجه بدآموزی متن در ارتباط با افراد علیل بر آنان قابل تفسیر است. در مورد کار یارشاطر چنان که گذشت؛ نثر روان و ساده و جوابگوی محتوایست برگردان و بازنویسی نزدیک به متن اصلی است. مثال:

«آنگاه هرمزد دادار بزرگ در سرزمین ایران ویج انجمنی بیاراست و ایزدان بهشتی را به آن انجمن خواند.»

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- مسائل ذهنی و عاطفی و زبانی کودکان و نوجوانان در آن رعایت شده است.
- مفهوم و محتوای اصلی حفظ شده و تحریف صورت نگرفته است.
- خواننده را علاقه‌مند به خواندن متون اصلی می‌کند.

کیفیت ساخت و پرداخت

- داستان به روشنی راهش را پیموده و به نتیجه انسانی لازم رسیده است.
- در ارائه پیام نوآوری و ابتکار دارد.
- بین محتوا و ساخت هماهنگی می‌باشد.
- در کار یارشاطر نیز چنین است.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- شیوه نگارش مطابق فهم کودکان است.

اجزاء تکمیلی

- گزینش و ارائه داستان بدین صورت، مطلوب و موجب جلب علاقه کودکان می‌شود.
- جرقه‌ای است برای جلب توجه کودکان به پرسش در زمینه فرهنگ ایران باستان.

اجزاء تکمیلی

- در صورتی که به زبان کودکان تعریف می‌شد و بیانی در زمینه مأخذ و جمشید می‌داشت بد نبود.

- تصاویر زیبا و برای کودکان عادی است چه بی‌شبهت به نقاشیهای خود آنان نیست.
- داستان جمشید در شاهنامه، داستان پادشاهی قدرتمند است که از نبوغی خاص برخوردار است. تمامی فنون و علوم را به مردم خود می‌آموزد ولی غرور او را می‌فریبد و مردم رهایش می‌سازند تنها می‌شود. فره ایزدی از او دور می‌شود

به یزدان هر آنکس که شد ناسپاس به دلش اندر آید ز هر سو هراس

داستانهای شاهنامه رضا فرزانه دهکردی. تهران: پدیده، ۶۲-۱۳۴۵.

زندگی جمشید را برای کودکان و نوجوانان از شاهنامه گرفته و با نثری ساده و روان،

ساده‌نویسی می‌کند. در فاصله، اشعاری از شاهنامه به شاهد می‌آورد، از نیروی ارزشی استنادی برخوردار است. زبان آن با شاهنامه انطباق ندارد. برای کودکان این ساده‌نویسی مفید است لیکن برای جوانان سایهٔ سبک شاهنامه بر اثر نتیجه‌بخش است. حسن دیگر کار این ساده‌نویسی تعریف واژه‌های اشعار شاهنامه به‌صورت زیرنویس است. داستان دیگر، جمشید در افسانه‌هایی از شاهنامه نثر مرسده و نویسندگان پدیده، ۱۳۴۷.

ماخذ، شاهنامه ج ۱۰. شروع از پدران جمشید تا انتهای کار ص - ۲۱-۳۰. نثر در این اثر ساده و روان نبوده حال و هوای شاهنامه را ندارد و بیشتر به سخنرانی شاهان معاصر می‌ماند. لغاتی نظیر: ممالك همجوار، اتباع. برای چنین محتوایی بعید است. نقاشی نیز در اینجا اکتسابی است. در برگزیدهٔ داستانهای شاهنامه اثر یارشاطر نیز بار دیگر جمشید شاه را با انطباق کامل لفظی و محتوایی شاهنامه می‌بینیم. کارهای جمشید از آبادانی و اختراع و نوروز به ناسپاسی و گرفتار شدنش به‌دست ضحاک و بقیهٔ ماجرا که در شاهنامه آمده می‌انجامد. نتیجهٔ اینکه

دو جمشید در آثار یارشاطر یکی مطابق ماخذ اوستایی و یکی شاهنامه، از هویت لازم برخوردار است. اثر بهار باز آفرینی دلنشینی بر اساس اوستا و شاهنامه است. جمشید در اثر فرزانهٔ دهکردی ساده‌نویسی نسبتاً خوبی از شاهنامه است. و جمشید در افسانه‌هایی از شاهنامه منطبق با ضوابط بازنویسی نیست.^{۱۳}

ماخذ در بررسی و انطباق داستان جمشید:

۱۳. ابوالقاسم فردوسی، شاهنامهٔ فردوسی به تصحیح و مقابلهٔ محمد رضانی. تهران، کلالهٔ خاور، ۱۳۶۵.

جدول تکرار انتخاب داستانها در بازنوشته‌ها

عنوان داستان	عنوان اثر	بازنویس	ماخذ	سال نشر	نوع بازنویسی	کیفیت
جمشید	برگزیده داستانهای شاهنامه	یارشاطر	شاهنامه	۱۳۳۶	ساده‌نویسی	بسیار خوب
جمشید	داستانهای ایران باستان	یارشاطر	اوستا	۱۳۴۴	برگردان - بازنویسی	بسیار خوب
جمشیدشاه	جمشیدشاه	بهار، مهرداد	اوستا	۱۳۴۶	برگردان - بازآفرینی	بسیار خوب
سرگذشت‌جمشید	افسانه‌هایی از شاهنامه	مرسده	ملحقات شاهنامه ج ۵	۱۳۴۷	ساده‌نویسی	بد
جمشید	داستانهای شاهنامه	فرزانة دهمکردی، بهزاد	شاهنامه	۵۴-۶۲	ساده‌نویسی	خوب

خانلری، زهرا، *داستانهای دل‌انگیز ادبیات فارسی*. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، بی‌تا.
زبان و ادبیات فارسی ۲۳۰۲ ص (گروه سنی نوجوانان).

از شانزده اثر برگزیده شاهکارهای باارزش نظم و نثر ادبیات فارسی که خانلری آن را بازنویسی و ساده‌نویسی نموده شش اثر را به شاهنامه فردوسی اختصاص داده است. زندگینامه مختصر فردوسی و معرفی آثارش در ابتدا قرار دارد. موضوع شاهنامه را تاریخ قدیم ایران از آغاز تمدن نژاد ایرانی تا انقراض شاهنشاهی ساسانیان نوشته. داستان سیاوش و بیژن و منیژه را از دوره افسانه‌ای و اسکندر و کید هندی و بهرام گور و پیدایش شطرنج را از دوره تاریخی می‌داند.

۱. داستان سیاوش

این داستان با بیتی از حافظ شروع می‌شود تا به نوجوان بیاموزد این افسانه‌ها تا چه حد با فرهنگ و ادب فارسی آمیخته است.

شاه ترکان سخن مدعیان می‌شنود شرمی از مظلومه خون سیاووشش باد
تمامی داستان سیاوش را منطبق با شاهنامه ضمن آوردن اشعار شاهنامه به‌عنوان شاهد بیان نموده. با استادی، شناخت و احاطه بر مآخذ ماجراها را پشت سر می‌گذارد. خانلری تنها بازنویسی است که تعداد اشعاری را که به عنوان بقیه ماجرا، یا به شاهد می‌آورد تقریباً پایاپای متن است.

۲. بهرام گور و لبك آبکش

با آنکه نظامی بهرام‌نامه فردوسی را به‌یاد نداده خانلری با ذکر این مطلب از شاهنامه این اثر را بازنویسی می‌کند.

بهرام مرد داستانی ادب فارسی است. این داستان آزمایش بهرام از لبك آبکش، مرد آزاده بی‌نوا و مرد بانوا و ثروتمند و بدگوهر به‌نام براهام است. در انتها بهرام ثروت براهام را که با او به عنوان يك مهمان برفتماری نموده به لبك که سخاوتمندانه وسایل کار خود را فروخته و از مرد ناشناس «بهرام» پذیرایی نموده می‌بخشد. «جهود در خانه را بست و سفره انداخت و به خوردن پرداخت و به بهرام رو کرد و گفت:

به گیتی هر آنکس که دارد خورد چو خوردش نباشد همی بنگرد.
داستان در انطباق با مآخذ ضمن حفظ امانت در محتوا و ساخت و پرداخت به روانی و سادگی نوشته شده. گزینش این داستان برای نوجوانان مناسب است.

۳. اسکندر و کید هندی

از داستانهای دوره تاریخی شاهنامه است. در این داستان اسکندر پیروز، در برابر چاره اندیشی در حیلۀ شاه هندو پذیرفتن هدایا از جانب او و به زنی گرفتن دختر شاه هند دست از ستیزه جویی و تسخیر هندوستان برمی دارد و از در آشتی درمی آید. «شاهی بود در هند بنام کید که جانش با دانش جفت بود و دانش با خرد همراه.» محتوای داستان برای گروه نوجوانان مناسب است.

۴. داستان پیدایش شطرنج

پیدایش شطرنج در شاهنامه فردوسی ضمن پادشاهی انوشیروان آمده و شاید اصل هندی داشته باشد. داستان در سرزمین هند اتفاق می افتد پادشاهی می میرد و دو فرزندش بر سر شاهی به ستیزه برمی خیزند یکی در جنگ کشته می شود. ما در صحنه جنگ را می پرسد «از چوب آبنوس تختی ساخته که بر آن صد خانه نقش کردند بر روی آن خرامین لشکر و شهریار را نشان دادند.»

همیشه همی ریخت خونین سرشک بر آن درد شطرنج بودش پزشک

۵. يك داماد و سه عروس

«فردوسی در شاهنامه ضمن بیان پادشاهی بهرام گور زندگی او را در جنبه های مختلف وصف می کند. گاه از رشادتها و پهلوانیها و گاه از خوشگنرانیهای او سخن می گوید.» داستان يك داماد و سه عروس صحنه ای از تفرجهای بهرام گور است. بهرام به نخجیر می رود، به دنبال شکار سر از باغ دهقان برزین درمی آورد. و هر سه دختر او را یکجا خواستگاری می کند. «شاه پسندیدشان و فرمود تا چهار مهد زرین بیاورند و هر سه بت را در عماری نشانند.»

گرچه در شناساندن شخصیت خوشگذران شاهان و تناقض روحیه ایشان مفید است ليك چه بهتر بر آن همه داستانی که هنوز از شاهنامه بازنویسی و ساده نویسی نشده کار شود. تا بر چنین آثاری در این دوره سنی.

۶. بیژن و منیژه

داستان بیژن و منیژه از داستانهای زیبای شاهنامه است که فردوسی در کمال زیبایی و لطف سروده و این خود نشان می دهد که این شاعر بزرگوار با چه قدرتی وصف میدانهای نبرد و پهلوانیها را در کنار صحنه های لطیف عاشقانه قرار می دهد. در بازنویسی داستان انطباق کامل با داستان بیژن و منیژه در شاهنامه دارد.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- مفهوم و هدف اصلی را حفظ نموده است.

- طرح داستانهای قسمت تاریخی شاهنامه مفید بوده است.

- در گزیدن برخی از داستانها باید محتاطتر بود تا هنوز موضوعات داستانی شاهنامه

فراوان است اگر یکی با روحیه نوجوان کمتر سنخیت دارد ارائه نگردد.

کیفیت ساخت و پرداخت

- هماهنگی محتوا و ساخت حفظ شده.

- پراکندگی در ساخت و پرداخت نبوده خواننده به راحتی به نتیجه می‌رسد.

- هماهنگ ساخت و پرداخت اثر اصلی است.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- از استخوانبندی، اسلوب و روح نوشته اصلی استفاده کامل شده است.

اجزاء تکمیلی

- برای نوجوانان در نظر گرفته شده.

- شرح و توضیح در حد شناساندن مأخذ دارد.

- مصور است و تصویر چندان مناسب نیست.

کار خانلری با انطباق در محتوا، ساخت و پرداخت و کیفیت خوب اجزاء تکمیلی از توضیحات و معرفی داستان و اثر اصلی برخوردار است. خواندن این داستانها برای نخستین آشنایی با آثار ادب رسمی مفید است. اما در مورد گزینش بعضی از داستانها باید دوباره کار شود تا ارزیابی را که دارد کامل‌تر کند.

افسانه‌هایی از شاهنامه. نثر از مرسته، زیر نظر نویسندگان انتشارات پدیده. تصویر پشت جلد از محمد تجویدی، تصاویر داخل کتاب از کامران. تهران: انتشارات پدیده، ۱۳۴۷ (گروه سنی کودکان، سالهای آخر دبستان).

با پیشگفتاری در معرفی بزرگ‌ترین اثر حماسی فارسی شروع شده که در آن هدف خود را آشنا نمودن کودکان از دوران کودکی با آثار ادبا و بزرگان ایران می‌داند. معتقد است که پس از مشورت با مؤلفین و مربیان کودکان، شاهنامه را برای ساده‌نویسی برگزیدیم. داستان جمشید در این اثر رنگ و بویی از هزار و یکشب دارد بهتر است وقتی اثری را به کودکان حتی نوجوانان ارائه می‌دهیم در گزینش داستان حساس باشیم. بازآفرینی به

همین کار می‌آید. «شاهزاده خانم فیروزه به محض اینکه چشمش به جمشید افتاد يك دل نه صد دل عاشقش شد.» به نظر شما تأثیری را که این داستان به عنوان شاهنامه در كودك دبستانی می‌گذارد چگونه است؟ می‌توان با حفظ محتوا جمشید و ضحاک را در مقابل هم نهاد. پاسخ جمشید را در غرورش، خروج ضحاک باید دانست که او را به زندان افکند و پاسخ ظلم ضحاک را در کاوه آهنگر که نماینده مردم بود و ضحاک را نابود ساخت. در داستان دیگر عنوان سرگذشت ضحاک ماردوش است. فریدون در انتها ضحاک را نابود می‌کند از کاوه خبری نیست و حال آنکه گزینش عنوان می‌توانست ضمن برخورداری از سرگذشت، نابودی ضحاک را در خود داشته باشد.

در داستان زال و سیمرغ می‌خوانیم «یکی از پهلوانان رشید و دلیر دربار منوچهر رادمردی موسوم به سام است که مال فراوان و ثروت بی‌حساب داشت اما فرزندی که پس از وی وارث باشد نداشت تا نامش را جاویدان نگه دارد.»

آخر فردوسی را چه نیاز به چنین حامیانی تا او و اثرش را چنین بشناساند و کودکان را چه مصیبتی بالاتر از این که با بزرگ‌ترین آثار ادبی کشورشان بدین‌سان آشنا شوند. داستانهای سیاوش و سودابه، بیژن و منیژه تکراری آورده می‌شود حال آنکه جهت كودك و نوجوان می‌توان گزینش واجب‌تری از شاهنامه کرد.

دو داستان را نیکو گزینش نموده یکی اسفندیار و هفت‌خوان است. اسفندیار برای نجات خواهرش که در بند ارجاسب است مراحل نظیر هفت‌خوان رستم را طی می‌کند در جنگ پیروز و همراه خواهرش برمی‌گردد.

و دیگر داستان بهرام گور: سپردن بهرام به نعمان بن منذر از نامداران عرب است. نعمان سه تن از دانشمندان را برای خواندن، نوشتن و سواری برای او برمی‌گزیند. عدم تمایل مردم به جانشینی او که از پشت یزدگرد ظالم بوده سپس پذیرشش به دلیل دانش و هنر از نکات مثبت این داستان است.

داستان سرانجام افراسیاب: کشته شدنش به دست رستم آخرین قسمت کتاب است که از میان رفتن بدی را با پیروزی، خوب نشان می‌دهد.

ارزشیابی اثر کیفیت محتوا

- به مسائل ذهنی و عاطفی کودکان و نوجوانان در گزینش داستانها توجه نشده.

- تمامی داستانهای ارائه شده حس کنجکاوی خواننده را به مطالعه شاهنامه برنمی‌انگیزد.

کیفیت ساخت و پرداخت

- هماهنگی بین محتوا و ساخت حفظ نشده است.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- در عین سادگی، زبان فارسی سره نیست و خصوصیات سبکی عصر حاضر را دارد. «بدین ترتیب لطف و رحمت الهی شامل حال کیومرث شد.» یعنی از استخوانبندی و روح نوشته اصلی عدول شده است. در ساده‌نویسی شاهنامه بهتر آن است که از همان واژه‌ها که زمان و سبک حماسه را نشان می‌دهد بهره جست.

اجزاء تکمیلی

- شرح، توضیح، اشعار شاهد یا نمونه ندارد. تصویر در مواردی از دیگر آثار امانت گرفته شده است.

نژد، محمد، برزو و پسر سهراب. تهران: پدیده، ۱۳۴۹. ۱۰۸ ص (گروه سنی نوجوان و جوان، بدون تصویر).

برزونامه بزرگ‌ترین منظومه حماسی به زبان فارسی است که به تقلید شاهنامه فردوسی ساخته شده است. روایاتی درباره خاندان رستم و برزو پسر سهراب دارد. کم و بیش شبیه داستان رستم و سهراب است. بدون پایان غم‌انگیز آن. مأخذ منشور کتاب ذکر نشده. تاریخ نظم برزونامه صریح نیست و آن را به شاعری موسوم به خواجه عمید عطائی ابن یعقوب معروف به عطائی رازی نسبت می‌دهند که از شاعران قرن پنجم درباره غزنوی است. مراد گوینده از برزونامه تهیه ذیلی بر شاهنامه فردوسی بوده منتهی ذیل به عظمت از اصل در گذشته است.

خلاصه داستان

«مادر، برزو را به زندگی شبانی خو می‌دهد تا دچار سرنوشت پدر نگردد. افراسیاب در خارج شهر شنگان بعد از شکستی از ایران چادر می‌زند و برزو مرد چون کوه استوار و نیرومند را می‌بیند و او را به دربار می‌برد جهت فرماندهی سپاه تربیت و به جنگ به ایران می‌فرستد. رستم در جنگ با برزو دستش صدمه دیده فرامرز

فرزندش را به جای خود می‌فرستد. طی تصادفی برزو از اسب افتاده به زندان رستم اسیر می‌گردد. مادر برزو با تلاش او را یافته فراری می‌دهد ولی باز برزو و رستم را دست‌روزرگار مقابل هم می‌نهد و چون رستم قصد کشتن او را دارد مادر برزو راز را آشکار می‌کند.

جهانجوی برزو ز من شد جدا همانند سهراب نر ازدها
همه سال او بود دمساز من نگفتم بدو هیچ این راز، من»

قسمتی از گفت‌وگوی برزو و فرستادهٔ افراسیاب در بیان سبک کتاب:

«تو سخن دانایان را نشنیده‌ای که گفته‌اند هرگز فرمان شاهان را خوار مدارید. آری شنیده‌ام و آن را به جان دل قبول دارم اما دانایان فرمان شهریار عادل و باخرد را گفته‌اند.»

بازنویس در مقدمه‌ای به معرفی *برزونامه* پرداخته سپس زندگی فردوسی را می‌آورد و به بحث درباره موضوع *شاهنامه* و اینکه متن *شاهنامه* به چهار کتاب تقسیم می‌شود، و می‌پردازد و به سه داستان ملحق به *شاهنامه* که یکی همین است اشاره می‌کند کتاب از مقدمات و اطلاعات و پی‌آمد و سبک خوبی برخوردار است. ضمن ستودن فردوسی به عنوان پدر شعر حماسی و مردی که عمر عزیز خود را در راه جاودانه ساختن زبان ملی و قومی خویش گذراند به خواننده‌اش می‌فهماند که *شاهنامه یک سبک* در ادب فارسی است و نشانهٔ آن نیست که *یک شاهنامه* وجود دارد آن را هم فردوسی سروده فردوسی کامل‌ترین را به نظم کشیده است.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- اثری را برگزیده که می‌توان محتوایش را به کودک و نوجوان منتقل کرد.
- با مفهوم و هدف اصلی مأخذ انطباق دارد.
- بازنوشتۀ کتب‌جاوی خواننده و علاقه‌او را به خواندن متن اصلی برمی‌انگیزد.

کیفیت ساخت و پرداخت

- پراکندگی در ساخت و پرداخت نیست مطلب به سادگی خواننده را به نتیجه رسانده است.

- هماهنگی محتوا و ساخت حفظ شده است.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- زبان و بیان ساده و گویاست.

- از استخوانبندی و اسلوب و روح نوشته اصلی عدول نشده بل واژه‌ها و ترکیبات در عین سادگی متن مأخوذ از متن اصلی است.

- اصول زبان و ادب فارسی در آن رعایت شده است.

اجزاء تکمیلی

- شرح و توضیح کاملی دارد. نداشتن تصویر با توجه به گروه سنی مربوط آن چندان اشکالی ایجاد نمی‌کند.

- نمونه‌ای از ابیات (در ملحقات شاهنامه مربوط بهبرزونامه) می‌توانست اثر را مستندتر کند.

مشرف آزاد تهرانی، محمود، زال و سیمرغ. روایت از متن شاهنامه فردوسی. نقاشی از نورالدین زرین کلک. تهران: کانون پرورش فکری ۱۳۵۱. ۲۴ ص (گروه سالهای پایان دبستان).

«سام پسر زریمان جهان پهلوان بود، پهلوان هفت کشور، خاندان سام همه از پهلوانان بودند.»

داستان به دنیا آمدن زال با موی و روی سپید که برای پدر و مادر و اطرافیان عادی نیست و شرم دارند. او را به دامن کوهی می‌برند و رها می‌کنند. سیمرغ او را بزرگ و زمان پشیمانی سام برمی‌گرداند. مردم زابلستان به پیشباز زال می‌آیند. بازنوشته‌ای است با ارزش روان و ساده با بار فرهنگی شاهنامه تزئین شده.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- افسانه ارائه شده پاسخگویی علاقه‌مندی کودکان بدین نوع افسانه‌ها است. در آنها نیاز به دانستن مفاهیم و نامهای داستان را ایجاد می‌کند.

کیفیت ساخت و پرداخت

- با متن اصلی صادقانه و با رعایت امانت رفتار شده است.

- هماهنگی محتوا و ساخت حفظ شده است.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- زبان و بیان ساده و قابل درک است.

- استخوانبندی و اسلوب و روح نوشته اصلی در نظر گرفته شده است.

اجزاء تکمیلی

- شرح و توضیحی بر معرفی داستان ندارد. شاید با چند جمله ساده می شد اشاره ای به متن اصلی و مؤثرش کرد.

- نقاشی کتاب سبک خاص پرده ای را دارد.

از این کتاب فیلمی تهیه شده که فیلمنامه آن را ابراهیم فروزش و علی اکبر صادقی نوشته اند.

مهربان، کوروش. گردآفرید. براساس داستانی از شاهنامه فردوسی، نقاشی از علی اکبر صادقی. تهران: کانون پرورش فکری، ۱۳۵۲ (سالهای آخر دبستان).

خلاصه داستان

«سهراب برای جنگ با کاوس به ایران می آید تا پدر را بر تخت بنشاند و او را از نزدیک ببیند. افراسیاب شاه توران زمین چون این خبر را شنید دلیران جنگی خود را پیش خواند و پنهانی به آنان گفت: بدانید که سهراب فرزند رستم است. سالها پیش گذار آن پهلوان به سمندگان افتاد و دختر شاه سمندگان را به همسری برگزید. سهراب یادگار آن پیوند است... اگر پدر و پسر یکدیگر را بشناسند هرگز به روی هم شمشیر نمی کشند پس کاری کنید که سهراب رستم را نشناسد. زیرا گرفتن ایران بی رستم بس آسان است. در مرز ایران دژی بود سپید و استوار و بلند با چندین نگهبان، نگهبان دژ سپید هجیر، به مبارزه سهراب می رود و گردآفرید دختر شجاع او نیز، نبردی سخت بین گردآفرید و سهراب درمی گیرد که چون گردآفرید خود را برابر نمی بیند برمی گردد که سهراب بدو رسیده کلاه خود را از سرش برمی دارد و می فهمد زنی است در جامه رزم مردان.

گردآفرید دلاور زرین موی به سهراب جوان آموخت که در ایران زمین زنان نیز چو مردان و خردان نیز چون بزرگان همگان با دشمن می جنگند. وقتی سهراب دژ را می گیرد همه از آن رفته اند.»

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- محتوای داستان ارزش انتقال به کودکان را دارد.
- کودک را به پرسش و علاقه‌مندی نسبت به شاهنامه فرامی‌خواند.

کیفیت ساخت و پرداخت

- در ساخت و پرداخت با مآخذ هماهنگی دارد.
- پراکندگی در ساخت و پرداخت در رسیدن به نتیجه نیست.
- شخصیتها در قالب رفتاری خویش قرار گرفته‌اند.

کیفیت بیان و شیوه نگارش

- قلم با واژه‌های آشنای شاهنامه پیش می‌رود.
- روح حماسی در واژه‌ها منعکس است.

اجزاء تکمیلی

- تصاویر در همه صفحات گویا و مطابق محتوا نیست.
- بد نبود بیتی از شاهنامه و وصفی از فردوسی حتی به اندک و ساده در انتها یا ابتدای اثر آورده می‌شد.

یارشاطر، احسان. *برگزیده داستانهای شاهنامه*، از آغاز تا پیروزی کیکاووس بر شاه مازندران. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۳. ۲۴۲ ص (گروه سنی نوجوانان و جوانان، مصور بدون اعلام نقاشی).

در سال ۱۳۳۶ *برگزیده‌ای از داستانهای شاهنامه* را جهت آشنایی بیشتر با اثر بلند پایه فردوسی به نثر درمی‌آورد. اثر کوتاه بود بدین رو این اثر را به‌وجود می‌آورد که شامل هیجده داستان طولانی است. بازنویس می‌نویسد: «کوشیدم تا در شیوه گفتار از استاد طوس پیروی کنم، تا بتوانم صور خیال و طنین سخن فردوسی را نگاه دارم اما می‌دانم که این اثر سایه کمرنگی از شعر بلند شاهنامه است. امید که خوانندگان را به شاهنامه فردوسی راهبر شود. دریغ می‌دیدم که شعر فردوسی را در نثر خود بشکنم. چند بیتی از شاهنامه را در طی کلام آوردم... که این خود ذوق سخن فردوسی را در کام خواننده بنشانند و شوق فرد را برای خواندن شاهنامه برانگیزد.» قدرت درک و ارائه ظرائف متون اصلی از طرف بازنویس همین است که در جملات خواندیم.

در این کتاب ترتیب داستانها همان است که در شاهنامه آمده است. با فهرست مندرجات بسیار مشخص. داستان سروشن شاهنامه از زبان فردوسی شروع به نخستین شاهان کیومرث و سیامک پرداخته در فاصله اشعاری از شاهنامه به مثال می آورد. آغاز تمدن را از زمان هوشنگ اعلام می دارد و داستان جمشید چنان که رفته است، سپس داستان ضحاک که پایان کار جمشید است تا در بند کردن ضحاک به وسیله فریدون که زیر عنوان کاوه آهنگر می آید چه نقش اصلی را کاوه آهنگر دارد. بیان ریشه جشن مهرگان در تاج کیانی نهادن فریدون بعد از پیروزی بر ضحاک، داستان فریدون و سه فرزندش و تدابیری که فریدون برای هوشمندی فرزندان پیش می گیرد و ازدواج آنها و نامگذاری همسرانشان به نام پارسی.

داستان ایرج: فرزند کهر فریدون به کین و بدست برادرانش سلم و تور از پا درمی آید و فریدون از داغ فرزند به رثاء می پردازد.

خونخواهی منوچهر: منوچهر از دختر ایرج و برادرزاده فریدون پشنگ زاده می شود. منوچهر به خونخواهی نیای خود سلم و تور را می کشد.

داستان سام و سیمرغ: سام نریمان امیر زابل و سرآمد پهلوانان ایران فرزندی نداشت. صاحب فرزند نیک چهره ای شد که سرو رویش چون برف سپید بود. کودک را از ترس سرزنش اغیار به کوه البرز برد و...

داستان زال و رودابه: چون سام به جنگ دیوان مازنران می رود زابلستان را به زال می سپارد. زال در این مدت با رودابه دختر امیر کابل آشنا می شود. پیوند جهت سام مطلوب نیست چه نژاد خودشان به فریدون و نژاد رودابه به ضحاک می رسد. منوچهر نیز از امکان پیوند این دو به هراس می افتد، اما ستاره شناسان نتیجه ازدواج را نیک می بینند. پس زال و رودابه ازدواج می کنند.

رستم دستان: رستم از پهلوی رودابه زاده می شود (اولین سزارین تاریخ). شگفت اندرو مانده بود مرد و زن که نشنید کسی بچه پیل تن او را به دلیل نوع تولدش رستم نام نهادند. ده دایه او را شیر می دادند.

آغاز نبرد میان ایران و توران: بعد از منوچهر نوذر به شاهی می رسد. افراسیاب به ایران می تازد. زال در مراسم مرگ سام است و کارها در دست پدر رودابه مهرباب، افراسیاب نوذر را به خونخواهی سلم و تور می فرستد نوذر را که به چنگش اسیر است می کشد. پادشاهی به زو فرزند طهماسب از نژاد فریدون می رسد (چون فریدون را بر

عدل دیده بودند سعی می‌کنند شاهی در تخمه او باشد). زو را مرگ فرارسید و گرشاسب بر تخت نشست.

رخش رستم: چگونگی رام کردن رخس نافرمان است به دست رستم.

دل زال زر شد چو خرم بهار ز رخس نوآیین و فرخ سوار
رستم و کیکاووس: کیکاووس را از نژاد فریدون برای پادشاهی می‌یابند.

جنگ کیکاووس با دیوان مازندران: کیکاووس فرزند بزرگ‌تر خود کیکاووس را به شاهی برمی‌گزیند. رامشگری از دیوان خود را به بندگی معرفی می‌کند و می‌خواند که: که مازندران شهر ما یاد باد همیشه برو بومش آباد باد که در بوستانش همیشه گل است به کوه‌اندرون لاله و سنبل است کاووس مایل به جنگ با دیوان مازندران می‌شود. زال می‌رود تا او را منصرف نماید. موفق نمی‌شود کاووس می‌رود دریند می‌افتد.

هفت‌خوان رستم: هفت‌خوان رستم برای کارهایی که باید مشکلات را طی کرد تا به نتیجه رسید به صورت ضرب‌المثل به کار می‌رود. در جنگ کاووس با دیوان مازندران، کاووس و سردارانش به زندان تیره می‌افتند و رستم با کشتن دیو سفید و چکاندن خون او در چشم کاووس او را دوباره بینا نموده و روز هشتم به فرمان کیکاووس به گشودن مازندران دست بردند و دیوان جاودان را هلاک کردند.

نبرد کیکاووس با شاه مازندران: بعد از سرکوب دیوان نوبت همداستان ایشان شاه مازندران بود کاووس به او نامه می‌نویسد... رستم با شاه مازندران جنگیده و پیروز می‌شود. کیکاووس بر مردم بدین نعمت بخشش می‌کند، رستم نیز با کلاه شاهی در کنار او جای گرفته است کیکاووس خلعتی شایسته برای تهمتن می‌آراید. عدم جدایی مردم و قهرمان و پادشاه را وقتی پادشاه به مردم و پهلوانان خود ارج می‌نهد نشان می‌دهد.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- مفهوم و هدف اصلی حفظ شده است.

- هیچ‌گونه تحریفی صورت نگرفته است.

- این بازنویسه حس کتب‌کاوی خواننده و علاقه او را به خواندن متن اصلی برانگیخته است.

- گزینش داستانها بر ارزشمندترین مفاهیم انسانی در شاهنامه استوار بوده است.
- شخصیتها و پیام آنها مطابق مأخذ است.

کیفیت ساخت و پرداخت

- در ساخت و پرداخت هماهنگی بوده و به روانی خواننده را به نتایج داستان جلد اول شاهنامه رسانده است.

- در محتوی و ساخت انطباق با مأخذ دارد.
- در حرکت اثر از نظم به نثر به دلیل استفاده از اشعار شاهنامه، ساخت شباهت به مأخذ یافته است.

کیفیت زبان و شیوه بازنویسی

- زبان ساده و روان و در انطباق کامل با مأخذ است.
- مختصات سبکی شاهنامه و ترکیبات و اصطلاحاتش بکار رفته است.

اجزاء تکمیلی

- ارائه تصاویر در ارتباط با متن، اما شکوه شاهنامه در آنها منعکس نیست.
- شرح و توضیح و فهرستهای آن کافی و واژه‌نامه‌های فارسی به انگلیسی جهت استفاده دانشجویان خارجی دارد.
- در مجموع کاری است ارزنده که تسلسل داستانها بر روند شاهنامه، خود در آموزش موضوعی شاهنامه مؤثر است. بازنویس در حد امکان فردوسی و شاهنامه را شناسانده و علاقه نوجوانان را به شناخت فرهنگ پهلوانی و اساطیری برمی‌انگیزد.

کیانوش، محمود. از کیکاووس تا کیخسرو. با عنوان فرعی سیاهی. تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۴. ۸۷ ص. (گروه سنی جوانان و نوجوانان).
عنوان توصیفی این جلد سیاهی است. شروع سلطنت کاووس، زندگی و جنگهای او را با روند و تسلسل شاهنامه تا داستان رستم و سهراب در خود دارد که موضوع نیز همین داستان است.
با نتیجه:

«این بار نیز کاووس با دریغ داشتن نوشدارو از سهراب نشان داد که خودکامه‌ای است خودپرست و در این جهان مگر برای آرزوهای خویش، برای هیچ کس ارجی نمی‌شناسد. آنچه او با رستم کرد هیچ دشمن با رستم نکرده بود.

اکنون کاووس به ایران به شاهی بازگشته بود و آسودن و باده پیمودن از سر گرفته بود. پهلوانان و سرداران او نیز که در سختیها درمی ماندند و از رستم یاری می خواستند اکنون شاد و آسوده جان بودند و با می و شکار خود را سرگرم می کردند اما مردم زابلستان سوگوار سهراب بودند.»

و این است تنهایی قهرمانان در زمان حکومتهای خودکامه.
کیانوش با این نتیجه تمامی شاهان نظیر کاووس را به نقد می کشد.

کیانوش، محمود. از **کیکاووس تا کیخسرو**. با عنوان فرعی **شبیگیر**. تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۴. ۹۵ ص.

این قسمت ادامهٔ تسلسل داستانی شاهنامه در پادشاهی کیکاووس است. زندگی سیاوش است که با بدمشی و بدکنشی کیکاووس به سرنوشت تلخی می رسد که در تاریخ ثبت است. کاووس به او بدگمان می گردد وقتی سودابه اشتباه می کند، در جنگ سیاوش پیروز می شود او فرمان خلاف نتیجهٔ جنگ صادر می کند و سیاوش از او می گریزد. و به افراسیاب نزدیک می گردد، پیمان می بندد و بدانسان جان در راه تدبیر پدر می بازد.

«بدین سان روزگار سیاوش به سر آمد این بار خودکامگی کاووس و بی خردی و تندخویی او با نادانی و می خواری و خونریزی افراسیاب همراه شد درخت کینه را با خون سیاوش در سرزمین ایران و توران آبیاری کرد.»

کیانوش، محمود. از **کیکاووس تا کیخسرو**. با عنوان فرعی **آفتاب**. تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۴. ۷۹ ص.

پیران از فرنگیس حمایت می کند، تا فرزند سیاوش به دنیا بیاید. پیران برای درامان ماندن کیخسرو از دست افراسیاب او را به شبانی به شبانان کوه «قلا» می سپارد و او در آنجا بزرگ می شود. ده ساله بود که شبان به شکوه آمد:

«من از این شیر سرفراز پیش تو به گله آمده ام هفت ساله بود که شکار آهو را آغاز کرد. اکنون چندی است که شکار شیر و پلنگ...»

این داستان آمدن کیخسرو است به ایران و انتقامجویی ایرانیان از افراسیاب و کشته

شدن فرود فرزند سیاوش به دست طوس و بخشیدن کیخسرو طوس را و...
«ویرانیهای زمان کاووس همه جای به آبادی و خرمی داد. دلپهای خسته و دردمند
زمان کاووس شادی و روشنی یافت. و با بهروزی و دادگستری کیخسرو همه
پیشانیها...»

این اثر که خود بازنویس آن را بازنوشته می‌داند ضمن رعایت امانت کامل در بازنویسی
مایه‌ای از بازآفرینی دارد. با آنکه خود برای جوانان نوشته ولی مناسب نوجوانان نیز
می‌باشد. دادن عناوین فرعی سیاهی، شبگیر و آفتاب تحلیلی بر تاریخ شاهنامه می‌باشد
و بی‌نظیری فردوسی را که می‌خواهد تاریخ را با خوب و بدش به نقد و محاکمه کشد، در
کار کیانوش نیز ترسیم است. فرهنگ نامهای آن بهترین و بزرگ‌ترین نتیجه کار
بازنویس است چه ضمن معرفی شخصیتها، نوجوان را به بازنگری به واژه‌نامه‌ها و
افزایش اطلاعات خود ترغیب می‌کند. در ضمن نسبت به واژه‌ها و ترکیبات خاص
شاهنامه آگاهی درستی می‌یابد.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- مفاهیم و محتوای مأخذ را به درستی منتقل نموده است.
- داستانهای گزیده شده علاقه نوجوان را به مطالعه و خواندن شاهنامه برمی‌انگیزد.

کیفیت ساخت و پرداخت

- مطلب را شیرین شروع نموده و منطقی به پایان رسانده است.
- نوآوری در ساخت و پرداخت اثر ضمن انطباق با مأخذ اثر وجود دارد.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- اثر با قلمی ساده و روان و توانا نزدیک به متن اصلی با استفاده از صنایع لفظی و
معنوی مأخذ آمده است.
- از استخوانبندی، اسلوب و روح نوشته اصلی عدول نکرده است.

اجزاء تکمیلی

- نیاوردن اشعار شاهنامه به عنوان نمونه یا در فاصله.
- زندگی فردوسی و وصف شاهنامه را ندارد با آنکه عملاً بهترین وصف را با کار خود از
شاهنامه نموده است.

- فهرست مناسبی از نام و مأخذ دارد.
در مجموع اثری است بسیار باارزش که با فرم فیلمنامه‌ای خود می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

فرزانه دهکردی، رضا. *داستانهای شاهنامه برای کودکان و نوجوانان*. تهران: پدیده، ۱۳۵۴. ۲ ج (گروه سنی کودکان و نوجوانان).
با مقدمه‌ای باارزش در زمینه فرهنگ و کار فردوسی شروع می‌کند. سبب بازنویسی و ساده‌نویسی از این اثر باارزش را در این می‌بیند که چون نوجوانان و کودکان وقت یا سواد خواندن شاهنامه را ندارند، چنین حرکتی می‌تواند سازنده باشد.
برای آشنایی بیشتر کودکان با شاهنامه اشعار شاهنامه را زینت‌بخش دفتر خود کرده است. با ترتیب شاهنامه در دو جلد پیش می‌رود. جلد دوم بیشتر به خاندان رستم ارتباط دارد. و جلد اول به فریدون و فرزندان و داستان ایرج.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- در هر گفت‌وگو ابتدای سخن را در نثر خود می‌آورد و نتیجه را به شعر فردوسی وامی‌گذارد تا از زبان شخصیت داستان در فرم اصلی نتیجه سخن گفته آید. حسن دیگر معنی کردن واژه‌های مشکل به صورت زیرنویس است.
- تصاویر، خاص کتاب نیست و تابلوهای امانتی است.
- مفاهیم و داستانهای باارزش اما تکراری را برگزیده است.
- داستانهای ارائه شده خواننده را به خواندن اثر اصلی ترغیب می‌کند.
- مسائل ذهنی عاطفی و زبانی کودکان در آن رعایت شده.

کیفیت ساخت و پرداخت

- بازنویسته در تسلسل و نظم داستانی منطبق اثر اصلی است.
 - بین محتوا و ساخت هماهنگی حفظ شده است.
- #### کیفیت زبان و شیوه نگارش
- زبان و بیان ساده و روان بوده گرچه واژه‌ها و ترکیبات شاهنامه‌ای کمتر به کار برده شده لیک حال و هوای شاهنامه را دارد.

اجزاء تکمیلی

- فهرست، واژه‌نامه، معرفی اثر و مؤثر را دارد. اما چنان که گفته آمد تصاویر تکراری و اماتی است.

بهار، مهرداد. *بستور*. نقاشی از نیکزاد نجومی. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۵۴. ۲۸ ص (گروه سنی کودکان).

«از پهلوانان ایران تنها بستور (نستور) پسر خردسال زیربکین جوئی برخاست و چنین گفت: «رزم ایران بینم و اینکه آن سپهبد دلیر پدر من زیر زنده است یا مرده. پس وشتاسب شاه گفت تو مشو چه تو آپورناکی (نادانی) و پرهیز رزم...»^۱ این منظومه در *ایاتکار زریران* آمده است و نیز در *شاهنامه*. پذیرش دین زرتشت از طرف گشتاسب پادشاه ایران ارجاسب پادشاه توران را به ستیز وامی‌دارد. زیر برادر گشتاسب در این جنگ به‌دست بیدرفش جادوگر کشته و بستور فرزند هفت ساله زیر از گشتاسب می‌خواهد به جنگ تورانیان رود. ممانعت گشتاسب سودی ندارد. بستور با وجود رویارویی با جادو و فتنه‌گری بیدرفش موفق می‌شود که او را بکشد و همراه اسفندیار در جنگ پیروزی کسب کند و برای رسیدن به سرداری سپاه آرزوی بزرگ شدن و کمال می‌کند این آرزو به حصول می‌پیوندد و او بنابر قول گشتاسب که هرکس در این جنگ فاتح شود با دختر من ازدواج می‌کند با هما ازدواج می‌کند.

کتاب *بستور* افسانه‌ای حماسی، اساطیری است که با نیروی ایمان شورانگیزترین حماسه به‌وجود می‌آید و شجاعت بر جادو و کودکی و خواست بر قانون طبیعی پیروز می‌شود. این اثر که به نوعی در *شاهنامه* آمده. کار به روال بازنویسی و بازآفرینی است از طرف بهار. اشاره بهار به مأخذ و تعریف ساده‌ای از آن و آوردن چندبیتی به معرفی مفید می‌بود.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- پهلوانی يك كودك هفت ساله برای کودکان ارزشمند است.

۱۴. ذبیح‌الله صفا. *حماسه‌سرایی در ایران*. همان، ص ۱۲۹.

- انطباق کامل با محتوای مأخذ دارد.

- بازنویسته حس کنجکاوی کودکان را به شنیدن در زمینه اصل چنین افسانه‌هایی برمی‌انگیزد.

- موضوع بازنویسی تکراری نبوده ابتکار گزینش دارد.

کیفیت ساخت و پرداخت

- هماهنگی محتوا و ساخت حفظ شده است.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- زبان و بیان روان و با متن اصلی انطباق دارد: «فریاد خشمگین بستور و صدای گامهای تند اسب در کوه و صحرا پیچید.» یا «به رسم پهلوانان در برابر گشتاسب شاه زمین را بوسید. بر پشت اسب چابکش پرید و دهانه اسب را کشید.»

اجزاء تکمیلی

- هیچ‌گونه شرح و وصف مختصری نیز ندارد. فقط گویایی بیان، کودک را به پرسش مناسب در شناخت اثر اصلی می‌کشانند.

مشرف آزاد تهرانی، محمود. *زال و رودابه*. نقاشی از نورالدین زرین کلک. تهران: کانون پرورش فکری، ۱۳۵۴. ۳۲ ص. (سالهای آخر دبستان).

داستان معروف زال و رودابه تا بعدنیا آملن رستم است. براساس پادشاهی دادن سام زال را ص ۱۱۷-۱۷۶ ج. ۱ شاهنامه قسمتی از متن بازنویسته:

«می‌دانیم که مرا در دل سرزنش می‌کنید و از سخنان من در خشم شده‌اید. دریغ از فرزاندگی و خرد که شما نیز ناروا بر سهراب کین می‌ورزید و چنین بیهوده می‌پندارید که ستمگری نیز، چون سیاهی چشم و سپیدی روی از پدران به فرزندان می‌رسد. چنان‌که گویی در جهان همه ستمگران از مادر، ستمگزراده می‌شوند.»

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- مفهوم و هدف اصلی حفظ شده است.

- بازنویسته حس کنجکاوی و علاقه او را به خواندن متن اصلی برمی‌انگیزاند.

کیفیت ساخت و پرداخت

- هماهنگی محتوا و ساخت حفظ شده است.

- پراکندگی در ساخت و پرداخت نیست.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- زبان با متن اصلی انطباق دارد.

- فارسی سره بوده و زبانی است که کودکان آن را می‌فهمند.

اجزاء تکمیلی

- بر تابلوهای آن بسیار کار شده و ارزش هنری دارد.

- چهره، شخصیت و لباس برای مصور شناخته شده و منطبق با محتوای متن اصلی است.

- تصاویر حال و هوای زمان ماجرای کتاب را منعکس می‌سازد.

- هیچ‌گونه شرح، تعریف و توضیح در سطح گروه مطالعه کننده ندارد.

مشرف آزاد تهرانی، محمود. *هفت‌خوان رستم*. به روایت م. آزاد. نقاشی نفیسه ریاحی. تهران: کانون پرورش فکری، ۱۳۵۵. ۲۸ ص (گروه سنی سالهای آخر دبستان).

بر اساس پادشاهی کیکاووس صدوپنجاه سال بود. *هفت‌خوان رستم شاهنامه* فردوسی. ج ۱۰. ۲۵۱-۲۹۹.

با شعر مازندرانی شاهنامه شروع و با توانایی بازنویس ماجراها چنان که قبلاً آمده است ادامه می‌یابد.

سهمی از نثر کتاب: «رستم با پدر چنین گفت که من سر به فرمان تو دارم اما پیاده به دوزخ رفتن کار خردمندان نیست.»

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- حفظ امانت در روایت در ساده‌نویسی شده است.

- بازنویسه مورد توجه کودکان و نوجوانان می‌باشد.

- به مسائل ذهنی و عاطفی و زبانی کودکان توجه شده است.

کیفیت ساخت و پرداخت

- پراکندگی در ساخت و پرداخت نبوده است.

- هماهنگی محتوا و ساخت حفظ شده است.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- زبان ساده و روان و درخور شاهنامه است.

اجزاء تکمیلی

- کتاب شرح و توضیح و مقدمه‌ای در حد کودکان ندارد.

- این داستان به کرات مورد بازنویسی قرار گرفته است.

- تصاویر هنری باارزشی دارد.

مشرف آزاد تهرانی، محمود. *کاوه آهنگر*. تهران: نشر ایما، ۱۳۵۶. ۳۱ ص.

بی‌تصویر (گروه سنی پایان دبستان و دوره راهنمایی).

براساس ج ۱۰ شاهنامه، ص - ۲۱-۵۲.

داستان هفتصد سال پادشاهی جمشید است و اختراع و آبادانی او تا چگونگی

پدید آمدن نوروز و آنگاه منم کردن جمشید بر مردم و شروع استبدادش و بیزاری مردم از

او و دور شدن عنایت و نظر خداوندی نسبت به او و نازل شدن خشم خداوندی به‌سوی او.

از میان رفتن جمشید است با خروج ضحاک بر او.

حال بیان داستان ضحاک است و کشتن پدرش به فریب شیطان و بوسیدن شیطان

شانه‌هایش را و روییدن دو مار از آن و راهنمایی شیطان در فراهم کردن غذا برای ماران

با مغز جوانان و شروع ستم ضحاک در کشتن بی‌وقفه جوانان. دادخواهی کاوه آهنگر با

آگاه نمودن مردم و حمایت از فریدون در به بند کشیدن ضحاک در کوه دماوند و به شاهی

نشستن او به یاری کاوه آهنگر.

بازنویس یا راوی با صداقت و امانت تمامی داستان را با قلمی ساده و روان با همان

تسلسل ماجراهای شاهنامه بازگو کرده است. ماجرای دادخواهی فریدون را به سه دلیل

پاک کردن جهان از بدی، دربند نمودن ضحاک و کین‌خواهی پدر بر همت و رادمردی کاوه

آهنگر بنا نهاد. که هدف او را نجات مردم از ظلم و جور ضحاک دانسته. هیچ خواست

دیگر و پاداش در مقابل مبارزه‌اش نمی‌خواهد.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- مفهوم و هدف اثر اصلی منتقل شده است.
- هیچ گونه تحریفی صورت نگرفته است.
- مجموعه داستانهای برگزیده شده که محتوای آن مناسب انتقال به کودکان و نوجوانان است.

- بازنویسه حس کنجکاوی خواننده را به خواندن شاهنامه برمی‌انگیزد.

کیفیت ساخت و پرداخت

- هماهنگی محتوا و ساخت حفظ شده است.
- ساخت و پرداخت به گونه‌ای مطلوب به نتیجه لازم می‌رسد.

کیفیت زبان و شیوه بیان

- اصول زبان فارسی رعایت شده است.
- استخوانبندی، اسلوب و روح حماسی و پرشکوه شاهنامه حفظ شده است.
- واژه‌های آشنای شاهنامه در آن منعکس است.

اجزاء تکمیلی

- نمونه‌ای از شاهنامه و بیتی به شاهد نیامده است. بهتر بود به ذکر روایت از شاهنامه اشاره می‌کرد.

کانون پرورش فکری. عبدالرزاق پهلوان. براساس داستان پهلوانی ایرانی. تهران: کانون پرورش فکری. ۱۳۵۷-۱۳۵۸. حدود ۲۴ صفحه (گروه سنی، سالهای آخر دبستان).

به سادگی و روانی نوشته آمده، ارزشهای اخلاقی پهلوانان ایرانی را در گرفتن حق مردم از زورگویان و ثروتمندانی که با پول مردم کاخ ساخته‌اند نشان می‌دهد. پهلوان به دعوت وزیر حاکم وارد شهر شده مردم را از فقر نجات می‌دهد و با پهلوان دربار مبارزه و او را شکست می‌دهد و به مقام و منصب می‌رسد. اما در اولین فرصت خود را از قید مقام دنیا وامی‌رهاند. زمان دوران مغول به نظر می‌آید. پهلوان هم پهلوانی نظیر سربداران می‌باشد.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- مآخذ اثری است که می‌توان محتوای آن را به کودکان منتقل نمود.

- مسائل ذهنی و عاطفی کودکان و نوجوانان در آن در نظر گرفته شده است.

کیفیت ساخت و پرداخت

- هماهنگی محتوا و ساخت حفظ شده است.

کیفیت زبان و شیوه بیان

- فارسی سره و برای کودکان قابل درک است.

اجزاء تکمیلی

- تصاویر رنگی زیبایی دارد، الهام گرفته از اثر است، متناسب با زمان و مکان و ماجراهای متن است.

- از رنگ بیشتر از حد لازم در تصاویر استفاده شده است.

- هیچ‌گونه شرح و توضیحی نسبت به متن اصلی یا روایت ندارد.

بروشکی، هوشنگ. *اسب سپید بالدار*. (همراه نوار). تهران: سازمان پژوهش، ۱۳۶۳. ص ۳۲. با الهام از حکیم ابوالقاسم فردوسی.

با معرفی این اثر تمامی آثاری را که چنین نوامیس و فرهنگ و زبان مردم را به سخریه می‌گیرند به محاکمه می‌کشم.

نویسنده نه فردوسی را شناخته و نه شاهنامه، نامه سرگشاده مردم در بیان فرهنگ و زبانشان را. دوره اساطیری و عهد پهلوانی شاهنامه را فقط برای آنکه جمشید فره ایزدی از او گرفته شده است به ریشخند و مقایسه می‌گیرد. پادشاهان بد برای تشبیه در طول تاریخ فراوان داریم حال چرا باید از شاهنامه الهام می‌گرفت که فلسفه پشت آن را هم درک نماید.

فردوسی سی سال تمام رنج برد تا زبان فارسی را جان همیشگی بخشد و بسیاری از آداب و رسوم و تاریخ و داستانهای حماسی را یکجا از دستبرد زمانه محفوظ بدارد. حال رهنی سه ساعته به کاخ بلند اخلاقیات فردوسی می‌تازد و آنچه را از باد و باران گزند نیافته می‌خواهد مورد حمله قرار دهد و درست به رسالت او در زمینه زبان خدشه وارد آورد.

«جارجی دور شوید کور شوید کر شوید کیومرث قریون قدرت خدا برم اگه بارون نیومده بود... کیومرث آره این آهن معجزه می‌کنه موزیک هیزم نیمه نیمه... آتیش سرخ هیمه.»

از هیچ‌گونه هویتی در ارزشیابی برخوردار نیست.
تمامی آثاری که با شاهنامه مورد بررسی و انطباق قرار گرفته است براساس شاهنامه: رمضان، محمد. شاهنامه فردوسی. به تصحیح و مقابله و همت محمد رضائی. تهران: کلاله خاور (انتشارات پدیده). ۱۳۶۵-۱۳۱۲. ۵ ج

گزیده‌ای از يك مقاله در رابطه با «وصف حال ما و روزگار ما با کتاب شریف شاهنامه پیش از انقلاب و پس از انقلاب»^{۱۵}

«فردوسی سعی کرده است که فرهنگ و تاریخ ایران پیش از اسلام را احیا کند بدین وسیله سندی برای قومیت ایرانی بسازد و مطابق این برداشت مطالب شاهنامه سراسر مربوط به ایران پیش از اسلام است و فردوسی کاری با اسلام و ایران دوره اسلامی نداشته است. البته کسی منکر این نیست که در شاهنامه اشعاری هم درباره پیغمبر اسلام (ص) و حضرت علی (ع) آمده است ولی تعداد این ابیات در جنب آن همه داستانها و مطالبی که فردوسی درباره ایران سروده است بسیار کم است و چیزی جز يك اعتقاد شخصی و خصوصی نیست و محققان تاریخ فرهنگ ایران پیش از اسلام می‌توانند به راحتی از آنها صرف‌نظر کنند. تعداد ابیات اسلامی شاهنامه... اندک است ولی کمیت این ابیات از اهمیت آنها به هیچ‌وجه نمی‌کاهد و در واقع این ابیات معدود تشخیص همان روحی است که به شاهنامه حیات بخشیده است. مجموعه اسطوره‌ها و داستانها و مطالب تاریخی شاهنامه که درباره ایران پیش از اسلام است کالبدی است که شاعر در آن روح توجه به نبوت و ولایت را دمیده است. اگر فردوسی صرفاً يك مشت افسانه و داستان تاریخی را در کتاب خود ضبط کرده بود و این روح را در آن ندیده بود اشعار او با همه هنری که شاعر در سرودن آنها به خرج داده است نمی‌توانست

۱۵. نصرالله پورجوادی. «نگاهی دیگر به فردوسی علیه الرحمه». نشر دانش. سال هشتم (اول)، آذر، دی

مقامی را که در فرهنگ اسلامی یافت احراز کند.

... والا چطور می توانست بگوید عجم زنده کردم بدین پارسی این زنده کردن بازگشت به گذشته نبود چنین چیزی محال بود اتفاق بیفتد. فردوسی می خواست با تذکر به گذشته ایران هویت جدید ایران را تعیین کند و ایران را به پیش ببرد. تعیین این هویت جدید عمیق ترین نیاز زمانه بود. ایران از لحاظ فرهنگی در يك حالت سرگردانی به سر می برد. اسلام جهان بینی را براساس وحی محمدی (ص) به وجود آورده بود. اقوامی که این جهان بینی را پذیرفته بودند دو راه در پیش داشتند یکی اینکه از هویت قدیم خود چشم ببوشند و در تمدن جدید مستهلک شوند و دیگر آنکه با تذکر به گذشته خود هویت جدیدی اختیار کنند و با تشخیص فرهنگی به جهان اسلام بپیوندند.

... باده ای که فردوسی در جام دل خود پیمود باده ای بود صافی و ایرانی و ایرانی بود خالی از شائبه شرك و آماده قبول نور. توجه به این معنی را در سراسر اشعار شاهنامه می توان ملاحظه کرد.»

نتایج و پیشنهادها

الف:

در هر صورت چه راویان و نقالان که در مجامع و محافل شاهنامه را بازگو می کنند و چه بازنویسان و بازآفرینانی که تاثیر اصلی را از شاهنامه دریافت می کنند و به نوعی منتقل می سازند، در جلب توجه کودکان به مطالبی که قادر به خواندن یا درکش نیستند کار خوبی را بنا نهاده اند. حال اشکالی ندارد در راه رسیدن به هدف نهایی که علاقه مند کردن کودکان و نوجوانان به خواندن و درك شاهنامه و فرهنگ گسترده در آن و زیباییهای شعر آن است زبان و بیان و ساخت دیگری را به یاری گیرند. به هر طریقی که شاهنامه مطرح شود به شرط حفظ نفوذ و روح آن کاری بزرگ انجام شده است.

در مورد آثار دیگر حماسی به زبانهای باستانی ایران مانند اوستایی، فارسی باستان، پهلوی، سغدی و پارسی که موجب آشنایی گروه مطالعه کننده به فرهنگ و تاریخ باستانی آنها می شود کمتر کار شده است و نهایتاً سه بازنویس آقای احسان یارشاطر و خانم مهدخت کشکولی و آقای بهار، بدین امر پرداخته اند.

روایات و حکایات حماسی که تاریخ مدونی را تشکیل می دهد، بهترین آثار برای انتقال

به کودکان است به‌طریق افسانه که آنان را درخور و دلپذیر است. برای نوجوانان آموزش فرهنگ و ادب رسمی ضمن ارضای روح قهرمان دوستی آنهاست. از جمله ارزشهای آثار حماسی بالیدن نیروی تلاش و سازندگی و درك نیروی نهفته در انسان است که می‌تواند به یاری خدایش بر بدیها هرچند بزرگ و نشکستی غلبه یابد. و این نتیجه‌ای بوده که اکثر آثار بازنوشته از آثار حماسی خاصه شاهنامه به کودکان و نوجوانان داده شده است. اما هنوز در ابتدای کاریم.

حال عظمت ادبیات حماسی خاصه شاهنامه این پرسش را پیش می‌آورد که در این دریای کرانه ناپدید کی کودک، نوجوانان و جوان را باید شنا کردن آموخت. خواندن و آموختن شاهنامه را از چه زمانی باید شروع کرد؟

مقدمه مختصری که بر شاهنامه، حماسه‌سرایی و سبك ادبی شاهنامه آوردیم و نگاهی که بر مجموع آثار بازنوشته افکندیم، نتیجه‌گیری را آسان‌تر می‌سازد.

اگر شاهنامه را یکی از شاهکارهای ادبی جهان و موارث بشری، و فردوسی را نگاهدارنده زبان فارسی و تأثیرگذارنده بر ادب پارسی بشناسیم و بپذیریم که شاهنامه فردوسی برای زبان و ادبیات فارسی و تاریخ و فرهنگ و سنت و ملیت ایران چه مقامی دارد، آموزش شاهنامه را به هر وسیله مطلوب از همان اوان کودکی تصویب می‌کنیم. اما تعصب بورژیم در مورد صلاحیت بازنویس که خطایی در این مورد قابل بخشش نیست، چه از يكسو امانت فرهنگی يك مملكت در دست است و از سوی دیگر آینده فرهنگی يك مرز و بوم که کودکان و نوجوانانند.

اولین وظیفه بازنویسان شاهنامه ثبوت این نکته می‌باشد که آنچه را شاهنامه نامیده‌ایم، نامه و دفتری است بزرگ که درفش کاویانی آن چرم پاره کاوه آهنگر است، پس مردم نامه است و باید گستره مبارزات قومی این مردم را در راه به‌دست آوردن آزادی دانست.

شاهنامه را يك کتاب سیاسی دانسته‌اند چه مانند دیگر شاهکارهای ادب به خواص و یا گروههای سنی خاص اکتفا نکرده است. قدرت کلام فردوسی توانست از افراد باسواد و اهل فن و ادب بگذرد و به طبقه کم‌سواد و بی‌سواد راه پیدا کند. شاید فقط چند اثر دیگر این خصوصیت شاهنامه را دارند. شاهنامه استثنایی است که تا قلب چادرها، ایلات، قهوه‌خانه‌ها راه یافته حتی خواندن اصل شاهنامه در ایلات و عشایر امر رایجی است. شاهنامه بین اقوام غیرمسلمان پیش از اسلام و اقوام مسلمان بعد از اسلام پیوند

دوستانه و غرورآمیزی ایجاد نموده است.

حال ارزش این اثر پاسخ ما را می‌دهد باید آن را بازنویسی و منتقل نمود اما با حفظ اصالت و روح اثر اصلی.

داستانهای کلاسیک قدیمی، تاریخی و اساطیری نویسنده‌ای ندارد و بر هر فرد و نسلی تعلق دارند. آنها را می‌توان بازآفرینی و بازنویسی نمود به شرطی که نتیجه به فرهنگ قومی توهین نکند.

شاهنامه بر فرهنگ و مبارزات ملت ایران و زبان و ادب قومی يك قوم استوار است و آشنایی با فرهنگ گذشته كودك را در جهت شناخت جهان، نقاط قوت و ضعف يك قوم می‌نماید. بنابراین او را آماده تكامل فرهنگش می‌سازد. خواندن شاهنامه به یادگیری دستور زبان فارسی یاری می‌کند بنابراین باید بازنویشته را با اشعاری از شاهنامه مزین کرد.

ب:

- ترجیح دارد برای سالهای دبستان (گروه ب) بازآفرینیهای باارزش آشناکننده به نام فردوسی و شاهنامه نوشته شود. اصولاً همیشه متنهای حماسی خاصه شاهنامه را نقاشان بزرگ به تصویر می‌کشیدند. پس چرا برای کودکان در تجسم آداب و رسوم و فرهنگ دورانهای مختلف چنین نکنیم. این تصاویر می‌باید از هر جهت مورد دقت قرار گیرد. - برای سالهای پایان دبستان ساده‌نویسی همراه با شاهد و تعریفی از شاهنامه بنمایند. از تصاویر غیرتجربیدی که ارزش انتقال محتوا را داشته در ضمن قدرت هنری کودکان و نوجوانان را بالا ببرد استفاده شود.

- برای دوره راهنمایی و سالهای دبیرستان بهتر است گزیده‌هایی فراهم آید تا مستقیماً نوجوانان با فردوسی شاهنامه و حماسه آشنا شوند. شرح و توضیح و مقدمه و تعاریف و واژه‌نامه همراه قلمی توانا می‌تواند تهییج‌کننده باشد. متونی نظیر سری شاهکارهای ادبیات فارسی در سطحی ساده‌تر با رعایت تمام دقایق و توضیحات و ارائه واژه‌نامه، می‌تواند مناسب باشد. با صلاحیت بازنویس، دقت در گزینش، حفظ محتوا و بیان و رعایت اسلوب و روح حماسه خاصه توجه به زبان فردوسی کارهای باارزشی ارائه خواهد شد. چون در گزینش تفکر لازم باشد قاعداً تکرار بی‌مورد اتفاق نمی‌افتد.

- به‌طور کلی باید گفت: شاهنامه را می‌توان با حفظ ضوابط و معیارهای بازنویسی بر امانت کامل در زبان و بیان و اصالت و محتوا بازنویسی و بازآفرینی نمود.

بازنویسی در نثر فارسی قرن پنجم

قابوسنامه

معرفی کتاب

قابوسنامه تألیف امیرعنصر المعالی کیکاووس بن وشمگیر از امیران زیاری است. این اثر را در سال ۴۷۵ هجری در نصیحت فرزند خود گیلانشاه نوشته است. نویسنده این کتاب را نصیحتنامه نامیده بود و گویا اسم قابوسنامه بعدها به آن داده شده است.

کتاب در چهل و چهار باب در مباحث مختلف فنون، رسوم کشورداری، لشکرکشی، بازرگانی و علوم متداول زمان نوشته آمده است. همه ابواب کتاب با حکایتها و تمثیلهای آمیخته و از اشعار خود نیز نمونههایی آورده است این اثر یکی از بهترین نمونههای ادبیات اخلاقی و اجتماعی ایران است که در تمام اصول اخلاقی و اجتماعی با صداقت و صراحت لهجه سخن گفته است. نویسنده پدري است که در کمال همدلی از لغزشهای جوانی می گوید:

«به حدیث شراب خوردن نگویم که شراب خور و نیز نتوانم گفتن که مخور که جوانان به قول کسی از جوانی بازنگردند مرا نیز بسیار گفته و نشنیدم تا از پس پنجاه سال ایزد تعالی رحمت کرد توفیق توبه ارزانی داشت.»

این اثر هدف تعلیم و تربیت را در قرن پنجم آشکار می کند. در این پندنامه نشانه‌ای از فضل فروشی نیست بدین سبب تلخی نصایح آمرانه را ندارد.

روش انشاء عنصرالمعالی نثر ساده فارسی است که در قرن چهارم و پنجم معمول نویسندگان بوده است. اگر اختصاص سبکی را در این نوشته بخواهیم باید آن را در کهنگی زبان و علاقه مؤلف به آوردن بسیاری از اصطلاحات و تغییرات و ترکیبات به صورتی که در زبان فارسی اوایل قرن پنجم متداول بوده است بدانیم. پنجاه حکایت بارزش تاریخی بر اهمیت این اثر می افزاید.

بازنویسیها از قابوسنامه

آذر یزدی، مهدی. *قصه‌های سندیادنامه و قابوسنامه*. تصاویر متن از حسن شریف. تهران: شکوفه (امیرکبیر) ۱۳۶۵-۱۳۴۱. ۱۲۱ ص (قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب ۳) (گروه سنی سالهای پایان دبستان و دوره راهنمایی).

آثر یزدی یازده اثر خود را در این کتاب به حکایات قابوسنامه اختصاص داده است. آن چنان که طبیعت کار اوست در سخنی با کودکان مآخذ و نویسنده اش را معرفی می کند :

نقد يك اثر از یازده اثر: گواهی درخت از باب سی و یکم در طالب علمی و فقهی:

خلاصه داستان

«مردی به دوستش پولی قرض می دهد. دوست حاشا می نماید. پیش قاضی می روند مدعی می گوید زیر درختی در ... این پول را به او داده ام. قاضی درخت را به شهادت می خواهد مرد قرض دهنده چون برای آوردن درخت می رود قاضی از قرض گیرنده می پرسد. فکر می کنی دوستت به آن درخت رسیده است؟ او که تا حال جای درخت را نمی شناخت با اطمینان می گوید خیر، پس قاضی حقیقت امر را دانسته و به شاکی می گوید درخت در نبودن تو آمد و شهادت داد.»

سهمی از متن قابوسنامه:

«قاضی این مدعی را گفت: گواه داری؟ گفت: ندارم. قاضی گفت پس وی را سوگند دهم. مدعی بگریست زارزار و گفت ای قاضی زینهار، وی را سوگند مده که وی بر سوگند خوردن دلیر شده است و باک ندارد.»^{۱۶}

سهمی از حکایت به قلم آثر یزدی:

«قاضی گفت یکی مدعی است و یکی منکر است. دستور شرع این است که مدعی باید شاهد داشته باشد و کسی که انکار می کند باید قسم بخورد. بعد به مدعی گفت آیا شاهی داری که بیاید اینجا و گواهی بدهد که این شخص از تو پول گرفته است مدعی گفت نه شاهد ندارم.»

ارزشیابی خاص: کار آثر یزدی ساده نویسی نزدیک به متن اصلی است. ضمن تغییرات مختصر در داستان بدون آوردن قسمتهایی از متن اصلی به عنوان شاهد.

۱۶. قابوس بن وشمگیر، گزیده قابوسنامه متن فارسی از قرن پنجم هجری. به کوشش غلامحسین یوسفی. (تهران: جیبی امیرکبیر، ۱۳۶۲) بیست و نه، ۴۴۳ ص. (مجموعه سخن پارسی ۹).

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- مفهوم و هدف اصلی داستان حفظ شده است.
- هیچ گونه تحریفی صورت نگرفته است.
- مأخذ را مناسب انتخاب نموده است، اثری است که می توان محتوایش را به کودکان منتقل نمود. در ضمن داستانهای مناسبی برگزیده است.
- بیشتر از باب هفتم که در پیشی جستن در سخنرانی است اثر برگزیده است. بایی که با تربیت و علاقه کودکان مرتبط است.

کیفیت ساخت و پرداخت

- پراکندگی در ساخت و پرداخت نیست.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- از استخوانبندی و روح نوشته اصلی عدول ننموده است.
- از شکسته نویسی در حد امکان خودداری کرده است.

اجزاء تکمیلی

- تصاویر جهت کودکان چندان دلپذیر نیست. لیکن شخصیتها درست منعکس شده اند.
- شرح و توضیح کافی دارد.
- واژه هایی نظیر هزار تومان زمان را نمی رساند بهتر است در این زمینه قید بیشتری رعایت شود.
- با آنکه قابوس نامه اثری است که می توان محتوای آن را به کودکان منتقل نمود آذریزدی می توانست استفاده بیشتری از آن بنماید.
- کتاب مستقی را بدان اختصاص نداده است. و با آنکه سندبادنامه را نامناسب می بیند به زحمت داستانهای بیشتری از آن گزیده است. و نیز قرار دادن این دو کتاب در یکجا مناسب نیست.
- ارجاع داستانها به بابهای انتخاب شده لازم است.
- شیرینی کلام قابوسنامه را نتوانسته منتقل سازد. گاه از متن اصلی دشوارتر می شود.
- واقفی، آخر. حکایت نان و حلوا. تهران: نشر هنر، بی تا. حدود ۱۶ صفحه مصور. (گروه سنی سالهای اول دبستان).

براساس باب چهل و چهار قابوسنامه «در آیین جوانمردپیشگی» ص ۳۴۸.

خلاصه داستان

«کودکان گردهم می آیند تا لقمه‌ای را که همراه دارند بخورند. یکی نان و پنیر. یکی نان خالی و یکی نان و حلوا دارد. کودکی که نان و حلوا دارد، دیگر کودکان را وادار به تقلید از حیوانات می‌کند تا در ازاء آن حلوا به ایشان دهد. یکی از کودکان این حقارت را نمی‌پذیرد. از مرد پیری که عبادت می‌کند می‌پرسد؟ درست است برای کمی حلوا سگ یا گربه کسی شوم؟ پیرمرد پاسخ می‌دهد: «اگر کسی هفتاد سال نیز حلوا نخورد، اتفاقی نمی‌افتد.»

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- با مآخذ انطباق ندارد.

کیفیت ساخت و پرداخت

- هماهنگی محتوا و ساخت حفظ نشده است.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- زبان و شیوه نگارش با اثر اصلی انطباق ندارد.

اجزاء تکمیلی

- تصاویر بی‌ارزشند.

- بازنویس اشاره‌ای به قابوسنامه که اثر کیست ندارد.

ارزشیابی خاص

هر چهار شخصیت داستان کارگرند، تفاوت در غذائیت که آن روز آورده‌اند. اما چهره نقی‌ده‌نشین. حسن شهرنشین مرفه و قلی نیز مرفه ترسیم شده است. محسن چهره دوره‌گرد دارد. روی جلدنیز پسری که به سگ یا گربه شدن می‌اندیشد حالت يك پسر مرفه را دارد که در خیال، بستنی قیفی می‌بیند.

آثر یزدی همین داستان را با شیوه خاص خود به خوبی بازنویسی نموده است. که نتیجه این اثر دقیقاً از کار آثر یزدی بازنویسی شده است: «وقتی آدم می‌تواند سی سال حلوا نخورد و صد سال هم می‌تواند. پس چرا سگ کسی بشود، چرا خر کسی بشود و

چرا گربه کسی.؟»

در مجموع اثری است که ارزش ارائه را نداشته است با شگفتی که موفقیت خود را در عرضه داستانهای کهن نیز آرزو می‌کند...

لزگی، حبیب‌الله، *داستانهای کهن ادبیات فارسی*. مینیاتور از علی‌اصغر تجویدی. تهران: مؤسسه انجام کتاب، ۱۳۶۳. (گروه سنی سالهای آخر دبستان).
اولین داستان از داستانهای مختلف این سری «شهادت درخت» از قابوسنامه که ذکر داستان و مأخذش در اثر آفریزی گذشت، می‌باشد.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- بهتر است به مأخذ بیشتر وفادار و هماهنگ باشد.
- بهتر است وقتی يك اثر از آثار کهن معرفی می‌کند به دنبال اقتباس و تکرار نباشد و خود اثری را برگزیند که قبلاً بازنویسی نشده.
- اثری را برگزیده که قابلیت انتقال محتوایش به کودکان فراهم است.
- پیامهای ارزنده دارد.

کیفیت ساخت و پرداخت

- هماهنگی محتوا و ساخت حفظ نشده است.
- کیفیت زبان و شیوه نگارش
- زبان سادگی متن اصلی را نمی‌رساند اما گویاست.
- اجزاء تکمیلی
- شرح و تعریفی از مأخذ دارد.

جدول تکرار آثار از بابهای قابوسنامه

عنوان داستان باز نوشته	بابهای قابوسنامه که مورد استفاده فراوانی قرار گرفته است	اثر
گواهی درخت	باب سی و یکم در مطالب علمی و فقهی	۲
حکایت نان و حلوا	باب چهل و چهار در آیین جوانمردپیشگی	۲

خارج از آنکه در جدول تکرار گزینش داستانها آمده است. آثریزدی در اثر خود از بابهای چهارم، هفتم، سی و دوم و چهل و چهارم نیز داستانهای آورده است.

نتایج و پیشنهادها

باتوجه به اینکه قابوسنامه متن بسیار ساده ایست که تنها مشکلش در رابطه با کهنگی زبان و ترکیبات خاص قرن پنجم است برای دوره راهنمایی می توان گزیده هایی همراه با ارائه معانی واژه ها و ترکیبات و اصطلاحات در کنار حفظ روال منطقی متن اصلی به وجود آورد. حسن این نوع گزیده ها شناساندن يك متن اصیل ادبی است، ضمن رویارویی مستقیم نوجوان با تغییرات سبکی و جرایب اختصاصات سبکی و تطور نثر در حرکت زمانی خود. پیشنهاد استفاده بیشتر از قابوسنامه در بازآفرینی و بازنویسی:

- از آنجا که قابوسنامه را مجموعه ای از تمدن اسلامی پیش از مغول دانسته اند، شناساندن این تاریخ تمدن به کودکان و نوجوانان امری ضروری است. جای تأسف است که با وجود اینکه چاپهای متعددی از قابوسنامه در ایران و خارج از ایران صورت گرفته است و به اکثر زبانها ترجمه شده است و چه بسا ما برای کودکانمان بازنوشته هایی از همان ترجمه ها از زبانهای دیگر دریافت کرده ایم، این اثر در ایران کمتر مورد اقبال بازنویسان قرار گرفته است. بازنویسی و بازآفرینی این اثر با گزینش بحثهای غیر حکمی و فلسفی آن، نزدیک به اصالت متن و انتخاب شخصیت پدري که داستان را برای پسرش بازگو می کند می تواند قابوسنامه را به کودک و نوجوان بشناساند.

گزیده قابوسنامه غلامحسین یوسفی که در این تطبیق متن مورد کار بوده است

می‌تواند نمونه خوبی در خلاصه‌تر نمودن برای نوجوانان باشد.
آذر یزدی در بسیاری از داستانهای قابوسنامه بازآفرینی نموده است و بسیار باارزش.

سیاستنامه

نثر مرسل

معرفی اثر و مؤثر

خواجه نظام‌الملک از مردان نامدار ایران در قرن پنجم هجری است. نامش حسن و نام پدرش علی بن اسحاق است. در شهر طوس به دنیا آمده و پس از آموختن ادب نزد حاکم شهر بلخ به شغل دبیری مشغول شده، و مدت سی سال نیز در دستگاه سلجوقیان شغل وزارت داشته و بیشترین شهرت او به تألیف سیاستنامه و بنای مدارس نظامیه در نیشابور و بلخ و بغداد است.

سیاستنامه یا سیرالملوک^{۱۷} کتابی است در باب شیوه کشورداری و تدبیر امور دینی و دنیوی و سرشار است از سخنان اخلاقی و حکمت‌آمیز و به قول مؤلف هم پند است و هم حکمت و هم مثل و تفسیر قرآن و اخبار پیغمبر و حکایات پادشاهان عادل. این کتاب از نظر تاریخ سیاسی و اجتماعی مفید است. به جنبه عملی قضایا بیشتر از جنبه نظری توجه شده. کتاب ۵۱ فصل دارد. نثر آن روان و ساده می‌باشد. سیاستنامه بین سالهای ۴۹۲ و ۵۰۵ به پایان رسیده است.

بازنویسیها از سیاستنامه

آذر یزدی، مهدی. حق و ناحق يك داستان از سیاستنامه خواجه نظام‌الملک. نگارش مهدی آذریزدی. تصاویر از تجویدی، تهران: اشرفی ۱۳۶۴-۱۳۴۵. ۳۹ ص. (قصه‌های تازه از کتابهای کهن) مصور. بها ۱۳۰ ریال. (گروه سنی سالهای آخر دبستان).

حق و ناحق حکایت «امیر ترك و سیاست معتصم» در سیاستنامه می‌باشد. براساس حکایت اندر سیاست (۹) ص ۶۶-۷۸ فصل هفتم. همان مأخذ.

۱۷. ابوعلی حسن طوسی خواجه نظام‌الملک (حسن بن علی). سیرالملوک (سیاستنامه) به اهتمام هیوبرت دارک (تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴، ۱۳۴۰) ۳۸۰ ص.

«امیری از برگزیدگان معتصم، وکیل خویش را می خواند و از او می خواهد که به پانصد دینار با او معامله کند. مردی بازرگان را، وکیل معرفی می کند. بعد از تعارفات ششصد دینار قرض می دهد با قبض و سند که دو ماه دیگر هفتصد دینار بازستاند. پس از ماهها بازرگان به خانه امیر چون گدایان رفت و آمد می کند، دین که ادا نمی شود هیچ، او را با خفت از درگاه می رانند. به قاضی و بزرگان شهر مراجعه می کند نتیجه نمی گیرد. در مسجد به زاری و فغان می نشیند، درویشی او را به درزی (خیاطی) رجوع می دهد. او شاگرد دکان خود را می فرستد و به امیر حکم می کند که پول بازرگان را برگردان. او نیز فوری چنین می کند و در روز دیگر با خلعت و پول اضافه و تعزیر با بازرگان ادای دین می کند. بازرگان دلیل قلت درزی را می پرسد. او همه را در حق گوئی و امانت و صداقت و بی نیازی می داند و چنین تعریف می کند که: سی سال مؤذن بوده است. ظلمی بر زنی روا شد، امیری او را به زور به اندرون می برد. مؤذن اذان بی موقع گفته مردم را به کنار مسجد می خواند معتصم خشمگین می شود که چرا تو با اذان بی موقع مردم را به شورش واداشته ای؟ پاسخ دادم ایمانم مرا بر آن واداشت و چون شرح ماجرا دادم خلیفه از ترس آبروی خویش فرمان قتل آن امیر را داد و مرا گفت: «ای شیخ بدان که هر کس از خدای عزوجل ترسد از من هم نترسد، و آنکه از خدای عزوجل بترسد خود کاری نکند که او را به دو جهان گرفتاری بخشد و این مرد چون ناکردنی بکرد جزای خویش یافت. پس از این ترا فرمودم که هر کس بر کسی ستم کند و یا کسی را به ناحق برنجاند یا بر شریعت استخفاف کند و ترا معلوم گردد باید که همچنین بی وقت بانگ نماز کنی تا من بشنوم و ترا بخوانم و احوال بپرسم.» نتیجه در سیاستنامه:

«و مانند این حکایات بسیار است و این قدر بدان یاد کردم تا خداوند عالم بداند که همیشه خلفا و پادشاهان چگونه بوده اند و میش را از گرگ چگونه داشته اند.» نمونه ای از کار آخر یزدی:

«حق این است که هر که از خدا بترسد خودش کاری نمی کند که در دنیا و آخرت روسیاه شود و هر که از خدا ترسد از خیلی چیزها باید بترسد و چون همه نزدیکان معتصم از این پیشامد خبر دارند از چنین پیشامدها و چنان حکمها می ترسند.»

مطابق معمول آخر یزدی تا آنجا که توانسته است موفق بوده و می‌توان گفت پیام را دقیقاً به همان دقت متن ارائه داشته است.

ارزشیابی اثر کیفیت محتوا

- مفهوم و پیام اصلی حفظ شده است.
- گزینش درستی از مآخذ انجام شده است.
- محتوا خواننده را علاقه‌مند به خواندن متون قدیمی می‌کند.
- مسائل ذهنی و عاطفی کودکان در نظر گرفته شده است.
- کیفیت ساخت و پرداخت
 - هماهنگی محتوی و ساخت حفظ شده است.
 - پراکندگی در ساخت و پرداخت نیست.
- کیفیت زبان و شیوه نگارش
 - گویا و قابل درک است.

اجزاء تکمیلی

- نیاوردن قسمتی از متن اصلی. آوردن واژه‌هایی که متعلق به زمان داستان نیست مانند: دوزندگی (مصطلح نبوده است).

قسمتی از داستان در متن اصلی:

«مرد درماند. مردمان شهر به شفیع انگیخت و به قاضی شد و او را به حکم شرع خواند و هیچ بزرگی نماند که از بهر وی با امیر سخن نگفت و شفاعت نکرد و سود نداشت. و از در قاضی پنجاه کس آورد و او را به شرع نمی‌توانست بردن و نه آنچه محتشمان می‌گفتند می‌شنید تا از حادثه سالی و نیم بگذشت.»

پورحبیب، محسن. *اذان نابهنگام*. نقاش علی مظاہری. تهران: مؤسسه انجام کتاب، ۱۳۶۲. ۱۶ ص. مصور (گروه سنی سالهای آخر دبستان).

براساس حکایت اندر سیاست (۹) فصل هفتم. ص ۶۶-۷۸.

همان داستان. امیر ترك و سیاست معتمد است اما از قسمت گرفتاری زن عفیف و اذان گفتن مؤذن، صحنه‌های برخورد سربازان و در زیر سم ستوران قرار گرفتن شوهر

زن مبالغه‌آمیز می‌باشد.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- شخصیت مؤذن با پیام داستان اصلی انطباق دارد.

- در محتوی و پیام به متن اصلی وفادار نیست.

کیفیت زبان و شیوه بیان

- شیوه زبان و بیان به متن اصلی شباهتی ندارد.

اجزاء تکمیلی

- تصاویر در بیان محتوی مؤثر است.

لزگی، سیدحبیب‌الله. *داستانهای کهن از ادبیات فارسی ۱*. نقاشی علی‌اصغر تجویدی. تهران: مؤسسه انجام کتاب، ۱۳۶۳. (برای سالهای آخر دبستان).
براساس داستان اندر مقطعان و پرسیدن از احوال تا با رعایا چون می‌روند فصل پنجم. حکایت ۱۴. ص ۵۳-۵۵ (سیاستنامه همان مأخذ).
دومین داستان از کتاب خود را به «عدالت انوشیروان» اختصاص داده است. و داستان معروفی را که خر زخمی بسیار پیر و از کار افتاده پشت خود را به زنجیر عدالت انوشیروان می‌کشد و... به داد خر می‌رسند، لیکن به بیچاره صاحب خر که خود وضع بهتر از خر نداشته بد می‌کنند که: باید از خرت خوب مواظبت کنی و چنین و چنان به او بخورانی.

نمونه‌ای از نثر داستان در متن اصلی:

«بعد از هفت سال، نیم‌روزی که سرای خالی بود و مردمان همه رفته بودند و نوبتیان خفته، از جرسها بانگ بخواست و نوشیروان بشنید. در وقت دو خادم را بفرستاد، گفت «بگریید تا کیست که به تظلم آمده است.» چون خادمان بر در سرای بازآمدند خری را دیدند پیر و لاغر... که از در سرای اندر آمده بود و پشت اندر آن سلسله‌ها می‌مالید و از جنبش زنجیر از جرسها بانگ می‌آمد.»

ارزشیابی اثر کیفیت محتوا

- آشنا نمودن کودکان با داستانهای ادب رسمی.
- بازنویس در حد لازم به متن اصلی وفادار نمانده است.
- اثر تکراری است.

کیفیت شیوه زبان و بیان

- زبان و بیان هویت متن اصلی را ندارد.
- زبان متن اصلی ساده تر است.

جدول تکرار آثار از فصلهای سیاستنامه

عنوان داستان بازنوشته	فصلهای سیاستنامه که مورد فراوانی بازنویسی قرار گرفته است
عدالت انوشیروان	حکایت ۱۴ «اندر مقطعان و پرسیدن از احوال رعایا چون می‌روند.» فصل پنجم.
حق و ناحق	حکایت ۹ «اندر سیاست» فصل هفتم.
آذان نابهنگام	حکایت ۹ «اندر سیاست» فصل هفتم

نتایج و پیشنهادها

باتوجه به ساده و روان بودن نثر سیاستنامه، بازنوشته‌هایی با دخالت بیشتر متن اصلی می‌توان به‌وجود آورد. متأسفانه از این متن که جنبه تاریخی و اجتماعی و سیاسی دارد کم استفاده شده است. و در حد استفاده نیز به جز آثر یزدی دیگر بازنویسان حق مطلب را ادا ننموده‌اند. جای تأسف است که آثر یزدی برخلاف رسمش در گزینش داستانهای متفاوت يك داستان ارائه نموده است. برای سالهای پایان دبستان و دوره راهنمایی گزینه‌هایی نظیر کار آقای جعفر شعار^{۱۸} می‌توان به‌وجود آورد.

۱۸. جعفر شعار. برگزیده سیاستنامه (سیرالملوک) (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۲-۱۳۵۶). شاهکارهای ادبیات فارسی.

بازنویسی از نثر فارسی قرن ششم هجری کلیله و دمنه

معرفی کتاب

کلیله و دمنه از جمله کتب حکمت عملی و آداب زندگی است که به چندین زبان نبشته آمده است. کلیله را در قرون متمادی گرامی داشته و نسلی برای دیگر نسل به میراث گذاشته‌اند.

اصل کتاب پنجه تتره نام داشته و هندی بوده است. کلیله در پنج باب فراهم آمده است.^{۱۹}

برزویه طبیب مروزی در عصر انوشیروان خسرو پسر قباد پادشاه ساسانی آن را به پارسی درآورد و ابواب و حکایات چند بر آن افزود که اکثر آن از دیگر مأخذ هندی بود. در ابتدای فرهنگ اسلامی ابن مقفع آن را از پارسی به تازی نقل کرد و کتاب کلیله و دمنه نام نهاد، نگارش پارسی برزویه و ترجمه تازی پسر مقفع به چند زبان ترجمه شده است. رودکی در عصر سامانیان کتاب ابن مقفع را به نظم فارسی امروزی درآورد. که معدودی ابیات بجا مانده است. پس از وی باز به فارسی ترجمه‌ها کردند. تا در عهد بهرام شاه غزنوی ابوالمعالی نصرالله منشی کلیله و دمنه ابن مقفع را بار دیگر به نثر فارسی ترجمه کرد. و آن کتابی که اکنون در دست ماست همان است. نصرالله منشی مقید به متابعت اصل نبوده است و ترجمه و نگارش آزاد از آن ساخته است. این ترجمه معروف‌ترین ترجمه کلیله و دمنه می‌باشد.

کتاب کلیله و دمنه قوتی در بیان مقاصد و قدرتی در ادای معانی دارد. از آثار نثر مصنوع زبان فارسی است که انواع صنایع لفظی و معنوی در آن دیده می‌شود. اما صنایع چنان طبیعی افتاده است که خواننده بدان حد متوجه آن نمی‌شود. نویسنده به آوردن مترادفات و امثال فارسی و عربی و نیز استشهاد به اشعار و آیات مقید بوده است. این ترجمه منشیانه برای مترسلان نمونه‌ای از فصاحت و بلاغت شمرده شده است و قیوت ترکیب و حسن اسلوب آن موردتوجه و تقلید نویسندگان دیگر قرار گرفته است.

کلیله شانزده باب و بیش از هفتاد حکایت دارد. یکی از بابها شرح حال برزویه طبیب و بقیه در حکمت، پند و امثال است. از طریق داستانهایی در زمینه حیوانات بیان می‌شود.

۱۹. آن پنج باب (پنج کتاب) در کلیله و دمنه ما این پنج باب است: باب شیر و گاو، باب دوستی کبوتر و زاغ و موش و باخه و آهو، باب بوزینه و باخه. باب زاهد و راسو....

پنچاتنترا و پنچاکیانہ کتابی کہ بعدست خالقداد عباسی ترجمہ شد۔ یکی از روایات یا تحریرهای کتاب پنچاتنترا بوده کہ عنوان پنچاکیانہ داشتہ و او این عنوان را در ترجمہ خود عیناً حفظ کردہ است۔ این کتاب تا این اواخر ناشناس ماندہ بود تا دو تن از دانشمندان ہند دکترا تارا چندو دکترا سیدامیرحسن عابدی در موزہ ملی ہند بہ یگانہ نسخہ آن پی بردند۔ کہ بہ کوشش این دو در سال ۱۳۵۲ شمسی از طرف دانشگاه اسلامی علیگر با مقدمہ ای مبسوط و مفید و لغتنامہ ای شامل اسمہای خاص و اصطلاحات سنسکریٹ کہ در متن آمدہ است، منتشر شد۔

ابواب پنچاتنترا:

۱. جدایی دوستان (الاسد والثور) ۲. بعدست آوردن دوستان (حماقہ المطوقہ) ۳. جنگ بومان وزاغان. (البوم والغربان) ۴. از دست دادن مزایای مکتسب (القرد والغیل) ۵. زیان کارہای نسنجیدہ (الناسک و ابن عرس) سہ باب دیگر از کلیلہ و دمنہ ابن مقفع کہ بہ یقین اصلی ہندی دارد مأخوذ است از کتاب بزرگ مہابہارتا کہ حماسہ ملی ہند است۔ و بابہایی کہ در این کتاب اقتباس شدہ عبارتند از:

۱. باب گرہ و موش (السنور والجردھا) ۲. باب شاہ و فزہ الطائر وابن الملک) ۳. شیر و شغال (الاسد و ابن اوی) حکایت مردی کہ از شتر مست گریخت و در چاهی آویخت از باب برزویہ طیب مقتبس از منظومہ مہابہارتا است۔

کتاب پنچاتنترا یک بار نیز از سانسکریٹ بہ فارسی ترجمہ شد و آن بہ فرمان اکبرشاہ سلطان ہند بود کہ یکی از ادیبان دیار خود را بنام مصطفی خالقداد عباسی بہ این کار مأمور کرد۔^{۲۰}

پنج باب نخستین کلیلہ و دمنہ ابن مقفع از پنچاکیانہ دریافت شدہ است۔ از باب بازجست از کار دمنہ در آثار ہندی نشانی نیست۔ گویا این باب را ابن مقفع وضع کردہ است۔ از بابہای پنجگانہ پنچاکیانہ سہ باب متوالی از مہابہارتا ترجمہ شدہ است۔

بازنویسیہا از کلیلہ و دمنہ

آفریدی، مہدی۔ قصہہای خوب برای بچہہای خوب جلد اول۔ قصہہای برگزیدہ از کلیلہ و دمنہ۔ تہران: شکوفہ (امیرکبیر) ۱۳۶۶-۱۳۳۶۔ مصور ۱۰۸ ص۔ ۱۸۰ ریال۔

۲۰. داستانهای بیدهای ترجمه محمد بن عبدالله البخاری۔ بہ تصحیح پرویز نائل خانلری و محمد روشن۔ تہران: شرکت انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۱، ۳۲۴ ص۔

شامل ۲۵ قصه.

آفریزی بیست و پنج قصه از کلیله و دمنه گزیده و با انشا ساده نوشته است. تا بچه‌ها بتوانند خودشان بخوانند و در حالی که تفریح می‌کنند نتیجه‌های خوب قصه‌ها را به خاطر بسپارند.

چند کلمه با بچه‌ها دارد که اثر را بمخوبی معرفی می‌کند: «ترجمه فارسی کلیله و دمنه در هفتصد سال پیش از این نوشته شده و کتاب بزرگی است که به قدر ده برابر کتاب حاضر مطلب دارد، اما انشاء کتاب کلیله و دمنه فارسی هم مانند سایر کتابهای قدیمی استادانه و مشکل است و چون لغت‌های عربی زیاد در آن بکار برده شده، خواندنش برای کودکان دشوار است به‌طوری که پیش از دوره دوم دبیرستان آن را به آسانی نمی‌توان خواند.»

از افتخارات آفریزی شناساندن مأخذ است: «از حکایات مندرج در کتب مختلف تالیفی ساختن و تصنیف نامیدن و به‌گزاف بر خود بالین و نام آفرینندگان معانی و افکار را پوشیده داشتن کاری آسان‌تر با جلوه‌ای نمایان‌تر است.»

این مقدمات را بدان سبب آوردم تا ساده‌نویسان و بازنویسانی که هدف را برداشتن نامی از اثری بزرگ دانسته تا زیر افتخار آن کسب شهرتی بنمایند چنین تعهدی را پای‌بند باشند.

از داستانهایی که آفریزی از کلیله و دمنه برگزیده يك داستان فرعی: (داستان در داستانهای يك باب) و يك داستان اصلی را مطالعه می‌کنیم.

خرگوش پاهوش

عنوانی که در مأخذ^{۲۱} انتخاب شده «خرگوشی که به حیل شیر را هلاک کرد.» باب شیر و گاو باب ۵ می‌باشد. ص ۸۸-۸۶.

خلاصه داستان

«شیری هر روز از حیوانات جنگل می‌رباید به هوش خرگوش چاره می‌اندیشند که قرار بگذارند هر روز یکی را به نزد او ببرند تا لااقل در بقیه ایام درامان و آرامش

۲۱. ابوالمعالی، نصرالله منشی. کلیله و دمنه. تصحیح و توضیح مجتبی مینوی تهرانی (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۱) ۴۵۱ ص.

باشند. این برگزیدگان معمولاً از میان گنهکاران بوده‌اند. تا روزی نوبت برادر خرگوش (ماخذ خود خرگوش است) می‌رسد چاره می‌اندیشد، شیر را بر سر چاه برده و بانسان دادن عکس او ترسیم می‌کند رقیبی خرگوش. ناهار او را گرفته است و به درون چاه برده و گفت: «در این چاه هست و من از وی می‌ترسم. اگر ملك مرا دربر گیرد او را بنمایم شیر او را دربر گرفت و به چاه فرونگریست خود و آن خرگوش بدان تصور بدید او را بگذاشت و خود را در چاه افکند.»

نتیجه را آنریزدی چنین می‌آورد؛ دانستند که در بسیاری از کارها، نیروی فکر و تدبیر، بیش از زور و شجاعت است.

تغییراتی در متن داستان جهت انسانی و اخلاقی‌تر نمودن محتوا می‌آورد. نوبت خرگوش که می‌رسد، خرگوش به فکر پیدا کردن راهی می‌افتد تا هر روز کسی بر دست جلاد نیفتد اما آنریزدی برادر خرگوش را موضوع می‌نهد. تا چاره‌اندیشی خرگوش، خانواده دوستی باشد. مگر چه عیبی دارد، خواننده جوان بداند در نفس هر موجود حس صیانت ذات وجود دارد.

داستان اصلی: باب «دوستی کبوتر و زاغ و موش و باخه و آهو»^{۲۲} که در بازنوشته همکاری موش و زاغ و آهو و سنگ‌پشت می‌باشد.

خلاصه داستان

«کبوترها برای خوردن دانه عجله می‌کنند و در دام می‌افتند. بر سییل اتحاد تور شکار را با پرواز دسته‌جمعی جایی می‌پرند که موشی دوست در آنجا زندگی می‌کرد، موش شروع به بریدن بندها می‌کند و چون زاغی رفتار صمیمانه موش را می‌بیند با اینکه در ازل دشمن هم هستند مایل به دوستی با موش می‌شود و به همین ترتیب دوستان دیگر آهو و سنگ‌پشت هم در یکجا گرد می‌آیند. چون بار دیگر آهو بهدام می‌افتد همه به یاری می‌روند و هریک نیز ماجرای می‌یابند که بر پیروی از اتحاد و دوستی می‌رهند.»

در این داستان آنریزدی قلمش جوهر خود کلیله و دمنه را گرفته است ساده‌نویسی نیست گویی کلیله را می‌خوانی:

۲۲. آنریزدی: همکاری موش و زاغ و آهو و سنگ‌پشت. ماخذ اصلی: کلیله و دمنه تصحیح مجتبی مینوی تهرانی. چاپ ششم دانشگاه تهران، ۱۳۶۱. ص ۱۵۷ باب اصلی.

«زاغ گفت: ای زیرک من آنقدر جوانمردی و وفاداری توراً می‌پسندم که دیگر با زآغان دوستی نمی‌کنم و با موشان هم دشمنی نمی‌کنم.»

مفاهیم مطرح: دوستی بدون در نظر گرفتن تفاوت جنس، اتحاد بر اساس دوستی، تدبیر، دوراندیشی، رد طمع و فداکاری و ایثار مانند آنچه در داستان خرچنگ و مرغ ماهیخوار مطرح می‌شود.

ارزشیابی اثر

آفریندی در ساده‌نویسی کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه موفق بوده است. چون بهترین روش در ارائه و شناساندن متون فنی و مصنوع همان ساده‌نویسی است، فلسفه دشواری پشت آن نیست که رساندنش سخت باشد.

کیفیت محتوا، (نکات مثبت)

- پیامها منطبق با متن اصلی است.

- در گزینش داستان مسائل ذهنی و عاطفی کودکان و نوجوانان را رعایت نموده است.

کیفیت ساخت و پرداخت

- هماهنگی محتوا و ساخت حفظ شده و با ساخت و پرداخت مأخذ هماهنگی دارد.

- پراکندگی در ساخت و پرداخت نیست و درست به نتیجه می‌رسد.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- اصول زبان و ادب فارسی را رعایت نموده است.

- از استخوان‌بندی و روح نوشته عدول نکرده است.

- در اوج استفاده از زبان سره پارسی ترکیباتی نظیر هالو، طفلك، به‌کار می‌برد که با

زبان مأخذ خویشاوندی ندارد.

اجزاء تکمیلی

- مقدمه روشن‌گر متن دارد.

- تصاویر گویای ماجرا دارد گرچه از نظر هنری باارزش نیست.

- بهتر بود قسمتی از متن اصلی را در ابتدا یا انتهای داستان می‌آورد.

- ارجاع بازنوشته به باب و شماره داستان مأخذ ضروری است مانند باب شیر و گاو،

حکایت ۹ و ۹ حکایت در حکایت.

در مجموع کار آفریندی از بازنویسیهای خوبست که در اکثر داستانها با مأخذ انطباق

دارد. بیشترین بابی که مورد بازنویسی آثریزدی قرار گرفته، باب پنجم کلیله و دمنه، شیر و گاو است به دلیل مفاهیم چاره‌اندیشی برای زندگی با تدبیر و هوشیاری و تدبیر و احتیاط.

آثریزدی، مهدی. *پنج افسانه درباره حیوانات*، برگزیده از منابع ایرانی. تهران: اشرفی، ۱۳۵۰-۱۳۴۵. ۷۶ ص. مصور. سیاه قلم (گروه سنی دوره راهنمایی سالهای دبیرستان).

«موشها و گربهها مأخوذ است از دو باب: ملك الجردان و وزرائه» یکی از دو باب مهجور و بازیافته شده کلیله و دمنه که در نسخ چاپی فارسی نیست. و نخستین بار به‌وسیله دکتر محمدجعفر محجوب از عربی به فارسی بلیغ ترجمه شده و در ذیل رساله تحقیقی ایشان (درباره کلیله و دمنه) به سال ۱۳۶۶ ه. ش به‌طبع رسیده است. این رساله در مجله فصلی فرهنگ ایران زمین چاپ تهران به مدیریت ایرج افشار. شماره ۲ و ۳، سال پنجم نیز آمده است.

خلاصه داستان

«داستان موشهایی است که شاه و وزیرانی داشتند و در سرزمین دوراب زندگی می‌کردند مشکل بزرگ آنها ترس از گربه بود. برای مبارزه با این ترس شاه، نظر وزراء را که زنگوله به گردن گربه انداختن و مانند آن بود می‌شنود. و از مجموع نظرات غیرعملی و عملی یکی را می‌پسند و بر مبنای آن پیشنهاد می‌کند که طی برنامه‌ای موشها آن چنان به خانه‌ها حمله کنند که چند گربه هم بتواند چاره کار باشند و پس از اینکه همه گربه‌های خانه به‌وسیله صاحبخانه بیرون رانده شدند به خانه دیگری که گربه دارد حمله کنند تا گربه‌های آن خانه هم به سرنوشت گربه‌های قبلی دچار شوند و ادامه این وضع سبب شود که ارزش وجودی گربه‌ها از بین برود و پس از اینکه گربه‌ها را از شهر بیرون کردند تا می‌توانند برنامه‌های ذخیره غذایی خود را اجرا کنند. این روش پس از اجرا نتیجه مثبت داد و معلوم شد که عزت و احترام هرکس به همان اندازه است که دیگران از وجودش فایده می‌برند.»

دومین قصه که آثریزدی در پنج افسانه آورده است اقتباسی است از باب «الحمايه

والثعلب ومالك الحزين» یکی دیگر از دو باب مهجور کلیله و دمنه ترجمه دکتر محمدجعفر محجوب در همان رساله به نام کبوتر و بوتیمار.

خلاصه داستان

«داستان يك مرغ ماهیخوار است که بسیار محتاط بود و کمتر از نیاز، آب و ماهی مصرف می کرد، به این دلیل مرغها او را مالك حزين يعنى دارنده غم می نامیدند. گاهی مرغها با او مشورت می کردند و خود بوتیمار هم باورش شده بود که صاحب نظر است. اتفاقاً کبوتری که برای بچه هایش بالای درختی لانه درست کرده بود گرفتار روباهی شد که او را تهدید می کرد که از درخت بالا خواهد رفت و باید هرچه زودتر جوجه هایش را به جای دیگر ببرد. چون این امر برای کبوتر عملی نبود موافقت کرد که جوجه ای را به عنوان گرو به روباه بدهد. پس از اینکه روباه دومین جوجه را گرفت و خورد، بوتیمار از راه رسید و پس از شنیدن ماجرا به کبوتر گفت که روباه نمی تواند از درخت بالا رود و قول داد که در فکر چاره باشد». روز بعد بوتیمار ماهی زهرآلودی به کبوتر داد که به جای جوجه به روباه بدهد. پس از آنکه روباه رسید و صدای کشیده شدن دستهایش به درخت کبوتر را وحشت زده کرد. کبوتر ماهی زهرآلود را به او داد.

روباه با حيله توانست بفهمد که کبوتر از راهنمایی بوتیمار استفاده کرده است. پس به کنار دریا آمد و با حيله از بوتیمار تعريف کرد و از اینکه از باد می ترسد از بوتیمار راهنمایی خواست و با نیرنگ پرشهای خود را تکرار و بوتیمار را گول زد و به او حمله کرد. اما چون زهرماهی آلوده در روباه اثر کرد نتوانست بوتیمار را از پای درآورد و به صورت معامله ای با بوتیمار قرار گذاشت، روزی دو ماهی از او دریافت کند و چون خود از پای درآمد بوتیمار دیگر تعهدی نداشت ولی با وجودی که خود را مصلحت شناس و باهوش می دانست گول روباه را خورد.»

ارزشیابی دو اثر فوق

کیفیت محتوا

- آوردن دو داستان فراموش شده، تا نوجوانان را روش تحقیق و تتبع آموزد.
- گزیدن دو داستانی که می توان محتوایش را به نوجوانان منتقل نمود.
- محتوا با اثر اصلی انطباق دارد.

کیفیت ساخت و پرداخت

- ساخت و پرداخت به گونه‌ای است که خواننده را به نتیجه می‌رساند.

کیفیت زبان و شیوه بیان

- زبان و بیان ساده و گویاست.

اجزاء تکمیلی

- شرح و توضیح و ارجاع دارد.

- مآخذ را معرفی کرده است.

تفرقه. سازمان انتشارات کانون. تنظیم متن از سازمان انتشارات کانون تهران: کانون پرورش فکری، ۱۳۵۸. طرح و تنظیم صفحات از ناصر ستاره‌سنگ. مصور. قطع کوچک (گروه سنی، کودکان قبل از دبستان و سالهای اول دبستان).

براساس باب هفتم کلیله حکایت اصلی: «دوستی کبوتر و زاغ و موش و باخه و آهو».

۱۵۷-۱۹۰.

خلاصه داستان

«پرنده‌گان برای آنکه از دست صیاد برهند یکباره تور را با خود به پرواز درمی‌آورند.

صیاد دام را در آسمان تعقیب می‌کند. وقتی پرنده‌گان بر سر جای نشستن چند

هدف می‌بایند هریک به‌سویی پرواز می‌کنند و دام بر زمین می‌افتد و صیاد به جهت

تفرقه ایشان به نتیجه می‌رسد.»

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- پیام خوبی به کودکان می‌رساند.

- نتیجه‌بازنوشته با اثر اصلی انطباق ندارد.

کیفیت زبان و شیوه بیان

- نثر روان، ساده و گویاست.

کیفیت ساخت و پرداخت

- ساخت و پرداخت خواننده را به نتیجه می‌رساند.

ونده‌ور، وفا. **صیاد چگونه صید می‌شود.** بر مبنای حکایت نغزی از کلیله و دمنه. نقاشی علیرضا اسپهبد. تهران: سی‌بی‌اس، ۱۳۶۱.

داستان براساس باب «دوستی کیوتر و زاغ و موش و باخه و آهو» ص ۱۵۷-۱۹۰ باب هفتم حکایت اصلی.

نمایشنامه‌ای است که در سال ۱۳۶۲ در تالار وحدت بر صحنه آمده. با درآمدی: «به نیکی یکدیگر را یار باشید

وزین پیوند برخوردار باشید

بمانید اندرین پیوند جاوید

نماند تا برای دشمن امید.»

سپس همان داستان معروف است تا جایی که صیادی را که ادعا می‌کند به جهت آبادی و بهره‌برداری آمده در توری که خود آماده کرده بود می‌افکند.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- بازآفرینی را ضمن انطباق با محتوای مأخذ انجام داده‌اند.

- محتوای آن قابل انتقال به کودکان است.

کیفیت ساخت و پرداخت

- در ساخت و پرداخت فرم نمایشنامه موفق بوده‌اند. اما در ساخت و پرداخت اثر با مأخذ هماهنگی نداشته‌اند.

کیفیت زبان و شیوه بیان

- عدم تطبیق زبان و شیوه نگارش با متن اصلی، زیرا از زبان شکسته باتوجه به نیاز محاوره استفاده کرده‌اند و حال آنکه می‌توانستند از زبان رسمی و ادبی محاوره بهره گیرند. «بفرمایین، نامرد انگار موشو آتش زدن با تفنگ و دام و دانه پیداش شد. روز از نو، غارت از نو.»

اجزاء تکمیلی

- تابلوهایی که در فاصله آورده بسیار زیباست ولی با تابلو صیاد که چهره آمریکایی (استثمارگر) با تفنگ است هماهنگی ندارد. بهتر بود او را به نوعی با متن تطبیق می‌داد و کاریکاتور رسم نمی‌کرد.

- کتاب از شرح و توضیح و ارجاع کافی بی بهره است.
پیشنهاد اگر روی انطباق محتوا (شعاری نبودن مفاهیم) شیوه زبان و بیان و اجزاء تکمیلی کار شود اثر خوبی خواهد بود.

جعفریان و شانزده عنوان ساده نویسی شده از کلیله و دمنه.

-
۱. جعفریان. مرغ ماهیخوار (کلیله و دمنه) نقاشی و صفحه بندی ناصر آراسته تهران، شرکت توسعه کتابخانه های ایران، بی تا، حدود ۸ صفحه. مصور.
 ۲. جعفریان. دو کبوتر. با مشخصات اولین اثر.
 ۳. جعفریان. شیر و خرگوش با مشخصات اولین اثر.
 ۴. جعفریان. طوقی و صیاد. با مشخصات اولین اثر.
 ۵. » » » روباه و خر »
 ۶. » » » موش و گربه »
 ۷. » » » شیر و شتر »
 ۸. » » » اردک و لاک پشت »
 ۹. » » » کلاغ زیرک »
 ۱۰. » » » صیاد و ماهی »
 ۱۱. » » » بوزینگان نادان »
 ۱۲. » » » بوزینه و لاک پشت »
 ۱۳. » » » شیر و شغال »
 ۱۴. » » » زاهد و دزد »
 ۱۵. » » » سیاح و مرد زرگر »
 ۱۶. » » » روباه زیرک »

آن چنان که از کتابشناسی آثار مذکور در این بررسی برمی آید همه این داستانها را که برای فروش مجزا چاپ کرده اند می شد مانند کار آقای آذریزدی در يك مجلد قرار داد. کتاب اول، براساس باب ۵ شیر و گاو ح. ۴. آ. داستان مشهور مرغ ماهیخوار است که به جهت میل به صید بیشتر ماهیها را وادار به حرکت از دریاچه ای به دریاچه دیگر می کند

و خرچنگ هدف او را می‌فهمد و چون نوبت حرکت او به طرف آن دریاچه می‌شود، چون بر پشت ماهیخوار سوار است گردن او را می‌فشارد و ماهیهای دیگر را نجات می‌دهد در حالی که هرگز ماهیهای مهاجر به وسیله ماهیخوار به دریاچه معهود نرسیده بودند و استخوانهایشان بر زمین ریخته بود.

کتاب دوم، داستان دو کبوتر براساس باب ۱۶. باب پادشاه و برهمنان دو پرند شریک زندگی دانه جمع می‌کنند. با گرم شدن تابستان دانه‌ها خشک و کم می‌شود. کبوتر نر بر کبوتر ماده شک می‌کند و در اثر اختلاف او را بیرون می‌نماید وقتی واقعیت را می‌فهمد؛ که در تابستان به دلیل خشک شدن دانه‌ها کم نشان می‌دهند که دیگر دیرست. آذریزدی این داستان را با عنوان، **کبوتر بی صبر** آورده است.

کتاب سوم، همان داستان معروف هوشیاری خرگوش است که در کار آذریزدی دیدیم. براساس باب ۵ شیر و گاو «خرگوش که به حیل شیر را هلاک کرد» ص ۸۶-۸۸. **کتاب چهارم، طوقی و صیاد، کليلة و دمنه** باب هفتم «دوستی کبوتر و زاغ و موش و باخه». در کار آذریزدی با آن رویه‌رو شدیم.

کتاب پنجم، روباه و خر، براساس کليلة و دمنه باب ۹ حکایت اول.

«شیر ضعیف می‌شود قدرت حرکت ندارد، روباه به حيله خر را گول می‌زند و برای شکار شیر می‌آورد. بعد از شکستن خر به وسیله شیر، روباه فوراً مغز و گوشش را می‌خورد. در پاسخ شیر که چرا مغز و گوش ندارد؟ می‌گوید: اگر این «خر» مغز و گوش داشت که مرکز عقل و شنیدن است پس از آنکه حمله اول ترا مشاهده کرد به پای خود نزد تو نمی‌آمد.»

کتاب ششم، موش و گربه، براساس باب یازدهم «باب گربه و موش» جریان نجات گربه است به وسیله موش از دست راسو و جغد اما موش يك بند را بر دست و پای گربه باقی می‌گذارد. تا صیاد دیگری پیدا شود ولی فردا دوباره گربه را که می‌بیند با او بیگانه است. چه جنبه احتیاط را باید نگاه دارد و شرط عقل این است که گربه و موش دوست نباشند.

کتاب هفتم، داستان شیر و شتر، براساس باب ۵، شیر و گاو. ص ۱۰۶-۱۰۹. آذریزدی این داستان را در کمال تطبیق آورده است. ماجرا بر پناه دادن شیر، شتر راست و بدگویی گرگ و اطرافیان شیر در از میان بردن شتر، و موفق شدن دشمنان او بر اثر حيله ایشان و سادگی شتر در تعارف جاننش برای بقای شیر.

کتاب هشتم، *اردک و لاک‌پشت*، براساس باب ۵، شیر و گاو حکایت ۹ و ۹ حکایت در حکایت دویط و یاخه دوست آنان.

آفریزی این داستان را به نام سنگ‌پشت پر حرف آورده است و باید گفت در انتخاب عنوان هم انطباق به کار برده است.

«مرغابها لاک‌پشت را همراه خود می‌خواهند از دریاچه‌ای کم‌عمق به جای بهتری برای زندگی ببرند. دو سر چوبی را گرفته میانش را بر دندان او سپرده تا به پرواز درآیند. از او خواستند تا سخن نگوید. به هیاهوی مردم لاک‌پشت سخن گفتن آغاز و افتادن همان.»

کتاب نهم، *کلاغ زیرک*، براساس باب ۵، شیر و گاو حکایت ۴ و ۱۷۵ ص ۴۸۵. کلاغ به راهنمایی شغال لباس خانواده‌ای را بر لانه مار می‌افکند تا آنها مار را که فرزندانش را می‌خورد از میان بردارند. آفریزی این داستان را به عنوان شغال سیاستمدار آورده است.

کتاب دهم، *صیاد و ماهی*، باب ۵، شیر و گاو حکایت ۶. «در آگیری، دو ماهی حازم، و یک ماهی عاجز بود. چون صیاد می‌رسد دو ماهیهای حازم خود را نجات می‌دهند و ماهی عاجز که دیر تصمیم می‌گیرد در دام می‌افتد.»

کتاب یازدهم، *حکایت بوزینگان* است در باب شیر و گاو به نام بوزینگان نادان براساس باب ۵ شیر و گاو^{۲۳}.

کتاب دوازدهم، *بوزینه و لاک‌پشت* باب ۹، بوزینه و یاخه^{۲۴}. کتاب سیزدهم، *شیر و شغال*، براساس باب تیرانداز و ماده شیر ص ۳۳۸-۳۳۶ باب ۱۴.

«شغالی که روی از دنیا بگردانیده و در میان امثال خویش می‌بود. اما از خوردن گوشت و ریختن خون و ایدای جانوران تحرز نمودی. شغال شیر را بر کم خوردن و گوشت نخوردن تشویق می‌کند. در این داستان دو بچه شیر شکار می‌شوند و شیر بدین درد به نصایح و آگاه‌سازی شغال زاهد می‌شود و میوه‌خوار، و باز با توجه به انتقاد دیگران در خوردن میوه نیز راه پرهیز و کم‌خوری پیشه می‌سازد تا همه

۲۳. بازنوشته در دسترس نبود.

۲۴. بازنوشته در دسترس نبود.

بتوانند از میوه‌ها استفاده کنند.»

کتاب چهاردهم، زاهد و دزد، براساس باب بوف و زاغ، باب هشتم.

«زاهدی که از مریدی گاوی دوشاسید دزدان زاهد را تعقیب و از خانه او می‌خواهند مالی بدزدند. دعوایشان می‌شود. در اثر این جدال زاهد بیدار و دزدان موفق به انجام خواسته خود نمی‌شوند.»

کتاب پانزدهم، سیاح و مرد زرگر، از باب زرگر و سیاح، باب هفده:

«صیادان چاهی در بیابانی برای صید بدان می‌کنند. بوزینه‌ای و ماری و بیری و زرگری در آن می‌افتند. يك روز سیاحی بر آنها می‌گذرد و آن حال مشاهده می‌کند. در تصمیم به نجات همگان، حیوانات او را از نجات زرگر منصرف می‌کنند به‌دلیل آنکه او را انسانی صالح نمی‌بینند. در ماجراهایی که برای سیاح پیش می‌آید پاسخ نيك حیوانات کمک شده خوبی آنها را ثابت می‌کند و بدکشی و بدسرشتی زرگر نسبت به سیاح نیز اتفاق می‌افتد که فقط به یاری حیوانات سیاح از مرگ رهایی می‌یابد.»

کتاب شانزدهم، روباه زیرک، براساس باب شیر و گاو.

بردنِ گرگ است به در خانهٔ روباه به وسیله خرگوش در بند افتاده برای رهایی خودش روباه هر دو را در چاه خانه‌اش به دام می‌افکند.

ارزشیابی این آثار

آثار مؤسسه انتشار شرکت توسعه کتابخانه‌های ایران به یکجا ارزشیابی می‌گردد. از آن جهت که تفاوتی جز ماجرای داستان ندارد بر يك سبك و روش است.

کیفیت محتوا

- مفهوم و هدف اصلی مأخذ حفظ نشده است.
- به مسائل ذهنی و عاطفی و زبانی کودکان توجه نشده است.
- گزینش بسیاری از داستانها صحیح نبوده است.
- بازنویسه هیچ‌گونه علاقه‌مندی در کودک جهت خواندن متون اصلی ایجاد نمی‌کند.
- بعضی از داستانها تحریف شده است.

کیفیت ساخت و پرداخت

- هماهنگی بین محتوا و ساخت نیست.

- پراکندگی در ساخت و پرداخت نتیجه را به خواننده نمی‌رساند.

کیفیت زبان و شیوه بیان

- از سبک و روح نوشته اصلی عدول شده است.

- زبان و بیان متناسب با درك کودکان نیست.

اجزاء تکمیلی

- هیچ‌گونه شرح و توضیحی بر مآخذ ندارد.

- تصاویر رنگی آن با محتوا و زمان و مکان و ماجراها هماهنگ نبوده به فهم مطلب

خدمتی نمی‌کند.

نتیجه اینکه:

وقتی باز نویسی، چنین سهل باشد که با بیان يك ماجرا بدون تعهد نسبت به گروه سنی مطالعه‌کننده‌اش دفتری ترتیب یابد و هر روز منتشر شود به‌زودی تمامی کتابخانه‌های ایران توسعه کمی می‌یابند.

در این آثار ساده با مقدمه‌ای خوب شروع می‌کند و نصایح خوبی را مطرح می‌کند که به‌کار بزرگسالان می‌آید. از آنجا که گروه سنی را نیز مشخص نکرده‌اند می‌توان برداشت نمود که روی سخن با کودکان نیست. واژه‌های انتخاب شده در این مقدمه برای کودک سالهای اول دبستان سنگین است. جای شگفتی است که با این سبک نگارش و کار، هدف خویش را نیات فرهنگی بیان می‌دارد. گزینش کلیله را اولین قدم فرهنگی محسوب داشته تا به‌سوی بقیه آثار ادب رسمی رود.

مقدمات تعارفی و دادن جوایز در مقابل بیان نتیجه از راههای تبلیغی این شرکت است.

قسمتی از متن کتاب شیر و شغال

«ولی چون خیلی خودخواه بود، هرچه میوه خوب و رسیده در جنگل بود می‌خورد و مهلت به کسی نمی‌داد. حیوانات بیچاره هم از ترس چیزی نمی‌گفتند. چندی گذشت يك روز شغال به نزد شیر رفت و گفت رفیق تو خیلی راحت داری همه میوه‌ها را می‌خوری و فکر نمی‌کنی دیگران هم در این جنگل حقی دارند.»

دستوم، حسین. *روباه حقه‌باز*. قصه‌های کلیله و دمنه. تهران: تهران لیا، ۱۳۶۳. حدود ۱۴ تا ۱۶ صفحه. مصور (گروه سنی کودکان قبل از دبستان و سالهای اول دبستان).

براساس باب ۵، شیر و گاو.

خلاصه داستان

«خرگوش به دست گرگ اسیر می افتد چاره در این می بیند که گرگ را به در خانه روباه ببرد. روباه نیز برای روز مبادا چاله ای که سر آن را پوشانده بود جلوی خانه اش آماده ساخته بود. گرگ و خرگوش در آن افتادند. و بدین سان خواب خرگوش برای روباه بر خودش تعبیر می شود.»

این اثر از هر جهت جز بیان سریع يك ماجرا فاقد ارزش بازنویسی است.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- به مسائل ذهنی، عاطفی و زبانی کودکان توجه نشده است.
- مفهوم و هدف اصلی حفظ نشده است.

کیفیت ساخت و پرداخت

- انسجامی در ساخت و پرداخت برای رسیدن به نتیجه وجود ندارد.
- هماهنگی بین محتوا و ساخت نیست.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- زبان و بیان متناسب با مأخذ نیست.

اجزاء تکمیلی

- شرح و توضیحی ندارد.

- تصاویر در نهایت، بی ارزش و بی مفهوم است.

شعبانی، اسدالله. ماهیخوار حيله گر. نقاشی فرزانه فروغی. تهران: شکوفه (امیر کبیر)، ۱۳۶۲. ۲۴ ص. (کودکان قبل از دبستان و سالهای اول دبستان).

براساس باب ۵ کلیله و دمنه. باب شیر و گاو ماهیخوار و خرچنگ ص ۸۲-۸۵. داستانی از کلیله و دمنه که به فرم شعر نوشته شده است. این داستان بسیار تکراری بازنویسی شده.

«ماهیخواری به فریب ماهیها می پردازد که صیادی می خواهد همه ماهیها را بگیرد. همه ماهیها بر دشمنی که فقط روزی يك ماهی از ایشان می گرفت اعتماد

می‌ورزند و تعداد بی‌شماری از آنها خود را بدو می‌سپارند تا ایشان را به دریاچه مجاور برد. یکی به حیلۀ او آگاه می‌شود. ماهیخوار را می‌کشد و ماهیها را نجات می‌دهد».

آذریزدی نیز این داستان را با ساخت و پرداختی خوب آورده است.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- گزینش - استان تکراری بوده.

- مسائل ذهنی و عاطفی کودکان در آن رعایت نشده.

کیفیت ساخت و پرداخت

- گسیختگی در ساخت و پرداخت برای رسیدن به نتیجه هست.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- اشعار سست می‌باشد.

- زبان از اسلوب و نوشته اصلی برخوردار نیست.

همین داستان را آذریزدی تحت عنوان خرچنگ و مرغ ماهیخوار با کیفیت خوبی در محتوا، ساخت و پرداخت و شیوه نگارش آورده است.

نعیمی ذاکر، محمود. مرغ ماهیخوار. نقاشی محمد صانعی. تهران: شکوفه (امیرکبیر) ۱۳۶۳. ۲۵ ص.

براساس ماهیخوار و خرچنگ باب شیر و گاو. باب ۵، ص ۸۲-۸۵. داستان مشهور فریب ماهیها به وسیله ماهیخوار و هوشیاری و ایثار خرچنگ در نجات همه، با به کیفر رساندن مرغ ماهیخوار.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- عدم انطباق محتوا با متن اصلی.

- تحریف اصل داستان.

کیفیت ساخت و پرداخت

- ساخت و پرداخت در رسیدن به نتیجه از انسجامی برخوردار نیست.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- اصول زبان و ادب فارسی رعایت نشده است.

انتشارات خشیار، گرمی و شیر، تهیه و تنظیم انتشارات خشیار، تهران. ۱۳۶۳.
(گروه سنی کودکان سالهای اول دبستان). مصور رنگی. براساس باب شیر و شغال و تیرانداز و ماده شیر. ص ۳۰۸-۳۰۹.

نمونه‌ای از نثر

«آورده‌اند که در زمین هند شگالی بود روی از دنیا بگردانیده و در میان امثال خویش می‌بود. اما از خوردن گوشت و ریختن خون و ایدای جانوران تحرز نمودی.»

در این بازآفرینی شیر را نسبت به شغال که اصلاً گوشت نمی‌خورد بدبین می‌کنند، که صبحانه شیر را که گوشت بوده دزدیده است. بعد از محاکمه بی‌گناهی او مشخص و شیر با او دست دوستی می‌دهد.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- اثر در محتوا با اثر اصلی انطباق ندارد.

- حس کنجکاوی خواننده را به خواندن متن اصلی بر نمی‌انگیزد.

کیفیت ساخت و پرداخت

- ساخت و پرداخت انسجامی در رسیدن به نتیجه ندارد.

- با متن اصلی صادقانه و در رعایت امانت رفتار نکرده.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- زبان و بیان از اصول زبان فارسی دور است.

اجزاء تکمیلی

- اثر را که معرفی نکرده هیچ، اشتباه‌های جای تهیه و تنظیم کلیله و دمنه نوشته بعد روی آن خط کشیده است.

ضیائی. موش و آهن، نویسنده و نقاش. ضیائی تهران: انتشارات نادری. ۱۳۶۵. مصور. رنگی.

مأخذ: بازرگانی که صد من آهن داشت. باب شیر و گاو باب ۵. ص ۱۲۲ حکایت ۱۲. بازرگانی که صد من آهن داشت.

«آورده‌اند که بازرگانی اندک مال بود و می‌خواست که سفری رود صد من آهن داشت. در خانه دوستی بر وجه امانت بنهاد و برفت چون باز آمد امین و دیعت فروخته بود و بها خرج کرده. بازرگان....»

متن اصلی چنین روان و ساده و زیبا نوشته است. حال بقیه داستان:

«امین گفت آهنها را موش خورده است. بازرگان چون بیرون می‌رفت پسری از آن او ببرد. چون کودک را جست‌وجو کردند. بازرگان گفت: من کودکی را دیدم که باز او را می‌برد. امین فریاد برآورد که محال چرا می‌گویی؟ بازرگان بخندید و گفت دل‌تنگ چرا می‌کنی؟ در شهری که موش آن صد من آهن بتواند خورد... امین دانست که حال چیست.»

این داستان در کلیله چنین مختصر و پرمحتوی آمده است. آذریزدی سه صفحه بدان اختصاص داده اما این حاشیه رفتن کودک را خوش آید و صدمه‌ای بر اصلی نزده و تنها کار بردن «ای دیوانه احمق هالو» به جای «محال چرا می‌گویی» در اصل اثر، بسیار شگفت‌آور است. وقتی بتوان جمله‌ای درست به کار برد. ناسزا آموزی چرا؟ در اثر ضیایی به نام موش و آهن تمام کار زیر پرشش است.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- مفهوم و هدف اصلی درست ارائه نشده است.

کیفیت ساخت و پرداخت

- نتیجه در آشفته‌گی ساخت و پرداخت داستان سرگردان است.

کیفیت زبان و شیوه بیان

- به جای استفاده از فارسی سره غلط دستوری نیز دارد.

- اشتباه چاپی مزید بر اشکالات دیگر شده است.

اجزاء تکمیلی

- هیچ گونه توضیح و معرفی نسبت به متن اصلی ندارد.
- تصاویر با حوادث کتاب تطبیق ندارد.

نعمی ذاکر، محمود. طوقی. براساس داستانی از کلیله و دمنه. نقاشی نیره تقوی. تهران، شکوفه، ۱۳۶۵. ۲۲. (گروه سنی قبل از دبستان و سالهای آغاز دبستان).
براساس باب هفتم کلیله و دمنه «دوستی کبوتر و زاغ و موش و یاخه».
داستان اتحاد کبوتران است که در بالا بردن دام و بریدن بندها به یاری موش.
شعرگونه‌ای است سخیف. نمونه: «دس دسی دس دسی. به موش موشک می‌رسی
شکارچی ناقلا. آورد یه دام بی‌هوا».
کیفیت محتوا، ساخت و پرداخت، زبان و بیان و نحوه ارائه ضعیف است.

جدول تکرار آثار در بازنویسی از کلیله و دمنه

شماره	عنوان داستان بازنویسته	بابهای کلیله و دمنه	فراوانی
۴	ماه‌بخوار و خرچنگ	باب ۵ ح ۴ آ. ماه‌بخوار و خرچنگ	
	ماه‌بخوار حیل‌گر	» » » »	
	خرچنگ و مرغ ماه‌بخوار	» » » »	
	مرغ ماه‌بخوار	» » » »	
۲	خرگوش باهوش	باب ۵ ح ۵. خرگوش که به حیل شیر را هلاک کرد.	
	شیر و خرگوش	» » » »	
۱	صیاد و ماهی	ب ۵ ح ۶ شیر و گاوسه ماهی که در آگیری بودند.	
۲	اردک و لاک‌پشت	باب ۵. دوط و باخه دوست آنان. ح ۹ آ	
	سنگ‌پشت پر حرف	» » » »	
۱	بوزینگان نادان	باب ۵ بوزینگان و کرم شب‌تاب	
۲	موش و آهن	باب ۵ ح ۱۲ بازرگانی که صد من آهن داشت	
	موش آهن‌خور	» » » »	
۲	شیر و شتر	باب ۵ شیر و گاو	

	»	»	شیر خوش‌یاور
۲	باب ۵	باب شیر و گاو	حکایت ۴ آ
	»	»	»
۳	باب ۵	باب شیر و گاو	روباه زیرک
	باب ۵	باب شیر و گاو	روباه حیل‌گر
	»	»	»
۵	باب ۷	حکایت اصلی باب دوستی کبوتر و زاغ و موش و باخه و آهو	همکاری موش و زاغ
	»	»	»
	»	»	»
	»	»	»
	»	»	»
۱	باب ۹	اصلی بوزینه و باخه	بوزینه و لاک‌پشت
۱	باب ۹	شیر درگرفته و روباه و خر	روباه و خر
۱	باب ۹	باب گربه و موش	گربه و موش
۲	باب ۱۳ و ۱۴	شیر و شغال و باب تیرانداز و ماده شیر	شیر و شغال
	»	»	»
۲	باب ۱۶ ح ۱	جفتی کبوتر که دانه ذخیره کردند.	دو کبوتر
	»	»	»
۱	باب ۱۷	باب زرگر و صیاد	صیاد و مرد زرگر

آفریزی ۲۵ داستان از ابواب مختلف و بیشتر از باب ۵ آورده است.

نتایج و پیشنهادها

کلیله و دمنه از آثاری است که به دلیل نثر مصنوع آن در تصور غیرقابل خواندن بودن برای کودکان و نوجوانان مورد اقبال بازنویسان در سادهنویسی حکایت قرار گرفته است. داستانهای انتزاعی است که از فصاحت و بلاغت اثر نشانی ندارد. به نظر می آید کلیله متنی است که آمادگی خود را برای رونق بازار ناآگاهان فراهم نموده است. اکثر آثار دفاتر گونه ای است با تصاویر چهاررنگ قطع بزرگ. بازنویس در واقع به کلیله دستبرد زده است و با نداشتن آشنایی به اصول بازنویسی برای کودکان و عدم تسلط به زبان و متون فارسی آن چنان متون تحریفی و تخریبی را به نام کلیله و دمنه به بازار می فرستد که هر ایرانی آگاه به ادب فارسی دچار تأثر و تأسف می گردد. به جز آثار آفریزی تقریباً اکثر بازنوشتها و سادهنویسیها از کلیله از کیفیت خوبی برخوردار نیست. معمولاً این بازنوشتها رونویس از بازنویسیهای قبلی در همان داستانهاست. این آثار هیچ گونه تعریفی از اثر اصلی جز نام اثر نمی دهد. از آثاری که نام اثر را هم ندارد می گذریم.

پیشنهاد:

بازنویس باید روش ساده نمودن متون فنی و مصنوع را در کنار حفظ فصاحت و ویژگیهای اثر بداند. اثرش مینیاتوری از اثر اصلی بوده و باتوجه به توانمندی کودکان بُعد سیاسی، اجتماعی و حکمتی اثر را به آنها بشناساند.

برای سالهای آخر دبستان می توان سادهنویسی همراه با نمونه ای از اثر اصلی ارائه داد. برای دوره راهنمایی نمونه کار آقای آفریزی همراه شواهد کافی از اثر و معرفی جامع کلیله ضروری است. برای دوره دبیرستان خلاصه و گزیده پیشنهاد می گردد.

سندبادنامه

معرفی کتاب

این کتاب گویا در اصل به زبان سانسکریت بوده و سپس به پهلوی برگردانده شده است و ابوالفوارس آن را به دری برگردانده، ظهیرالدین سمرقندی ترجمه آن را به قول خود آراسته و مزین ساخته است. در هر حال جای تأسف است که ترجمه ساده و بی پیرایه آن به زبان دری در دست نیست. ظهیری ترجمه سندبادنامه را به تمناج خان که از قره خانیان (ملوک خانیه) ماوراءالنهر بود و در اواسط قرن ششم هجری سلطنت می کرد تقدیم کرده است. سندبادنامه و بختیارنامه داستانهایشان شبیه هم بوده که در الف لیله و لیله تمام

داستان سندبادنامه درج است.

موضوع سندبادنامه

پادشاهی در هندوستان می‌زیست «کوردیس» نام که همواره با دانشمندان آمیزش داشت. از نداشتن فرزند در رنج بود. پس از سالها خدا به او فرزندی عطا فرمود. پسر تا دوازده سالگی چیزی نیاموخت. حکما را به چاره خواستند. گفتند دیر شده است جز سندباد.

سندباد در ابتدا نتیجه نگرفت. چون شاهزاده سخن آموخت در طالع او هفت روز را برای آزمایش در نزد شاه مناسب ندید به او گفت باز سخن نگوید و خود مخفی شد. زنی از حرمسرا به او تهمت زده و قتل وی را از شاه می‌خواهد، وزیران نمی‌گذارند و با داستانهای مکرر که برای شاه می‌گویند امر وی را به تعویق می‌افکنند این داستانها موضوع اصلی سندبادنامه است.

آفریزی نتیجه را بر این کتاب چنین می‌گیرد:

«نویسنده اصلی سندبادنامه هر که بوده آدم بدبین و کج‌خیالی بوده و در کتابش بسیاری افسانه‌های مزخرف هم وارد کرده و من از میان آنها قصه‌های خویش را که همیشه سودمند است انتخاب کرده‌ام و به زبان ساده‌تر برای شما نوشته‌ام.»

بازنویسی از سندبادنامه^{۲۵}

آفریزی: قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب. قصه‌های سندبادنامه و قابوسنامه. تهران: شکوفه (امیرکبیر) ۱۳۶۵-۱۳۴۱. ۱۲۱ ص. مصور. سیزده قصه را از سندبادنامه اخذ نموده که بر قصه پنجم آن کودک هوشیار نظر می‌افکنیم. براساس داستان کودک پنج‌ساله و گنده پیرو طراران. سندبادنامه. ص ۲۹۳.

خلاصه داستان

«سه پيله‌ور که در سفر به بیابانی همراه بودند. گرفتار رهنان می‌شوند و تصمیم می‌گیرند به آن صورت به شهر خود برنگردند. در شهر غریب کار کنند و پولی

۲۵. ظهیر سمرقندی. سندبادنامه به اهتمام و تصویر و حواشی احمد آتش (تهران: فرزانه، ۱۳۶۲) ۴۱۸ ص.

برای خود کسب کنند. یکی علاوه بر شغل خود بنایی نیز می‌دانست، شروع به کار نمود. آنچه کسب می‌نمود دیگران نیز می‌خوردند. برای تمام نشدن پول قرار بر امانت آن نزد پیرزن امینی گذاشتند. با ترتیب صحنه‌ای که هر سه باشند یکی از سه نفر تمامی پول بگرفته فرار نمود. آن دو که مظلوم مانده بودند شکایت به قاضی بردند. پیرزن محکوم شد. کودکی راهنمایش نمود که پیش قاضی برگرد و بگو اگر سه نفر حاضر باشند طبق قراری که داشتیم پول را پس می‌دهم. و چون آن دو که حق چندانی هم نداشتند (چون آن کس که پول را گرفت خود کار می‌کرد و پول مزد او بود) و نمی‌توانستند شخص سوم را بیابند از شکایتشان گذشتند. حاکم از پیرزن پرسید چطور شد که اول این جواب را نگفتی و بعد که برگشتی چنین حرفی را زدی؟ پیرزن گفت: تدبیر کودکی هوشیار بود که مرا نجات داد. حاکم دستور داد وسایل تعلیم و تربیت کودک را فراهم کردند و آن کودک یکی از دانشمندان بزرگ شد.»

سخنی پیرامون این بازنویسی:

آفریزی معتقد است:

«سندبادنامه را از لحاظ گمانها و پندارهای نامعقولی که تلقین می‌کند کتاب بدی می‌دانم، کتابی که نویسنده اصلی آن مردی بیمار و دچار عقده‌های روحی ریشمدار بوده... اما به هر حال سندبادنامه از منشآت ادیبانه و آراسته قرون ماضی است.»

حال باید پرسید چه اصراری است وقتی اثری این چنین مسأله دارد که برای بازنویسی‌اش باید ساعتها توضیح داد، دلیل آورد و نمونه‌ای از بدترینش را آورد و گفت حالا ببینید من چقدر زحمت کشیده‌ام که بازآفرینی‌اش نموده‌ام؛ مورد بررسی و کار قرار گیرد.

در قسمت چند کلمه‌ای با بزرگها «داستان زن و گوسفند و پیلان و حملونگان» را از سندبادنامه نمونه می‌آورد بعد بازآفرینی همان را در متن کتاب به‌نام آتش‌بازی قرار می‌دهد. جهت تهذیب و دگرسازی داستان تمام تلاش خود را می‌کند و از لغات کارآگاه - کارهای صنعتی - آتش‌بازی استفاده می‌کند تا داستان را رنگ و بویی نو بخشد. بازنویسی می‌کنیم که اثر اصلی را بشناسیم. قصد صرفاً آوردن قصه نیست حال اگر بخواهیم به نوعی آن را مخفی کنیم. چه بهتر که آن اثر را برای مطالعه به وقت دیگری

واگذاریم که جوان با استاد بخواند و تحلیل کند و خود نتیجه بگیرد. یا اصلاً نخواند. اثر بد را چه ضرورت برای خواندن است.

داستانهایی را که آنریزدی با دقت برگزیده نیز همه یكدست نبوده و مناسب نوجوانان و کودکان نیست. مطلب دیگر آنکه وقتی داستان خوبی مانند كودك هوشیار را می‌توان آورد بهتر است قسمتی از مأخذ مربوط به آن را به‌عنوان نمونه بیاورند.

نتیجه و پیشنهاد:

- محتوای داستانهای سندبادنامه به‌هیچ‌وجه آمادگی بازنویسی برای کودکان و نوجوانان را ندارد و بهتر است کسی مانند آنریزدی خود را به آن همه زحمت برای یافتن مفر محتوایی در ارائه و شناساندن اثر نیفکند.

بازنویسی از شعر فارسی قرن ششم

نظامی و خَمسه‌اش

معرفی اثر

حکیم نظامی گنجوی از شاعران بزرگ داستانسرای ایران است. وی در حدود ۵۳۵ در گنجه متولد شد و بیشترین سهم عمر خود را در همان شهر گذراند. نظامی در رشته‌های مختلف علوم زمان خود مهارت داشت. خاصه در ادب و شعر فارسی مقام بزرگی به‌دست آورد.

از آثار معروف او به‌جز دیوان اشعارش خَمسه^{۲۶} می‌باشد که به‌طرز مثنوی سروده است.

خَمسه شامل پنج کتاب است: مخزن‌الاسرار، لیلی و معجون، خسرو شیرین، هفت‌پیکر یا بهرام‌نامه و اسکندرنامه. باید گفت از بازنویسان خَمسه‌اش امیرخسرو دهلوی، خواجو کرمانی، جامی، وحشی مکتبی بوده‌اند.

نظامی در شیوه داستانسرایی استاد و پیشرو دیگران است وی ضمن داستانسرایی از مباحث اخلاقی حکمی، پند کمک گرفته و ضمن داستانهای عاشقانه نیز مقید به عفت قلم

۲۶. الیاس بن یوسف نظامی گنجوی. کلیات خَمسه نظامی. (خسرو و شیرین) با مقدمه معین‌فر. (تهران: زرین، ۱۳۶۲) ص ۹۴ تا ۳۴۹.

و شرم بوده است. نظامی همهجا از وقایع نتیجه‌گیری مفید کرده است. نظامی شعر تمثیلی را به حد کمال رسانده و با نیروی تخیل قوی حالات مختلف روحی انسان و چگونگی مناظر را به‌خوبی وصف نموده است. چون از علوم مختلف اطلاع داشته است، اصطلاحات علمی و فلسفی در اشعارش بسیار دیده می‌شود.

خسرو و شیرین یکی از مثنویهای خمسۀ نظامی داستانسرای بزرگ قرن ششم است. آن را در سال ۵۷۶ ساخته است. موضوع آن داستان عاشقانه خسرو پرویز شاه ساسانی با شیرین شاهزادهٔ ارمنی می‌باشد. داستان خسرو و شیرین از داستانهای کهن ایرانی است و در شاهنامهٔ فردوسی هم آمده است. اما در منظومۀ نظامی تفصیل بیشتری دارد. و حال بازنویسی خسرو و شیرین در اثر زهرا خانلری:

خانلری، زهرا. *داستانهای دل‌انگیز ادبیات فارسی*. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶. (گروه سنی جوانان و نوجوانان) ۲۲۰ ص. خسرو و شیرین ص ۱۰۰-۱۳۰ و نیز در مآخذ اصلی از تولد پرویز (خسرو پرویز) و آشناسدش با هنرها و تنبیه و تربیت صحیح پدرش سخن می‌راند و اینکه به سبب تبعیت از نصایح پدر، هرمز او را ولیعهد می‌کند.

«شبی نیایش را به خواب می‌بیند که به‌دلیل صبر بر عقوبت پدر در اشتباهی که کرده بود او را به چهار چیز بشارت می‌دهد که یکی شیرین است. ندیم شاپور در تعبیر خواب به برادرزادهٔ مهین‌بانو، فرمانده آران تا ارمن و اسب برادرزاده‌اش شب‌دیز اشاره می‌کند. آنگاه بدانسو می‌رود تا شیرین را خواستگاری کند. شاپور تصویر خسرو پرویز را کشیده در مسیر شیرین می‌نهد. در حالی که جست‌وجوگر نقاش هستند شاپور را می‌بیند و او در وصف خسرو سخنها می‌گوید و او را تشویق به آمدن سوی قصر شاه می‌کند. خسرو نیز با بی‌تابی به‌سوی شیرین می‌شتابد وسط راه همدیگر را می‌بینند اینجا از تقوی و صبر خسرو سخن می‌گوید خسرو که لباس مبدل داشت، شیرین نشان شاهی در او نمی‌بیند و دور می‌شود. به‌سوی مدائن می‌رود و در آنجا آگاهی می‌یابد که خسرو نیز به ارمن رفته بعد از این مقدمات مهین‌بانو بر آشنایی و رفت‌وآمد آنها رضا می‌دهد. (بر عفت و پاکدامنی شیرین اما نه آن‌چنان که این عفت را بشناساند) تکیه می‌کند. قسمت مهم داستان بر این پرهیز و تفکر شیرین است. خسرو از شیرین ناامید و با مریم دختر قیصر

روم ازدواج می‌کند. شیرین با شنیدن این خبر به قصر خود به مدائن می‌آید. حال امکان وصال این دو با بودن مریم امکان‌پذیر نیست چون مریم سوگند خورده اگر چنین بشود خود را می‌کشد و اینجاست که مثلث عشقی پیش می‌آید و فرهاد پیدا می‌شود. شیرین دل بر خسرو و خسرو دل بر شیرین و فرهاد دل بر شیرین دارد. فرهاد از نومیدی و خبر از دست رفتن شیرین (به دروغ) از دست می‌رود. از این به بعد تلاش شیرین بر ازدواج با تقوی با خسرو است نه روز گذراندن. شاه که می‌بیند جز با پیوند زناشویی بر شیرین دست نخواهد یافت. با شیرین ازدواج می‌کند. سالها بعد شاه را فرزندش شیرویه می‌کشد و از شیرین خواستگاری می‌کند. شیرین در کنار جسد شوهر به وفاداری خود را می‌کشد.»

ارزشیابی اثر کیفیت محتوا

- مفهوم و پیام اصلی داستان حفظ شده.
- حس کنجکاوی نوجوان را به خواندن دیگر آثار خمسه جلب می‌کند.
- کیفیت ساخت و پرداخت
- امانت در ارائه پیام حفظ شده است.
- هماهنگی محتوا و ساخت حفظ شده است.
- در ساخت و پرداخت پراکندگی نبوده درست به نتیجه رسیده است.

شیوه نگارش و زبان

- اصول زبان و ادب فارسی رعایت شده است.
- از استخوان‌بندی و روح نوشته اصلی عدول نشده است.

نکته منفی

ضمن اینکه می‌توان محتوا را برای معرفی ادب رسمی به نوجوانان منتقل نمود. بهتر است حال که اساس داستان بر تقوی است باز هم بر وصف در این موضوع افزود و گوشه‌های کوچک معاشقه را بسته‌تر نمود. یا اصلاً در گزینش سختگیر بود و دیرتر نوجوانان را باوصف بی‌پرده صحنه‌های عاشقانه روبه‌رو نمود.

اجزاء تکمیلی

- تصاویر مقیدتر باشد.

- در صورتی که تصویر کمکی به انتقال بیشتر محتوا ندارد آوردنش چه ضرورت دارد.
تصویر باید به درك بیشتر مطلب كمك كند.
- مقدمات معرفی اثر و شرح و توضیح و آوردن شواهد لازم از اثر اصلی به کمال است.

هفت پیکر

هفت پیکر یا هفت گنبد یا بهرام نامه یکی از مثنویهای خمسۀ معروف نظامی داستانسرایی نامی ایران در قرن ششم است. موضوع آن داستان بهرام گور است که از داستانهای معروف عهد ساسانی است. نظامی ابتدا ماجراهای کودکی و جوانی بهرام را تا سلطنت او سروده و بعد قصۀ هفت گنبد را که به دستورش به هفت رنگ برای هفت دختر شاهان هفت اقلیم ساخته شده بود شرح می دهد. قصه های این کتاب از زبان دختران برای بهرام گور گفته می شود. در اثر خانلری نوجوانان با بهرام در گنبد سیاه آشنا می شوند. عنوان متن اصلی^{۲۷}: «نشستن بهرام روز شنبه در گنبد سیاه و افسانه گفتن دختر پادشاه اقلیم اول.

خانلری، زهرا. *داستانهای دل انگیز ادبیات فارسی*. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶. مصور ۲۲ ص. ص ۱۳۳-۱۴۰.

خلاصۀ داستان

«بانوی اقلیم اول از زبان یکی از کدبانوان قصر تعریف می کند «زنی پارسای پاکیزه خوی که ماهی یكبار با لباس سیاه به سرای ما می آمد و هرگز لباسش را به رنگ دیگر در نمی آورد. رازش را چنین تعریف می کند: کنیز شاهی بودم مهمان نواز که به جامۀ سیاه درآمده بود و خواستم رازش را با من بگوید. گفت: در میان مهمان غریبی از راه رسید که سیاه پوش بود رازش را پرسیدم بیش از این چیزی نگفت که: در ولایت چین شهری است چون خلدبرین که نامش شهر مدهوشان است و مردمانش سیاه پوشانند. شاه داستان خود را ادامه می دهد که من نیز به آن شهر رفتم. برای شنیدن راز شهر با قصایی طرح دوستی ریختم. او مرا به

۲۷. الیاس بن یوسف نظامی گنجوی. هفت پیکر (تهران، جیبی ۱۳۴۰) ۱۶۶ ص. ۶۳-۸۰ ص.

ویرانه‌ای برد، در سبیدی نشاند و آن سبید بین زمین و آسمان معلق بود. پرنده‌ای چون عقاب رسید و مرا بر آسمان برد و بر زمینی که چون بهشت بود فرود آورد. آنگاه ماجرای اوست با پریرویان و پری خاصی که شاه دل بدو بسته که به او مجال وصل نمی‌دهد با بهانه روزی به دیگر روز می‌گذارد. چون روزی به وصال اصرار می‌ورزد قول مساعد می‌دهد اما به شرط بستن چشم برای چند لحظه، چشم می‌گشاید خود را در همان سبید می‌بیند. قصاب می‌گوید رازی که بود این بود. چنین داستانی را با که توان گفت مگر شخص خودش ببیند. بدین ترتیب پادشاه سیاه‌پوش می‌شود و ندیم او نیز.

گفت اگر گفتمی ترا صدسال	باورت نامدی حقیقت حال
رفتی و دیدی آنچه بود نهفت	این چنین قصه با که شاید گفت
من در این جوش گرم جوشیدم	وز تظلم سیاه پوشیدم

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- مفهوم و هدف اصلی حفظ شده است.
- مآخذ اثری نیست که به آسانی بتوان محتوای آن را به نوجوانان منتقل نمود.
- در گزینش داستان مسائل ذهنی و عاطفی نوجوانان در نظر گرفته نشده است.
- بازنویسه حس کنجکاوی خواننده را بدین مسائل جذب می‌نماید.
- گزینش قسمت حرمسرای زندگی بهرام گور برای نوجوانان صحیح نمی‌باشد.
- محتوای داستان را بدون توضیح، بیان تاریخ، تمثیلهای ضمن دید انتقادی نمی‌توان به نوجوانان منتقل نمود.

شاید از جهت شناخت متون و ادب فارسی و تشبیهات و تخیلات خوب باشد، لیکن به تفکر نوجوان داده منفی‌اش بیش از مثبت است. لااقل از اثر می‌توان قسمتهایی نظیر «زلف کش و گاز گیر و بوسه ربای» را حذف و به نوعی دیگر بیان مطلب کرد. در مراحل تحقیقی وقتی يك جوان به خواندن اثر پردازد زبان احتمالش در آن سن کمتر از وقتی است که به‌عنوان آشنایی با آثار ادب رسمی برایش گزینش می‌گردد. گزینش چنین داستانهای برای نوجوانان یا نمی‌باید انجام پذیرد یا بر طریقی دیگر که بدون تحریف متن اصلی، شناختی بر بودن چنین آثاری داده شود.

کیفیت ساخت و پرداخت

- هماهنگی محتوا و ساخت و پرداخت حفظ شده است.

- پراکندگی در ساخت و پرداخت نیست.

کیفیت زبان و شیوه بیان

- اصول زبان و ادب فارسی در آن کاملاً رعایت شده است.

- از استخوانبندی، سبك و روح نوشته اصلی عدول نشده است.

اجزاء تکمیلی

- شرح و توضیح و شواهدی از متن اصلی دارد. و اما داستان دیگری از هفت گنبد یا هفت پیکر.

آذریزدی، مهدی. *خیر و شر يك داستان از هفت گنبد نظامی گنجوی*. تهران، اشرفی، ۱۳۵۰، ۱۳۴۴. ۵۵ ص. (گروه سنی سالهای آخر در تابستان قصه‌های تازه از کتابهای کهن برای کودکان).

اصل داستان در هفت گنبد، «نشستن بهرام روز پنجشنبه در گنبد صندلی و افسانه گفتن دختر پادشاه اقلیم ششم.»

خلاصه داستان

«دو جوان از شهر بهسوی مقصدی راه می‌افتند یکی به‌نام شر و یکی خیر. خیر آنچه ره‌توشه داشت مصرف می‌کند و چون تشنه‌اش می‌شود از شر کمک می‌خواهد او آب را در مقابل چشم جوان روا می‌دارد. چون چشم جوان را می‌گیرد و جواهرش را می‌رباید. آب بدو نداده می‌گریزد. در بیابان دختر کرد به کمک خیر می‌شتابد و با برگ گیاهی او را شفا می‌دهد. مدت‌ها با آنها می‌زیست تا قصد دیار خویش می‌کند. با دختری که او را نجات داده ازدواج و در راه چون به دختران بیمار شاه و وزیر می‌رسد. ایشان را معالجه و در عوض معالجه آنها را به زنی به او می‌دهند و در ازاء دو گوهر چشم سه گوهر می‌یابد و به شاهی می‌رسد. روزی با شر روبه‌رو می‌شود و شر خود را مبشر سفری می‌نامد خیر او را شناخته و چون شر راه طفره رفتن ندارد تسلیم شده و عمر می‌خواهد که:

گفت زنهار اگرچه بد کردم در بد من مبین که خود کردم

خیر او را بخشید اما یکی از اطرافیان و نزدیکانش به دنبال شر رفت و او را از میان برداشت و دو گوهری را که شر از او دزدیده بود پس آورد. خیر نیز آن دو گوهر را به آورنده بخشید.»

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- محتوای داستان را به کمال منتقل کرده است.
- گزینش این داستان از خمسه ارزش داشته است.
- مسائل ذهنی و تفکری نوجوانان را در نظر داشته است چنان که بدون تحریف اثر، قسمت ازدواج او را با سه دختر کرد، دختر پادشاه دختر وزیر به وفاداری خیر فقط به دختر کرد تغییر داده است.

کیفیت ساخت و پرداخت

- ساخت و پرداخت با محتوا هماهنگ است.
- پراکندگی در ساخت و پرداخت نبوده و مطلب به گونه‌ای است که خواننده را به نتیجه رسانده است.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- اصول زبان و ادب فارسی در آن رعایت شده. بسیار ساده و روان نوشته است.
- می‌توانست بیشتر از سبک و روح نوشته اصلی استفاده کند.

اجزاء تکمیلی

- ابیاتی اندک در فاصله آورده است.
- در تصاویر بهتر است بازنگری صورت گیرد.

خانلری، زهرا، *داستانهای دل‌انگیز ادبیات فارسی*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران. ۱۳۴۶. مصور (گروه سنی نوجوانان). بهرام و بانوی چین خیر و شر آنریزدی. براساس «نشستن بهرام روز پنجشنبه در گنبد صندلی و افسانه گفتن دختر پادشاه اقلیم ششم» ص ۶۵۴-۶۴۲.

نام داستان خیر و شر آنریزدی در اثر خانلری بهرام و بانوی چین است.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- محتوای این داستان به جز پاداش گرفتن خیر در ازدواج با سه دختر، برای نوجوانان مناسب است.

- در خواننده ایجاد کشش برای خواندن متن اصلی می‌کند.

کیفیت ساخت و پرداخت

- ساخت و پرداخت داستان با مأخذ و محتوا کاملاً انطباق دارد.

- عنوان و مقدمات داستان را مطابق اصل برگزیده.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- از سبک و استخوانبندی و روح نوشته اصلی تبعیت کرده است.

- اصول زبان و ادب فارسی را رعایت نموده است.

اجزاء تکمیلی

- از شرح و توضیح تعاریف و مقدمات و اشعار متن به تمامی برخوردار است.

- تصاویر می‌تواند از کیفیت بهتر هنرمندانه برخوردار باشد.

گفت وقتی ز شهر خود دو جوان	سوی شهری‌دگر شدند روان
هریکی در جوال گوشه خویش	کرده ترتیب راه توشه خویش
نام این خیر و نام آن شر بود	فعل هر یک به نام درخور بود

لزگی، حبیب‌الله، *داستانهای کهن از ادبیات فارسی*. مینیاتور علی‌اصغر تجویدی.

تهران: مؤسسه انجام کتاب، ۱۳۶۳. ۲۴ ص. مصور رنگی. (سالهای آخر دبستان).

در جلد اول *داستانهای کهن از ادبیات فارسی* يك داستان به نام «سخن حق» از خمسه برگزیده است.

خلاصه داستان

«تیزهوشی جوانی را می‌رساند که چون به ظلم و عملکرد حاکم آگاهی داشته است و می‌دانسته سگهای گرسنه را به جان مورد ظلم و ستم قرار گرفتگان می‌افکند، از مدتی پیش به سگها نزدیک شده و به آنها گوشت می‌دهد. پس چون خود به سرنوشت بقیه محکومین دچار می‌شود سگها او را نوازش کرده و بدین

طریق جان سالم بهر می‌برد».

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- پیامهای ارزنده دارد، مأخذ اثری است که می‌توان محتوایش را به کودکان منتقل ساخت.

- آشنا نمودن کودکان با داستانی از ادبیات کهن.

کیفیت ساخت و پرداخت

- پراکندگی در ساخت و پرداخت نیست.

کیفیت زبان و شیوه بیان

- زبان ساده و روان و گویاست.

- از سبک و روح نوشته اصلی برخوردار نیست.

اجزاء تکمیلی

- جز معرفی اثر، هیچ‌گونه شرح و توضیحی نسبت به مأخذ اصلی ندارد. گویا نمی‌دانند

يك داستان کوتاه را می‌باید به یکی از آثار خمسه ارجاع داد نه به تمام خمسه.

- تصاویر گویای محتوای داستان نیست.

- قسمتی از متن اصلی را نیاورده.

جدول تکرار آثار در بازنویسی از آثار نظامی

عنوان داستان بازنوشته	عنوان کتاب	فراوانی
خسرو شیرین	خسرو و شیرین	۱
خیر و شر	هفت پیکر	۲
بهرام و بانوی چین	هفت پیکر	
بهرام در گنبد سیاه	هفت پیکر	۱
سخن حق	خمسه	۱

نتایج و پیشنهادها

آثاری که از خمسه نظامی بازنویسی شده به گروه سنی نوجوانان تعلق دارد یعنی درست در

سنى كه براى بيان مفاهيم عاشقانه مى‌بايد محتاط بود و عشق واقعى را به آنها شناساند. وفا و شهرت عشقهاى جاودانه تاريخ كه زبانزد مردم است نوجوان را نيز به پرسش و چگونگى ماجرا مى‌كشاند. پس خواندن داستان از طريق يك بازآفرينى عالمانه مى‌تواند خالى از عيب باشد. در آثارى كه با آن روبه‌رو بوديم، صراحت صحنه‌هاى عاشقانه فراتر از توان روحى نوجوانى بود. در ساخت و پرداخت زبان و نگارش و انعكاس ويژگى متن اصلى در ايجاد شناخت هيچ جاى بحث نداشت. صرفاً مسئله بر محتوا و نوع گزينش داستان بود، خاصه در ارائه كامل صحنه‌هاى عاشقانه با زبان و موسيقى مؤثر ادب فارسى.

پيشنهاد:

ضمن توانمندى بازنويس در ارائه دقايق ادبى، گزينش بر مبنائى توانائى عاطفى نوجوان صورت گيرد. نخستين آشنائى از طريق يك بازآفرينى يا بازنويسى با ارزش در شناساندن كل خمه برائى نوجوانان و جوانان مى‌تواند مفيد باشد.

بازنويسى از نثر فارسى قرن هفتم

مرزبان‌نامه

معرفى كتاب

مرزبان‌نامه كتابى شامل داستانها و حكايتهائى به زبان وحوش و طيور و حاوى پند و حكمت تاليف مرزبان بن رستم بن شروين از شاهان طبرستان كه آن را در قرن چهارم هجرى به لهجه قديم طبرستان تاليف كرده است. اين كتاب دو بار به زبان فارسى درى ترجمه شده است. در قرن ششم به‌وسيله محمد بن غازى ملطوى كه آن را روضه العقول ناميده، و در اوائل قرن هفت به‌وسيله سعدالدين وراوينى كه آن را به‌نام يكى از اتابكان آذربايجان ترجمه كرده است. مرزبان‌نامه داراى انشاء مصنوع و تشبيهات و استعارات فراوان است.

بازنويسىها از مرزبان‌نامه^{۲۸}

آذريزدى، مهدى. *قصه‌هاى خوب براى بچه‌هاى خوب. قصه‌هاى مرزبان‌نامه (۲)*

۲۸. مرزبان بن رستم بن شروين. *مرزبان‌نامه*. به اصطلاح سعدالدين وراوينى در اوائل قرن اول هجرى به تصحيح و تخشيه عبدالوهاب قزوينى. (تهران: فروغى، ۱۳۶۳). ۳۲۰ ص.

نقاشی متن از محمد بهرامی، تهران: شکوفه (امیرکبیر) ۱۳۶۴-۱۳۳۸. مصور. ۱۴۲ ص. (گروه سنی. سالهای دوره راهنمایی و دبیرستان).
 آنریزدی یکی از بهترین بازنویسهای خود را در مرزبان نامه انجام داده است. اکنون داستان «ماه‌بخوار»^{۲۹} توبه‌کار» از مجموعه بیست و یک قصه گزیده را بررسی می‌نماید. تا ضمن طرح کار بازنویسان دیگر به بقیه داستانهای قصه‌های مرزبان نامه اشاره و مقایسه رود.

خلاصه داستان

«مرغ ماه‌بخواری که دیگر پیر شده و قوت شکار ماهیها را ندارد به دنبال حيله‌ای می‌گردد. ماهی کوچکی بر چهره غمگین او دل می‌سوزاند و دلیل می‌پرسد ماه‌بخوار می‌گوید: از کارهای گذشته نسبت به ماهیها ناراحت است و می‌خواهد با آوردن غذا برای ماهیها اشتباهات گذشته را جبران نماید حال مایل به گفت‌وگو و عذرخواهی از آنهاست ماهی پیغام می‌برد. ماهیها باور ندارند. او می‌گوید از خزه‌های کف دریا ریسمانی بتاب و دهان مرا ببند تا حدی که بتوانم حرف بزیم تا ماهیها جرأت کنند بدیدار من بیایند ماهی چنین کرد و ماه‌بخوار به راحتی او را خورد.»

ارزشیابی اثر کیفیت محتوا

- مفهوم و هدف اصلی در داستانها با مفاهیم متن اصلی انطباق دارد.
 - مآخذ اثری است که می‌توان محتوای آن را به کودکان منتقل نمود و گزینش درست بوده است.
 - بازنویسته حس کنجکاوی خواننده و علاقه او را به خواندن متن اصلی برمی‌انگیزاند.
 - مسائل عاطفی و زبانی کودکان بدون تحریف در داستانها در نظر گرفته شده است.
- کیفیت ساخت و پرداخت**
- پراکندگی در ساخت و پرداخت نیست.

۲۹. در متن بازنویسته ص ۲۶-۶۰ در متن اصلی ۲۶۹-۲۷۱ باب نهم در عقاب و آزادچهره و ایرا.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- زبان و بیان متناسب با گروه سنی موردنظر است.
- برای هماهنگی و انطباق با متن اصلی (با آنکه متن فنی را باید ساده‌نویسی نمود)
شیوه همان داستان را از جهت آوردن تشبیهات پیروی نموده است.

اجزاء تکمیلی

- مقدمه و شرح و توضیح و تصویر و معرفی لازم کتاب را دارد. در این کتاب نمونه‌ای از متن آورده‌اند.

- تصاویر حال و هوای زمان ماجرا را نشان می‌دهد.
- اکثراً عناوین در کار آفریزی مشابه عناوین مرزبان‌نامه است.
- ضمن برخورداری کلام از سادگی، به کار بردن اصطلاحاتی نظیر «ممه را لولو برد» در شان ساده‌نویسی از مرزبان‌نامه نیست.

- آوردن قسمتی از متن هر داستان با ذکر باب و داستان آن جهت برانگیختن حس کنجکاوی و یادگیری کار مستند مفید است. آفریزی يك نمونه از کل کتاب در انتها آورده است.

برآبادی، محمود. (ب. بیدار) *داستان موش و مار*. اقتباس از مرزبان‌نامه. تهران: مؤسسه انجام کتاب. ۱۳۶۰ ۱۶۰ ص. مصور. (گروه سنی سالهای اول دبستان)
براساس داستان موش و مار باب چهارم «در دیو گاوپای و دانای دینی. مرزبان‌نامه».
این داستان را آفریزی بسیار مفصل با مقدماتی بیان می‌کند و چنین نتیجه می‌گیرد که: «این موش نبود که مرا از خواب بیدار کرد. فرشته آسمانی بود که جان را از شر مار نجات داد.» و بعد از آن به‌دلیل خدمت موش در بیدار کردن باغبان در مطبخ تله‌موش گذاشتند.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- بازنویسه حس کنجکاوی خواننده را به خواندن متن اصلی برنمی‌انگیزد.

کیفیت ساخت و پرداخت

- در ساخت و پرداخت برای رسیدن به نتیجه پراکندگی هست.

کیفیت زبان و شیوه بیان

- زبان و بیان متناسب با مأخذ نیست.

اجزاء تکمیلی

- از شرح و توضیح و معرفی اثر و تصاویر خوب بی بهره است.

دستوم، حسین. سه قصه از مرزبان نامه. نقاشی احمد عربانی. تهران: تهران لیات. ۱۳۶۲. (گروه سنی، سالهای اول دبستان).

مرغ ماهیخوار بر اساس باب نهم «در عقاب و آزادچهر و ایرا» مرزبان نامه ۶۶-۲۷۲، با مرغ ماهیخوار مرزبان نامه و کار آفریزی تفاوت دارد در واقع خواسته است بازآفرینی از مرزبان نامه انجام دهد.

خلاصه داستان

«مرغ ماهیخوار هر روز ماهیها را می خورد. ماهیها پیش پادشاه خود می روند و راهجویی می کنند. پادشاه راهی نشان نمی دهد. ماهیها با اتحاد ریسمانی می تابند و ماهی خوار را دربند می کنند و نتیجه می گیرند» آنها توانستند با نیروی وحدت و به یاری خداوند مرغ ماهیخوار را شکست دهند و هیچ کمکی هم از پادشاه ماهیها دریافت نکردند.»

گویا بازنویس، کلیله و مرزبان نامه را برهم نهاده و این داستان را استخراج نموده همین قسمت را در مرزبان نامه بخوانیم:

«ماهی چون این فصل بشنید یکباره طبیعتش بسته دام خدیعت او گشت... گفت این گیاه برهم تاب و زنخندان من بدان استوار بند تا فارغ باشی ماهی گیاه برگرفت و نزدیک رفت تا آن عمل کند ماهیخوار سر فرود آورد او را از میان آب برکشید و فروخورد.»

از همین نویسنده و همین کتاب «موش موشک و مار بدجنس را می خوانیم که ماخذش مرزبان نامه باب چهارم «دیو گاوپای و دانای دینی» است.

داستان همان است که در کار آفریزی با آن آشنا شدیم و تقریباً از آن، بازنویسی شده است. چون از يك اثر و مؤثر است همان ارزشیابی که بر داستان اول خواهد شد بر آن صادق است.

داستان سوم: شغال بلا و خر ناقلا می‌باشد. مأخذ آن باب اول مرزبان‌نامه داستان شغال خرسوار است. آفریزی این داستان را در قصه‌های مرزبان‌نامه به کیفیت بسیار خوب آورده است و ضمن رعایت انطباق همه‌جانبه با متن اصلی به روانی داستان را به سرانجام رسانده است.

این داستان نوعی بازنویسی از کار آفریزی است و نکات منفی داستان اول در مورد آن صادق است.

خلاصه داستان

«شغال که از دست باغبان صدمه دیده است به فکر تلافی می‌افتد و نیز فکر می‌کند به گرگ هم خدمتی کند. در نتیجه خر باغبان را فریفته و به بهانه یافتن آزادی از دست باغبان به صحرا می‌برد. خر با دین گرگ موضوع را می‌فهمد و به او می‌گوید وصیت‌نامه‌ای را باید با خود بیاورد. برمی‌گردند و در راه تا رسیدن به دروازه آخرین وصیت را می‌خواند: از همسایگی گرگ و دوستی شغال پرهیز کن که کسی از گرگ رحم و انصاف و از شغال وفا و یکرنگی ندیده است. شغال از پشت خر پایین پریده به فکر فرار می‌افتد که سگهای ده او را دنبال می‌کنند.»

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- مفهوم و هدف اصلی داستانها حفظ نشده است.
- در داستانها تحریف غیرمفید اتفاق می‌افتد.
- بازنویشته کنجکاو خواننده را به خواندن متن اصلی بر نمی‌انگیزاند.

کیفیت ساخت و پرداخت

- پراکندگی در ساخت و پرداخت مانع دریافت نتیجه مطابق مأخذ است.
- نتایج مستقیم می‌گیرد.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- اصول زبان و بیان ادب فارسی رعایت نشده است.

اجزاء تکمیلی

- هیچ‌گونه معرفی از کتاب ننموده. شرح و توضیح و نمونه‌ای از متن مأخذ ندارد.

- تصاویر اکتسابی و بسیار نامناسب و بازاری و تجارتي است.

دستوم، حسین بزغاله آوازخان. نقاشی احمد عربانی. تهران: تهران لیات، ۱۳۶۳.
براساس داستان «گرگ خنیاگر دوست با شبان» باب اول مرزبان نامه ص ۲۴-۲۷.
بازنویس سخنی با بچه‌ها دارد که بسیار مختصر نامی از مرزبان نامه می‌آورد و آن را
مثلاً معرفی می‌کند و با قلم آشفته داستان را بازمی‌گوید:

خلاصه داستان

«بین سگ گله و گرگ بر سر گوسفندان نزاع درمی‌گیرد يك بزغاله شل جامی ماند
گرفتار گرگ می‌شود به دنبال راه‌حل می‌گردد. با شیرین زبانی می‌گوید چوپان
تصمیم دارد. روزی يك گوسفند برای تو بفرستد و مرا فرستاده تا هنگام غذا
برایت آواز بخوانم. چوپان از آواز خواندن بزغاله باخبر می‌شود و گرگ را زیر کتک
می‌گیرد.»

این داستان را آذریزدی با عنوان آواز بزغاله آورده است. سخنرانی مفصلی سگ برای
گرگ می‌نماید و گرگ نیز از قدرشناسی انسانها نسبت به سگ سخن می‌گوید و این
بحث بسیار طولانی است تا می‌رود سر داستان اصلی.

پای لنگ بزغاله را دستوم از آقای آذریزدی گرفته است و به مطالعه منبع اصلی نرسیده
است. متأسفانه کار آذریزدی نیز در این داستان به دلپذیری دیگر داستانها نمی‌باشد. حال
قسمتی از متن مرزبان نامه.

«بزغاله در پرده دردِ واقعه و سوز حادثه ناله سینه را چنان بلند کرد که صدای آن از
کوهسار به گوش شبان افتاد چوبدستی محکم برگفت. چون باد به‌سر گرگ دوید
و آتش در خرمن تمنای او زد. گرگ از آنجاییکه به گوشه‌ای گریخت و
خائب‌اخسرا «سر بر زانوی تفکر نهاد.»

چنانکه خواندیم نثر را محکم و زیبا یافتیم حال سزاوار است این چنین دقایق ادبی را
بر سبیل تجارت افکنیم؟

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- مفهوم و هدف اصلی منطبق با مآخذ نیست.
- حس کنجکاو خواننده را به خواندن متن اصلی نمی‌کشد.
- در محتوا تحریف صورت گرفته است.

کیفیت ساخت و پرداخت

- در ساخت و پرداخت انسجام برای رسیدن به نتیجه نیست.

کیفیت زبان و شیوه بیان

- اصول زبان ادبی فارسی در آن رعایت نشده است.

اجزاء تکمیلی

- جز نامی از مرزبان‌نامه، اثری از اثر در بازنوشته نیست.
- نقاشیها غیر مشخص و گنگ است.

دستوم، حسین. *دادگاه حیوانات*. نقاشی احمد عربانی. تهران: تهران لیات. ۱۳۶۳.
(گروه سنی کودکان و کودکان سالهای اول دبستان).
براساس باب هشتم مرزبان‌نامه (آغاز مکایدتی که خرس با اشتر کرد)

خلاصه داستان

«محبوبیت شتر است نزد شیر و پناه دادن شتر از طرف شیر. حسادت خرس روابط شتر و شیر را تیره می‌کند هر دو از هم دوری می‌کنند. شتر روز به روز لاغرتر می‌گردد. در این ماجرا موش و زاغ که شاهد تهییج شیر و شتر در پنهانی از طرف خرس هستند و سخنان کینه‌برانگیز خرس را به شتر شنیده‌اند گواهی می‌دهند. خرس به‌سزای عملش رسیده، دوستی شیر و شتر محکم‌تر می‌گردد.»
آفریزی نیز این داستان را بر ابواب نصایح طولانی نظیر مآخذشان استوار ساخته «دادمه از شنیدن این نصیحتها حوصله‌اش سر رفت.» که فکر می‌کنم کودکان هم از نصایح مستقیم ضمن یا قبل از داستان حوصله‌شان معمولاً سر می‌رود. اما حسن کار یزدی در داستان خرس و اشتر این است که فضای مرزبان‌نامه را کاملاً ترسیم کرده است و از شخصیت‌های معروف مرزبان‌نامه یاد می‌کند و چند باب را یکجا گنجانده است. در

نوجوانان ایجاد کشش به طرف مطالعه اثر اصلی می کند .

و اما نکات ضعف در دادگاه حیوانات:

- در محتوای ساخت و پرداخت و زبان و بیان و اجزاء تکمیلی اثر اصلی را نمی رساند.

- نوع ارائه کتاب از کیفیت خوبی برخوردار نیست.

- کاری است بازاری و فقط يك ماجراست و بس.

با تأسف اینکه باز نویسی می گوید علاوه بر مرزبان نامه در کلیله و دمنه، منطق الطیر و گلستان و مثنوی قصه هایی انتخاب کرده و منتشر خواهد شد. این نتیجه بی تفاوتی خوانندگان است وقتی در مقابل چنین آثاری به اعتراض نمی مانند. باید منتظر ادامه اش در تمامی آثار رسمی باشند. و عجیب اینکه این ناشر کار خود را حرکتی در پیشبرد فرهنگ می داند و در هر فرصتی در زمینه فرهنگ ملتها سخنرانی می کند.

دستوم، حسین. **روباه و خروس**. نقاش احمد عربانی. تهران: تهران لیات ۱۳۶۳.

(گروه سنی کودکان قبل از دبستان و سالهای اول دبستان).

براساس داستان روباه با خروس «مرزبان نامه باب ششم در زیرك وزروی».

خلاصه داستان

«روباه با چاپلوسی مشغول گول زدن خروس است. خروس نیز این موضوع را

فهمیده است. در حالی که روباه او را تشویق به آواز خواندن به دلیل صدای

روح نواز خروس می نماید. خروس بر جاده مقابلش نگاه می کند و مشخصات سگ

را می گوید. روباه باور می دارد که سگ به طرف آنها می آید پس می گریزد.»

دستوم بعد از تعریف مرزبان نامه به اختصار داستان را تعریف کرده به نتیجه می رسد. اما

آزیزدی ضمن آوردن مقدمات شیرین فضای داستان را به خوبی ترسیم می کند.

دروغ گویی روباه و خصوصیت مکاریش را مشخص آنگاه نتیجه داستان را بیان می دارد.

متناسب گروه سنی اش می نویسد.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- انطباق آن با محتوای مأخذ ضعیف است.

کیفیت ساخت و پرداخت

- پراکندگی در ساخت و پرداخت نیست سریع به نتیجه می‌رسد.

کیفیت زبان و شیوه بیان

- از استخوانبندی و روح و سبک نوشته اصلی به‌دور است.

اجزاء تکمیلی

- نقاشی تجارتی است.

- وصفی از مرزبان‌نامه ندارد.

دستوم، حسین. **موش و گربه**. قصه‌ای از مرزبان‌نامه ۴. تهران: تهران لیات.

۱۳۶۳. نقاشی از احمد عربانی.

براساس باب ششم مرزبان‌نامه در زیرك وزروی ۱۴۳-۱۴۹.

خلاصه داستان

«داستان گربه‌ای است که در خانه درویشی زندگی می‌کند از نخوردن غذا بی‌رمق و بی‌آزار دائم به کنجی خفته است. موش خانه که انواع غذاها را در انبار ذخیره کرده است می‌اندیشد اگر روزی گربه را قوت و قوت رسد دیگر آزادی از من سلب می‌شود پس چه بهتر در روز تنگدستی به یاریش بشتابم تا در میان ما طریق دوستی پیش آید. چنین کرد و هر روز مقداری غذا به او عرضه داشت، از دوستی و برادری و وفاداری صحبت‌ها نمودند و یار موافق گشتند. خروس را این دوستی خوش نیامد. به سخن‌چینی و دشمنی پرداخت. گربه را گفت موش به دلیل محبت بر تو، به تو نزدیک نشده که از ترس، بهتر است امروز آزمایشی کنی، از آنجا که این فکر بر گربه تلقین شد، چهره‌اش درهم شد. موش چون پیامد این حال بدید بترسید و حالت دوستانه‌اش به ترس و احتیاط تبدیل گشت، پس به يك اشاره خروس گربه به سوی موش برگشت، گمان کرد می‌خواهد فرار کند. پس او را گرفت. موش گفت مگر به من قول نداده بودی؟ گفت چرا اکنون نیز دوستیم ولی نتیجه دوستی گربه و موش همین است.»

این محتوای داستان اصلی در مرزبان‌نامه و کار آفریزی است.

در کار دستوم، داستان مسیرش را شتابزده به نتیجه می‌برد. موش برای روز مبادا با

گره دوستی می‌کند، مغرض و حسودی نیز مثل خروس در میانه نیست و حال آنکه هدف اصلی در مرزبان‌نامه وجود خروس حسود و مغرض است که نتیجهٔ حرف چنین موجوداتی در تلقین سبب افعالی می‌گردد که قبلاً خود بدان فکر نکرده‌اند. اگر خروس پیدا نمی‌شد دوستی موش و گربه نیز به‌طول می‌انجامید. دست‌و‌پا می‌گیرد که گربه حوصله‌اش از غذاهای دیگر سر رفت و فکر کرد موش را گرفته جهت تنوع بخورد.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- مفهوم و هدف اصلی داستان حفظ نشده است.

کیفیت ساخت و پرداخت

- هماهنگی محتوا و ساخت حفظ نشده است.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- از سبک و روح نوشته اصلی دور است.

اجزاء تکمیلی

- هیچ‌گونه شرح و توضیحی در مورد اثر اصلی ندارد.

- تصاویر کاریکاتوری، بازاری و سخیف است.

جدول تکرار آثار: در بازنویسی از مرزبان‌نامه

عنوان داستانهای مرزبان‌نامه مورد باب داستانهای مورد بازنویسی فراوانی آثار
بازنویسی

داستان خنیاگر دوست با شبان	باب اول	۲
داستان شگال خرسوار	باب اول	۲
داستان دهقان با پسر خود	باب دوم، در ملك نيكبخت و وصایائی	۱
داستان سه انباز راهزن با يكديگر	باب سوم، در ملك اردشير و دانای مهربان	۱
داستان موش و مار	باب چهارم، در ديو گاوپای دانای دینی	۳
داستان بزرجمهر با خسرو	باب چهارم	۱
داستان رای هند با ندیم	باب پنجم، در دادمه و داستان	۱
داستان زغن ماهیخوار با ماهی	باب ششم، در زیرك وزروی	۲
داستان موش با گریه	باب ششم » »	۲
داستان درخت مردم‌پرست	باب ششم » »	۱
داستان خسرو با خر آسیابان	باب ششم » »	۱
داستان خنیاگر با داماد	باب ششم » »	۱
داستان طباخ و نادان	باب ششم » »	۱
داستان روباه و خرس	باب ششم » »	۲
داستان سوار نخجیرگیر	باب هفتم، در شیر و شاه پیلان	۱
داستان شتر با شتریان	باب هفتم، در شیر و شاه پیلان	۱
داستان خسرو با مرد زشت‌روی	باب هشتم، در شتر و شیر پرهیزگار	۱
آغاز مکایدتی که خرس با اشتر کرد	باب هشتم » »	۲
داستان ماهی و ماهیخوار	باب نهم، در عقاب و آزادچهر و ایرا	۲
داستان راسو و زاغ	باب نهم » » »	۱
داستان پیاده و سوار	باب نهم » » »	۱
داستان مرد باغبان با خسرو	باب نهم » » »	۱

نتایج و پیشنهادها

نتیجه اینکه: بیشترین بابتی که مورد بازنویسی آثریزدی و دیگران قرار گرفته است. باب ششم است که مفاهیم ساده‌تر و انسانی‌تری از جهت انتقال داشته است. بازنویسان بمجای بازنویسی از متن اصلی از متون یکدیگر خاصه کار آثریزدی تبعیت نموده‌اند. و گویا تعهد بر ساده‌نویسی متون ادب رسمی را جدی نگرفته و با دریافت يك ماجرا رسالت خود را پایان یافته دیده‌اند.

پیشنهاد:

- بازنویس صلاحیت ساده‌نمودن آثار فنی و مصنوع را ضمن (ایجاد شناخت) نسبت به کتاب مرزبان‌نامه داشته باشد.
- برای سالهای آخر دبستان و دوره راهنمایی داستان نشانه‌ای از مرزبان‌نامه باشد، نه صرفاً يك داستان.
- برای دوره دبیرستان گزیده مناسب است.

نثر فارسی نیمه دوم قرن هفتم فرج بعد از شدت

معرفی کتاب

فرج بعدالشد، اصل این اثر به زبان عربی و تالیف قاضی محسن بن علی بن محمد بن داود التنوخی (ف: ۳۸۴) می‌باشد. سدیدالدین یانورالدین محمد بن محمد عوفی بخاری، از نویسندگان و دانشمندان بزرگ ایران در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم این کتاب را به فارسی ترجمه کرده است و بیشتر حکایت‌های آن را در جوامع‌الحکایات آورده است. در نیمه دوم قرن هفتم شخص دیگری به نام حسین بن سعد بن الحسین الدهستانی الموییدی ترجمه دیگری از کتاب فراهم آورده و نام آن را جامع‌الحکایات فی ترجمه الفرّج بعدالشدّه الضیعه نهاده است. این ترجمه شامل سیزده باب است و هر بابی حاوی حکایت‌های بسیار در شرح حال کسانی که به مصیبت و بلایی گرفتار آمده سپس به گشادگی نجات و رفاه می‌رسند.

بازنویسیها از فرج بعد از شدت^{۳۰}

آفریزی، مهدی. *بافنده داننده*، يك قصه از جامع الحکایات دهستانی، تهران: اشرفی، ۱۳۶۴-۱۳۴۵ م. ص ۳۸. قصه‌های تازه از کتابهای کهن (گروه سنی دوره راهنمایی و دبیرستان و سالهای پایان دبستان).

براساس حکایت چهل و هفتم. باب هفتم، جلد دوم ۸۵۳-۸۴۵ ترجمه فرج بعد از شدت، حکایت عمرو بن مسعده با شخصی که در کشتی بود و گفت که پیشه تو چیست؟ گفت بافنده‌ام و مباحثه ایشان در انواع کتابت.

«عمرو بن مسعده که از جمله مقربان و ارکان دولت امیرالمؤمنین (مأمون) بود، حکایت کند که در وقتی که امیرالمؤمنین مأمون مرا به اهواز می‌فرستاد برای مصادره و مطالبه رنجی، و در وقت شدت گرما بود، و من در کشتی نشسته بودم و بسیاری برف در وی نهاده و سایه‌بانها و مروحه‌های خیش مرتب کرده و از بغداد به بصره می‌رفتم تا از آنجا به اهواز روم....»

خلاصه داستان

«وقتی مأمون به بغداد می‌رسد مردم خوزستان عریضه‌ای می‌نویسند و از حاکم اهواز شکایت می‌کنند. خلیفه برای حفظ آبروی خود کسی را برای رسیدگی به شکایت و جانشینی حاکم اهواز می‌فرستد به نام (عامر)، کشتیهای خلیفه را در اختیار عامر گذاشتند و برف و یخ فراوانی در آن ذخیره کردند و... در راه مردی تنها زیر آفتاب گرم به طرف کشتی صدا می‌کرد و کمک می‌خواست. پیرمرد سروپا برهنه‌ای را رنجور و پریشان دیدند. عامر دستور داد به کشتی بیايد. پیرمرد از کنار عامر برنمی‌خیزد و عامر نیز به ناچار شروع به صحبت با او می‌کند. پیرمرد به جویندگی شروع به پرسش می‌کند تا بداند عامر کیست. هر شغلی که عامر می‌گوید پیرمرد با علم تمام شرایط آن شغل را برمی‌شمارد و ثابت می‌کند که در تمامی آن شرایط نیست و خلاصه عامر مجبور به اذعان می‌شود. و در پرسش اینکه خود او کیست می‌گوید: از بافندگان اهواز است. خانواده آنها را بدین شغل

۳۰. حسین بن اسعد دهستانی، *فرج بعد از شدت*. مشتمل بر حکایات تاریخی و اخلاقی با مقابله و تصحیح اسماعیل حاکمی. (تهران: انتشارات اطلاعات ۱۳۵۵). ۳۰ ج.

می‌شناسند ولی کسب علم و فضل نموده و در دستگاه حاکم اهواز مترجم و دبیر بوده است. از همکاری با او به دلیل ناشایست و ظالم بودنش سرباز زده و چون اموال خود را برداشته است تا به مرکز خلافت رود راهزنان دار و ندارش را برده و وی را بدین روز افکنده‌اند. عامر از او راهنمایی می‌جوید و او چاره را در دوست داشتن مردم و پرداختن به آنها می‌داند و بدین ترتیب او مشاور و دوست عامر شد و در جهت ساختن اهواز به او کمک نمود».

کتاب را به پنج فصل: احوال نماینده، اهوازی بافنده، پرسنده جوینده، داننده گوینده و سازنده آینده تقسیم می‌کند. این فصل‌بندی علاوه بر خوش‌فوقی بازنویس داستان را تفسیر می‌کند. چون اثر با قسمتی از تاریخ سروکار دارد، بنابراین از خلافت هارون الرشید شروع به خلافت مامون وصف را ادامه می‌دهد.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- پیام اصلی را حفظ نموده.
- گزینش از اثری که می‌توان محتوایش را به کودکان منتقل نمود درست بوده است.
- اثر خواننده را به مطالعه اثر اصلی تشویق می‌کند.
- اثر اصلی را به‌خوبی شناسانده است.

کیفیت ساخت و پرداخت

- با حفظ وفاداری نسبت به متن اصلی و ارائه پیام آن هماهنگی محتوا و ساخت را حفظ نموده است.

- پراکندگی در ساخت و پرداخت نیست. خواننده راحت به نتیجه داستان می‌رسد.
- شرایط و مقدمات هر علم را برمی‌شمارد و این برای خواننده آموزنده می‌باشد.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- زبان از سادگی و روانی لازم برخوردار است.
- از استخوانبندی و اسلوب و روح نوشته اصلی دور نشده است.

اجزاء تکمیلی

- به‌جز تصویر شرح و توضیح و تاریخ وابسته به کتاب را دارد.

پیشنهاد:

- از واژه‌هایی استفاده شود که یادآور سبک نویسنده اصلی باشد واژه کلاتر (ص ۲۱ پرسنده جوینده) درست نیست.
- نمونه‌ای از متن اصلی لازم است.

پورحبيب، محسن. سه دوست، مینیاتور علی اصغر تجویدی (شیرازی) تهران: مؤسسه انجام کتاب، ۱۳۶۳. ۱۲ ص (گروه سنی سالهای اول دبستان).
براساس حکایت هجدهم از باب ششم ۵۵۳-۵۴۸. «حکایت واقعی که از غایت دست‌تنگی از دوستی علوی هزار درهم قرض خواست، او به دیگری فرستاد و آن دیگر به دیگری.» فرج بعد از شلت.

خلاصه داستان

«مردی به دلیل تنگدستی از دوستی هزار درهم به‌عنوان قرض طلب می‌کند تا مخارج ماه رمضان را فراهم آورد. دوست هزار درهم را در کیسه‌ای مهر کرده برای وی می‌فرستد که در همان حال نامه‌ای از دوست دیگر دریافت می‌کند که هزار درهم برای مخارج ماه رمضان وام خواسته بود. مرد در دم کیسه را برای دوستش می‌فرستد و او را بر خود مقدم می‌دارد.

روز دیگر دو دوست نزد مرد می‌آیند و آنکه هزار درهم برایش فرستاده بود، چگونگی مصرف وجه را پرسش می‌کند و پس از شنیدن این جواب که در مهمی صرف شده است می‌خندد و کیسه مهر کرده خود را به وی نشان می‌دهد. چگونگی امر را چنین بیان می‌کند که جز این وجه برای مخارج ماه رمضان چیزی نداشتم چون برای تو فرستادم از دوست دیگر قرض خواستم که او این کیسه را به نزد من فرستاد و چون چگونگی امر بر من معلوم شد به نزد تو آمدم تا وجه را تقسیم کنیم.»

در داستانی که پورحبيب بازنویسی نموده سه دوست را خیاط و عطار و تاجر گذاشته است. مضمون داستان همین است.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- گزینش داستان و اثری که قابلیت انتقال به کودکان را دارد و پیام ایثار می‌دهد.

- مفهوم و هدف اصلی متن اصلی حفظ شده است.

- حس کنجکاوی و علاقه خواننده را به خواندن متن اصلی برمی‌انگیزد.

کیفیت ساخت و پرداخت

- هماهنگی در ساخت و پرداخت و کوتاه و مفید به نتیجه رسیدن در آن رعایت شده

است.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- زبان و بیان گویا است.

- از روح نوشته اصلی دور نشده است.

اجزاء تکمیلی

- آوردن قسمتی از متن اصلی مفید است.

- معرفی متن اصلی لازم است.

لزگی، حبیب‌الله. **داستانهای کهن از ادبیات فارسی ۳**. مینیاتور علی اصغر تجویدی (شیرازی) تهران: مؤسسه انجام کتاب، ۱۳۶۳ (گروه سنی سالهای آخر دبستان).

براساس حکایت بیست و هشتم باب پنجم ۴۴۶-۴۵۰ فرج بعد از شلت. «حکایت سیدی محبوس که از حبس معتصم نمدی را ریسمان ساخت و بدان وسیلت بگریخت.»
آخرین داستان مجموعه داستانهای کهن ۳ به داستان فرار از فرج بعد از شلت اختصاص داده شده است. بازنویس بر آن نام بازآفرینی نهاده است.

خلاصه داستان

«حضرت قاسم پسر امام حسن (ع) در مبارزه‌اش در مقابل خلفای عباسی به زندان می‌افتد و برای فرار نمدی را که زیرپایش قرار دارد می‌بافد و به ریسمانی تبدیل نموده به وسیله آن دریچه بالای سرش را کنار زده و فرار می‌کند. آنگاه به طرفدارانش جهت مبارزه می‌پیوندد.»

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- مفهوم و هدف اصلی در داستان حفظ شده است.
- داستانی از اثر اخذ شده است که محتوایش قابل انتقال به گروه سنی مذکور می باشد.

- بازنویسته علاقه خوانندگان را بر مطالعه اثر اصلی برمی انگیزد.

کیفیت ساخت و پرداخت

- ساخت و پرداخت پراکندگی نداشته خواننده را به نتیجه لازم می رساند.

کیفیت زبان و شیوه بیان

- زبان و بیان گویا و متناسب متن اصلی است.

- واژه «آزادیخواهان را دستگیر می کردند» ساخت نو دارد. «مبارزین ظلم و ستم» صحیح تر است.

اجزاء تکمیلی

- نکته مثبت: تعریفی از کتاب ارائه می دهد.

نکته منفی: تصاویر با محتوای داستان تطبیق ندارد. بیشتر زندگی امرا و شاهزادگان را تجسم نموده است. مثلاً لباس حضرت قاسم اشرافی و محلی که جمع شده اند «اتاقی با نور ضعیف و لرزان» نیست.

بازنویسیها از فرج بعد از شدت

عنوان بازنویسته	باب و حکایت متن اصلی	فراوانی
بافته داند	باب هفتم حکایت چهل و هفتم. جلد دوم. ۸۴۵-۸۵۳ حکایت عمرو بن مسعله	۱
سه دوست	باب ششم، حکایت هجده ۵۴۸-۵۵۳ واقدی که از غایت دست تنگی از دوستی علوی هزار درهم قرض خواست	۱
فرار	باب پنجم، حکایت ۴۴۶.۲۸-۴۵۰ سیدی محبوس که از حبس معتصم بندی را ریسمان ساخت.	۱

توضیح اینکه: نتایج و پیشنهادات این اثر همراه جوامع الحکایات آمده است.

جوامع الحکایات

معرفی کتاب

جوامع الحکایات بزرگ‌ترین اثر داستانی قرن هفتم هجری و مشتمل بر فرهنگ ایرانی و معارف اسلامی است. در واقع تاریخ تمدن و ادبیات و علوم جهان اسلامی است. نکته‌های اخلاقی، اجتماعی، دینی و تاریخی در آن فراوان است. داستان‌هایی دارد که طی آن رفتار اجتماعی و از ظلم و تجاوز پادشاهان و امیران و گروهی مدعیان شریعت و طریقت انتقاد شده است.

این کتاب از متن‌های معتبر فارسی است که يك دوره تاریخ از آغاز آفرینش تا پایان دوره خلفای عباسی (۶۴۰ هـ . ق) را دربر دارد. مؤلف آن محمد بن محمد عوفی ملقب به سددالدین، در بخارا به دنیا آمد و غالب شهرهای ماوراءالنهر و خراسان و هندوستان را به سیاحت پیمود. در سند «لباب‌الالباب» (تذکره الشعراء) را نوشت سپس نظام‌الملک جنیدی وزیر التمش نوشت. الفرج بعد از شدت را از عربی به فارسی برگرداند.

بازنویسی در جوامع الحکایات.

برآبادی، محمود. (بیدار ب) طیب آزاده. از جوامع الحکایات نقاشی ع. مظاهری. تهران: مؤسسه انجام کتاب، ۱۳۶۶ حدود ۱۶ صفحه مصور (سالهای آخر دبستان). براساس جوامع الحکایات. ص ۲۸۴. داستان پادشاهی بر خود...

اصل داستان از جوامع الحکایات^{۳۱}

«آورده‌اند که چون کار بقراط حکیم در حکمت بالا گرفت و حکمت خود در عالم بسط کرد. عزلت اختیار کرد و در غاری تنها نشست و روزگار می‌گزرانید تا پادشاه وقت را علتی پدید آمد. و طیبیان از معالجت آن فروماندند. پس رسولی به بقراط فرستاد و او را بخواند. بقراط امتناع نمود و نیامد. وزیر او برفت تا مگر به قول او بیاید. چون برفت او را دید در غاری مقام کرده و لباس خود از گیاه ساخته. وزیر ازو استدعا کرد بقراط گفت: من در سر مخالطت مردمان برخاسته‌ام و عزلت

۳۱. محمد بن محمد عوفی، جوامع الحکایات و لوامع الروایات. گزیده سخن پارسی به کوشش جعفر شعار (تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۳).

اختیار کرده‌ام و من بعد گرد پادشاهان نخواهم گشت. هرچند جهد نمود بقراط به وی التفات نکرد وزیر برنجید و گفت: «اگر تو خدمت ملك توانستی کرد تورا گیاه نایستی خورد. «بقراط بخندید و گفت: «اگر تو گیاه توانستی خورد خدمت سلطان نایستی کرد و این کلمه جان حکمت و جان موعظه است که هر که بر خود پادشاه تواند بود، او را بندگی پادشاهان عار آید.»

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- داستانی را برگزیده که انتقال محتوایش بسیار مفید است.

ساخت و پرداخت

- ساخت و پرداخت با متن اصلی در انطباق بوده خواننده را به نتیجه لازم می‌رساند.

سبك زبان و نگارش

- زبان ساده و با روح نوشته سازگار است.

اجزاء تکمیلی

- مآخذ را معرفی ننموده و جز نام کتاب هیچ نشانه‌ای از متن اصلی و مؤلفش در دست

نیست و ارجاع نیز ندارد.

- نقاشیهای متناسب با موضوع داستان دارد.

نتیجه

از دو اثر فرج بعد از شدت و جوامع الحکایات عوفی، با پذیرشی که برای بازنویسی و

گزیده و خلاصه و بازآفرینی دارند استقبال نشده است.

پیشنهاد:

از این دو اثر استفاده بیشتری در سالهای آخر دبستان و دوره راهنمایی به صورت خلق

بازنویشته خوب صورت پذیرد. برای نوجوانان در سالهای دبیرستان پیشنهاد گزیده با

داشتن شرح و توضیح کافی می‌گردد.

آن چنان که از درج مستقیم داستان جوامع الحکایات استنباط می‌شود این اثر آمادگی

تلخیص برای کودکان دارد.

گلستان

نثر مسجع

معرفی کتاب

گلستان، از معروف‌ترین کتابهای نثر فارسی است که سعدی شاعر و عالم و ادیب بزرگ ایران آن را در سال ۶۵۶ به نام شاهزاده سعد بن ابوبکر بن سعد زنگی تألیف کرده است. گلستان کتابی اخلاقی و تربیتی است که شامل يك مقدمه در سبب تألیف و هشت باب می‌باشد. در گلستان مواظظ ضمن داستانهای شیرین به نثر مسجع و مزین می‌آید. سعدی در شیوه نثر مسجع استاد مسلم است. سبك نثر گلستان مورد تقلید نویسندگان بعد از سعدی قرار گرفته است. این کتاب در واقع همیشه کتاب درسی ایرانیان بوده است. در گلستان، سعدی انسان را همان‌طور که هست می‌بیند با همه خوبیها و بدیها که بشر به مجموعشان سرشته شده، اگر تضاد و تناقض در گلستان دیده می‌شود به‌دلیل همین دوگانگی انسان است. گلستان دنیایی را تصویر می‌کند که زیبایی و شادی و خوبی در کنار زشتی و اندوه و بدی قرار دارد. دوگانگی نتایجش به دوگانگی رفتار انسان و تضادی برمی‌گردد که در دنیا است.

با آنکه بسیاری از داستانها ساخته خیال اوست، اما بر دنیایی که در آن سیر و سیاحت می‌نموده نیز تکیه داشته. تنوع داستانهای گلستان از تغییر دنیا بهره دارد. سعدی با آنکه در اقصای عالم سیر کرده و آنچه نوشته در واقع سفرنامه‌اش می‌باشد، اما چنان با دقت می‌بیند که گویا خود در گزر نبوده و جایی به تفکر و دقت نشسته است و وقایع از پیش چشمش در گزر بوده است.

بازنویسیها از گلستان^{۳۲}

آفریزی، مهدی، **قصه‌های گلستان و ملستان**. تصاویر متن از علی‌اکبر صادقی تهران: شکوفه (امیرکبیر) ۱۳۶۵-۱۳۵۲. ۱۴۹ ص. قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب، گروه سنی ج و د. براساس سرگذشت ۳۸ از باب اول در سیرت پادشاهان. گلستان سعدی.

۳۲. مصلح بن عبدالله سعدی. **گلستان سعدی**. به کوشش نورالله ایزدپرست. (تهران: شرکت دانش، ۱۳۶۱) ۳۱۵ ص. ص ۶۱ و ۶۲ سرگذشت ۳۸.

یکی از دو داستانی که آفریزی برای شناساندن گلستان در این مجموعه برگزیده «حساب سرنوشت» است. ص ۳۹-۴۲.

خلاصه داستان

«قایقی در پی کشتی مسافربری سفر می‌کند. طوفان گشته قایق غرق می‌شود. دو سرنشین که برادر بودند گرفتار را موج می‌شوند. انسان مهربانی از مسافران شاگرد ملاح را می‌گوید: برای هر يك پنجاه سکه می‌دهم که آنها را نجات دهی. ملاح نمی‌تواند هر دو را برهاند. یکی را انتخاب می‌کند. می‌گویند حساب سرنوشت است. ملاح می‌گوید علاوه بر آن دست خودشان هم بود. چون این دو برادر از کودکی با من آشنا بودند یکی مرا هنگام خستگی در بیابان بر شتر سوار کرده بود و دیگری بر من سیلی زده بودم. میلم بر نجات آنی که به من محبت کرده بود قرار گرفت. چون فقط بر یکی حق انتخاب داشتم.»

سپهری از نثر گلستان در این داستان

«با طایفه بزرگان در کشتی بودم. زورقی در پی ما غرق شد. دو برادر به گردابی درافتادند. یکی از بزرگان ملاح را گفت بگیر آن هر دو را که به هر يك پنجاه دینارت بدهم. ملاح در آب افتاد و تا یکی را برهاند، آن دیگر هلاک شد. گفتم بقیت عمرش نمانده بود. از آن سبب در گرفتن او تأخیر افتاد. ملاح گفت آنچه گفتمی راست است. ولیکن میل خاطر من به رهاندن این يك بیشتر بود...»

سپهری از نثر آفریزی

«روزی بود، روزگاری بود. سفر دریا بود و کشتی از ساحل حرکت کرد مسافران کشتی چند تن از بازرگانان بودند که به تجارت می‌رفتند و دسته‌ای از جهانگردان که به سیاحت می‌رفتند. همین که کشتی از ساحل دور شد دسته‌ای از مسافران روی عرشه به تماشا نشستند... اول کسی را نجات می‌داد که از او خوبی دیده بود. من هم همین کار را کردم. ولی مسافران هم‌چنان حرفهای خودشان را تکرار می‌کردند:

- اگر ایشان را نمی‌شناخت که انتخاب معنی نداشت.

- اگر ایشان به میان دریا نیامده بودند که آن یکی غرق نمی‌شد.
- اگر از کشتی دور بودند که این یکی هم نجات نمی‌یافت.
- اگر...»

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- پیام و فلسفه متن اصلی را به‌درستی منتقل نموده است.
- هیچ‌گونه تحریفی پیش نیامده.
- بازنوشته در صورتی که مشخص باشد از گلستان است خواننده را به خواندن آن اثر تهییج می‌کند.

کیفیت ساخت و پرداخت

- هماهنگی محتوا و ساخت حفظ شده است.
- کیفیت زبان و بیان**
- زبان گویا و روان است.
- قسمتهایی از نثر داستان با نثر متن اصلی انطباق دارد.

اجزاء تکمیلی

- تصویر ندارد.
- شرح و توضیح لازم دارد.

نکات منفی

- پیام داستان در گلستان در کمال ایجاز و اختصار داده شده است. لطف کلام سعدی نیز همین است. در داستان سرنوشت «مجال اظهار وجود» سرنشینان کشتی را بیشتر از آنکه لازم است به فلسفه‌گویی در زمینه قضا و قدر و نقش اراده می‌کشاند. البته ماجراها بیشتر باشد بدنیست و نیز پند و بحث ولی نه بدان‌حد که نوجوان را خسته کند.
- ابتدای داستان را بسیار خوب شروع نموده حتی بین تجارت و سیاحت سجع آورده است. اما در جایی از واژه‌های «اَهه - نه‌بابا» استفاده کرده که تناقض در زبان و بیان است.

- در ساخت داستان برای زمان آن به تصمیم‌نهایی نرسیده است. شروع داستان روزی بود روزگاری بود. آنگاه جهانگردان و بازرگانان و قایق مطرح می‌شود و بعد در

بیابان خسته بهجا ماندن و سوار شتر آن دوست شن.

- آوردن قسمتی از متن گلستان لازم بود. از آنجا که خواننده نوجوان هنوز محقق نیست که به آخر کتاب مراجعه نماید تا جای دو داستان گلستان را بیاید بهتر بود همان اول کتاب مانند کار زهرا خانلری «داستانهای دل انگیز ادبیات فارسی» در مقابل نام داستان مأخذ راحتی با اشاره به باب و حکایت می آورد. (باتوجه به تداخل داستانهای گلستان و ملستان.) پنج اثر از ماشاءالله عالی پیام بر اساس گلستان سعدی نوشته شده است. باتوجه به این که این آثار در سبک بازنویسی تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند، بعد از ارجاع به مأخذ و تألیف خلاصه‌ای از هر داستان در جای خود، به یکجا در انتها ارزشیابی می‌گردد.

عالی پیام، ماشاءالله. (۱) شفای مریض (یک داستان از گلستان سعدی برای کودکان) نقاشی قاسم دربندی. تهران: گلبرگ، ۱۳۶۲ براساس مثل ۲۴ باب اول «در سیرت پادشاهان».

خلاصه داستان

«پادشاهی به بیماری سختی دچار می‌گردد شفای او را در زهره آدمی به چندین صفت موصوف می‌بیند. پسر دهقانی را به آن صفات می‌یابد. پدر و مادرش را به زر راضی می‌کنند. قاضی نیز برای سلامت نفس پادشاه عیبی در این کشتن نمی‌بیند. پسر لبخند می‌زند پادشاه دلیل می‌پرسد. پسر می‌گوید: ناز هر فرزندی بر پدر و مادر است که آنها به حطام دنیا مرا فروخته‌اند. دعوی مردم پیش قاضی برند و از پادشاه داد خواهند که یکی فتوی به کشتن می‌دهد و دیگری مصالح خود در هلاک من بیند. بنابراین رو به‌سوی خدا کردم و لبخند زدم چه به‌جز او پناهی ندیدم. پادشاه را دل به رحم آمد و او را با نعمت فراوان آزاد کرد و خود نیز شفا یافت.»

سهمی از متن اصلی

«یکی از ملوک را مرضی هائل بود که اعاده ذکر آن ناکردن اولی است. طایفه حکمای یونان متفق شدند که مرین درد را دوائی نیست مگر زهره آدمی به چندین صفت موصوف. بفرمود طلب کردن. دهقان پسری یافتند بدان صفت که حکیمان

گفته بودند.»

عالی‌پیام، ماشاء‌الله. (۲) پهلوان پنبه (يك داستان از گلستان سعدی برای کودکان) تهران: گلبرگ، ۱۳۶۱. نقاشی قاسم دربندی (گروه سنی سالهای آخر دبستان و دوره راهنمایی). براساس مثل ۱۷ باب هفتم در تأثیر تربیت. گلستان. ص ۲۰۱.

خلاصه داستان

«جوانی پرزور و قوی که زورآوران نتوانسته بودند پشتش را به خاک بمالند همسفر مرد بازرگانی شد و از قدرت و بی‌باکی خود داد سخن داد و مرد را آسوده‌خاطر نمود، ولی در راه با چند مشکل و مانع و درنده و راهزن روبه‌رو شدند. جوان برعکس ادعایش هربار از بیم جان در فکر فرار و راه نجات خود شد، تا جایی که مرد بازرگان آنچه داشت به راهزنان تسلیم و جان خود را نجات داد.»

سهمی از متن اصلی

«سالی از بلخ با میانم سفر بود و راه از حرا میان پرخطر، جوانی بقرقه^{۳۳} من بود سپرباز، چرخ‌انداز پیل زور و سلحشور که دو مرد توانا کمان او را به زه کردند... دو هندو از پس سنگی سر برآوردند و آهنگ قتال ما کردند به دست یکی چوبی و در بغل دیگری کلوخ کوبی. جوان را گفتم چه پایی... تیر و کمان را دیدم از دست جوان افتاده و لرزه بر استخوانش.»

عالی‌پیام، ماشاء‌الله. (۳) رفوگر ثروتمند (يك داستان از گلستان سعدی) نقاشی قاسم دربندی. تهران: گلبرگ، ۱۳۶۱. ص. ۱۶. براساس مثل ده‌باب هفتم گلستان در تأثیر تربیت. ص ۱۹۶. همان مأخذ.

خلاصه داستان

رفوگری که به‌منظور کسب پول بیشتر فقط برای اغیا کار می‌کرد و اعتنایی به فقرا نداشت صاحب ثروت بسیار شد و چون در آرزوی فرزند بوده به توصیه

۳۳. به بقرقه همراه ما شد.

صاحب‌دلی دست نیاز به درگاه خدا برد و عهد کرد که از مال خود به درویشان ببخشد. اتفاقاً صاحب کودکی شد و در ناز و نعمت بزرگش کرد ولی چون فرزندش ناصالح گشت پس از کشتن انسانی فرار کرد و پدر را به جرم پسر به زندان افکندند.»

خلاصه‌ای از متن اصلی

«حلیله درویشی حامله بود و مدت حمل به‌سر آورده. و درویش را همه عمر فرزند نیامده بود. گفت اگر خدای عزوجل مرا پسری دهد جز این خرقة که پوشیده‌ام، هرچه ملك من است ایثار درویشان کنم. اتفاقاً پسر آورد... پدر را بر علت آن سلسله برنای است و بند گران بر پای. گفتم این بلا را خود از خدای خواسته است.»

عالی‌پیام، ماشاءالله. (۴) **قهرمان دانا**. (يك داستان از گلستان سعدی برای کودکان) نقاشی قاسم دربندی. تهران: گلبرگ، ۱۳۶۲. ۱۴ ص (گروه سنی سالهای آخر دبستان و دوره راهنمایی). براساس مثل ۳۰، از باب اول در سیرت پادشاهان، ص ۵۵. مأخذ.

خلاصه داستان

«کسی در کشتی گرفتن سرآمد بود. نسبت به شاگردی توجه داشت تمام فنون جز یکی به او آموخت. شاگرد بعد از سرآمدشدن نزد حاکم ادعا می‌کند که در کشتی گرفتن با استاد برابرم و از قوت کمتر نیستم لیکن فضیلت او بر من به دلیل بزرگی و حق تربیت اوست. استاد با او کشتی گرفت و از همان فن که نیاموخته بود یاری گرفت و او را بر زمین زد شاگرد به حاکم گفت: نکته‌ای را از من دریغ داشته بود به همان غالب آمد. استاد گفت آن را از بهر چنین روزی نگاه می‌داشتم. هر آن کهتر که با مهتر ستیزد چنان افتد که هرگز برنخیزد»

سهمی از متن اصلی

«یکی در صنعت کشتی گرفتن سرآمد بود و سیصد و شصت بند فاخر بدانستی و هر روز به نوعی از آن کشتی گرفتی مگر گوشه‌خاطرش به جمال یکی از شاگردان میلی داشت سیصد و پنجاه و نه بندش درآموخت مگر يك پند که در

تعلیم آن دفع انداختی.»

عالی‌پیام، ماشاءالله (۵) معلم مقرراتی (يك داستان از گلستان سعدی) تهران: گلبرگ، ۱۳۴۲. نقاشی قاسم دربندی (گروه سنی سالهای پایان دبستان و دوره راهنمایی). براساس مثل ۴ باب هفتم. در تأثیر تربیت ص ۱۹۰.

معلم ترشروی مردم‌آزاری را که باعث آزرده‌گی کودکان است از مکتب بیرون می‌کند و به‌جای او مکتب را به پارسای سلیم نیک مردی می‌سپارند. اما کودکان از رفتار خوب این يك سوءاستفاده کرده. مجبور شدند معلم اول را برگردانند.

خلاصه‌ای از متن اصلی

«معلم کتابی را دیدم در دیار مغرب ترشروی و بدخوی و تلخ‌گفتار. مردم‌آزار و بدطبع و ناپرهیزکار که عیش مسلمانان بدین وی تباه گشتی و خواندن قرآنش دل مردمان را سیاه کردی.»

عالی‌پیام، ماشاءالله. **پهلوان فقیر** (يك داستان از گلستان برای کودکان) تهران: گلبرگ، ۱۳۶۱. نقاشی قاسم دربندی. براساس مثل ۲۹ باب سوم «در فضیلت قناعت» ص ۱۴۰-۱۲۸.

خلاصه داستان

«جوانی بدون تجربه و داشتن امکانات سفر برای تغییر زندگیش راه سفر در پیش می‌گیرد. پدر مخالفت می‌کند او را به قناعت دعوت می‌کند نمی‌پذیرد که «حلق فراخ دارد و دست‌تنگ.» می‌باید چاره کند. چون پول ندارد و راه رسم برخورد با مردم را نمی‌داند، مرتب به موانعی برخورد می‌کند. از جمله با کشتیان به ستیز برمی‌خیزد که مرا در مقابل کار در کشتی باید سوار نمایی و کشتیان نیز چنین تلافی می‌کند که چون به ستونی در آب می‌رسند، می‌گویند کسی بدان ستون بالا رود و طناب کشتی را در دست بگیرد تا کشتی تعمیر شود و بدین بهانه او را همانجا می‌گذارند و می‌روند. به چاه آبی می‌رسد آب بنوشد ماجرای پیش می‌آورد. با کاروانی رویه‌رو می‌شود و قول می‌دهد که از آنها در مقابل رهنان دفاع می‌کند. افراد باتجربه کاروان بدو اعتماد نمی‌کنند که شاید خود از رهنان باشد، او را دست رهنانی که بعد می‌رسند رها کرده می‌روند. ملک‌زاده‌ای به او می‌رسد

ماجرایش را می‌شنود براو رحم می‌کند با هدایا و معتمدی او را به شهر خودش می‌فرستد. »

سهمی از گلستان در بیان نتیجه

«شبانگاه آنچه را بر او گذشته بود از حالت کشتی و جور ملاح و جفای روستاییان بر سر چاه و غلر کاروانیان در راه با پدر همی گفت. پدر گفت: ای پسر، بگفتم هنگام رفتن که تهیدستان را دست دلیری بسته است و پنجه شیری شکسته، پسر گفت ای پدر هر آینه تارنج نبری، گنج برنداری و تا جان در خطر نهی، بر دشمن ظفر نیایی و تا دانه پریشان نکنی، خرمن برنگیری. ببین که به اندک مایه رنجی که بردم چه مایه گنج آوردم و به نیشی که خوردم، مایه نوش حاصل کردم. پدر گفت ای پسر ترا در این نوبت فلك یاوری کرد و اقبال رهبری، تا گلت از خار و خارت از پای بدر آمد و صاحب دولتی بر تو رسید و بر تو ببخشید و کسر حال تو را به تفقدی جبران کرد. و چنان اتفاق نادر افتد. زنهار بدین طمع دگر بار گرد و لغ نگردي.»

آفریزی از دو داستانی که از گلستان می‌آورد یکی را بدین داستان به نام سفر تجربه اختصاص می‌دهد. او در واقع دو داستان را یکی از باب تأثیر تربیت و یکی از باب قناعت آمیخته تا بدین نتیجه رسیده است. به نظر آفریزی این سفر باتوجه به شخصیت ناپسند پسر که به دلیل يك دانه بودن ناز پرورد و مردم آزار بوده است، مفید واقع شده و در هر صورت سفر تجربه است گرچه در محتوا با گلستان صددرصد به انطباق نرسیده است؛ اما داستان آموزنده‌ای از آن ترتیب داده که چندان هم از مقوله اصلی دور نیفتاده اما اشکال او در عدم انطباق در ساخت و پرداخت خاصه زبان و شیوه بیان است که از زبان شکسته و عامیانه استفاده نموده آنهم برای گلستان بسی جای تعجب و حسرت. اما سعدی مقدمات سفر را عالم بودن، پول داشتن، بازرگان بودن، هنرمند بودن و... می‌داند. حال که پسر بی‌هنر و دهان فراخ و بی‌پول است. نباید برود و چون می‌رود به چندین بلا گرفتار می‌آید و تصادفی او را به راحتی می‌رساند البته تجربه‌ای هم اندوخته که برای جلوگیری از اشتباه در تجربه پدر تأکید می‌کند که این بار تصادفی بوده باید با مقدمات به سفر رفت. ارزشیابی پهلوان فقیر: در این داستان تمام گناه بر گردن فقر نه بدکنشی پسر قرار می‌گیرد و اگر در انتها مالی کسب شده از ترحم بوده نه آنکه پسر خود تلاشی نموده و

چیزی کسب کرده است. بنابراین عنوان پهلوان فقیر تمام داستان را به بیراهه می‌کشد. پسر پهلوان نبوده، چه پهلوانی خصوصیات خاص خودش را دارد. آن‌چنان که سعدی می‌گوید مشتزن بوده، اشکال درست؛ در همین صفتی است که سعدی مطرح نموده و نیز گناه تنها با فقرش نبوده، فقر سهم مهم را داشته نه تمام را.

ارزشیابی تمام آثار این نویسنده :

کیفیت محتوا

- در سه داستان با محتوای اثر اصلی انطباق دارد.

کیفیت سبك نگارش

- انشاء آن ساده و روان می‌باشد.

حواشی و توضیحات

- سهمی از مأخذ را در ارتباط با داستان موردنظر در انتهای کتاب آورده است.

کیفیت محتوا

- گزینش در بازنویسی اساس کار است که جز در شفای مریض بقیه را انتخابی صحیح از جهت ارائه به نوجوانان نبوده است. بهتر است زمانی این داستانها در اختیار خواننده قرار گیرد که بداند سعدی وقایع‌نگار است و بیان پاره‌ای از نتایج و روشها و فلسفه‌های زندگی نتیجه‌گیری خود او نیست که فکر تربیتی زمان اوست.

- در دو داستان پهلوان فقیر و رفوگر ثروتمند با محتوای اثر اصلی انطباق کامل ندارد و در نتیجه به بیراهه می‌رود. عناوین مناسب محتوا نیست.

حواشی و توضیحات

- تعریف مناسبی در مورد مأخذ ندارد.

لزگی، حبیب‌الله. *داستانهای کهن از ادبیات فارسی (۳)*، نقاشی از علی‌اصغر تجویدی تهران: انجام کتاب، ۱۳۶۳. (سالهای آخر دبستان و دوره راهنمایی) براساس مثل ۷ باب سوم در فضیلت قناعت ص ۱۱۲-۱۱۳. سومین داستان از مجموعه شماره ۳ داستانهای کهن از ادبیات فارسی، به داستان دو مسافر از گلستان اختصاص دارد.

خلاصه داستان

« دو مسافر با یکدیگر به سوی شهری در حرکت هستند. یکی از این دو تمام مدت به خوردن می‌پردازد و یکی در حد زنده ماندن می‌خورد. چون به شهر می‌رسند آنها را به تهمت جاسوسی به خانه‌ای که پنجره‌هایش را با گل مسدود می‌کنند می‌افکنند. بعد از يك هفته که در می‌گشایند، یکی از دست رفته و دیگری هنوز رمقی دارد. او را نجات داده دلش را می‌پرسند. می‌گوید چون من عادت به سختی و نخوردن داشتم تحمل کردم.»

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- با اثر اصلی در محتوی انطباق دارد.
- سبب آشنا نمودن نوجوانان به متون کهن می‌گردد.
- داستانی را انتخاب نموده که محتوایش مناسب انتقال است.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- از زبان ادبی استفاده نموده، اما می‌توانست از نثر موجزتر و روان‌تر استفاده کند.

کیفیت توضیحات و حواشی لازم

- تعریف مختصری از گلستان دارد.

کیفیت ساخت و پرداخت

- بدون توجه به ایجاز گلستان دو شخصیت پرخور و کم‌خور بسیار بر این مقوله بحث دارند که به ساخت و پرداخت داستان صدمه وارد نموده است.
- سهمی از متن داستان در گلستان:

«دو درویش خراسانی، ملازم صحبت یکدیگر سفر کردند. یکی ضعیف بود که هر به دو شب افطار کردی و دیگر قوی که روزی سه‌بار خوردی.»

برگزیده‌ها از گلستان

فروغی، محمدعلی. *گلستان برای دبیرستانها*، تهران: وزارت فرهنگ، ۱۳۱۹. ۲۴۰ ص.

در سال ۱۳۱۹ برای اولین بار محمدعلی فروغی با حذف قطعاتی از گلستان که

چندان برای دانش‌آموزان دبیرستان و اقران آنها ضرورت نداشته است با آوردن توضیحات و تذکراتی لازم و سودمند در انتهای کتاب راجع به الفاظ و معانی و نیز فهرستی از لغات مشکل، گلستانی از گلستان می‌آرید تا نوجوانان مستقیم با گلستان، زیباترین کتاب نثر فارسی که سهل است و ممتنع روبه‌رو شوند تا با آموزش محاسنش در بهره‌سپهش، دانش و تشخیص و درک در کلام ممتنع آن بیابند. شاید این اثر را بتوانیم اولین ساده‌سازی و اختصارگرایی و گزینش از يك اثر بدانیم.

مرتضوی کرونی، علیرضا. برگزیده حکایات گلستان، با شرح ابیات و واژه‌ها... با مقدمه جلیل تجلیل و اسماعیل حاکی. تهران: کانون فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۶۳. ۶۳ ص.

بعد از گذشت ۴۴ سال از اولین کار انتخاب از گلستان، آقای مرتضوی کرونی برگزیده‌ای از حکایات گلستان با معنی واژه‌ها و شرح ابیات دشوار ترتیب می‌دهد، که حسن استقبالی از کار فروغی دارد و می‌توان در دوره راهنمایی از آن استفاده کرد. از هر باب به تناسب چند حکایتی برگزیده است و با شرح ابیات و واژه‌ها می‌آورد. تفاوت کار فروغی با آقای مرتضوی کرونی، در استحکام کار فروغی و تازه کار بودن، اما حسن شروع مجدد منتخب اخیر است. فروغی تمامی گلستان را با کمی حذف و جابه‌جایی واژه‌های دشوار آماده نموده است و حال آنکه اثر اخیر صرفاً برگزیده می‌باشد. این برگزیده، سه مقدمه دارد یکی به قلم منتخب که می‌نویسد: «با آنکه اکثر داستانها عاری از حقیقت و ساخته و پرداخته ذهن نویسنده است...» داستانها ممکن است واقعیت نباشند یا از حقیقت پشت آنها تعبیر دیگری شود ولی بر پایه حقیقتی استوارند. برای نشان دادن اهمیت اثر سعدی از زبان سعدی در مقدمه آقای حاکی يك بیت دو بار تکرار شده است که غلط چاپی است. برای آنکه نوجوانان به صحت در کار تحقیقی اعتقاد یابند، باید حذف گردد. مقدمه فروغی دریایی از اطلاعات است که بیشتر به کار مربیان می‌آید. در هر صورت کار آقای مرتضوی دهنوی حرکت سازنده‌ای در گزینش متون در جهت رویارویی نوجوانان با متون اصلی می‌باشد.

نتایج و پیشنهادها

گلستان از آثاری است که با زندگی مردم پیوند دارد. بسیاری از حکایات گلستان با بسیاری از افسانه‌های ایرانی که در نزد عوام ارج و بهایی دارد بی‌ارتباط نیست و از امثال

و نیازهای عاطفی و اجتماعی مردم بوده است. به همین دلیل قسمت اعظم گلستان همانند شاهنامه بر زندگی آمیخته با تجربه، نیاز و عقاید و سنن مردم استوار است. باتوجه به ویژگی گلستان جا دارد اقبال بیشتری به معرفی گلستان برای کودکان و نوجوانان بشود. گلستان را می‌توان برای سالهای پایان دبستان و دوره راهنمایی با مقدمات معرفی اثر و آوردن نمونه‌ای از نثر گلستان بازنویسی نمود و در دوره دبیرستان به‌صورت برگزیده ارائه نمود. دو تجربه برگزیده مرحوم فروغی و مرتضوی کرونی نمونه‌های خوبی برای ارائه به نوجوانان می‌باشد. بازنویسیهایی که از گلستان صورت گرفته است، اندک اما به نسبت بازنوشت‌های کلیله و مرزبان‌نامه از کیفیت بهتری برخوردار است. برای آفریندی گلستان بهانه‌ای بوده در طرح ملستانها. صرفاً دو داستان از آن برگزیده است.

جدول تکرار آثار

عنوان داستان بازنوشته	بابهای گلستان	فراوانی
قهرمان دانا	باب اول مثل ۳۰ در سیرت پادشاهان	۱
حساب سرنوشت	باب اول مثل ۳۸ در سیرت پادشاهان	۱
شفای مریض	باب اول مثل ۲۴ در سیرت پادشاهان	۱
پهلوان فقیر	باب سوم مثل ۲۹ در فضیلت قناعت	۲
سفر تجربه	باب سوم مثل ۲۹ در فضیلت قناعت	
دو مسافر	باب سوم مثل ۷ در فضیلت قناعت	۱
پهلوان پنبه	باب هفتم مثل ۱۷ در تأثیر تربیت	۱
رفوگر ثروتمند	باب هفتم مثل ۱۰ در تأثیر تربیت	۱
معلم مقرراتی	باب هفتم مثل ۴ در تأثیر تربیت	۱
برگزیده گلستان	تمام بابها و حذف قطعاتی	۱
برگزیده حکایات	چند حکایت از هر باب	۱

بازنویسی از نظم فارسی قرن هفتم بوستان

معرفی کتاب

بوستان منظومه معروفی است در قالب مثنوی به چهار هزار و صد و سی و سه بیت از شاعر بزرگ ایران سعدی که آن را در سال ۶۵۵ به نام ابوبکر بن سعد بن زنگی ساخته است. بوستان شامل ابواب: عدل و تدبیر و رأی، احسان، عشق و شور و مستی، تواضع، رضا، قناعت، تربیت، شکر بر عافیت، توبه و راه صواب مناجات. سعدی مطالب این منظومه را با حکایتها و تمثیلهای شیرین می آمیزد.

بوستان آمیخته‌ای است از عرفان، تصوف، مناجات نامه‌ای است با پیام پیامبران نیکی که آفریده ذوق خیال شاعر است که بدی و زشتی را قذری نداده و نیکی و زیبایی و درخشندگی را اساس خصوصیات انسانی ساخته است. بدها هم چندان بد نیستند با يك حرکت به طرف خوبی گرایش می‌یابند. انسان در بوستان چنان که باید باشد هست نه چنان که هست. و این همان دنیای آشنای کودکان است. بنابراین اقبال بازآفرینان و بازنویسان باید بدان بیشتر باشد.

بازنویسیها از بوستان

لزگی، حبیب‌الله. *داستانهای کهن از ادبیات فارسی (۳) مینیاتور علی‌اصغر تجویدی* (شیراز). تهران: انجام، ۱۳۶۳. ۲۴ ص (سالهای آخر دبستان و دوره راهنمایی).
دومین داستان این مجموعه به بوستان اختصاص دارد به نام تیزبین مثل از باب پنجم «رضا». ص ۲۵۰-۳۵۱.

خلاصه داستان

«عقابی برای آنکه قدرت بینایی خود را به کبوتری که در جنگ آورده نشان دهد، اوج می‌گیرد و از آن فاصله یک روزه راه می‌گوید: بنگر يك دانه گندم را بر زمین می‌بینم و با همان سرعت پایین می‌آید، کبوتر نزدیک زمین به گوشه‌ای می‌نشیند و عقاب پاهایش در تور صیاد فرومی‌رود و نمی‌تواند خود را رها کند. کبوتر آماده است که آسمان را درنوردد و به‌سوی کودکانش رود.

چنین گفت پیش زغن کرکسی	که نبود ز من دوربین‌تر کسی
سپس گفت دیدم گرت باور است	که يك دانه گندم به‌هامون در است
زغن گفت از آن دانه چیدن چه سود	چو بینایی دام خصمت نبود
شنیدم که می‌گفت گردن به بند	نباشد حنر با قنر سودمند»

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- در محتوا و نتیجه داستان با متن اصلی انطباق دارد به‌جز بیت آخر شایسته، نیاوردن آن بود.

- متنی را برگزیده که ارزش معرفی و انتقال محتوایش به کودکان دارد.

کیفیت ساخت و پرداخت

- پراکنده‌گویی در ساخت و پرداخت نیست.

کیفیت زبان و شیوه بیان

- زبان و بیان گویاست

اجزاء تکمیلی

- بوستان را معرفی نموده.
- ارجاع به باب و شماره داستان ندارد.
- آوردن چند بیتی از بوستان مناسب بود.

شایسته، خسرو. *افسانه‌های شیرین از روزگاران دیرین*. اقتباس از بوستان سعدی. تهران: سپیده ۱۳۶۵. (گروه سنی سالهای پایان دبستان). درد انتظار یکی از هفت داستان افسانه‌های شیرین از روزگاران دیرین است. بازنویس در این اثر هفت داستان از بوستان برگزیده و به نثر روان ساده‌نویسی نموده است. یکی از هفت را می‌گزینیم که خصوصیات بازنویسی‌اش را بتوانیم ارزشیابی کنیم. درد انتظار، براساس داستانی در بوستان باب هشتم، شکر بر عافیت ص ۳۲۶-۳۲۷.

خلاصه داستان

«طغرل یکی از پادشاهان سلجوقی در يك شب سرد پاییزی (زمستانی در بازنوشته) که برف و سرما در بیرون قصر کولاک می‌کرد برای تفریح و تنوع به بیرون قصر می‌آید. با نگهبان پیری روبه‌رو می‌شود که بالاپوش مناسبی ندارد و از سرما فسرده و درهم است. دل طغرل بر او نرم می‌شود و می‌سوزد می‌گوید حال که به قصر برگشتم پوستینم را برایت می‌فرستم. نگهبان از خوشحالی پوستین، در پوست نمی‌گنجد. طغرل وقتی وارد قصر می‌شود، اطرافیان دورش را می‌گیرند و به گفت‌وگوهای شیرین می‌پردازند. طغرل ماجرای سرما و پیرمرد را فراموش می‌کند. برای پیرمرد که دقایق را برای دریافت پوستین می‌شمرد زمان نمی‌گذرد «سپیده دم جسد یخ‌زده پیرمرد را می‌یابد که در میان انگشتانش کاغذی است که بر آن نوشته شده است: من با همین پیراهن نازک هم شاید می‌توانستم سرمای طاقت‌فرسا را تحمل کنم اما تو با افزایش سنگینی بار انتظار این امکان را هم از من گرفتی.»

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- مآخذی گزیده که می‌توان محتوایش را به کودکان منتقل نمود.

- مفهوم و پیام اصلی منتقل شده است.

کیفیت ساخت و پرداخت

- هماهنگی محتوا و ساخت و پرداخت حفظ نشده است.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- زبان و بیان گویا و روان است.

اجزاء تکمیلی

- مقدمه‌ای جامع و متعهدانه رقم زده، که کاش ساده‌تر و کوتاه‌تر و صمیمانه‌تر

می‌نوشت.

- تصویر در متن کتاب ندارد. تصویری با دوگانگی زمان و شخصیتها بر جلد می‌باشد.

- مثالی از مآخذ نیاورده.

- با آنکه روی جلد کتاب از اقتباس سخن می‌گوید، اما در مقدمه تغییرات را در

بازنویسی به منظور جذاب‌تر شدن لازم می‌داند.

- در این داستان بهتر بود برای حفظ دنیای بی‌مرگ کودکان، مانند سعدی نتیجه را بر

بقا می‌نهاد و با سرزنش نگهبان در بامدادان طغرل را، نتیجه می‌گرفت.

مگر رنج سرما بر او بس نبود که جور سپهر انتظارش فزود

نگه کن چو سلطان به غفلت بخت که چوبک زنش بامدادان چه گفت

ترا شب به عیش و طرب می‌رود چه دانی که بر ما چه شب می‌رود

نگه کنید که نگهبان بامدادان به طغرل چه گفت: پس نگهبان زنده بوده که به طغرل

چنین گفته است یا لااقل رمقی داشته است. و این ماندن و سخن از حق گفتن، کودکان

را دلپذیرتر است.

در مجموع:

- حاشیه و مقدمات معترضه‌ای در ابتدا و اواسط داستانها دارد که لطف جریان داستان

را متوقف می‌کند. مثلاً در، درد انتظار، از بدی حکام و سلاطین سخن می‌گوید که

نوجوان در پایان داستان خود متوجه می‌شود. یا در همان داستان بر این بحث می‌کند که

در بین سلاجقه چند طغرل بوده، منظور کدام است؟ اینها را در توضیحات یا زیرنویس

می‌توان آورد نه در متن قصه.

- از دیگر نکات اینکه بازنویس هدف خود را اعلام می‌کند که پند و وعظ در تهذیب اخلاق بوده است. به این دلیل بوستان را برگزیدم. سعدی بسیار ظریف پند گفته، مخاطبش کسی نبوده، صراحتاً به پند نمی‌پردازد و در واقع آنچه را خوب است می‌ستاید و از این ستایش نتیجه‌اش پند می‌شود. نوجوانان یارای شنیدن پند آنهم بدین صراحت را ندارند. در هر صورت کاری است مثبت که با علاقه‌مندی انجام شد. در مجموع دو داستان از باب اول، يك داستان از باب چهارم دو داستان از باب هشتم و يك داستان از باب نهم انتخاب کرده است.

نتایج و پیشنهادها

بازنویسیهایی که براساس بوستان صورت گرفته، اندك بوده و نتوانسته حق مطلب را ادا کند. اما از کیفیت نسبتاً خوبی برخوردار است. خاصه دو بازنویس که بر بوستان توجه داشته‌اند تنوع گزینش و تناسب مآخذ را در نظر گرفته‌اند. بوستان با داشتن حکایتها و تمثیلهای شیرین در صورت صلاحیت بازنویس در شناخت آثار حکمی، عرفانی می‌تواند مآخذ قابل انعطافی برای بازنویسی و بازآفرینی باشد. برای سالیهای راهنمایی و اول دبیرستان می‌توان اشعار بوستان را انتخاب و در اختیار آنان نهاد.

بازنویسی از آثار عرفانی و متون متصوفه

معرفی مختصر عرفان و تصوف

عرفان = شناخت. معرفت دل از طریق کشف و شهود، نه بحث و استدلال. آن را علم وجدانی هم می‌دانند. واجد مقام عرفان را عارف و دانشی را که مبتنی بر عرفان است، معرفت می‌خوانند. عرفان نیز مانند علم درجاتی دارد.

صوفیه علم رسمی را که حاصل استدلال عقلی و نقلی است منتج به کشف حقیقت نمی‌دانند و در تفاوت بین علم و عرفان می‌گویند علم فقط حقیقت را نشان می‌دهد در صورتی که عرفان حقیقت را به چشم می‌بیند و درك می‌کند متصوفه اخیر که تحت تأثیر مکتب محی‌الدین ابن‌العربی، تعلیم و آراء صوفیه را به‌صورت علم تدوین کرده‌اند؛ این علم را که نوعی حکمت نظری است عرفان می‌دانند. عرفان بی‌علم را محال و علم

بی‌عرفان را وبال، می‌شمرند.

تصوف = پشمینه‌پوشی. در باب اشتقاق لفظ صوفی بحث بسیارست، اما بیشترین قول بر این است که چون پیروان تصوف پشمینه‌پوشی را به عنوان نشانه ترك ماسوی‌اله شعار خویش کرده بودند، صوفیه نامیده شدند. این طریقه در بین مسلمین از قرن دوم هجری قمری ظاهر شد. اما هنوز از اصطلاحات و افکار متصوفه در این زمان خبری نبود. از زمان رابعه‌ی عدویه به بعد زمینه غالب این مطالب فراهم آمد. در قرن سوم و چهارم میلادی تصوف رونق خاص یافت و علاوه بر سازمان‌یابی جنبه عملی آن، يك منظومه نظری عرفانی و آمیخته با فلسفه و کلام و تا حدی مبتنی بر فکر اتحاد و وحدت وجود و عشق به خدا را تشکیل داد.

تصوف بیش از هزار سال است که در مشرق زمین در ممالك اسلامی و بالخصوص ایران رواج داشته. بسیاری از حکما و شعرا و ادبای ایران با این مکتب آشنا بوده‌اند. تاریخ ادبی ایران از قرن دوم هجری قمری با تصوف آمیختگی خاص پیدا کرده است. کلام بسیاری از شعرای ایران چه آنهایی که در سلك صوفیه وارد بوده‌اند و چه آنها که اصطلاحات تصوف را در شعر و ادب به کار برده‌اند نشان از تصوف دارد.

در ایران، از اوایل عهد سلاجقه صوفیه موردتوجه بوده‌اند. مقارن قرن هفتم هجری قمری تصوف به اوج قدرت خود می‌رسد و کسانی مانند جلال‌الدین رومی و صدرالدین قونوی این طریقه را رواج دادند. از عهد صفویه تصوف در ایران رو به انحطاط گذاشت. در اواخر صفویه و اوایل قاجاریه مشایخ صوفیه که از هند به ایران می‌آمدند مورد طعن و نفرت عامه و تکفیر خاصه واقع می‌شدند. حدود سال ۱۲۱۵ هجری قمری دوباره بساط تصوف در ایران رونقی یافت و در دوره ناصرالدین شاه از مشایخ صوفیه، صفی‌علیشاه شهرت یافت.

عرفان و تصوف اسلامی ایران، از میان مردم عادی برخاست و به پیروی آنان بالیدن گرفت. به همین دلیل ادبیات عرفانی با فرهنگ عوام به‌ویژه ادبیات آنان از همان آغاز پیدایی پیوند داشت. بزرگان عرفان ایران اندیشه و زبان مردم و منطق و شیوه استدلال مردم و افسانه‌ها و قصه‌های مردم را در آثار خود به کار گرفته‌اند. مطالعه در تاریخ فرهنگ مردم ایران لازمه‌اش پژوهش در این منابع ارزنده آثار عرفانی است و اگر با رعایت ضوابط لازم و کافی در شناساندن این آثار همت گماشته آید مفید فایده است. قابل توجه است که بعضی از عرفا به ادب خاص کودکان و روانشناسی برخورد با کودک نظر

داشته‌اند:

چونکه با كودك سروكارت فتاد پس زبان كودكى بايد گشاد

عطار و آثارش

سرگذشت زندگی عطار مانند بسیاری از مشایخ و اولیاء سرشار است از قصه‌ها و افسانه‌ها، شاید اساس بسیاری از این قصه‌ها به تذکرةالاولیاء، برگردد اما در هر صورت آنچه غیر قابل انکار است این است که عرفان بدون عطار همان هفت شهر عشق بدون طالب و جوینده است.

فریدالدین عطار در حدود سال پانصدو چهل در نیشابور ولادت یافته است. مانند پدر پیشه عطاری داشت و در داروخانه خویش طبابت می‌کرده. ثروتی داشت در حدی که شعر را وسیلهٔ بدمست آوردن روزی نسازد. در کودکی و جوانی با علم و ادب آشنا شد و به علوم و فنون زمان خود دستی یافت. بر فلسفه گرایشی نداشت، اما با درویشان از کودکی وابسته بود.

از جمله مثنویهای مهم عطار، که انتساب آنها به شیخ محقق است یکی الهی‌نامه، می‌باشد. الهی‌نامه منظومه‌ای است از قصه‌های کوتاه بر اساس گفت و شنود پدری با پسران خود که جست‌وجوگر چیزهایی شده‌اند که حقیقت آنها با آنچه عامهٔ مردم استنباط می‌کنند تفاوت دارد. در طی استدلال در جهت این گفت و شنود قصه و تمثیل آورده می‌شود. پدر برای پسرانش که به ترتیب طالب دختر شاه پریان، جادویی، جام‌جم، آب حیات، انگشتی سلیمان و کیمیا هستند؛ حقیقت این چیزها را به صراحت بیان می‌کند. در ضمن این گفت و شنودها مطالب اجتماعی، اخلاقی و خلاصه عرفانی طرح می‌شود. پوچی هوسهای کودکانهٔ انسان تا پایان عمر آشکار می‌گردد. چنین گفت و شنودی را در داستان سندیادنامه و نیز در باب دوم مرزبان‌نامه، نیز بدین نمونه برمی‌خوریم.

منظومهٔ دیگر مصیبت‌نامه می‌باشد. در بیان گرفتاریهای روحانی سالک همراه حکایات فرعی بسیار. در این سیاحت‌نامهٔ عرفانی روح سلوک خود را از عالم غیب می‌آغازد و مراتب را همه‌جا به راهنمایی پیر طی می‌کند. از سالک گذشته به انبیا می‌رسد و سپس به آستان حضرت محمد(ص) راه می‌یابد و اسرار فقر را از زبان وی می‌شنود. داستانها و نکته‌های لطیف طی این سیر و سلوک می‌آید.

بهترین مثنوی عطار منطق‌الطیر است^{۳۵} که هم ساخت و پرداخت آن خاص است و هم نتیجه‌ی مترتب بر آن. یک نوع حماسه‌ی عرفانی است و خطراتی که روح سالک در طی مراحل هفتگانه می‌گذراند، شبیه هفتخوان رستم است. فقط در اینجا قهرمان یکی یا دو تا نیست روحهای مختلف که به صورتهای عندلیب، طاوس، قمری، فاخته دیده می‌شوند، هفتخوان را در پیش می‌گیرند.

سیمرغ همان سی مرغ سالکند. وحدت وجود طی این قصه تعریف می‌شود و نهایت سیر و سفر مرغان، حضرت سیمرغ است؛ مرغی افسانه‌ای که در اوستا و خداینامه آمده است و عطار نام وی را به یاری حرکت و جابه‌جایی لفظی با لفظ سیمرغ که جمع تعداد مرغان زائرس است یکی کرده. مراد از پرندگان سالکان راه حق، سیمرغ، وجود باری تعالی و هدهد مرشد است. عنری که هر یک از پرندگان می‌آورند حاکی از علایق انسان است به جهان.

سبک بیان عطار ساده و طبیعی است. از کلام او جز به ندرت گرایش به تکلف و تصنع دیده نمی‌شود. زبانش شیرین و از لغات نامانوس دور است. در بیان شور و حال عرفانی سخنش قدرتی معنوی دارد.

تصوف عطار طریقت را از شریعت جدا نمی‌کند. سوز و شور طریقت عقل و دین را نمی‌سوزد و نابود نمی‌کند.

بازنوشته‌ها در عرفان، بیشتر مربوط به اعتلای عرفان و تصوف در قرن هفتم در سیر زمانی آنها بوده که در مبحث موضوعی، عطار را که از مشایخ صوفیه و عرفان قرن ششم و اوایل قرن هفتم است به عنوان قطب‌العارفین در اینجا آورده‌ام.

بازنویسی از آثار عطار

خانلری، بهرام. *داستانهای دل‌انگیز ادبیات فارسی*. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶. مصور (زبان و ادبیات فارسی ۲) اولین داستان بکتاش و رابعه، ص ۳-۹. خانلری اولین داستان *داستانهای دل‌انگیز* را به بکتاش و رابعه اختصاص داده و بعد از وصفی از عطار می‌نویسد: «داستان بکتاش و رابعه از الهی‌نامه‌ی شیخ عطار است. رابعه بنت کعب قزداری که این داستان درباره‌ی اوست نخستین بانوی سخنور ایران است.»

۳۵. منطق‌الطیر = زبان مرغان

بر اساس الهی‌نامه^{۳۶}. مقاله الحادی والعشرون «حکایت امیر بلخ و عاشق شدن دختر او» ۳۳۰-۳۵۲.

خلاصه داستان

«رابعه یگانه دختر کعب امیر بلخ، در جشن جلوس برادرش حارث به تخت شاهی بر غلامی به نام بکتاش دل می‌بندد. راز بر دایه‌اش می‌گشاید و به وسیله او پیام اشعارش را به بکتاش می‌رساند. بکتاش روزی او را می‌بیند و می‌شناسد به دامنش از سر نیاز می‌آویزد. رابعه خود را کنار می‌کشد و می‌گوید این آتشی که در دلم زبانه می‌کشد و هستیم را خاکستر می‌کند، به نزد گرانبها است و با جسم خاکی سروکار ندارد. روزی رابعه شعرش را برای رودکی می‌خواند و رودکی این شعر بر حارث خوانده، داستان عشق دختر کعب بر غلام برادرش را بر ملا می‌سازد. این پس از فداکاری بکتاش در جنگی است که در گرفته و زخمی شده و در صحنه جنگ رابعه با لباس مبدل به کمکش شتافته و خروش در سپاه دشمن افکنده و یار را به سلامت به مأمنی برده. حارث بعد از شنیدن ماجرا از زبان رودکی کینه خواهر به دل می‌گیرد. بکتاش را دوستی است که بر او خیانت می‌کند نامه‌های رابعه را برای حارث می‌آورد. حارث در دم دستور می‌دهد بکتاش را در چاهی زندانی و رابعه را در حمام رگ زنند. رابعه تا آخرین قطره خونس با آن بر در و دیوار حمام شعر می‌نویسد. بکتاش خود را از چاه نجات داده، حارث را کشته بر تربت رابعه با خنجر به زندگی خود پایان می‌دهد.»

بعضی از قطعات زیبا و دلاویز رابعه:

چنین قصه که دارد یار هرگز	چنین کاری که را افتاد هرگز
به آخر فرستی [فرستی] می‌جست بکتاش	که بخت از زیر چاه آورد بالاش
نهان رفت و سر حارث شبانگاه	بیرید و روانه شد هم آنگاه
بخاک دختر آمد جامه برزد	یکی دشنه گرفت و بر جگر زد
از این دنیای فانی رخت برداشت	دل از زندان و بند سخت برداشت

۳۶. محمد بن ابراهیم عطار. ۵۳۷-۶۲۷. الهی‌نامه، به تصحیح فواد روحانی. (تهران: زوار، تاریخ مقدمه ۱۳۳۹) شانزده، ۳۷۰ ص.

نبودش صبر بی‌یار یگانه بدو پیوست و کوتاه شد فسانه
 دومین داستان در داستانهای دل‌انگیز ادبیات فارسی به شیخ صنعان تعلق دارد به بررسی
 آن می‌پردازیم چون یکی از معروف‌ترین داستانهای منطق‌الطیر است.
 براساس داستان «شیخ صنعان و زنار بستن او از عشق دختر ترسا» منطق‌الطیر^{۳۷}
 ۷۷. داستان بازنوشته ص ۱۳-۱۸.

با این بیت داستان شیخ صنعان را شروع می‌کند:

«گر مرید راه عشقی فکر بدنامی مکن شیخ صنعان خرقره‌رهن‌خانه خمار داشت
 شیخ صنعان پیر صاحب کمال عهد خود بود و مریدان بسیار داشت از قضای بد
 گرفتار عشقی پرسوز و دردناک می‌شود که مقام مراد بودن خویش را از دست
 می‌دهد، علاوه بر آن دین و عقل را هم بر سر عشق معشوق ترسا می‌بازد و خود
 نیز آیین عیسی را برمی‌گزیند. زنار می‌بندد و به خوک‌بانی می‌افتد. یاران با جان
 سوخته او را رها می‌کنند. مریدی که در سفر روم همراه ایشان نبود از اینکه
 مریدان تنه‌ایش گذاشته‌اند سرزنش‌شان می‌کند و می‌خواهد که همه شب و روز
 برایش دعا کنند، همه به روم می‌روند و شب و روز به درگاه حق می‌نالند. مریدی
 خواب می‌بیند که شیخ رها شده و چون نزد او می‌روند زنار گسسته و دل از
 ترسایی شسته است. شیخ توبه کرد تا با یاران بازگردد که دختر ترسا خوابی
 می‌بیند، آتشی در جان‌ش درمی‌گیرد و به راه یزدان می‌آید و اسلام می‌پذیرد.
 چون ثوق ایمان در دل دختر راه یافت به شیخ گفت: «دیگر طاقت فراق در من
 نمانده از این خاکدان پردردسر می‌روم و از تو عفو می‌طلبم. این سخن گفت و
 جان به جانان سپرد.

گشت پنهان آفتابش زیر میخ جان شیرین زو جدا شد ای دریغ
 قطره‌ای بود او در این بحر مجاز سوی دریای حقیقت رفت باز»

شیخ صنعان يك داستان رمزی است. سرگذشت روحی است که از دنیای جان به عالم
 ماده می‌آید و گرفتار وابستگی‌ها می‌گردد. به هر گناهی آلوده می‌شود، گوهر والای متعالی
 خود را از یاد می‌برد. اما جذبه عیسی او را درمی‌یابد و به دنیای صفا و پاکی می‌برد و

۳۷. محمد بن ابراهیم، عطار. منطق‌الطیر. به تصحیح و مقدمه و تعلیقات و حواشی دکتر محمد جواد مشکور.
 (تهران: کتابفروشی تهران، ۱۳۵۳) ۳۵۴ ص ۹۱-۷۷.

نجاتش می‌دهد. شیخ صنعان شباهت به طیر ابن سینا دارد و منطق/الطیر شباهت به رساله‌
الطیر غزالی.

ارزشیابی دو داستان بکتاش و رابعه و شیخ صنعان: کیفیت محتوا

- در مفهوم و هدف ظاهری با متن اصلی انطباق دارد.
- هیچ‌گونه تحریفی در انتقال دو داستان صورت نگرفته است.
- مآخذ اثری بوده (خاصه داستان شیخ صنعان) که محتوای آن را با توضیح و تفسیر رموز آن می‌توان به نوجوانان و جوانان منتقل نمود.
- این دو اثر خوانندگان جوان را به خواندن متون اصلی تشویق می‌کند.

کیفیت ساخت و پرداخت

- امانت در ارائه پیام متن اصلی حفظ شده.
- پراکندگی در ساخت و پرداخت نبوده و مانند مآخذ به نتیجه می‌رسد.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- از استخوانبندی و روح نوشته اصلی تبعیت شده.
- از فارسی سره و زبانی که خوب است نوجوانان و جوانان با آن آشنا شوند استفاده نموده است.

- بدان می‌ماند که خود اثر را مطالعه می‌کنیم همان اصطلاحات و واژه‌ها و ترکیبات و اشعاری از متن آورده شده است. بدین می‌ماند که شعر عطار را استادانه معنی و تفسیر می‌کند.

اجزاء تکمیلی

- اشاره به مآخذ و شاعر و نویسنده‌اش کرده.
- اشعار متن اصلی را در فاصله آورده است.
- تصاویر در ارزش با محتوا برابری نمی‌کند.
- در مورد منطق/الطیر باید تعریفی بیشتر به‌دست می‌داد.
- فلسفه عرفانی پشت داستان شیخ صنعان را باید بیان می‌نمود، تا اصطلاحات عرفا و رموز مطرح در بیان سیر و سلوک بشر تا تعالی مشخص می‌شد.
- شیخ صنعان پیر عهد خویش بود در کمال از هرچه گویم پیش بود

شیخ بود اندر حرم پنجاه سال با مریدی چارصد صاحب کمال

آفریزی، مهدی. **قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب** جلد ششم، قصه‌های برگزیده از آثار شیخ عطار. تصاویر متن از فرشید مثقالی، تهران: شکوفه (امیرکبیر) ۱۳۶۵-۱۳۴۷. (سالهای پایان دبستان و دوره راهنمایی).

آفریزی در این کار هشت داستان از *منطق‌الطیر* و سه اثر از *الهی‌نامه* و نه اثر از *مصیبت‌نامه* آورده است. از آنجا که خود بیشترین انتخابش از *مصیبت‌نامه* بوده و ما در کار داستانهای دل‌انگیز ادبیات فارسی از *الهی‌نامه* و *منطق‌الطیر* اثر داشته‌ایم پس داستان معروف *پیر چنگی* را از بیست داستان قصه‌های برگزیده آثار شیخ عطار برمی‌گزینیم. *پیر چنگی*، *مصیبت‌نامه*، مقاله سی و هشتم، ص ۴۱۷-۴۱۸^{۳۸}. بازنوشته ۵۲-۵۵. *پیر چنگی*، تنهایی و بی‌پناهی انسان است در وادی خاکی. آنجا که هیچ‌کس نوای روحش را نمی‌شنود، کسی او را از رگ گردن نزدیک‌تر به ذرات وجودش قدر می‌گذارد و پاسخ می‌دهد و او خدای توانای گسترده بر ذرات خاکی است.

خلاصه داستان

«*پیر نالان* و *چنگ‌نوازی* که از اضطراب چون چنگ شده است در تنهایی و بی‌کسی که دیگر چنگ نواختنش خریدار ندارد به مسجد می‌رود و برای خدا چنگ می‌زند.

در همه دنیا ندارم هیچ چیز رایگان بشنو سماع من تو نیز
کار من آماده کن یکبارگی تا رهائی یابم از غمخوارگی
چون ز بس گفتن دلش در تاب شد هم‌درآن مسجد خوشی در خواب شد
بوسعید از مشایخ بزرگ صد دینار زر را که آن روز دریافت نموده تا خرج سفره
اصحاب یا هر خیر دیگر کند به خادم مسجد می‌دهد تا پاداش چنگ نواختنش را
برای خدا بگیرد.»

آفریزی تنها تفاوتی که در محتوا ایجاد می‌کند این است که شیخ به کرامت زر را به خادم

۳۸. محمد بن ابراهیم، عطار. *مصیبت‌نامه* حضرت قلب العارفین شیخ فریدالدین عطار نیشابوری. با مقدمه و شرح حال و تصحیح و مقابله با نسخ متعدده به اهتمام تقی حاتمی، (تهران: کتابخانه مرکزی، ۱۳۵۴-۱۳۵۷ هجری قمری. ۴۶۵ ص. ۴۱۷-۴۱۸.

جهت پیر چنگ‌زن نمی‌دهد^{۳۹}؛ بلکه چون خادم شکوه کرده است که مسجد جای نواختن چنگ نیست اما او را دل می‌سوزانم و نمی‌توانم آزرده‌اش کنم، پس شیخ آن وجه را می‌دهد و می‌گوید هر وقت دست تنگ شدی به‌جای مسجد بیا در خانقاه بزن، تا پول نواختن برای خدا را بتو برسانم و چنگ‌زن از خدا شکر می‌کند که قدر هنر را می‌شناسی و «بعد کیسه را برداشت». سازش را هم زیر لباسش پنهان کرد... خادم به او گفت: «پدر جان یادت باشد هر وقت خواستی نماز بخوانی و با خدا راز و نیاز کنی بیا اینجا. اما سازت را اینجا ... نیار ببر در خانقاه ابوسعید بزن» پیر چنگی نگاه ملامت‌باری به خادم کرد و گفت «شیخ ابوسعید کیست؟ شیخ اگر مرد باشد خودش هم همه‌کارش را می‌گذارد و می‌آید برای خدا ساز می‌زند».

آثری‌زدی با آنکه صلاح دیده برای نوجوانان کمی تغییر ایجاد کند اما در کل محتوا به همانجا رسیده که عطار. عطار سیر مراحل عرفان را چنان که شایسته اوست نموده و آثری‌زدی به‌عنوان يك بازنویس اثر عطار گرچه خواسته سربپیچد سر بر آستان عرفان نهاده است.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- محتوای داستانها با محتوای سه مأخذ انتخابی انطباق دارد.
- مأخذ اثری است که می‌توان از آن گزینش داستانهای ساده نمود. اگر رمزی پشت داستانها نهفته است؛ به زبانی که نوجوانان را امکان دریافت است می‌توان توضیح داد.
- قصه‌های شیخ عطار با سبک کار آثری‌زدی در این مجموعه نوجوانان را به خواندن متون اصلیش تشویق می‌کند.

کیفیت ساخت و پرداخت

- پراکندگی در ساخت و پرداخت نیست
- هماهنگی محتوا و ساخت حفظ شده است.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

در فلان مسجد یکی پیری بخت
این زر او را ده که این حق زن اوست

۳۹. شیخ آن زر داد خادم را و گفت
باربایی زیر سر پیری نکوست

- گرچه زبان شیوه عرفانی ندارد اما از استخوانبندی و روح نوشته اصلی تبعیت شده است.

- از فارسی سره استفاده نموده، شکسته‌نویسی نکرده و زبان محاوره نیست.

اجزاء تکمیلی

- شرح و توضیح و معرفی کتاب و ارجاع به فصلها و قسمتهای متن اصلی را دارد. بعد از قصه هدیّه، اشاره می‌کند که مولوی هم در مثنوی داستان را آورده است. تمامی توضیحات لازم و مربوط به قصه را ارائه می‌دهد. در پند کلاه نمدی که از الهی‌نامه برداشته است، مأخذ دیگری را نیز معرفی می‌کند که این داستان در آن است و بیتی از عطار و ابیاتی از آن دیگر می‌آورد. چون از سه اثر عطار داستانها را برگزیده هریک را به مأخذش ارجاع می‌دهد.

آنریزدی، مهدی. *قصه‌های تازه از کتابهای کهن ۳*. ده حکایت داستان برای کودکان. تهران: اشرفی، ۴۷-۴۵. ۶۹ ص.
از ده حکایت انتخابی از متون مختلف با یک حکایت به عنوان هوسهای مورچه‌ای از منطق‌الطیر عطار برگزیده شده است. منطق‌الطیر، نسخه محمدجواد مشکور ۱۳۵۳. ص ۲۳۹.

خلاصه داستان

«مگس برای خوردن عسل به عسل نزدیک می‌شود و در عسل فرومی‌رود و می‌فهمد که شیرینی عسل او را فریب داده است.»
این داستان را، لزگی در داستانهای کهن از ادبیات فارسی ۱ آورده است. با تعریفی مختصر که از اثر می‌دهد و همان ارزشیابی که بر بقیه آثار او گذشت. داستان را به این نحو می‌پروراند که:

«زنبور به حيله مگس را برای خوردن عسل می‌برد و چون در عسل گیر می‌کند او را به عنوان طعمه فرزندانش به کار می‌برد.»

شاید ساخت و پرداخت درستی بر این داستان باشد. عنوان را هم مگس و زنبور عسل می‌گذارد. اما کار یزدی با منظوری که عطار از جهت دنیادوستی دارد بیشتر تطبیق دارد که هرچه «مگس یا مورچه» را منع می‌کند به عسل نزدیک نشو، خطر دارد، گوش

نمی‌کند و اسیر می‌شود لیکن نجاتش هم می‌دهند.

آن مگس می‌شد ز بهر توشه‌ای دید کندوی عسل در گوشه‌ای
چون مگس را با عسل افتاد کار پا و دستش در عسل شد استوار
از طپیدن سست شد پیوند او وز جهیدن سخت‌تر شد بند او
در خروش آمد که ما را قهر گشت انگبین تلخ‌تر از زهر گشت

ارزشیابی اثر

- در انتهای کتاب مأخذ را آورده است.
 - از اشعار منطق‌الطیر در داستان استفاده می‌کند.
 - حد سنی ندارد، برای سالهای پایان دبستان و دوره راهنمایی مناسب است.
 - از فارسی سره استفاده نمی‌کند، شکسته‌نویسی می‌کند.
 - عنوان مناسب نیست، با محتوی هماهنگی ندارد.
 - می‌باید تعریفی ساده از فلسفه پشت داستان می‌نمود.
- خانلری، زهرا. *افسانه سیمرغ*. نقاشی نورالدین زرین کلک. تهران: کتابهای جیبی (فرانکلین). ۱۳۴۸. ۲۳ ص. (سالهای اول و پایان دبستان). براساس منطق‌الطیر عطار^{۴۰}.

افسانه سیمرغ، داستان پرندگان گوناگون است که برای یافتن رهبری گردهم جمع می‌آیند و با راهنمایی هدهد تصمیم می‌گیرند به جست‌وجوی سیمرغ بروند. در راه از بیابانها، کوهها، جنگلها می‌گذرند. گروهی از ترس، گروهی از خستگی و گروهی نیز از تنبلی در میان راه می‌مانند و جان می‌سپارند. از هزاران هزار پرنده فقط سی‌مرغ به کوه قاف می‌رسند. ولی در آنجا از سیمرغ خبری نیست چه سیمرغ خودشانند که در آرزوی رسیدن به هدف عالی از سرگرمیها و خوشیهای حقیر و کوچک گذشته‌اند.

سهمی از بازنوشته خانلری

«یکی بود، یکی نبود. یک روز همه پرنده‌گان پیش هم آمدند و گفتند این همه ستم که به ما می‌شود برای آن است که پیشوا و فرماندهی نداریم.»

۴۰. محمد بن ابراهیم، عطار. *منطق‌الطیر* به تصحیح و مقدمه و تعلیقات دکتر محمدجواد مشکور. (تهران:

کتابفروشی تهران: ۱۳۵۳) ۳۵۴ ص.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- مفهوم و هدف اصلی را دقیقاً منتقل نموده است.
- هیچ گونه تحریفی صورت نگرفته است.
- حس کنجکاوی خواننده را به متنی نظیر آن برمی انگیزاند.

کیفیت ساخت و پرداخت

- با ساخت و پرداخت متن اصلی در مراحل رسیدن به نتیجه و هدف منطبق است.
- در رسیدن به نتیجه همواره راحت است.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- زبان ساده، روان، گویا و فارسی سره است.
- از استخوانبندی و روح نوشته اصلی پیروی نموده است.

اجزاء تکمیلی

- در تصاویر داستان بازگو می شود (تبدیل سی مرغ را به سیمرغ) بسیار زیبا نشان می دهد.

- اشاره ای به متن اصلی ندارد.
- در مجموع اثر بسیار خوبی است.

مشفرفآزاد تهرانی محمود. سیمرغ و سی مرغ. نقاشی از بهنام دادخواه تهرانی: فرزین، بی تا. ۲۰ ص. (برای سالهای پایان دبستان و دوره راهنمایی). همان داستان وحدت است که در شرح منطق الطیر بر آن سخن بسیار رفت و اینکه سیمرغ همان سی مرغ است. و سی مرغها می توانند سیمرغ گردند برای رسیدن به کمال و نابودی زشتیها.

سهمی از بازآفرینی مشرفآزاد تهرانی

«سیمرغ، سی مرغ بود.

سی مرغ یگانه

سیمرغ همان سی پرنده بود

سیمرغ گفت: سیمرغ جز شما نیست اگر یگانه شوید.

و اگر یگانه شوید دامها را از میانه بردارید.

قفسها را می شکنید
زمین را از لای و لجن پاک می کنید.
کلاغهای زشت و سیاه را تارومار می کنید
سیمرغ شمايید.

.....

داستان هدهد تمام شد... هدهد خاموش شد.
از میان هزارها، هزار پرنده.
بهروی تخت گل‌سنگ پرید و از تخت گل‌سنگ بر چتر بید.
و در آسمان ناپدید شد.
کار م. آزاد. بازآفرینی شعرگونه‌ای است که خواندنش به دلیل فرم خاصش ممکن است
کمی مشکل باشد اما دلپذیر است.

ارزشیابی اثر کیفیت محتوا

- محتوای عرفانی داستان را منتقل نموده است.
- مفهوم و هدف اصلی داستان حفظ شده و تحریفی صورت نگرفته است.
- کیفیت ساخت و پرداخت**
- ساخت و پرداخت آن منطبق با اثر اصلی است.
- همان راه اثر اصلی را تا رسیدن به نتیجه طی می کند.
- کیفیت زبان و شیوه بیان**
- زبانی گویا ساده و روان و قابل قبول دارد.
- با وجود استفاده از سبک نو در نگارش، روح و محتوا و اسلوب اثر اصلی را حفظ نموده است.

اجزاء تکمیلی

- از تصاویر خوبی برخوردار است.
- اشاره‌ای به منطق الطیر و عطار ندارد. همین که فضای عرفانی منطق الطیر را ایجاد می کند مهم است.
- «سیمرغ شمايید. شما... سی مرغ یگانه‌ی توانا که نمی ترسند، که تردید نمی کنند

که ناامید نمی‌شوند که پیش می‌روند و پیش می‌روند....»

جدول تکرار آثار در بازنویسی از آثار عطار

عنوان داستان بازنوشته	عنوان متن اصلی	فراوانی
بکتاس و رابعه	الهی‌نامه	۱
شیخ صنعان	منطق‌الطیر	۱
هوسهای مورچه‌ای	منطق‌الطیر	۲
مگس و زنبور عسل	منطق‌الطیر	
افسانه سیمرغ	منطق‌الطیر	۲
سیمرغ و سی مرغ	منطق‌الطیر	
پیر چنگی	مصیبت‌نامه - مقاله سی‌وهشتم	۱

براطلاعات این جدول که همه مورد بررسی قرار گرفته است:

- هفت داستان در منطق‌الطیر.

- سه اثر در الهی‌نامه.

- نه اثر در مصیبت‌نامه.

از آثریزدی بر کل بازنوشته‌ها بیفزاییم.

نتایج و پیشنهادها

بیشترین بازنوشته‌ها مبتنی بر منطق‌الطیر بوده است. بازنویسانی که در آثار عطار تجربه کرده‌اند، تعهد لازم را داشته‌اند و بهترین کارها را به‌وجود آورده‌اند. توانسته‌اند فضای عرفانی خاص آن آثار را همراه ماجرا منعکس سازند.

آثریزدی با اینکه در تعدادی از داستانها به اندازه پیرچنگی موفق نبوده است اما منضبط‌ترین کار را در ارائه اطلاعات کتاب‌شناختی و ارجاعی انجام داده است. حتی اثری را که به مولوی نیز تعلق داشته، در جای لازم یادآوری نموده است. از داستانهای بارزشی که در میان آثار برگزیده بازنوشته است، دندان سپید براساس عرفان خاص حضرت مسیح است در توجه به خوبیها و نیکیها و گذشتن از بد انگاشتن.

پیشنهاد

در صورت صلاحیت و توانمندی بازنویسان در پرداختن به فضای داستانی عرفان، آثار عطار متونی مناسب برای چنین تجربه‌ای است.

معرفی مولوی و مثنوی جلال‌الدین محمد مولوی حدود سال ۶۰۴ هجری در بلخ به دنیا آمد. پدرش بهاء‌ولد واعظی زبان‌آور و خوش‌بیان بود که به صوفیه گرایش داشت. مجموعه‌ای از مواظ او هم‌اکنون باقی است و به «معارف بهاء‌ولد» معروف است. بعد از بهاء‌ولد جلال‌الدین که بیست و چهار ساله بود به خواهرش مریدان بهاء‌ولد مسند تدریس و منبر پدر را اشغال کرد. برهان‌الدین محقق ترمذی از مریدان پدر، جلال‌الدین جوان را تحت ارشاد می‌گیرد و با معارف صوفیه آشنا می‌کند. در ۶۴۲ هجری قمری که شمس به قونیه می‌آید (به دلیل جهانگردیش شمس پرنده خوانده می‌شد) در وجود مولانا انقلابی پدید آورد که مولوی درس و وعظ را کناری نهاد. یکبار شمس غیبتی نمود مولوی پسرش را به دنبال او فرستاد. این صحبت طولی نکشید که شمس به ناگاه ناپدید شد و شایعه‌ای پدید آمد که به‌دست مریدان مولوی کشته شده است.

آثار جلال‌الدین مولوی شامل نظم و نثر است که به نثر، *فیه مافیه و مجالس سبعه* اوست و آنچه به شعر است *مثنوی است و غزلیات او*.

مثنوی کتاب تعلیم است، تعلیم طریقت برای نیل به حقیقت. اما نزد مولوی شریعت نیز از گذرگاه طریقت دور نیست. در مثنوی مولانا به اخلاق و تربیت افراد نظر دارد. مثل يك معلم تربیت می‌کوشد خواننده را از خود بیرون آورد و از او چیز تازه‌یی بسازد. این امثال و داستانها همه جنبه تعلیم و اخلاق دارد حتی حکایات زشت از این قصه تربیت خالی نیست. وقاحت بیانی او، احوال و اخلاق مردمی از عصرش را بیان می‌کند. داستان‌سرایی بهانه‌ای برای مولوی در تهذیب و تربیت انسان است.

در مثنوی اوج پرواز فکر بسیار بلند است باید از سطح و ظاهر قصه گذشت و در ورای آن اندیشه‌های بلند، فلسفه زندگی را دید. فهم آن برای هر کس دست نمی‌دهد. دریافت مفاهیم مثنوی آمادگی خاصی می‌خواهد. مثنوی را گروهی تفسیر عرفانی و شاعرانه قرآن دانسته‌اند. مثنوی از همه چیز با کسی که جانش راز آشنا و در دانشناست سخن می‌گوید.

آنچه در نی مثنوی شنیده می‌شود حکایت روح از قیل و قال گسیخته است که مسند تدریس و فتوی را کنار افکنده و طوفان يك عشق انسان‌ساز را پشت‌سر گذاشته است. حکایت نی‌فرجام و سرگذشت زندگی انسان را در وجود خویش نشان می‌دهد. حکایت دردهای فلسفی است. حکایت عارف و عرفان و انسان است. نی‌نامه شامل ابیات آغاز مثنوی است که شرح و تفسیر مثنوی نیز می‌باشد.

قصه‌های مثنوی از هر دستی هست. بعضی داستان صرف است که شاعر از زبان عوام یا از کتابها گرفته است، برای بیان مقاصد خود در آنها تصرف می‌کند. بعضی دیگر داستانهای پیامبران و اولیاست که شاعر تعلیم خویش را در آن حکایات می‌گنجاند. بعضی دیگر قصه‌های پر از رمز و کنایه می‌باشد مانند پادشاه و کنیزك. مولوی همه‌جا حوصله قصه‌پردازی ندارد. گاه قصه را کوتاه می‌کند و زود به تعلیم و اخلاق می‌پردازد. گاه از يك قصه به قصه دیگر می‌رود مانند کلیله و دمنه. در قصه‌پردازیها گاه در اوج سخن و گاه در پایین است اما زمینی نیست و نیز پیش و پا افتاده نمی‌شود. قصه‌ها از مأخذ گوناگون مثل قرآن، آثار عطار، سنایی، نظامی، جوامع‌الحکایات می‌باشد و برخی را از زبان عامه گرفته است. مثنوی نقل يك سرگذشت روحانی است که از زبان نی آغاز می‌شود و هیچ‌جا پایان نمی‌پذیرد. در حقایق اخلاقی، دینی و زوایای روح بشر به کنجکاوی می‌پردازد. مولانا با آن استعداد سرشار نيك دریافته است که این حقایق را در لباس افسانه می‌توان به مردم عرضه کرد. بسیاری در تمدن اسلامی که حقایق و معارف را جهت آموختن به لباس افسانه و قصه درآورده‌اند.

ور بگویم بر مثال صورتی هم بدان صورت بجسی ای فتی
بدان صورت بجسی: یعنی علاقه شدید بشر به افسانه. مولانا نمی‌خواهد به قصه بیاویزند
قصه بهانه درك حقایق پشت قصه باید باشد. مولانا تمامی تمثیلات، تشبیهات، صنایع
شعری همه و همه را در راه اثبات حقایق به‌کار می‌گیرد.
نتیجه اینکه :

بازنویسان آثار عرفانی می‌باید شناختی به جهان‌بینی تصوف و صلاحیت غوطه‌ور شدن
در اقیانوس معرفتی مولانا و عطار و... را داشته باشند.
امید که در بازنویسی از آثار عرفانی آن بلایی را پیش نیاوریم که سجاده‌نشینان باوقار
را بازیچه کودکان کوی کنیم. بلکه کودکان مشغول بازی را دعوت به شناخت بزرگان
عرفان نماییم.

بازنویسیها از مثنوی

آذریزدی، مهدی. قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب. (جلد چهارم قصه‌های برگزیده
از مثنوی مولوی). تصاویر متن از مرتضی ممیز. طرح روی جلد از مهرنوش معصومیان.
تهران: شکوفه (امیرکبیر) ۱۳۴۳-۱۳۶۳. (گروه سنی پایان دبستان و دوره راهنمایی).

از بیست و چهار قصه انتخابی مهدی آذرزیدی از مثنوی، بقال و طوطی را به نمونه مطرح و از دیگر قصه‌هایش ضمن برخورد با دیگران بازنویسان مثنوی صحبت خواهیم داشت.

بقال و طوطی: قصه‌های خوب ص ۲۸-۳۰ براساس داستان تمثیلی «حکایت مرد بقال و طوطی و روغن ریختن در دکان» مثنوی^{۴۱} دفتر اول ص ۱۷-۲۱

خلاصه داستان

«بقال، طوطی زیبا و خوش‌صدایی داشت که هم‌دکان را می‌پایید و هم با خوش‌صحبتی باعث رونق دکان بود. تا روزی به دلیل ورود گربه‌ای از ترس روی پیشخوان پرید و شیشه بزرگ روغن بادام را ریخت و صاحبش بر سر او کوبید و سرش را شکست و موهای سرش ریخت و طاس شد. از آن پس به لجاجت سکوت پیشه کرد و هرچه مشتریان تلاش می‌کردند به سخن نیامد تا روزی که مرد طاسی را دید فریاد برآورد تو هم شیشه روغن را شکسته‌ای؟ کار پاکان را قیاس از خود بگیر گرچه باشد در نبشتن شیر، شیر» نتیجه مستقیم گرفتن آذرزیدی:

«بقال از حرف زدن طوطی خوشحال شد و گفت: «این حرف طوطی درس خوبی هم به ما می‌دهد. ما هم گاهی از کارها قیاس به نفس می‌کنیم. مثلاً یکی کار بدی کرده و گرفتار شده بعد خیال می‌کند هر کس گرفتار است گناهی دارد، یا برعکس یکی بی‌گناه گرفتار شده، تصور می‌کند هر که گرفتار است بی‌گناه است. در حالی که هر کسی را با هر کسی قیاس نمی‌توان کرد.»

ارزشیابی داستانهای قصه‌های مثنوی معنوی کیفیت محتوا

- اگرچه خود گفته است قصدش قصه می‌باشد نه مستندسازی ولی سعی نموده مفاهیم و افکار ارزشمند عرفانی مثنوی را به نوعی منتقل سازد. در اکثر داستانها موفق و در بعضی اصلاً موفقیتی نداشته است.

۴۱. جلال‌الدین محمد بن محمد، مولوی. مثنوی. نیکلسن (تهران: علمی، بی‌تا) ۵۵۷ ص.

- گزینش بعضی از داستانها وقتی نمی‌توانست به استحکام از آنها نتیجه بگیرد درست نبود مانند داستان بی‌عقل و باعقل.

- خواننده به مطالعه بیشتر آثار کهن ادب فارسی ترغیب می‌شود با آنکه مفاهیم اخلاقی در پایان داستان مدنظر اوست تا شناساندن ادب رسمی ایران.

کیفیت ساخت و پرداخت

- پراکندگی در ساخت و پرداخت نیست و خواننده می‌تواند به نتیجه لازم برسد.

کیفیت زبان و بیان

- اصول زبان و ادب فارسی را تا آنجا که توانسته رعایت نموده.

- از شکسته‌نویسی پرهیز نموده جز در موارد محاوره.

- در بسیاری از داستانها اصطلاحاتی از اصل گرفته است.

اجزاء تکمیلی

- تصاویر گویاست ولی برای این سنین یا می‌تواند تصویر نباشد و یا خود ویژگی و هنر خاصی را ارائه دهد که با تصور نوجوان از مثنوی ارتباط داشته باشد. تصاویر کتاب بسیار کودکانه است.

- توضیح او در زمینه قالب شعری مثنوی و شرح حال مولوی و تعریف از مثنوی بسیار ارزنده است. سخنی در آنها با بزرگها دارد که از جمله «معرفی سندبادنامه را که کتاب بدی است ضروری نمی‌دانسته. یا اگر تبعیت چندانی از متن اصلی ندارد چون نمی‌خواهد تاریخ مستند بنویسد.» این با کارش تناقض دارد. وقتی به نوجوانان می‌گوید داستانها را از مثنوی برگزیده رسالتی برعهده گرفته است.

نگاهی کلی

- بابه کار بردن ترکیبات جدید مانند «شما که کارخانه صنعتی ندارید که کارگر متخصص بخواهید یا در شهر عضو انجمن اصلاحات هستم. زمان داستان را برای نوجوانان در نوسان نگاه می‌دارد چون آنها می‌دانند داستان از زبان مولوی است.

- در انتهای کتاب اگر ارجاع به دفاتر مولوی می‌داد یا در فاصله متن یا بعد از داستان توضیحات لازم را ضمن چندبیتی از مولوی مرقوم می‌داشت برای گروه سنی برگزیده‌اش جایز تر بود.

- زبان عرفانی مثنوی را چاشنی بیان داستان می‌کرد. که گاه نموده است.

- گاه يك بيت به رسم شاهد در داستانها هست و يك حکایت را عیناً از مثنوی در

انتهای کتاب نقل کرده است که در صحبت با بزرگهاست نه کودکان و نوجوانان. در مجموع اثر یزدی از اولین کارها در بازنویسی مثنوی است، تخصص او نیز بازنویسی از ادبیات رسمی است. اگر در ویرایش هرساله نکات فراموش شده در آن گنجانده شود مانند کاری که بر عطار نموده است، می‌توان امیدوار بود که بازنویسی‌اش در جای خودش قرار خواهد گرفت. هدف نیز باید روشن شود که قصد فقط برداشت داستانی آمیخته با اخلاقیات است یا در ضمن آن رویارویی نوجوان با ادبیات رسمیش. بصیری و صبحی نیز این داستان را نقل کرده‌اند.

صبحی علاوه بر اینکه در کتاب عمونوروز این داستان را می‌آورد، در نوار رادیویی که به‌وسیله کانون پرورش فکری در سال ۱۳۵۶ منتشر شد این داستان ضبط شده است. بصیری، علی‌اکبر. *داستانهای مثنوی*. شیراز: کتابفروشی محمدی، ۱۳۴۳. گروه سنی. (دوره راهنمایی و سالهای پایان دبستان).

بصیری در این مجموعه کار خود را اقتباس و انتخاب از مثنوی نام نهاده و شاید خود نیز به مفهوم بازنویسی وقوفی نداشته است. صلو سی و هشت داستان از شش دفتر مثنوی برگزیده است. داستان باغبان و فقیه و سید و صوفی را به نمونه برمی‌گزینیم. براساس داستان تنها کردن باغبان، صوفی و فقیه و علوی را از همدیگر» ص ۳۶۶-۳۶۹ دفتر دوم.

خلاصه داستان

«فقیه و سید و صوفی همفکری، وارد باغی می‌شوند و در آنجا اقامت می‌کنند. باغبان اندیشید تا با هم همفکر و هم‌سلیقه و متحدند کاری از پیش نمی‌توانم برد. پس به سیاست دو نفر را بر یکی شوراند و یکی را نیز بر دیگری دشمن ساخت. تا بالاخره فقیه را فریفت و او را موافق نمود که سید را هم از باغ بیرون کند. پس آهسته در عقب سید برفت و به تنهایی او را بگرفت و سخت بزد و از باغ بیرونش نمود. پس فقیه گفت:

گفت حق است بزن دستت رسید این سزای آنک از یاران برید.»

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- در مفهوم و هدف اصلی با مأخذ انطباق دارد. امانت را در ارائه پیام حفظ نموده.
- محتوا و ساخت هماهنگی دارد.

کیفیت ساخت و پرداخت

- ساخت و پرداخت با محتوا هماهنگ است.

کیفیت زبان و شیوه بیان

- از استخوانبندی و روح نوشته اصلی علول نکرده.
- شکسته‌نویسی ننموده و فارسی سره به کار برده است.

اجزاء تکمیلی

- لغتها را در زیر صفحه معنی نموده.
- چهار مقدمه در معرفی مولوی دارد.
- تصاویر ارزش هنری ندارد اما شخصیتها با محتوا تناسب دارد.
- از کارهای باارزش اینکه فهرست داستانهایش براساس دفاتر مثنوی مشخص و تنظیم شده است.

- در فاصله داستانها اشعار مولوی را به تناسب آورده است.
- جهات مختلفی را که در ارائه کتاب بر پشت جلد نوشته باارزش است که ذکر می‌گردد.
- خوانندگان به افسانه‌های کهن ایران آشنا و اندرهای اخلاقی می‌گیرند.
- به اشعار نثر جناب مولوی و سبك ادبی او خو می‌گیرند و به اخلاق روحانی انبیاء و اولیاء حق و بزرگان اسلام پی می‌برند.

- هر قدر از آن اشعار حفظ کنند بر گنجینه ادبی خود افزوده‌اند.
- چون مجال مطالعه مثنوی برای آنان مقدور نیست، این خلاصه، افکار فلسفی مولوی را نمایان می‌سازد.

- داستانها تا حد امکان ساده نوشته و لغات مشکل هم در ذیل صفحات معنا شده تا برای دانش‌آموزان دبستان هم مورد استفاده قرار گیرد.
- واژه‌ها را درشت چاپ نموده و عناوین مشخص است و زبان ساده و روان.
- گزینش داستانها يك دست نیست. گزینش بعضی از داستانها برای گروه سنی‌ای که

خود می‌اندیشیده و از کتاب نیز دریافت می‌شود درست نیست. مانند گربه دنبه را برد؟
- تکرار داستانها را که دیگران نیز باز نویسی نموده‌اند عیب او نمی‌توان شمرد چه
همزمان با آفریزی کتابش را نوشته است.

پوپک. مولانا قصه می‌گوید. تهران: پدیده، ۱۳۵۰. ۸ ج. هر جلد ۴۸ ص.
نوجوانان. (پایان دبستان. دوره راهنمایی به نظر بررسی کننده).
از هشت جلد مولانا قصه می‌گوید يك قصه را برگزیده و بررسی می‌کنیم (ج ۵۰)
۳۷-۳۲ داستان فروختن صوفیان الاغ میهمان را. براساس مثنوی نیکلسن دفتر دوم.
۲۷۵-۲۷۹.

خلاصه داستان

«سالهای پیش صوفی غریبی به شهری رسید و به خانقاه آن شهر که معروف بود
رفت. خر خود را در آخور بست و آب و علف داد و با خیال راحت نزد درویشان
نشست و پس از ساعتی گفت و شنود به خواب رفت. صوفیان که تنگدست بودند
خر صوفی میهمان را فروختند و از پول آن اغذیه و اشربه فراهم آوردند و سفره‌ای
گسترده و پس از صرف غذا به خواندن و پایکوبی پرداختند. در این میان یکی از
مطربان می‌خواند خر برفت و خر برفت و خر برفت. صوفی میهمان که بی‌خبر از
همعجا بود به تقلید دیگران این ردیف را تکرار می‌کرد. چون صبح همگی پی کار
خود رفتند صوفی به‌سوی طویله رفت اثری از خر ندید از خادم ماجرا پرسید. او
ساده‌لوحی مسافر را به مسخره گرفت. صوفی گریانش را گرفته و از دادخواهی
نزد قاضی سخن گفت. خادم گفت صوفیان خر را بردند و اگر من مقاومت
می‌کردم کشته می‌شدم، برای اینکه ترا باخبر سازم چند بار نزد تو آمدم ولی ترا
دیدم که گرم‌تر از دیگران می‌خواندی خر برفت و خر برفت. صوفی که غفلت خود
را بیاد آورد، پیاده براه افتاد و با خود می‌گفت: سزای کسی که ندانسته با دیگران
همصدا شود همین است و بس»
این داستان را آفریزی با نتیجه:

خلق را تقلیدشان بر باد داد ای دوصد لعنت بر این تقلید باد
آورده است. و نیز بیت زیر را جهت شاهد مثال در داستان مطرح نموده. اسم داستان او
نیز همین تکرار «خر برفت و خر برفت» می باشد:

شادی آمد غصه از خاطر برفت خر برفت و خر برفت و خر برفت

ارزشیابی ۸ جلد مولانا قصه می گوید

کیفیت محتوا

- در محتوی با اصل انطباق دارد.
- بسیاری از داستانهایی را که برگزیده محتوایش را می توان به خواننده منتقل نمود.
- کیفیت ساخت و پرداخت
- هماهنگی در ساخت و پرداخت موجود است.
- سعی نموده هر جلد را به يك دفتر مثنوی اختصاص دهد.

کیفیت زبان و شیوه بیان

- زبان روان و گویا و دور از متن اصلی نیست.

اجزاء تکمیلی

- هیچ گونه شرح و توضیح در زمینه مثنوی مولوی و آوردن شواهد ندارد.

چند نکته:

- نوجوانان را گروه سنی موردنظر خود نامیده است. در حالی که اکثر مناسب سالیهای
آخر دبستان، سپس دوره راهنمایی است. نتیجه گیری مستقیم از داستان نموده است.
«آری حرص و طمع چشم را کور می کند و دانه را می بیند ولی دام را نمی بیند و خود را
هلاک می سازد.»

صبحی مهتدی، فضل الله. عمونوروز. تهران: مصحفی. جلال، ۱۳۴۵-۱۲۸۰
ص. بقال و طوطی ۲۸-۳۰ (گروه سنی سالیهای پایان دبستان و اول دبستان).
در این اثر داستانهایی از متون مختلف و افسانه های کهن برگزیده که از جمله سهم
مثنوی هم فراموش نشده از جمله داستان بقال و طوطی است که در اکثر بازنوشته های
مطرح مورد بحث قرار گرفته است.

با محتوا و ساخت و پرداخت و زبان و نگارش بسیار خوب این داستان را برای کودکان

تعریف کرده و در این کتاب آورده است. و نیز در نوار کاست حکایت‌های مثنوی نیز آورده شده است.

«هفته‌ها همین‌طور طوطی بی‌سروصدا ماند و بقال پشیمان که چرا طوطی را زدم تا روزی دو سه تا دوست و آشنا در دکان بقال آمدند.... کلاهاشان را برداشتند در میان آنها يك نفر بود که سرش کچل بود و مو نداشت... ای مرد مگر تو هم شیشه روغن شکستی و جای استادت را چرب کردی؟»

صبحی مهتدی، فضل‌الله. **افسانه‌های کهن** ۲ تصویر از محسن وزیری مقدم تهران: امیرکبیر، (۱۳۵۱) ۹۱۲۷. (گروه سنی سالهای پایان دبستان داستان شغال براساس مثنوی دفتر سوم. قصه افتادن شغال در خم رنگ) ۴۱-۴۳.

صبحی مهتدی آن صدای آشنای روزهای جمعه، که از روز تأسیس رادیو با صدایی رسا، دل پرشور، نوای عرفانی برای بچه‌ها سرمی‌داد و افسانه‌هایش گوش آشنا و همراز فراوان داشت. در این اثر يك داستان از مثنوی برگزیده است.

«بعضی‌ها گفته‌اند که شغال این کارها را کرد و بعضی‌ها گفته‌اند روباه. در کتاب مثنوی هم که يك بخش از این افسانه را آورده است، آنجا هم شغال آورده است.»
چکیده یا خود داستان

«شغال رفت در خم رنگ وقتی بیرون آمد دید سبز و زرد شده است پیش شغالها رفت و خودنمایی کرد. شغال‌ها دورش جمع شدند و گفتند ای شغال کی مرده که تو عزیز شده‌ای. این شور و خوشحالی را از کجا آورده‌ای. چرا این قدر فیس می‌کنی. چرا فیس نکنم که فیس شده‌ام (فیس فارسی طاووس است) شغالها گفتند می‌توانی مثل طاووس چتر بزنی و بانگ بلند کنی گفت نه گفتند پس غلط کردی که طاووس شدی. هر وقت جلوه و رنگ طاووسها را پیدا کردی ما تورا طاووس می‌کنیم.

آنگاه بچه‌ها را به خداوندگار آن افسانه ارجاع می‌دهد که کم‌کم باید با کتاب بزرگ مثنوی آشنا شوید.

آن شغالی رفت انتر خم رنگ	انتر آن خم کرد يك ساعت درنگ
بانگ طاووسان کنی؟ گفتا که لا	پس نه‌ای طاووس‌خواجه بوالعلا»

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- به زبان قصه و افسانه و محاوره و حتی عامیانه محتوا را دقیق می‌رساند.

کیفیت ساخت و پرداخت

- بسیار شیرین قصه را به نتیجه مطلوب می‌رساند.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- زبان ساده و روان و شیرین است.

صبحی مهتدی، فضل‌الله. حکایت‌های صبحی، حکایت‌های مثنوی با صدای صبحی. موسیقی اسماعیل واقفی. تهران: کانون پرورش فکری ۱۳۵۶ (نوار کاست، گروه سنی خاصه سال‌های پایان دبستان و نیز دوره اول دبستان).

در این نوار قصه‌های مثنوی از برنامه‌های رادیویی صبحی گردآمده است. شامل حکایات: بقال و طوطی، بلبل، بیر و الاغ، طوطی و بازرگان بهرام‌شاه آمده است. ضمن گفتن قصه به زبان شیرین و مؤثر اشعاری نیز از مولوی می‌خواند این برنامه برای کودکان بسیار قابل استفاده می‌باشد.

رؤیا. پرنده چه گفت. نقاشی از بهمن دادخواه. تهران: کانون پرورش ۱۳۵۷. ۲۴۰ ص. مصور (تابلو) (دوره راهنمایی).

براساس داستان «قصه آن مرغ کی وصیت کرد کی بر گذشته پشیمانی نخورد تدارك وقت اندیش و روزگار صبر در پشیمانی.» مثنوی نیکلسن دفتر چهارم، ص ۴۱۰-۴۱۱.

خلاصه داستان

«آن یکی مرغی گرفت از مکر و دام	مرغ او را گفت ای خواجه همام
تو بسی گاوآن و میشان خورده‌ای	تو بسی اشتر به قربان کرده‌ای
تو نگشتی سیر ز آنها در زمین	هم نگردی سیر از اجزای من
هل مرا تا که سه پندت برده‌ام	تا بدانی زیرکم یا ابله‌هم،

سه پند می‌دهد و صیاد پندپذیر نیست و پرنده می‌گریزد.

این ابیات در انتهای بازنوشته آمده است.

نویسنده با شرحی از زندگی مولوی و با وصفی از طبیعت ماجرای قصه را شروع

می‌کند:

«در دشت بزرگ سبز شکارچی که منتظر صیدی بزرگ است از بخت بد نصیبش پرنده‌ای بسیار کوچک می‌شود. فشار روزگار را بر تن نحیف پرنده می‌آورد. پرنده با وعده نصایحی که شکارچی را به خوشبختی می‌رساند از چنگ او فکر گریز دارد. اولین پند اینکه سخن غیرممکن باور مکن پس بر دیوار می‌نشیند. دوم بر گذشته غم مخور و حسرت چیزی را که از دست رفته نداشته باش. صیاد گفت این را نظیر پند اول می‌دانستم. پرنده گفت پس سومی را نیز بشنو: در سنگدان من مرواریدی به وزن سی مثقال است و به درشتی يك تخم کبوتر. تأسف و ناراحتی شکارچی به اوج می‌رسد. پرنده می‌گوید پس دو پند نخست را ندانستی که بر گذشته تأسف می‌خوری و علاوه بر آن سخن ناممکن را باور می‌کنی. من پرنده‌ای کوچک هستم. سراپایم سه مثقال نیست. چگونه توانم سی مثقال مروارید در خود داشته باشم. پرنده بر شاخ درخت پرید و گفت دریغ از پند گفتن با تو نادان. پند گفتن به مردم نادان تخم افشاندن در شوره‌زار است.

پند گفتن با جهول خوابناك تخم افکندن بود در شوره خاك
چاك حلق و جهل نپذیر درفو تخم حکمت کم دهش ای پندگو»

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- اثر در کل داستان و نتیجه منطبق با مأخذ است.
- گزینش حکایت با توجه به مفاهیم ارائه شده در آن، مناسب و بجا بوده است.
- خواننده را به مطالعه متن اصلی جذب می‌کند.
- با وجودی که اساس داستان بر سه پند است از پند دامن مستقیم به‌دور است.
- شخصیتها در قالب واقعی خویش قرار گرفته‌اند.

کیفیت زبان و بیان

- سبکی متناسب با مأخذ انتخاب نموده.
- زبان ادبی و فصیح است.
- با آوردن عین اصطلاحات مثنوی نوجوانان را با زبان اثر آشنا نموده است.

اجزاء تکمیلی

- تصاویر زیبای طبیعت و پرندہ با رنگهای تند بهاری متناسب با موضوع داستان است. نقاشیها گرچه مقید به قیودات نقاشی قرن هفتم است، اما روح وارستگی مثنوی را ندارد. به گلدوزی بر مخمل می ماند که مثنوی را در آن پیچیده باشند.

- نمونه ای از اشعار مثنوی را دارد.

صبحی نیز در برنامه های رادیویی خود این داستان را به نام حکایت بلبل می آورد. این داستان در نوار منتشره کانون به نام حکایت های مثنوی ضبط شده است.

عالی پیام، س. م طوطی زیرک. نقاشی قاسم دربندی. گلبرگ، ۱۳۵۹ (کودکان دبستان).

بر اساس قصه «بازرگان که طوطی او را پیغام داد به طوطیان هندوستان هنگام رفتن به تجارت.» مثنوی معنوی نیکلسن. دفتر اول. ص ۹۵-۱۱۲.

خلاصه داستان

«تاجری به هندوستان می رود هر يك از اهل خانه سفارش سوغاتی خاصی را می کنند. طوطی نیز از بازرگان می خواهد که به طوطیان هند پیغام او را برساند که: رواست من در بند سخت باشم و شما گاهی بر سبزه و گاهی بر درخت بنشینید؟ تاجر نیز چون این پیغام می رساند دو طوطی یکی بعد از دیگری بر زمین افتاده مدهوش می شوند. تاجر در بازگشت صلاح نمی بیند آنچه را دیده بازگوید. به اصرار طوطی مجبور می شود. پس از شنیدن، طوطی بازرگان نیز بر زمین می افتد. بازرگان با اندوه فراوان طوطی را از قفس بیرون می افکند. طوطی برمی خیزد، می پرد و بر درخت می نشیند. بازرگان با حیرت می گوید این چه داستانی است؟ پرندہ می گوید: آنها به من درس عملی دادند. با عمل خود بمن گفتند خود را بمیران تا نجات یابی.»

این در واقع خلاصه داستان طوطی و بازرگان است نه آنچه عالی پیام گفته است. او خود نیز درون مایه فلسفی این اثر را نفهمیده و حاصل بازگویی اش چیست نمی داند.

ارزشیابی اثر

- در محتوی مفهوم و هدف اصلی را ندانسته و هنری در جهت کمی پیوند زدن نیافته است.

- در ساخت و پرداخت هماهنگی نیست.

- تصاویر طبیعی نیست. از رنگهای بسیار تند بی‌جا برخوردار است.

- شخصیتها ایرانی نیستند هندی می‌باشند. فراموش کرده بازرگان ایرانی بوده که می‌خواسته به هند برود.

- مأخذ را تعریف نکرده، ارجاع نداده....

- اصل داستان را از مثنوی آورده است.

اثر بازنوشته مأخوذ از درس علمی آئیزدی در زمینه طوطی و بازرگان است. این داستان در حکایت‌های مثنوی صبحی نیز آمده است.

عالی‌پیام، ماشاءالله. مرد حق‌نشناس. يك داستان از مثنوی مولوی برای کودکان. نقاشی قاسم دربندی. گلبرگ. ۱۳۵۹. ۱۴ ص. (سالهای اول دبستان).
براساس داستان آن اعرابی کی سگ او از گرسنگی می‌مرد... دفتر پنجم مثنوی نیکلسن. ص ۳۲-۳۳.

خلاصه داستان

«سگی در حال جان کندن بود و صاحبش با تأثر و تأسف بسیار نوحه و زاری می‌نمود. شخصی بر او گنر کرد سبب گریه را پرسید مرد گفت سگ من در حال مرگ است.

روز صیادم بُدو شب پاسبان شیر نر بود او نه سگ ای پهلوان
تیزچشم و خصم‌گیر و زردان نیک‌خو و باوفا و مهربان

مرد پرسید: آیا به مرضی مبتلا شده؟ گفت نه از گرسنگی می‌مرد.

مرد پرسید: در این کوله‌بار که در پشتت داری چیست؟ مرد گفت نان. گفت چرا به او از این نان نمی‌دهی؟ گفت نان را که آسان به‌دست نمی‌آورم، پول برایش می‌دهم. مرد از شنیدن این حرف پرخاش و ناسزا را نسبت به او شروع می‌کند.
گفت: چون ندهی بدین سگ نان و زان گفت: تا این حد ندارم اتحاد

گفت: خاکت بر سر ای پر باد مشک که لب نان پیش تو بهتر ز اشک»
این داستان را علی اکبر بصیری در داستانهای مثنوی در انطباق کامل محتوا و ساخت و پرداخت و شیوه نگارش با متن اصلی می آورد.

اما کار عالی پیام به جز آوردن چند بیت از مأخذ و معرفی بسیار اندک مثنوی هیچ حسن قابل ارزشیابی ندارد. تصاویر ارزش نداشته و زبان و بیان و ساخت و پرداخت در عدم انطباق با مأخذ است.

بصیری نیز این داستان را با عنوان عرب بخیل و سگش آورده است.

رحماندوست، مصطفی. *خاله خودپسند*. شامل دو داستان. معرکه گیر و خاله خودپسند. نقاشی جواد ناطق پور. تهران: یاسر، بی تا.

از این دو داستان معرکه گیر را به عنوان نمونه ای از کار کتاب نقد می نماید.
بر اساس داستان «حکایت مارگیر که ازدهای افسرده را مرده پنداشت و در ریسمانهاش پیچید و آورد به بغداد.» مثنوی نیکلسن دفتر سوم ۵۶-۶۰.

مارگیری رفت سوی کوهسار تا بگیرد او به افسونهای مار

.....

او همی مرده گمان بردش ولیک زنده بود و او ندیدش نیک نیک
او به سرماها و برف افسرده بود زنده بود و شکل مرده می نمود

خلاصه داستان

«معرکه گیر: مرد جوانی که می خواست راحت زندگی کند. به فکر معرکه گیری با نمایش مار می افتد. پس ماری را که از سرما افسرده است در کیسه ای گذاشته و به شهر می آورد. مار در جریان نمایش قلرت خود را یافته طناب را از دور خود باز و به طرف مارگیر و مردم حمله می کند. مردم هریک از گوشه ای فرامی روند، مارگیر طعمه مار می شود.»

معرکه گیری را جایگزین رسانه های سرگرم کننده ای مانند سینما و تلویزیون در گذشته می داند و به تعریف و اقسام معرکه گیری از پرده خوانی، کشتی، انجام کارهای خارق العاده و کاسه چرخانی جهت دریافت وجه می پردازد و نیز تعریف مارگیری و نمایش مارگیرها.

محتوای داستان با تجربه کودکان و نوجوانان متناسب نیست از آن رو که اگر قصد

آموزش سنتها باشد می تواند از طریق دیگری انجام شود.

ارزشیابی اثر در کیفیت محتوا

- داستان مقوله ای حقیر از محتوایی بزرگ در مثنوی است. یکی نفس چون اژدها را مقصود می دارد. و یکی مار مادی در مارگیری را و این گرفتن پر طاووس است به جای طاووس.

کیفیت ساخت و پرداخت

- تجانس وقایع با موضوع و هدف حفظ نشده است.
- عاقبت رفتار شخصیت با واقع بینی نشان داده شده است ولی نوع بیان نسبت به شخصیت نفهم و نادان قصه ایجاد ترحم می کند.

کیفیت نگارش و بیان

- سبك بد نگارش اثر، با کار بد نویسنده در مجموع هماهنگ است.

اجزاء تکمیلی

- تصاویر در نهایت بی ذوقی ارائه شده است.
- هیچ گونه حسنی در ظاهر و درون کتاب نیست.

نتیجه کار در مثنوی

تو طمع داری که او را بی جفا	بسته داری در وقار و در وفا
هر خسی را این تمنا کی رسد	موسی ای باید کی اژدها کشد
صدهزاران خلق ز اژدهای او	در هزیمت کشته شد از رای او

عالی پیام، ماشاء الله. تیمور و مرد خال گوینده. يك داستان از مثنوی مولوی برای کودکان نقاشی استاد محمد تجویدی. تهران: گلبرگ ۱۳۶۰-۱۴ ص. (گروه سنی کودکان سالهای آخر دبستان).

بر اساس داستان کبودی زدن قزوینی بر شانگاه، صورت شیر و پشیمان شدن او به سبب زخم سوزن. مثنوی نیکلسن دفتر اول. ص ۱۸۳-۱۸۵.

خلاصه داستان

«کسی به رسم عیاران و لوطیها و جاهلها می‌رود تا بر شانه او تصویر شیر را خالکوبی کنند. از هر کجای تصویر نمودن شیر. دلاک شروع می‌کند به سبب درد نیش سوزن می‌گوید. لازم نیست. دم، یال، اشکم، جزء جزء را نمی‌خواهد. دلاک خشمگین می‌شود و می‌گوید: آیا تاکنون شیر بدون دم، شکم، دیده‌ای؟ آیا تاکنون شنیده‌ای خداوند چنین شیری خلق کرده است. شیر بی‌یال و دم و اشکم که دید این چنین شیری خدا کی آفرید

.....

چون نداری طاقت سوزن زدن باری از شیر ژیان هم دم نزن»

ارزشیابی اثر

- گزینش این داستان بدون ارائه فلسفه کل و جزء (حتی به زبان ساده) مفهومی ندارد و با اثر انطباق نخواهد داشت.

- عنوان مناسب محتوا نیست. آفریزی در کار خود از مثنوی این داستان را به عنوان «شیر بی‌یال دم» آورده است و نیز موفق‌تر بوده است در کل قصه‌اش:

- زبان و شیوه نگارش در حد کار بر مثنوی نیست.
- ساخت و پرداخت با محتوا هماهنگ نیست.
- تنها نکته مثبت آوردن شعری از متن اصلی است.

سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار. آهو در طویله و شتر خوشی باور. تهران: ابتکار ۱۳۶۰. بی‌صفحه‌شمار. (سالهای اول دبستان).

براساس قصه محبوس شدن آن آهو بچه در آخر خران و طعنه آن خران بر آن غریب، گاه به جنگ و گاه به تمسخر و مبتلا گشتن او به گاه خشک که غذای او نیست و این ضعف بنده خاص خداست میان اهل دنیا و اهل هوی. دفتر پنجم ۵۴-۵۸.

خلاصه داستان

«صیادی آهوی زیبایی را صید می‌کند، می‌خواهد از او غذایی درست کند. دلش

رضایت نمی‌دهد. در فروش بر قیمت به بحث می‌نشیند. خلاصه چارواداری او را می‌خرد و به طویله نزد خران می‌برد. آهو از رفتار خرها عصبی شده و برای آنها از تفاوت خود با آنها صحبت می‌کند. خران او را دعوت بر زندگی نظیر خودشان می‌کنند. او نیز از اینکه طبیعتش تفاوت می‌کند و در فضای آزاد باید زندگی کند دم می‌زند. خران آهو را می‌زنند. چاروادار او را به صیاد و صیاد پس از مداوایش به باغ وحش می‌فروشد.»

منظور مولوی از این داستان بیگانگی روح در دنیای پست و تن خاکی و نیز گرفتاریش در میان مردم دنیا که بدو شباهت دارند.

زین بدن‌اندر عذابی ای بشر مرغ روح بسته با جنسی دگر
بازنویس می‌نویسد: «خیلی‌ها هستند که زندگی و طرز فکرشان با ما فرق دارد و نمی‌توانند مثل ما در این طویله زندگی کنند... فکر نکنید همه مثل ما هستند و برای پر کردن شکمشون به هر ذلت و خواری تن می‌دهند.»

ارزشیابی اثر کیفیت محتوا

- در محتوا با اثر اصلی انطباق ندارد چه داستان مولوی تمثیلی است بر عدم سنخیت روح در قالب تن و بازنویس در اینجا از افرادی حرف می‌زند که به دلیل فرهنگ پیشرفته‌شان قدرت تحمل مردم عادی را که برای لقمه‌ای نان تن به پستی می‌دهند ندارند. تفاوت دو گروه غیر هموزن اجتماعی مطرح می‌شود حتی بر ظاهر زندگی بیشتر اتکا دارد تا بر خصوصیات.

- گزینش داستان مناسب بیان رنج انسانهای فهمیده در کنار غیرداناان نیست.

کیفیت زبان و بیان

- از زبان شکسته و غیرادبی استفاده می‌شود. اشتباهات دستوری دارد.

کیفیت ساخت و پرداخت

- تجانس وقایع با موضوع و هدف حفظ نشده است.

- از اجزاء تکمیلی بی‌بهره است.

- تصاویر برداشتی ناشیانه از طویله فیلمهای وسترن است.

- انتخاب شخصیت متعالی برای آهو ممکن است با سوابق تاریخی آهو در روایات

مذهبی به عنوان تمثیل خوب باشد ولی قرار دادن خران به عنوان موجودات پست برای کودک پذیرفتنی نیست.

این داستان به وسیله آفریدی بازنویسی شده که به خوبی مشخص است کار او قابل مقایسه با این اثر نیست.

بصیری این داستان را به عنوان آهو در اصطبل خران آورده است.

مشرف آزاد تهرانی. محمود. طوطی و بازرگان. روایت م. آزاد. تهران: ابتکار، ۱۳۶۱-۱۳۴۷. بی ص. مصور (سالهای پایان دبستان.)

بر اساس «داستان قصه بازرگان که طوطی او را پیغام داد به طوطیان هندوستان هنگام رفتن به تجارت» مثنوی نیکلسن دفتر اول. ص ۹۵-۱۱۲.

در کار عالی پیام به نام طوطی زیرک آمده است. از بیان مجدد خودداری می شود و نیز آفریدی به نام درس عملی این داستان را معلم گونه و با سبک نگارش متناسب آورده است. با خصوصیتی که در سبک اثرش شمرده شد.

م. آزاد چنین بدین داستان می پردازد. «بازرگانی يك طوطی داشت، يك طوطی سبز قشنگ خوش ادا و شیرین سخن. سلام سلام بیدار شو، بلند شو، دست به کار شو، خروس خوند و سحر شد، خورشیدخانم خبر شد....» این آواز طوطی است با شعرهای شکسته نو.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- باتوجه به تحریفی که در زبان و بیان صورت گرفته است، شخصیت طوطی نیز در عدم انطباق با مآخذ است. طوطی در مثنوی متفکر است که به دنبال راهی است و در اینجا با گفتار «سلام سلام خوشگلکم» بار بی خبری بر خود حمل می کند.

- نتیجه منطبق با اصل است اما هیچ فلسفه ای را جز آنچه اتفاق افتاده است از ذهن نمی گذراند.

کیفیت ساخت و پرداخت

- با آوردن قسمتهایی از اصل داستان به شعر مولوی و گنجاندن شعر ضربی طوطی در فواصل نثر خود در ساخت و پرداخت عدم هماهنگی به چشم می خورد.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- شکسته‌نویسی شده و زبان بیان‌کننده نوع نگارش مأخذ نیست.

اجزاء تکمیلی

- ارزشی برای کتاب محسوب نمی‌توان داشت.

میرزاایگی. ع سفر دریایی. با اقتباس از مثنوی معنوی. نقاشی پرویز کلانتری. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۱. بی‌ص. ۱۴ ص (گروه سنی سالهای پایان دبستان).
براساس داستان «ماجرای نحوی و کشتیان» مثنوی نیکلسن دفتر اول ص ۱۷۵.
آن یکی نحوی به کشتی درنشت رو به کشتیان نهاد آن خودپرست
گفت: هیچ از نحو خواندی؟ گفت: لا گفت: نیم عمر تو شد در فنا

خلاصه داستان

«نحوی مغرور که دانستن علم نحو را ارجح بر تمامی دانشها می‌داند در کشتی از کشتیان می‌پرسد علم نحو می‌دانی می‌گوید خیر. گوید پس نیمی از عمر تو بر فنا شده است. وقتی کشتی در حال غرق شدن است کشتیان می‌پرسد تو شنا می‌دانی؟ می‌گوید خیر. کشتیان تذکر می‌دهد که حال تمام عمر تو بر فناست.»
مثنوی می‌گوید:

«مرد نحوی را از آن‌دردو ختیم تا شما را نحو محو آموختیم»

اما در اینجا تمام داستان به‌سرعت نوشته و گفته می‌آید چه قصد جز بیان داستان و چاپ يك نوشته هیچ نیست.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- مفاهیم ارزشمند مأخذ فرصت ظهور نمی‌یابد.
- خواننده را هیچ رهنمودی به مثنوی نمی‌دهد.
- موضوع و نحوه ارائه آن برای این گروه سنی جالب نیست.
- فرصت تفکر نیافته، آخر داستان است.

کیفیت ساخت و پرداخت

- تجانس وقایع با موضوع و هدف آن طور که لازمه شکافتن مطلب است حفظ نشده.
- شخصیت هنوز در قالب اصلی خود ننشسته محو می شود. هنوز شخصیت را در ابعاد مختلف فکریش مطرح نکرده محکوم می گردد.

اجزاء تکمیلی

- تصاویر بهتر از نوشته بیان مقصود نموده.

عالی پیام. ماشاءالله. **اللاغ عاقبت بخیر**. نقاشی محمد تجویدی. گلبرگ ۱۴۰۱۳۶۱ ص. (يك داستان مثنوی مولوی برای کودکان).

براساس حکایت «دین خرمیزم فروش با نوایی اسپان تازی بر آخر خاص و تمنا بردن آن دوست را در موعظه آنك تمنا نباید بردن». مثنوی نیکلسن دفتر پنجم ص ۱۵۲-۱۵۱

از مثنوی:

گشته از محنت دوتا چون چنبری	«بود سقایی مر او را يك خری
عاشق و جوایای روز مرگ خویش	پشتش از بار گران صد جای ریش
در عقب زخمی ز سیخ آهنی»	جو کجا، از کاه خشك او سیر نی

خلاصه داستان

«کارگر بینوایی خری دارد که از بس از او کار کشیده از پا افتاده است یکی از افرادی که در اصطبل سلطانی کار می کند. با این کارگر آشناست. خر او را می برد تا در اصطبل جانی بگیرد. خر در تفاوت خود با اسبان که در راحتی به سر می بردند حسرتی به دلش راه یافت که ناگهان آوازه جنگ در گرفت و اسبان تازی را از آخور بیرون کشیدند و به کارزار فرستادند چون برگشتند بر تنشان جای پیکانها و زخمها بود. خر چون این صحنه را دید با خدا راز و نیاز می کرد که من به فقر و عاقبت خود رضا دارم.»

این اثر را علی اکبر بصیری در داستانهای مثنوی در کمال ایجاز و قدرت انطباق با اثر اصلی آورده است.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- در نتیجه کلی با محتوای داستان اصلی انطباق دارد اما در اجزای داستان منطبق با اصل نیست.

کیفیت ساخت و پرداخت

- هماهنگی محتوا و ساخت حفظ نشده است.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- زبان عامیانه شکسته به کار برده است.

- اصطلاحات نظیر آش و لاش به کار برده است. واژه‌هایی غیرمتجانس در انعکاس زمان داستان وجود دارد. از سویی اصطبل خلیفه و از سویی گروهیان در حالی که بصیری در داستانهای مثنوی، از واژه میرآخور سلطان استفاده نموده است که به زبان مأخذ نزدیک است.

اجزاء تکمیلی

- گروه سنی مطالعه را پیش‌بینی نکرده است.

- از اجزاء تکمیلی نظیر معرفی کتاب، شرح و توضیح و تصاویر باارزش بی‌بهره می‌باشد.

لزگی، سیدحبيب الله. *داستانهای کهن از ادبیات فارسی ۲* تهران: مؤسسه انجام کتاب ۱۳۶۳. (سالهای آخر دبستان). شامل ۵ داستان. نقاشی تجویدی، محمد. این بازنویس معمولاً از آثار مختلف، مجموعه ۵ داستانی می‌سازد که در این مجموعه چهار داستان به مثنوی اختصاص دارد. يك اثر را به نمونه معرفی می‌نماید: دشمنی در جان ماست، یا، خفته و مار، براساس داستان «رنجانبیدن امیر خفته‌ای را که مار در دهانش رفته بود.» دفتر دوم مثنوی نیکلسن. ص ۳۴۹-۳۵۲ (دشمنی که در جان ماست)

عاقلی بر اسب می‌آمد سوار در دهان خفته می‌رفت مار
آن سوار آن را بدید و می‌شناخت تار ماند مار را فرصت نیافت

خلاصه داستان

«مردی زیر درخت سیب خفته بود ماری به دهان او فرومی‌رفت (امیری) سوار بر

اسب آنجا رسید. چون این حال بدید او را به ضرب تازیانه بیدار کرد. مرد خفته پا به فرار نهاد. امیر هم خشمناك به دنبال او روان شد. به طنابی او را می کشید و تازیانه می زد تا به درخت سیب رسیدند. امیر امر کرد از سیبها بخورد. مرد شروع بخوردن کرد هرچه می خورد باز امیر تازیانه می زد که باز بخور و سپس او را با تازیانه به جلو اسب خود بدوانید تا خسته و کوفته شد و حالت تهوع به او دست داد و مار از دهانش بیرون آمد.

چون بدید از خود برون آن مار را سجده آورد آن نکو کردار را
سهم آن مار سیاه زشت زفت چون بدید آن دردها از وی برفت
از امیر تشکر کرد و قدر محبت دانست.»

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- بازنویس حکمت ارائه شده را عمیقاً درك نکرده ، تا به نوعی مؤثر و غیرمستقیم مفهوم را به خواننده برساند.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- نثر گویا و لیک هیچ گونه خصوصیت عرفانی در انطباق با مآخذ ندارد.

کیفیت محتوا

- اثر خوبی را برای معرفی برگزیده. عنوان را مناسب محتوای مآخذ ارائه نموده است.

اجزاء تکمیلی

- تصاویر گویا و منطبق با واقعیت نیست چنان که چهره امیر حالت خندان و راضی دارد (وقتی به چهره خفته می نگرد).

- قسمتی از متن اصلی را در انتهای داستان یا کتاب نیاورده است.

- از معرفی خوبی در مورد اثر منتخب برخوردار است و به تمثیلی بودن داستان نیز اشاره ای دارد. «دشمنی که در جان ماست.»

دستوم، نازی. درس طوطی. نقاشی احمد عربانی. تهران: قصه خونه تهران لیات ۱۳۶۳. (سالهای اول دبستان). بی صفحه شمار. براساس داستان «قصه بازرگان که طوطی او را پیغام داد به طوطیان هندوستان هنگام رفتن به تجارت». مثنوی معنوی.

نیکلسن دفتر اول ص ۹۵-۱۱۲
داستان همان است که در آثار. آفریزی، عالی‌پیام، علی‌اکبر بصیری و مشرف‌آزاد
تهرانی آمده است.

ارزشیابی اثر کیفیت محتوا

- با کمک گرفتن از همهٔ بازنویسان ظاهر داستان تعریف شده است.

کیفیت ساخت و پرداخت

- ساخت و پرداخت با محتوا هماهنگی ندارد.

کیفیت زبان و شیوه بیان

- نثر ساده روزنامه‌ای دارد.

اجزاء تکمیلی

- مولوی و اثرش را وصف می‌کند. با مادران و پدران سخنی سخت ادیبانه دارد.
جمله‌ای در معرفی کار بازنویس: «آنها با تظاهر به مرگ خود به من درس عملی دادند.
«درس عملی» را مستقیماً از کار آفریزی گرفته است.

مشرف‌آزاد تهرانی. جنگ ماه با فیله‌ها. به روایت م. آزاد. نقاشی اسدالله ایمن. خط
امیر فلسفی. تهران: ۱۳۶۳ حدود ۲۶ صفحه. (گروه سنی سالهای پایان دبستان و دوره
راهنمایی). براساس حکایت «خرگوشان که خرگوشی را به رسالت پیش پیل فرستادند.»
مثنوی معنوی نیکلسن دفتر سوم ص ۱۵۵-۱۵۹.

خلاصهٔ داستان

«افسانه‌ای از زندگی مسالمت‌آمیز پرندگان، چرندگان، جهندگان و روندگان به‌جز
درنده که در جنگل همیشه سبزی به‌سر می‌بردند و از چشمه‌ای گوارا و صاف
سالها آب می‌نوشیدند. ناگهان گله‌ای از پیلان آن چشمه را آبشخور خود کردند و
نخجیران از ترس و هیبت پیلان بدان چشمه نزدیک نتوانستند شد. پس حيله‌ای
اندیشیدند و خرگوش را مأمور نمودند که پیلها را از چشمه دور نماید. خرگوش بر
جای بلندی برآمد و روی به سلطان پیلان نمود و گفت من از طرف ماه آسمان

پیغام دارم. ماه می گوید چشمه مال من است آن را ترك كنید ورنه با تیغم چشم شما را کور می گردانم. شاه پیلان برای امتحان در شب مهتابی به سوی چشمه آمد چون سرش در آب کرد تصویر ماه به حرکت و اضطراب آمد در نتیجه فیله‌ها ترسیدند. تیزهوشی خرگوش و نادانی فیل بزرگ ساکنان جنگل را نجات داد.»

قسمتی از متن داستان بازنوشته

«مرغ حق، حق حق است جز این چیزی نمی دانم که باید با دشمن جنگید. خرگوش، حق را که به زور گرفته اند با زور باید پس گرفت اما زور بر حق نیست. : آنجا سرزمین دیگران است ما در هر جنگل دیگر جز این بیگانه ایم.»

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- ضمن ایجاد مکالمات طولانی بین شخصیتها از مفهوم و هدف اصلی دور نیفتاده است.

- به مسائل عاطفی و ذهنی و زبانی نوجوانان توجه شده است.

کیفیت ساخت و پرداخت

- نوآوری و ابتکار در پرداختن به موضوع و ارائه پیام وجود دارد.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- زبان روان و گویا و مکالمات دلپذیری برای گروه سنی خواننده اش دارد.

اجزاء تکمیلی

- تصاویر تجربیدی خوبی دارد. اما نشان دهنده روح داستان نیست و با محتوا هماهنگی ندارد.

- نسبت به خوشنویسی متن توجه شده است.

- از مثنوی مأخذ را آورده است. واژه نامه دارد.

طاهباز، سیروس. حکایت مرد و فریا. براساس داستانی از مثنوی معنوی. نوشته و نقاشی از مرتضی اسماعیل سهی. تهران: کانون پرورش فکری، ۱۳۶۳. (گروه سنی، دوره راهنمایی). براساس حکایت «نحوی و کشتیان»، مثنوی معنوی نیکلسن دفتر اول

۱۷۵-۱۷۶. این داستان به وسیله علی اکبر بصیری و میرزاییگی نیز بازنویسی شده است. اما خلاصه داستان را بار دیگر با توجه به متن حکایت مرد و دریا که از نوآوری در پرداختن به موضوع و ارائه پیام برخوردار است، مرقوم می‌دارم.

خلاصه داستان

«در شهر بصره استاد دانشمندی زندگی می‌کرد که از طبقات مختلف مردم شاگردانی داشت. دو تن از شاگردانش یکی فرزند بازرگان شهر و یکی فرزند آسیابان فقیر بود. فرزند آسیابان به دلیل مرگ پدرش از ادامه تحصیل باز می‌ماند و با تلاش موفق می‌شود که کشتیان ماهری گردد ولی فرزند بازرگان به آموختن ادامه می‌دهد اما سطحی می‌آموزد و بعد از مرگ استاد به جای او می‌نشیند. اما چون خود را لایق وزارت و وکالت می‌بیند درس و بحث را رها کرده چون می‌شوند چند تن از همکلاسیهایش در گوشه‌هایی از دنیا سرآمد شده‌اند راه سفر پیش می‌گیرد. پس از برخورد با حوادثی که هر بار به یاری کسی جان سالم بهر می‌برد به حکم آن که نجات‌دهندگان عالم نیستند دل‌های آنها را آزرده می‌سازد. و دوباره مسیر را دور زده به بصره می‌رسد. آنگاه بار سفر برداشته از طریق دریا سفر می‌کند که در کشتی همکلاسی قدیم خود را که پسر آسیابان بوده به عنوان کشتیان می‌بیند. از او می‌پرسد علم نحو را خوانده و ادامه داده‌ای؟ و چون پاسخ منفی می‌گیرد نصف عمر کشتیان را رفته اعلام می‌کند. در گیرودار طوفان کشتیان عاقل مردم را به آرامش می‌خواند و او را نصیحت می‌کند که بار کتاب خود را به جهت سبک شدن کشتی در دریا بیفکند. او به زحمت می‌پذیرد و می‌گوید تمام دانش من است که باید به دریا افکنم. وقتی کشتی غرق می‌شود همه برای نجات خود متوسل به شنا می‌شوند. کشتیان متوجه می‌شود نحوی شنا نمی‌داند. کشتیان می‌گوید افسوس اگر شنا ندانی تمام عمرت بر فناست. کشتیان او را نجات داده، غرور نحوی در دریا محو می‌شود و خودش نجات معنوی و جسمی می‌یابد.»

این داستان در مثنوی تا بدین حد بر مقدمات یک زندگی استوار نیست همه در وضع نحوی در کشتی و جریان نحو محوش خلاصه می‌شود. در حکایت مرد و دریا نویسنده کاری اقتباس گونه انجام داده است. مولوی داستان را برای بیان فلسفه‌ای بزرگ بهانه

ساخته است. و بازنویس جرقه‌ای گرفته تا داستانی گرم ترتیب دهد.
مرد نحوی را از آن در دوختیم تا شما را نحو محو آموختیم
بازنویس آنجا که نحوی را نگه می‌دارد و خودپسندی او را محو می‌کند حق مطلب را در
تطبیق با مآخذ انجام می‌دهد.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- مفاهیم و فلسفه ارائه شده خاصه جهت گروه سنی داستان مفید است.
- کششی عاطفی به موضوع ایجاد می‌کند تا جایی که خواننده به خواندن مآخذ
علاقه‌مند می‌شود.

- ضمن بیان مفاهیم اخلاقی حق‌شناسی، فروتنی، ارزش عمل بی‌ادعا، آدم شدن نه
فقط عالم شدن، هیچ‌جا پند و موعظه آشکار ندارد.

کیفیت ساخت و پرداخت

- بازآفرینی با موضوع و هدف کلی تجانس دارد.
- ماجراهایی که برای پیشبرد موضوع بکار گرفته است طبیعی می‌باشد.
- زمان همان زمان مآخذ به‌نظر می‌رسد.
- رفتار شخصیتها قابل قبول و در انطباق با شخصیت داستان اصلی است.
- شخصیتها در اجتماع دیده می‌شود.

کیفیت نگارش و شیوه بیان

- ضمن روان و سهل نوشتن بار فکری و ادبی مآخذ را دارد.
- گفت‌وگوها طبیعی و متقاعدکننده است.

اجزاء تکمیلی

- تصاویر متناسب با قدمت داستان دارد. از کیفیت هنری برخوردار است.
- تصاویر به درک بهتر مطالب کمک می‌کند.
- می‌توانست ارجاعی به مآخذ داشته باشد.

مشرف‌آزاد تهرانی، محمود (م. آزاد) درخت زندگی. برداشت م. آزاد از مثنوی
مولوی. نقاشی و صفحه‌آرایی منوچهر درفشه. تهران: سازمان انتشارات و آموزش

انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵، ۲۷ ص. (ویژه نوجوانان و کودکان نیمه دوم دوره دبستان نیز می‌توانند استفاده کنند). سری ادبیات کودکان و نوجوانان ۱.

براساس داستان «جستن آن درخت که هر که میوه آن درخت خورد نمیرد.»
۴۵۴-۴۵۲. مثنوی مولوی نیکلسن دفتر دوم.

«این درختانند همچون خاکیان دستها بر کرده سوی آسمان
با زبان سبز و با دست دراز از ضمیر خاك می‌گویند راز»

مولوی

خلاصه داستان

«درویشی می‌خواند:

گفت دانایی برای دوستان که درختی هست در هندوستان
هر کسی کز میوه آن خورد و برد نی شود او پیر و نی هرگز بمرد
«فرمانروای سرزمین نیمروز (سیستان کنونی) چون این پیام را می‌شنود هوس جوانی به سرش می‌افتد و دبیر جوان خود را به جست‌وجوی این درخت زندگی روانه هندوستان می‌کند. دبیر جوان گشت و سالها گشت اما از درخت زندگی نشانی نیافت. گروهی به او خندیدند، گروهی به شگفتی بدو نگریستند تا پیر مردی نشان درخت را به جنگلی در دامنه کوه سراندیب بدو می‌دهد که هفت سال باید تا بدانجا ره سپرد. به راه می‌افتد در دامنه کوه در میان غارها با جوکیها و مرتاضهای هندو روبه‌رو می‌شود آنها که بر هوا می‌پریدند و بر آب راه می‌رفتند. دبیر جوان هفت روز تمام به انتظار جواب مرتاضی می‌ماند که روی انگشت میانی دست راستش معلق زده بود و در آن هوای سرد طوفانی از جا نمی‌جنبید. پس از هفت شبانه روز جواب دبیر جوان را می‌دهد و درخت زندگی را میان دو انگشت دست راست خود نشان می‌دهد اما تا دستش را پایین می‌آورد درخت زندگی ناپدید می‌شود. سرانجام مرد خسته و ناامید به کاروانسرای می‌رسد. کاروانسرا دار به او نشانی پیر مرد بزرگوار را می‌دهد که جویندگان بسیار از راههای دور به دیدارش می‌آیند.

پیر مرد حرفهای جوان را شنید و گفت لابد تو را هم فرمانروایی پی نخودسیاه فرستاده است. جوان از اطلاع پیر متحیر شد. پیر مرد در پاسخش گفت منمهم

سالهای سال به فرمان نیای بزرگ فرمانروای نیمروز در پی این درخت از این سوی جهان به آن سوی جهان می‌رفتم. و چون در راه گم شدم سیمرغ دانا به یاریم شتافت و مرا به این سرزمین بازآورد که زادگاه نخستین من است. اکنون سالهاست، سده‌های بسیار است که از روزن این خانه به این جهان می‌نگرم. چندین و چند جوان نازنین چون تو آمدند و رفتند و جز افسانه نگفتند. اما این افسانه تکراری برای من همیشه تازه است. جوان باز از درختی گفت که درخت جوانی است و ریشه در آب زندگی دارد و شاخسارش سر به آسمان کشیده است و میوه‌های شیرین و آبدارش سرشار آب زندگی است. آنگاه پیر برای او داستان چهار مرد غیر هم‌زبان را می‌گوید که همه انگور می‌خواستند بخرند و چون به چهار زبان می‌گفتند اختلاف داشتند و چون دانستند نزاع از میانشان برخاست. چاره آنها در دانایی بود. پس تو بگو نام آن درخت زندگی چیست؟ جوان گفت «دانایی». آنگاه پیر مرد می‌گوید: «آنها که دیدی بر آب می‌رفتند و به هوا می‌پریدند و روزهای روز در دل خاک می‌خفتند خس بودند و مگس و مردار که خس نیز بر آب رود مگس نیز به هوا پرد و مردار نیز سالهای سال در خاک خسید و اینها را قدر و ارجی نیست. مرد آن است که با مردان درآمیزد، با مردمان بنشیند، با مردمان بخسبد، با مردمان برخیزد.» او را به دیدار زن و فرزند می‌فرستد و گرم گرفتن و صحبت کردن با مردم و دیدنیها را بهتر دیدن، سخنان نیکو برگزیدن به دیدار دانایان شهر شتافتن و از دیده‌ها و شنیده‌ها و خوانده‌ها برای فرزندان آن سرزمین کتابهای گزین رها و رد کردن را دریافت میوه دانایی و زندگی جاودانه می‌داند. و می‌گوید چون به سرزمین نیمروز رسیدی و به درگاه فرمانروا بار یافتی بگو نهال درخت زندگی را در خاک گلدانی سیمین کاشته‌ام و آمده‌ام تا نوید رسیدن میوه درخت زندگی را بدهم.»

ارزشیابی خاص

هرکسی از ظن خود شد یار من از درون من نجست اسرار من
حال بازآفرینی رازی را از درون آگاهان و عارفان درك نموده، درد آشنا شده، لحظه
سنخیت را پشت‌سر گذاشته و آنچه جانش را آشنا آمده است توانسته به زبان قلم بیاورد،
آن‌سان که نوجوان بداند و بر شوق آید، برخیزد و چشمه جوشان عرفان را بیابد و بداند

تمام هیاهوی هفتاد و دو ملت بر سر ندانستن آن رازست که دانایی و حقیقت است. آن دم را دریابند که اگر درویش در آن حال بماند سر و دست از دو عالم برمی‌فشاند. آن دم که خود متعالی را می‌توان جاودانه در قلبها و کتب ثبت کرد. يك لحظه کوتاه دریافتن. دریافت اینکه، همه چیز با زمان رفتی است جز نکویی اهل کرم، که، می‌دانند با مردم چگونه رابطه برقرار کنند. آنها را دریابند و در مصاحبت ثریابند و بسازند و با ساختن هر فرد به استمرار، خود زندگی جاودانه یابند. علم را ارزش نهند و با تربیت و تعلیم جانهای ناآگاه همیشه دوامشان بر جریده عالم مرقوم باشد. چنان که عالمان، فاضلان، بزرگان ادب چون حافظ و سعدی و فردوسی و عطار و مولوی.... آب میوه دانایی خورده‌اند و سده‌هاست که چون درختان یاد بر خاک جانها رویده‌اند و با زبان قلم بر برگ سفید دفاتر ایام از ضمیر افلاک راز علم و دانایی می‌گویند. دانستن را به وسعت معنای دانش و علم و آگاهی تعریف می‌کند. ترکیب عالم شدن و آدم شدن. م. آزاد يك داستان را بازنویسی نموده. بهانه تسلسل داستانی را که رمز سخن عارفان است به سهمی اندك بازگو نموده است. نوای نی مثنوی را که رموز دانایان و رهاگشتگان از اوست، به نغمه‌ای دریافتی و کودکان را به شنیدن آن گوش آشنا خواسته است. ارزش و جاودانگی انسان عالم و دانا را به رسم پند و اندرز متکلفانه بازمی‌گوید که بر سیل صداقت بازنوشته است. امید که سوداگران بازار بازنویسی را تفکری حاصل آید.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- رمز اثر اصلی داستان را دریافته و با رموز و سخنان دیگر عارفان درآمیخته و به اختصار منعکس نموده است.
- گزینش اثر درست بوده. محتوای این داستان قابل انتقال به کودکان و نوجوانان است.
- این بازآفرینی حس کنجکاوی و علاقه‌مندی در کودک و نوجوان را برای خواندن متون اصلی برمی‌انگیزد.
- کل مفهوم و مضمون بازنویسی شده نه يك داستان صیرف.
- به مسائل ذهنی و عاطفی و زبانی کودکان و نوجوانان توجه شده است.

کیفیت ساخت و پرداخت

- نوآوری و ابتکار در پرداختن به موضوع و ارائه پیام وجود دارد.
- بین محتوا و ساخت هماهنگی هست. و بین ساخت و پرداخت بازنویشته و متن اصلی نیز.

چگونگی شخصیتها

- شخصیتها در فرم رفتاری خویش قرار گرفته‌اند.
- رفتار شخصیتها متناسب با شخصیتهای مأخذ است.
- کیفیت زبان و شیوه نگارش
 - اصول زبان و ادب فارسی در آن رعایت شده است.
 - از استخوان‌بندی سبک و روح متن اصلی پیروی نموده است.
 - فارسی سره و زبانی است که کودکان و نوجوانان آن را می‌فهمند و دوست دارند.

اجزاء تکمیلی

- تصاویر گویا با رنگهای طبیعی دارد.
- مقدمه‌ای با پیران و آموزگاران و پرورشگران دارد که ضمن آن مأخذ را مشخص و گروه سنی را تذکر می‌دهد. کتاب را با دو بیت از مولوی شروع نموده است. در انتهای کتاب، مأخذ را که «جستن آن درخت که هر که میوه آن خورد هرگز نمیرد» است به تمامی آورده است و جهت واژه‌های دشوار، واژه‌نامه داده است.
- در صورتی که شمه‌ای در شرح حال مولوی و مثنوی و عرفان می‌آمد دلپذیرتر بود.
- این اثر، بازنویسی و بازآفرینی منطبق با ضوابط بازنویسی و بازآفرینی است. شگفتا، که آقای م. آزاد، می‌توانسته کاری به صحت انجام دهند و عمری بر مسیر دیگر بازنویسان ناآگاه ره سپردند.
- آقای بصیری نیز این داستان را بسیار مختصر به نام *درخت دانش* آورده‌اند که در مقابل کار م. آزاد از وزنی برخوردار نیست.

توضیح

نکته جالب اینکه در شاهنامه راجع به آوردن کلیله و دمنه از هند داستان پرمعانی آورده شده است و آن این است که: «برزویه در کتابی از هندوان می‌خواند که در یکی از کوههای هند گیاهی است که اگر بر مرده بریزند زنده شود. نوشیروان او را برای آوردن آن گیاه به هند می‌فرستد. برزویه روانه می‌شود و هرچه جست‌وجو می‌کند چنین گیاهی را

نمی‌یابد. سرانجام می‌گوید که او را نزد داناترین هنرمند راهنمایی کنند. وی را نزد مرد سالخورده‌ای که از همه داناترین می‌دانند می‌برند. برزویه ماجرای گیاه جانبخش را حکایت می‌کند و پیرمرد مفهوم کنایه‌ای گیاه را بر او روشن می‌نماید و می‌گوید آنچه مرده را زنده می‌کند دانش است.»

نتایج و پیشنهادها بر مثنوی

گفته بودم مثنوی را نمی‌توان بازنوشت. حرفی است که شاید نه نگارنده بی‌دانش این دفتر که تمامی دفترهای اول تا ششم مثنوی گواه آن است. می‌توان بهره‌ای از آن گرفت آن بحر را در کوزه ریخت و برای کودکان به ارمغان آورد تا بحر را به بهره‌سنجید و آن خود بسیار است.

حال باید بر آن گفته بیفزاییم که مثنوی را مشکل می‌توان بازنوشت و بسیار مشکل. از آن همه بازنوشته صرفاً بازنویسان انگشت‌شماری بوده‌اند که توانسته‌اند حق مطلب ادا نمایند. از سویی انتقال پیام و درونمایه اثر مشکل است و از سویی کودک به تجربه و دانش آن محتوی نرسیده است. اما بازنویس باید بتواند بحر را در کوزه ریزد و جهانی را قسمت یک روزه نماید. تا به جای اثری مستقل و استوار از مثنوی مولوی ماجرای سر و دست شکسته و بدون مایه عرفانی تقدیم کودکان نکند.

کودکان بیش از هر کس به دلیل صفا و خلوص مفاهیم دنیای عرفان را می‌فهمند و نیز حقیقت کل را، اما «چون که با کودک سروکارت فتاد، هم‌زبان کودکی باید گشاد.» چنان که مشرف آزاد تهرانی به گونه‌ای این کار را کرده است. حقیقت عرفان، آفتاب است و زندگی عادی ما، مه و کودکان دوستدار آفتابند. بازنویس باید استاد باشد تا گرمای آفتاب پشت مه را به‌وابسته تابلوی بازنوشته به کودک و نوجوان برساند.

جدول تکرار گزینش داستانها در مثنوی

عنوان داستان بازنوشته	عنوان داستان اصلی و دفاتر مثنوی	فراوانی
بقال و طوطی	حکایت مرد بقال و طوطی. دفتر اول ص ۱۷-۲۱	۳
طوطی زیرک	قصه بازرگان که طوطی او را پیغام داد دفتر اول ص ۹۰-۱۱۲	۴
طوطی و بازرگان	قصه بازرگان که طوطی او را پیغام داد دفتر اول ص ۹۰-۱۱۲	۴
درس عملی	قصه بازرگان که طوطی او را پیغام داد دفتر اول ص ۹۰-۱۱۲	۴
تیمور و مرد خال کوبیده شیر بی‌یال و دم	کبودی زدن قزوینی بر شانگاه. دفتر اول ص ۱۸۳-۱۸۵ کبودی زدن قزوینی بر شانگاه. دفتر اول ص ۱۸۳-۱۸۵	۲
سفر دریایی	ماجرای نحوی و کشتیان. دفتر اول ص ۱۷۵-۱۷۶	۲
حکایت مرد و دریا	ماجرای نحوی و کشتیان. دفتر اول ص ۱۷۵-۱۷۶	۲
باغبان و فقیه و سید و صوفی	تنها کردن باغبان صوفی و فقیه و علوی را از همدیگر دفتر دوم ص ۳۶۶-۳۶۹	۲
سیاست باغبان	تنها کردن باغبان صوفی و فقیه و علوی را از همدیگر دفتر دوم ص ۳۶۶-۳۶۹	۲
داستان فروختن صوفیان الاغ میهمان	داستان فروختن صوفیان الاغ میهمان را دفتر دوم ص ۲۷۵-۲۷۹	۲
خر برفت و خر برفت	داستان فروختن صوفیان الاغ میهمان را دفتر دوم ص ۲۷۵-۲۷۹	۲
خفته و مار	رنجاندن امیری خفته‌ای را. دفتر دوم ص ۳۴۹-۳۵۲	۱
درخت زندگی	جستن آن درخت که هر که میوه آن درخت خورد. دفتر دوم ص ۴۵۲-۴۵۳	۱
درخت دانش	جستن آن درخت که هر که میوه آن درخت خورد. دفتر دوم ص ۴۵۲-۴۵۳	۱
معرکه گیر	حکایت مارگیر که ازدهای افسرده را مرده پنداشت دفتر سوم ص ۵۶-۶۰	۱
جنگ ماه با فیله‌ها	حکایت خرگوشان که خرگوشی را به رسالت... دفتر سوم ص ۱۵۵-۱۵۹	۱

۲	افتادن شغال در خم رنگ دفتر سوم ص ۴۱-۴۳	شغال
۱	افتادن شغال در خم رنگ دفتر سوم ص ۵۶-۶۰	شغالی که در خم رنگ افتاد
۲	قصه آن مرغ کی وصیت کرد... دفتر چهارم ص ۱۰-۴۱	پرنده چه گفت
	قصه آن مرغ کی وصیت کرد... دفتر چهارم ص ۱۰-۴۱	حکایت بلبل
۲	آن اعرابی که سگ او از گرسنگی میمرد دفتر پنجم ص ۳۲-۳۳	مرد حق شناس
	آن اعرابی که سگ او از گرسنگی میمرد دفتر پنجم ص ۳۲-۳۳	عرب بخیل و سگش
۳	محبوس شدن آن بچه آهو در آخر خران دفتر پنجم ص ۵۴-۵۸	آهو در طویله خران و شتر خوش باور
	محبوس شدن آن بچه آهو در آخر خران دفتر پنجم ص ۵۴-۵۸	آهو در طویله خران
	محبوس شدن آن بچه آهو در آخر خران دفتر پنجم ص ۵۴-۵۸	آهو در اصطبل خران
۱	حکایت دیدن خر هیزم فروش.... دفتر پنجم ص ۱۵۱-۱۵۲	الاغ عاقبت بخیر

بر این جدول می توان حدوداً (۱۲۰ تا ۱۳۸) داستان از علی اکبر بصیری در:

- دفتر اول ۱۴ داستان
 - دفتر اول ۲۵ داستان
 - دفتر سوم ۲۰ داستان
 - دفتر چهارم ۲۱ داستان
 - دفتر پنجم ۲۵ داستان
 - دفتر ششم ۳۳ داستان
- بیفزایید.

شمس و مقالات شمس^{۴۳}

جهت اطلاع از زندگی شمس در درجه اول از مقالات خود او باید یاری خواست سپس از آثار مولانا: دیوان کبیر، مثنوی و فیه مافیه و در درجه دوم از ابتدائیه سلطان ولد فرزند مولوی که در رکاب شمس از دمشق تا قونیه آمده مورد لطف خاص او بوده است. در درجه سوم از رساله فریدون سپهسالار که چهل سال در حلقه مریدان مولانا و سلطان ولد بوده است. مناقب العارفین افلاکی که در ۷۵۲ پایان یافته است و براساس رساله سپهسالار تنظیم شد، نیز اطلاعاتی از زندگانی شمس می دهد. سپهسالار او را به نام و القاب شمس الدین محمد بن علی بن ملک داد و سلطان الاولیا، ولواصلین... یاد می کند. و مولانا به لقب نور مطلق. جان جان جان. شمع نه فلك و... می خواند.

شمس تبریز به گفته سپهسالار جامه بازرگانان می پوشیده و در هر شهری که وارد می شده در کاروانسراها منزل می کرده و با آنکه کالای ارزشمندی نداشته است قفل بزرگی بر در حجره می زده. روزگار به ریاضت و جهانگردی می گذاشت. گاه به مکتب داری و زمانی به یافتن شلوار بند می گزرانیده است.

سپهسالار وی را از مستوران حرم قدس معرفی می کند که تا زمان مولانا هیچ آفریده ای بر حال و راز او وقوف نداشته است. پس از مولانا نیز بر حقایق زندگی و اسرار او هیچ کس اطلاع نیافت. زندگی و مرگ این مرد که از پذیرش مردم می گریخت و خود و شهرتش را پنهان می داشت، در پرده اسرار مانده است.

شمس اهل عرفان و صاحب حال و قال هر دو بوده است. اما از آنجا که به نوشته اعتقاد زیادی ندارد و فاش می گوید: «آنچه ترا برهاند بنده خداست نه نبشته مجرد.» با آن همه نکته سنجی، لطیفه پردازی، سخن آرای به نبشتن کتابی دست نزده است. شاید می توانست بزرگترین شاهکارهای نثر فارسی را بیافریند. مولانا در غزلیات خود بارها از شیرینی و قوت کلام او سخنها گفته است. مقالات او درپچه ای است که ما را بی واسطه با این شخصیت آشنا می سازد.

مجموع مطالبی که شمس در مجالس بیان کرده و سؤال و جوابهایی که میان او و مولانا با مریدان و منکران ردوبدل شده، مقالات را تشکیل داده است.

۴۳. مقالات شمس تبریزی، با مقدمه و تفیق و تعلیق محمدعلی موحد. انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف ۱۳۸۰-۱۱۹.

مجموعه سخنان شمس را در نسخه‌ای که احتمالاً سلطان ولد آن را پرداخته است مقالات نامیده‌اند در نسخه‌دار المثنوی با عنوان کلمات و در نسخه (کتابخانه فاتح) با عنوان معارف از مقالات یاد شده است. مولانا در دیوان کبیر بارها از سخنان شمس به اسرار تعبیر کرده است. شمس خود نیز تعبیر اسرار را تکرار می‌کند. «اسرار می‌گویم کلام نمی‌گویم.» نسخه سخنان شمس در میان مولویان به نام خرقة شمس تبریزی شناخته شده است گمان می‌رود این تعبیر از خود شمس گرفته شده است. می‌دانیم که مشایخ تصوف مریدان خود را به چله می‌نشانند و تلقین ذکر می‌کردند و بالاخره خرقة می‌پوشانیدند و این علامت انتساب مرید بود به شیخ.

در میان مجموعه‌هایی که از مواعظ و گفتارهای سرسلسله‌گان طریقت مولوی به‌دست داریم، تنها مقالات شمس است که به‌صورت مشتی یادداشت از هم گسیخته و نامنظم باقی مانده است. اما با تمام آشفته‌گیها و ناتمامیها چون الماس در میان مقالات دیگر می‌درخشد و از صفا و جاذبه خیره‌کننده‌ای برخوردار است. وقتی او به سخن درمی‌آید خیال می‌کنی که مولانا شعر می‌سراید. ضمن گفتار عرفانی قصه‌هایی دارد که مورد بازنویسی قرار گرفته است. قصه‌های ناقصی در مقالات شمس هست که کامل آن‌را در مثنوی می‌توان یافت. این ارتباط بین مقالات است و مثنوی.

بازنویسی از مقالات شمس

آفریزی، مهدی. اصل موضوع و دوازده حکایت دیگر. تهران: اشرفی، ۱۳۶۴-۱۳۴۵ (دوره راهنمایی) ۵۷ ص. تصاویر از تجویدی.

بازنویس، سیزده حکایت از قصه‌های شمس را برگزیده که به نمونه گنج را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در ابتدا معرفی از شمس و مقالاتش دارد و می‌نویسد: «مقالات از سخنان عرفانی صوفیانه است که البته برای کودکان خوش‌آیند نیست ولی در آنها حکایت‌هایی نقل شده که خواندنی و نکته‌آموز است و این ۱۳ حکایت به‌گمان نگارنده از باقی خوبتر است.»

گنج براساس «داستان روستایی که گنج زر یافت» ص ۱۷۷-۱۷۹^{۴۴} ۲۵-۲۰ بازنوشته.

۴۴. مقالات شمس تبریزی. نوشته شمس‌الدین محمد تبریزی. تنقیح و تصحیح و مقدمه و تعلیق محمدعلی موحد ویراستار علیرضا جدیری. تهران: مؤسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۵۶.

خلاصه داستان

«کشاورزی با گاو آهن زمین را شخم می‌زد که ناگهان گاو ایستاد و روستایی هرچه تلاش کرد و گاو را هی کرد، آهن خیش از جایش تکان نخورد. به ناچار مرد روستایی با بیلش زمین را کند و متوجه شد که آهن خیش در دسته آفتابه گیر کرده است. آفتابه را بیرون کشید، سرش را که بسته بود باز کرد و دید طلاست. کار را نیمه تمام گذاشت. آفتابه و خیش را پشت گاو بست تا به خانه رسید. آفتابه را در طویله سرازیر کرد برق طلاهای تلمبار شده چشمش را خیره کرد. افکار گوناگون به سراغش آمد. دیگر روز فکر می‌کرد که قبل از پیدا کردن گنج خوشبخت‌تر بوده است چه شب را نخفته بود.

حاکم شهر با همراهانش از شکار برمی‌گشت. مرد روستایی دو غلام حاکم را دید و ناگهان تصمیم گرفت که موضوع گنج را با آنان در میان گذارد. چند بار شروع نمود اما حرف را تغییر داده راه شهر را از ایشان پرسید. چون غلامان نزدیک حاکم آمدند، دلیل غیبت پرسید آنها یکدیگر را نگریسته از حالت دهقان خندیدند. حاکم بر این رفتار دستور داد غلامان را توقیف کنند. یکی که عاقل‌تر بود گفت ما گناه نکرده‌ایم و ماجرا را تعریف کرد. حاکم روستایی را طلبید. در حالی که دهقان را نزد حاکم می‌بردند می‌خواند: با زر غم و بی‌زر غم. در حالی که با خود جدال گفتن یا نگفتن را دارد با خود فکر می‌کند بی‌سر بدو یا سر بد اما بد با سر به، در نتیجه تصمیم می‌گیرد رازش را به سلطان بگوید، خاصه که آنها از نجوایش فهمیده‌اند. «حالا هم اختیار با شماست. من تا دیروز آسوده‌تر بودم آفتابه هم توی طویله است.» حاکم به او جایزه راستگویی داد و دو برابر آن را به جهت یافتن راز آسایش بدو می‌دهد.»

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- داستان محتوایش قابل انتقال بوده است. گزینش بهجا بوده است.
- مفهوم و هدف اصلی داستان را حفظ نموده است.
- مسائل ذهنی و عاطفی کودکان و نوجوانان در گزینش داستان در نظر گرفته شده است.

- نتیجه را به صورت جایزه و تشویق حاکم افزوده است که چندان تحریفی نیست.
- کیفیت ساخت و پرداخت**
- پراکندگی در ساخت و پرداخت اثر نیست مطلب را درست به نتیجه رسانده است.
- کیفیت زبان و شیوه نگارش**
- از استخوانبندی، سبک و روح نوشته اصلی عدول نکرده است.
- نثر ساده و روان است.

اجزاء تکمیلی

- بازنویس اطرافیان حاکم را «غلام» معرفی نموده و شمس «سرهنگان». تصویر کتاب نیز سرهنگان را نشان می‌دهد.
- بهتر بود قسمتی از متن اصلی را می‌آورد.
- هماهنگی در زمان داستان نیست. سرهنگان غلامند و حال آنکه حاکم از آثار تاریخی و پول رایج و حلال و حرام صحبت می‌کند. قوانین مالکیت جدید را برای دهقان توضیح می‌دهد.

قسمتی از متن اثر اصلی مقالات شمس:

«آمدند که پادشاه می‌خواند. روستایی با خود می‌گوید: با زر غم و بی‌زر غم آخر غم با زر به، الا مرا که غم بی‌زر به بود، باری خطر جان نبود. این سخن شد، از حکایتی برون رفت. لاغ بهتر با این قوم از سخن، اگرچه کسی که بزرگی او معلوم شده باشد، که عالمی دارد و ولایتی دارد.

شهری‌است درست و من‌درو خود میرم تا خود زنم و خود کشم و خود گیرم

.....

این چنین کس اگر لاغ^{۴۵} کند، آشنایان را از لاغ او هیبتی آید. اما چنان هیبت نیاید که از سخن لاشک در لاغ، خشونت و هیبت کم باشد و خوشتر باشد.»

خواجو و آثارش

کمال‌الدین ابوالعطا محمود بن علی کرمانی متخلص به خواجو، از شعرای بزرگ و

۴۵. لاغ = ا. پ. هزل و ظرائف، خوش طبعی و مسخرگی. حيله و غر و فریب و مکر، بدلی و بیمناکی و یدلی.

عارفان به نام قرن هفتم است که در کرمان تولد یافت. در کرمان و فارس به کسب فضایل پرداخت و پس از آن، سفرهای خود را آغاز کرد و با عده‌ای از مشایخ و پادشاهان و وزرا ملاقات نمود. در اواخر عمر چندی با شاعر بزرگ حافظ شیرازی معاشرت داشت و حافظ اشعار وی را می‌پسندید.

خواجو شیوهٔ سعدی را در غزلهای خود اساس قرار داده و پس از آمیختگی آن با افکار عرفانی، روشی به‌وجود آورد که حافظ آن را دنبال و کامل کرد.

از خواجو گذشته از دیوان قصیده‌ها، غزلها، رباعیها و قطعه‌ها، مثنویهایی به‌نام همای و همایون، گل و نوروز، کمال‌نامه، روضه‌الانوار، سام‌نامه و گوهرنامه به‌جای مانده است. خواجو در بیشتر این مثنویها از نظامی تقلید کرده است.

همای و همایون داستانی است عاشقانه و در بحر تقارب گفته شده که با این بیت شروع می‌شود:

به‌نام خداوند بالا و پست که از همتش هست شد هر چه هست
در این مثنوی گذشته از تأثیر خمسهٔ نظامی تأثیر سبک شاه‌نامه نیز به‌چشم می‌خورد. از آنجایی که از داستان همای و همایون پیش از خواجو اثری در دست نیست، نمی‌توان گفت که این داستان ساختهٔ ذهن شاعر است یا مانند موضوع خیلی از مثنویها سابقهٔ قدیم داشته است.

بازنویسی از آثار خواجو

خانلری، زهرا. *داستانهای دل‌انگیز ادبیات فارسی*. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران. مصور ۱۳۴۶. ص ۱۵۳-۱۶۳

یکی از داستانهای مرقوم در *داستانهای دل‌انگیز ادبیات فارسی* همای و همایون براساس مثنوی همای و همایون^{۴۶} خواجو می‌باشد.

خلاصهٔ داستان

«در شام پادشاهی بود به‌نام منوشنگ از نژاد کیانیان که بر مردم ری حکومت

۴۶. ابوالعطا کمال‌الدین محمود بن علی بن محمود خواجوی کرمانی. *همای و همایون* با تصحیح کمال عینی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸. زبان و ادبیات فارسی ۰۶. ۲۴۷ ص.

می‌کرد و در آرزوی داشتن فرزندی بود که اتفاقاً صاحب پسری شد و نامش را همای گذاشت و در تربیتش سعی تمام کرد. پس از چندی همای که در انواع علوم و فنون سرآمد دوران گشت، روزی همراه پدر به شکار رفت. اردیبهشت بود و دشت چون بهشت. شاهزاده همای به دنبال گوری اسب تاخت. گور از کمندش بیرون رفت و تیرش نیز به خطا. اما هم‌چنان در پی گور اسب تاخت تا جایی که از شکار و شکارگاه به‌دور ماند. او که همه‌شب اسب رانده بود سپیده‌دم به دشت خرمی رسید و قصری زرین نمایان و ماهرویی پدیدار شد که همای را به درون قصر برد. همای تصویر همایون دختر خاقان چین را در قصر دید و عقل و هوش از دست داد و چون سر از خواب برداشت خود را تنها در کنار اسبش دید.

همای به‌سوی شام روان بود که از دور سواران پدرش نمایان شدند و همای را پریشان دیدند. از حالش پرسیدند. همای با ارسال پیامی به پدر و مادرش راه ختا پیش گرفت و در این راه تنها به‌زاد که با او شیر خورده بود همراهیش می‌کرد. همای در راه رسیدن به معشوق مصائب زیادی پشت‌سر گذاشت و سلطنت خاور زمین را نیز رها کرد و به سوی چین شتافت. در راه با کاروان سالاری که سعد نام داشت و تاجر دختر فغفور چین بود آشنا شد و از او شنید که ژند جادو در زرینه‌دژ قرار گرفته و راه عبور بر همه بسته است. همای به‌سوی قلعه روان شد و با بر زبان راندن اسم اعظم از آتش قلعه گذشت و ژند جادو را کشت و پریزاد دختر دیگر خاقان چین را که در دام جادوگر اسیر بود از بند رها‌نید و در گنج‌ها را گشود و چون به خاقان بشارت آزادی پریزاد رسید همای را همراه سعد بازرگان بار داد و عزیزش داشت.

از طرفی همایون از پریزاد شرح دلدادگی همای را شنید و به پیشنهاد او برای دیدن همای به طارمی دربار آمد و شیفته وی شد.

همای به قصد رفتن به قصر همایون با پاسبان و باغبانی که مانع ورودش شدند گلاویز شد و آنان را از بین برد. خبر به خاقان چین رسید. همای را دریند کرد. همای به‌وسيله سمن رخ دختر سهل جهانسوز رهایی یافت و مورد سرزنش همایون قرار گرفت. پس از آنکه همایون پشیمان شد، به دنبال همای رفت و چون به یکدیگر رسیدند به دیرکهنی پناه بردند.

همای طی نامه‌ای همایون را از پدرش خواستگاری کرد. خاقان چین به‌ظاهر

روی خوش نشان داد و همای را به قصر دعوت کرد. ولی بعد همایون را زندانی نمود. آنگاه ندا دادند که همایون از بند زندگی رسته است. همای سر به بیابان نهاد و به وسیلهٔ بهزاد که با زحمت بسیار او را یافته بود از سرنوشت همایون باخبر گشت و بالاخره با فغفور چین جنگید و او را شکست داد. خاقان چین کشته شد و همای به جای او بر تخت نشست و به رسم پادشاهان عجم همایون را به عقد خود درآورد و سپس به سرزمین شام برگشت و به جای پدر بر تخت نشست و صاحب پسری به نام جهانگیر شد.»

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- برگزیدن این داستان از نظر شناخت آثاری که به شیوه نظامی سروده شده است و متأثر از دیگر متون ادب رسمی، برای نوجوانان مفید است.

- به مسائل ذهنی و عاطفی نوجوان در نثر بی دریغ داستانهای مشهور عاشقانه آن هم چنین استوار بر پایهٔ تخیلات و تمایلات توجه نشده است. این آثار ارزش ادبی خاص خود را دارند. اما چون برگزیده و گردآوری می شوند، نشانه ای است بر این که بیشترین سهم ادبی رسمی ما همین مثنویهای عاشقانه است و بس. آشنایی با تمام این شاهکارها، جهت درک تمثیلات و اشارات در شاهکارهای نظم و نثر مفید است، اما برای نوجوان در دانشجویی ادب فارسی یا کسی که سر سودای این شناخت را دارد آنهم به مرور نه به یک مجموعه گزیده شده.

کیفیت ساخت و پرداخت

- هماهنگی محتوا و ساخت حفظ شده.

- ساخت و پرداخت با متن اصلی هماهنگی دارد.

کیفیت زبان و شیوهٔ نگارش

- در عین رعایت سادگی و روانی نثر، خصوصیات بیان شاعر و نویسنده را نشان می دهد.

- تشبیهات، استعارات و تغییرات هر داستان مأخوذ و منقول از متن اصلی است که مورد تلخیص قرار گرفته است.

- خواننده ضمن مطالعهٔ داستان با اسلوب بیان سراینده اثر آشنایی حاصل می کند.

- شخصیتها بعد از آشنایی، زبان محاوره و گفت‌وگویشان متفاوت و قابل قبول است.

اجزاء تکمیلی

- شرح و توضیح و مقدمات لازم را دارد.

- تصاویر داستان گرچه بیش از نیاز است، اما در این قصه‌ها با قید مترتب آمده است.

- برای منابع و مأخذی که خود در انتقال داستان در دست داشته است کتابنامه نداده است.

بازنویسی از شعر فارسی قرن نهم جامی و آثارش

معرفی کتاب

نورالدین عبدالرحمن جامی در سال ۸۱۷ در خرجرد جام به دنیا آمد. از شاعران معروف قرن نهم است که به مناسبت تولدش در جام یا به دلیل ارادتی که به شیخ الاسلام احمد جامی داشته تخلص جام یافته است. در کودکی همراه پدرش که نظام‌الدین احمد دشتی خوانده می‌شد به هرات رفت و پس از چندی در مدرسه نظامیه آن شهر اقامت گزید و به فراگرفتن زبان عربی، علوم شرعی و فنون بلاغت پرداخت. سپس به آموختن حکمت همت گماشت و آنگاه به سمرقند رفت. در این دوره به کمک حافظه قوی و استدلال خویش بعضی از اساتید خود را در بحث مغلوب کرد و این امر بر شهرت وی افزود. پس از آنکه به هرات بازگشت به تصوف گرایید و در طریقت نقشبندیه درآمد و به منظور دیدار خواجه عیدالله احرار (خلیفه نقشبندیه) به مرو و سمرقند سفر کرد و همجا با تکریم و احترام علما و عرفا مواجه شد. جامی با احترام تمام عارف جام لقب گرفته بود، در حقیقت سلطان معنوی هرات محسوب می‌شد و به دلیل استغنائی معنوی از ستایشگری به‌دور بود و تا حد ممکن از این کار خودداری می‌کرد با این‌همه سلطان حسین بایقرا سلطان وقت نسبت به وی ارادت می‌ورزید و امیرعلیشر نوایی شاعر ترك وزیر سلطان در هر فرصت به دیدنش می‌رفت و از مصاحبتش کسب فیض می‌کرد.

این دانشمند بلندآوازه که به هر چیز دانستنی علاقه نشان می‌داد، گذشته از صرف، نحو، عروض، موسیقی، فقه، حدیث، تفسیر، کلام، حکمت و عرفان، قریحه شاعری نیز داشت. می‌توان گفت شهرت دانش و جاه جامی نامش را در شاعری بلندآوازه کرد. کتابها و رسالات متعددی در رشته‌های مختلف تألیف و تصنیف کرده و دیوانهای شعر و

مثنویهای گوناگون از خود باقی گذاشته است. نقدالنصوص در شرح فصوص ابن عربی، نفحات الانس در ذکر احوال مشایخ و براساس طبقات الصوفیه، اشعه اللمعات در شرح لمعات عراقی، و بهارستان در تقلید از گلستان سعدی، از جمله آثار اویند.

با وجودی که جامی در شاعری نیز کم و بیش سرآمد معاصران خود بود مع الوصف برای او شاعری نوعی تفنن بود. در حالی که مقاصد صوفیه را با روشنی خاص و اندیشه وحدت وجود را بهتر از دیگران بیان می کند.

جامی که از آخرین شعرای متصوفه ایران است، به تقلید از نظامی منظومه هایی ساخت که مجموع آن را **هفت اورنگ** نام نهاد.

یوسف و زلیخا یکی از داستانهای هفت اورنگ است که در قرآن آمده و جامی آن را به نظم آورده است. می توان گفت در یوسف و زلیخا جامی فن تتبع شیرین و خسرو را دنبال کرده و در عین حال تا حدی از تقلید صرف رسته است.

در محرم سال ۸۹۸ جامی در سن هشتاد و یک سالگی به دیار باقی شتافت. سلطان وقت با آنکه پاهایش فلج بود، بر جنازه وی حاضر شد و امیر علیشیر مرگ جامی را برای خود مصیبتی بزرگ دانست و صاحب عزای واقعی شد.

بازنویسی از آثار جامی

خانلری، زهرا. **داستانهای دل انگیز ادبیات فارسی**. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶. ۲۲۰ ص. (مصور گروه سنی نوجوانان و جوانان)
داستان یوسف و زلیخا براساس مثنوی هفت اورنگ، اورنگ پنجم ص ۵۴۸-۵۷۸ در بازنوشته ص ۱۶۷-۱۸۵.

خلاصه داستان

«یعقوب پیغمبر در سرای خود درختی داشت که هر وقت خدا به او فرزندی عطا می کرد از درخت شاخه تازه ای می روید و با کودک بزرگ می شد. وقتی که خداوند یوسف را به یعقوب عطا فرمود یعقوب یوسف را از دیگر فرزندان خود عزیزتر می داشت.

شیبی یوسف در خواب دید که ماه و ستارگان در برابرش به سجده افتاده اند. خواب را برای پدر و برادران باز گفت. برادران که بر او حسد می بردند. آتش

حسدشان افزوده شد و به بهانه گردش از پدر اجازه خواستند که همراه یوسف به صحرا روند. یوسف را در چاهی انداختند و پیراهنش را به خون کبوتری آلودند و نزد پدر بردند و گفتند: گرگ او را خورده است.

کاروانی که یوسف را از چاه بیرون آورد به مصر برد و پس از آنکه آوازه یوسف به گوش عزیز مصر رسید به پیشنهاد زلیخا یوسف را خرید.

زلیخا دختر تیموس شاهی از مغربزمین، زیبا و دلارا بود و چون داستان حسنش به همجا رسید خواستگاران با تحف فراوان به درگاهش روان شدند. زلیخا که یوسف را در خواب دیده و آرام و قرار از کف داده بود. شبی دیگر یوسف را در خواب می بیند و نام و نشانش را می پرسد و جواب می شنود که عزیز مصرم و در مصر مقام دارم.

چون در بین خواستگاران زلیخا از عزیز مصر نشانی نبود، دختر دلتنگ می شود و به هر حال پدر اقدام می کند و زلیخا به همسری عزیز مصر درمی آید، ولی وقتی با او روبه رو می شود درمی یابد که آن نیست که در خواب دیده است. عشق زلیخا همچنان باقی است و چون یوسف را یافت هرچه کرد نتوانست دلش را به دست آورد و او را از پاکدامنی دور سازد. پس یوسف را متهم کرد و به زندان افکند. یوسف در زندان به همه محبت می کند و اتفاقاً خواب دو تن از محرمان عزیز مصر را که همدم و همراز وی بودند تعبیر می کند.

عزیز مصر خوابی می بیند و چون کسی قادر به تعبیر خواب نمی شود، مردی که یوسف در زندان خوابش را تعبیر کرده بود از یوسف و تعبیر خوابش یاد می کند. عزیز مصر به دنبال یوسف می فرستد و تعبیر خوابش را از زبان یوسف می شنود و چون پاکی یوسف هم بر وی آشکار می شود شادمان می گردد. زلیخا حقیقت را می گوید و به گناه خود اعتراف می کند.

یوسف که خزانهداری عزیز مصر را می پذیرد، با تدبیر مردم را از قحطی نجات می دهد و عزیز مصر می شود.

زلیخا که از عشق ریاضت بسیار کشیده، جوانی، زیبایی، ینایی و جاه و جلالش را یکجا از دست داده است، به درگاه خدای یکتا و توانا رو می آورد و از خدا می خواهد که گناهش را ببخشد. پس از آن یوسف را می یابد.

یوسف زلیخا را نمی شناسد و چون او خود را می شناساند یوسف متأثر می شود و

پس از شنیدن حاجتش لب به دعا می‌گشاید. زلیخا جوانی، جمال و بینایی خود را بازمی‌یابد و به فرمان خدای تعالی یوسف با زلیخا عقد و پیوند می‌بندد.»

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- داستان مناسبی را در جهت شناخت نوجوانان برگزیده. چون در روایات مذهبی و متون ادبی، به فراوانی با این داستان رویارویی وجود دارد.

- اهمیت دادن بر روابط و صحنه‌های عاشقانه داستان مانند:

به لب بوسید شیرین شکرش را به دندان کند عتاب ترش را

شیرین نمودن چنین مسائلی است برای نوجوانان. از اصل داستان می‌توان یاری گرفت و این ابیات را در محبت یافتن یوسف بر زلیخا آورد.

چو یوسف روی او در بندگی دید وزان نیت دلش را زندگی دید

به نام او ز زر کاشانه‌ای ساخت نه کاشانه عبادتخانه‌ای ساخت

این داستان به جز کام و قهر، کامجویی و فراق، حوادث تاریخی و مفاهیم عرفانی و معنوی دارد که ضمن عدم تحریف محتوا می‌توان بر آنها نیز تکیه بیشتر نمود، وقتی صحبت بر گزینش و ساده کردن است.

کیفیت ساخت و پرداخت

- در ساخت و پرداخت پراکندگی نیست. هماهنگی محتوا و ساخت حفظ شده.

- ماجراها در پیشبرد داستان منطبق با اصل است.

- عاقبت رفتار شخصیتها درست نشان داده شده منطبق با اصل.

- امانت در ارائه شخصیت یوسف بیشتر باید رعایت می‌شد و تکیه بر ماجرای یعقوب، برادرانش و قحطی باید قوی‌تر می‌بود. یعنی بر برخی از پیامها تاکید بیشتر ضروری است.

کیفیت زبان و شیوه بیان

- اصول زبان و ادب فارسی رعایت شده.

- ضمن روان و سهل نوشتن سبک اثر اصلی ارائه می‌شود.

- از استخوانبندی و روح نوشته اصلی عدول نشده.

اجزاء تکمیلی

- مقدمات معرفی اثر، شرح و توضیح، شواهد لازم از اثر اصلی به‌خوبی و فراوانی انجام شده است.
- تصاویر در يك صحنه زمان داستان را به‌خوبی ترسیم می‌کند و در صحنه‌ای دیگر زنان قرن بیستم را نشان می‌دهد.
- از تصاویر تهیج‌کننده که در رساندن محتوا و درك بهتر مطلب، کمکی نمی‌کند خودداری شود.

بازنویسی از نثر فارسی قرن دهم

معرفی کتاب

مولانا فخرالدین علی صفی پسر مولانا حسین کاشفی واعظ است که مانند پدر از واعظان و بزرگان دین خود به‌شمار می‌رفت. در *لطائف‌نامه* ترجمه *مجالس النفائس* ص ۹۸ آمده است که: «مولانا صفی پسر مولانا حسین واعظ است و به‌غایت جوانی درویش و شاد و دردمند و فانی صفت است و دوبار به جهت شرف صحبت خواجه عبيدالله از هرات به دارالفتح سمرقند رفت. گویند که آنجا به شرف قبول ممتاز و به سعادت ارشاد و تلقین سرافراز گشته به خراسان آمد و طبعش خوب است.» سام میرزای صفوی در تحفه سامی آورده است که مولانا فخرالدین علی پسر مولانا حسین واعظ است و او نیز همچون پدر به وعظ مردم می‌پرداخت. در اثناء وعظ گفت.

تو نه رندی نه زاهدی حافظ می ندانم ترا چه نام کنم

.....

مذهب عاشق ز مذهبها جداست عشق اسطرلاب اسرار خداست
حاصل که مذهب او این حال داشت اما مشربش عالی بود. تذکره‌نویسان می‌آورند که فخرالدین علی نیز مانند پدر مذهب تشیع داشته، لیکن تشیع او نزد ما محرز نیست. زیرا که وی پیرو مشایخ سلسله نقشبندی بوده است و این سلسله همچنان که یاد کرده‌ایم از اهل سنت و جماعت می‌باشند با این همه محبت زیاد به اهل بیت داشته است.»
رشات عین الحیات و لطائف الطوائف در زمینه مسائل دینی از اوست که آنها را در سال ۹۰۹ هـ ق تألیف کرده است. پیش از تألیف *لطائف الطوائف* کتابهای بسیار در

حکایات و نوادر وقایع به تازی و پارسی نوشته شده است ولی هیچ‌یک به این سبک و سیاق و جامعیت نیست و این کتاب که در باب مناظرات تألیف یافته است، علاوه بر داشتن فوائد تاریخی بسیار و نکات ادبی بی‌شمار مجموعه نفیسی است در لطائف و ظرائف طبقات مختلفه که مؤلف آن سالها در گردآوری و تدوین آن رنج برده است، تا چنین اثری سودمند با نثری بسیار ساده و روان که هیچ‌گونه تکلفی در آن به کار نرفته است ایجاد کند. در این اثر اطلاعاتی راجع به عصر و زمان مؤلف و لطائف عارف جام آمده است.

مندرجات این کتاب در طول قرن‌ها به وجود آمده است و مؤلف از میان کتب گذشتگان حکایات را جمع‌آوری کرده است و اطلاعات عصر خود را بدان منظم نموده. گنجینه‌ای است مشحون از حکم و امثال و نوادر و مواعظ و لطائف و ظرائف در مناظرات و محاضرات.

بازنویسی از لطائف الطوائف

لزگی، سیدحبیب‌الله. *داستانهای کهن از ادبیات فارسی ۴*. مینیاتور علی‌اصغر تجویدی (شیرازی) تهران: مؤسسه انجام کتاب، ۱۳۶۴. مصور ۲۳ ص. (گروه سنی سالهای آخر دبستان و دوره راهنمایی).

داستان «عیار» براساس *لطائف الطوائف*^{۴۷} مولانا فخرالدین علی صفی «در لطائف دزدان و حکایات ایشان» فصل سوم ص ۳۶۵-۳۶۷ خلاصه داستان را از قسمتهای مختلف داستان متن اصلی نیز می‌آورم تا شیوه و سبک نثر در روانی و سادگی مشخص گردد.

خلاصه داستان

«در شهر حلب در میان کاروانسرای که مال بسیار در آنجا بود چاهی بود عمیق که آب از آنجا می‌کشیدند. در پهلوی کاروانسرا حمامی بود، یکی از عیاران حلب نقبی

۴۷. فخرالدین علی، صفی. ۹۳۹ ق. *لطائف الطوائف* تألیف مولانا فخرالدین علی صفی با مقدمه و تصحیح و تخریص و تراجم اعلام به سعی و اهتمام احمد گلچین معانی (تهران: شرکت نسبی اقبال و شرکاء) ۱۳۵۲-۱۳۳۶. ۴۶۲ ص.

زد از گلخن حمام به جانب کاروانسرا که سر از روی آب آن چاه بدر کرد و در دل شب که در کاروانسرا را بسته بودند و قفل گران بر آن زده، سیار با دست یاران خود به آن نقب درآمد و حجره‌ای را که در آن مال بسیار بود از نقد و جنس خالی کرد. صبح غوغا شد. داروغه و عسسان شهر جمع آمدند. پیر امینی را که کاروانسرادار بود همراه فرزنداناش شکنجه کردند. مردم شهر جمع آمدند هرچه پیرمرد و فرزنداناش زاری کردند سودی نبخشید. عیار حاضر بود گفت از جوانمردی نباشد که گناه را من کرده باشم و دیگران عذاب کشند. پس فریاد برآورد که کار من است. قبایی از صوف پوشیده و خنجری آبدار بر میان بسته بود. گفت مال در کاروانسراست و در قعر این چاه پنهانست. طنابی بیاورید تا بر میان خود بندم و به چاه فروروم و مالها را بالا دهم و بعد از آن برآیم و هر حکم که پادشاه در حق من کند قبول دارم. مردم بر فتوت و جوانمردی او آفرین گفتند. چنان کردند «او برجست سرین طناب محکم بر میان بست و عسسان سر آن طناب بدست گرفتند. جوان به آن چاه فرورفت و طناب از میان گشاده روانی (زود) از آن نقب بیرون رفت. عسسان مدتی سر چاه بودند هیچ اثری و صدایی از آن چاه برنیامد کسی را به ته چاه فرستادند فریاد زد در این جا نقبی است. گفتند درآی و ببین سر از کجا به‌در می‌کند. آن شخص گفت از گلخن حمام سر درآورده. همه گفتند: این حریف عیار عجیب نقشی باخت و غریب کاری ساخت که هم خود رفت و هم مال را برد و هم بی‌گناهان را خلاص کرد.»

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- در ارائه پیام متن اصلی امانت را رعایت نموده است.
- محتوای داستان قابل انتقال به کودکان و نوجوانان بوده است.
- بازنویشته علاقه نوجوان را به خواندن متن اصلی برمی‌انگیزاند.
- تغییرات کوچک داستان در محتوای اصلی نبوده و ضروری بوده است.

کیفیت ساخت و پرداخت

- هماهنگی محتوا و ساخت حفظ شده و با متن اصلی انطباق داشته است.
- پراکندگی در ساخت و پرداخت نبوده و درست به نتیجه متن اصلی رسیده است.

کیفیت زبان و شیوه بیان

- زبان گویا و قابل فهم بوده از فارسی روان و سره استفاده شده است.
- با وجودی که مؤلف اثرش را بازآفرینی می‌داند، اما ساده‌نویسی ضمن واژه‌های دشوار با انتقال متن اصلی بوده است.

اجزاء تکمیلی

- واژه‌نامه داشته است.
- عیار را تعریف کرده.
- در زمینه متن اصلی و مؤلف آن شرح و توضیح داده است.
- ارائه کتاب با محتوای آن تناسبی ندارد.
- تصاویر تجریدی رنگی و زیباست. اما شخصیت عیار و محتوای اخلاقی داستان را نمی‌رساند.
- قسمتی از متن اصلی را باید می‌آورد.

بازنویسی از آثار دو قرن دهم و یازدهم

داستانهای حیوانی (در نظیره‌گویی بر مثنوی مولوی)

آفریزی، مهدی. *پنج افسانه*. درباره حیوانات برگزیده از منابع ایرانی تهران: اشرفی، ۱۳۵۰-۱۳۴۵. مصور سیاه قلم. ۷۶ ص. (گروه سنی سالهای پایان دبستان و دوره راهنمایی).

در زمینه سه افسانه از این اثر قبلاً بحثی داشته‌ایم. از دو افسانه مورد بحث يك داستان «زبان خروس» است که آفریزی یادآوری می‌نماید که مأخوذ است از حکایتی از کتاب اسکندرنامه از منشآت یکی از سده‌های ۶ تا ۸ هجری. اما در منابع^{۴۸} به سه اسکندرنامه برمی‌خوریم.

۱. *اسکندرنامه*: یکی از پنج مثنوی معروف نظامی است که قاعدتاً این داستان از آن اثر نیست.

۲. *اسکندرنامه*: کتاب مفصلی به نثر مشتمل بر افسانه‌های منسوب به اسکندر

۴۸. زهرا خانلری راهنمای ادبیات فارسی فرهنگ اعلام و اصطلاحات. (تهران: ابن‌سینا، ۱۳۴۱) ص ۴۱-۴۲.

ذوالقرنین. این کتاب ظاهراً در عصر صفویه تدوین شده از افسانه‌های عامیانه ایران است که رواج بسیار دارد و چندین بار به چاپ رسیده است.

۳. *اسکندرنامه*: کتابی در داستان اسکندر به نثر از آثار قرن ششم هجری «درباره این کتاب رجوع کنید به سبک‌شناسی ملک‌الشعراء بهار جلد دوم».

سبک‌شناسی بهار^{۴۹} جلد دوم:

«*اسکندرنامه* کتابی است که به ظن قوی از عربی به فارسی ترجمه شده و مأخذ روایاتش از وهب بن منبه است. جامع یا مترجم این کتاب معلوم نیست، زیرا نسخه‌ای که در دست است اول و آخر ندارد.... در یکجای از کتاب کاتب از خود نام می‌برد.... رسم‌الخط کتاب می‌نمایاند که کتاب نیز از قرن ششم دیرتر استنساخ نشده است. *اسکندرنامه* شامل داستان اسکندر ذوالقرنین است و ذوالقرنین مذکور در قرآن را با اسکندر رومی یکی می‌شمارد.... خاتمت کتاب و رسیدن اسکندر به مشرق و مطلع الشمس و بستن سد و بازآمدن و بردنش از این نسخه ساقط شده است. از کتاب برمی‌آید که اصل این کتاب محتوی تمام تواریخ قدیم و افسانه‌های کهن از تاریخ پادشاهان عجم و انبیاء بنی اسرائیل بوده است. و داستانهای شادبهر و عین‌الحیات. خنک بت و سرخ بت که عنصری ساخته و قصه‌های دیگری به طرز قصه در قصه به‌طریق ایران و هند، در ضمن داستان اسکندر درج شده است. مترجم پارسی می‌گوید: «ما آن روایات و قصص را بنابر آنکه در شاهنامه فردوسی و... برگرفتیم تا تنها داستان اسکندر باقی بماند و اذهان پراکنده نشود.» بعضی افسانه‌های کوتاه را آورده است. مؤلف یا مترجم، ایرانی بوده است. زیرا در ضمن داستانها از مردم ایران حمایت می‌کند و آنها را از اعراب شجاع می‌شمارد.... اما *اسکندرنامه‌ای* که امروز در دست است هرچند به اغلب احتمالات مأخذ و اصلش از این کتاب است اما گویا در عهد صفویه کتابی به‌نام *اسکندرنامه*، برای نقالی و شب‌نشینی ترتیب داده شده است و تفصیلاتی که در این کتاب نیست بر آن افزوده‌اند و مکرر نیز به‌طبع رسید، و در مقدمه گوید: در زمان سلاطین صفویه و پادشاهان هند منوچهری شصت کله شاعر، *اسکندرنامه* را از یونانی به پارسی ترجمه کرده است. به‌نظر می‌آید شخصی به‌نام منوچهر

۴۹. محمدتقی، بهار. سبک‌شناسی. (تهران: پرستو، ۱۳۵۵-۱۳۳۷) ج. ۲. ص ۱۲۸-۱۳۱.

کامکار، مؤلف یا مترجم *اسکندرنامه* بوده. و دیگر آنکه *اسکندرنامه* امروزی در عهد صفویه در ایران یا در هند تحریر و تنظیم گردیده است. سبک این اثر کاملاً پیرو سبک بلعمی است و از حیث استعمال لغات و ترکیبات فارسی و کمی لغات عربی بر بلعمی مزیت و رجحان دارد و علت آن توجه مؤلف بوده به عامه خلق، ناچار لغات عربی کم‌تر در آن راه یافته است.»

زبان خروس، براساس حکایتی از *اسکندرنامه* ۵۰، این داستان به عنوان «استدعای آن مرد از موسی زبان بهایم و طیور» در *مثنوی معنوی* دفتر سوم. ۱۸۶-۱۹۳ در محتوای نزدیک آمده است.

خلاصه داستان

«داستان مردی راستگو که در دستگاه حضرت سلیمان کار کرده و عزیز و محترم می‌داشتندش. حضرت سلیمان از او خواست که چیزی بخواهد تا به پای خوبیهایش اجابت شود. مرد پس از تفکر و تأمل خواست که زبان حیوانات را بفهمد و حضرت سلیمان پس از گفت‌وگو با جبرئیل و شنیدن حکم خداوند مبنی بر مخفی ماندن راز و آزرده نشدن کسی، اجابت حاجتش را با دو شرط بالا پذیرفت. مرد از برآورده شدن آرزویش خوشحال شد. روزی که از مجادله گاو و خر خنده‌اش گرفته بود همسرش خنده بر آن صحنه را خنده و ریشخند نسبت به خود دانست و بدسری آغاز کرد و مرد که غمگین در انتظار پایان مهلت برای گفتن حقیقت به همسرش بود، از خروس چگونگی رفتار با زن را شنید و پسندید و همچنان عمل کرد و پس از آن زبان حیوانات را نفهمید (چون به شروط عمل نکرده بود) دلیل از حضرت سلیمان پرسید. جواب شنید که: زندگی آدمها با زندگی خروس فرق دارد.»

دومین داستان **شغال رنگی** مأخوذ از *جواهر العقول*^{۵۱} یا *پند اهل دانش و هوش* به

۵۰. *اسکندرنامه* با مقدمه و حواشی و تصحیح ایرج افشار. (تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب) ص ۲۷۹.

۵۱. ملا محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی. *جواهرالعقول* یا *پند اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش*. از منشآت قرن یازدهم هجری. (اصفهان: کتابفروشی نوبهار بدون تاریخ) ص ۵۲.

زبان گربه و موش و نیز حکایت شغال رنگی از مثنوی مولوی دفتر سوم «قصه افتادن شغال در خم رنگ» ص ۴۱-۴۳.

مختصری درباره مؤلف

ملا محمد باقر فرزند ملا محمد تقی مجلسی (ه. ق. ۱۲۰۰) از جمله علمای شیعه صفویه است در سال ۱۰۳۷ هجری قمری متولد و در ۱۱۱۰ یا ۱۱۱۱ هجری قمری وفات یافته است. شمار تألیفات وی از شصت مجله متجاوز است بحار الانوار فی اخبار الائمه والاطهار از همه معروف تر است... علاوه بر این آثار متعدد، رسالات کوچکی از او باقی است.

خلاصه داستان

«داستان شغال ترسویی که صدای آفتابه شکسته روی تپه را صدای شیر تصور کرد و چون دید روباه جهت صدا را تشخیص داده و آفتابه را دیده است گفت جهت صدا بالای آن تپه بلند بوده است و حالا صدایش را نمی شنوم شاید شیر رفته باشد. شغال پس از آن کینه آفتابه را به دل گرفت و در صدد نابودی آن برآمد و در این راه آن قدر پافشاری کرد که دمش را هم از دست داد و چون از دیگر شغالها خجالت می کشید راه آبادی را درپیش گرفت. صدای سگی شنید از ترس خود را به يك سوراخ انداخت که پنجره دکان رنگرزی بود و در خمهای رنگی افتاد و موقعی که توانست از آخرین خم بیرون آید صبح بود، او که با شستن هم رنگش نرفت به حيله متوسل شد و دروغهایی در سر پروراند و اول به روباه تحویل داد و چون روباه کوتاه آمد، نزد دیگر شغالها دروغها را تکرار کرد. آنها نیز پذیرفتند ولی بچه شغال حاضر نبود دروغهایش را بپذیرد. او ادعا می کند وقتی در دست شیر گرفتار شد، به معجزه نجات یافت و طبق نظر و توجه یکی از اولیاء خداوند بدان رنگ درآمده است. و حال به دلیل رنگی شدن، شغاووس نامیده می شود. بدین بهانه از شغالها به رسم هدیه در مقابل کرامت ادعایی، مرغ و خروس دریافت می کرد. بدین ترتیب تا مدتی شغالها را فریب می داد و زندگی خود را می گذراند. بچه شغالی شغالها را به فریب شغال (شغاووس) آگاه کرده و با بحث ثابت می کند که صاحب کرامت و معجزه نیست و گر نه نیازمند مردم نبود و می توانست خودش زندگیش را اداره کند».

ارزشیابی اثر کیفیت محتوا

- آشنا نمودن نوجوانان به دو اثر کم‌شناخته شده.
- نوجوانان می‌توانند ایده‌های را که در این دو داستان نهفته است دریابند اما برای گروه سنی پایین‌تر مناسب نیست.
- در گزینش آثار و داستانها اولویت را باید در نظر گرفت. هنوز از ادب رسمی مطرح، متونی بسیار ناشناخته موجود است که نوجوانان نمی‌شناسند. انتخاب این دو داستان از دو اثری که کم‌تر نوجوانان با آن روبه‌رو می‌شوند، چندان مهم نیست.
- کیفیت ساخت و پرداخت**
- بازنویسه در ساخت و پرداخت خود از رسیدن به نتیجه پراکندگی ندارد.
- کیفیت زبان و شیوه بیان**
- زبان و شیوه بیان برای گروه سنی آن قابل درک است.
- سبک نوشتن متون اصلیش را ارائه می‌دهد.
- اجزاء تکمیلی**
- تصاویر ارزش تطبیقی و هنری ندارد.
- از شرح و توضیح در معرفی کتب مأخذ برخوردار بوده است و ارجاع درست به متن اصلی می‌دهد.

بازنویسی از نظیره‌گوییها بر گلستان سعدی از قرن هشتم تا پایان قرن سیزدهم

آذریزدی، مهدی. *قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب*. جلد هفتم قصه‌های برگزیده از گلستان و ملستان. تهران: شکوفه (امیرکبیر) ۱۳۶۵-۱۳۵۲. تصاویر متن علی‌اکبر صادقی. ۱۴۹ ص. (سالهای پایان دبستان و دوره راهنمایی).

آذریزدی در *گلستان و ملستان* بیشتر بر *ملستانها* (نظیره‌گوییها بر *گلستان*) بحث می‌کند و از آنها داستانی به نمونه می‌آورد. او معتقد است که *گلستان سعدی* را همه می‌خوانند و می‌شناسند اما کتابهایی که شبیه‌سازی بر *گلستان* است خوانده نمی‌شود، در نتیجه کتابهایی را که بر سیاق *گلستان* نوشته آمده با معرفی مأخذشان می‌آورد. «منظور از *ملستان* که به معنی میخانه است نام يك كتاب نیست بلکه يك كلمه تابع مهمل است تا

با گلستان همراهی کند. کتابهای شبیه گلستان بسیار است و نگارنده همه آنها را ندیده است. چند کتابی را که خوانده ساده‌تر نموده تغییر داده و آورده است.» ادامه می‌دهد که قصه‌های گلستان سعدی چنان آراسته و پیراسته است که هرگاه به عبارتی دیگر آورده شود بر آن حیف می‌شود اما بر قصه‌های دیگر شاید ستمی نشده باشد.»

بر این آثار نظری می‌افکنیم و از بهترین آنها روضه خلد، نمونه‌ای به کمال می‌آوریم. یادآوری می‌نماید از آنجا که قصد در شناساندن آثار گمنام بر سیاق گلستان بوده است نه ارزشیابی کار آثریزدی، نگارنده نیز از همین دیدگاه بیشتر وارد مطلب شده است. روضه خلد^{۵۲}. بازنوشته از گلستان در نیمه اول قرن هشتم هجری.

مجدالدین خوافی از نویسندگان نیمه اول قرن هشتم هجری از جمله استادانی است که توانست مجموعه‌ای به تقلید از گلستان سعدی فراهم آورد به نام روضه خلد. مجدخوافی، روضه الخلد را با انشایی منسجم و زبانی که از هر حیث به زبان نویسندگان قرن هشتم شبیه است در سال ۷۳۳ ه. ق. (۳۳۲ میلادی) به پایان رسانیده و بار دیگر در سال ۷۳۷ ه. ق. (۱۳۳۶ میلادی) در آن تجدیدنظر کرده است. این کتاب شانزده باب دارد و متضمن حکایات فراوان است که آنچه مربوط به عهد نویسنده است، خالی از فواید تاریخی نیست. بدیهی است مقایسه فصاحتش با گلستان کاری بیهوده است اما روضه خلد در میان کتابهایی که بر روش و سبک گلستان فراهم شد، بدیع‌ترین و پرمغزترین آنها است.

آثریزدی در گلستان و ملستان، سه قصه را بر دو حکایت از روضه خلد پایه‌گذاری کرده است. فریب روباه آثریزدی و سه گاو رنگی، از این اثر دریافت شده است.

دستوم، حسین. سه گاو رنگی. نقاشی پاک شیر، تهران: قصه‌خونه، تهران لیات، ۱۳۶۳. حدود ۱۴ صفحه. سری کتابهای افسانه‌های کهن ایرانی. (سالهای اول دبستان).

خلاصه داستان

«داستان شیری است در يك بیشه سرسبز و خرم که روباهی خدمتکارش بود و از

۵۲. مجد خوافی. روضه خلد. با مقدمه محمود فرخ. (تهران: ۱۳۴۵ ه. ق.) ۳۰۰ ص.

پس مانده غذاهای او شکمش را سیر می کرد. روزی روباه از وضع بد شکار با شیر حرف زد و او را ترغیب کرد که سه گاو وحشی پشت تپه را شکار کند. شیر گفت چون سه گاو متحد هستند نمی شود شکارشان کرد. روباه گفت می توانم بین آنها جدایی بیندازیم و دست به کار شد و با حيله اول گاو سفید و بعد سیاه را به طرف بیشه برد. شیر آنها را درید و چون نوبت گاو قهوه ای رسید گاو به روباه شك کرد و گفت: با حقه بازی دوستانم را از من جدا کرده ای روباه گفت درست فهمیدی ولی دیگر دیر شده بود چون گاو قهوه ای تنها شده بود و فرارش هم نتیجه نداد. ولی دیر شده بود و شیر او را دنبال کرد و گرفت و تکه تکه اش کرد.»

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- مسائل ذهنی و عاطفی کودکان مورد توجه قرار نگرفته نتیجه را می توانست کمی لطیف تر تمام کند. مثلاً گاو قهوه ای تنها شده بود و بی دفاع.

- مفهوم اتحاد برای سالهای اول دبستان دلنشین است. خیانت در ذهن آنها جایگاهی ندارد. مفهوم به درد سالهای پایان دبستان می خورد.

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- انشاء کتاب از نظر واژه های دشوار و دور از ذهن مناسب گروه سنی کتاب نیست و اگر برای سالهای پایان دبستان در نظر بگیریم کتاب از حیث ساخت و پرداخت در مرحله نازلی قرار می گیرد.

اجزاء تکمیلی

- مآخذ کتاب را معرفی نموده سخنی با پدران و مادران در زمینه شناساندن ارزشهای فرهنگی دارد. و این خوب است. حتی برای گروه سنی بالاتر، تا از این رهگذر آنها هم متوجه امری شوند. در ضمن این مقدمات و ضمائ با نوع ارائه کتاب دوگانگی دارد. آفریزی این اثر را برای گروه ج و د (سالهای پایان دبستان و دوره راهنمایی) آورده با شرایط لازم در کیفیت محتوا، ساخت و پرداخت، زبان و شیوه بیان و اجزاء تکمیلی لازم.

نمونه ای از نثر آفریزی در این داستان:

«روباه گفت چکار داری کار من گول زدن است و می دانم که چه باید کرد. تو توی

این آلونك بمان تا خبرت كنم. اگر كمی دیر و زود شد، بی صبری نكن. من دست خالی بر نمی گردم.»

نكته منفی در كار آفریزی شكستن نثر ادبی است با يك كلمه غیر متجانس: «تو توی این آلونك بمان»

قصه‌ای به نمونه از نثر مجدخوایی در این اثر:

«دو كس در قطعه زمینی نزاع می کردند، هريك می گفت از آن من است. پیش عیسی (ع) آمدند، عیسی گفت زمین چیزی دیگر می گوید. گفتند چه می گوید؟ گفت زمین می گوید هر دو از آن منند. قوله تعالی: «منها خلقناكم و فیها نعبدكم و منها نخرجكم تارة اخرى» نكته: آدمی تا در طلب دنیا نیست از همه آزاد است چنان که كبوتری که طمع دانه ندارد فارغ از جور دام صیاد است

آدمی را که میل دنیا نیست با كس او را نزاع و دعوا نیست مرغ را تا هوی دانه نشد تیر صیاد را نشانه نشد^{۵۳}»

بهارستان یکی از معروف ترین نظیره گوئیها بر گلستان است مربوط به نورالدین عبدالرحمن جامی^{۵۴} شاعر نامی قرن نهم، که آن را به نام سلطان حسین بایقرا افتتاح کرده است. تابع نظم گلستان نیست. جامی بهارستان را به هشت روضه و يك خاتمه تقسیم نموده. بیشتر فصلها دارای عنوانهایی دراز آهنگ است. چند روضه اش درویشانه و پر از مواظ و مواظ اولیای عرفا و چند روضه دیگر به مجموعه حکایات مانند است. یکی از چایهای مشهورش نسخه چاپ وین به سال ۱۸۴۶ میلادی است.

داستانی که آفریزی از آن گرفته اقتباس است. سعی نموده نثرش نزدیک به نثر جامی باشد. و در سبك نگارش تبعیت کرده باشد. «شمردن موی ریش. قصه دوم.»

نمونه‌ای از نثر بهارستان

(مطایبه) خلیفه با اعرابی از بادیه طعام می خورد در آن اثنا نظرش بر لقمه وی افتاد مویی به چشم وی درآمد گفت ای اعرابی آن موی را از لقمه خود دور كن اعرابی

۵۳. نمونه حکایات مجد خوایی در گنجینه سخن:

ذبیح الله، صفا. گنجینه سخن. پاری نویسان بزرگ منتخب آثار آنان (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۳) ج. ۵، ۲۷۳، ص. ۱۰۶.

۵۴. نورالدین عبدالرحمن جامی. بهارستان جامی. نسخه اصل چاپ وین چاپ، (تهران: کتابفروشی مرکز، چاپ افست خرداد ۱۳۴۰) ۱۱۶ ص.

گفت بر مائده کسی که چندان در لقمه خورنده نگردد که مویی را ببند طعام نتوان خورد. دست باز کشید و سوگند خورد که دیگر بر مائده وی طعام نخورم. براساس روضه هشتم. «در وزیدن نسایم ملاطفات و رواج مطایبات که غنچه لبها را بخنداند و شکوفه دلها را بشکفاند.»

دیگر از کتب نوشته براساس گلستان، پریشان قآنی شاعر مشهور قرن سیزدهم هجری می باشد. قآنی معاصر فتحعلیشاه قاجار بوده است. پدرش نیز شاعر بوده و گلشن تخلص می نموده است. قآنی به سال ۱۲۲۲ در شیراز متولد شد و به خراسان سفر کرد و در آنجا به تحصیل علوم و ادبیات پرداخت. وی نزد حسنعلی میرزا شجاع السلطنه تقرب یافت و به مناسبت اسم پسر شجاع السلطنه یعنی اوگتای قآن، قآنی تخلص کرد و به وسیله همین شاهزاده به خدمت فتحعلیشاه رسید و پس از او به دربار محمدشاه و ناصرالدین شاه تقرب یافت و آنان را مدح گفت. قآنی از معروف ترین شاعران قصیده سرای دوره قاجار است و در قصیده از شاعران خراسان خاصه عنصری و فرخی و منوچهری پیروی کرده است و در مسمط و ترجیع بند دست داشته است.

کتاب پریشان را به سبک گلستان به سال ۱۲۵۲ ه. ق. نگاشته است مانند نامش شامل حکایات گوناگون و پریشان است و فصل و بابی ندارد جز خاتمه کتاب که بخشی در نصیحت ابناء ملوک است. این کتاب از دیگر نظیره گوییهای گلستان به هزل و رزل آمیخته تر است. و بوی بی دردی، پند و عبرت، مدعای نویسنده را از اثربخشی تهی ساخته است.

آفریزی يك قصه بدو اختصاص داده است:

«مرد احوالی پیش حاکمی که لکنت دارد می رود. از او کمک می خواهد حاکم به دلیل لکنت می گوید: «ده دینار به او بدهند» او ادعا می کند که حاکم به دلیل آنکه می دانسته خانواده پرجمعیتی دارد ده دینار برای او مقرر داشته، بر قاعده اعتماد اینکه او از جانب حاکم دروغ نمی گوید، به همان سهم به او پولی می دهد و چون حاکم می فهمد کرده، می روند که از او پس بگیرند و می گویند حاکم به دلیل لکنت چنین گفته است: «مرد احوال در انتها می گوید: «دروغ مرا ببخش و اینهم نود دینار زیادی، برای من همین ده دینار بس است و از دو دین هم گله ای ندارم و از آن دو حاکم و شما دو پیشکار هم ممنوم.» ص ۸۷-۹۱.

بیشتر از اینکه این داستان محتوای مفیدی را به نوجوانان منتقل کند يك شوخی بی محتوا

را منتقل می‌سازد.

خرابات، تألیف فقیر شیرازی متولد ۱۲۹۶ هـ . ق. (نامش در خرابات نیست و فهرست مشار وی را معین الشریعه میرزا علی بن حاجی میرزا محمد باقر واعظ اصطهباناتی می‌داند).

مجموعه غزلیاتی در مشایعت طیبات سعدی ساخته بنام گنج فقیر کتابی به بحر بوستان سروده به عنوان خانقاه و مجموعه‌ای از حکایات و مواظ فراهم آورده و آن را به‌طرز گلستان سروده و نوشته و آراسته و آن را خرابات^{۵۵} نامیده است. شخصی منزوی بوده و در بحران مشروطه و استبداد از بحبوحه انقلاب به انزوا پناه برده و به کار کتاب پرداخته. از مبارزات سیاسی بیزار و به درویشی و گوشه‌گیری علاقه‌مند بوده است. از خرابات پیش از تقلید از گلستان به بیان نیت پرهیزکارانه خود نظر داشته است. در ضمن حکایات گاه به نقد اجتماعی پرداخته، بیشتر کتاب قصه‌های تاریخی از پیشوایان دینی و سلاطین و حکما و عرفاست. در دیباچه به دیباچه گلستان توجه داشته است.

«یگانه‌خدایی را بندگی کردن رواست که به حکمت بالغه ذره را جمال آفتاب درخشان بخشیده». خرابات به چهار باب و یک پیمانه تقسیم شده. اول در حکمت دوم در شجاعت سوم در عفت چهارم در عدالت و پیمانه در تربیت و عبرت است. آفریزی با تغییر فراوان دو داستان از این کتاب گرفته است.

ملستان، کتابی است از آثار ابراهیم بدیع‌الملک تفرشی لشکر نویس‌باشی. متولد ۱۲۸۰ هـ . ق. که شروع تصنیف آن به سال ۱۳۱۰ هـ . ق. بوده و دومین چاپ آن که دارای ۱۰۶ صفحه می‌باشد به خط احمد بصیرت است. در زمان محمدعلی میرزا در تبریز به چاپ سنگی رسید. دیباچه ملستان که تقلیدی از گلستان است با این عبارت شروع شده. «حمد خدای را عظمت قدرته که قدرتش موجب عبرت است و به صنع اندرش مزید فکرت» و قوت و ضعف بلاغتش از همین نمونه پیدا است. ملستان^{۵۶} به اعتبار نامش به «پنج ساغر و یک جرعه» تقسیم شده ساغر اول، در سلوک و عادات ملوک ساغر دوم، در اخلاق درویشان ساغر سوم، در تفویض امور به ذات باری. ساغر چهارم، در دانایی و حمق ساغر پنجم، در حکم و آداب. جرعه مختصری در احوال مصنف.

۵۵. خرابات. (شیراز. ۱۳۴۷) ۲۷۱ ص.

۵۶. میخانه.

جاهلانہ، که نوع معاشرت و مصاحبت دو جاهل است. از اثر فوق برداشته شده و به قول آنریزدی در راهی دیگر جاری شده.

«دو جاهل در صحرای بلخ می‌رفتند راه دراز بود اما از جهالت تا حماقت راه درازی نیست. نادان احمق یا حرفی ندارد یا در گفت و شنید چیزی برای دعوا پیدا می‌کند....»

از اول تا آخر داستان زبان شکسته عامیانه دو جاهل است که دعوای مفصلی دارند و دیگری که وساطت می‌کند مغضوب می‌شود.....
حال چه طرفی می‌بندند نوجوانان، از اینکه بدانند در ملستان چنین مباحثی پیش می‌آید، اما ندانند سعدی چه سبک و شیوه‌ای بدیع به‌وجود آورده است.

خارستان^{۵۷} اثر دیگری است از نظیره‌گوییها بر گلستان، تألیف آن به‌وسیله حکیم قاسمی کرمانی در ۱۳۳۰ هجری قمری به پایان رسیده است. قاسمی شاعری بذله‌گو بوده که به ضبط و ثبت لغات محلی مانند قاری یزدی علاقه‌مند بوده است. منظومه‌ای به نام نیستان در برابر بوستان سعدی و خارستان در برابر گلستان ساخته. خارستان سرشار از اصطلاحات حرفه‌ای گروه بافندگان کرمانی و لغات بومی آن دیار در زمان مؤلف است. او در زمینه طنز باذوق است.

خارستان شامل ۱۳ فصل و یک دیباچه است با این سرآغاز: «صنعت خلوشی را خُفّ و دُلّ که تار شالش در کمال ظرافت است و به پوداندرش مزید لطافت.» دوازده فصل کتاب را فرع و سیزدهمی را اصل نامیده. فرع اول، در فایده کسب و هنر، فرع دوم، در بخت و اتفاق، فرع سوم، در بی‌اعتباری دنیا فرع چهارم، در ضرر غربت، فرع پنجم، در علامات عزلتی. فرع ششم، در علامات بوری..... اصل در پند و حکمت در انتهای کتاب فرهنگی از لغات و اصطلاحات آورده است.

آنریزدی داستان شیر یا خط خود را براساس این کتاب تنظیم نموده است. محتوای آن بد نیست. «حاکمی فقط به تقدیر و تصادف معتقد است. خود و نماینده برگزیده‌اش بر همین فکر بازنده‌اند و حاکمی بر تدبیر و عقل خود و مردی را که به نظام فکری و خود می‌پسند برنده‌اند. بر سر فلسفه خوشبختی و بدبختی، خوش بیاری و بدبیاری و

امثال این مسائل بحث طولانی دارند.» اما صحبت بر سر خود کتاب خارستان است. این کتاب می‌توانست مستقلاً با طنز یا جدی هر چه می‌خواست بگوید و فرهنگ عامه را هم منتقل سازد و به قول آقای آذریزدی موفق هم می‌شد اما چرا اثر بزرگ سعدی را وسیله شوخی و هزلیات و فرهنگ عامه‌نویسی قرار داده است. فکر می‌کنم هر ایرانی با تفکر خاصش نسبت به سعدی، این نظیره‌نویسی را نپسندد و معترض باشد. هنر بر فرهنگ عامه‌نویسی را که نمی‌شود با اثر بلندپایه سعدی مطرح نمود. گلستان سخن عالم و عارف و عابد و عامی و... همه اقدار فرهنگی جامعه است نه فرهنگ عامه.

جان جهان^{۵۸}، اثر حاجی میرزا علی اکبرخان حسینی فراهانی. متوفای ۱۳۲۹ ه. ق. که ادیب‌المالک فراهانی هم از این خاندان بوده و ماده تاریخ وفاتش را سروده. جان جهان با این عبارت شروع می‌شود:

«ثنا ایزد تعالی و تقدس را که به هر چه اندر نگری برهان هستی‌اش را آیتی است و از هر آیتی بر صاحب‌دلانش عنایتی.»

مصنف دارای بیانی استوار و پرادهاست. در سبب تألیف اثر خود گلستان را ستوده بسیاری از حکایات و مضامین گلستان را با همان محتوا و نتیجه دوباره‌سازی کرده، اما جای شگفتی است که از گلستان ایراد گرفته. به حکم خان بودن با ادب رسمی ما برتری و گردن‌کشی کرده است.

جان جهان را بر چهار فصل تقسیم نموده. فصل اول، در مخایل پادشاهان، فصل دوم، در فضایل درویشان، فصل سوم، در محامد اخلاق و عواید حکمت، فصل چهارم، در لوازم عشرت و مراسم تربیت.

آذریزدی دو داستان از این کتاب گرفته است که آن را ناچار شده است دگرگونه نماید. که یکی *همنشین بدنام* است. «راهزنان را می‌گیرند شاعری در میان آنان از ابتدا تا انتها حاشا می‌کند که همدست بوده، نان ایشان را می‌خورده است، شاهد قتل و جنایت بوده است، شعر هم برایشان می‌گفته، اما مستقیماً وارد عمل نمی‌شده، مثلاً جامه از تن کسی نمی‌کند، ولی از پوشیدن لباس دزدی پرهیز نمی‌کرده است.»

۵۸. جان جهان به خط محمدابراهیم قوام الکتاب. (تهران) چاپخانه میرزا علی‌اصغر به اهتمام. کتابخانه ایران، ۱۳۳۵ ه. ق. ۱۸۸ ص.

نتیجه را آفریزی چنین می‌آورد: «حاکم گفت به نظر می‌رسد که این هم محکوم است تنها چیزی که از دیگر دزدان بیشتر دارد هوشیاری و زبان‌آوری است. دریغ از هوشیاری که در راه کج به کار می‌رود که اگر در راه راست بود به بزرگی و بزرگواری می‌رسید.» آفریزی تلاش نموده است تا نتیجه اخلاقی بگیرد.

ارزشیابی خاص

کودکان و نوجوانان را بس است که بدانند ما گلستان داریم تا بدان در غور و تفکر بیندیشند. گلستان زندگیشان پرثمر می‌گردد. حال اگر در تابستان و خزان زندگی به ملستانها بیندیشند خوب، اشکالی ندارد عمر را نباخته‌اند چه قبلاً وقت را صرف امهات ادبیات نموده‌اند. بهتر بود آقای آفریزی ملستان را برای بزرگترها می‌نوشتند. واقعاً هم کار تحقیقی خوبی است. حال خدای، غافلان را بر رسم تقلید به فکر بازنویسی از این ملستانها نیندازد که اقتباس و تقلید سه‌باره کودکان را سودمند نخواهد بود. لااقل آفریزی با دید محقق با کار مواجه شده است. چرا باید مأخذی را برای بازنویسی گزید که مجبور باشیم ظاهر و محتوایش را آن قدر تغییر دهیم که بسکه بر او بسته شده برگ و ساز، گر تو بینی شناسیش باز.

می‌گویند دلیلی برای امانت در باب ضبط منابع در جهت رضایت کسی نمی‌شناسد خوب حق دارند به رسم امانت که نباید مطلب بد تقدیم بچه‌ها نمود، اما دلیلی هم نیست آثاری را که دوست نداریم بخوانند زودتر به آنها معرفی کنیم. صحبت بر سر آماده کردن است تا ناپخته نگیرند این کار باید در تربیت تحقیقی کودک گنجانده شود وگرنه چنین کتبی یکی دو تا که نیستند.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- از آنجا که مأخذ اثری نبوده که مستقیماً محتوایش را به کودکان منتقل نمود، مجبور به تحریف و تغییرات و برداشتهایی بر مبنای دگرگون‌سازی بوده است تا نتیجه بد به خواننده نرسد. با وجود این محتوای بسیاری از داستانها مطلوب نیست.

- گزینش این آثار برای معرفی به نوجوانان در حالی که بسیاری از امهات متون فارسی هستند که باید مورد بررسی قرار بگیرد بی‌مورد است.

- این آثار خوشبختانه هیچ گونه علاقه‌مندی در نوجوانان برای خواندن متون اصلی برنمی‌انگیزاند.

کیفیت ساخت و پرداخت

- باتوجه به ساخت و پرداختی که مآخذ داشته است، آثریزدی با ساخت و پرداخت درستی به نتیجه رسیده است.

کیفیت زبان و شیوه بیان

- به تناسب مآخذ (سبک) شیوه زبان از ادبی به عامیانه تغییر می‌کرده است.

اجزاء تکمیلی

- با وجودی که محققانه مآخذ را مورد بررسی قرار داده، باز می‌باید مستندتر کار می‌کرد.

- تصاویر بر ذوق نوجوانان اثر مطلوب و ارزش تطبیقی با مآخذ ندارد.

- شرح و توضیح و مقدماتی خوب، در زمینه مآخذ و بازنوشته دارد و نیز بی‌ارزش بودن اکثر این آثار را یادآوری می‌نماید.

بازنویسی از نظم قرن سیزدهم

طاق‌دیس

آثریزدی، مهدی. ده حکایت از زبان بسته‌ها، برگزیده از منابع ایرانی. تهران: اشرفی، ۱۳۴۷-۱۳۴۵. مصور، تصاویر بی‌ارزش ۶۹ ص (قصه‌های تازه از کتابهای کهن ۳). (حدود سنی. سالهای آخر دبستان، دوره راهنمایی جهت آشنایی با مآخذ).

برگزیده‌ای است که در آن دقیقاً به مآخذ ارجاع داده است. در چگونگی سبک مآخذ باید بیشتر صحبت می‌کرد که نکرده است. گزینش از سبکهای مختلف و قرون مختلف را به این دلیل انجام داده است، تا بدانیم پیش از استیلای ترجمه در آثار ادبی ایران این قصه‌ها بوده است. از طاق‌دیس و منطق‌الطیر و اسکندرنامه، آثاری آورده است. از منطق‌الطیر قبلاً صحبت و اثر داشته‌ایم / اسکندرنامه را در پنج افسانه صحبت داشته‌ایم حال به طاق‌دیس نظر می‌افکنیم:

حاجی ملااحمد بن حاج ملامهدی نراقی معروف به نراقی (ف ۱۲۴۵ ه. ق.) از فقهای بزرگ قرن سیزدهم هجری است. علاوه بر مقام فقاقت، اشعار عرفانی فراوان

سروده است. از آن جمله: اجتماع الامر والنهی، اساس الاحکام در اصول فقه، اسرار الحج، دیوان شعر و طاقدیس شامل مثنویات او.
«پلنگ و آدمیزاد از طاقدیس ص ۱۰۷ شمارهٔ دستی»

خلاصهٔ داستان

«آن شنیدستی پلنگی شیرگیر آمد از کهسار سیل آسا به زیر
گربه‌ای گوشت خانه‌ای را دزدیده، صاحبخانه او را می‌زند، گربه به کوهستان
فرار می‌کند پلنگ از دیدن همجنس خود بدان هیکل و نحیفی تعجب می‌کند و
می‌گوید: تو مگر از جنس ما نیستی، این چه ذلت است. گربه جریان را در رابطه با
دوستانش، انسانها باز می‌گوید. پلنگ می‌خواهد این موجود دوگانه را که هم
محبت می‌کند و هم تحکم، ببیند. وقتی با انسان روبه‌رو می‌شود اعلام جنگ
می‌کند. روستایی می‌گوید فرصت بده زورم را از خانه بیاورم پلنگ قبول می‌کند.
انسان قبول ندارد که تا من برگردم تو فرار می‌کنی نمی‌مانی تا با من بجنگی.
پلنگ را در مقید نمودنش به قولشان به درخت می‌بندد تا برود زورش را بیاورد. به
این صورت به پلنگ می‌گوید حال دیدی من که هستم زور من همین (زبان) عقل
و طناب و بیل من است و می‌رود از ده تا مردم را بیاورد که او را به ده ببرند. پلنگ
از گربه می‌پرسد اگر زبان نرمی در پیش بگیرم مرا رها می‌کند. گربه می‌گوید
به شرطی که اول طبیعت پلنگی بروز نمی‌دادی.»

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- موضوع برگزیده، ارزش ارائه داشته است.
- معمولاً این آثار خود بازنویسی از ادب گذشته است و معرفی آنها این ارزش را دارد
که چگونه در قرون مختلف آثار مورد اقتباس قرار می‌گیرد.

۱. حاجی ملااحمد بن حاج ملامهدی نراقی. مثنوی لسان الغیب، مشهور به طاقدیس. اثر حاج ملااحمد
نراقی کاشانی (چاپ تهران: زمان ناصرالدین شاه. تاریخ و شماره صفحه ندارد. ص ۱۰۷ شمارهٔ
دستی).

و نیز در چاپ پنجم، نشر تهرانی، ۱۳۷۴ ص ۱۵۱-۱۵۶. حکایت زبون شلن پلنگ در دست آدمیزاد.

- بازنوشته حس کنجکاوی خواننده را به متون معرفی شده برمی‌انگیزد.
- پیام توانمندی انسان به وسیله عقل و اندیشه‌اش مهم بوده است.

کیفیت ساخت و پرداخت

- هماهنگی محتوا و ساخت حفظ شده است.
- پراکندگی در ساخت و پرداخت نیست.

کیفیت بیان و شیوه نگارش

- زبان ساده و گویا و روان است.
- کمتر از زبان شکسته استفاده نموده است.
- عدم قدمت و قدیم نبودن اثر از زبان داستان مشخص است.

اجزاء تکمیلی

- مأخذ را تعریف نموده و ارجاع درست داده از خصوصیات سبکی اثر صحبت نموده.
- ارائه کتاب شوق مطالعه در خواننده ایجاد نمی‌کند.

- تصاویر بی‌ارزش است.

- گروه سنی بر نسخه‌ای که در دست بود مشخص نبوده است.

در این کتاب افسانه‌هایی مطرح هست که قصه‌پردازان حیوانات زبان‌بسته را به سخن آورده‌اند. بازنویس از تمامی کتاب مربوط به حیوانات نمونه‌ای انتخاب نموده است و ملاک ما نیز کتبی بوده که قبلاً کمتر از آن صحبت شده است. داستانی نیز از مثنوی بوده که باتوجه به اینکه از مثنوی فراوان اثر آورده‌ایم از آن صرف‌نظر شده است. قسمتی از نثر آفریزی در پلنگ و آدمیزاد:

«مرد گفت قسم هم لازم نیست عهد و پیمان حیوانات هم يك جو ارزش ندارد. اگر راست می‌گویی و از مردانگی نشان داری و نمی‌ترسی و نمی‌خواهی فرار کنی من گردن ترا با طناب به این درخت می‌بندم تا فرار نکنی و می‌روم زورم را می‌آورم. و آن وقت معلوم می‌شود که بزرگی بزرگواری حق کیست.»

دوبیت از متن اصلی:

تا توانی می‌گریز از دامشان	بلکه از جایی که باشد نامشان
آدمیزادند اما دیوسار	الفرار از آدمیزاد الفرار

بازنویسی از نظم قرن چهاردهم

معرفی اثر و مؤثر

پروین اعتصامی (۱۲۸۵-۱۳۲۰ ه. ش.) دختر مترجم و نویسنده معاصر یوسف اعتصامی (اعتصام‌الملک) بود. از کودکی استعداد شاعری داشت. با اینکه زندگیش زود به‌سر آمد از همان جوانی شهری‌ری در کار شعر یافت که در زندگی زنان شاعر ایران بی‌سابقه بود. سی‌وپنج سال از عمر او با رنج گذشت و باز تاب این اندوه در شعر او به‌صورت تلخی در سرگذشت بیچارگان و یتیمان جلوه کرده است.

زبان شعر پروین ساده است مانند زبان شعر خراسانی قرن پنجم، اما شعرش پراحساس و پرشور می‌باشد همچون کلام لطیف عراقی، و بیشتر رنگ انرژ و آموزش دارد اما نه آنقدر که خسته‌کننده باشد.

دیوان پروین ترکیبی است از دو سبک و شیوه لفظی و معنوی آمیخته با سبکی مستقل، و آن دو یکی شیوه شعرای خراسان است خاصه استاد ناصر خسرو و دیگر شیوه شعرای عراق و فارس به‌ویژه شیخ مصلح‌الدین سعدی، از حیث معانی نیز بین افکار حکما و عرفاست و این خود با سبک و اسلوبی که خاص عصر امروزی و بیشتر پیرو تجسم معانی و حقیقت‌جویی است ترکیب یافته و شیوه‌ای بدیع به‌وجود آورده است... می‌توان گفت طرز گفتارش در قصاید طوری است و در قطعات به‌سبکی دیگر است. قطعات به‌طرز سؤال و جواب یا مناظره است و این شیوه از قدیم‌الایام خاص ادبیات شمال و غرب ایران بوده. از پنج یا شش غزل (چون غزل‌سازی ملایم طبع پروین نبوده) که قصاید کوتاهش باید خواند بگزینیم به مثنویهای کوتاه و مختلف‌الوزن و قطعه‌های زیبایی دلپذیر که پروین بیشتر استقلال و شخصیت خود را در آنها بکار برده است، برمی‌خوریم. از زبان همه‌چیز سخن می‌گوید: دام و دانه، گل، باران.... هرگاه تنها غزل اشک از این شاعر شیرین زبان باقی مانده بود، کافی بود که وی را در بارگاه شعر و ادبیات جا و مقامی عالی و ارجمند بخشند. از این معنی که بگزینیم می‌رسیم به عشق واقعی، آن عشقی که شعرای بزرگ بدان سر فرود آورده‌اند. عشقی که بنیان آفرینش انسانها بر آن نهاده شده، چنین عشقی همان قسم که گفتیم اساس این دیوان است. هنر بزرگ شاعره ما در همین جاست که توانسته است این معنی بزرگ را همه‌جا در گفتار خود به شکل

لزگی، حبیب‌الله. *داستانهای کهن از ادبیات فارسی* ۴. مینیاتور علی‌اصغر تجویدی (شیرازی) تهران: مؤسسه انجام کتاب، ۱۳۶۴. ۲۳ ص (سالهای آخر دبستان و دوره راهنمایی).

در این کتاب سه داستان را به دیوان پروین اعتصامی استوار نموده است. براساس دیوان^{۶۱} پروین اعتصامی ص ۲۲۱-۲۲۳، گل سرخ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گل سرخ

گل سرخ روزی ز گرما فسرد	فروزنده خورشید رنگش ببرد
در آن دم که پژمرد و بیمار گشت	یکی ابر خرد از سرش می‌گذشت
چو گل دید آن ابر را رهسپار	برآورد فریاد و شد بی‌قرار
که ای روح بخشنده لختی درنگ	مرا برد بی‌آبی از چهر رنگ
بدو گفت ابر ای خداوند ناز	بکن کوتاه این داستان دراز
همین لحظه بازآیم از مرغزار	نثارت کنم لولو شاهوار
گر این يك نفس را شکیا شوی	دگرباره شاداب و زیبا شوی

.....

چو بازآمد آن ابر گوهرفشان	از آن گمشده جست نام و نشان
شکسته گلی دید بی‌رنگ و بوی	همه انتظار و همه آرزوی
نوشید يك قطره زان آب پاك	نگشت آن تن سوخته تابناك
ز امیدها جز خیالی نماند	ز اندیشه‌ها جز ملالی نماند
چو اندر سبوی تو باقی است آب	بشکرانه از تشنگان رخ متاب
به آزرندگان مومیایی گرفت	گه تیرگی روشنایی گرفت
چو رنجور بینی دوایش ده	چو بی‌توشه یابی نوایش ده
همیشه ترا توش این راه نیست	برو تا که تاریک و بی‌گاه نیست

۶۰. ملك الشعراء بهار، دیباجة اول دیوان پروین اعتصامی. ص ز. ید. دیوان قصاید مثنویات و مقطعات. (تهران: ابوالفتح اعتصامی، ۱۳۳۳) ۳۴۲ ص.

۶۱. پروین، اعتصامی. دیوان قصاید و مثنویات و تمثیلات و مقطعات. (تهران: ابوالفتح اعتصامی، ۱۳۳۳) ۳۴۲ ص.

این ابیاتی است که برگزیدم تا داستان را به متن اصلی بیان کرده باشم. از مثنویات و تمثیلات.

گل سرخ در داستانهای کهن چنین است که:

«گل سرخ از ابر تقاضای یاری می کند (باد قوی که معلوم نیست ستمکاره بخوانیمش یا دادگر) ابر را در لحظه صحبت با گل می برد و زمانی که ابر برمی گردد، گل سرخ پژمرده و زندگی را از دست داده است.»

و حال آنکه مضمون و محتوای داستان پروین اعتصامی بسیار متعالی است. سخن از کرم و بخشش به موقع دارد. بهتر بود دقیقاً این مضمون در داستان می آمد. وقتی داستان را در داستانهای کهن می خوانی بدان می ماند که داستانی عاشقانه را از نظر می گزانی. ابر عاشقی بر محبوب می خواهد محبت ورزد اما با ستمکاره می بردش و چون باز می گردد در گل اثر زندگی نیست. تمام بار اخلاقی و لطف داستان را از آن گرفته است. عیسی دمی ابر با تعلل او از دست می رود و تمام لطف سخن اینجاست. چرا باید به دنبال نسیمی بگردیم و گناه را بگردن او بیفکنیم که ابر را می برد. این خود ابرست که غفلت کرده به موقع کمک نمی کند تا گل سرخ نمیرد.

ارزشیابی اثر

کیفیت محتوا

- مضمون و هدف اصلی را تحریف نموده.
- مآخذ اثری است که می توان تمام محتوای آن را به کودکان منتقل کرد.
- مسائل ذهنی و عاطفی و زبانی کودکان را در نظر نگرفته است

ساخت و پرداخت

- با آنکه بین ساخت و پرداخت خود اثر هماهنگی نسبی هست، لیکن با متن اصلی صادقانه رفتار نشده

کیفیت زبان و شیوه نگارش

- زبان قابل فهم هست، اما لطف و شیرینی و سادگی زبان پروین را ندارد.
- نزدیکی زمانی را نمی رساند.
- از استخوانبندی و روح نوشته (شعر) اصلی عدول کرده است.

- شرح و توضیحی در مورد کتاب منتخب دارد.

- اثر خوبی را برگزیده و معرفی نموده است.

- تصویر بهتر از بقیه کار است.

نتایج و پیشنهادها بر متون برگزیده از قرن نهم تا چهاردهم

بازنویسی از قرن نهم به بعد کم‌تر مورد عنایت بازنویسان بوده است. آریزدی از افرادی است که این حرکت را تا اواخر قرن سیزده و اوایل قرن چهارده نیز کشانده و نیز علاقه‌مند بوده هر کتاب ناشناخته را به نوعی مطرح نماید. چنان که روی اسکندرنامه، انتخاب داستان شغال رنگی از جواهر العقول مجلسی که نشان‌دهنده توجه او به مثنوی مولوی و تقلید و اقتباس این داستان از آن بوده است، کاری است نظیر آنچه بر ملستانها نموده است.

تمامی نظیره‌گوییها را از قرن هشتم به بعد (قرن ۱۴) بر گلستان سعدی مطرح نموده و جالب اینکه قصد او در اینجا آوردن داستان نبوده است. با دادن مأخذ آن و مقایسه سبک هر یک در انتهای کتاب تاریخچه بازنویسی بر گلستان و مثنوی را برای بزرگسالان مطرح می‌کند.

این را ثابت می‌نماید که اکثر این نظیره‌گوییها اندکی از رسالت گلستان را در محتوا، زبان، بیان و اسلوب سخن ادا که نکرده‌اند هیچ، گاه خواننده از نگاه نداشتن حرمت گلستان متأسف می‌شود.

اثری نیز از مثنوی طاق‌دیس نراقی از فقهای قرن سیزده می‌آورد که داستانی خوب با مفهومی عمیق است.

از قرن نه به بعد نیز آریزدی به تعهد خود در زمینه شناساندن آثار ادبی فارسی می‌پردازد. و مجموعاً حدود بیست داستان از قرن نهم به بعد بازنویشته داشته‌ایم. یک اثر از دیوان پروین اعتصامی به وسیله لزگی بازنویسی شده، که محتوای لطیف آن را نتوانسته است برساند. شاید ارائه آثاری نظیر دیوان پروین اعتصامی از سالهای پایان دبستان، امری ضروری و امکان‌پذیر باشد و نیازی به بازنویسی نداشته باشیم.

پیشنهاده:

در انتخاب آثاری مانند برخی از ملستانها — که هنوز گلستانها باقی است که شناسانده شود — باید دقیق بود. گاه «رکاکت و پرده‌داری در بیان مطالب، اثر نثری مانند پریشان را که تقلید ناشیانه‌ای از گلستان ضایع کرده است. با اینکه در این اثر ۱۲۱ حکایت متنوع با لحن تعلیمی آمده است و قصد مؤلف گرفتن نتایج اخلاقی بوده است؛ اما مطالبی در کتاب آمده که از زیر محک انتقادی سالم در نمی‌آید. بسیاری از حکایتها نتیجه اخلاقی که نمی‌دهد هیچ، نتیجه معکوس دارد. محتوای بسیاری از داستانها پیش‌پا افتاده و مبتذل است چه بارها پیش از آن فصیح‌تر و بلیغ‌تر گفته و نوشته شده است.

در گزینش آثار برای بازنویسی در تمام قرون و اعصار باید دقیق بود خاصه آثاری که هنوز زمان مهر جاودانگی بر آنها نژده و زیر سؤال قرار دارند.

توضیح اینکه این قسمت به دلیل یگانه بودن داستانهای گزیده شده جدول نیاز نداشته است.

تحلیل آماری

الف. مفروضات

۱. تاریخ انتشار آثار بازنویسی شده از متون ادبیات رسمی از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۶۵ سی (سال) به شش دوره پنج‌ساله به‌ترتیب ذیل تقسیم می‌شود و هرجا که جداول آماری به‌تاریخ انتشار مربوط می‌شده است، بر همین اساس عمل گردیده است.

دوره اول ۱۳۳۶-۴۰

دوره دوم ۱۳۴۶-۴۵

دوره سوم ۱۳۴۶-۵۰

دوره چهارم ۱۳۵۱-۵۵

دوره پنجم ۱۳۵۶-۶۰

دوره ششم ۱۳۶۱-۶۵

به این ترتیب چند اثر که قبل از سال ۱۳۶۱ یا بعد از سال ۶۵ انتشار یافته محسوب نگشته است.

۲. گروههای سنی A، B و C به ترتیب ذیل جهت گروههای سنی مخاطب بازنوشته‌ها در نظر گرفته شده است.

گروه سنی قبل از دبستان و سالهای اول دبستان.
گروه سنی سالهای آخر دبستان و اوایل راهنمایی.
گروه سنی سالهای آخر راهنمایی و اوایل دبیرستان.

۳. کیفیت هر اثر و معدل گیری براساس جدول مادر به ترتیب ذیل بوده است.

۰ = بسیار بد ۱ = بد ۲ = متوسط ۳ = خوب ۴ = خیلی خوب
۵ = عالی

و بنابر نیاز حتی الامکان اعداد گرد گردیده اند.

ب. توضیحات

کلیه اطلاعات از بانک اطلاعاتی اخذ و به صورت سی جدول براساس اطلاعات خاص طبقه بندی شده و بر پایه نیاز نمودار ستونی و منحنیهای لازم رسم گردیده است. با توجه به مورد، در حاشیه چند جدول توضیحات لازم داده شده است که مفهوم را بیشتر روشن می نماید.

مع الوصف توضیحات مختصر ذیل ضروری به نظر می رسد.

۱. از صدویست و دو (۱۲۲) اثر بازنوشته پنج (۵) مورد آن بدون تصویر بوده که ۴٪ کل را تشکیل می دهد.

۲. در جدول شماره ۱ تعداد و کیفیت ۱۲۵ اثر براساس موضوعات متن اصلی و تاریخ نشر طبقه بندی شده، که در آن تجدید چاپ کتب به عنوان یک اثر جدید تلقی گردیده است.

۳. در جدول شماره ۴ که براساس متن اصلی (ادب رسمی) تنظیم شده و براساس دوران متن اصلی ترتیب یافته است ملاحظه می شود که بیشترین تعداد بازنوشته از متن کلیله و دمنه (۲۵ اثر) با معدل (۱/۲۸) و بعد از آن مثنوی معنوی (۱۹ اثر) با معدل (۲/۲) و سپس شاهنامه (۱۸ اثر) با معدل (۳/۳) می باشد. در واقع از معروف ترین کتب ادبیات رسمی هرچه بیشتر بازنویسی شده کیفیت تنزل یافته و فقط بازنویسی از شاهنامه با کیفیتی درخور انجام پذیرفته است.

بهترین کیفیت متعلق به بازنویسی از افسانه های باستانی ایران (به تعداد ۱۰ اثر) با معدل حدود ۴ بوده است.

۴. جدول شماره ۴ نشان دهنده آن است که بیشترین بازنویسی از متون ادبیات قرن ششم و هفتم (مجموعاً ۸۵ اثر از ۱۲۹ اثر مورد مطالعه) بوده با معدل کیفیتی حدود (۲/۵). (۶۷٪ کل آثار بازنوشته از این دو قرن است) بهترین کیفیت مربوط به دوران

باستان و سپس شاهنامه (قرن چهارم) است. (مجموعاً شامل ۲۳٪ کل آثار) جدول فوق نشان‌دهنده بی‌توجهی کامل به متون ادبیات رسمی از قرن هشتم تا چهاردهم می‌باشد. (۷/۵٪ مجموع آثار).

۵. جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که در بین بازنویسان آقای مهدی آذریدی با (۲۱) اثر پرکارترین بازنویس می‌باشند که معدل کاری نزدیک به خوب نیز دارند. در مورد ایشان در جای خود جداگانه بحث شده است.

بهترین معدل کار مربوط به آقای محمود کیانوش با سه کار عالی و سپس آقایان محمدعلی فروغی، بهرام بیضائی و خانم مهدخت کشکولی با یک کار عالی می‌باشد. در این جدول تفاوتها خوب‌بخود جلب‌نظر می‌نماید در برابر ۹ تا ۱۶ اثر بازنویسی شده با معدل بد تا متوسط، نویسندگانی چون احسان یارشاطر با ۵ کار و معدل نزدیک به بسیار خوب و محمود مشرف آزاد تهرانی با ۷ کار و معدل خوب نمایانگر کاری منطقی و باارزش در امر بازنویسی از ادب رسمی جهت کودکان و نوجوانان می‌باشند.

۶. در جدول شماره ۶ که نماینگر حاصل کار ناشرین است مشاهده می‌شود که از جهت تعداد آثار انتشار یافته ابتدا باید از توسعه کتابخانه‌های ایران با ۱۶ کتاب و معدل (۱) و سپس از شکوفه با ۱۴ کتاب و معدل (۲) بعد از آن از انجام کتاب با ۱۳ مورد و معدل (۲/۱) نام برد. متأسفانه ناشرینی که بیشتر در این امر پیشقدم بوده‌اند، معدل کیفیت کار بی‌ارزشی را عرضه نموده‌اند. البته نمونه‌هایی از فعالیتهای ارزنده نیز وجود دارد از جمله کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با ۹ اثر و معدل حدود (۳/۴) و ترجمه و نشر کتاب با ۵ اثر و معدل (۳/۸).

۷. جدول شماره ۵ کار هر بازنویس را براساس موضوعات متون ادب رسمی که انتخاب نموده بررسی می‌کند. حاصل آن نشان‌دهنده این است که در موضوعات حماسی احسان یارشاطر با ۵ اثر و معدل (۳/۷۵) چندین قدم از دیگران جلوتر است. در موضوعات عرفانی، فلسفی و دینی، زهرا خائوری بیش از دیگران فعالیت نموده که شامل ۵ اثر با معدل (۲/۴) است. در سیاست و جامعه‌شناسی اگر از آقایان جعفریان با ۱۶ اثر و با معدل چشم‌پوشی کنیم به مهدی آذریدی با ۱۴ اثر و معدل (۲/۵) می‌رسیم. در تاریخ نیز آذریدی با سه اثر و معدل (۳/۳) در رأس قرار دارد. همچنین جدول نمایانگر بیشترین عنایت به سیاست و جامعه‌شناسی و کم‌ترین توجه به تاریخ است.

۸. جدول شماره ۹ که براساس گروههای سنی مخاطب تشکیل شده نشانگر آن است که بیشترین اثر برای گروه سنی B نوشته شده. (۸۲ اثر با معدل کیفی ۲/۶) بهترین

کیفیت متعلق به گروه C با معدل (۳/۶) است با (۲۲) اثر و در مورد گروه سنی قبل از دبستان و اوایل آن کمترین تعداد اثر با کیفیتی بسیار نازل و بد عرضه شده. در این میان سهم دهه آخر نشر بسیار مهم است (۱۷ اثر با معدل ۲).

۹. در هر کدام از جدول شماره ۴، ۹، ۳، ۱، ۱ (شش جدول) به نوعی می توان نتیجه کلی کار بازنویسی از متون ادبیات رسمی را ملاحظه نمود. تفاوت عمده بین جدول شماره ۱، ۱، در محسوب نمودن تجدیدچاپ از اثرهای دوره های قبلی به عنوان نشر جدید می باشد. در واقع معدل کل کار بازنویسی در جدول شماره ۱ به حقیقت نزدیک تر است اما اگر کار بازنویسی هر دوره مدنظر باشد صحیح تر است (به جدول شماره ۱، رجوع شود. به هر حال نقاط افتراق و اختلاف از تعداد و نوع کتاب و اثر مورد ملاحظه در هر جدول ناشی می شود. به طور تقریبی می توان از ۱۲۰ تا ۱۴۰ اثر بازنویسی شده در طی سی سال نام برد که معدل کل کیفی متوسط رو به خوب داشته اند. (۲/۳ تا ۲/۶). از لحاظ کیفیت کار هر دوره پنج ساله، دوره اول ۴۰-۳۶ (۳-۸۵) ۶ (اثر) در رأس قرار دارد و بدترین دوره ۶۵-۶۱ (دوره ششم) با معدل (۱/۶) و تعداد ۳۵ اثر است. دقیقاً اگر معیار را براساس تعداد کتب و آثار بگذاریم نتیجه معکوس می شود. اما در این میان دوره چهارم ۵۵-۵۱ نقطه عطفی است با ۲۲ اثر و معدل خوب ۲). ارقام بالا از جدول شماره ۹ اخذ شده که تجدیدچاپها مدنظر نبوده A. اما حتی اگر تجدیدچاپ آثار بارزش دوره های قبل را در دهه آخر مدنظر قرار دهیم، به معدل کیفیت کاری در حدود (۲) می رسیم یعنی کماکان با نازل ترین کیفیت و بیشترین تعداد در این دهه روبه رو می باشیم.

ج. نتیجه

توجه عمیق و دقت بیشتر در گزینش مضمون و چگونگی ارائه با رعایت اصالت و تنوع در خلق بازنوشتها به فراخور توانمندی گروههای سنی مخاطب، تا حدی باشد که کیفیت آفرینش بیشتر از کمیت مدنظر قرار گیرد. در غیر این صورت انبوه بازنوشتها و آثار خالی از محتوای لازم و با شکل ارائه قابل قبول و استفاده، نه تنها راهگشا و ثمربخش نیست، که بر ضررها و زیانها و کاستیها نیز می افزاید.

جدول شماره (۱). الف
تعداد و کیفیت باز نوشته ها بر اساس متون ادبیات رسمی و تاریخ نشر

معدل کیفیت	جمع تعداد	تاریخ		سیاست و جامعه‌شناسی	عرفانی، فلسفی و .		حماسی		موضوع	دوره (سال انتشار)
		کیفیت	تعداد		کیفیت	تعداد	کیفیت	تعداد		
۳/۸۵	۶	-	-	۴	۲	-	-	۳/۷۵	۴	اول ۱۳۳۶-۴۰
۳/۲	۱۳	-	۲	۳/۷۵	۵	۲/۲	۵	۵	۱	دوم ۱۳۴۱-۴۵
۳/۶	۱۷	۳	۳	-	-	۲/۶	۸	۲/۵	۶	سوم ۱۳۴۶-۵۰
۳	۲۲	-	-	۱	۷	۴/۵	۲	۴	۱۴	چهارم ۱۳۵۱-۵۵
۱/۶۵	۷	-	-	۲	۱	۱/۴	۵	۲/۵	۱	پنجم ۱۳۵۶-۶۰
۱/۶	۳۵	۲	۳	۱/۲۵	۲۱	۲/۴	۱۰	۰	۱	ششم ۱۳۶۱-۶۵
۲/۴	۱۰۰	۲/۷۵	۸	۱/۶	۳۶	۲/۴	۳۰	۳/۴	۲۶	جمع تعداد و معدل کیفیت

در هر کدام از جداول آماری که به نوعی تعدادی از تجدید چاپ های کتب باز نوشته ملحوظ نظر قرار نگرفته است، شاهد کاهش معدل کیفیت کل کار بودیم. این موضوع ما را بر آن داشت تا به طور کامل این مسئله را مدنظر قرار داده و جدول پیوست بر این اساس تهیه و تنظیم گردیده اسن. حاصل کار خود نمایانگر کامل نقش تجدید چاپ کتب در بالا بردن

معدل کیفی کار می باشد.

چنانچه تجدید چاپ آثار منتشره در سالهای ۳۶ تا ۵۵ در دهه آخر (۵۶ تا ۶۵) در نظر گرفته نشود، شاهد کاهش چشمگیر تعداد کتب به میزان ۳۰٪ همراه با تنزل بیش از بیش کیفی آثار خواهیم بود.

جدول شماره (۱.۱) ب)
تعداد و کیفیت باز نوشته ها بر اساس دوره و موضوعها با تجدید چاپ

معدل کیفیت	جمع تعداد	تاریخ		سیاست و جامعه شناسی		عرفانی، فلسفی و...		حماسی		موضوع	دوره (سال انتشار)
		کیفیت	تعداد	کیفیت	تعداد	کیفیت	تعداد	کیفیت	تعداد		
۳/۸۵	۶	-	-	۴	۲	-	-	۳/۷۵	۴	اول ۱۳۳۶-۴۰	
۳/۴	۱۵	۳/۵	۲	۲/۷۵	۵	۲/۲	۵	۴	۳	دوم ۱۳۴۱-۴۵	
۲/۷۵	۲۲	۳	۴	۳/۵	۳	۲/۶	۹	۲/۵	۶	سوم ۱۳۴۶-۵۰	
۳/۲	۳۳	-	-	۱	۷	۴/۵	۲	۴	۳۱	چهارم ۱۳۵۱-۵۵	
۲/۲	۹	-	-	۲	۱	۱/۵	۵	۳/۵	۳	پنجم ۱۳۵۶-۶۰	
۲	۵۰	۲/۵	۴	۱/۶	۳۲	۲/۵	۱۲	۱/۵	۲	ششم ۱۳۶۱-۶۶	
۲/۶۵	۱۲۵	۳	۱۰	۲/۶۵	۵۰	۲/۶۵	۳۳	۳	۳۲	جمع و نتیجه	

جدول شماره (۲)
تعداد بازنوشته‌ها براساس زبان متن اصلی

درصد	معدل کیفیت	تعداد بازنوشته‌ها	زبان متن اصلی
۶/۸	۳/۸	۹	اوستایی
۳	۴	۴	* فارسی باستانی، پارتی مانوی، سغدی
۲/۲	۴/۵	۴	پهلوی (پهلوی ساسانی)
۸۸	۲	۱۲۱	فارسی دری
۱۰۰	۲/۳ (**)	۱۳۷	مجموع

(*) . از هر کدام از زبانهای باستان، پارتی، مانوی و سغدی يك بازنوشته موجود بوده است.

(**) . مجموع بازنوشته‌ها و همچنین معدل کیفیت نسبت به سایر جداول تغییر نموده که دلیل عمده آن محاسبه کلیه کیفیت بازنوشته‌ها بوده که در جداول قبلی به دلایل مختلف مورد بحث قرار نگرفته است. بدیهی است این تعداد و معدل به واقعیت نزدیک تر می‌باشند.

جدول شماره (۳)

تعداد و کیفیت باز نوشته ها بر اساس نویسنده متن اصلی مربوط به نمودار ستونی ۱-۴ و

۴-۲

کیفیت	تعداد	نام نویسنده
۳/۳	۱۷	فردوسی
۲/۳	۳	عنصرالمعالی، کیکاووس
۲/۷	۳	خواجه نظام الملک
۱/۲۸	۲۵	نصراله منشی
۳	۱	ظهیرالدین سمرقندی
۲/۸۵	۶	نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف
۱/۵	۷	مرزبان بن رستم بن شروین
۳/۳	۳	دهقانی مؤیدی
۲/۷۵	۱۲	سعدی، مصلح الدین عبدالله
۲/۸	۷	عطار، محمد بن ابراهیم
۲/۲	۱۹	مولوی، جلال الدین محمد
۲	۱	شمس تبریزی
۲/۵	۱	خواجوی کرمانی
۲	۲	خوافی، مجدالدین
۱/۷۵	۲	جامی، نورالدین عبدالرحمان
۲	۱	صفی، فخرالدین علی
۲/۵	۱	مجلسی، ملا محمد باقر
۱	۱	فقیر شیرازی
۳	۱	نراقی، حاج ملا احمد
۰	۱	تفرشی، ابراهیم بدیع الملک
۰	۱	قاسمی کرمانی
۰	۱	حسین خراقاتی، میرزا
۱/۵	۱	اعتصامی، پروین

جدول شماره (۴. الف)

تعداد و کیفیت بازنویسی از متون ادبیات رسمی براساس دوران و قرون مربوط
با ذکر عنوان متن رسمی، (نمودار ستونی ۱-۳ و ۲-۳ و ۳-۳)

نام متن و نویسنده	تعداد کل بازنویس	معدل کیفیت	قرن متن اصلی
افسانه‌های باستانی	۱۰	۳/۹-۴	دوران باستان
شاهنامه فردوسی	۱۸	۳/۳۰	قرون چهارم و پنجم
قابوسنامه	۳	۲/۳	قرن پنجم
سیاستنامه خواجه نظام‌الملک	۳	۲/۷	قرن ششم
کلیله و دمنه نصراله منشی	۲۵	۱/۲۸	قرن ششم
سندبادنامه ظهیرالدین سمرقندی	۱	۳	قرن ششم
خمسه نظامی	۲	۲/۲۵	قرن ششم
خسرو و شیرین نظامی	۱	۲/۵	قرن ششم
هفت پیکر	۳	۳/۳	قرن ششم
مرزبان‌نامه	۷	۱/۵	قرن هفتم
فرج بعد از شدت دهقانی مؤیدی	۳	۳/۳	قرن هفتم
گلستان سعدی	۱۰	۲/۷	قرن هفتم
بوستان سعدی	۲	۳	قرن هفتم
الهی‌نامه عطار	۱	۲/۵	قرن هفتم
منطق‌الطیر عطار	۵	۲/۶	قرن هفتم
مصیبت‌نامه عطار	۱	۴	قرن هفتم
مثنوی معنوی مولوی	۱۹	۲/۲	قرن هفتم
مقالات شمس تبریزی	۱	۲	قرن هفتم
همای و همایون خواجهی کرمانی	۱	۲/۵	قرن هفتم
روضه خلد خواقی	۲	۲	قرن هشتم
یوسف و زلیخای جامی	۱	۳/۵	قرن نهم
بهارستان جامی	۱	۱	قرن نهم
لطائف و الطوائف صفی	۱	۲	قرن فهم
اسکندرنامه	۱	۲/۵	قرن دهم
جواهر العقول مجلسی	۱	۲/۵	قرن یازدهم

قرن سیزدهم	۱	۱	خرابات فقیر شیرازی
قرن سیزدهم	۳	۱	طالق‌دیس نراقی
قرن چهاردهم	۰	۱	ملستان تفرشی
قرن چهاردهم	۰	۱	خارستان قاسمی کرمانی
قرن چهاردهم	۰	۱	جان جهان حسینی خراباتی
قرن چهاردهم	۱/۵	۱	دیوان پروین اعتصامی
	۲/۲۵	۱۲۹	جمع و نتیجه

جدول شماره (۴. ب)

تعداد و کیفیت بازنویسی از متون ادبیات رسمی براساس دوران و قرن مربوط به آنها
(نمودار ستونی ۱-۳ و ۲-۳ و ۳-۳)

قرن	تعداد بازنوشته	درصد	معدل کیفیت
دوران باستان قبل از اسلام	۱۰	۸	۴
چهارم	۱۸	۱۵	۳/۳
پنجم	۳	۲/۵	۲/۳
ششم	۳۵	۲۸	۲/۵
هفتم	۵۰	۳۹	۲/۶
هشتم	۲	۱	۲
نهم	۲	۱	۱/۷۵
دهم	۲	۱	۲/۲۵
یازدهم	۱	۰/۵	۲/۵
دوازدهم	-	-	-
سیزدهم	۲	۱	۲
چهاردهم	۴	۳	۰/۴
جمع و نتیجه	۱۲۹	۱۰۰	۲/۳

جدول پیوست که حاصل تنوع کار بازنویسان می باشد راهنمای عمل مفیدی در جهت درك استعدادها در جهات مختلف می باشد.

به هر حال همان طور که تنوع بخشیدن به موضوعات و متون کلاسیک برای بازنویسی اهمیت ملی و اجتماعی و همچنین تربیتی دارد، جدول ذیل نمایانگر آن است که بهتر می بود اگر بازنویسان در يك خط و موضوع خاص که بیشتر توانایی دارند قدم بردارند که در این صورت هم تخصص و شکوفایی استعدادها بیشتر می شد و هم کیفیت کتب و آثار عرضه شده بهتر می گردید.

در این جدول تجدیدچاپها محاسبه نگردیده است.

جدول شماره (۵-الف) جدول کلی بازنوشته‌ها از شاهنامه

عنوان داستان بازنوشته	صفحه	شاهنامه جلد	فراوانی اثر
سرگذشت جمشید	(۳۰-۲۱)	۱۰ ج	۶
نخستین شاهان	(۱۸-۱۲)	۱۰ ج	۱
ضحاک ماردوش	(۵۱-۲۵)	۱۰ ج	۳
کاوه آهنگر	(۵۱-۳۸)	۱۰ ج	۲
فریدون	(۱۰۳-۵۳)	۱۰ ج	۲
داستان ایرج	(۷۵-۶۶)	۱۰ ج	۱
خون‌خواهی منوچهر	(۱۰۰-۷۸)	۱۰ ج	۱
پادشاهی منوچهر	(۱۰۴-۱۰۳)	۱۰ ج	۱
داستان زال و رودابه	(۱۱۷-۱۱۷)	۱۰ ج	۱
سام و سیمرغ	(۱۰۹-۱۰۶)	۱۰ ج	۱
زال و سیمرغ	(۱۰۸-۱۰۶)	۱۰ ج	۲
رستم	(۱۸۸-۱۱۷۷)	۱۰ ج	۳
نبرد ایران و توران	(۲۴۴-۱۹۳)	۱۰ ج	۱
رستم و کیقباد	(۲۳۶-۲۳۱)	۱۰ ج	۱
کیقباد و افراسیاب	(۱۷۱-۱۶۱)	۱۰ ج	۱
جنگ کیکاوس با دیوان مازندران	(۲۶۶-۲۵۲)	۱۱ ج	۱
هفت‌خوان رستم	(۱۹۷-۱۸۱)	۱۰ ج	۳
نبرد کیکاوس با شاه...	(۲۹۹-۲۹۲)	۱۰ ج	۱
داستان سیاوش	(۴۹۰-۴۱۱)	۱۰ ج	۲
رستم و سهراب	(۴۰۸-۲۵۱)	۱۰ ج	۲
گردآفرید	(۳۵۶-۳۵۵)	۱۰ ج	۱
از کیکاوس تا کیخسرو	(۷۸-۱)	۲۰ ج	۱
رستم و خاقان چین	(۳۰۸-۲۴۰)	۲۰ ج	۱
بیژن و منیژه	(۳۸۱-۳۳۰)	۲۰ ج	۲
اسفندیار و هفت‌خوان	(۲۷۵-۲۶۰)	۳۰ ج	۱
اسکندر و کید هندی	(۱۶-۱)	۴۰ ج	۱
داستان بهرام‌گور	(۲۶۲-۲۲۵)	۴۰ ج	۳
داستان پیدایش شطرنج	(۵۰۸-۴۸۷۷)	۴۰ ج	۱
برزو	(۱۷۹-۵۷)	۵۰ ج	۱

جدول شماره (۵-ب)

تعداد و کیفیت کار هر بازنویس براساس موضوعات متون ادب رسمی مربوط به
منحنی (۱-۵) (۲-۵) (۳-۵) بدون در نظر گرفتن تجدید چاپ.

معدل کیفیت	کل تعداد	تاریخ		سیاست و جامعه شناسی		عرفانی، فلسفی و دینی		حماسی		نام نویسنده
		ت	ک	ت	ک	ت	ک	ت	ک	
۳/۷۵	۵	-	-	-	-	-	-	۳/۷۵	۵	یارشاطر، احسان
۴	۱	-	-	-	-	-	-	۴	۱	پوریا، ارسلان
۵	۱	-	-	-	-	-	-	۵	۱	بیضائی، بهرام
۳	۱	-	-	-	-	-	-	۳	۱	کسرائی، سیاوش
۲/۵	۱	-	-	-	-	-	-	۲/۵	۱	افهمی، سیروس
۵	۱	-	-	-	-	۵	۱	-	-	کشکولی، مهدخت
۴/۲۵	۲	-	-	-	-	-	-	۴/۲۵	۲	بهار، مهرداد
۱/۲۵	۲	-	-	-	-	-	-	۱/۲۵	۲	مرسده
۳	۲	-	-	-	-	-	-	۳	۲	فرزانه دهکردی
۲/۶	۹	۳	۳	-	-	۲/۴	۵	۲/۵	۱	خانلری، زهرا
۳	۱	-	-	-	-	-	-	۳	۱	نژد، محمد
۳	۷	-	-	-	-	۲/۷۵	۴	۳/۳	۳	مشرف آزاد تهرانی
۴	۱	-	-	-	-	-	-	۴	۱	مهربان، کورش
۵	۳	-	-	-	-	-	-	۵	۳	کیانوش، محمود
۰	۱	-	-	-	-	-	-	۰	۱	بروشکی، هوشنگ
۲/۷	۲۱	۳/۳	۳	۲/۵	۱۴	۳	۴	-	-	آفریزی، مهدی
۱	۱	-	-	۱	۱	-	-	-	-	واقفی، آثر
۲	۱۰	۲	۲	۱/۸۵	۶	۲/۵	۲	-	-	لزگی، حبیب الله
۳	۲	۳	۱	۳	۱	-	-	-	-	پورحبیب، محسن
۲	۱	-	-	۲	۱	-	-	-	-	وندهور، ابوالحسن
۱	۱۶	-	-	۱	۱۶	-	-	-	-	جعفریان
۱	۷	-	-	۱	۷	-	-	-	-	دستوم، حسین

۱	۱	-	-	۱	۱	-	-	-	-	شعبانی، اسدالله
۱	۱	-	-	۱	۱	-	-	-	-	نعمی، ذاکر
۱	۱	-	-	۱	۱	-	-	-	-	ضیائی
۱/۵	۱	-	-	۱/۵	۱	-	-	-	-	برآبادی، محمود
۱/۸	۹	-	-	۲/۲	۶	۱	۳	-	-	عالی‌پیام، م
۵	۱	-	-	۵	۱	-	-	-	-	فروغی، محمدعلی
۴	۱	-	-	۴	۱	-	-	-	-	مرتضوی کروی
۳	۱	-	-	۳	۱	-	-	-	-	شایسته، خسرو
۳	۱	-	-	-	-	۳	۱	-	-	بصیری، علی‌اکبر
۲	۱	-	-	-	-	۲	۱	-	-	پوپک
۴	۱	-	-	-	-	۴	۱	-	-	رویا
-	۱	-	-	-	-	۰	۱	-	-	رحماندوست، مصطفی
۱	۱	-	-	-	-	۱	۱	-	-	میرزایی، ع
۱	۱	-	-	-	-	۱	۱	-	-	دستوم، نازی
۱	۱	۱	۱	-	-	-	-	-	-	بیدار، بهمن
۳/۵	۲	-	-	-	-	۳/۵	۲	-	-	صبحی مهدی،

جدول شماره (۵ - پ)
کار بازنویس براساس تعداد آثارشان

تعداد	معدل کیفیت	نام بازنویس
۲۱	۲/۷	آذریزدی، مهدی
۱۶	۱	جعفریان
۱۰	۲	لزگی، حبیب‌الله
۹	۱/۸	عالی‌پیام، ماشاءالله
۹	۲/۶	خانلری، زهرا
۷	۱	دستوم، حسین
۸	۳/۱	مشرف‌آزاد تهرانی، محمود

۵	۳/۸	یارشاطر، احسان
۳	۵	کیانوش، محمود
۲	۴/۲۵	بهار، مهرداد
۲	۳	فرزانه، دهکردی، رضا
۲	۳	پورحبيب، محسن
۲	۱/۲۵	مرسده
۱	۵	بيضائی، بهرام
۱	۵	کشکولی مهدخت
۱	۵	فروغی، محمدعلی
۱	۴	پوریا، ارسلان
۱	۴	مهربان، کوروش
۱	۴	مرتضوی کرونی، علیرضا
۱	۴	رویا
۱	۳	بصیری، علی اکبر
۱	۳	شایسته، خسرو
۱	۳	نزد، محمد
۱	۳	کسرائی، سیاوش
۱	۲/۵	افهمی، سیروس
۱	۲	پوپک،
۱	۲	وندهور، ابوالحسن
۱	۱/۵	برآبادی، محمود
۱	۱	شعبانی، اسدالله
۱	۱	ضیائی
۱	۱	میرزاییگی، ع
۱	۱	دستوم، نازی
۲	۱	نعمی، ذاکر
۱	۱	واقفی، آذر
۱	۰	بروشکی، هوشنگ
۱	۰	رحماندوست، مصطفی
۲	۳	صبحی مهتدی، مهدی
۱	۲/۵	بیدار، بهمن

جدول شماره (۶) تعداد و کیفیت کار ناشرین

ناشر	تعداد کتاب	معدل کیفیت	درصد از کل
توسعه کتابخانه‌های ایران	۱۶	۱	۱۳/۴۴
شکوفه	۱۴	۲	۱۱/۷۷
مؤسسه انجام کتاب	۱۳	۲/۱	۱۰/۹۳
گلبرگ	۱۰	۱/۷	۸/۴
کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	۹	۳/۴	۷/۵۶
بنیاد فرهنگ ایران	۸	۲/۶	۶/۷۲
تهران لیات	۷	۱	۵/۸۸
اشرفی	۶	۲/۷	۵/۰۵
پدیده	۶	۲/۲	۵/۰۵
ترجمه و نشر کتاب	۵	۳/۸	۴/۲
اداره کل نگارش فرهنگ و هنر	۳	۵	۲/۵۲
امیرکبیر	۳	۳/۶	۲/۵۲
ابتکار	۲	۰/۷۵	۱/۶۸
قصه‌خونه	۲	۱/۷۵	۱/۶۸
ایران رکورد	۱	۲/۵	۰/۸۴
خشایار	۱	۰	۰/۸۴
رادیو تلویزیون آموزشی	۱	۵	۰/۸۴
سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی	۱	۴/۵	۰/۸۴
سازمان پژوهش	۱	۰	۰/۸۴
سپیده	۱	۳	۰/۸۴
سی‌بی‌اس	۱	۲	۰/۸۴
کانون فرهنگ و هنر اسلامی	۱	۴	۰/۸۴
کتابفروشی محمدی	۱	۳	۰/۸۴
نادری	۱	۱	۰/۸۴
نشر ایماء	۱	۳	۰/۸۴
نشر هنر	۱	۱	۰/۸۴
نیلوفر	۱	۵	۰/۸۴
وزارت فرهنگ	۱	۵	۰/۸۴
یاسر	۱	۰	۰/۸۴

طبقه‌بندی	تعداد ناشرین	تعداد آثار	درصد از کل
ناشرین بین ۱ تا ۵ اثر	۲۰	۳۰	۲۵/۲۱
ناشرین بین ۶ تا ۱۰ اثر	۶	۴۶	۳۸/۶۶
ناشرین بین ۱۱ تا ۱۵ اثر	۲	۲۷	۲۲/۶۹
ناشرین بیش از ۱۵ اثر	۱	۱۶	۱۳/۴۴

نتیجه جدول شماره ۶.

جدول شماره (۷)

تعداد و کیفیت بازنویسی براساس هریک از متون ادبیات رسمی و تاریخ نشر.

شاهنامه		
سال نشر بازنویسته (دوره)	تعداد بازنویسی	معدل کیفیت
اول ۱۳۳۶-۴۰	-	-
دوم ۱۳۴۱-۴۵	-	-
سوم ۱۳۴۶-۵۰	۵	۲/۴
چهارم ۱۳۵۱-۵۵	۱۲	۴
پنجم ۱۳۶۱-۶۵	۲	۱/۵
جمع نتیجه	۱۹	۳/۳

افسانه‌های باستانی «قبل از اسلام»		
سال نشر بازنوشته (دوره)	تعداد بازنویسی	معدل کیفیت
اول ۱۳۳۶-۴۰	۴	۳/۷۵
دوم ۱۳۴۱-۴۵	۴	۴
سوم ۱۳۴۶-۵۰	۲	۳/۵
چهارم ۱۳۵۱-۵۵	۲	۴/۵
پنجم ۱۳۶۱-۶۵	-	-
جمع نتیجه	۱۴	۳/۹

قابوسنامه		
سال نشر بازنوشته (دوره)	تعداد بازنویسی	معدل کیفیت
اول ۱۳۳۶-۴۰	-	-
دوم ۱۳۴۱-۴۵	۱	۴
سوم ۱۳۴۶-۵۰	-	-
چهارم ۱۳۵۱-۵۵	-	-
پنجم ۱۳۶۱-۶۵	۲	۳
جمع نتیجه	۳	۳/۳

سیاستنامه		
سال نشر بازنوشته (دوره)	تعداد بازنویسی	معدل کیفیت
اول ۱۳۳۶-۴۰	-	-
دوم ۱۳۴۱-۴۵	۱	۴
سوم ۱۳۴۶-۵۰	-	-
چهارم ۱۳۵۱-۵۵	-	-
پنجم ۱۳۵۶-۶۰	-	-
ششم ۱۳۶۱-۶۵	۲	۲
جمع نتیجه	۳	۲/۶۵

کلیله و دمنه*		
سال نشر بازنوشته (دوره)	تعداد بازنویسی	معدل کیفیت
اول ۱۳۳۶-۴۰	۱	۴
دوم ۱۳۴۱-۴۵	۱	۴
سوم ۱۳۴۶-۵۰	۱	۴
چهارم ۱۳۵۱-۵۵	-	-

۲	۱	ششم ۱۳۵۶-۶۰
۱	۵	پنجم ۱۳۶۱-۶۵
۲	۹	جمع نتیجه

مربوط به هیستوگرام شماره (۹)

* از سال ۳۶ تا ۶۵ کلاً با احتساب تجدیدچاپ و نشر مجلد کتب ۲۶ بار از روی کلیله و دمنه بازنویسی شده است که در این میان شانزده مورد آن توسط آقای جعفریان با معدل کیفیت ۱ (بد) بازنویس گردیده که به دلیل عدم وجود تاریخ نشر در جدول قید نشده است.

سندبادنامه		
معدل کیفیت	تعداد بازنویسی	سال نشر بازنوشته (دوره)
-	-	اول ۱۳۳۶-۴۰
۳	۱	دوم ۱۳۴۱-۴۵
-	-	سوم ۱۳۴۶-۵۰
-	-	چهارم ۱۳۵۱-۵۵
-	-	پنجم ۱۳۵۶-۶۰
۳	۱	ششم ۱۳۶۱-۶۵
۳	۲	جمع نتیجه

يك مورد ديگر مربوط به حسين دستوم مي باشد كه معدل كار كيفي ايشان نيز (۱) بد بوده و كتاب فاقد تاريخ نشر است.

خمسہ نظامی		
معدل کیفیت	تعداد باز نویسی	سال نشر باز نوشته (دوره)
-	-	اول ۱۳۳۶-۴۰
-	-	دوم ۱۳۴۱-۴۵
۲/۵	۱	سوم ۱۳۴۶-۵۰
-	-	چهارم ۱۳۵۱-۵۵
-	-	پنجم ۱۳۵۶-۶۰
۲	۱	ششم ۱۳۶۱-۶۵
۲/۲۵	۲	جمع نتیجه

هفت پیکر		
معدل کیفیت	تعداد باز نویسی	سال نشر باز نوشته (دوره)
-	-	اول ۱۳۳۶-۴۰
۳	۱	دوم ۱۳۴۱-۴۵
۳/۲	۳	سوم ۱۳۴۶-۵۰

-	-	چهارم ۱۳۵۱-۵۵
-	-	پنجم ۱۳۵۶-۶۰
-	-	ششم ۱۳۶۱-۶۵
۳/۱	۴	جمع نتیجه

مرزبان نامه		
معدل کیفیت	تعداد باز نویسی	سال نشر باز نوشته (دوره)
۴	۱	اول ۱۳۳۶-۴۰
-	-	دوم ۱۳۴۱-۴۵
-	-	سوم ۱۳۴۶-۵۰
-	-	چهارم ۱۳۵۱-۵۵
۱/۵	۱	پنجم ۱۳۵۶-۶۰
۱/۵	۶	ششم ۱۳۶۱-۶۵
۱/۸	۸	جمع نتیجه

الهی نامه

سال نشر باز نوشته (دوره)	تعداد باز نویسی	معدل کیفیت
اول ۱۳۳۶-۴۰	-	-
دوم ۱۳۴۱-۴۵	-	-
سوم ۱۳۴۶-۵۰	۱	۲/۵
چهارم ۱۳۵۱-۵۵	-	-
پنجم ۱۳۵۶-۶۰	-	-
ششم ۱۳۶۱-۶۵	-	-
جمع نتیجه	۱	۲/۵

منطق الطیر عطار

سال نشر باز نوشته (دوره)	تعداد باز نویسی	معدل کیفیت
اول ۱۳۳۶-۴۰	-	-
دوم ۱۳۴۱-۴۵	۲	۲/۷۵
سوم ۱۳۴۶-۵۰	۳	۳/۳
چهارم ۱۳۵۱-۵۵	-	-

-	-	ششم ۱۳۵۶-۶۰
۱	۲	پنجم ۱۳۶۱-۶۵
۶	۳	جمع نتیجه

مصیبت‌نامه عطار		
سال نشر بازنوشته (دوره)	تعداد بازنویسی	معدل کیفیت
اول ۱۳۳۶-۴۰	-	-
دوم ۱۳۴۱-۴۵	-	-
سوم ۱۳۴۶-۵۰	۱	۴
چهارم ۱۳۵۱-۵۵	-	-
پنجم ۱۳۵۶-۶۰	-	-
ششم ۱۳۶۱-۶۵	۱	۴
جمع نتیجه	۲	۴

فرج بعد از شدت		
معدل کیفیت	تعداد باز نویسی	سال نشر باز نوشته (دوره)
-	-	اول ۱۳۳۶-۴۰
۴	۱	دوم ۱۳۴۱-۴۵
-	-	سوم ۱۳۴۶-۵۰
-	-	چهارم ۱۳۵۱-۵۵
-	-	پنجم ۱۳۵۶-۶۰
۲/۶۵	۳	ششم ۱۳۶۱-۶۵
۳	۳	جمع نتیجه

گلستان سعدی		
معدل کیفیت	تعداد باز نویسی	سال نشر باز نوشته (دوره)
-	-	اول ۱۳۳۶-۴۰
-	-	دوم ۱۳۴۱-۴۵
-	-	سوم ۱۳۴۶-۵۰
۳	۱	چهارم ۱۳۵۱-۵۵

-	-	پنجم ۱۳۵۶-۶۰
۲/۴۵	۹	ششم ۱۳۶۱-۶۵
۲/۵	۱۰	جمع نتیجه

بوستان سعدی		
معدل کیفیت	تعداد باز نویسی	سال نشر باز نوشته (دوره)
-	-	اول ۱۳۳۶-۴۰
-	-	دوم ۱۳۴۱-۴۵
-	-	سوم ۱۳۴۶-۵۰
-	-	چهارم ۱۳۵۱-۵۵
-	-	پنجم ۱۳۵۶-۶۰
۳	۲	ششم ۱۳۶۱-۶۵
۳	۲	جمع نتیجه

جوامع الحکایات و لوامع الروایات		
سال نشر بازنوشته (دوره)	تعداد بازنویسی	معدل کیفیت
اول ۱۳۳۶-۴۰	-	-
دوم ۱۳۴۱-۴۵	-	-
سوم ۱۳۴۶-۵۰	-	-
چهارم ۱۳۵۱-۵۵	-	-
پنجم ۱۳۵۶-۶۰	-	-
ششم ۱۳۶۱-۶۵	-	-
جمع نتیجه	-	-

مثنوی معنوی		
سال نشر بازنوشته (دوره)	تعداد بازنویسی	معدل کیفیت
اول ۱۳۳۶-۴۰	-	-
دوم ۱۳۴۱-۴۵	۳	۳/۳
سوم ۱۳۴۶-۵۰	۱	۲
چهارم ۱۳۵۱-۵۵	۱	۴

ششم	۵	۱۳۵۶-۶۰
۱/۴		
پنجم	۹	۱۳۶۱-۶۵
۲/۴		
جمع	۱۹	
۲/۳۵		نتیجه

مربوط به هیستوگرام شماره (۱۰)

مقالات شمس تبریزی		
سال نشر بازنوشته (دوره)	تعداد بازنویسی	معدل کیفیت
اول		
۱۳۳۶-۴۰	-	-
دوم		
۱۳۴۱-۴۵	۱	۱/۵
سوم		
۱۳۴۶-۵۰	۱	۱/۵
چهارم		
۱۳۵۱-۵۵	-	-
پنجم		
۱۳۵۶-۶۰	-	-
ششم		
۱۳۶۱-۶۵	-	-
جمع		
۱/۵	۲	نتیجه

همای و همایون		
سال نشر بازنوشته (دوره)	تعداد بازنویسی	معدل کیفیت
اول ۱۳۳۶-۴۰	-	-
دوم ۱۳۴۱-۴۵	-	-
سوم ۱۳۴۶-۵۰	۱	۲/۵
چهارم ۱۳۵۱-۵۵	-	-
نشم ۱۳۵۶-۶۰	-	-
پنجم ۱۳۶۱-۶۵	-	-
جمع نتیجه	۱	۲/۵

یوسف و زلیخا		
سال نشر بازنوشته (دوره)	تعداد بازنویسی	معدل کیفیت
اول ۱۳۳۶-۴۰	-	-
دوم ۱۳۴۱-۴۵	-	-
سوم ۱۳۴۶-۵۰	۱	۲/۵
چهارم ۱۳۵۱-۵۵	-	-

-	-	پنجم ۱۳۵۶-۶۰
-	-	ششم ۱۳۶۱-۶۵
۲/۵	۱	جمع نتیجه

لطائف الطوائف

معدل کیفیت	تعداد باز نویسی	سال نشر باز نوشته (دوره)
-	-	اول ۱۳۳۶-۴۰
-	-	دوم ۱۳۴۱-۴۵
۲	۱	سوم ۱۳۴۶-۵۰
-	-	چهارم ۱۳۵۱-۵۵
-	-	پنجم ۱۳۵۶-۶۰
-	-	ششم ۱۳۶۱-۶۵
۲/۵	۱	جمع نتیجه

اسکندر نامہ

سال نشر باز نوشتہ (دورہ)	تعداد باز نویسی	معدل کیفیت
اول ۱۳۳۶-۴۰	-	-
دوم ۱۳۴۱-۴۵	۱	۲/۵
سوم ۱۳۴۶-۵۰	۱	۲/۵
چهارم ۱۳۵۱-۵۵	-	-
پنجم ۱۳۵۱-۶۰	-	-
ششم ۱۳۶۱-۶۵	-	-
جمع نتیجہ	۲	۲/۵

جواهر العقول

سال نشر باز نوشتہ (دورہ)	تعداد باز نویسی	معدل کیفیت
اول ۱۳۳۶-۴۰	-	-
دوم ۱۳۴۱-۴۵	۱	۲/۵
سوم ۱۳۴۶-۵۰	۱	۲/۵
چهارم ۱۳۵۱-۵۵	-	-

-	-	پنجم ۱۳۵۱-۶۰
-	-	ششم ۱۳۶۱-۶۵
۲/۵	۲	جمع نتیجه

روضه خلد

معدل کیفیت	تعداد بازنویسی	سال نشر بازنویشته (دوره)
-	-	اول ۱۳۳۶-۴۰
-	-	دوم ۱۳۴۱-۴۵
-	-	سوم ۱۳۴۶-۵۰
۴	۱	چهارم ۱۳۵۱-۵۵
-	-	پنجم ۱۳۵۱-۶۰
۲/۵	۲	ششم ۱۳۶۱-۶۵
۳	۳	جمع نتیجه

خارستان

معدل کیفیت	تعداد باز نویسی	سال نشر باز نوشته (دوره)
-	-	اول ۱۳۳۶-۴۰
-	-	دوم ۱۳۴۱-۴۵
-	-	سوم ۱۳۴۶-۵۰
۰	۱	چهارم ۱۳۵۱-۵۵
-	-	پنجم ۱۳۵۶-۶۰
۰	۱	ششم ۱۳۶۱-۶۵
۰	۲	جمع نتیجه

جان جهان

معدل کیفیت	تعداد باز نویسی	سال نشر باز نوشته (دوره)
-	-	اول ۱۳۳۶-۴۰
-	-	دوم ۱۳۴۱-۴۵
-	-	سوم ۱۳۴۶-۵۰
۱	۱	چهارم ۱۳۵۱-۵۵

-	-	پنجم ۱۳۵۶-۶۰
۱	۱	ششم ۱۳۶۱-۶۵
۱	۲	جمع نتیجه

طاق‌دیس		
معدل کیفیت	(دوره) باز نویسی	سال نشر باز نوشته تعداد
-	-	اول ۱۳۳۶-۴۰
۳	۱	دوم ۱۳۴۱-۴۵
۳	۱	سوم ۱۳۴۶-۵۰
-	-	چهارم ۱۳۵۱-۵۵
-	-	پنجم ۱۳۵۶-۶۰
-	-	ششم ۱۳۶۱-۶۵
۳	۲	جمع نتیجه

بهارستان		
سال نشر بازنوشته (دوره)	تعداد بازنویسی	معدل کیفیت
اول ۱۳۳۶-۴۰	-	-
دوم ۱۳۴۱-۴۵	-	-
سوم ۱۳۴۶-۵۰	-	-
چهارم ۱۳۵۱-۵۵	۱	۱
پنجم ۱۳۵۶-۶۰	-	-
ششم ۱۳۶۱-۶۵	۱	۱
جمع نتیجه	۲	۱

خرابات		
سال نشر بازنوشته (دوره)	تعداد بازنویسی	معدل کیفیت
اول ۱۳۳۶-۴۰	-	-
دوم ۱۳۴۱-۴۵	-	-
سوم ۱۳۴۶-۵۰	-	-
چهارم ۱۳۵۱-۵۵	۱	۱

-	-	پنجم ۱۳۵۶-۶۰
۱	۱	ششم ۱۳۶۱-۶۵
۱	۲	جمع نتیجه

ملستان		
معدل کیفیت	تعداد باز نویسی	سال نشر باز نوشته (دوره)
-	-	اول ۱۳۳۶-۴۰
-	-	دوم ۱۳۴۱-۴۵
-	-	سوم ۱۳۴۶-۵۰
۰	۱	چهارم ۱۳۵۱-۵۵
-	-	پنجم ۱۳۵۶-۶۰
۰	۱	ششم ۱۳۶۱-۶۵
۰	۲	جمع نتیجه

جدول شماره (۸) تعداد کار مصوران

ردیف	نام مصور	تعداد
۱	آراسته، ناصر	۱۶
۲	تجویدی، محمد	۱۵
۳	صادقی، علی اکبر	۹
۴	دربندی، قاسم	۸
۵	عربانی، احمد	۶
۶	تجویدی، علی اصغر	۳
۷	زرین کلک، نورالدین	۳
۸	شریف، حسن	۳
۹	مثقالی، فرشته	۳
۱۰	بهرامی، محمد	۲
۱۱	دادخواه، بهمن	۲
۱۲	مظاهری، علی	۲
۱۳	اسپهبد، علیرضا	۱
۱۴	اسماعیل سهی، مرتضی	۱
۱۵	ایمن، اسدالله	۱
۱۶	پاک شیر	۱
۱۷	درفشه، منوچهر	۱
۱۸	ریاحی، نفیسه	۱
۱۹	ستاره سنج، ناصر	۱
۲۰	صانعی، محمد	۱
۲۱	صدوقی، صادق	۱
۲۲	ضیائی	۱
۲۳	فروغی، فرزانه	۱
۲۴	کلاتتری، پرویز	۱
۲۵	مجتهدی کردستانی، عادل	۱
۲۶	محبوبی، حسین	۱
۲۷	ممیز، مرتضی	۱
۲۸	ناطق پور، جواد	۱
۲۹	نجومی، نیکزاد	۱
۳۰	واقفی، آذر	۱
۳۱	وزیری مقدم، محسن	۱

جدول شماره (۹) تعداد و کیفیت بازنوشته‌ها براساس گروههای سنی مخاطب و تاریخ نشر

معدل کیفیت	تعداد کتاب	C		B		A		گروه سنی
		تعداد	کیفیت	تعداد	کیفیت	تعداد	کیفیت	
۳/۸۵	۶	۳/۷۵	۴	۴	۲	-	-	اول ۱۳۳۶-۴۰ دوم
۳/۵	۱۴	۴	۲	۳/۵	۱۱	۳	۱	۱۳۴۱-۴۵ سوم
۲/۵	۲۱	۲/۵	۷	۲/۴	۱۳	۴	۱	۱۳۴۶-۵۰ چهارم
۳	۲۲	۴/۸	۵	۲/۴	۱۶	۴	۱	۱۳۵۱-۵۵ پنجم
۲/۲	۹	۵	۱	۲/۸	۴	۱	۴	۱۳۵۶-۶۰ ششم
۲/۱	۵۲	۳/۳	۳	۲/۴	۳۶	۱	۱۳	۱۳۶۱-۶۵
۲/۶	۱۲۴	۳/۶	۲۲	۲/۶	۸۲	۱/۴	۲۰	مجموع و نتیجه

نمودار ۱

نمودار تعداد باز نوشته ها براساس زبان متن اصلی:

توضیح اینکه:

a4

فارسی دری

a3

پهلوی

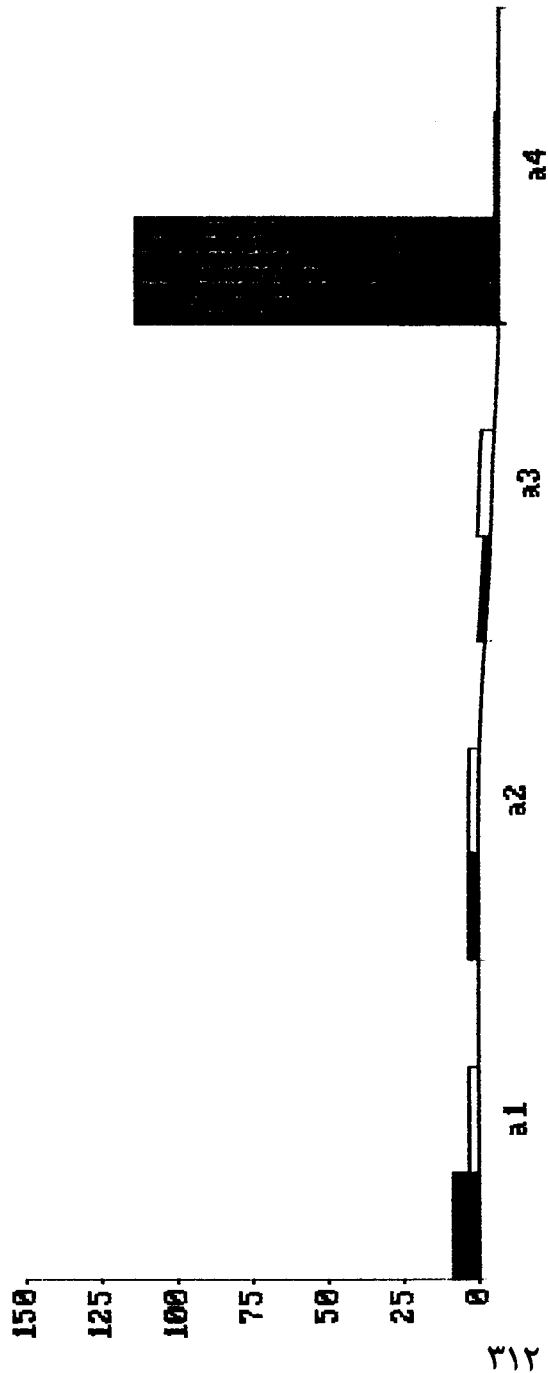
a2

فارسی باستان

a1

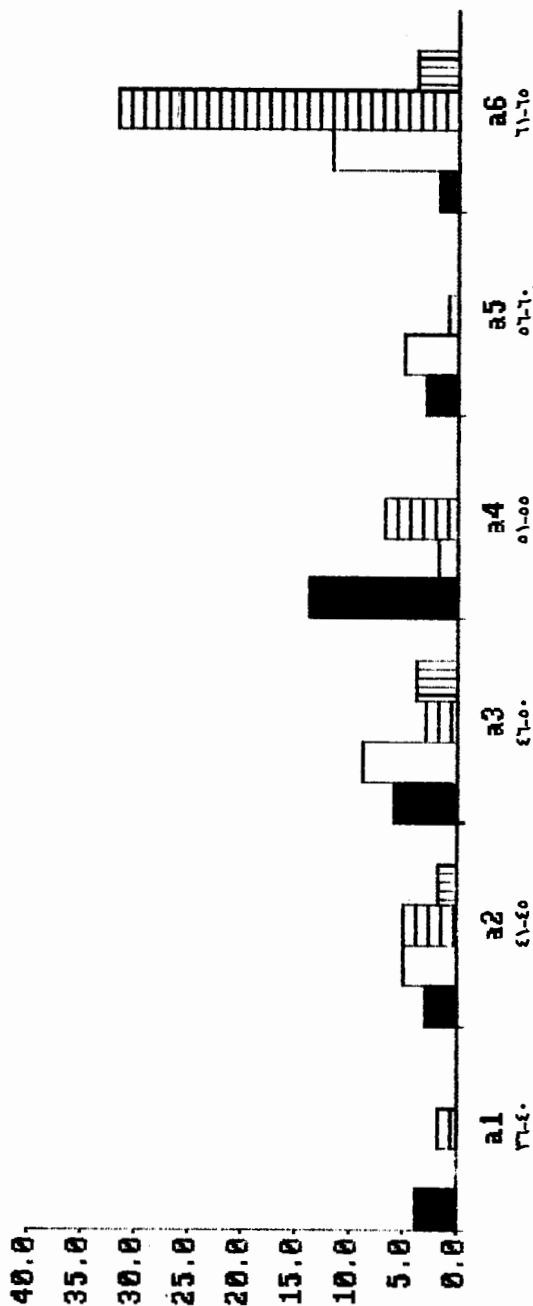
اوستایی

خانه سفید، نشانه معدل کیفیت. خانه سیاه، نشانه تعداد.

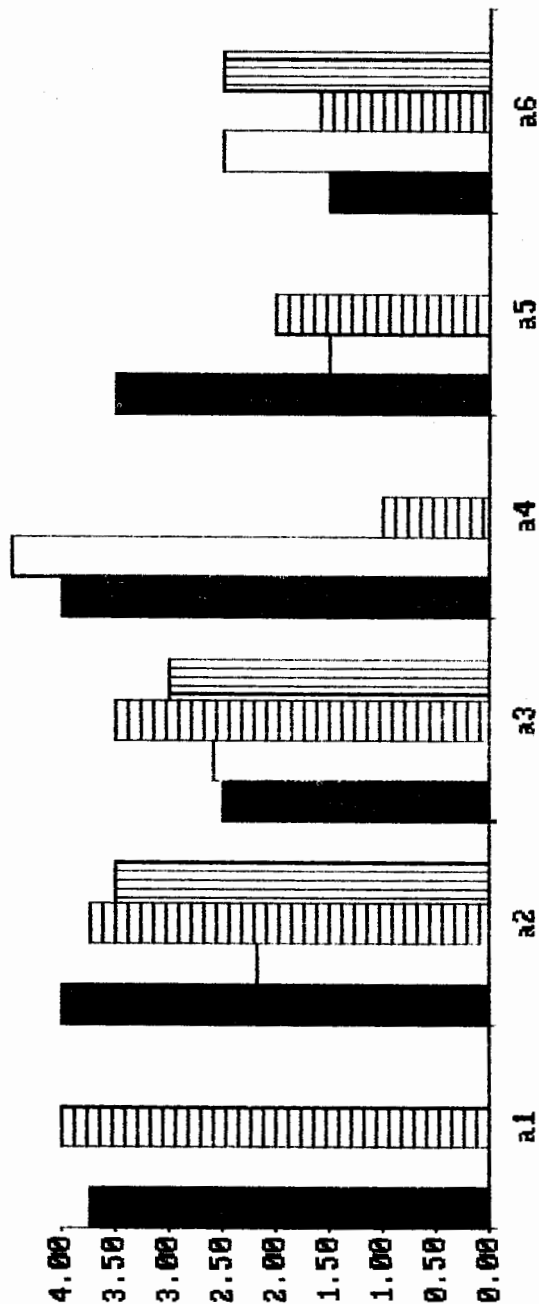


نمودار ۱ - ۲

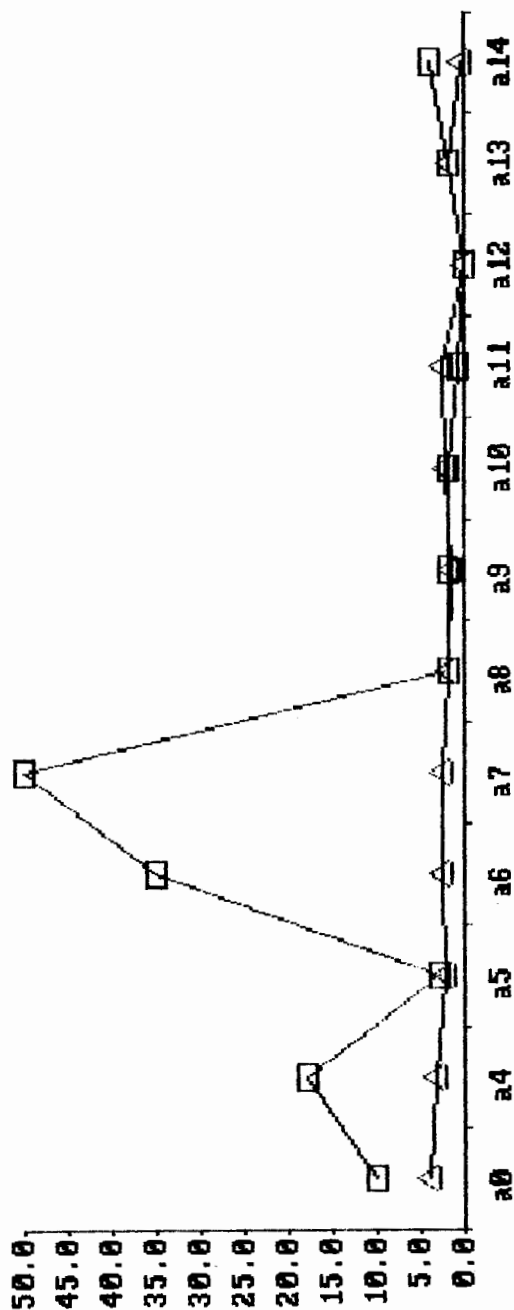
نمودار تعداد بازنوشته‌ها براساس دوره نشر و موضوعات:
 توضیح اینکه: دوره‌های زمانی نشر a1-a6
 خانه سیاه، حماسی. خانه سفید، عرفانی. هاشور افقی، سیاست و جامعه‌شناسی.
 هاشور عمودی، تاریخ .



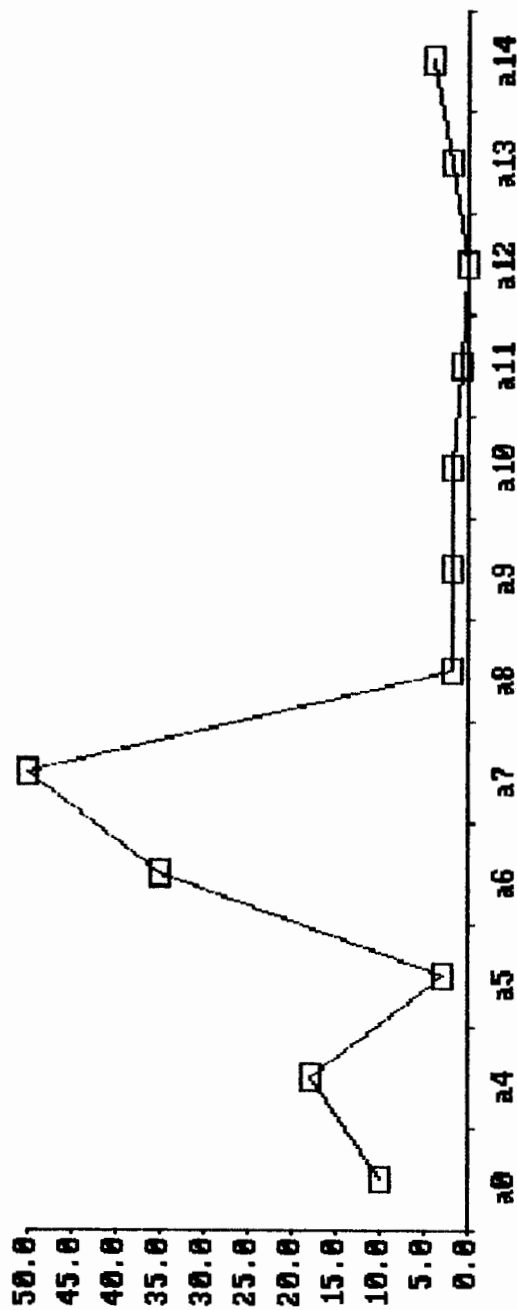
نمودار کیفیت بازنوشته‌ها براساس دوره نشر و موضوع (معدل کیفی):
توضیح اینکه: a1-a6 دوره‌های زمانی نشر می‌باشد.
خانه سیاه، حماسی. خانه سفید، عرفانی. هاشور افقی جامعه‌شناسی.
هاشور عمودی، تاریخ.



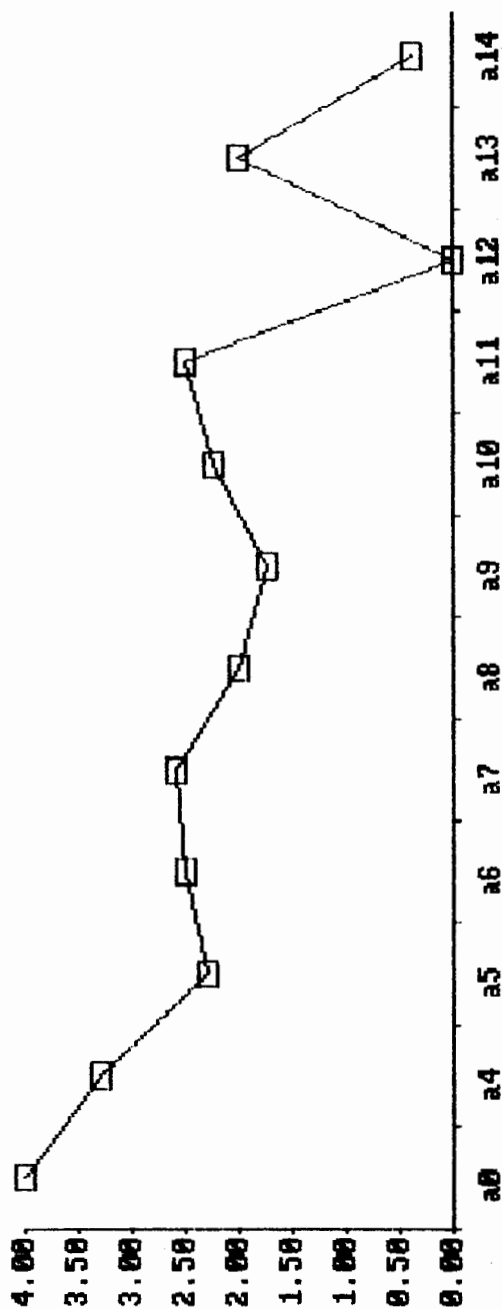
منحنی تعداد و کیفیت براساس دوران نظم و نثر فارسی (قرون تألیف متون اصلی):
توضیح: a_0 - a_{14} = دوران باستان تا قرن چهاردهم.



منحنی تعداد باز نوشته ها بر اساس دوران و قرون متون اصلی:
توضیح اینکه: $a_0 - a_{14} =$ فارسی باستان تا قرن چهاردهم.

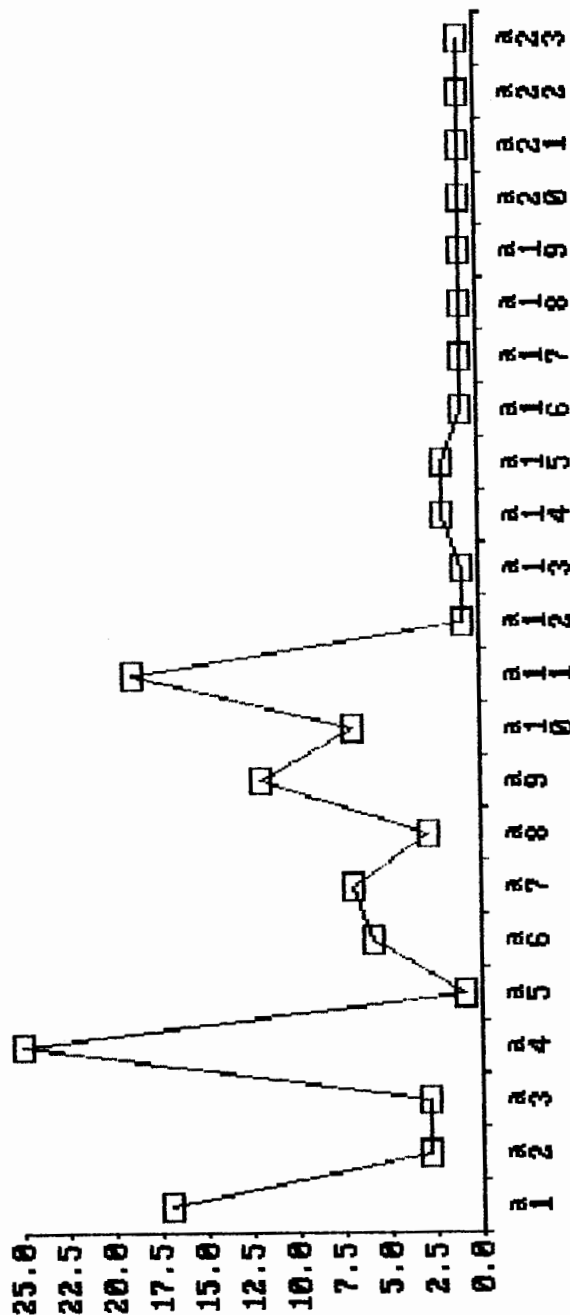


منحنی کیفیت بازنوشتها براساس دوران متون اصلی:
توضیح اینکه: $a_0 - a_{14}$ = دوران باستان تا قرن چهاردهم.



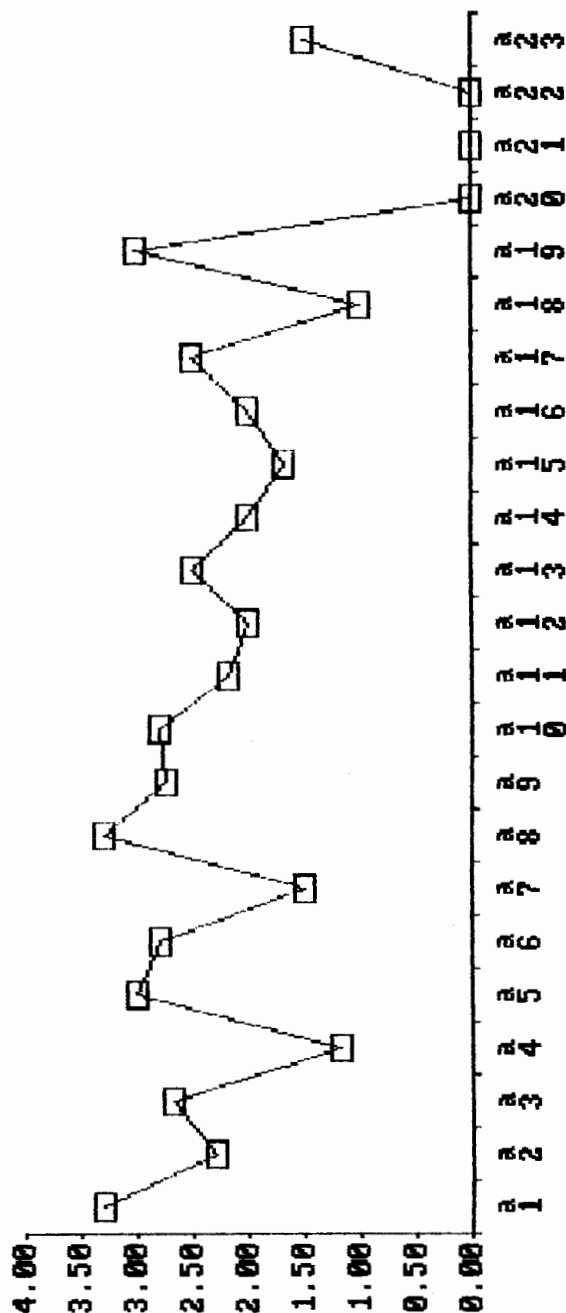
تعداد باز نوشته ها بر اساس نویسنده متن اصلی:

توضیح اینکه: بر اساس جدول شماره ۴ a1-a23 فردوسی تا پروین اعتصامی می باشد.

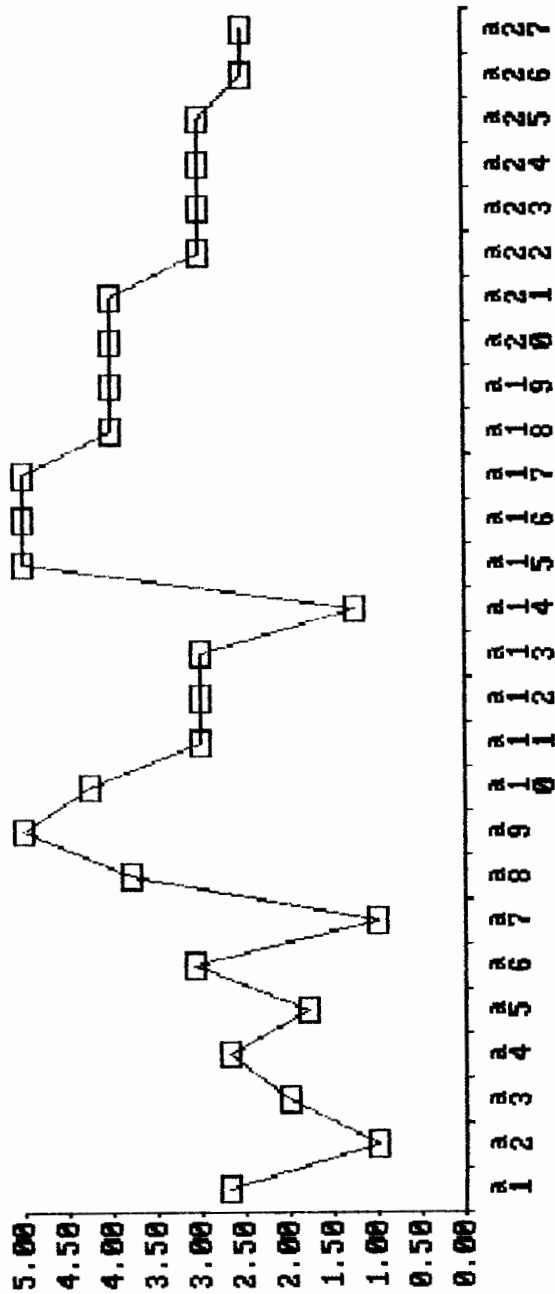


منحنی کیفیت بازنوشته‌ها براساس نویسنده متن اصلی:

توضیح اینکه: نویسندگان متون اصلی a1-a23

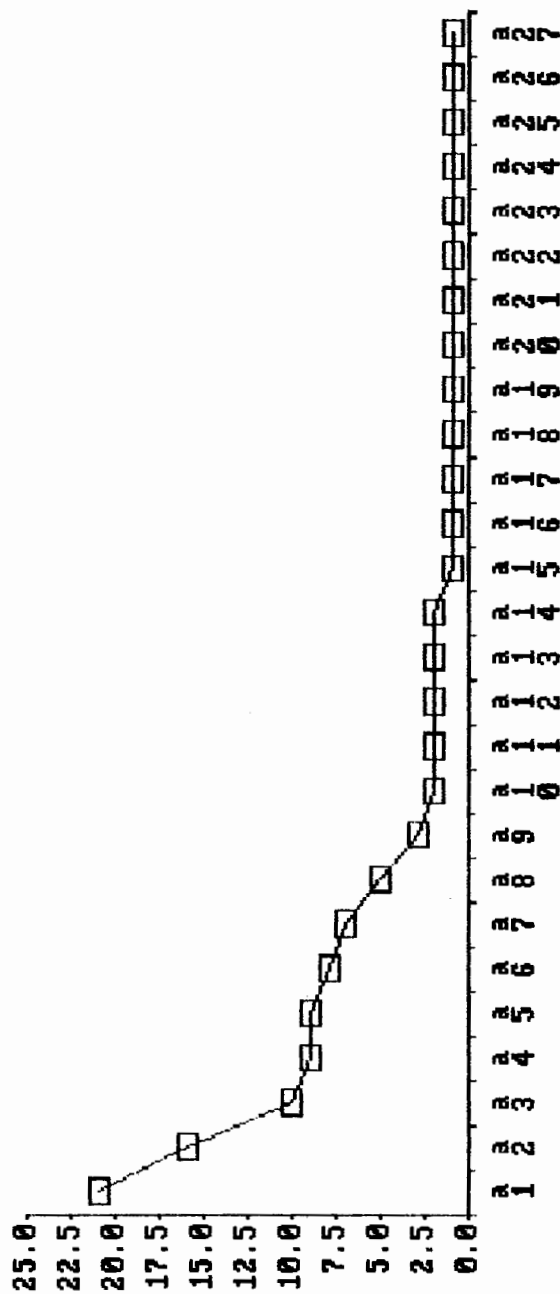


منحنی کیفیت کار ۲۷ بازنویس براساس تعداد اثر:
توضیح اینکه: بیست و هفت بازنویس براساس a1-a27 مرتب شده‌اند.

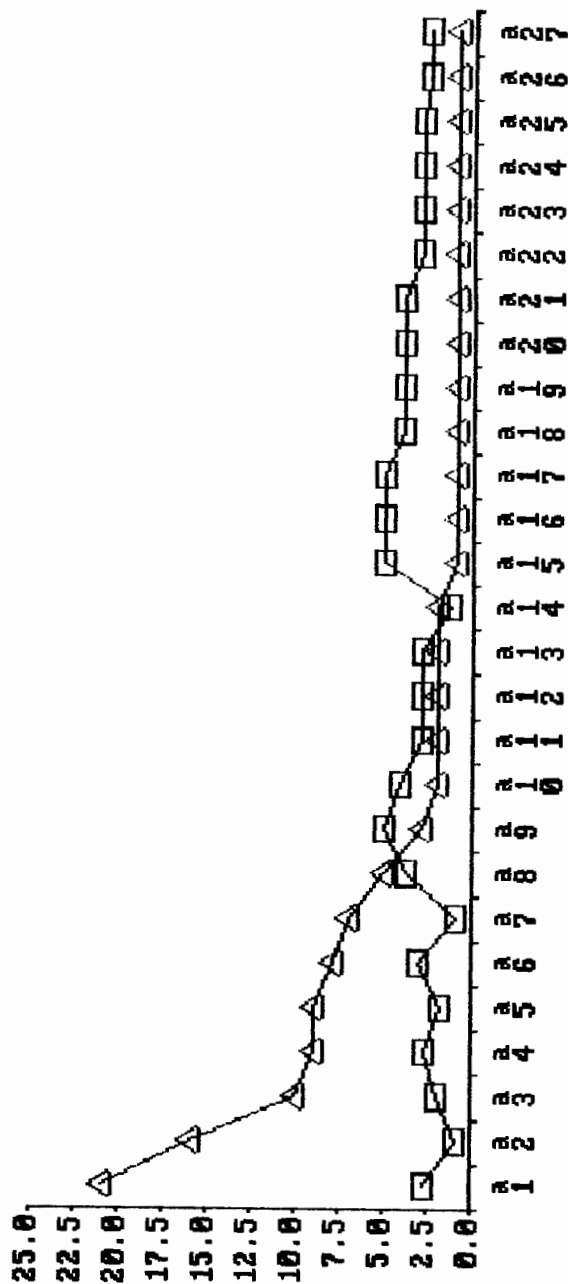


نمودار ۲ - ۵

منحنی تعداد کار هر بازنویس براساس صورت جدول شماره ۵:
توضیح اینکه: ۲۷ a1-a27 بازنویس می‌باشد.



منحنی تعداد و کیفیت کار هر بازنویس براساس صورت جدول شماره ۵:
توضیح اینکه: ۲۷ a1-a27 بازنویس هستند.



نمودار ۶

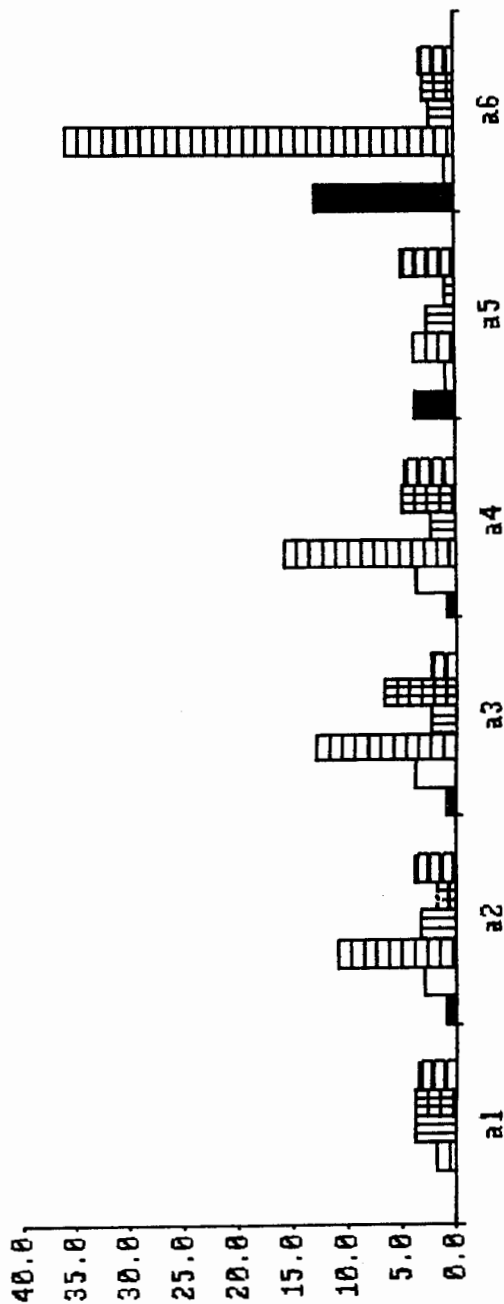
نمودار تعداد و کیفیت بازنوشته‌ها براساس گروه‌های سنی مخاطب و تاریخ نشر:

توضیح اینکه: دوره‌های نشر: ۱۳۳۶-۱۳۶۵ می‌باشد.

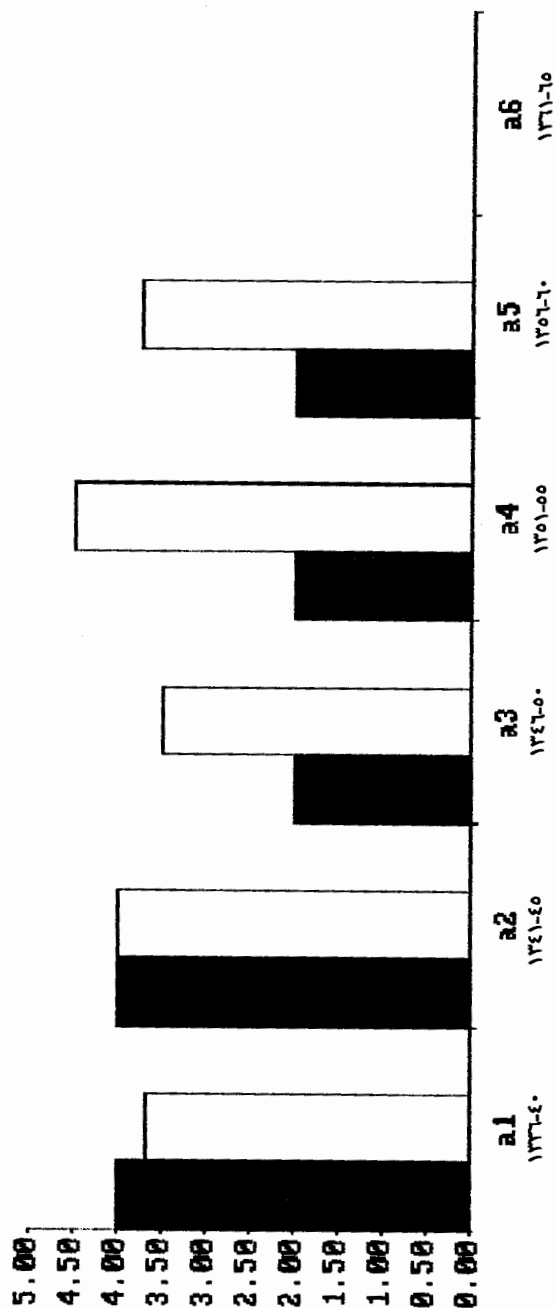
خانه سیاه، تعداد کتب گروه سنی A خانه سفید، کیفیت کتب گروه سنی A.

هاشور افقی، تعداد کتب گروه سنی B هاشور عمودی کیفیت کتب گروه سنی B.

هاشور دو خط عمود بر هم، تعداد کتب گروه سنی C، هاشور افقی چند خط، کیفیت کتب گروه سنی C.



هیستوگرام تعداد و کیفیت بازنوشته‌ها از افسانه‌های باستانی:
توضیح اینک: a1-a6 شش دوره زمانی نشر ۱۳۳۶-۱۳۶۵ می‌باشد.
خانه سیاه، تعداد بازنوشته‌ها. خانه سفید، کیفیت می‌باشد.

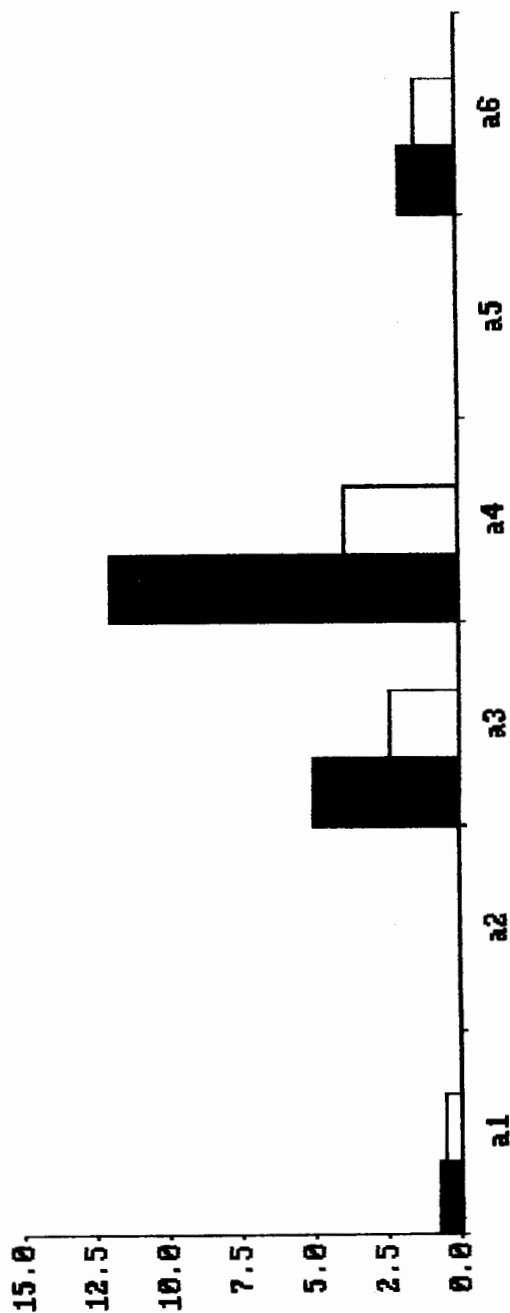


نمودار ۲ - ۷

هیستوگرام تعداد و کیفیت بازنوشته‌ها از شاهنامه.

توضیح اینکه: a1-a6 شش دوره زمانی ۱۳۳۶-۱۳۶۵ می‌باشد.

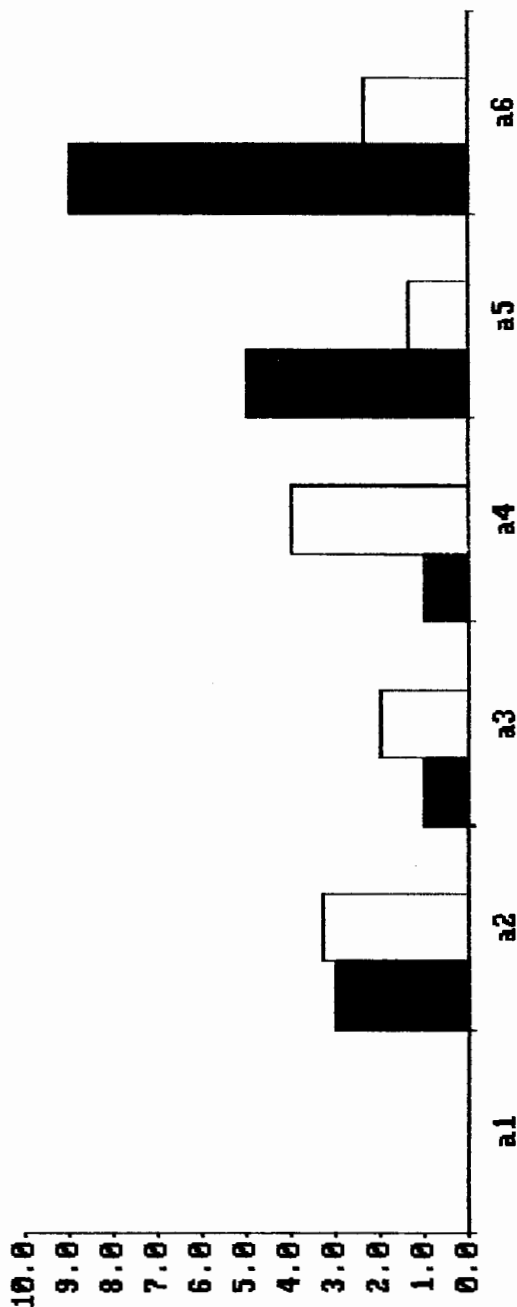
خانه سیاه، تعداد بازنوشته‌ها. خانه سفید، کیفیت بازنوشته‌ها می‌باشد.



هیستوگرام تعداد و کیفیت باز نوشته‌ها براساس کلیه دونه:
توضیح اینکه: a1-a6 شش دوره زمانی ۱۳۳۶-۱۳۶۵ می باشد.
خانه سیاه، تعداد باز نوشته‌ها. خانه سفید، کیفیت باز نوشته‌ها.



نمودار ۴ - ۷
 هیستوگرام تعداد و کیفیت بازنوشته‌ها براساس مثنوی معنوی:
 توضیح اینکه: a1-a6 شش دوره زمانی ۱۳۳۶-۱۳۶۵ می‌باشد.
 خانه سیاه، تعداد بازنوشته‌ها. خانه سفید، کیفیت بازنوشته‌ها.



نظرات و پیشنهادها

نتیجه بر آنچه گذشت:

چنان که نتایج آماری نشان می‌دهد، در بازنویسی برای کودکان و نوجوانان با موارد و مشکلات زیر مواجه بوده‌ایم:

- بازنویسی از سالهای شروع تا امروز روند رشد و تکامل و تحول را نیموده است. خوب شروع می‌شود، اوج می‌گیرد، مدتی در مسیر مستقیم و طبیعی حرکت می‌کند. آنگاه سیر نزولی را با سرعتی غیرقابل قبول آغاز می‌کند.

- بیشتر کمیت مدنظر بوده نه کیفیت. افرادی نظیر آذریزدی که بجای نشر ۲۴ کتاب مجموعه چند داستانی با کیفیت خوب منتشر می‌کنند انگشت‌شمارند.

- در کار بازنویسها نیز اگر از استثناها بگذریم تکامل و تحول دیده نمی‌شود. اگر خلاقیت دارند همیشه همانند و چون غیرمتمه‌دند راه به‌سوی کمال نمی‌پیمایند.

- با اینکه ادعا می‌کنند از ادب رسمی الهام گرفته‌اند، با نویسنده و موضوع و بستر فرهنگی آن هم‌رنگ نمی‌شوند. در واقع بازنوشته ملهم از اثر اصلی نیست. نام اثر اصلی را به افتخار یدک می‌کشد.

- اصالت مأخذ که با دل گرفتن و در دل جای دادن است در اکثر آثار به‌چشم نمی‌خورد.

- به کرات می‌بینیم که ادبیات تعلیمی را در قصه کودکان به مفهوم آموزش مستقیم گرفته‌اند. در انتهای داستان خرواری پند و اندرز مستقیم و نتیجه‌گیری مستقیم‌تر وجود دارد.

- در ارائه اندیشه متعالی يك متن رسمی کم‌تر امانت داشته‌اند. اثر را مثله نموده سهم داستانیش را برداشته و حتی دگرگون نموده‌اند.

- در پیامها دخل و تصرف نابجا شده است. چنان که ارتباط لازم بین کودک و صاحب اندیشه برقرار نمی‌شود. جهان‌بینی، فلسفه زندگی، خلق و خوی انسانی که از مفاهیم جاری و ثابت آثار ادب رسمی است جز به تصنع و ریا منتقل نشده است.

- بسیاری از بازنویسان باتوجه به عدم رعایت معیارهای لازم بازنویسی موجب عدم رشد و تکامل این فن شریف شده‌اند. در کنار ایشان بازنویسانی بوده‌اند که به بازنویسی معنا و مفهوم نو بخشیده و ثابت کرده‌اند که هرگاه بازنویس متعهد و صالح باشد، بازنویسی جایگاه خاص خود را می‌یابد.

- در بسیاری از موارد اثری از خلاقیت دیده نشده، در انتقال پیامها امین نبوده‌اند و گاه مفهوم هدف اصلی را فراموش کرده‌اند.

- گروهی فضای فلسفی و عرفانی پشت يك اثر را ترسیم ننموده و دل به بیان صوری و انتزاعی يك ماجرا خوش داشته‌اند. اگر هدف بازنویسی از ادب رسمی فقط دریافت يك قصه بوده، ترجیح دارد از مضامین دوران حاضر انتخاب شود تا ماجرا ملموس باشد و گرنه يك قصه تنها نمی‌تواند بین كودك و ادبیات كهنش پیوند برقرار نماید.

- ارزش آثاری به زبانشان بوده، در بازنویسی از آن آثار زبان محاوره و شکسته و غیرادبیانه بکار برده شده است.

- هرگاه نکات و ظرافتهای ادبی را ارائه داده‌اند، دانش و معلومات و اطلاعات گروههای سنی را از یاد برده‌اند.

- گروهی کارشان صرفاً بر تقلید و تکرار بوده است، و اگر کمی از دایره احتیاط پا بیرون گذاریم باید بگوییم به بازنوشت‌های دیگران و متون ادب رسمی دستبرد زده‌اند.

- از مرزبان‌نامه و کلیله به بهانه سختی استفاده از نثر فنی و مصنوع، فراوان بازنویسی شده است آن‌هم بر مدار تکرار و تقلید. در بازنویسی از مثنوی نیز این کمیت مطرح می‌باشد. آثار با کیفیت بسیار خوب اندك است. در مورد بازنویسی شاهنامه این انحطاط به چشم نمی‌خورد. شاید به این دلیل که اکثر بازنویسان آن از اساتید فن و ادبند.

- پایان داستانهای اجتماعی معمولاً با يك شعار چاشنی زده می‌شود و بر پایان داستانهای دیگر با پندهای اخلاقی، با کمی مطالعه در زندگی بازنویسان به این نتیجه می‌رسیم که چون بازنویسی به كودك یا ادب رسمی یا ادب کودکان شناخت داشته است، اثرش نقش اصالت دارد و نویسندگان تازه کاری که هیچ‌گونه تجربه‌ای در شناخت كودك یا آگاهی ادبی ندارند، بدترین آثار را موجب بوده‌اند.

- در مجموع نه تنها امانتهای ارزشمند ادبی به دست ناآگاهان افتاده است که امانت بزرگ و سرمایه آینده کشور را که کودکان می‌باشند دست کم گرفته‌اند و در انتقال میراثهای فرهنگی به آنان امین نبوده‌اند.

- اکثر دوره‌ها خاصه از سال ۶۱-۶۳ بازنویسانی صاحب بیشترین کمیت آثار بوده‌اند که به اصول بازنویسی آشنایی نداشته با عدم تسلط به ادب فارسی به تخریب و تحریف درونمایه متون ادب رسمی در بازنوشت‌ها پرداخته‌اند. کتابهایی در قطع بزرگ آلبومی با تصاویر چهاررنگ به صورت يك داستان اکثراً و گاه نیز مجموعه چند داستان با اغلاط

متعدد ارائه داده‌اند که هر صاحب فنی را متأثر می‌نماید.

- این متون در كودك و نوجوان اگر بیزاری ایجاد نکند میلی به ادب رسمی نیز پیش نمی‌آورند.

- در پایان ذکر این نکته ضروری است که افراد متعهدی وقت بر تحقیق و گردآوری مجموعه‌ای از داستانهای ادب رسمی می‌گذارند. هم‌چون آفریزی و گروهی دیگر هر يك از داستانهای همان مجموعه را به‌صورت کتابی جداگانه به نام خود چاپ می‌کنند و به جامعه خوانندگان خردسال عرضه می‌دارند و به این طریق بازار طبع و نشر و خرید را به خود اختصاص می‌دهند.

پیشنهادهات:

باتوجه به آنچه از نتایج فصلی، نهایی و ارائه‌یافته‌ها مطرح آمد. بر مشکلات موجود بازنویسی سه راهحل پیشنهاد می‌گردد. براساس شرایط بازنویسی و بازنویس.

راهحل اول

توجه به صلاحیت بازنویس:

- احاطه بر ادب رسمی و ادبیات كودكان.

- شناخت هم‌جانبه گروههای سنی مخاطب.

- داشتن هنر و ذوق نویسندگی برای كودكان و نوجوانان.

پیشنهاد: در صورتی که بازنویس به یکی از این سه شرط آراسته نباشد از متخصصین

امر در آن زمینه یاری طلبد.

راهحل دوم

توجه به اعتبار بازنوشته:

- اصالت اثر در محتوا، ساخت و پرداخت، زبان و بیان حفظ شود و ارزش پیام در نظر

گرفته شود.

- در مقابل کمیت به کیفیت کار نیز توجه گردد.

- به تنوع کار و تعادل در گزینش توجه شود. به متنی از ادب رسمی اقبال نگردد و از

دیگری چشم‌پوشی نشود.

- تواناییهای كودك و نوجوان در درجه‌بندی سبك بازنویسی از ساده به دشوار در نظر

گرفته شود.

پیشنهاد: تمامی آثار بزرگ و ارزشمند ادب رسمی را به‌صورت بازنویسی، بازآفرینی و

ساده‌نویسی و بازنویسی همراه متن اصلی و ساده‌نویسی تلفیقی با متن اصلی برگزینند و در اختیار کودکان و نوجوانان قرار دهند اما باتوجه به تعهد در بازنویسی.

- در انتخاب داستان فضای خاص اثر مدنظر باشد.

- برای سالهای قبل از دبستان بهتر است از ادب عامه بازنویسی نمایند، برای سالهای اول دبستان و پایان دبستان، بازآفرینیهای پرمفهوم و ساده‌نویسی آموزنده با مفاهیم و معانی تازه ایجاد نمایند.

- برای دوره راهنمایی، بازنویسی تلفیقی با متن اصلی و بازآفرینی حاوی مفهوم و موضوع کل اثر تألیف شود. مانند کار آقای مشرف‌آزاد تهرانی در درخت زندگی و کار آقای محمود کیانوش در شبگیر، سیاهی و آفتاب.

- برای دوران دبیرستان می‌توان از آثار ادب رسمی گزیده، تلخیص اثر تهیه نمود. در ضمن از بازآفرینیهای باارزش می‌توان استفاده نمود. چون بازآفرینی گاه تجربه‌ای هنری است که حتی بزرگسالان را خشنودی و اطلاع کلی همراه می‌سازد. برگزیده‌ها و بازآفرینیهای موجود می‌تواند نمونه خوبی باشد. متون ساده و روان مانند لطائف‌الطوائف و بسیاری از داستانهای گلستان برای گزیده مناسب است.

- حتی برای سالهای آخر دبستان و دوره راهنمایی نیز آثار تلفیقی اصل اثر و بازنویسی می‌تواند کمک‌کننده باشد.

- روی کتبی نظیر سفرنامه ناصر خسرو، تاریخ بیهقی... می‌توان بازنویشته‌های خوبی ایجاد کرد. این نوع کتب را می‌توان با کمترین تصرف بازنویسی، خلاصه و ساده نمود. داستانهای منابع اوستایی - پهلوی در صورت مناسب بودن مفاهیم و پیامها بی‌کم و کاست برگردان و بازآفرینی شود.

- شناخت حد علمی و واژگان کودکان و نوجوانان بسیار ضروری است. زبان و بیان متناسب با توانمندی گروه سنی مخاطب باشد.

- اولویت در گزینش آثار ادب رسمی را در بازنویسی به شناخته شده‌ترین آنها که معمولاً همه آرزو می‌کنند خوانده باشند ولی وقت و حوصله خواندن ندارند، اختصاص دهند. باید به یاد داشت آنهایی که در کودکی و نوجوانی بازنویشته آثار بزرگ را نخوانده‌اند، در بزرگسالی نیز موفق به مطالعه نشده‌اند. باید امیدوار بود، نسلی که با بازنویشته‌ها ادبیات رسمی را می‌آموزند، تشویق به خواندن آثار ادب رسمی شوند.

- بسیاری از آثار ادب رسمی را می‌توان از سالهای آخر دبستان با صدای بلند مطالعه

نمود تا عكس العمل كودك و نوجوان را نسبت به اثر اصلی ملاحظه نمود.

- اكثر متون ادب رسمی را در تمامی موضوعات، مورد تجربه قرار دهند و از تجربه نترسند تا با ایجاد بهترین‌ها مشوق تعالی كار، گردند.

- در آثار ادب رسمی باتوجه به فایده نسبی آنها و حق اولویت در رابطه با گروههای سنی مخاطب بازنویسی شود.

- در زبان و نگارش و ساخت و پرداخت می‌توان تغییری داد اما نه چندان كه اثر فردوسی را در قالب كمیكها مبتدل ارائه كنیم .

- برای سالهای اول دبستان از آثاری بازآفرینی شود كه بتوان درونمایه را از اثر تفكیک نمود.

- در به نظم درآوردن آثار منثور، باید دید هویت اصلی این آثار در همان قالب شعری نیست؟

- گفته‌اند كودك از سنین دهسالگی به بعد فقط با افسانه‌ها ارضاء نمی‌شود، بنابراین در سالهای پایان دبستان می‌توان از داستانهای واقعی ادب رسمی استفاده نمود.

- ساده‌نویسی و بازنویسی كتب تاریخی برای نوجوانان كمك‌كننده است. چه این كتب تأثیر فراوان در تربیت واقع‌بینی كودك و نوجوان دارد و در آنها نگرش تاریخی ایجاد می‌كند.

- در هر صورت داستان ضعیف ارائه نگردد. چه داستان ضعیف، ضعیف است حتی اگر فكر ارزنده‌ای داشته و براساس ضوابط بازنویسی پدید آمده باشد.

- نقش داستانهای واقعی را نیز در جهت سازندگی شخصیت كودك و نوجوان باید احساس نمود و از طریق انتخاب این نوع داستانها، بین كودك و مردم دوران گذشته و حال، ایجاد شناخت و رابطه فرهنگی بعمل آورد.

- اهمیت يك اثر در قابلیت بازآفرینی و بازنویسی برای يك گروه سنی با گروه سنی دیگر متفاوت است. اثری را كه می‌توان برای نوجوانان بازنویسی و ساده‌نویسی نمود برای كودكان ممكن است محال باشد.

- اگر بازنویسی از اثری جز به شكستن انسجام آن اثر ممكن نباشد، قابلیت بازنویسی ندارد. ضرورتی ندارد با نابود كردن نهادها و تغییر درونمایه پیامها، داستان اول و آخر افتاده‌ای را ارائه دهند.

راهنمای سوم

- ایجاد شورایی در نظارت بر حفظ اعتبار اثر و صلاحیت بازنویس،
- از طریق هدایت نویسنده تا بازنویسته در جای مناسب خود نشیند و این شورا می‌باید
مرکب از اعضاء زیر باشد:

- متخصصین روانشناسی کودک.
- متخصصین روانشناسی یادگیری و جامعه‌شناسی و تعلیم و تربیت.
- نویسندگان خاص ادبیات کودکان.
- متخصصین ادب رسمی.
- متخصصین ادب کودکان.

این شورا باید چنین عمل نماید:

- گزینش بهترین آثار و معرفی آن در سطح داخل و خارج ایران.
- تبلیغ و معرفی اثر از طریق رسانه‌های گروهی و مطبوعات.
- حمایت بازنویسان از طریق قبول چاپ و نشر و تبلیغ اثر ایشان.
- تأمین آرامش و آسایش برای بازنویسان از طریق انجام تعهدات مالی، تا مشکلات
زندگی خلایق آنها را تحت تأثیر نگیرد و در آرامش فکری به ارائه آثار خوب بپردازند.
- از آثار ادب رسمی با توجه به فایده نسبی آنها فهرستی فراهم آید. با صراحت اینکه
کدام آثار برای چه گروه سنی با چه ضوابط و در کدام انواع بازنویسی مناسب است. این
پیشنهاد می‌تواند جنبه رهنمود داشته باشد تا ضمن حفظ آزادی هنرمند در گزینش و ارائه
آثار، تعهد او را برانگیزد.

- قدرت اجرایی این شورا باید در تشویق نویسندگان باشد.
- تشکیلات شورا صرفاً جنبه تشویقی و تبلیغی داشته باشد و تحمیل نباشد.
- پشتوانه این شورا حمایت همه سازمانهای علمی، پژوهشی و انتشاراتی کشور باشد.
- موفقیت این شورا تأثیر بر بهبود بازنویسته‌ها و قبولیت همگان از آن است.

فهرست باز نوشته‌ها

کتابنامه

- آخر خرمشاهی، مهدی، رجوع شود به: آفریزی، مهدی.
- آفریزی، مهدی، اصل موضوع. بازنویس از مقالات شمس تبریزی تهران: اشرفی، ۱۳۶۴-۱۳۴۵.
- آفریزی، مهدی، بافنده داننده. تهران: اشرفی، ۱۳۶۴-۱۳۴۵.
- آفریزی، مهدی، پنج افسانه درباره حیوانات. تهران: اشرفی ۱۳۵۰-۱۳۴۵.
- آفریزی، مهدی، حق و ناحق. تهران: اشرفی، ۱۳۶۵-۱۳۴۵.
- آفریزی، مهدی، خیر و شر. تهران: اشرفی، ۱۳۵۰-۱۳۴۴.
- آفریزی، مهدی، ده حکایت از زبان بسته‌ها. تهران: اشرفی ۱۳۴۷-۱۳۴۵.
- آفریزی، مهدی، قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب ج. ۱ قصه‌های برگزیده از کلیله و دمنه. تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۶-۱۳۳۶.
- آفریزی، مهدی، قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب ج. ۲ قصه‌های برگزیده از مرزبان‌نامه. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۵-۱۳۳۸.
- آفریزی، مهدی، قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب ج. ۳. قصه‌های برگزیده از سندبادنامه و قابوسنامه. تهران: شکوفه، ۱۳۶۵-۱۳۴۱.
- آفریزی، مهدی، قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب ج. ۴. قصه‌های برگزیده از مثنوی مولوی. تهران: کتابهای شکوفه (امیرکبیر) ۱۳۶۴-۱۳۴۳.
- آفریزی، مهدی، قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب ج. ۶ قصه‌های برگزیده از شیخ عطار. تهران: شکوفه، (امیرکبیر) ۱۳۶۵-۱۳۴۷.
- آفریزی، مهدی، قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب ج. ۷ قصه‌های گلستان و ملستان. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۲.
- اسماعیل سهی، مرتضی، حکایت مرد و دریا براساس داستانی از مولوی. نوشته و نقاشی اسماعیل سهی. بازنویس سیروس طاهباز. تهران: کانون پرورش فکری، ۱۳۶۳.
- افهمی، سیروس، آرش کمانگیر. تهران: ایران رکورد. بی‌تا.
- انتشارات خشایار. گرگ و شیر. تهران: خشایار، ۱۳۶۳.

- بر آبادی، محمود، ب بیدار. داستان موش و مار اقتباس از مرزبان نامه. تهران: مؤسسه انجام کتاب، ۱۳۶۰.

- بر آبادی، محمود، بیدار، ب. طیب آزاده. از جوامع الحکایات. تهران: مؤسسه انجام کتاب، بی تا.

- بروشکی، هوشنگ. اسب سپید بالدار. تهران: پژوهش، ۱۳۶۳.

- بصیری، علی اکبر، داستانهای مثنوی. شیراز، کتابفروشی محمدی ۱۳۴۳.

- بهار، مهرداد، بستور. تهران: کانون، ۱۳۵۴.

- بهار مهرداد، جمشیدشاه تهران: کانون ۱۳۵۲-۱۳۴۶.

- بیضایی، بهرام، آرش. تهران: نیلوفر، ۱۳۵۶-۱۳۴۲.

- پوپک. مولانا قصه می گوید. تهران: پدیده، ۱۳۵۰. ۸ ج.

- پورحییب، محسن. اذان نابهنگام. تهران: مؤسسه انجام کتاب، ۱۳۶۲.

- پورحییب. محسن، سه دوست. تهران: مؤسسه انجام کتاب ۱۳۶۳.

- پوریا، ارسلان، آرش تیرانداز. تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۸.

- جعفریان، اردک و لاک پشت. (کلیله و دمنه) تهران: شرکت انتشار و توسعه کتاب،

بی تا.

- جعفریان، مرغ ماهیخوار. (کلیله و دمنه) تهران: شرکت انتشار و توسعه کتاب،

بی تا.

- جعفریان، شیر و خرگوش. (کلیله و دمنه) تهران: شرکت انتشار و توسعه کتاب،

بی تا.

- جعفریان، طوقی و صیاد. (کلیله و دمنه) تهران: شرکت انتشار و توسعه کتاب،

بی تا.

- جعفریان، روباه و خر (کلیله و دمنه) تهران: شرکت انتشار و توسعه کتاب، بی تا.

- جعفریان، موش و گربه (کلیله و دمنه) تهران: شرکت انتشار و توسعه کتاب، بی تا.

- جعفریان، شیر و شتر (کلیله و دمنه) تهران: شرکت انتشار و توسعه کتاب، بی تا.

- جعفریان، کلاغ زیرک (کلیله و دمنه) تهران: شرکت انتشار و توسعه کتاب، بی تا.

- جعفریان، صیاد و ماهی (کلیله و دمنه) تهران: شرکت انتشار و توسعه کتاب، بی تا.

- جعفریان، بوزینگان نادان (کلیله و دمنه) تهران: شرکت انتشارات و توسعه کتاب،

بی تا

- جعفریان، بوزینه و لاک پشت (کلیله و دمنه) تهران: شرکت انتشار و توسعه کتاب، بی.تا.

- جعفریان، شیر و شغال (کلیله و دمنه) تهران: شرکت انتشار و توسعه کتاب، بی.تا.

- جعفریان، زاهد و دزد (کلیله و دمنه) تهران: شرکت انتشار و توسعه کتاب، بی.تا.

- جعفریان، سیاح و مرد زیرک (کلیله و دمنه) تهران: شرکت انتشار و توسعه کتاب، بی.تا.

- جعفریان، روباه و مرد زیرک (کلیله و دمنه) تهران: شرکت انتشار و توسعه کتاب، بی.تا.

- خانلری، زهرا. افسانه سیمرغ. تهران: کتابهای جیبی، ۱۳۴۸.

- خانلری، زهرا. داستانهای دل انگیز ادبیات فارسی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران،

۱۳۴۶.

- دستوم، حسین بزغاله آوازهخوان. تهران: تهران لیات، ۱۳۶۳.

- دستوم، حسین. دادگاه حیوانات. تهران: تهران لیات، ۱۳۶۳.

- دستوم، حسین. روباه حقه باز. تهران: تهران لیات، ۱۳۶۳.

- دستوم، حسین. سه قصه از مرزبان نامه. تهران: لیات ۱۳۶۲.

- دستوم، حسین. سه قصه از مرزبان نامه. تهران: تهران لیات ۱۳۶۲.

- دستوم، حسین. موش و گربه. تهران: تهران لیات، ۱۳۶۳.

- دستوم، حسین. درس طوطی. تهران: قصه خونه، ۱۳۶۳.

دندهور

- رحماندوست، مصطفی. خاله خودپسند. تهران: یاسر، بی.تا.

- رویاء، پرند چه گفت. تهران: کانون، بی.تا.

- سازمان انتشارات ابتکار. آهو در طویله و شتر خوش باور. تهران: ابتکار. ۱۳۶۰.

- سازمان انتشارات کانون. تفرقه. تهران: کانون، ۱۳۵۸.

- شایسته، خسرو. افسانه‌های شیرین از روزگاران دیرین. اقتباس از بوستان. تهران:

سپیده، ۱۳۶۵.

- شعبانی، اسدالله. ماهیخوار حيله گر، تهران: شکوفه (امیرکبیر) ۱۳۶۲.

- صبحی مهدی، فضل الله. افسانه‌های کهن. تهران: امیرکبیر ۱۳۵۱.

- صبحی مهدی، فضل الله. حکایت‌های صبحی. حکایت‌های مثنوی. با صدای صبحی.

موسیقی اسماعیل واقفی. تهران: کانون پرورش فکری، ۱۳۵۶.

- صبحی مهتدی، فضل الله. عمونوروز. تهران: مصحفی جلال، ۱۳۴۵.
 - ضیائی. موش و گربه. تهران: نادری، ۱۳۶۵.
 - طاهباز، سیروس. حکایت مرد و دریا. نوشته و نقاشی اسماعیل سهی تهران: کانون. ۱۳۶۳.

- عالی پیام. م. الاغ عاقبت بخیر. تهران: گلبرگ، ۱۳۶۱.
 - عالی پیام. م. پهلوان پنبه (گلستان) تهران: گلبرگ، ۱۳۶۱.
 - عالی پیام. م. پهلوان فقیر (گلستان) تهران: گلبرگ، ۱۳۶۱.
 - عالی پیام. م. تیمور و مرد خال کوبیده (مثنوی). گلبرگ ۱۳۶۰.
 - عالی پیام. م. رفوگر ثروتمند (گلستان) تهران: گلبرگ، ۱۳۶۱.
 - عالی پیام. م. شفای مریض (گلستان) تهران: گلبرگ، ۱۳۶۲.
 - عالی پیام. م. طوطی زیرک (مثنوی) تهران: گلبرگ، ۱۳۵۹.
 - عالی پیام. م. قهرمان دانا دل (گلستان) تهران: گلبرگ، ۱۳۶۲.
 - عالی پیام. م. مرد حق ناشناس (گلستان). تهران: گلبرگ، ۱۳۵۹.
 - عالی پیام. م. معلم مقرراتی (گلستان). تهران: گلبرگ، ۱۳۶۲.
 - فرزانه دهکردی، رضا. داستانهای شاهنامه برای کودکان و نوجوانان. تهران: پدیده، ۱۳۵۴-۱۳۶۲.

- فروغی، محمدعلی. گلستان برای دبیرستانها. تهران: وزارت فرهنگ، ۱۳۱۹.
 - کانون پرورش فکری. عبدالرزاق پهلوان. تهران: کانون، ۱۳۵۷-۱۳۵۱.
 - کسرائی، سیاوش. آرش کمانگیر. تهران: کانون، ۱۳۵۰.
 - کشکولی، مهدخت. افسانه باران در ایران. تهران: انتشارات رادیو تلویزیون آموزشی، ۱۳۵۰.

- کیانوش، محمود. از کیکاووس تا کیخسرو. شبگیر. تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۴.
 - کیانوش، محمود. از کیکاووس تا کیخسرو سیاهی. تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۴.
 - کیانوش، محمود. از کیکاووس تا کیخسرو آفتاب. تهران: اداره نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۴.

- لزگی، حبیب الله. داستانهای کهن از ادبیات فارسی ۱. تهران: مؤسسه انجام کتاب،

۱۳۶۳.

- لزگی، حبیب‌الله. داستانهای کهن از ادبیات فارسی ۲. تهران: مؤسسه انجام کتاب،

۱۳۶۳.

- لزگی، حبیب‌الله. داستانهای کهن از ادبیات فارسی ۳. تهران: مؤسسه انجام کتاب

۱۳۶۳.

- لزگی، حبیب‌الله. داستانهای کهن از ادبیات فارسی ۴. تهران: مؤسسه انجام کتاب،

۱۳۶۴.

- مرتضوی کرونی، علیرضا. برگزیده حکایات گلستان، با شرح ابیات و واژه‌های دشوار. با مقدمه جلیل تجلیل. تهران: کانون فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۶۳.

- مرسته. افسانه‌هایی از شاهنامه. تهران: انتشارات پدیده ۱۳۴۷.

- مشرف آزاد تهرانی، محمود. جنگ ماه با فیله‌ها. (مثنوی) تهران: بی‌تا، ۱۳۶۳

- مشرف آزاد تهرانی، محمود. درخت زندگی. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵.

- مشرف آزاد تهرانی، محمود. زال و رودابه. تهران: کانون ۱۳۵۴.

- مشرف آزاد تهرانی، محمود. زال و سیمرغ. تهران: کانون ۱۳۵۱.

- مشرف آزاد تهرانی، محمود. سیمرغ و سی‌مرغ. تهران: فرزین بی‌تا.

- مشرف آزاد تهرانی، محمود. طوطی و بازرگان. تهران: ابتکار ۱۳۶۱.

- مشرف آزاد تهرانی، محمود. کاوه آهنگر. تهران: ایما، ۱۳۵۶.

- مشرف آزاد تهرانی، محمود. هفت خوان رستم. تهران: کانون ۱۳۵۵.

- مهربان، کورش. گردآفرید. تهران: کانون، ۱۳۵۲.

- میرزاییگی، ع. سفر دریایی (مثنوی). تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۱.

- نژد، محمد. برزو پسر سهراب. (شاهنامه) تهران: پدیده ۱۳۴۹.

- نعیمی ذاکر. م. طوقی. بی‌تا، بی‌تا، ۱۳۶۵.

- نعیمی ذاکر، م. مرغ ماهیخوار. تهران: شکوفه (امیرکبیر) ۱۳۶۳.

- واقفی، آخر. حکایت نان و حلوا. مترجم مهران شهیدی. تهران: نشر هنر، بی‌تا.

- دندهور، ابوالحسن. صیاد چگونه صید می‌شود. تهران: سی‌بی‌اس ۱۳۶۱.

- یارشاطر، احسان. برگزیده داستانهای شاهنامه. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب،

۱۳۵۳.

- یارشاطر، احسان. داستانهای ایران باستان. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب،
۱۳۴۴.

فهرست متون ادب رسمی

کتابنامه

- البخاری، محمد بن اسماعیل. *داستانهای بیدپای*. ترجمه محمد بن عبدالله البخاری به تصحیح پرویز ناتل خانلری و محمد روشن تهران: خوارزمی، ۱۳۶۱.
- اسکندرنامه*. با مقدمه و حواشی و تصحیح ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب. بی تا.
- اعتصامی، پروین. *دیوان قصاید و مثنویات و تمثیلات و مقطعات تهران: ابوالفتح اعتصامی، ۱۳۳۳.*
- تفرشی، ابراهیم بدیع‌الملک. *ملستان*. خط احمد بصیرت. تبریز: بی تا، ۱۳۲۱.
- جامی، عبدالرحمن بن احمد. ۸۱۷-۹۸۹ ه. ق. *بهارستان* نسخه اصل چاپ وین. چاپ افست. خرداد ۱۳۴۰. تهران: کتابفروشی مرکزی ۱۳۴۰.
- جامی، عبدالرحمن بن احمد. *مثنوی هفت اورنگ*. به تصحیح و مقدمه آقامرتضی مدرس گیلانی. کتابفروشی سعدی، ۱۳۳۷.
- جامی، مثنوی یوسف و زلیخا. تهران: شرکت نسبی علی اکبر علمی و شرکاء، ۱۳۲۵.
- حسینی فراهانی، میرزا علی اکبر خان. *جان جهان*. به خط محمدابراهیم قوام الکتاب. تهران: چاپخانه میرزا علی اصغر به اهتمام کتابخانه ایران، ۱۳۳۵ ه. ق.
- خواجوی کرمانی، ابوالعطا کمال الدین محمود بن علی بن محمود. *همای و همایون*. با تصحیح کمال عیسی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸.
- دهستانی، حسین بن اسعد. *فرج بعد از شلت*. با مقابله و تصحیح اسماعیل حاکمی. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۳ (۱۳۵۵) را مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی چاپ نموده است) ۳. ج.
- سعدالدین و راوینی. *مرزبان‌نامه*. تألیف مرزبان بن رستم بن شروین. اصلاح سعدالدین و راوینی در اواخر قرن هفتم. تصحیح و تخشیه محمد بن عبدالوهاب قزوینی. تهران: فروغی، ۱۳۶۳.
- سعدی، مصلح بن عبدالله. *بوستان سعدی* به کوشش نورالله ایران پرست. تهران، شرکت دانش، ۱۳۵۶.
- سعدی مصلح بن عبدالله. *گلستان سعدی* به کوشش نورالله ایران پرست. تهران: شرکت دانش. ۱۳۶۱.

صفی، فخرالدین علی، لطائف الطوائف. به سعی و اهتمام احمد گلچین معانی. تهران: شرکت نسبی اقبال و شرکاء، ۱۳۵۲-۱۳۳۶.

ظهیری سمرقندی، محمد بن علی. سندبادنامه. به اهتمام و تصحیح و حواشی احمد آتش. تهران: فرزانه، ۱۳۶۲.

عطار، محمد بن ابراهیم. الهی نامه. به تصحیح فواد روحانی. تهران: زوار، ۱۳۳۹.

عطار، محمد بن ابراهیم. مصیبت نامه. با مقدمه و شرح حال و تصحیح و مقابله با نسخ متعدده به اهتمام تقی حاتمی. تهران: کتابخانه مرکزی ۱۳۵۴.

عطار، محمد بن ابراهیم. منطق الطیر. به تصحیح و مقدمه و تعلیقات و حواشی جواد مشکور. تهران: کتابفروشی تهران، ۱۳۵۳.

عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر. نصیحت نامه یا قابوسنامه. تصحیح و مقدمه امین عبدالمجید بدوی. تهران: ابن سینا، ۱۳۴۲.

عوفی، محمد بن محمد. جوامع الحکایات و لوامع الروایات. به کوشش جعفر شعار. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی ۱۳۶۳.

فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه فردوسی. به تصحیح و مقابله و همت محمد رضائی، صاحب مؤسسه خاور. تهران: مؤسسه خاور ۱۳۱۲. ۵ ج.

فقیر شیرازی (معین الشریعه میرزا علی بن حاجی میرزا محمدباقر واعظ اصطهباناتی) ۱۲۹۶. خرابات. شیراز، ۱۳۴۷.

مجد خوافی. روضه خلد. با مقدمه محمود فرخ. تهران: ۱۳۴۵.

مجلسی، ملامحمدباقر محمدتقی. جواهر العقول یا پند اهل و دانش و هوش به زبان گربه و موش. اصفهان: نوبهار. بی تا.

مرزبان بن رستم بن شروین. مرزبان نامه. به اصلاح سعدالدین وراوینی در اوائل قرن هفتم هجری. به تصحیح و تخشیه عبدالوهاب قزوینی. تهران: فروغی، ۱۳۶۳.

مولوی، جلال الدین محمد بن محمد. مثنوی معنوی. با مقابله با پنج نسخه رینولدالین نیکلسن. تهران: علی اکبر علمی، بی تا.

نراقی، حاجی ملااحمد بن حاج ملااحمد بن حاج ملامهدی. مثنوی لسان الغیب مشهور به طاقدیس. تهران: (تاریخ و شماره ندارد) شماره دستی. ۱۰۷ ص.

نصرالله منشی، نصراله بن محمد. ترجمه کلیل و دمنه. تصحیح و توضیح مجتبی مینوی تهرانی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۱.

نظام الملك، حسن بن علی. سیر الملوك (سیاستنامه) به اهتمام هیوبرت دارك.
تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۴.
نظامی، الیاس بن یوسف. کلیات خمسہ نظامی گنجوی. شامل مخزن الاسرار، خسرو
و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر، شرفنامه و اقبالنامه با مقدمه دکتر معین فر. تهران:
زرین، ۱۳۶۲.

نظامی، الیاس بن یوسف. هفت پیکر. تهران: کتابهای جیبی، ۱۳۴۰.
یوسفی، غلامحسین. گزیده قابوسنامه. نوشته امیرعنصر المعالی کیکاووس بن
اسکندر بن قابوس. تهران: جیبی (امیرکبیر)، ۱۳۶۲.

فهرست منابع و مآخذ

- آرین پور، یحیی. از صبا تا نیما. تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی. تهران: جیبی (فرانکلین) ۱۳۵۵. ۲. ج.
- ابراهیمی، نادر. فارس‌نویسی برای کودکان. تهران: آگاه ۱۳۵۶.
- ارانسکی، ای.م. مقدمه فقه‌الغه ایرانی. ترجمه کریم کشاورز تهران: پیام، ۱۳۵۸.
- استعلامی، محمد. ادبیات دوره بیداری و معاصر. نمونه با تحلیل. تهران: توس، ۱۳۵۵.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی. زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه. تهران: ابن‌سینا، ۱۳۴۱.
- ایمن آهی، لیلی. توران خمارلو، ممدخت دولت‌آبادی. گنری در ادبیات کودکان. تهران: شورای کتاب کودک، ۱۳۵۲.
- براهنی، رضا. قصه‌نویسی. تهران: اشرفی، ۱۳۴۸.
- بنیاد شاهنامه فردوسی. مینوی و شاهنامه. تهران: بنیاد شاهنامه ۱۳۵۶.
- بهار، محمدتقی. سبک‌شناسی یا تطور نثر فارسی. تهران: پرستو ۱۳۳۷-۱۳۵۵. ۳. ج.
- جعفرنژاد، آتش. ۳۹ مقاله درباره ادبیات کودکان. تهران: شورای کتاب کودک، ۱۳۶۳.
- جعفری، محمدتقی. مولوی و جهان‌بینیها در مکتبهای شرق و غرب. تهران: بعثت، بی‌تا.
- چمبرز، دیوئی. قصه‌گویی و نمایش خلاق. ترجمه ثریا قزل‌ایاغ تهران: مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۶۶.
- حری، عباس. شیوه بهره‌گیری از کتابخانه. تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۵۶.
- خانلری، زهرا (کیا) راهنمای ادبیات فارسی. فرهنگ اعلام و اصطلاحات. تهران: ابن‌سینا، ۱۳۴۱.
- خانلری، زهرا (کیا) فرهنگ ادبیات فارسی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸.
- خمارلو (میرهادی) توران. دو گفتار. کتابخانه آموزشگاهی و نقش آن در ایجاد عادت به مطالعه. تهران: ۱۳۵۷.

رازانی، بهمن. پژوهشی اجمالی در زمینه ادبیات کودکان. تهران: شرق، ۱۳۵۵.
رجائی، احمدعلی. شاهنامه برای دریافت صله سروده نشده است. نسخه جداگانه از
یادنامه فردوسی. تهران: چاپ بهمن. بی تا.

رضازاده شفق، صادق. تاریخ ادبیات ایران برای دبیرستانها. تهران: وزارت فرهنگ،
۱۳۲۴.

زرین کوب، عبدالحسین. با کاروان حله. تهران: آریا. ۱۳۴۳.
زرین کوب، عبدالحسین. نقد ادبی جست و جو در اصول و روشها و مباحث نقادی با
بررسی از تاریخ نقد و نقادان. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۴. دو جلد.
ژیرار، دنی Girard Denis. زبان شناسی کاربردی و علم آموزشی زبان. به ترجمه
گیتی دیهیم، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵.

سامی، علی. نقش ایران در فرهنگ اسلامی. تهران: نوید، ۱۳۶۵.
سعدی، مصلح بن عبدالله. گلستان برای دبیرستانها. تهران: وزارت فرهنگ. ۱۳۱۹.
سعیدیان، عبدالحسین. دایره المعارف ادبی. ترجمه و تألیف سعیدیان. تهران:
امیرکبیر ۱۳۶۳.

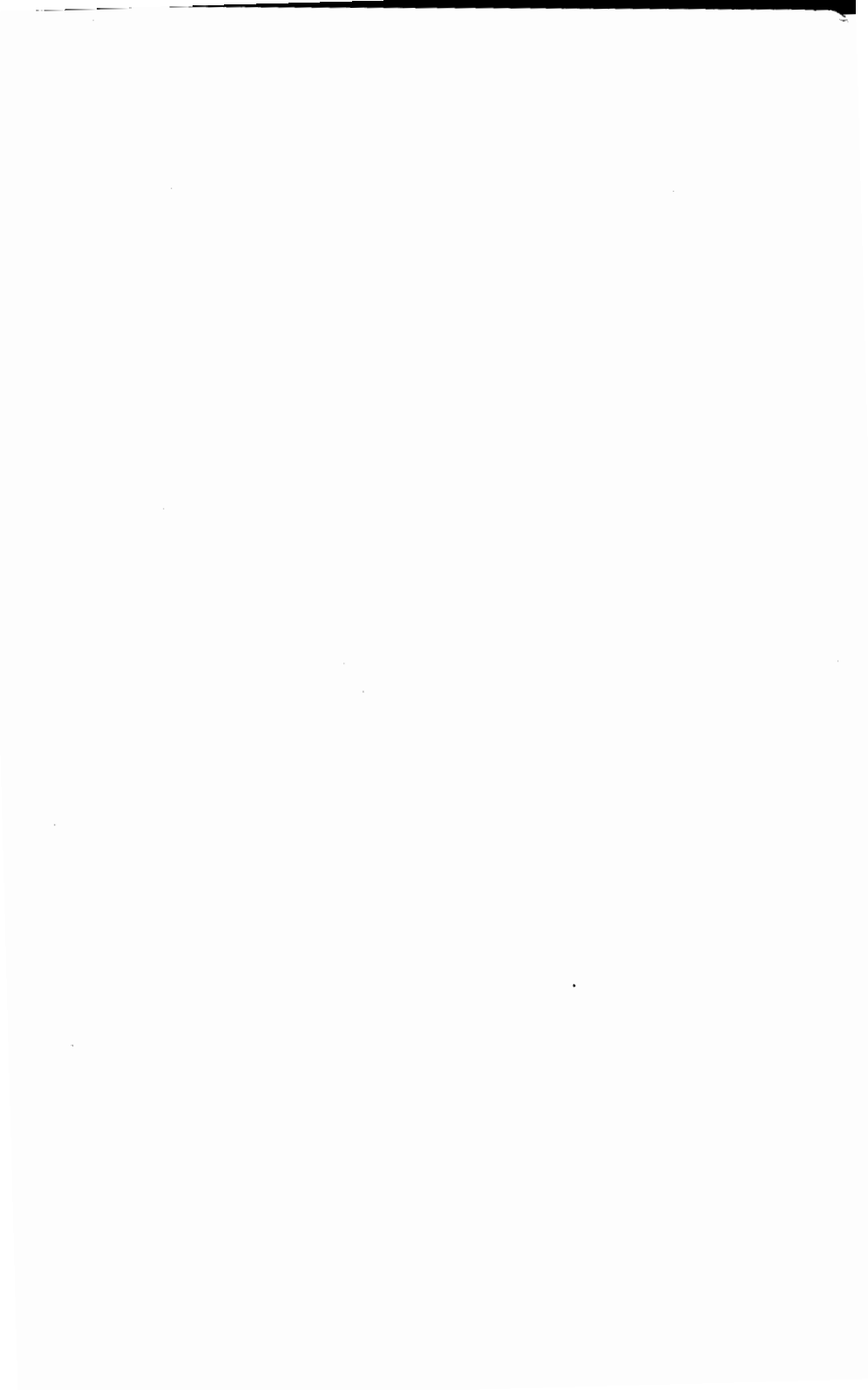
شورای کتاب کودک. نگاهی درباره ادبیات کودکان. تهران: شورای کتاب کودک.
۱۳۵۶.

صادقی، فرخ. استعاره يك مقاله برای کودکان. تهران: رز، ۱۳۵۶.
صادقی، فرخ. بررسی ادبیات کودکان. تهران: رز، ۱۳۵۷.
صفا، ذبیح الله. تاریخ ادبیات ایران. تهران: فردوسی، ۱۳۶۳. ۵ جلد ۷ قسمت.
صفا، ذبیح الله. حماسه سرایی در ایران از قدیم ترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم
هجری. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.

صفا، ذبیح الله. گنج سخن. شاعران بزرگ پارسی گوی و منتخب آثار آنان. تهران:
ابن سینا، ۱۳۴۰-۱۳۳۹. ۳ ج.
صفا، ذبیح الله. گنجینه سخن. پارسی نویسان بزرگ و منتخب آثار آنان. تهران:
امیرکبیر، ۱۳۶۳-۱۳۴۹.

صورتگر، لطفعلی. سخن سنجی. تهران: ابن سینا، ۱۳۴۶.
عباداللهی، داریوش. شش مقاله. هنر و اجتماع و مسائل کودکان به انضمام يك قصه.
تهران: حقیقت، ۱۳۵۴.

- فرشیدور، خسرو. درباره ادبیات و نقد ادبی. تهران: امیرکبیر ۱۳۶۳. ۲. ج.
- فروزانفر، بدیع الزمان. حادیت مثنوی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۷.
- فروزانفر، بدیع الزمان. مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- فروغی، محمدعلی، پیام من به فرهنگستان. تهران: پیام، ۱۳۵۴.
- فصلنامه کانون. دوره اول (۳ و ۴) زمستان ۵۴.
- فصلنامه کانون. دوره اول (۲) تابستان ۵۳.
- فصلنامه کانون. دوره دوم (۱) تابستان ۵۶.
- فصلنامه کانون. دوره دوم (۳ و ۴) اسفند ۵۶.
- کیانوش، محمود. شعر کودک در ایران. تهران: آگاه، ۵۵-۵۲.
- محبوب، محمدجعفر. انتخاب و انطباق منابع ادب فارسی برای تدوین کتابهای کودکان و نوجوانان. تهران: شورای کتاب کودک، ۱۳۵۶.
- محبوب، محمدجعفر. سبک خراسانی در شعر فارسی. بررسی مختصات سبکی شعر فارسی از آغاز ظهور تا پایان قرن پنجم. تهران: سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی، ۱۳۴۵.
- نامه انجمن کتابداران. دوره هشتم. (۲) تابستان (۱۳۵۴).
- هشتمین کنگره تحقیقات ایرانی. دفتر نخست، بیست و پنج خطابه به کوشش محمد روشن. بنیاد فرهنگستان ایران. ۱۳۵۷.
- کتابخانه‌های مورد مراجعه:
- کتابخانه تحقیقاتی شورای کتاب کودک.
- کتابخانه دانشکده صدا و سیما.
- کتابخانه دانشکده علوم تربیتی.
- کتابخانه اداره کل فعالیتهای فرهنگی (معاونت آموزشی) صدا و سیما.



دریسی	فرم ارائه	انتشارات	موضوع	کیفیت اثر
آفرینی	کتاب‌دنوار	ترجمه و نشر کتاب	حماسی	بسیار خوب
نویسی		ترجمه و نشر کتاب	»	خوب
وایت شعر		امیرکبیر	»	بسیار خوب
		نیلوفر	»	عالی
		کانون پرورش	»	خوب
		ایران رکورد	»	اجرا خوب
فرینی		رادیو تلویزیون آموزشی	فلسفی و دینی	عالی
		کانون پرورش فکری	حماسی	بسیار خوب
		ترجمه و نشر کتاب	»	بسیار خوب
		ترجمه و نشر کتاب	»	بسیار خوب
	پدیده	»	بد	
	پدیده	»	خوب	
		کانون پرورش	»	بسیار خوب
		بنیاد فرهنگ ایران	»	متوسط - خ
	فرینی	پدیده	»	بد - متوسط
		پدیده	»	خوب
کانون پرورش فکری		»	بسیار خوب	
کانون پرورش فکری		»	بسیار خوب	
ترجمه و نشر کتاب		»	بسیار خوب	
اداره کل نگارش فرهنگ و هنر		»	عالی	
اداره کل نگارش فرهنگ و هنر		»	عالی	
اداره کل نگارش فرهنگ و هنر		»	عالی	
پدیده		»	خوب	
کانون پرورش فکری		»	خوب	
کانون پرورش فکری	»	خوب		
نشر ایما	»	خوب بسیار خوب		
	کانون پرورش فکری	»	خوب	
	سازمان پژوهش	»	بسیار بد	
	شکوفه	حکمت پند	بسیار خوب	
	نشر هنر	»	بد	

جدول مادر

ردیف	عنوان متن بازنوشته	عنوان متن اصلی (زبان)	سال نشر بازنوشته	قرن و
۳۱	شهادت درخت	قابوسنامه	۱۳۶۳	ق. پنج
۳۲	حق و ناحق	سیاستنامه	۱۳۴۵-۶۴	ق. پنج
۳۳	اذان نابهنگام	سیاستنامه	۱۳۶۲	ق. پنج
۳۴	عدالت انوشیروان	سیاستنامه	۱۳۶۳	ق. پنج
۳۵	قصه‌های کلبله و دمنه	کلبله و دمنه	۱۳۳۶-۶۶	قرن ش
۳۶	پنج قصه موشها، گربه‌ها	کلبله و دمنه	۱۳۴۵-۵۰	قرن ش
۳۷	تفرقه	کلبله و دمنه	۱۳۵۸	» »
۳۸	صیاد چگونه صید می‌شود	کلبله و دمنه	۱۳۶۱	» »
۳۹	مرغ ماهیخوار	کلبله و دمنه	بی‌تا	» »
۴۰	دو کبوتر	» »	بی‌تا	» »
۴۱	شیر و خرگوش	» »	»	» »
۴۲	طوقی و صیاد	» »	»	» »
۴۳	روباه و خر	» »	»	» »
۴۴	موش و گربه	» »	»	» »
۴۵	شیر و شتر	» »	»	» »
۴۶	اردك و لاک‌پشت	» »	»	» »
۴۷	کلاغ زیرك	» »	»	» »
۴۸	صیاد و ماهی	» »	»	» »
۴۹	بوزینگان نادان	» »	»	» »
۵۰	بوزینه و لاک‌پشت	» »	»	» »
۵۱	شیر و شغال	» »	»	» »
۵۲	زاهد و نزد	» »	»	» »
۵۳	سیاح و مرد زرگر	» »	»	» »
۵۴	روباه زیرك	» »	»	» »
۵۵	روباه حقه‌باز	» »	»	» »
۵۶	ماهیخوار حيله‌گر	» »	۱۳۶۲	» »
۵۷	مرغ ماهیخوار	» »	۱۳۶۳	» »
۵۸	گرگ و شیر	» »	۱۳۶۳	» »
۵۹	طوقی	» »	۱۳۶۵	» »
۶۰	موش و آهن	» »	۱۳۶۵	» »

سال متن اصلی	بازنویس	نویسنده اصلی	مصور	گروه سنی	شیوه
بجم	لزگی، حبیب...	عنصرالمعالی	تجویدی، علی اصغر	سالهای آخر دبستان	بازآفرینی
بجم	آذریزدی، مهدی	خواجه نظام الملک	تجویدی،	سالهای آخر دبستان	روایت
بجم	پورحبیب، محسن	خواجه نظام الملک	مظاهری، علی	سالهای آخر دبستان	بازآفرینی
بجم	لزگی، حبیب...	خواجه نظام الملک	تجویدی، علی اصغر	سالهای آخر دبستان	بازنویس
ششم	آذریزدی، مهدی	نصرالله منشی	بهرامی، محمد	سالهای آخر دبستان	ساده نویس
ششم	آذریزدی، مهدی	نصرالله منشی	—	سالهای آخر دبستان	ساده نویس
	انتشارات کانون	نصرالله منشی	ستاره سنج	سالهای اول دبستان	ساده نویس
	وندور	نصرالله منشی	اسپهد، علیرضا	سالهای آخر دبستان	بازآفرینی
	آذریزدی، مهدی	نصرالله منشی	—	دبستان	ساده نویس
	جعفریان	نصرالله منشی	آراسته، ناصر	سالهای اول دبستان	ساده نویس
	جعفریان	نصرالله منشی	آراسته، ناصر	سالهای اول دبستان	ساده نویس
	جعفریان	نصرالله منشی	آراسته، ناصر	سالهای اول دبستان	ساده نویس
	جعفریان	نصرالله منشی	آراسته، ناصر	سالهای اول دبستان	ساده نویس
	جعفریان	نصرالله منشی	آراسته، ناصر	سالهای اول دبستان	ساده نویس
	جعفریان	نصرالله منشی	آراسته، ناصر	سالهای اول دبستان	ساده نویس
	جعفریان	نصرالله منشی	آراسته، ناصر	سالهای اول دبستان	ساده نویس
	جعفریان	نصرالله منشی	آراسته، ناصر	سالهای اول دبستان	ساده نویس
	جعفریان	نصرالله منشی	آراسته، ناصر	سالهای اول دبستان	ساده نویس
	جعفریان	نصرالله منشی	آراسته، ناصر	سالهای اول دبستان	ساده نویس
	جعفریان	نصرالله منشی	آراسته، ناصر	سالهای اول دبستان	ساده نویس
	جعفریان	نصرالله منشی	آراسته، ناصر	سالهای اول دبستان	ساده نویس
	جعفریان	نصرالله منشی	آراسته، ناصر	سالهای اول دبستان	ساده نویس
	دستوم، حسین	نصرالله منشی	—	سالهای قبل از دبستان	ساده نویس
	شعبانی، اسدا...	نصرالله منشی	فروغی	سالهای قبل از دبستان	ساده نویس
	نیممی، ذاکر	نصرالله منشی	صانعی، محمد	سالهای قبل از دبستان	ساده نویس
	خشایار،	نصرالله منشی	—	سالهای اول دبستان	ساده نویس
	نیممی، ذاکر	نصرالله منشی	تقوی، نیره	سالهای اول دبستان	ساده نویس

ردیف	عنوان متن بازنویشته	عنوان متن اصلی (زبان)	سال نشر بازنویشته	قرن و سال متن اصلی	بازنویس	نویسنده اصلی	مصور	گروه سنی	شیوه با
۳۱	شهادت درخت	قابوسنامه	۱۳۶۳	ق. پنجم	لژی، حبیب...	عنصر الممالی	تجویدی، علی اصغر	سالهای آخر دبستان	باز آفرینی
۳۲	حق و ناحق	سیاستنامه	۱۳۴۵-۶۴	ق. پنجم	آفریدی، مهدی	خواجہ نظام الملک	تجویدی،	سالهای آخر دبستان	روایت
۳۳	اذان نابهنگام	سیاستنامه	۱۳۶۲	ق. پنجم	پورحبیب، محسن	خواجہ نظام الملک	مظاهری، علی	سالهای آخر دبستان	باز آفرینی
۳۴	عدالت انوشیروان	سیاستنامه	۱۳۶۳	ق. پنجم	لژی، حبیب...	خواجہ نظام الملک	تجویدی، علی اصغر	سالهای آخر دبستان	باز نویسی
۳۵	قصه‌های کلیله و دمنه	کلیله و دمنه	۱۳۳۶-۶۶	قرن ششم	آفریدی، مهدی	نصر الله منشی	بهرامی، محمد	سالهای آخر دبستان	ساده نویسی
۳۶	پنج قصه موشها، گربه‌ها	کلیله و دمنه	۱۳۴۵-۵۰	قرن ششم	آفریدی، مهدی	نصر الله منشی	—	سالهای آخر دبستان	ساده نویسی
۳۷	تفرقه	کلیله و دمنه	۱۳۵۸	»	انتشارات کانون	نصر الله منشی	ستاره‌سج	سالهای اول دبستان	ساده نویسی
۳۸	صیاد چگونه صید می‌شود	کلیله و دمنه	۱۳۶۱	»	وندهور	نصر الله منشی	—	سالهای اول دبستان	ساده نویسی
۳۹	مرغ ماهیخوار	کلیله و دمنه	بی تا	»	آفریدی، مهدی	نصر الله منشی	اسپهبد، علیرضا	سالهای آخر دبستان	باز آفرینی
۴۰	دو کیوتر	»	بی تا	»	جعفریان	نصر الله منشی	—	دبستان	ساده نویسی
۴۱	شیر و خرگوش	»	»	»	جعفریان	نصر الله منشی	آراسته، ناصر	سالهای اول دبستان	ساده نویسی
۴۲	طوقی و صیاد	»	»	»	جعفریان	نصر الله منشی	آراسته، ناصر	سالهای اول دبستان	ساده نویسی
۴۳	روباه و خر	»	»	»	جعفریان	نصر الله منشی	آراسته، ناصر	سالهای اول دبستان	ساده نویسی
۴۴	موش و گربه	»	»	»	جعفریان	نصر الله منشی	آراسته، ناصر	سالهای اول دبستان	ساده نویسی
۴۵	شیر و شتر	»	»	»	جعفریان	نصر الله منشی	آراسته، ناصر	سالهای اول دبستان	ساده نویسی
۴۶	اردک و لاک‌پشت	»	»	»	جعفریان	نصر الله منشی	آراسته، ناصر	سالهای اول دبستان	ساده نویسی
۴۷	کلاغ زیرک	»	»	»	جعفریان	نصر الله منشی	آراسته، ناصر	سالهای اول دبستان	ساده نویسی
۴۸	صیاد و ماهی	»	»	»	جعفریان	نصر الله منشی	آراسته، ناصر	سالهای اول دبستان	ساده نویسی
۴۹	بوزینگان نادان	»	»	»	جعفریان	نصر الله منشی	آراسته، ناصر	سالهای اول دبستان	ساده نویسی
۵۰	بوزینه و لاک‌پشت	»	»	»	جعفریان	نصر الله منشی	آراسته، ناصر	سالهای اول دبستان	ساده نویسی
۵۱	شیر و شغال	»	»	»	جعفریان	نصر الله منشی	آراسته، ناصر	سالهای اول دبستان	ساده نویسی
۵۲	زاهد و نزد	»	»	»	جعفریان	نصر الله منشی	آراسته، ناصر	سالهای اول دبستان	ساده نویسی
۵۳	سیاح و مرد زرگر	»	»	»	جعفریان	نصر الله منشی	آراسته، ناصر	سالهای اول دبستان	ساده نویسی
۵۴	روباه زیرک	»	»	»	جعفریان	نصر الله منشی	آراسته، ناصر	سالهای اول دبستان	ساده نویسی
۵۵	روباه حقه‌باز	»	»	»	جعفریان	نصر الله منشی	آراسته، ناصر	سالهای اول دبستان	ساده نویسی
۵۶	ماهیخوار حیل‌گر	»	۱۳۶۲	»	دستوم، حسین	نصر الله منشی	—	سالهای اول دبستان	ساده نویسی
۵۷	مرغ ماهیخوار	»	۱۳۶۳	»	شعبانی، اسد...	نصر الله منشی	فروغی	سالهای قبل از دبستان	ساده نویسی
۵۸	گرگ و شیر	»	۱۳۶۳	»	نعمی، ذاکر	نصر الله منشی	صانعی، محمد	سالهای قبل از دبستان	ساده نویسی
۵۹	طوقی	»	۱۳۶۵	»	خشا‌یار،	نصر الله منشی	—	سالهای اول دبستان	ساده نویسی
۶۰	موش و آهن	»	۱۳۶۵	»	نعمی، ذاکر	نصر الله منشی	تقوی، نیره	سالهای اول دبستان	ساده نویسی

جدول ماحر

کیفیت اثر	موضوع	انتشارات	فرم ارائه	شیوه بازوبسی	گروه سنی	معمور	نویسنده اصلی	بازوبسی	قرون و سال‌های اصلی	سال نشر بازوبسته	عنوان متن اصلی (زبان)	عنوان متن بازوبسته	زبان	کیفیت اثر	نوع
خوب	داستانی	شکوفه	داستانی	ساده‌نویسی	سالهای اول دبستان	ضیائی	نصرت‌الله منشی	آذربای، مهدی	قرن ششم	۱۳۴۱-۷۵	سندبادنامه	کوک هوشیار	فارسی	متوسط	تاریخی
خوب - متوسط	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	بنیاد فرهنگ ایران	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	ساده‌نویسی	سالهای آخر دبستان	حسن شریف،	ظهرالله‌الدین..	خانلری، زهرا	»	۱۳۴۶	خسرو و شیرین	داستانهای دل‌انگیز ادبیات فارسی	فارسی	بسیار خوب	تاریخی
خوب - متوسط	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	بنیاد فرهنگ ایران	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	ساده‌نویسی و تلخیص	نوجوانان و جوانان	تصویر دارد	نظامی	خانلری، زهرا	»	۱۳۴۶	هفت‌پیکر	»	»	متوسط	تاریخی
خوب - متوسط	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	شکوفه	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	ساده‌نویسی و تلخیص	نوجوانان و جوانان	تصویر دارد	نظامی	آذربای، مهدی	»	۱۳۴۴-۵۰	»	»	»	متوسط	تاریخی
خوب - متوسط	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	بنیاد فرهنگ ایران	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	ساده‌نویسی	نوجوانان	تصویر دارد	نظامی	خانلری، زهرا	»	۱۳۴۶	»	داستانهای دل‌انگیز ادبیات فارسی	فارسی	بسیار خوب	تاریخی
متوسط	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	انجام کتاب	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	ساده‌نویسی	سالهای اول دبستان	تجربیدی	نظامی	آذربای، مهدی	»	۱۳۶۳	خسبه	»	»	بسیار خوب	تاریخی
متوسط	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی، سیاست	شکوفه	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی، سیاست	ساده‌نویسی	سالهای اول دبستان	پهرامی، محمد	ورائنی	آذربای، مهدی	قرن هفتم	۱۳۳۸-۷۵	مرزبان‌نامه	قصه‌های مرزبان‌نامه	فارسی	متوسط	تاریخی
بد	داستانی - حکمی - سیاست	تهران لیا	داستانی - حکمی - سیاست	ساده‌نویسی	سالهای اول دبستان	تصویر دارد	ورائنی	آذربای، محمود	»	۱۳۶۰	»	داستان موش و مار	فارسی	متوسط	تاریخی
بد	داستانی - حکمی - سیاست	تهران لیا	داستانی - حکمی - سیاست	ساده‌نویسی	سالهای اول دبستان	عربانی، احمد	ورائنی	دستوم، حسین	قرن هفتم	۱۳۶۳	مرزبان‌نامه	سه قصه از مرزبان‌نامه	فارسی	متوسط	تاریخی
بد	داستانی - حکمی - سیاست	تهران لیا	داستانی - حکمی - سیاست	ساده‌نویسی	سالهای اول دبستان	عربانی، احمد	ورائنی	دستوم، حسین	قرن هفتم	۱۳۶۳	»	موش و گربه	فارسی	بسیار خوب	تاریخی
بد	داستانی - حکمی - سیاست	تهران لیا	داستانی - حکمی - سیاست	ساده‌نویسی	سالهای اول دبستان	عربانی، احمد	ورائنی	دستوم، حسین	قرن هفتم	۱۳۶۳	»	برغاله آوازخوان	فارسی	متوسط	تاریخی
بد	داستانی - حکمی - سیاست	تهران لیا	داستانی - حکمی - سیاست	ساده‌نویسی	سالهای اول دبستان	عربانی، احمد	ورائنی	دستوم، حسین	قرن هفتم	۱۳۶۳	»	رواه و خروس	فارسی	بسیار خوب	تاریخی
بد	داستانی - حکمی - سیاست	تهران لیا	داستانی - حکمی - سیاست	ساده‌نویسی	سالهای اول دبستان	عربانی، احمد	ورائنی	دستوم، حسین	قرن هفتم	۱۳۶۳	»	دادگاه حیوانات	فارسی	بد	تاریخی
بسیار خوب	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	تهران لیا	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	ساده‌نویسی	سالهای اول دبستان	عربانی، احمد	ورائنی	دستوم، حسین	قرن هفتم	۱۳۶۳	»	باقعه داننده	فارسی	بد	تاریخی
بسیار خوب	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	اشرفی	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	ساده‌نویسی	سالهای آخر دبستان	تجربیدی،	دهستانی مؤیدی	آذربای، مهدی	قرن هفتم	۱۳۴۵-۷۴	فرج بد از شدت	سه دوست	فارسی	بد	تاریخی
بسیار خوب	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	انجام کتاب	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	ساده‌نویسی	سالهای آخر دبستان	تجربیدی،	دهستانی مؤیدی	پورحسین، محسن	قرن هفتم	۱۳۶۳	»	داستانهای کهن	فارسی	بد	تاریخی
متوسط	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	انجام کتاب	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	ساده‌نویسی	سالهای آخر دبستان	تجربیدی،	دهستانی مؤیدی	آذربای، محسن	قرن هفتم	۱۳۶۳	»	طیب ازاده	فارسی	بد	تاریخی
خوب - متوسط	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	انجام کتاب	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	ساده‌نویسی	سالهای آخر دبستان	مظاهری، ع	عوفی	آذربای، مهدی	قرن هفتم	۱۳۶۶	جوامع‌الحکایات	داستان سفر تجربه	فارسی	بد	تاریخی
خوب	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	شکوفه	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	ساده‌نویسی	سالهای آخر دبستان	صافی،	سندی	آذربای، مهدی	قرن هفتم	۱۳۵۲-۷۵	گلستان سعدی	گلستان سعدی	فارسی	بد	تاریخی
خوب	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	انجام کتاب	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	ساده‌نویسی	سالهای آخر دبستان	دریندی، قاسم	سندی	آذربای، مهدی	قرن هفتم	۱۳۶۲	»	شقای مرضی	فارسی	بد	تاریخی
متوسط	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	انجام کتاب	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	ساده‌نویسی	سالهای آخر دبستان	دریندی، قاسم	سندی	آذربای، مهدی	قرن هفتم	۱۳۶۲	»	پهلوان پنه	فارسی	بد	تاریخی
متوسط	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	انجام کتاب	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	ساده‌نویسی	سالهای آخر دبستان	دریندی، قاسم	سندی	آذربای، مهدی	قرن هفتم	۱۳۶۲	»	رفوگر ثروتمند	فارسی	بد	تاریخی
متوسط	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	انجام کتاب	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	ساده‌نویسی	سالهای آخر دبستان	دریندی، قاسم	سندی	آذربای، مهدی	قرن هفتم	۱۳۶۲	»	قهرمان دانا	فارسی	بد	تاریخی
متوسط	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	انجام کتاب	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	ساده‌نویسی	سالهای آخر دبستان	دریندی، قاسم	سندی	آذربای، مهدی	قرن هفتم	۱۳۶۲	»	معلم مقرراتی	فارسی	بد	تاریخی
متوسط	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	انجام کتاب	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی	ساده‌نویسی	سالهای آخر دبستان	دریندی، قاسم	سندی	آذربای، مهدی	قرن هفتم	۱۳۶۲	»	پهلوان فقیر	فارسی	بد	تاریخی
عالی	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی، سیاست	وزارت فرهنگ	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی، سیاست	ساده‌نویسی	سالهای آخر دبستان	تجربیدی،	سندی	آذربای، مهدی	قرن هفتم	۱۳۶۳	»	دو مسافر	فارسی	بد	تاریخی
بسیار عالی	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی، سیاست	کانون فرهنگ و هنر اسلامی	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی، سیاست	متن‌نویسی	راهنمایی - دبیرستان	—	سندی	فروغی،	قرن هفتم	۱۳۱۹	»	گلستان برای دبیرستانها	فارسی	بد	تاریخی
خوب	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی، سیاست	انجام کتاب	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی، سیاست	متن‌نویسی	سالهای آخر دبستان	تجربیدی،	سندی	مرفضی،	قرن هفتم	۱۳۶۳	»	برگزیده حکایات گلستان	فارسی	بد	تاریخی
خوب	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی، سیاست	سپیده	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی، سیاست	ساده‌نویسی	سالهای آخر دبستان	تجربیدی،	سندی	آذربای، مهدی	قرن هفتم	۱۳۶۳	»	داستانهای کهن از ادبیات فارسی	فارسی	بد	تاریخی
متوسط - خوب	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی، سیاست	بنیاد فرهنگ	داستانی، حکمی، تمثیلی، تاریخی، سیاست	ساده‌نویسی	نوجوانان و جوانان	—	سندی	خانلری، زهرا	قرن ششم و هفتم	۱۳۴۶	»	افسانه‌های شیرین (رد انتظار)	فارسی	بد	تاریخی

ردیف	عنوان متن بازنوشته	عنوان متن اصلی (زبان)	سال نشر بازنوشته	قرن و سال متن اصلی	بازنویس	نویسنده اصلی	مصور	گروه سنی	شیوه بازنویسی	فرم ارائه	انتشارات	موضوع	نقد و بررسی اثر	ردیف
۹۱	شیخ صنعان	منطق الطیر	۱۳۴۶	قرن ششم و هفتم	خانلری، زهرا	عطار	—	نوجوانان و جوانان	بازنویسی		بنیاد فرهنگ	داستانهای عرفانی با تمثیل فراوان	خوب، متوسط	۱۲۱
۹۲	دهکایت قصه‌های تازه از کتابهای کهن	منطق الطیر	۱۳۴۷-۴۷	قرن ششم و هفتم	آفریزی، مهدی	عطار	—	سالهای آخر دبستان - راهنمایی	بازنویسی	اشرفی	داستانهای عرفانی با تمثیل فراوان	داستانهای عرفانی با تمثیل فراوان	خوب، متوسط	۱۲۲
۹۳	پیر چنگی	مصیبت‌نامه	۱۳۴۷-۷۵	قرن ششم و هفتم	آفریزی، مهدی	عطار	مثنائی، فرشید	سالهای آخر دبستان - راهنمایی	بازنویسی	شکوفه	داستانهای عرفانی با تمثیل فراوان	داستانهای عرفانی با تمثیل فراوان	بسیار خوب	۱۲۳
۹۴	مگس و زنبور عسل	منطق الطیر عطار	۱۳۶۳	قرن ششم و هفتم	لزگی، حبیب‌ا...	عطار	تجویدی، ممیز	سالهای آخر دبستان - راهنمایی	ساده‌نویسی	انجام کتاب	داستانهای عرفانی با تمثیل فراوان	داستانهای عرفانی با تمثیل فراوان	متوسط	۱۲۴
۹۵	بقال و طوطی	مثنوی مثنوی	۱۳۴۳-۷۳	قرن هفتم	آفریزی، مهدی	مولوی	—	سالهای آخر دبستان - راهنمایی	ساده‌نویسی	شکوفه	داستانهای عرفانی با تمثیل فراوان	داستانهای عرفانی با تمثیل فراوان	بسیار خوب	۱۲۵
۹۶	داستانهای مثنوی	»	۱۳۴۳	قرن هفتم	بصیری، علی اکبر	مولوی	بی‌تصویر	سالهای آخر دبستان - راهنمایی	ساده‌نویسی	کتاب‌فروشی محمدی	داستانهای عرفانی با تمثیل فراوان	داستانهای عرفانی با تمثیل فراوان	خوب	۱۲۶
۹۷	مولانا قصه می‌گوید	»	۱۳۵۰	قرن هفتم	پویک	مولوی	دادخواه	سالهای آخر دبستان - راهنمایی	ساده‌نویسی	پدیده	داستانهای عرفانی با تمثیل فراوان	داستانهای عرفانی با تمثیل فراوان	متوسط	۱۲۷
۹۸	پرنده چه گفت	»	۵۷	قرن هفتم	رویا	مولوی	—	سالهای آخر دبستان - راهنمایی	ساده‌نویسی	کانون	داستانهای عرفانی با تمثیل فراوان	داستانهای عرفانی با تمثیل فراوان	بسیار خوب	۱۲۸
۹۹	طوطی زیرک	»	۱۳۵۹	قرن هفتم	عالی‌پیام	مولوی	دریندی، قاسم	سالهای اول دبستان	ساده‌نویسی	گلبرگ	داستانهای عرفانی با تمثیل فراوان	داستانهای عرفانی با تمثیل فراوان	بد	۱۲۹
۱۰۰	مرد حق‌ناشناس	»	۱۳۵۹	قرن هفتم	عالی‌پیام	مولوی	دریندی، قاسم	سالهای اول دبستان	ساده‌نویسی	گلبرگ	داستانهای عرفانی با تمثیل فراوان	داستانهای عرفانی با تمثیل فراوان	بد	۱۳۰
۱۰۱	خاله خودپسند	»	بی‌تا	قرن هفتم	رحماندوست، مصطفی	مولوی	ناطق‌پور، تجویدی	کودکان دبستان	ساده‌نویسی	یاسر	داستانهای عرفانی با تمثیل فراوان	داستانهای عرفانی با تمثیل فراوان	بسیار بد	
۱۰۲	تیمور و...	»	۱۳۶۰	قرن هفتم	ابتکار	مولوی	تجویدی، محمد	سالهای آخر دبستان	ساده‌نویسی	گلبرگ	داستانهای عرفانی با تمثیل فراوان	داستانهای عرفانی با تمثیل فراوان	بد	
۱۰۳	آهو در طویله خزان	مثنوی مثنوی	۱۳۶۰	»	مشرف آزاد	»	—	سالهای اول دبستان	ساده‌نویسی	ابتکار	داستانهای عرفانی با تمثیل فراوان	داستانهای عرفانی با تمثیل فراوان	بسیار بد	
۱۰۴	طوطی و بازگان	»	۱۳۶۱	»	میرزاییکی، ع	»	—	سالهای آخر دبستان	ساده‌نویسی	ابتکار	داستانهای عرفانی با تمثیل فراوان	داستانهای عرفانی با تمثیل فراوان	متوسط - بد	
۱۰۵	سفر دریائی	»	۱۳۶۱	»	عالی‌پیام، م	»	کلاتری، پرویز	»	»	امیرکبیر	مثنوی عرفانی، معانی عرفانی با تمثیل	مثنوی عرفانی، معانی عرفانی با تمثیل	بد	
۱۰۶	الاغ عاقبت‌بخیر	»	۱۳۶۱	»	لزگی، حبیب‌الله	»	تجویدی، محمد	»	»	گلبرگ	»	»	بد	
۱۰۷	قوچ سمندر مارگیر و ازدها	»	۱۳۶۳	»	دستوم، نازی	»	»	»	»	انجام کتاب	»	»	متوسط	
۱۰۸	درس طوطی	»	۱۳۶۳	»	مشرف‌آزاد تهرانی	»	عربانی، احمد	سالهای اول دبستان	»	قصه خونه	»	»	بد	
۱۰۹	جنگ ماه با فیله‌ها	»	۱۳۶۳	»	طاهباز، سیروس	»	ایمن، اسدالله	سالهای پایان دبستان	»	—	»	»	خوب	
۱۱۰	حکایت مرد و دریا	»	۱۳۶۳	»	مشرف‌آزاد تهرانی	»	اسماعیل سهی	سالهای پایان دبستان و..	بازآفرینی	کانون	»	»	خوب	
۱۱۱	درخت زندگی	»	۱۳۶۵	»	شمس تبریزی	شمس تبریزی	درفشه، منوچهر	دوره راهنمایی	»	آموزش انقلاب اسلامی	»	»	متوسط	
۱۱۲	اصل موضوع	مقالات شمس تبریزی	۱۳۴۵-۴۶	»	آفریزی، مهدی	خواجوی کرمانی	تجویدی	سالهای آخر، د، و راهنمایی	»	اشرفی	بنیاد فرهنگ	به تقلید خمسه نظامی عاشقانه	خوب	
۱۱۳	همای و همایون	همای و همایون	۱۳۴۶	»	خانلری، زهرا	جامی، نورالدین	—	»	ساده‌نویسی	»	»	»	متوسط - خوب	
۱۱۴	یوسف و زلیخا	یوسف و زلیخا	۱۳۴۶	قرن نهم	خانلری، زهرا	صادقی، علی اکبر	—	نوجوانان و جوانان	»	مؤسسه انجام کتاب	»	»	خوب	
۱۱۵	داستانهای کهن ادبیات فارسی (۴)	لطف‌الطوائف	۱۳۴۶	قرن دهم	لزگی، حبیب‌الله	صفی، فخرالدین	تجویدی	سالهای آخر، د، و راهنمایی	»	اشرفی	»	لطف و ظرافت، قصص فوائد تاریخی	متوسط	
۱۱۶	پنج افسانه	اسکندرنامه و جواهر العقول	۱۳۴۵-۵۰	قرن ششم تا دهم	آفریزی، مهدی	—	—	»	»	شکوفه	افسانه‌های حیوانی	خوب - متوسط	خوب	
۱۱۷	گلستان و ملسان	روضه خلد	۱۳۵۲-۷۵	قرن هشتم	آفریزی، مهدی	خوافی، مجدالله	صادقی، علی اکبر	»	»	شکوفه	نظیره گوئی بر گلستان	خوب	خوب	
۱۱۸	سه گاو رنگی	»	۱۳۶۳	قرن هشتم	دستوم، حسین	»	بالتشیر	سالهای اول دبستان	»	قصه خونه	»	»	بد	
۱۱۹	گلستان و ملسان	بهارستان	۱۳۵۲-۷۵	قرن نهم	آفریزی، مهدی	جامی، نورالدین	صادقی، علی اکبر	سالهای آخر، د، و راهنمایی	»	شکوفه	»	»	»	
۱۲۰	گلستان و ملسان	خرابات	۱۳۵۲-۷۵	قرن سیزده	»	فقیر شیرازی	»	»	»	شکوفه	»	»	»	

جدول ماهر

عنوان متن	عنوان متن بازنویشته	عنوان متن اصلی (زبان)	سال نشر بازنویشته	قرن و سال متن اصلی	بازنویس	نویسنده اصلی	مصور	گروه سنی	شیوه بازنویسی	قسمت ارائه	انتشارات	موضوع	کیفیت اثر
»	»	مسلطان	۱۳۵۲-۶۵	ق. ۵۱۳۱۰	»	تفرشی، ابراهیم	»	»	»	»	شکوفه	»	»
»	»	خارستان	۱۳۵۲-۶۵	ق. ۵۱۳۲۰	»	قاسمی، کرمانی	»	»	»	»	شکوفه	»	»
»	»	جان جهان	۱۳۵۲-۶۵	ق. ۵۱۳۲۹	»	حسینی خرابانی	»	»	»	»	شکوفه	»	»
ده حکایت	دانشنامه‌های کهن ادبیات فارسی ۴	حلاق‌نویس	۱۳۴۵-۴۷	قرن سیزده	»	نراقی	»	»	»	»	انشرقی	افسانه‌های حیوانی	»
عمونوزوز	دانشنامه‌های کهن	دیوان پروین اعتصامی	۱۳۶۴	مناصر	لژی، حبیب‌الله	پروین اعتصامی	تجربگی	»	»	»	مؤسسه انجام کتاب	پند و حکمت بزبان شعر مثنویات و تمثیلات	»
۱۳۶	۱۳۶	مثنوی مولوی	۱۳۴۵	قرن هفتم	صبحی	مولوی	—	سالهای پایان دبستان	از نظم به نثر	نوارکاست	مصحفی، جلال	داستانهای عرفانی	»
۱۳۷	۱۳۷	مثنوی مولوی	۱۳۵۱	قرن هفتم	»	»	وزیر مقدم	»	ساده‌نویسی	»	امیر کبیر	»	»
۱۳۸	۱۳۸	مثنوی مولوی	۱۳۵۶	قرن هفتم	»	»	»	سالهای اول دبستان	»	»	کانون پرورش	عرفانی	»
۱۳۹	۱۳۹	منطق الطیر	۱۳۴۸	قرن ششم و هفتم	خانلری، زهرا	عطار	زین‌کاک	سالهای اول و پایان دبستان	»	»	جیبی - فرانکلین	عرفانی	»
۱۴۰	۱۴۰	منطق الطیر	بی‌تا	قرن ششم و هفتم	مشرف‌آزاد	»	دادخواه	سالهای پایان دبستان	»	»	فرزین	عرفانی	»

توضیح اینکه: آثاری که به یکی از متون ادب رسمی، مشخصاً ارجاع نداده و براساس یک منبع موهوم ادعای بازنویسی کرده‌اند پس از بررسی، کنار گذاشته شد.

ع: ع	کیفیت اثر
میل فراوان	خوب - متوسط
میل فراوان	خوب - متوسط
میل فراوان	بسیار خوب
میل فراوان	متوسط
میل فراوان	بسیار خوب
میل فراوان	خوب
میل فراوان	متوسط
میل فراوان	بسیار خوب
میل فراوان	بد
میل فراوان	بد
میل فراوان	بسیار بد
میل فراوان	متوسط - بد
میل فراوان	بد
میل فراوان	بد
میل فراوان	متوسط
میل فراوان	بد
میل فراوان	خوب
میل فراوان	خوب
میل فراوان	عالی
میل فراوان	متوسط
میل فراوان	متوسط - خوب
میل فراوان	خوب - متوسط
میل فراوان	خوب
میل فراوان	بد
میل فراوان	»
میل فراوان	»

فانی با تمثیل